

دستورِ زبانِ ترکی آذربایجان

با توضیحاتِ فارسی

بخش تکمیلی جلد اول ، ۱ سوم

Fars,ca

AZərbaycan

TÜRK

DİLBİLGİSİ

birinci cild,in təkmlı : üçüncü çap

این کتاب را می توان از ادرس الكتريك زیر مجاني دونلود کرد :

www.az-dili.com

لطفاً نظرات تکمیلی و انتقادی خود را به ادرس زیر ارسال کنید:

Ali.Mohammadi@az-dili.com

نویسنده علی محمدی (و نیلی)

توضیحات مقدماتی :

(۱) پیش فتر :

- خواننده رami ، نظر بر این بود که این کتاب در وهله اول کلاً به زبان ترکی بـا برسد ، اما بعداً تغییر نظر داده و بـا آن را با توضیحات فارسی ضروری دانستم ، را که متأسفانه هموطنانمان از یاد یری زبان ترکی و مادری خود محروم و بی بهره اند ، اکثر کسانی که با سوادند جبراً تنها به نوشتن و خواندن زبان فارسی آشنائی دارند. ...

شعری از ابولقاسم حسین زاده : [اتا سوزو]:

ارمیت کالدیر یئمک اۆلمور هر سۆزو ا ییب دئمک اۆلمور ...

انلایانا بیرجه میلک سازدیر ، انلامایانا زورنا - قوالدا ازدیر ...

- با وجودی که مدت زیادی از بـا اول و دوم این کتاب می گذرد، متأسفانه بخاطر رفتاریهای مختلف کار و زند ی ، هنوز موفق به اماده کردن جلد دوم و جلد ترکی ان نشده ام.

- بعد از بـا اول همین کتاب ، عده ای از خوانند ان محترم ، بوسیله تلفن و یا نامه بـا ان را تبریک فته و بعضی از انان نیز بعد از تعریف و تشویق ، نظرات انتقادی خود را که عمدتاً به فشرده و نا روشن بودن مطالب ان [بویه در بخش اول کتاب و همانا به در هم و برهم بودن بخشهای مختلف ان بوده است] بیان کرده اند. در این رابطه همه جانبه ترین نظریه انتقادی را مرحوم آقای دکتر زهتابی، در نامه ای که جنبه تشویق نیز داشته (نامه وی در انتهای کتاب درج می شود) ، ذکر کرده است.

با در نظر رفتن مطالب مطروحه و راهنمائی های خوانند ان محترم ، تصمیم بر این شد که این کتاب به بخشهای جدا مانه تجزیه شود و هر بخش ان با توضیحات و مثالهای بیشتری که به اسانی قابل فهم و یاد یری باشد ، مجدداً به زبان فارسی بـا برسد.

- محتوی مطالب این کتاب همانند بـا اول ان می باشد ، ولی با توضیحات ، مثالها ، نقل قولها و اشعاری که از شعرای اذربایجان به ان افزوده شده ، بدین سان حجم ان بیش از سه برابر بـا اول و دوم شته است، در نتیجه این کتاب به یک خود آموز دستور زبان ترکی اذربایجان مبدل شده است.

- به امید اینکه شما خوانند ان محترم ، نظریات انتقادی و همانا نارسائی هایی که به نظرتان می رسند ، به اطلاع من برسانید و بدین وسیله برای بهتر و کامل ترشدن بـا ترکی ان به من یاری برسانید .

۲) سخنی در رابطه با ۱ کتاب :

در ۱ اول این کتاب ، دیوان ترکی فضولی ، اشعار علی اکبر صابر طاهرزاده (هو هو نامه) ، کتاب اصلی ایله کرم ، اشعار واحد ، کتاب دستور زبان وهاب زاده ، کتاب درسی و دستوری ترکی استانبولی به زبان المانی از آقای دکتر اُتوایشیس و دکتر بلما امیرجان و کتاب درسی الووِتکلی ون ایدین را در دسترس داشته و مورد استفاده قرار داده بودم که متأسفانه در ۱ کتاب ، درج اسامی آنان از یاد رفته بود. (۱)

بعد از ۱ اول ، کتابهای زیادی خریداری و همانا به کتابخانه دانش‌آه مونیخ (بخش تورکولوکی ، ترک شناسی) که در آن کتابهای مختلفی به زبان ترکی ، منجمله ترکی اذربایجان و فارسی ناهرداری می‌شود دسترسی پیدا کرده و از مطالب و شیوه کار آنها نیز در این ۱ بهره برداری کرده‌ام.

در این ۱ ، از اشعار شعرای مختلف اذربایجان استفاده شده که اسامی آنها در بخشهای مختلف همین کتاب در کنار قطعه شعرشان درج شده است ، اشعار بعضی از شعرائی نیز درج شده که کتاب آنها در دسترس من نبوده ، ولی آنها را از کتابهای آقای دکتر هیئت بنام اذربایجان ادبیات تاریخینه بیر باخیش [در دو جلد] و یا از کتاب آقای یحی شیدا بنام ادبیات اوجاغی ، رونویسی و به اسم خود شعرا درج کرده‌ام ؛ درج این اشعار ، بمنظور قدردانی از خدمات آنان برای فرهنگ مردم و هم نین برای بهره برداری از آنها بعنوان اثر تاریخی ، هم نین برای متنوع کردن مطالب و همانا برای نشان دادن صحت مطالب و... در نظر رفته شده است.

در تنظیم این کتاب (۱ سوم) ، از شیوه کار و مطالب کتابهای دستور زبان زیر نیز استفاده شده است : معاصر ادبی اذری دیلی از دکتر زهتابی ، مبانی دستور زبان اذربایجان [در دو جلد] از دکتر محمد علی فرزانه ، انا دیلی ، از ابراهیم رف رف ، کتاب رامی قاسم حسن اُف - کامیل علیوف فریدون جلیل اف و کتاب دستوری لهجه ترکی استانبولی از آقای دکتر محمیت هئنفیرمان بنام تۆرکجه دیل ییل یسی در سال دو هزار . در آماده کردن ۱ اول این کتاب ، دوستان عزیز منجمله آقای دکتر عباد میرزا اوف ، و... به من یاری رسانده اند. بدین وسیله از علاقه و زحمات آنان و سایر دوستان عزیز قدر دانی کرده و با صمیم قلب تشکر می‌کنم .

(۱) در ۱ خارج ، اشتباه از خود من بود ؛ این اشتباه را قبل از ۱ تهران تلفنی با مسؤل ۱ در میان گذاشتم و خواهش کردم که آن را اصلاح کند ؛ ولی وی نیز در ۱ کتاب آن را فراموش کرده بود .

۳) در رابطه با ریشه زبان ترکی :

a) ریشه اولیه زبان ترکی :

زبان ترکی ، زبان منشعب شده از زبانهای التای و اورالی می باشد. مهمترین زبانهایی که اساس و ریشه اولیه آنها را به زبانهای التای و اورالی نسبت می دهند به شکل زیر می باشند :

| زبانهای زنده و رسمی در اروپا : | زبانهای زنده و رسمی در اسيا: |
|--------------------------------|------------------------------|
| زبان فنلاندی | زبان انی |
| زبان مجاری | زبان مغولی |
| زبانهای وُلکائی | زبان کره یی |
| زبان اِسلندی | زبان مندوری |
| و... | زبانهای مختلف ترکی |

– توجه شود که بعضی از زبانهای اسکموئی در اسيا و همانا بعضی از زبانهای سرخ
 بوستان قاره امریکا نیز جزء روه مذکور شمرده می شوند.

b) زبان ترکی به لهجه های مختلف تقسیم می شود.

– بخشی از لهجه های زبان ترکی به شکل زیر می باشند :

| | | | |
|----------------|----------------|----------------|--------------------------|
| ترکی کاتارتائی | ترکی التائی | ترکی تاتاری | ترکی ترکیه (استانبولی) |
| ترکی یاقوتی | ترکی بالکانی | ترکی قیرقیزی | ترکی اذربایجانی |
| ترکی اوغورشرقی | ترکی ملداوی | ترکی باشقورتی | ترکی ازبکی |
| ترکی جوواشی | ترکی هاکازی | ترکی قارا کالی | ترکی ترکمنی |
| ترکی قبرسی | ترکی قارا مائی | ترکی تاوائی | ترکی اوغوری |
| ترکی نوقائی | ترکی تاوائی | ترکی داغیستانی | ترکی قازاقی |

و...

۳) مقدمه :

- در این کتاب همراه خط عربی از خط لاتین نیز استفاده شده است زیرا الفبای عربی که الفبای ترکی نیز از آن گرفته شده ، نه تنها برای توضیح و صرف افعال زبان ترکی نارسا است، بلکه مشکلاتی نیز برای نوشتن و خواندن صحیح و آموزش سریع آن بیار می‌آورد ، را که بعضی از حروف الفبای عربی و بویه حروف صدادار آن با حروف الفبای ترکی هماهنگی ندارند. مثلاً برای فهماندن حرف اَ ، آن را در اول کلمه به شکل اَ ، اِ ، اُ ، در وسط کلمه به شکل ه و یا به شکل ـِ همزه و در آخر کلمه به شکل ئه ، ه می‌نویسند و هم نین حروف ö, u, ü, o را به شکل او ، اؤ ، ؤ ، و ، او ، ئو ، عو ، أ ، و... مورد استفاده قرار می‌دهند که هیچ کدام آنها با اصوات حروف ترکی هماهنگی کامل ندارند.

- در زبان ترکی آذربایجان نه (۹) حرف صدادار موجود است که آنها نزدیک به پهل درصد ساختمان و ترکیب این زبان را تشکیل می‌دهند.

- زبان ترکی علاوه بر حروف صدادار حروف دیریه هم دارد که زبان عربی آن را ندارد ، (مثل : ، ، ،) و زبان عربی نیز حروفی دارد که مورد استفاده ترک زبانها نمی‌تواند قرار گیرد. (برای مثال در مقابل ز ، ذ ، ض ، ظ يك Z ز بیان می‌شود.)

- بنظر می‌رسد استفاده از خط لاتین همراه خط عربی میتواند کمک زیادی به آموزش سریع و نوشتن صحیح زبان ترکی باشد.

- در این کتاب ترجمه لغت به لغت بعضی از جملات ترکی به زبان فارسی مفهوم واقعی آنها را نمی‌رساند بنا بر این از واژه‌های و جملات استفاده می‌شود که مفهوم مترادف با آنها را بیان می‌کنند.

- برای بعضی از واژه‌های دستوری که از لحاظ مضمون تفاوت‌هایی با واژه‌های فارسی دارند توضیحاتی در آغاز مطلب ذکر شده داده می‌شود. مثال :

مصدر ، فعل ، فعل آینده نزدیک و ماضی و...

فهرست مطالب :

| عنوان بخشهای مختلف | شماره صفحه |
|----------------------------------|------------|
| توضیحات مقدماتی : | |
| (۱) پیش گفتار : | ۱ |
| (۲) سخنی در رابطه با کتاب : | ۲ |
| (۳) در رابطه با ریشه زبان ترکی : | ۳ |
| (مقدمه : | |
| (فهرست کتاب | |

بخش یکم

| | |
|---|----|
| (۱) توضیحات در رابطه با الفباء : | ۹ |
| (۲) حروف و الفباء ترکی اذربایجان : | ۱۰ |
| (۳) شیوه بیان حروف ترکی اذربایجان : | ۱۲ |
| (اسامی الفباء و وزن نامیدن آنها : | ۲ |
| (ویه های الفبای عربی در زبان ترکی اذربایجان : | ۲ |
| (عدم هموائی الفبای عربی با حروف زبان ترکی اذربایجان : | ۳ |
| (۷) الفبای لاتین و وزن هموائی آنها با حروف زبان ترکی و... : | ۳ |

بخش دوم

| | |
|---|---|
| (۱) حروف و تجزیه آنها در ترکیب کلمه : | ۷ |
| (۲) طریقه ترکیب سیلاب و کلمه و هجی کردن آنها : | ۹ |
| (۳) در زبان ترکی اذربایجان حروف در ترکیب کلمه و سوند و... : | ۳ |
| (وزن تفاوت دهند تن صدای حروف و اصول هماهنگی : | ۷ |
| (حروف صدا دار و تجزیه آنها... : | ۰ |
| (حروف صدا دار فعال و نحوه بکار گیری آنها .. : | ۳ |
| - هماهنگی کوک : : | |
| - هماهنگی بزر : : | ۹ |
| (۷) نحوه بکار گیری حروف در ترکیب کلمه و سوند : | ۷ |

فهرست مطالب :

عنوان بخشهای مختلف - شماره صفحه

| | |
|----|---|
| ۸ | (۸) حروف بی صدا و تقسیم بندی آنها به دو گروه ضعیف و قوی |
| ۸ | - حروف بی صدای قوی : |
| ۸۷ | - حروف بی صدای ضعیف : |

بخش سوم :

| | |
|-----|-----------------------|
| ۹ | (۱) کلمه : |
| ۱۰۷ | (۲) اسم : |
| ۱۲ | (۳) اسم و علائم جمع : |
| ۱۳۲ | (فاعل : |
| ۱۳ | (اسم فاعلی : |
| ۱۳۸ | (مصدر : |
| ۱ | (۷) اسم مصدری : |

بخش چهارم :

| | |
|-----|------------------------------------|
| ۱ ۷ | (۱) ضمائر منفصل شخصی: |
| ۱ ۹ | (۲) ضمائر متصل شخصی : |
| ۱ . | (۳) طریقه صرف کلمات با فعل ایملک : |
| ۱ | (ضمائر نامشخص شخصی : |
| ۱ | (ضمائر اشاره ای : |
| ۱ ۷ | (ضمائر انعکاسی و فرمهای مختلف ان : |

بخش پنجم

| | |
|-----|---|
| ۱۷۲ | (۱) اسم و حالت های تصریفی ان : |
| ۱۷۸ | (۲) ضمائر شخصی در حالت های تصریفی : |
| ۱۸۰ | (۳) وزن ی بکار گیری و عملکرد حالت های تصریفی اسم و ضمیر در جمله : |
| ۱۸۳ | (حالت مفعول با واسطه در (ده، دا) با اسم و ضمیر و کلمه ربطی کی . |
| ۱۸۹ | (سونند ملکی و عملکرد ان : |
| ۱۹ | (سونند ملکی و وزن ی تکرار ان در ترکیب اسم و اسم نسبت داده شده: |

فهرست مطالب :

عنوان بخشهای مختلف - شماره صفحه

- ۷) اسمی که آخرین حرف ان صدا دار باشد با يك حرف س صرف می شود: ۲۰۱
- ۸) سوند ملکی در ترکیب با کلمات تك سیلابی : ۲۰۳
- ۹) سوند ملکی و حذف ان در محاوره از اسم نسبت داده شده : ۲۰
- ۱۰) مخفف شدن سوند ملکی از اسمی که آخرین حرف ان صدا دار می باشد : ۲۰
- ۱۱) سوند ملکی همراه اسم باحالت مفعول با واسطه در و کلمه ربطی کی : ۲۰۹
- ۱۲) تغییر سوند اسم نسبت داده شده به دوم و سوم شخص مفرد : ۲۱۲

بخش ششم : صرف حالت های تصریفی ضمائر اشاره ای و انعکاسی

- ۱) صرف حالت های تصریفی ضمائر اشاره ای : ۲۱۹
- ۲) حالت های تصریفی ضمیر انعکاسی اؤزوم : ۲۲۲
- ۳) تکرار ضمیر انعکاسی اؤزوم همراه سوند ملکی و کلمه ربطی کی : ۲۲۹
- (ضمیر انعکاسی کند : ۲۳۰
- (ضمیر انعکاسی بیله : ۲۳۱
- (ضمیر انعکاسی اؤز ۛ özgə : ۲۳۲
- ۷) ضمیر انعکاسی باشقا başqa : ۲۳
- ۷) کلمه بیر بعنوان ضمیر مشخص و نام مشخص عددی در فرم کلمه انعکاسی : ۲۳

- ۷) بخش هفتم : ۱) کلمات تعلقات ملکی همراه با اضافه (ضمیر) ملکی : ۲۳۹
- ۲) کلمه وار ، یؤخ با سوند ملکی : ۲۳

۸) بخش هشتم ؛ کلمات مختلف وصفی، قیدی و ربطی و سوندی :

- ۱) صفت و انواع ان : ۲۱
- ۲) قید و انواع مختلف ان : ۲۹
- ۳) حروف اضافی (قید و یا صفت اهلیت) ، لی (li) : ۲۷
- (قید علت و سوال و... : ۲۷۷
- (کلمات ربطی و علائم و حروف مختلف ربطی : ۲۸۹
- (حروف ربطی له ، لا و حروف اضافی اینن : ۳۰۰
- حروف ربطی ده ، دا و جه ۛ cə (علامت مخصوص زبان) : ۳۱۰

فهرست مطالب

| عنوان بخشهای مختلف | شماره صفحه |
|---|------------|
| (۷) سوند و اصول بکارگیری ... : | ۳۱۳ |
| (۸) کلمات و علائم نفی و میانوندی ها و ... : | ۳۱ |
| (۹) بخش نهم (فعل انواع مختلف فعل): | |
| (۱) فعل کامل و ناکام و سوند صرفی و یا فعل ایملک : | ۳۲۳ |
| (۲) صرف فعل در زمان حال : | ۲۲۹ |
| (۳) صرف فعل مصدری در زمان حال : | ۳۳۸ |
| (صرف فعل در زمان آینده نزدیک : | ۳ ۳ |
| - مفاهیم دی ر فعل آینده نزدیک : | ۳ . |
| (صرف فعل به شکل امری : | ۳ |
| - تغییر ترکیب فعل در صرف: | ۳ . |
| (صرف فعل آینده دور : | ۳ |
| (۷) فعل فاعلیت صفتی : | ۳۷. |
| (۸) فعل در لحظه آغازین کار : | ۳۷ |
| (۹) فعل از آغازین کار . | ۳۸. |
| (۱۰) فعل تا انتهای کار : | ۳۸ |
| - فعل فاعلیت صفتی در فرم صفت ، اسم و حالت های تصریف اسم : | ۳۸۸ |
| (۱۱) فعل کمکی و فرم های مختلف آن : | ۳۹۱ |
| (۱۲) فعل التزامی و فرم های مختلف آن : | ۲۷ |
| (۱۳) فعل ارزویی : | ۱۸ |
| (۱) فعل امری ارزوی و ... : | ۳ |
| (۱) فعل شرطی و فرم های مختلف آن : | ۳ |
| - فعل شرطی غیر واقعی و نحوه صرف آن : | ۳ |
| (۱) فعل شرطی واقعی در زمان حال ، آینده نزدیک و دور : | ۱ |
| (۱۷) فعل مجهولی و فرم های مختلف آن : | ۳ |

(۱) توضیحات در رابطه با الفباء :

چهار حرف صدادار o, u, ü, ö ، با الفبای عربی به شکل اؤ، او، و، ئو، مورد استفاده قرار گرفته شده که اصوات هي کدامی انها با اصوات و اواهای حروف زبان ترکی هممانی و هم اوائی کامل نداشته است.

– بنظر می‌رسد ، استفاده از الفبای لاتین در کنار الفبای عربی ، کمک زیادی به آموزش سریع و نوشتن صحیح کلمات زبان ترکی می‌کند .

ترجمه لغت به لغت بعضی از واژه های ترکی به زبان فارسی مفهوم واقعی آنها را نمی‌رساند، بنابراین در این کتاب از جملات و واژه‌هایی استفاده می‌شود که مفهوم مترادف با آنها را بیان می‌کنند.

۲) حروف و الفباء ترکی اذربایجان :

اصواتی که انسان از دهان و یا لوله خارج می کند ، در این کتاب اوها می نامیم. اوهای که برای رساندن مقصودی در ترکیب کلمه بکار رفته می شوند حروف می نامیم. حروفی که بوسیله علائم مختلف نوشته و یا خوانده می شوند الفباء می وئیم.

حروفی که در زبان ادبی ترکی اذربایجان به شکل الفبا در آمده اند ۳۲ عدد می باشند که با خط عربی و لاتین به شرح زیر نوشته و در ترکیب کلمات بکار رفته می شوند :

| الفبای لاتین | الفبای عربی | نحوه بکار گیری الفباء در نوشتن کلمات ترکی |
|--------------|------------------------|--|
| a , A | آ ، ا ، عا ، - عا | adam ادام ، ana انا ، اعلان ، عادت |
| b , B | ب ، ب | baba بابا ، bacı باجی ، bibi بیبی (بی بی)، آدب |
| c , C | ج ، ج | ac اج ، cüca جوجه ، cavab جاواب |
| ç , Ç | - ، - | çiçək پەلەك ، çalmaq الماق ، قو |
| d , D | د ، د | dədə دده ، dadaş داداش ، میداد (مداد) |
| ə , Ə | آ ، ه ، ه ، ع ، - | əl آل ، Həmid حمید ، nənə ننه ، عباس |
| e , E | ائ ، ئ ، ا ، - ، ع ، ئ | Ebad عباد ، eşit اثشیت ، اطاعت [ايطاعت] |
| f , F | ف ، ف | fal فال ، fələk فەلەك ، fəhlə فحله ، علف |
| g , G | - ، - | gəl گل ، get عت ، güل ول ، göl |
| q , Q | ق ، ق | qardaş قارداش ، qəhvə قهوه ، alaq الاق |
| h , H | ه ، ه ، ح ، ح | Həsən حسن ، həmişə همیشه ، əhər آهر |
| ğ , Ğ | غ ، غ | ğonça غونچا ، ağız اغیز ، boğaz بوغاز |
| ı , I | ای ، ی ، یی ، ی | ıldırım ایلدیریم ، ışıqlıq ایشیقلیق ، دایی |
| i , İ | ای ، ی ، یی ، ی | iş ایش ، iki ایکی ، diş دیش ، dəmir دَمیر |

| الفبای لاتین | الفبای عربی | بکار گیری الفباء در نوشتن کلمات ترکی |
|--------------|-----------------------|---|
| j , J | ، - | japon ان ، jest ست ، juqul قۇل |
| k , K | ك ، ك | kəram كرم ، kal كال ، babək بابك |
| l , L | ل ، ل | lalə لاله ، lal لال ، lap لا ، قال |
| m , M | م ، م | mama ماما ، dəmir دَمیر ، kərim کَریم |
| n , N | ن ، ن | nənə ننه ، nar نار ، nəxcəvan نَحْجَوَان |
| o , O | او ، اُ ، عُ ، وُ ، ؤ | on اوْن ، omman عُمان ، اُکتیر ، دۇلماق ، سۇن |
| ö , Ö | او ، وُ ، اُ ، عُ ، ؤ | ölkə اۆلكه ، öpmək اؤمك ، بۆلمك ، عُمر |
| p , P | ، - | pəncərə پنجره ، parça پار ل ، top تۇ |
| r , R | ر ، ر | reyhan رَیْحان ، araz اراز ، əhər اهر |
| s , S | ث ، ص ، ص ، س ، س | səlcüq سَلْجُوق ، səbr صَبِر ، sabah صاباح ، ثواب |
| ş , Ş | ش ، ش | şənlik شَنْلِیک ، şəhər شَهْر ، daş داش |
| t , T | ت ، ت ، ط | tarix تاریخ ، tatar تاتار ، otaq اطاق ، تات |
| u , U | اُ ، وُ | uşaq اُشاق ، doğru دۇغرو ، ulduz اۇلدوز |
| ü , Ü | او ، او ، و | ürək اورک ، düşünmək دوشونمک ، دۆزمک |
| v , V | و ، و | vəli ولى ، ev ائو ، vurmaq وۇرماق |
| y , Y | ی ، یی ، ی | yalqız یالقیز ، yaylıq یایلیق ، yay یای |
| x , X | خ ، خ | yaxşı یاخشی ، xəbər خبر ، xəmir خمیر ، تۇخ |
| z , Z | ظ ، ض ، ض ، ذ ، ز | zəmir ضَمیر ، zat ذات ، Zöhrə زهره ، zəfər ظَفَر |

– به شعری از نسیمی که باورهای خود را، به نام سی دو حرفی مخصوص ترکی اذربایجان می‌باشد، بیان کرده است، توجه کنید: من اوتوز ایکی حروفم لم یزل یۇخدور اورتاغیم نه مثلیم نه بدل

۳) شیوه بیان حروفِ ترکی اذربایجان:

حروف ، اصوات و یا اوآهائی هستند که بوسیله عملکرد ویه ماهیه های ریه ، لمو ، دهان ، زبان ، لبها و... با هوای تنفس شده بوجود می آیند ؛ با این مفهوم که ماهیه های ارمانهای مذکور با عملکردهای خود فشار هوا را تغییر می دهند و تغییرات به شکل امواج صوتی در هوای اطراف به حرکت در می آیند و به رده وش برخورد می کنند ؛ به همین منوال اطلاعات لازمه به مغز رسیده می شود و مغز با تجزیه و تحلیل ، انها را شناخته و باصطلاح کلمات بیان شده ، شنیده و فهمیده می شوند.

هر حرفی با شیوه خواصی بوسیله ماهیه های ارمانهای مختلف دهان بیان می شود. با وجودی که شیوه بیان حروف ، موضوع فنوتیکی زبان می باشد و تا حدودی با دستور زبان که مسئله این کتاب است فرق دارد ، اما بخاطر ویه ی های زبان ترکی که در ان هماهنگی حروف صدا دار مسئله مهمی است ، در نتیجه اشنائی با شیوه بیان کلمات هر مند هم که کوتاه باشد ، کمک زیادی به توضیح و یاد گیری مسائل دستور زبان و اصول بکار گیری هماهنگی حروف صدا دار ان می کند ، به همین دلیل قبل از آغاز مسئله دستوری لازم است که هر مند به شکل خلاصه ، توضیحاتی در رابطه با شیوه بیان حروف داده شود.

a) عملکرد مشترك ارمانهای دهان در بیان حروف بی صدا :

حروف بی صدا ، در زبان ترکی اذربایجان ۲۳ عدد هستند که با ویه ی های زیر بیان می شوند :

- در بیان حروف بی صدا ، دهان بنسبت حروف صدا دار کمتر باز می شود ، بطوری که دندانهای بالائی و مائینی حداکثر تا يك سانتی متر از هم فاصله می گیرند.
- تن و صدای تك تك حروف بی صدا ، بنسبت حروف صدا دار کوتاه تر است.
- در تکلم حروف بی صدا ، هوای خارج شده از دهان ، بنسبت حروف صدا دار کمتر است.
- در ذکر حروف بی صدا ، راه هوای بیرون داده شده ، بوسیله بعضی از ارمانهای دهان

(ل و ، زبان ، دانه‌ها و لب‌ها) کمی رفته شده و با باز شدن آنها هوای جمع شده در ریه و یا در دهان با فشار در لحظه کوتاهی به بیرون داده می‌شود .

- تن صدای حروف بی‌صدا خیلی کوتاه است ، به همین دلیل نیز آنها بدون حروف صدادار قابل هجی نیستند و نتیجتاً سیلاب نیز محسوب نمی‌شوند ، بلکه تن صدای حروف بی‌صدا ، بوسیله تن حروف صدادار به بالا و آئین کشیده و سیلاب تشکیل شده و هجی می‌شود.

b (عملکرد مهم از انهای دهان در بیان **تک تک حروف بی‌صدا** به شکل زیر می‌باشد:

حرف ی ، (g , y) :

در بیان حرف g , y ، دهان کمی باز می‌شود ، انتهای زبان به طرف سقف دهان بالا کشیده و نوک آن رد می‌شود و مختصری نیز از دندانهای جلوی فاصله می‌برد ؛ در عین حال لب‌ها کمی به حالت لبخند در می‌آیند.

در بیان حرف ی ، جلو خروج هوا بوسیله زبان و سقف دهان رفته می‌شود و با باز شدن آنها هوا از میان آنها به طرف لب و دندانهای آئینی و سس به بیرون هدایت می‌شود. حرف ترکی ، هماوا با فارسی [مثل : ، رد و خاک ، رداب و...] ، ی- ترکی نیز هماوا با ی- فارسی [مثل : ی- ، یا این یا ان ، یاسمین yasamin ، یایلیق yaylıq] می‌باشد .

حرف خ x :

در بیان حرف x ، دهان کمی باز می‌شود ، در همان حال انتهای زبان به سقف دهان می‌یوندد ، ولی نوک آن در آئین دهان می‌ماند ، اما مختصری از دندانهای جلوی فاصله می‌برد و یا به عقب کشیده می‌شود. در بیان حرف خ ، هوا از بین انتهای زبان و دهان بیرون می‌آید و به سقف دهان ، دندانهای بالائی در جلو دهان و سس به لب آئینی برخورد می‌کند و بدین سان به بیرون هدایت می‌شود. توجه شود که تلفظ خ ترکی ، ما بین حرف ح ، خ فارسی می‌باشد ؛ خ ترکی بوسیله انتهای دهان و زبان فته

می‌شود، در صورتی که خ فارسی در لمو بیان می‌شود و بدین سان خرخر حرف خ در زبان فارسی زیاد تر است.

حرف ق q ، ك k :

در بیان حرف q و k ، دهان کمی باز می‌شود، لب بالائی و مائینی نیز به شکل لبخند در می‌آید، در عین حال نوک زبان رد می‌شود و از دندانهای مائینی در جلو دهان فاصله می‌گیرد. در بیان دو حرف q و k ، انتهای زبان به طرف سقف دهان و لمو کشیده می‌شود، بطوری که به انتهای سقف دهان می‌پیوندد؛ با باز شدن انتهای زبان و سقف دهان هوا به بیرون داده می‌شود و به سقف دهان، به دندانهای بالائی، سپس به لب مائینی برخورد می‌کند و به بیرون هدایت می‌شود. در بیان حرف ق جلو هوا بوسیله انتهای زبان و سقف دهان رفته می‌شود و با باز شدن آنها، هوا با فشار به بیرون داده می‌شود.

حرف ق ترکی، با ق فارس کمی فرق دارد، زیرا ق فارسی بیشتر به قاف عربی نزدیکتر می‌باشد و در لمو فته می‌شود، در صورتی که ق ترکی عمدتاً با انتهای زبان و سقف دهان بیان می‌شود و نزدیک به حرف (تقریباً هم‌اوا با فته و و) فارسی می‌باشد. اوای حرف ك k در زبان ترکی، تقریباً هم‌اوا با ك فارسی [مثل : کردار ، کرد ، کرم و...] می‌باشد.

حرف ح ، ه ه ، h :

در بیان حرف ح دهان کمی باز شده، انتهای زبان نیز مختصری به طرف بالا و سقف دهان کشیده و راه خروجی هوا کمی تنگتر می‌شود، ولی جلو آن بطور کامل سد نمی‌شود. در بیان حرف ح ، نوک زبان در مائین دهان می‌ماند، اما از دندانهای جلوی در مائین دهان کمی فاصله می‌گیرد، در عین حال هوا از لمو خارج می‌شود و به سقف دهان، به دندانهای بالائی، سپس به دندانها و لب مائینی برخورد می‌کند و از بین دو لب که کمی حالت لبخند به بخود می‌پیرند، به بیرون هدایت می‌شود. در الفبای عربی، دو شکل (ه ، ح)

موجود است که هر دو آنها در زبان ترکی به يك شکل h ، ه تلفظ می شوند.

حرف غ ğ :

در بیان حرف غ ، دهان کمی باز می شود ، در عین حال زبان به طرف لمو و سقف دهان کشیده می شود ، نوک زبان نیز از دندانهای جلوی در مائین دهان مختصری فاصله می یرد ، در همان حال هوا از لمو خارج می شود و به خروسک و به اطراف لمو و انتهای زبان برخورد می کند و آنها را می لرزاند و سپس به سقف دهان برخورد می کند و به بیرون هدایت می شود.

حرف ب b ، p ، m :

در بیان حرف b ، p ، m ، دهان کمی باز می ماند ، ولی لبها کاملاً بسته می شوند ، در عین حال نوک زبان در مائین دهان می ماند و به دندانهای جلوی در مائین دهان می پیوندد ، انتهای ان نیز کمی به طرف بالا و عقب کشیده می شود.

در بیان سه حرف مذکور لبها بسته و هوا در دهان جمع می شود و با باز شدن آنها با فشار به بیرون داده می شود. بیان حرف م کمی با دو حرف ب ، فرق دارد ، زیرا در بیان حرف م فشار هوای بیرون داده شده کمتر از حرف ب می باشد ؛ در بیان حرف ب جلو هوا کاملاً سد می شود ، ولی در بیان حرف م کمی هوا از بینی به بیرون داده می شود.

تن صدای حرف م کمی بم تر (کلفتتر) از ب می باشد. حرف ، ب ، م در زبان ترکی و فارسی تقریباً هماوا تلفظ می شوند.

حرف و v ، ف f :

در بیان حرف v ، f ، دهان کمی باز می شود ، بطوری که دندانها تا نیم سانتی متر از هم فاصله می یرند ، در عین حال زبان در مائین دهان می ماند ، ولی نوک ان مقداری به عقب و به سمت لمو کشیده می شود. لب بالائی نیز کمی به طرف بالا می رود و از

دندانهای بالائی در جلو دهان فاصله می یزد. لب مائینی نیز به طرف بالا کشیده می شود، بطوری که ان به مائین دندانهای بالائی در جلو دهان می یوندد و بدین سان جلو هوا کمی رفته می شود، در عین حال با باز شدن لب مائینی و دندانهای بالائی هوای جمع شده در دهان به بیرون داده می شود.

حرف د d ، ل l ، ن n ، ت t :

در بیان حرف d ، n ، l ، دهان کمی باز شده، زبان از روی دندانهای مائینی در جلو دهان به بالا کشیده می شود و به بین سقف دهان و انتهای دندانهای بالائی در جلو می یوندد، لبها نیز به شکل لبخند از هم فاصله می یزند و با باز شدن سقف دهان و نوک زبان هوا به بیرون داده می شود. در بیان حرف ل کمی هوا از دو طرف زبان بیرون می آید و در بیان ن مقداری هوا از بینی به بیرون داده می شود. تن صدای حرف ن تا حدودی بم تر از حرف د، ل، م می باشد. در بیان حرف د و ت جلو هوا بوسیله زبان و سقف دهان کاملاً سد می شود و با باز شدن آنها هوا در يك لحظه کوتاهی به بیرون داده می شود. در بیان حرف ل و ن جلو هوا کاملاً سد نمی شود. در بیان حرف ل نیز نوک زبان به ما بین سقف دهان و انتهای دندانهای بالائی در جلو می یوندد.

حرف ر r :

در بیان حرف r ، دهان کمی باز می شود، بطوری که دندانها تا نیم سانتی متر از هم فاصله می یزند، در عین حال نوک زبان به سقف دهان می یوندد و هوا از لمو خارج شده، با فشار به طرف بیرون داده می شود، بطوری که نوک زبان را به حالت لرزه (رر) تکان می دهد و بدین سان ند بار با سقف دهان برخورد می کند. حرف ر در مواردی نیز به شکل ضعیف بکار رفته می شود، بطوری که حرف ر اصلاً شنیده نمی شود. برای مثال کلمه بیر (يك) را در نظر بایریم که در مواردی به شکل بی (مثل: بی دنه) بکار رفته می شود. (به بخش حروف قوی و ضعیف در همین کتاب توجه کنید.)

حرف س s ، ز z :

در بیان حرف س s ، ز z ، دهان کمی باز می‌شود ، بطوری که دندانها تا نیم سانتی متر از هم فاصله می‌گیرند ؛ طرف میانه زبان به طرف میانه سقف دهان و به نزدیک دندانهای بالائی در جلو کشیده می‌شود ، در عین حال هوا از لبو خارج می‌شود ، از بین زبان و سقف دهان می‌گذرد و به دندانهای بالائی به دندانها و لب لائینی برخورد می‌کند و سپس به بیرون هدایت می‌شود. حرف س عمدتاً با طرف میانه زبان و حرف ز با طرف جلو و نوک زبان (بدون اینکه جلو هوا کاملاً سد شود). فته می‌شود. تن صدای حرف س ، ز کمی طولانی تر از سایر حروف بی‌صدا می‌باشد.

در بیان حرف ز فشار هوا بیشتر از حرف س می‌باشد . کلماتی که از زبان عربی وارد زبان ترکی شده اند ، حرف z به شکل ذ ، ض ، ظ نیز نوشته می‌شود ، ولی همه آنها در زبان ترکی به شکل ز تلفظ می‌شود. حرف s نیز با الفبای عربی به سه فرم س ، ث ، ص نوشته می‌شود ، اما آنها در زبان ترکی هم‌اوا با حرف س تلفظ می‌شوند. حرف س و ز در زبان فارسی و ترکی تقریباً هم صدا تلفظ می‌شوند.

حرف ج c ، ç :

در بیان حرف ج ، ، دهان خیلی کم باز می‌شود ، در عین حال لب بالائی مختصری به طرف بالا کشیده می‌شود و لبها کمی باز شده و همانا طرف جلو و میانه زبان بطرف بالا کشیده می‌شود و به جلو سقف دهان و انتهای دندانهای بالائی در جلو دهان می‌یوندد و با باز شدن آنها هوا به بیرون داده شده و سپس به دندانهای بالائی و به لب لائینی برخورد می‌کند و به بیرون هدایت می‌شود.

در زبان ترکی ، تلفظ دو حرف ج ، با زبان فارسی کاملاً فرق دارد ؛ زیرا در بیان ج ، فارسی ، لبها بطرف بیرون و به شکل نیم دایره در می‌آیند ؛ در بیان ج ، ترکی لب بالائی کمی به طرف بالا ، به بیرون کشیده می‌شود و بدین سان لبها مختصری حالت لبخند بخود می‌گیرند. تن صدای ج و در زبان فارسی لائینتر [کلفتتر] از تن صدای ج ، ترکی بیان و شنیده می‌شود.

حرف j ، ش ş :

در بیان حرف ، ش ، دهان کمی باز و لبها از هم جدا می‌شوند ، در همان حال لب بالائی به طرف بالا و به بیرون کشیده می‌شود ، در عین حال زبان مختصری به حالت نیمه دایره در می‌آید و به طرف درونی دهان کشیده می‌شود و کمی نیز از دندانهای جلوی فاصله می‌یرد ، طرف راست و ان نیز با سقف دهان برخورد می‌کند ؛ بدین سان هوا از بین و میانه زبان و سقف دهان به بیرون داده می‌شود و به دندانهای بالائی ، سس به دندانها و لب مائینی برخورد می‌کند و بعداً به خارج از دهان هدایت می‌شود. صدای حرف ش ، بوسیله میانه زبان و سقف دهان ، ولی حرف با طرف جلوی زبان و سقف دهان بیان می‌شود ، تن صدای ش نیز کمی کشیده تر از حرف می‌باشد .

حرف ی y :

در بیان حرف ی ، لبها به حالت نیمه لبخند از هم جدا می‌شوند ، بطوری که دندانها نیم سانتی متر از هم فاصله می‌گیرند ، در عین حال زبان کمی رد می‌شود و از دندانهای مائینی در جلو دهان فاصله می‌یرد و به طرف میانه سقف دهان کشیده می‌شود و بدین سان راه هوا را کمی سد می‌کند. در بیان حرف y هوا از لمو خارج می‌شود ، به میانه سقف دهان ، به انتهای سقف دهان برخورد می‌کند ، از میان آنها می‌گذرد و به انتهای دندانهای بالائی ، به لب مائینی برخورد می‌کند و سس به بیرون هدایت می‌شود.

(c) نحوه بیان حروف بی‌صدا را می‌توان به روه بندی‌های زیر نیز تجزیه کرد:

(a) در بیان حرف ب b ، p ، ج c ، ç ، د d ، ک k ، g ، ق q ، ت t ، جلو هوا بوسیله ارانهای مختلف دهان ، لبها ، زبان و سقف دان کاملاً رفته می‌شود و با باز شدن آنها ، هوا در لحظه کوتاهی به بیرون داده می‌شود.

(b) در بیان حرف ح h ، س s ، ش ş ، j ، z ، ی y ، خ x ، غ ğ ، ف f ، ر r ، ل l ، جلو هوای بیرون داده شده به طور کامل (همانند روه يك) رفته نمی‌شود ، به همین دلیل نیز صدای این حروف ، به نسبت سایر حروف بی‌صدا ، کشیده تر می‌باشد ؛

اما صدای هر دو روه مذکور به نسبت تن صدای حروف صدادار کوتاه تر است.

در بیان دو حرف م، ن، کمی هوا از بینی نیز خارج می شود؛ با این تفاوت که در بیان حرف ن، لبها باز می مانند، اما در بیان حرف م لبها بسته می شوند.

در بیان چهار حرف ل، ز، ی، هوا همزمان از دهان و بینی به بیرون داده می شود. حرف ك، ق با انتهای زبان و دهان فته می شود.

حرف خ، غ بیشتر با انتهای زبان و دهان و کمی نیز با ل و ساخته می شود. در بیان حرف ب، م لبها بسته و سس باز شده و هوا به بیرون داده می شود.

حرف ج، د، س، ش، ز، ل با طرف جلو زبان و سقف دهان بیان می شود.

(d) عملکرد مشترك ار انهای دهان در بیان حروف صدادار :

در بیان حروف صدادار، دهان کمی بیشتر از حروف بی صدا باز می شود، بطوری که دندانهای بالائی و مائینی از يك و نیم تا دو و نیم سانتی متر از هم فاصله می گیرند.

در بیان حروف صدادار، هوای خارج شده از ل و دهان به مانع بزرگی برخورد نمی کند. صدای حروف صدادار، طولانی تر از حروف بی صدا بیان می شود.

در فتن سه حرف a, e, i، لبها کمی به حالت لبخند از هم جدا می شوند.

در تکلم چهار حرف ö, o, ü, u، لبها به حالت دایره ای در می آیند و به شکل نوک به جلو و بیرون کشیده می شوند.

در بیان حروف صدادار هوای بیشتری به نسبت حروف بی صدا از دهان خارج می شود.

در ذکر حروف صدادار با اهن بالائی (a, e, i, ö, ü)، زبان در مائین دهان می ماند، نوک آن نیز به دندانهای مائینی در جلو می یوندد و طرف میانه آن کمی به طرف بالا کشیده می شود و بدین سان راه هوای بیرون داده شده را کمی تنگتر می کند.

صدای این حروف به نسبت سایر حروف صدادار نازکتر می باشد و به همین دلیل نام آنها حروف صدادار با اهن بالائی (صدای نازك،) نامیده می شوند.

در بیان چهار حرف a, i, o, u ، زبان به حالت نیم دایره ای در می‌آید ، کمی نیز به طرف انتهای دهان کشیده می‌شود و همانا نوک آن از دندانهای جلویی فاصله می‌گیرد.

در بیان چهار حرف a, i, o, u ، راه هوا باز تر شده ، در نتیجه تن صدای آنها بم از سایر حروف صدادار شنیده می‌شود ، به همین دلیل نیز اسم آنها را حروف صدادار با اهنه (با صدای بم) می‌نامیم. صدای حرف ا به شکل الف ساکن (اُ) بیان می‌شود و او و تن صدای آن ، بنسبت سایر حروف صدادار ، کوتاه تر شنیده می‌شود.

e) عملکرد از انهای مختلف در بیان تك تك حروف صدادار با اهنه (مئینی) :

حرف a (ا ، ل ، عا) :

در بیان حرف ا a ، دهان کمی باز می‌شود ، بطوری که دندانهای بالائی و مئینی تا دو نیم سانتی متر از هم فاصله می‌گیرند. در بیان حرف a ، زبان بطرف لمو کشیده می‌شود و همانا نوک زبان از دندانهای جلوی در مئین دهان فاصله می‌گیرد ، لبها نیز به حالت نیم دایره ای در می‌آیند ؛ در عین حال هوا از لمو خارج و بدون برخورد به مانع مهمی به طرف بیرون هدایت می‌شود.

حرف ا (ای ، ی ، یه) :

حرف ا ، تا حدود زیادی به شکل الف ساکن تلفظ می‌شود. در بیان حرف ا دهان کمی باز می‌شود ، بطوری که دندانهای جلوی تقریباً تا دو سانتی متر از هم فاصله می‌گیرند ؛ همانا نوک زبان کمی رد شده ، به طرف عقب و بالا ، به انتهای دهان کشیده می‌شود و از دندانهای جلوی در مئین دهان فاصله می‌گیرد. صدای حرف ا با اهنه (بم) می‌باشد و بوسیله انتهای زبان و سقف دهان فته می‌شود. تن صدای حرف ا ، به نسبت سایر حروف صدادار کوتاهتر ، ولی مثل صدای a, o, u کلفتتر شنیده می‌شود.

حرف o (او ، اُ ، عُ)

در بیان حرف o ، دهان کمی باز می‌شود ، بطوری که دندانها تا دو نیم سانتی متر از هم فاصله می‌گیرند ، زبان نیز رد شده و مختصری به طرف لُمو، به انتهای سقف دهان بطرف بالا کشیده می‌شود ، در عین حال لبها به شکل دایره ای مثل نوک بطرف بیرون داده می‌شوند. در بیان حرف o ، هوا از لُمو خارج می‌شود و از بین انتهای زبان ، از انتهای سقف دهان و سپس از بین دو لب دایره ای مثل نوک شده به بیرون داده می‌شود.

حرف u (او ، عو ، ئو)

در بیان حرف u ، دهان کمی باز می‌شود ، بطوری که دندانها تا دو سانتی متر از هم فاصله می‌گیرند ، زبان نیز کمی بطرف لُمو و سقف دهان عقب کشیده می‌شود ، همزمان با آن لبها به حالت دایره ای در می‌آیند و مثل نوک به طرف بیرون کشیده می‌شوند ؛ در عین حال هوا از لُمو خارج شده و از میان زبان، سقف دهان و از میان لبها به بیرون داده می‌شود.

k (عملکرد از انهای مختلف در بیان تک تک حروفِ صدادار با اِهْ بالائی :

حرف e (اِ ، ائ ، عِ ، ـِ) :

در بیان حرف اِ ، ائ ، عِ ، e ، دهان کمی باز می‌شود ؛ بطوری که دندانهای جلوی تقریباً یک و نیم سانتی متر از هم فاصله می‌گیرند .

در بیان حرف e میانه زبان کمی به طرف بالا کشیده می‌شود ، در صورتی که نوک زبان به دندانهای جلوی در آئین می‌یوندد ؛ لبها نیز به شکل نیمه لبخند از هم جدا می‌شوند ، در عین حال هوا از لُمو به بیرون داده می‌شود و به سقف دهان ، به دندانهای بالائی در جلو دهان برخورد می‌کند و سپس به بیرون هدایت می‌شود. حرف e بیشتر با میانه زبان و سقف دهان بیان می‌شود .

حرف (اَ ، عَ ، ـَ) :

در بیان حرف اَ ، عَ ، ـَ ، دهان کمی باز می‌شود ، بطوری که دندانهای بالائی و آئینی تا دو سانتی متر از هم فاصله می‌گیرند ، در عین حال نوک زبان نیز به دندانهای جلوی در آئین دهان می‌یوندد و میانه زبان نیز مختصری به طرف بالا کشیده شده و لبها

نیز کمی از هم جدا می‌شوند.

در بیان حرف **ə** هوا از لمو خارج می‌شود، به میانه سقف دهان ، به دندانهای بالائی ، بعداً به دندانها و لب مائینی برخورد می‌کند و به بیرون هدایت می‌شود.

حرف ە (اؤ، عُ، اُ، ِ):

در بیان حرف **ە** ، دهان کمی باز می‌شود ، بطوری که دندانهای بالائی و مائینی تا دو سانتی متر از هم فاصله می‌گیرند ، در ضمن زبان در مائین دهان می‌ماند ، ولی نوک آن به دندانهای جلوی در مائین دهان می‌یوندد ، در همان حال لبها نیز به حالت نیم دایره ای در می‌ایند و مثل نوک به طرف بیرون کشیده می‌شوند.

در بیان حرف **ö** ، میانه زبان به طرف بالا کشیده و هوا از ریه بیرون داده می‌شود و از لمو خارج و از میان انتهای زبان ، سقف دهان می‌گذرد و از بین لبهای نیم دایره ای که مثل نوک به بیرون داده می‌شوند به خارج دهان هدایت می‌شود.

حرف ü (او، اُ، ِ):

در بیان حرف **ü** ، دهان کمی باز می‌شود ، بطوری که دندانهای جلوی یک تا دو سانتی متر از هم فاصله می‌گیرند ، در عین حال لبها به حالت دایره ای در آمده و مثل نوک به طرف بیرون داده می‌شوند ؛ همانا طرف میانه زبان ، بطرف بالا کشیده می‌شود ، در صورتی که نوک زبان به دندانهای مائینی در جلو می‌یوندد و هوا از میان انتهای زبان و سقف دهان می‌گذرد و سپس از میان لبها به بیرون هدایت می‌شود.

حرف i (ای، ی، ِ):

در بیان حرف **i** ، ای ، دهان کمی باز می‌شود ، بطوری که دندانهای جلوی تقریباً نیم تا یک سانتی متر از هم فاصله می‌گیرند ؛ در عین حال لبها کمی باز می‌شوند ؛ نوک زبان نیز به دندانهای مائینی در جلو می‌یوندد ، در همان حال میانه و انتهای زبان به طرف بالا کشیده می‌شود ، هوا از میان زبان و سقف دهان به طرف بیرون هدایت می‌شود.

حرف **ı** با خط لاتین در بالا یک نقطه (**i**) همراه دارد ، این حرف در زبان ترکی

هم اوا با ای ایران تلفظ می شود.

(m) در رابطه با سه حرف i, l, y به مطالب زیر نیز توجه کنید :

از اینکه سه حرف i, l, y ، با خط عربی با علامت ی نوشته شده اند ، شم و کوش نیز بعنوان يك حرف به ان عادت کرده است ، نتیجتاً در وحله اول نین بنظر می رسد که انها تفاوت ندانی با هم ندارند ، ولی هر سه حرف مذکور در زبان ترکی اوهای متفاوتی دارند و هرکدام انها با شیوه مشخصی بیان و یا در ترکیب کلمه بکار رفته می شود. مثال :

در بیان حرف y دندانها حد اکثر تا نیم سانتی متر از هم فاصله می یزند ، اما در بیان حرف i دندانها از نیم تا يك سانتی متر از هم فاصله می یزند ، در صورتی که در بیان حرف l دندانها يك و نیم تا دو سانتی متر باز می شوند .

در بیان حرف y انتهای زبان به عقب کشیده می شود ؛ جلو ان نیز از دندانهای جلوی تا يك و نیم سانتی متر فاصله می یرد ، انتهای زبان به بالا کشیده می شود ، به سقف دهان می یوند و بدین سان جلو هوا رفته می شود. در صورتی که در بیان حرف i زبان به دندانهای ائینی در جلو دهان می یوندد و انتهای ان کمی بالا کشیده می شود و راه هوای بیرون داده شده را کمی تنکتر می سازد. اما در بیان حرف l زبان به عقب و کمی به بالا کشیده می شود ، از دندانهای ائینی در جلو دهان تا دو سانتی متر فاصله می یرد و راه هوا نیز کاملاً باز می ماند.

حرف y ، حرف بی صدائی است که صدای ان به شکل ساکن بیان می شود. حرف i ، حرف صدادار و صدای ان کشیده و کمی نیز نازك شنیده می شود. حرف l ، صدای کشیده و کلفت دارد.

توجه شود که حرف y در زبان فارسی نیز موجود است که با خط عربی به شکل ی و یا یـا نوشته می شود . حرف i نیز به شکل ایران بیان می شود. اما حرف l در زبان فارسی موجود نیست.

توجه : در داد و فریاد کردن و یا اواز خواندن ، بیان حروف و فشار هوا در ریه و دهان و فرم باز شدن دهان ، دندانها و لبها با مکالمات روز مره و یا خواندن نوشته ای فرق می کند که در این مبحث پرداخته نمی شود.

(اسامی الفباء و ون ی نامیدن انها :

علائمی که اوا و حروف را در خود منعکس می کنند ، الفباء می وئیم ، بعبارت دی ر علائمی که حروف بوسیله انها نوشته و خوانده می شوند ، الفباء می نامیم .

الفباء در زبان ترکی الفبایت al,fa,bet (ال - فا - بت) نیز نامیده می شوند .

حروفی که بوسیله الفباء (الفابت) نوشته و خوانده می شوند ، هر کدامی انها با اسم خاصی معرفی شده و نوشته و یا خوانده می شوند :

(a اسامی الفبای حروف بی صدا :

– حروف بی صدا، در زبان ترکی اذربایجان، تا ند دهساله گذشته به شکل ا ، ب ، ... نوشته شده اند ، ولی در مکاتب با نام عربی انها، به شکل الف، جیم ، لام ، میم و... خوانده و یا معرفی می شده اند ، اما امروزه اشکال زیر نوشته و خوانده می شوند :

| | | | | | | | |
|----|---|----|---|----|---|----|-------|
| de | د | xe | خ | Çe | چ | pe | پ |
| me | م | le | ل | je | ج | ke | ک |
| ve | و | ye | ی | ğe | غ | qe | ق |
| | | se | س | re | ر | ze | ز |
| | | | | | | he | ه + ح |
| | | | | | | te | ت |

(!) اولین اثر تاریخی مردم ترك زبان که به شکل شعر داستان نوشته شده و به فرم کتاب در آمده ، کتاب دده قورقوت است. در این رابطه از نوشته دکتر زهتابی نین فهمیده می شود که این کتاب (احتمالاً) از سده های اول حاکمیت اسلام در اذربایجان بجا مانده است. ان کتاب با علائم مختلف عربی همانند زبان کنونی اذربایجان با ۳۲ حرف نوشته شده است . توجه شود که در منطقه خاور میانه تنها زبان ترکی اذربایجان با ۳۲ حرف نوشته شده است. را که زبان عربی بیشتر از ۳۲ حرف و زبان فارسی کمتر (زیرا : ص ، س ، ث و.. حرف محسوب می شوند.) و زبان ترکیه استانبولی ۲۹ حرف دارد. نسیمی در شعری همراه بیان باورهای مذهبی خود ، به وجود سی و دو حرف زبان اذربایجان نیز اشاره کرده است :

من اوتوز ایکی حروفم لم یزل یؤخدور اورتاغیم نه مثلیم نه بدل

- در موارد کمی، بعضی از حروف مذکور به شکل ا، ای، کا، وی vi و یا ا همانند حروف زبانهای اروپائی و یا به شکل عربی مثل الف، جیم، دال خوانده می شود.

(b) حروف صدا دار با خط لاتین به شکل ساده، یعنی به شکل اصلی خود نوشته می شوند، ولی که با خط عربی با علائم مختلف بکار رفته می شوند:

| | | | | | | | | | |
|------------|------|------|------|------|------|------|------|---|---|
| a, o, e, ə | u | ü | o | ö | ı | i | e | ə | a |
| ا | اؤ و | او و | اؤ و | اؤ و | ای-ی | ای-ی | ای-ی | ا | ا |

- این چهار علامت ا، ای، او، او، ای، ای، ای، ای، ای، ای در روی حروف با اوای a, o, e, ə بیان می شوند.

(c) ا در بیان کلمه ای، حرفی از آن شنیده و یا فهمیده نشود، برای فهماندن آن حرف، کلمه ای فته می شود که اولین حرف آن حرفی باشد که بدرستی فهمیده نمی شود. مثال:

سن یـ حرفینی بؤیوک یاز! سوال: یازدین می؟
 بلی، من بـ حرفی نی بؤیوک یازدیم. یوخ یوخ، سن باشا دوشمه دین!
 من دئمە دیم، بـ حرفینی بؤیوک یاز. من دئدیم، یـ حرفینی بؤیوک یاز.
 منیم دئدییم سوز، یـ حرفی دیر؛ یحی کیمی (کیبی) یازیلان، بیر یـ دیر!
 یای کیمی یازیلان بیر یـ، یاشار کیمی یازیلان بیر یـ دیر. و...

(و ی ه ی های الفبای عربی در زبان ترکی اذربایجان:

در زبان ادبی ترکی اذربایجان، ۳۲ الفباء موجود است که با خط عربی، ۱۸ عدد آنها به یک شکل درشت و یک فرم کوک نوشته می شوند، در صورتی که ۱۴ عدد آنها با علائم مختلف و یا به اشکال و نا و ن نوشته می شوند:

(a) الفبائی که با خط عربی به یک شکل درشت و به یک فرم کوک نوشته می شوند، به

شرح زیر ۱۸ عدد می‌باشند :

| | | | | | |
|-------|-------|-------|-------|-------|-------|
| b ب ب | p - | c ج ج | ç - | x خ خ | d د د |
| f ف ف | k ک ک | g - | j - | l ل ل | m م م |
| n ن ن | ş ش ش | q ق ق | ğ غ غ | y ی ی | v و و |

– در رابطه با خواندن و نوشتن حروف مذکور به مطالب زیر توجه کنید :

حرف و ، در خط عربی ، يك حرف بی‌صدا محسوب می‌شود ، اما همراه علائم دیر ، بجای حرف صدadar (o , u , ö , ü , ə , a) نیز بکار رفته می‌شود. مثال :

سوال ، مؤسس ، اوزمک ، دؤزمک ، دؤنماق ...

۱- ر حرف بی‌صدا ، در آخر سیلاب و یا در آخر کلمه بکار رفته شود ، ساکن تلفظ می‌شود. مثال :

لمک gəlmək ، قارداش qardaş ، ول güل ...

۱- ر در ترکیب کلمه ای ، دو حرف بی‌صدا در کنار هم قرار یرد ، در بیان و هجی از هم جدا

می‌شوند. مثال : قار-داش ، یؤل-داش ، تر-بیز ...

- در زبان ترکی ، دو حرف بی‌صدا در يك کلمه در کنار هم خیلی کم بکار رفته می‌شوند. ولی ند کلمه ای هست که در ترکیب انها دو حرف بی‌صدا در کنار هم قرار می یرند که هر دو انها ساکن بیان و در يك سیلاب بکار رفته می‌شوند :

تورك türk ، یُرد yurd (یورت) ، دورت dōrt ، بۆرك bōrk ، قُورت qurt و ...

توجه : هار علامت ، ز ، ، را در زبان فارسی و ترکی به الفبای عربی اضافه کرده اند.

(b) الفبائی که با خط عربی با ند علامت نوشته می‌شوند:

حروفی که با خط عربی به ند شکل و یا با ند علامت نوشته می‌شوند ، ۱ عدد هست که ۹ عدد انها صدadar و عدد انها بی‌صدا می‌باشد :

در زبان ترکی ۹ حرف صدadar (ə , e , i , ö , ü , a , ı , o , u) موجود است ، که همه انها با خط عربی به ند شکل و با ند علامت نوشته می‌شود :

حرف a با خط عربی به نج فرم زیر نوشته می شود :

ا ، عا ، ل ، ی ، وَا

علائم مذکور ، در زبان عربی به فرمهای مختلف ، اما در زبان ترکی هماوا با حرف a ، تلفظ و به شکل زیر در نوشتن کلمات بکار رفته می شوند. مثال:

adam ، الما alma ، عاشیق aşiq ، عادل (عادیل) adel (adil) ، معامله məamele ، بابا baba ، مصطفی Mostəfa (Mustafa) ، یحیی Yəhya (Yahya) ، سؤال süal ...

حرف ə ، با خط عربی به شش فرم زیر نوشته می شود :

ا ، ه ، عـ عـ ، اَـ ، ـ (حرکه) ، ا (الف با همزه)

شش علامت ذکر شده در زبان عربی به فرمهای مختلف ، ولی در زبان ترکی هماوا با حرف ا ، تلفظ شده و به شرح زیر در نوشتن کلمات بکار رفته می شوند. مثال :

اکبر kbər ، اَلْک ələk ، دده dədə ، ننه nənə ، عَباس bas (Abas) ، علاج əlac ، مَعالِجə məalecə (malicə) ، اِعمال əmal ، مَن ، سَن ...

علامت الف با همزه (ا) ، در زبان ترکی هماوا با حرف صدادار (اَ) خوانده و یا تلفظ می شود. مثال : مأمور məmur ، تأمین təmin ، مأیوس məyus ...

حرف e ، با خط عربی به شش فرم زیر نوشته می شود :

ا ، ائـ ئـ ، ئـ ، عـ ، اِـ ، ـ (حرکه)

علائم فوق ، در نوشتن کلمات به شکل زیر بکار رفته می شوند. مثال :

اِشاره (اِشاره) + مِصر (میصیر) ، شِکایت (شیکایت) + اِئتمک ، یِعمک yemək + دِئ de + اِعتِمداد ، عِباد (عیبَاد ibad) + تِهران ...

حرف i با خط عربی به _ شکل زیر نوشته می شود :

ای ، یـ یـ ، ی (ی)

علائم مذکور ، در زبان ترکی هماوا با ای ، ایران و یا یـ ، ایران

تلفظ شده و در نوشتن کلمات نیز به شرح زیر بکار رفته می‌شود. مثال:

ایشله مک işləmək ، دیشله مک dişləmək ، ائشیتمک eşitmək ، دئدی dedi ، یئدی yedi ، ...

حرف ا با خط عربی به ۳ شکل زیر نوشته می‌شود:

ای ، ی ، یی ، ی

علامت — ، بر روی حرف (ای و یا ی) نهاده می‌شود ، هم‌اوا با

حرف ا تلفظ و به شرح زیر در ترکیب کلمات بکار رفته می‌شود. مثال:

ایلخی ی ılıçı ، ایلخی یلیق ılıçılıq ، ییخیلماق yıxılmaq ، ییخماق yıxmaq ، الی alı ،

الدی aldı ، دایی dayı (دائی) ، ایی ayı ، اییلماق ayılmaq ، یاخشی yaxşı و ...

- علامت ی ، ی ، با خط عربی بجای سه حرف y, i, ı ، به اشکال زیر بکار رفته می‌شود. مثال:

- ی بجای حرف y . مثال: یای yay ، تای tay ، قایا qaya و ...

- ی بجای حرف ı . مثال: ایشیق ışıq ، قیزیل qızıl ، قیریر qırır و ...

- ی بجای حرف i . مثال: اییر içir ، بییر biçir ، تیکیر tikir و ...

حرف و همراه الف و علائم مختلف در ر بجای حرف o, ö, ü, u, y بکار رفته می‌شود:

(a) حرف و همراه حرکه (اعراب) بجای حرف بی‌صدای v به شکل زیر بکار رفته

می‌شود: حسن و حسین. Həsən və Hüsen ، من و سن mən və sən و ...

(b) حرف و با همزه (ؤ) ، در زبان ترکی به شکل ă تلفظ می‌شود. مثال:

مؤثر müəser ، مؤسس müəses (moəses) ، و ...

امروزه در موارد زیادی ، علامت حرکه (اعراب) و یا همزه ، بر روی حرف و نهاده

نمی‌شود. مثال: مؤثر ، سؤال ، مؤسس ، مؤلف ، مؤنث ، و ...

(c) حرف او u :

حرف و با سه علامت (و ، ا ، ـ) به شکل او و با دو علامت به شکل و

(و) بجای حرف u نوشته می شود. مثال :

اُلدُوز ulduz ، اُشاق uşaq ، اُیغور uyğur ، دُورماق durmaq ، سُساماق susamaq ،

یُیولماق yuyulmaq ، دُورماق durmaq ، وُورماق vurmaq ، ...

(d) حرف و ، همراه الف و همزه به شکل او ، و (ü) نوشته می شود. مثال :

اوشومک üşümək ، دوشمک düşmək ، سوزمک süzmək ...

(ا) حرف و ، شت سر الف و همراه علامت سکون به شکل او و در وسط کلمه

با علامت سکون مثل و بجای o (او ، و) بکار رفته می شود. مثال :

اوخوماق oxumaq ، دُولماق dolmaq ، سُولماق solmaq ، یُولماق yolmaq ...

(m) چهار حرف ö,ü,o,u ، با خط عربی به شکل او ، اؤ ، عُ ، او ، و نیز

نوشته می شوند. مثال :

اُستاد ostad ، اؤمک öpmək ، عُمر Ömar ، عُمان omman ، اؤل göl ...

(y) حرف ا و عُ ، در زبان عربی با شیوه مخصوص عربی به دو شکل و در زبان

ترکی هماوا با حرف o تلفظ می شود :

اُکتبر oktoabr ، اؤغلان oğlam ، عُمان omman ...

علامت ے ، در ترکیب کلمات عربی به شکل سکون بکار رفته می شود. مثال :

ظُلُم ، مضطَفی ، مَحمود ، اَلله ...

حروف بی صدائی که با خط عربی به نند نوع نوشته می شوند :

حروف بی صدا ، در زبان ترکی اذربایجان ، ۲۳ عدد می باشد ، که ۱۸ عدد انها با خط

عربی به يك شكل كو لک و يك فرم درشت و عدد انها (h, s, t, y, z) به شرح زیر با

فرمهای مختلف نوشته می شوند. مثال :

(1) حرف s با خط عربی به سه شکل زیر نوشته می شود :

س ، ث ، ص

سه علامت فوق ، در زبان عربی به سه فرم مختلف ، ولی در زبان ترکی هماوا با حرف س s تلفظ می شود. مثال :

- سلام səlām ، سحر səhər ، آسمک əsmək ، سَمَك سَمَك ...
- ثواب səvab (savab) ، ثمر samər ، مثال (misal) ، اثر ..
- صمد Saməd ، صاباح sabah ، مصطفی Mustafa ...

(2) حرف z با خط عربی به شکل زیر نوشته می شود :

ز ، ذ ، ض ، ظ

هارعلامت مذکور، در زبان عربی به فرمهای مختلف ، اما در زبان ترکی هماوا با حرف z ، تلفظ می شود.

- علائم ذکر شده ، به شکل زیر در نوشتن کلمات بکار رفته می شوند :

عزیز ziz ، ذات zat ، ضرورت zərurət ، ظولوم (zülüm) [ظلم] ، زهره Zohre ...

(3) حرف ت t با خط عربی به دو شکل نوشته می شود : ت ، ط

دو علامت مذکور ، در زبان عربی به دو شکل مختلف و لیکن در زبان ترکی هماوا با حرف ت t تلفظ و به شکل زیر در نوشتن کلمات بکار رفته می شود :

تبریز təbriz ، تهران tehran ، طلب tələb ، مصطفی Mostəfa (Mostafa) ...

(4) حرف و ، بجای کلمه ربطی (və) به شرح زیر بکار رفته می شود. مثال :

يُمَك وَ دُمَك yemək və demək ، حسن وَ حسین Həsən və Hüseyin ...

توجه: حرف و همراه علائم مختلف در بجای حرف صدادار نیز بکار رفته می شود. مثال :

دُورماق ، دُولماق ، اوشومك ، ئورمك ...

(5) حرف h با خط عربی به دو شکل زیر نوشته می شود :

ح ، ه (هـ)

دو علامت ذکر شده ، در زبان عربی به دو فرم مختلف ، ولی در زبان ترکی هماوا با حرف h ، ه تلفظ و در ترکیب کلمات به شرح زیر بکار رفته می شود. مثال :

... Məh ə l ə محله ، Mohəmm ə d محمد ، H ə mid حميد

Mehdî مهدي ، tawcûh تَوَجَّه ، ahər أَهْر ، şəhər شَهْر و ...

توجه : ا. ر حرف ه ، به حرف شت سری خود میوند نخورد ، در زبان ترکی هموا با حرف آه تلفظ می شود. مثال : له ، عمده ، عمده جك و...

علامت حرکت : (حرکات حروف اَ اِ اُ فتحه ، کسرہ ، مد)

در خط عربی ، نج علامت حرکه (اِ) موجود است که دو عدد آنها بر روی

حروف (ـِ) ، يك عدد (ـَ) انها بر زیر حروف (ـِ) و يك عدد از انها بر روی

الف (-) و دیرى طرف راست و کنار الف (ا) نهاده مى شود. همه بهار علامت مذکور در زبان تركى هماوا با حرف صدا دار تلفظ و به اشكال زير در تركيب كلمات بكار رفته مى شوند. مثال :

- لَمَلَمَكَ gəlmək ، سَمَمَكَ səpmək ، سَلَام səlam ، رِضَا Reza ، رِضَايَت rıziyet ،

(ریضایت) ، تِهْران ، زُهره Zoh,rə ، ظُلم (ظُلوم) ، مُحسِن و...

- دُخانيات (دوخانيات) ، خُرافات(خوُرافات) ، مُعلم (موعليم) ، اوغلان ، اُكْتبر ، عُمَان ،

عُمر ، دُنیا (دُونیا) ، سوال ، دوزمک ، دُورماق ، اعمال و

- اکبر kbə ، احسان Ehsan ، اکتبر oktoḇr ، امید Ömid ، اسم ایسمt ismät ،

ادام adam ، انا ana ، امما amma ، مصطفى مصطفى ، الله الله ، و...و...

علامت تشدید (ّ) :

تشدید ، در زبان ترکی وجود ندارد ، ولی کلمات (تشدید دار) عربی که در آن نفوذ

کرده اند ، عمدتاً به شکل اصلی خود (با تشدید) نوشته شده ، اما با شیوه مخصوص

ترکی به شرح زیر بکار رفته می‌شوند. مثال :

اُمّا ، به شکل اما نوشته شده ، ولی آم ما (امما) فته می شود.

اَللّٰهَ ، به شکل الله نوشته شده و آل لاه و یا آلاه [allah] بیان می شود.

حل کردن : حَل ائتمک نوشته و حل لئتمک həlletmə k تلفظ می شود.

حس کردن : حِس ائتمک نوشته و حیس سئتمک hissetmə k ذکر می شود. ...

- در کلمات ساده ترکی ، دو حرف هم نوع (که در عربی و فارسی به شکل تشدید خوانده و نوشته می شود) خیلی کم در کنار هم بکار رفته می شود. در نند کلمه ای که دو حرف هم نوع در کنار هم قرار می گیرند ، هر دو آنها به شرح زیر نوشته و خوانده می شود:

| | | | | | |
|--------|--------|-------------------------|-------|--------|----------|
| بَللی | bəlli | (واضح یا روشن) | آلی | əlli | (نجاه) |
| دوققوز | doqquz | (نه) | سککیز | səkkiz | (هشت) |
| یاسسی | yassı | (یاستی ، yastı ، یهن) | یئددی | yeddi | (هشت) |

حروف مذکور به شرح زیر جدا از هم هجی و تلفظ می شوند. مثال :

| | | | | | |
|-----------------|---------|---------------|--------|-------------------|------------|
| بَللی (بل لی) | bəli,li | آلی (آل لی) | əli,li | یئد دی (یئد دی) | yed,di ... |
|-----------------|---------|---------------|--------|-------------------|------------|

(توجه : بهتر است این کلمات با يك حرف نوشته شوند.)

- در زبان ترکی نند کلمه ای موجود است که آنها در زبان فارسی نیز بکار رفته می شوند ، ولی نحوه بیان آنها با زبان ترکی متفاوت است. برای مثال به سه کلمه زیر توجه کنید :

a) این کلمات در زبان ترکی بدون علامت تشدید نوشته و خوانده می شوند :

دَره dəre ، تَه təpə ، لَه ləpə

- حرف e غیر فعال بوده و در اخر کلمات ترکی بکار رفته نمی شود .

- آخرین حرف کلمات مذکور حرف ه می باشد، که هموا با حرف ا ə تلفظ می شود:

b) سه کلمه مذکور در زبان فارسی با علامت تشدید بکار رفته می شوند :

دَرّه (dərre) ، تَهّه (təppe) ، لَهّه (ləppe)

آخرین حرف کلمات مذکور در زبان فارسی حرف ه می باشد که ان در زبان فارسی به

شکل حرف اِ e تلفظ می‌شود.

علائم تنوین : (حرکات حروف اِ اِ اِ فتحه ، کسره ، مد)

علائم تنوین که به شکل فتحه ، کسره و ضمه [اِ —] بیان می‌شوند ، در زبان ترکی موجود نیستند ، اما کلمات تنوین داری که از زبان عربی وارد این زبان شده اند ، اِ ثراً به شکل اصلی خود با تنوین نوشته شده ، ولی با شیوه مخصوص زبان ترکی تلفظ می‌شوند. مثال :

احتمالاً (احتمالاً) نوشته و ehtimalən احتمالن فته می‌شود .

حتماً (حتماً) نوشته شده و به شکل hətmən حتمن تلفظ می‌شود. جمعاً (جمعا)

به شکل جم آن camən ، مطلقاً (مطلقاً) به شکل موتله قن mütləqən ،

عملاً (عملاً) به شکل عملن əmalən ، جبراً (جبراً) به شکل جبر آن cəbrən

(جبرن) ، جمیلاً به شکل جمیلن ، شکراً به شکل شوکور (شوکرن) ، مجموعاً

به شکل مجموعان تلفظ می‌شود. ...

- علائم تنوین ، در زبان عربی بیشتر در حالت‌های ویه ای (شبیه حالت تصریفی ، مثل: کتاباً ، کتاب ، کتاب) بکار رفته می‌شوند. مثال :

سلام علیکم (سلام بر شما باشد. سلام بر شما) ...

کلمات تنوین دار عربی ، در زبان ترکی حالت‌های ویه مذکور را از دست داده و از لحاظ دستوری در حالت فاعلیت بکار رفته می‌شوند . مثال :

من اؤنا سلام علیکوم دئدیم.

بعبارت دیگر سلام علیکوم به شکل کلمه مرکب با مفهوم سلام بکار رفته می‌شود :

(سلام وئرم سلام الماز ۋروم سلام سین سنی ! : از کتاب ۋر اؤغلو)

اؤ منیم سلام علیکم دئمه ییمی ائشیتمه دی . (اؤ منیم سلامیمی ائشیتمه دی.)

در مواردی سلام علیکم به شکل سلامون علیکوم salamon əleykum و جواب آن نیز

به شکل علیکوم آس سلام (علیکوم آس سلام) فته می‌شود ؛ ولی مفاهیم آنها به شکل

کلمه سلام ساده ، در حالت فاعلیت ، فهمیده می شود.

علامت همزه ء :

علامت همزه ، در زبان ترکی موجود نیست. ولی کلماتی که از زبان عربی وارد این زبان شده اند ، به اشکال مختلف زیر بکار رفته می شود:

۱- ر علامت همزه (ء) که در آخر کلمات عربی نوشته می شود ، در زبان ترکی هماوا با آخرین حرف صداداری که ما قبل آن قرار گرفته تلفظ می شود. مثال :

استثناء نوشته شده و ایستینا (istisna) تلفظ می شود ، ابتداء (ابتدا)

نوشته شده و ایتیدا ، [e btida ، ابتدا] بیان می شود. عبارت دی ر ، علامت

الف و همزه (اء) در آخر کلمه هماوا با حرف ا بیان می شود.

۱- ر علامت همزه (ئ) ، در وسط کلمات عربی بکار رفته شود ، در زبان ترکی به شکل یـ ye و یا به شکل یی yi تلفظ می شود. مثال :

دائره (دایره) dayerə (dayirə دایره) ، مائیز (ماییز payız ، ائین (این ayin) و...

۱- ر علامت همزه (ء) همراه حرف ه (مثل: ه ه) ، در آخر کلمات عربی بکار رفته شود ، در زبان ترکی هماوا با حرف صدادار ا تلفظ می شود. مثال: نقطه noqtə

۱- ر شت سر حرف ع ، حرف ه با همزه (به شکل عه ، یعنی سه علامت در کنار هم) قرار یزد ، در زبان ترکی هماوا با حرف آ تلفظ می شود. مثال: قطعه qəte و...

۱- علامت در کلمات عربی در بالای حرف ی و همانا در کنار حرف ل

نهاده شده و هماوا با حرف ا تلفظ می شود. مثال:

مسائل ، الله (الله al lah ، آلاه) ، مصطفی (Mostafa) ، مطلقا و...

۱- ر در کلمات ترکی ، حرف ك در بین دو حرف صدادر قرار یزد ، هماوا با حرف یـ تلفظ شده و به شکل و یا یـ نوشته می شود. مثال :

لمه ییم (لمه yim galmayim) ، ییمه ییم (ییم yim yemayim) و...

- الف با همزه (أ) به شکل ا تلفظ می‌شود. مثال: تأسف (ta,asüf) ، منشأ (man,şa)

حرف ع :

حرف ع ، در زبان عربی به شکل حرف بی صدا بکار رفته شده که در زبان عربی با شیوه مخصوصی در لُمو فته می‌شود. این حرف در زبان ترکی همراه حرکت و یا الف ، هماوا با حرف صدادار (أ، ا، أُ، ا، ع، ع، عُ) تلفظ می‌شود :

- حرف ع ، در اول کلمه ، با علامت حرکت (عِ، عَ، عُ) و یا با الف (عا) نوشته شده و هماوا با یکی از حروف صدادار a, e, ö, o تلفظ می‌شود. مثال :

علی (Ali) ، عباس (bbas ، Abbas) ، عشق (eşq) ، عماد (Emad) ، عثمان (omman) ، عادل [عادیل] (adil) ، عبدالله (bdulla(h)) ، عمر (Ömar) ، عاشق [عاشیق] و...

- حرف ع در کلمات عربی که همراه الف و حرکت ، با سه علامت نوشته می‌شود ، همه آنها هماوا با يك حرف صدادار تلفظ می‌شوند. مثال : أع ، إع

أعمال (amal) ، إعمال (emal) ، إعتِماد (etimad) و...

- حرف ع ، در کلمات عربی همراه الف و حرکت (إعراب) نوشته و با شیوه مخصوص عربی خوانده می‌شود و در زبان ترکی هماوا با حرف ا تلفظ می‌شود :

عاشق [عاشیق] (aşiq) ، عامل (amel) (عامیل) (amil) و...

- حرف ع ، در وسط کلمات عربی ، با علامت سکون (ْ) نوشته شده و حرف بی صدا محسوب می‌شود ، ولی همین علامت در زبان ترکی هماوا با حرف صدادار ما قبل خود تلفظ می‌شود. مثال :

مَعْمُول نوشته شده ، هم ون مَمُول (məmul) تلفظ می‌شود.

مِعْمَار نوشته شده ، مِمَار (memar) فته می‌شود.

مَعْقُول نوشته شده ، به شکل مَقُول (məqul) تلفظ می‌شود. و...

- ا ر حرف ع ، در آخر کلمات عربی نوشته شود ، در زبان ترکی هماوا با آخرین حرف صدادار کلمه ما قبل خود تلفظ می‌شود. مثال :

ممنوع به شکل ممنو mənnu ، یعنی حرف و بجای دو حرف و ، ع بکار رفته می‌شود. موضوع نوشته شده و به شکل موضو mozu تلفظ می‌شود. طالع نوشته شده و به شکل tale تلفظ می‌شود.

- حروف ع ، ع ، اء ، اء مخصوص کلمات عربی می‌باشند ، که وارد زبان ترکی شده اند. این حروف با خط عربی به شکل اصلی خود نوشته شده ولی با شیوه زبان ترکی همانطوری که در خط لاتین ملاحظه می‌کنید ، تلفظ می‌شوند. مثال :

کلمات عربی ، علی ʔi ، عماد Emad ، عُمان omman ، عادل [عادیل] adil ، عبدالله bdulla ، عمر Ömər ، اعمال əmal ، اعمال əmal ، معقول məqul ، عاشق aşiq ، معشوق məşuq ، عالم aləm ، عالم alim ...

حروف ع ، اء و عا معمولاً در کلمات ترکی بکار رفته نوشته نمی‌شوند . مثال :
آل ʔl ، آلك ʔək ، آسمك ʔsmək ، مَن mən ، سَن sən ...

توجه : سایر حروف عربی (مثل : ص ، ث ، ذ ، ظ ، ض ، ط) نیز در کلمات ترکی کم بکار رفته می‌شوند ، ولی بجای انها عمدتاً از حروف س ، ز ، ت استفاده می‌کنند.

(عدم هماوایی الفبای عربی با حروف زبان ترکی اذربایجان :

الفبای عربی ، بویه حروف صدا داران ، با حروف زبان ترکی هماهنگی و هماوایی ندارند ، به همین دلیل نوشتن و خواندن کلمات ترکی با خط عربی با مشکلات زیادی همراه است. برای مثال به مطالب زیر توجه کنید :

برای نوشتن چهار حرف صدا دار ü , u , o , ö و يك حرف بی صدای v ترکی ، در خط عربی از حرف و و علامت حرکه و الف استفاده می‌شود. مثال :
او ، ؤ ، اؤ ، ؤ ، اؤ ، اُ ، اؤ ...

حروف مذکور ، در زبان ترکی بجای حروف صدا دار بکار رفته می‌شوند ، ولی متأسفانه

انها در توضیحات دستوری ، نمی‌توانند جای زین حروف صدادار ترکی شوند و اوهای حروف ترکی را بدرستی در خود انعکاس دهند. برای مثال به ترکیب کلمات زیر که با حرف و نوشته می‌شوند ، توجه کنید : (حرف و همراه علائم مختلف)

توخویورام ، اوشمویور öpüşmüyür ، اوشویورم ، دؤووشمویور dövüşmüyür ،

سوروشمویور ، وۇرۇلمۇیۇر vurulmuyur ، دورولمویور ، اوخۇیۇر oxuyur ، ...

- دو علامت ع ، ا (عا) نیز به شکل يك حرف صدادار a بیان می‌شود :

عاشق [aşıq] ، عامل amel (عامل amil) و ...

- در زبان ترکی ، دو حرف صدادار i , ı و يك حرف بی‌صدا y موجود است که

هرسه آنها با خط عربی بوسیله علامت ای ، ی ی نوشته می‌شود. نوشتن و خواندن

حرف ی ، بجای سه علامت i , ı , y ، بسیار مشکل می‌باشد ، زیرا سه حرف

i , y , ı در زبان ترکی با شیوه و اوهای مختلفی بیان می‌شوند که حرف ی عربی

انها را در خود انعکاس نمی‌دهد و نتیجتاً در موارد زیادی و ی ه ی‌های اوهای ترکی

در ون شده ، همانند ی عربی به يك شکل خوانده می‌شوند. مثال :

ایشلییر işliyr ، ای می یر içmiyr ، یئمیییر yemiyr ، اییییر iyiyir ، اییلییر iyiliyr ،

یئدی yedi ، ئی gey ، هئی hey ، یاییلماق yayılmaq ، ییغمیییر yıǵmıyr ،

یاییلر yayılır ، ایلخی ilxı ، ایلدیریم ıldırım ، ایلقیشلماق ılqışlamaq ، سینیر

sınır ، یاییر yayır ، دایی dayı ، ای ay و ...

- ا ر حرف ه ، در اول کلمه قرار یرد و به حرف شت سری خود بیوندد ، هماوا

با حرف ه ، h تلفظ می‌شود. مثال : هریز həriz ، هرکیم hərkim و ...

ا ر حرف ه ، در وسط کلمه قرار یرد و به حرف شت سری خود بیوندد ، هماوا

با h تلفظ می‌شود. مثال : آهر əhər ، شَهر şəhər ، زَهر zəhər و ...

- ا ر حرف ه ، در وسط کلمه نوشته شود و به حرف شت سری خود نیوندد ، هماوا

با حرف آ تلفظ می‌شود. مثال: له جَکْ gələcək ، زهره خانیم ، نده ییلمک ...

- ا ر حرف ه ، در آخر کلمه قرار یابد ، هماوا با آ ، ا تلفظ می‌شود. مثال:

ننه nən ə ، دده dədə ə ، بیّه bəbə ə ، جوجه cücə ، دوه dəvə ...

- ا ر حرف ه ، در آخرین حرف کلمه عربی و فارسی (کلمه ای که وارد زبان ترکی شده است) قرار یابد ، در زبان ترکی به شکل آ تلفظ می‌شود ، ولی در موارد کمی نیز هماوا با حرف ح تلفظ می‌شود. مثال:

کلمات فارسی: (به شکل آ و ا) قهوه خانا qəvəxana (قهوه خانه) ،

(به شکل ح) به به bəhbəh ، آه əhəh ...

کلمات عربی: (به شکل آ) علمیه elmiyə ، مهریه mehriyə ...

(به شکل ح) توجه təvəcöh ، الله (ال لاه) allah ...

a (مشکلات املائی با الفبای عربی :

از اینکه اوای زبان ترکی با حروف عربی هماهنگی ندارند ، در نتیجه تلفظ اوای حروف ترکی با الفبای عربی بدرستی بیان نمی‌شوند و به همین دلیل نیز نوشتن و خواندن آنها مشکل می‌باشد. واضح است که الفبای عربی برای نوشتن حروف زبان عربی بوجود آمده و در نتیجه با اوای زبان ترکی هموائی ندارند. بنابراین الفبای زبان ترکی باید طوری باشند که حروف مختلف ترکی از هم قابل تفکیک باشند. ولی متأسفانه با خط عربی نین نیست و در نتیجه نوشتن کلمات ترکی با مشکلات زیادی مواجه است:

- حرف آ ا ، با خط عربی به اشکال مختلف زیر نوشته می‌شود:

(۱) با علامت ه : ننه [نه نه] ، دده [ده ده]

(۲) با علامت آ : آل ، اکبر ، آر ، آلبته

(۳) با علامت ع : علی ، عباس ، علاج ، علاقه

- (با علامت حرکت : ک ، جواب ، سواد ، سَمک)
- (با حرف و همراه همزه : مؤلف ، مؤثر ، مؤسس)
- (با علامت ا ع : اعمال ...)
- حرف a با خط عربی به اشکال مختلف زیر نوشته می شود :
- (۱) با علامت ا : الما ، الی ، ال (۲) با علامت عا : عالم ، عاشیق ، عادیل [عادل] ...
- (۳) با علامت ل : بابا ، قالا ، سانا .. (با علامت و همزه و الف به شکل و ا : سؤال ...)
- (حرف ی ، بجای حرف ا : مصطفی ، یحی ...)
- در خط عربی ، دو حرف ط ، ت موجود است که هر دو آنها در زبان ترکی همانند حرف ت t تلفظ شده ، ولی به شکل زیر در ترکیب کلمات بکار رفته می شود :
- تبریز təbriz ، تهران tehran ، طلب tələb ، طیاره ...
- در زبان عربی ، سه حرف س ، ص ، ث موجود است که هر سه آنها در زبان ترکی هم‌اوا با حرف س s تلفظ شده ، ولی به شکل زیر نوشته می شود. مثال :
- سواد səvad (ساود) ، صابون sabun (صابین) ، ثواب səvab (ثاواب) ...
- در الفبای عربی ، چهار حرف ز ، ذ ، ظ ، ض موجود است که همه آنها در زبان ترکی هم‌اوا با حرف ز [z] تلفظ شده ، اما به شرح زیر نوشته می شوند. مثال :
- زهرا zəhra ، ذات zat ، ظلم zolm (ظلوم zülüm) ، ضمیر zəmir .
- ا ر بخواهیم کلمات دراز طویلی را برای اسان کردن از سوندها جدا بنویسیم ، با خط عربی ممکن نیست و با مشکلات نوشتن (اتو رافی) مواجه می شویم ، در صورتی که با خط لاتین می توان آنها را بوسیله کما (،) از هم جدا کرد. مثال :
- ادامین ، ادامین (adam,in) . داداشین ، داداشین (dadaş,in) قویونون (قویون ون)
- qoyun,un ، اویونون (اویون ون) oyun,un ، لمه جکلردن gələcək,lərdən ، باجی
- قارداشلیق bacı,qardaş,lıq ، لمه یه جییدی gəl,mə,yəcəy,iy,di ...

b) مشکلات الفبای عربی و راه‌های پیش‌بینی شده:

مشکلاتی که با الفباء عربی برای نوشتن و خواندن حروف ترکی و بویه حروف صداداران موجود بوده، بخشی از اوقات نویسندگان و شخصیت‌های ادبی اذربایجان را با خود مشغول کرده است، بطوری که بعضی از آنان برای پیدا کردن راه حل مناسبی به فکر افتاده و علائم بویه‌ای را بکار برده و در جامعه مطرح کرده‌اند.

برای مثال به حروف صداداران ارائه شده از طرف نویسندگان اذربایجانی توجه کنید، که در ده‌های اخیر نوشته شده‌اند:

- آقای دکتر زهتابی، در کتاب معاصر اذربایجان ادبی دیلی، حروف صداداران ترکی را با خط عربی با علائم زیر نوشته است:

| نیم حرف صداداری که دهند بالائی دارند: | | | | نیم حرف صداداری که دهند بالائی دارند: | | | |
|--|----|------|------|--|----|----|------|
| a | ا | ا، ل | ل، ا | ə | ا | ه | ه، ه |
| ı | ای | یف | ی | e | ائ | ائ | ئ، ی |
| o | او | و | و | i | ائ | ائ | ئ، ی |
| ö | او | و | و | ü | او | و | و، و |
| u | او | و | و | | | | |

- آقای دکتر ابراهیم رف رف، در کتاب دستور زبان خود بنام انا دیل، حروف

صداداران ترکی اذربایجان را به شرح زیر مطرح کرده است:

حروف صداداری که دهند بالائی دارند.

| | | | | | | | | | |
|---|---|---|----|---|---|---|---|---|---|
| ə | ا | e | ای | ü | و | و | و | و | و |
|---|---|---|----|---|---|---|---|---|---|

حروف صداداری که اهنه مائینی دارند :

| | | | | | | | |
|---|---|----|---|---|---|---|-----------------------------|
| a | ا | ای | o | و | u | ۇ | قابیغی قالین ، بۇیۇنۇ یۇغۇن |
|---|---|----|---|---|---|---|-----------------------------|

- اقای دکتر حمید نطقی ، حروف صدادار ترکی را در کتاب فرهنگ لغات متشابه در زبان و ادبیات اذربایجان... (نوشته علی اسماعیل اف)، با الفبای زیر نهاشته است.

حروف صدادار با اهنه بالائی :

| اول کلمه | وسط کلمه | اخر کلمه |
|----------|----------|----------|
| a | ا | ا - ل |
| ا | ای | ی |
| o | او | و |
| u | ۇ | ۇ |

حروف صدادار با اهنه مائینی :

| اول کلمه | وسط کلمه | اخر کلمه |
|----------|----------|----------|
| ə | ه | ه |
| e | ئ | ؤ - و |
| i | ای | ی |
| ö | او | ه |
| ü | او | و ، و |

- در کتاب اذربایجان دینین رامری که بوسیله آقایان قاسم حسن اف ، کامیل علیوف و فرودون جلیل نوشته شده و اقای عادل ارشادی فر به خط عربی برردانده ، الفبای حروف صدادار ترکی را با علائم زیر بکار برده اند.

- حروف صدادار با اهنه بالائی :

| | | | | | | |
|-------|---|----|---|---|---|----|
| ə ، آ | e | ای | ö | ۇ | ü | أو |
|-------|---|----|---|---|---|----|

- حروف صدادار با اهنه مائینی :

| | | | | | | |
|---|---|----|---|----|---|----|
| a | ا | ای | o | او | u | او |
|---|---|----|---|----|---|----|

c) پیش نهاد سمینار علمی تهران :

- بنا بر اطلاعات انترنتی ، در تاریخ ۲۷ - ۲ خرداد ۱۳۷۹ هجری شمسی ، سمیناری در تهران با شرکت جمعی از نویسندگان ، زبانشناسان و شخصیت‌های ادبی اذربایجان برقرار شده بود. بر اساس همین اطلاعیه ، شرکت کنندگان بر اصول شور و رای ، علائم ویه زیر را برای نوشتن ۹ حرف صدادار ترکی انتخاب کرده اند.

- حروف صدادار با اهند بالائی : (حروف انتخابی سمینار تهران)

| | | | | |
|----|----|----|---|---|
| ا | ا | ا | A | a |
| ای | ای | ای | ا | ا |
| اؤ | اؤ | اؤ | o | o |
| اؤ | اؤ | اؤ | u | u |

- حروف صدادار با اهند بالائی :

| | | | | |
|----|----|----|---|---|
| ا | ا | ا | ə | ə |
| ائ | ائ | ائ | e | e |
| ای | ای | ای | i | i |
| اؤ | اؤ | اؤ | ö | ö |
| اؤ | اؤ | اؤ | ü | ü |

- با وجودی که الفبای انتخابی مذکور نیز قادر به بیان اواهای زبان ترکی نمی‌باشند ، ولی از اینکه کار این عزیزان عمل جمعی می‌باشد ، در نتیجه با شتی بانی از این عمل مثبت آنان ، در این کتاب از حروف صدادار انتخابی آنان استفاده شده است ؛ ولی متأسفانه در مواردی برنامه کامپیوتر من با علائم ویه آنها هم نمی‌نکرده و نتیجتاً بعضی از حروف بدرستی نوشته نشده است.

۷) الفبای لاتین و ونی هماوائی آنها با حروف زبان ترکی :

- اکثر الفبای لاتین ، اواهای حروف زبان ترکی را در خود انعکاس می دهند ؛ ولی بخشی از آنها در شکل اصلی خود ، اواهای حروف زبان ترکی را بدرستی در خود منعکس نمی کنند ؛ اما الفبای لاتین این ویه ی را دارند که با تغییر نام و تغییر شکل ، با حروف زبان ترکی هماهنگی و هماوائی کامل پیدا می کنند.

در رابطه با تغییر الفبای لاتین برای هماوا کردن آنها با حروف ترکی می باید به این موضوع نیز توجه شود که بعضی از الفبای لاتین در کشورهای اروپائی (در صدادهای قبلی) تغییر نام و تغییر شکل داده شده اند ، زیرا مردم کشورهای مختلف اروپائی زبانهای متفاوت و ناهمونی با ریشه های مختلفی داشته اند که برای نوشتن آنها خواسته و ناخواسته الفبای لاتین را مورد استفاده قرار داده اند و برای هماوا کردن آنها با اواهای زبان خود ، تغییراتی نیز در آنها بوجود آورده اند. بنابر این با انتخاب نند عدد از علائم تغییر داده شده ، همراه سایر الفبای لاتین برای نوشتن و خواندن حروف زبان ترکی به شکل يك خط ایده ال در آمده است ، بطوری که با این الفباء ، تمام اواهای زبان ادبی ترکی اذربایجان ، به شکل اصلی خود نوشته و خوانده می شوند.

در زبان ترکی اذربایجان ۹ حرف صدادار موجود است ، که آنها در دستور زبان ترکی رل مهمی را بازی می کنند ؛ با وجودی که این حروف با خط عربی با علائم مختلف نوشته می شوند، ولی متأسفانه آنها در بندهای مختلف کلمه به شکل صحیح خوانده نمی شوند، در صورتی که همه آنها با خط لاتین با علامت ویه ای نوشته می شوند و در تمامی بندهای کلمه نیز به شکل اصلی و واحدی نوشته شده و یا خوانده می شوند ؛ بدین سان ، خط لاتین بر عکس خط عربی ، تمام مشکلات دستوری و هماهنگی حروف صدادار ترکی را به شکل منطقی حل و فصل می کند.

a (الفبائی که در خط لاتین برای نوشتن کلمات ترکی تغییر نام داده می‌شوند:

۱) این علامت c ، در زبان ترکی به جای حرف ج بکار رفته می‌شود. مثال :

جوجه cücə ، جۇراب corab ، جواب cavab (جواب) ، جان can و...

۲) این علامت g ، بجای حرف گ نوشته می‌شود. مثال :

گالمگ gəlmək ، گولمگ gülmək ، گۆرمگ görmək ، گتمگ getmək و...

۳) این علامت ı (ای ، ی ، ی) بدون نقطه ، به شکل الف ساکن (ا) با

اهن ائینی (بم ، کلفت) تلفظ می‌شود. مثال :

ایلیخی ilxi ، ایی ayı ، ییخیلماق yıxılmaq ، ییغماق yığmaq ، دیغیرلماق diğirlamaq و...

(این علامت x ، بجای حرف خ ، نوشته می‌شود. مثال:

خالا xala ، ساخلاماق saxlamaq ، اختارماق axtarmaq ، خلق xəlc (xəlq) ، خبر xəbər و...

(این علامت z ، بجای حرف ز بکار رفته می‌شود. مثال :

ان japon ، آدھا əjdəha ، اندارم jandarm ، ست jət ، ورنال jurzal و...

(این علامت Q ، به شکل ق بکار رفته می‌شود. مثال :

الماق almaq ، قالماق qalmaq ، قارقا کیمی قاریلداماق . qarqa kibi qarildamaq

۷) این علامت v ، بجای حرف و بکار رفته می‌شود. مثال :

وۇرماق vurmaq ، حسن و حسین (حوسئین) Həsən və Hüseyn ، ولی Vəli و...

b (الفبائی که برای نوشتن کلمات ترکی تغییر شکل داده می‌شوند:

۱) بر زیر حرف c علامتی افزوده شده و به جای حرف (ç) بکار رفته

می‌شود. مثال :

چیک çik ، چیمان çiman ، باخا [باغ] baxça ، چۆمچə çömçə و...

۲) بر روی حرف g علامتی افزوده شده و به جای g (غ) نوشته می‌شود. مثال:

اغ ağ ، داغ dağ ، باغ bağ ، یاغ yağ ، غم gəm ، غصه və...

(۳) بر زیر حرف s ، علامتی افزوده شده و بجای حرف ş (ش) نوشته و خوانده می شود. مثال :

ایشله مک işləmək ، دیشله مک dişləmək ، بی شیرمک bişirmək ، شیشمک şişmək ...

(بر روی حرف u ، دو نقطه افزوده شده و بجای حرف او (ü) بکار رفته می شود. مثال :

اوشومک üşümək ، اوزمک üzmək ، دوشمک düşmək ، ولمک gülmək ،

ولدورمک güldürmək ، اوتوله مک ütüləmək ، اوزمک üzmək ...

(بر روی حرف o (او) ، دو نقطه افزوده شده و بجای حرف ö (او) بکار رفته می شود. مثال :

اؤمک öpmək ، دؤزمک dözmək ، بؤلمک bölmək ، دؤنمک dönmək ...

(۷) این علامت ə ، در زبان ترکی اذربایجان به جای حرف اَ ، عَ ، هَ بکار رفته می شود. مثال :

عباس (Abbas) bas ، علی Əli ، أعمال əmal ، حمید Həmid ...

- با تغییرات مذکور، الفبای لاتین با اوها و حروف زبان ترکی هماوائی کامل یدا می کنند ، در نتیجه این هماوائی ، تمام مشکلاتی را که خط عربی عمدتاً بخاطر عدم هماهنگی حروف صدا دار (ə , e , ı , i , ü , ö , u , o) ، برای نوشتن و خواندن کلمات زبان ترکی بیار آورده ، از بین می برد.

بعضی از الفباء عربی، بوی ه علائم حروف صدا دار ان، هویت اصلی اوهای حروف ترکی را از انها سلب می کند و بدین سان قانون هماهنگی حروف صدا دار زبان ترکی را بهم می زند و بدین سان این زبان را به شکل زبان بی قاعده و در هم برهم جلوه می سازند ، اما برعکس ان الفبای لاتین با حروف زبان ترکی هماوا می شوند و هویت اصلی اوهای زبان ترکی را به شکل اصلی در خود انعکاس می دهند و اصول و فرمول بندیهای مختلف این زبان را به

شکل منطقی بیان می‌کنند و قانونمندی تکامل یافته و حساب شده و با قاعده ی و علمی بودن آن را هر به بهتر اشکار می‌سازند ، در نتیجه بوسیله این خط ، یاد گیری اصول هماهنگی حروف صدادار ترکی بسیار آسان می‌شود. (۱) (اورقی)

- الفبای لاتین به شکل زیر به يك فرم بزر (درشت) و كو لك نوشته می‌شوند. مثال :

A , a ، B , b ، C , c ، D , d ، L , l ، M , m ، Z , z ...

- در این کتاب اولین حرف اسامی اشخاص (انسانها) با خط لاتین درشت نوشته می‌شود. مثال :

علی li ، یاشار Yaşar ، لاله Lalə ، احمد hməd ، اصلی sli ، کرم Kəram ، بابک Babək ، نبی Nəbi ، رسول Rəsul ...

- در این کتاب اولین حرف اسامی حیوانات وحشرات ، اشیاء ، همانند سایر کلمات به شکل كو لك نوشته می‌شوند. مثال :

اڭو ev ، اڭاج ağac ، بادام badam ، بۇغدا buğda ، نار nar ، سۇ su ، قاش qaş ، قۇز göz ، باش baş ، مدرسه mərsə , باشماق başmaq ، قاشقاباق qaşqabaq ، دده dədə ، كنه ك ، ادام ، ایت ، یشیک ، دوه ، میمون ، قاریشقا (قارینجا) ، میغ میغ ، ...

(۱) با وجودی که اسامی خیلی از مقولات و اولین حرف جمله با همین خط در جمهوری اذربایجان و ترکیه همانند بعضی از کشورهای اروپائی با خط درشت نوشته می‌شوند، ولی در این کتاب تنها اولین حرف اسامی انسان با خط درشت نوشته می‌شوند. زیرا درشت نویسی اولین حرف اسامی، هی زمینه علمی اثبات شده ای ندارد ، ولی روشن است که کار مغز را در املاء نویسی مشکل می‌سازد. اولین اسامی در خط عربی كو لك نوشته می‌شوند که هی مشکلی در آن مشاهده نمی‌شود. نا فته نماند که در مواردی در بعضی از کشورهای اروپائی (منجمله المان) در رابطه با غیرمنطقی و مشکل بودن بزر نویسی اسامی .. ، مباحثی در یر می‌شود. بزر نویسی اسم انسان که در این کتاب بکار رفته شده است ، هی از یزه علمی ندارد و تنها اسم انسان را از سایر اسامی قابل تفکیک می‌سازد.

بخش دوم:

(۱) حروف و تجزیه آنها در ترکیب کلمه :

حروف، اوها و صداهائی هستند ، که انسان برای رساندن مفهومی، از دهان خارج می کند. حروف از لحاظ صدا به دو بخش اصلی تقسم می شوند ، که بخشی از آنها تن صدای ساکن و بخش دی ری از آنها تن صدای کشیده دارند.

حروف با صدای ساکن و با صدای کشیده به ترتیب شت سرهم یده شده و برای فهماندن مطلبی به شکل سیلاب (بند ، بخش) و کلمه بیان می شوند. مثال :

bu (این) : کلمه دو حرفی که یک حرف کشیده و یک حرف ساکن دارد.

gülmək (خندیدن) : کلمه ای که دو حرف کشیده و چهار حرف ساکن دارد.

- حروفی که تن صدای کشیده دارند ، در مواردی به تنهائی نیز سیلاب محسوب می شوند. مثال :

o (او) : ، حرف کشیده ای است ، که بتنهائی سیلاب و کلمه محسوب می شود.

ana (مادر) : ، کلمه ای است که دو حرف کشیده و یک حرف ساکن دارد که حرف

اولی آن سیلاب محسوب می شود.

حروف با تن صدای کشیده و ساکن در این کتاب با اسامی زیر بکار رفته می شوند:

حروف صدادار

(با صدای کشیده)

حروف بی صدا

(با صدای ساکن)

- کلمات به شکل زیر به حروف بی صدا (صدای ساکن) و حروف صدادار (صدای کشیده) تجزیه می شوند :

ana ، کلمه ای که دو حرف صدادار [a,a] و یک حرف بی صدا [n] دارد.

باجی ba,ci ، کلمه ای است که دو حرف بی صدا [b, c] و دو حرف صدadar [a, i] دارد.
 ۱۱ gül ، کلمه ای می باشد که يك حرف صدadar [ü] و دو حرف بی صدا [g, l] دارد .
 يَك k ,çi,çə ، کلمه ای است که از سه حرف بی صدا [ç, ç, g] و از دو حرف صدadar [i, ə] تشکیل یافته است .

یولداش yol,daş ، کلمه ای که از دو حرف صدadar (o, a) و چهار حرف بی صدا [y, l, d, ş] ترکیب می یابد.
 ۱۲ göz,əl,lik,lə r ، کلمه ترکیبی است که از هفت حرف بی صدا [g, z, l, l, k, l, r] و چهار حرف صدadar [ö, ə, i, ə] ترکیب می یابد.

یولداشلیق yol,daş,lıq ، کلمه ای می باشد که از سه حرف صدadar [ı, a, o] و شش حرف بی صدا [q, l, ş, l, y] ترکیب یافته است.
 قارداشلیقدان qar,daş,lıq,dan ، کلمه ترکیبی که از هشت حرف بی صدا و چهار حرف با صدا ترکیب می یابد.

اداملیقدان a,dam,lıq,dan (اینسانلیقدان) ، کلمه ترکیبی است که از شش حرف بی صدا و چهار حرف صدadar تشکیل یافته است .

لیب ۱۳ gəl,ib,get,mə k ، کلمه مرکبی می باشد که از هفت حرف بی صدا و چهار حرف صدadar ترکیب یافته است .

الیش وئیش ۱۴ al,iş,ver,iş ، کلمه مرکبی که از پنج حرف بی صدا و چهار حرف صدadar تشکیل یافته است.
 باجی قارداشلیقدان ۱۵ ba,ci,qar,daş,lıq,dan ، کلمه مرکبی که از ده حرف بی صدا و شش حرف صدadar ترکیب می یابد .

توجه :- نانکه از ترکیب کلمات مذکور روشن می شود، تقریباً شصت در صد ترکیب کلمات ترکی را حروف بی صدا و پهل در صد انها را حروف صدadar تشکیل می دهند. یعنی از مجموعه ۳۲ حرف زبان ترکی، ۲۳ عددشان حروف بی صدا (یعنی هفتاد و يك ممیز شش در صد) و ۹ عددشان حروف صدadar (یعنی بیست هشت کما چهار درصد) می باشند. بعبارت دی ر حروف صدadar در زبان ترکی بنسبت کمیت خود خیلی بیشتر از حروف بی صدا بکار رفته می شوند.

- حروفی که صدای ساکن دارند ، در این کتاب حروف بی صدا می وئیم و حروفی که صدای کشیده دارند ، حروف صدadar می نامیم .

۲) طریقه ترکیب سیلاب و کلمه و هجی کردن آنها :

- بخش کو کی از کلمه را سیلاب (بند ، بخش) می نامیم. اساس سیلاب در زبان ترکی حروف صدادار می باشند. حروف صدادار بتنهائی و یا همراه با يك و یا ند حرف بی صدا به شکل سیلاب بیان می شوند. سیلاب بخشی از کلمه است که صدا و آوای ان يك نواخت بیان می شود و قطعه قطعه و بریده نمی شود. مثال :

حسن Həsən : کلمه حسن به شکل Hə, sən دو سیلابی می باشد.

- کلمه در زبان ترکی به تعداد حروف صدادار به سیلاب (بند ، بخش) تجزیه شده و هجی (بند بند ، بدون قطع صدا خوانده) می شوند. یعنی ا ر کلمه ای يك حرف صدادار داشته باشد ، ان کلمه تك سیلابی و ا ر ان ند حرف صدادار داشته باشد ، به تعداد انها هجی شده و یا به سیلاب مبدل می شود :

کلمات ترکی به شکل زیر به سیلاب تجزیه شده و هجی می شوند :

- کلمه يك حرفی و تك سیلابی : او o (او ضمیر سوم شخص مفرد می باشد).
- کلمه تك سیلابی و دو حرفی :

یئ ye ، دئ de ، آل ɒ ، ائل el ، ایت it ، ال al ،
اول ol ، بۇ bu ، سۇ su ، اش aş ...

- کلمه تك سیلابی و سه حرفی :

ل gəl ، ئت get ، یئل yel ، ئل göl ، ئز göz ، یؤل yol ، سؤل ،
باش baş ، سا saç ، ییغ yığ ، بۇل bul ، دۇر dur ...

- کلمه تك سیلابی و چهار حرفی :

کلمه ای که يك حرف صدادار و سه حرف بی صدا دارد و تك هجائی می باشد :

دۇرت dört ، تورک türk ، یۇرت yurt (یۇرد yurt) ، قۇرت qurt ...

- کلمات دو سیلابی :

لمک : کَل - مَک gəl-m ək . ئتمک : ئت - مک get - m ək

ایتمک : ایت - مک it-m ək . دۇرماق : دۇر - ماق dur - maq

- کلمه نند سیلابی با یک و یا نند سوند:

(توجه شود ، که سوند ها در هجی کردن از کلمه جدا شده و به تعداد حروف صدادر هجی می شوند.)

- کلمه با یک سوند : ئتمک : ئت - مک get - mək

- کلمه با دو سوند : سؤندورمک : سؤن - دور - مک sön - dūr - mək

لیرسن : ل - ایر - سن gəl - ir - sən . ئدیرسن : ئد - ایر - سن ged - ir - sən

- کلمه با نند سوند :

قالاجاقسان : قال - ا ، جاق - سان ، qal - a - caq - san (قا - لا - جاق - سان)

الیش وئریش : ال - ایش - وئر - ایش al - iş - ver - iş

باجی قارداشلیقدان : با - جی - قار - داش - لیق - دان ، ba - cı - qar - daş - lıq - dan

لمه بیللمی سن : ل - ه - بیل - مه - لی - سن ، gəl - l ə gəl - l ə - bil - m ə - li - sən

قالاجاقسان : قال - ا - جاق - سان ، qal - a - cak - san

(توجه شود که در مواردی در هجی کردن کلمات، بی قاعده ی مشاهده می شود (مثل : لمه

بیل ، قالابیل ، ادامین و...) ؛ دلیل آن خط عربی می باشد ، زیرا بعضی از حروف مثل حرف

i و... یک حرف صدادر است ، که با خط عربی با دو علامت (مثال : ا - ی) نوشته

می شود ؛ علائمی نیز هم ون ه و یا ی هست ، که به تنهایی هجی نمی شود.)

- در موارد کمی ، یکی از حروف سوند را همراه حروف ریشه کلمه هجی می کنند. مثال:

ادامین adamın (ا ، دام ، این) را به شکل ا - دا - مین . داداشین dadaşın

(دا - داش - این da,daş,ın) را به شکل دا - دا - شین هجی می کنند.

- دو حرف بی صدا و همنوع ، در کلمات ساده ترکی خیلی کم در کنار هم بکار رفته

می‌شوند، ولی ند کلمه ای هست که دو حرف بی‌صدا و هم نوع در يك کلمه در کنار هم قرار می‌گیرند، آنها به شکل زیر جدا از هم هجی می‌شوند:

آلی əlli : آل - لی əl-li . بلی bəlli : بل - لی bə-li ...

- در زبان ترکی ند کلمه ای است که در آخر آنها دو حرف بی‌صدای هم نوع در کنار هم قرار می‌گیرند، ا ر سوند نین کلماتی با حرف صدادار آغاز شود، یکی از آن دو حرف هم نوع همراه حرف صدادار سوند هجی می‌شود. برای مثال، کلمات تورک tür,küm ، قورت qurt ، دورت dort (دورد) به شکل من تور- کوم tür,küm (تورکم) ، قور- دو qur,du ، دور- دونجو dör,dün,cü هجی می‌شوند.

- در صرف و یا در بیان کلمه ای که بر روی یکی از حروف صدادار آن تکیه می‌شود، آن حرف خود يك سیلاب به حساب می‌آید. برای مثال کلمه اوشاق uşaq (ب ه) را که بر حرف اولی (u) آن تکیه (زده) می‌شود، در نظر می‌گیریم که به شکل u - şaq (او - شاق) هجی می‌کنیم. ولی ا ر بر روی حرف u تکیه نکرده و به جای u - şaq به شکل uş - aq هجی کنیم، کلمه کاملاً غلط تلفظ شده و اصلاً فهمیده نمی‌شود.

هجی کردن کلمه آنا ana نیز به همان شکل است. ا ر انا را به شکل آ- نا a - na هجی کنیم درست است، ولی ا ر ان را به شکل آن - آ an - a هجی کنیم، کلمه کاملاً غلط بوده و فهمیده نمی‌شود. برای مثال به سیلابهای کلمات زیر نیز توجه کنید: اوخوماق : او - خو - ماق ox - u - maq (غلط : ox,um,aq)

عادت a -- dət ، علی Ə -- li - (A,li) ،

- معمولاً در محاوره به بخش آخر اسامی شهرها و دهات تکیه می‌شود و آنها را به شکل کشیده بیان می‌کنند، ولی نین حروفی (حتی ا ر صدادار باشد) جدا هجی نمی‌شوند. مثال:

تهران tehran ، تبریز tabriz ، باکی bakı ،

ایستانبول istanbul ، استارا ، ماراغا ، اورمییه ، زنجان ، و...

– کلمات عربی که با تشدید نوشته می‌شوند، در زبان ترکی با دو حرف هم نوع نوشته شده و از هم جدا هجی می‌شوند. مثال :

دقت : دیق - قَت diq - qət . (دیقت) ، امّا : ام - ما am -ma (امما) .

هَمّت : هوم - مَت hümmət (هوممت) و...

– در کلمات عربی که دو حرف بی‌صدا در کنار هم قرار می‌گیرند ، در مواردی در زبان ترکی به آنها يك حرف صدادار اضافه کرده و به شکل زیر هجی می‌کنند :

رسم : رسیم ، ر - سیم rə, sim . شکر şokr : شو - کور şüşür و...

دُقّت : دیقت ، دیق قَت diq , qət .

در بعضی از کلمات عربی ، حروف صدادار آنها را تغییر داده و به شکل زیر تلفظ و

هجی می‌کنند : کِتاب : کِتاب ، کی - تاب ki-tab . عمو : عمی ، ع - می ə -mi

دائی : دایی ، دا یی da-yı . خاله : خالا ، خا - لا

مَحْمَد : مَحْمَد (ترکیه دیلینده : مَحْمَد) ، عَبّاس : عبّاس

کلمات عربی که حرف ع همراه دارند ، آن حرف در زبان ترکی به شکل حرف صدادار ما قبل و یا ما بعد خود تلفظ شده و هجی می‌شود. مثال :

ساعات (ساعت) : ساعات sa-at ، ممنوع məmnu و...

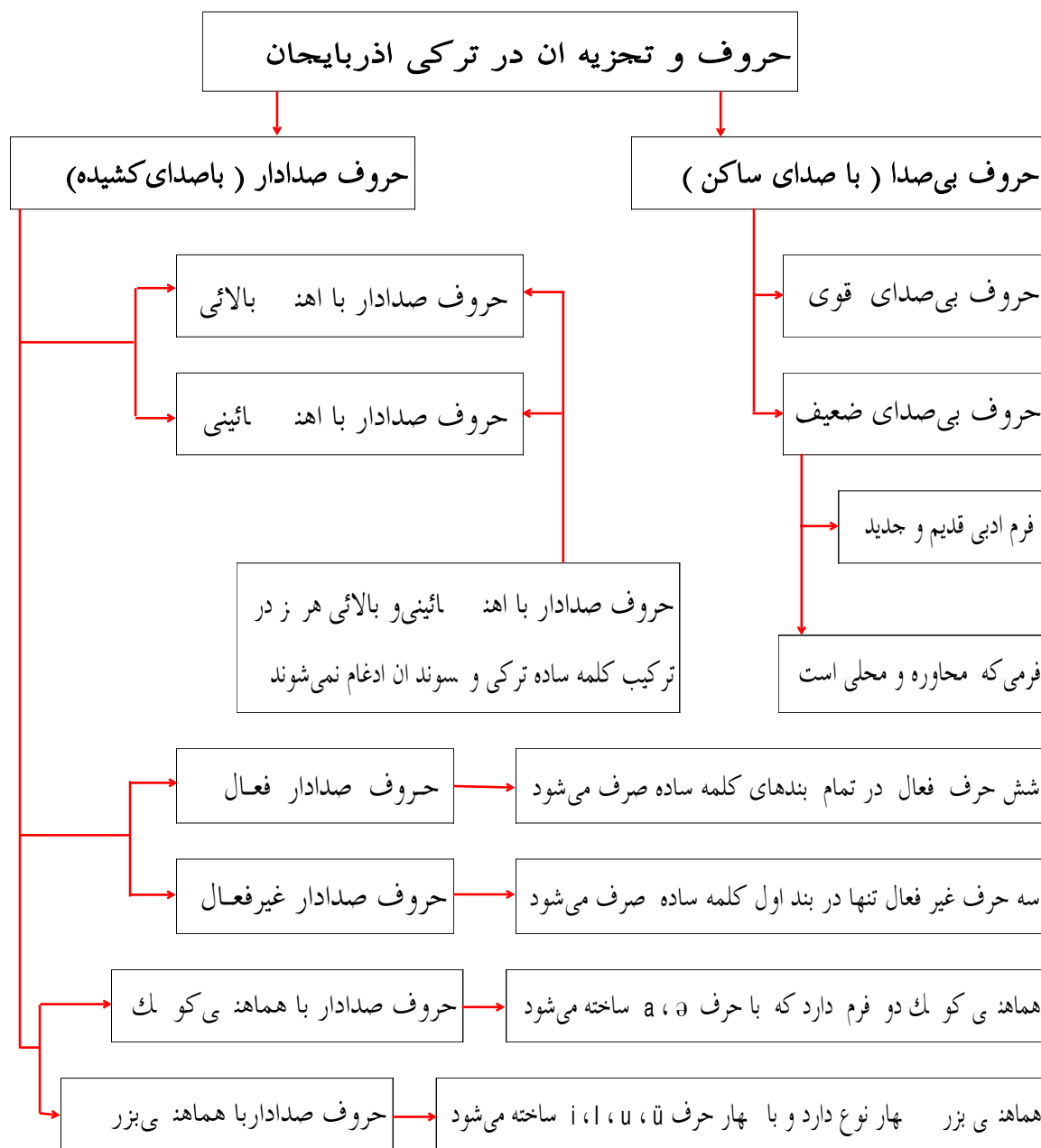
کلمات عربی که با حرف ع همراه الف ، همزه و یا حرکه (إعراب) بکار رفته می‌شوند ، در زبان ترکی به شکل يك حرف صدادار هجی می‌شوند. مثال :

علی əli : ə -li ، مأمور məmur : m ə -mur ، عادت adət : a -dət

– صمد بهرزی بدرستی در رابطه با تغییرات کلماتی که از سایر زبانها وارد زبان ترکی شده است

می‌گوید ، آنها در اسباب این زبان خرد و تبدیل به کلمات ترکی می‌شوند. [نقل به معنی]

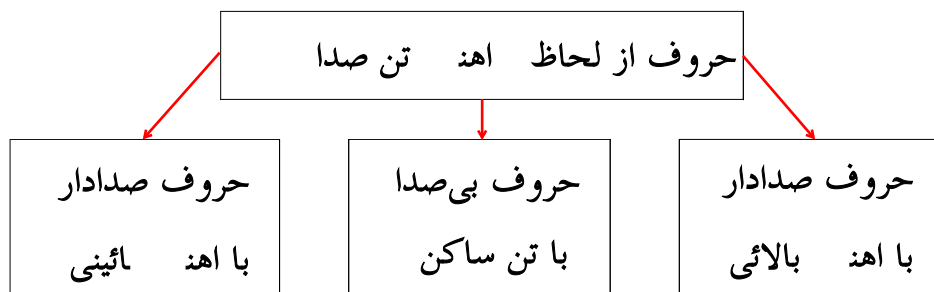
۳) در زبان ترکی اذربایجان حروف در ترکیب کلمه و سوند به روه بندیهای زیر تقسیم می‌شوند:



نانکه مشاهده می‌شود، حروف به دو روه مختلف تقسیم شده و برای رساندن مقصودی در کنار هم قرار رفته و کلمه را تشکیل داده و مقصودی را می‌رساند:

- حروف از لحاظ اهن تن صدا :

- حروف در ترکیب کلمه به دو روه اصلی ، یعنی حروف بی صدا [ساکن] و حروف صدادار [کشیده] تقسیم می شوند. در زبان ترکی حروف صدادار از لحاظ تن صدا به دو بخش یعنی با تن صدای کشیده با اهن بالائی (نازک) و با تن صدای کشیده با اهن ائینی (بم) تقسیم می شوند . در نتیجه تجزیه حروف صدادار به دو بخش مذکور ، حروف در ترکیب کلمات زبان ترکی از لحاظ اهن تن صدا به سه بخش زیر تجزیه می شوند:



حروف صدادار با اهن بالائی و حروف صدادار با اهن ائینی در کلمه و سوند سازی دو روه متضادی را تشکیل می دهند، که انها هر ز در يك کلمه ساده و سوندها ادغام نمی شوند. در نتیجه این روه بندی متضاد حروف صدادار ، کلمات و سوندها در زبان ترکی به دو شکل زیر ساخته می شوند :

۱) کلماتی که با ترکیب حروف بی صدا و حروف صدادار با اهن بالائی ساخته می شوند.

۲) کلماتی که با ترکیب حروف بی صدا و حروف صدادار با اهن ائینی ساخته می شوند.

- حروف صدادار با اهن بالائی و ائینی در کلمه و سوند سازی جدا از هم بکار رفته می شوند؛ در نتیجه حروف صدادار کلمات و سوندهای ترکی با حروف صدادار با اهن بالائی و یا با اهن ائینی ساخته می شوند.

- ونه ی تجزیه حروف صدادار :

a) حروف صدادار ، در زبان ترکی اذربایجان ۹ عدد به شکل زیر می باشند:

| | | | | | | | | |
|----|----|----|----|----|----|-------|-------|---|
| U | ü | ö | o | i | ı | E | أَ عَ | A |
| اؤ | اؤ | اؤ | او | ای | ای | اِ ائ | | ا |

توجه :- حروف صدادار در زبان ترکی به ند روه تجزیه شده و با ویه ی های خاصی بکار رفته

می شوند و بدین سان آنها در کلمه و سوند سازی رل مهمی را بازی می کنند.

- حروف صدادار در ترکیب کلمات و سوندها از لحاظ اهند تن صدا (۱ : اورقی) به شکل زیر به دو بخش متضاد تجزیه می شوند :

(۱ : اورقی) حروف و مفهوم تن صدا در دستور زبان ترکی:

حروف صدادار و حروف بی صدا ، اصطلاحاتی هستند که امروزه در زبان فارسی بویه در رابطه با آموزش زبانهای خارجی (انلیسی ، فرانسوی و...) بکار رفته می شوند. این اصطلاحات ، در این کتاب نیز مورد استفاده قرار می گیرند ، اما به این نکته باید توجه کرد ، که حروف بی صدا ، بویه در رابطه با زبان ترکی نادرست است. را که حروف (بی صدا و صدادار) هر یکی برای خود اوا و صدائی دارد ؛ زیرا همه اواها با عملکرد مختلف عضلات ریه ، لئو ، دهان و لبها با هوای تنفس شده بوجود آمده و از دهان خارج شده و به شکل امواج صوتی در هوای اطراف خش می شوند و به رده وش برخورد می کنند و بدین سان شنیده و سس تجزیه و تحلیل شده و باصطلاح فهمیده می شوند. وصف اصطلاح بی صدا به حرفی که همانند سایر حروف، تن صدا و امواج صوتی دارند ، واه درستی نمی باشد. علاوه بر ان در بکار گیری اصطلاحات حروف صدادار و حروف بی صدا در زبان ترکی به مطالب زیر توجه کنید: يك) حروف صدادار ترکی در تقسیم بندی حروف کلمه و سوند عملکردی همانند حروف صدادار در زبانهای خارجی دارند.

دو) در زبان ترکی حروف صدادار به دو بخش اصلی با اهند بالائی و با اهند ثائینی تقسیم می شوند و آنها هر ز در (بقیه در اورقی بعدی)

(a) حروف صدادار با اهنه بالائی (با صدای نازک) ،

حروفی هستند ، که اوا و صدای آنها نازک شنیده می شود ، این حروف در زبان ترکی اذربایجان پنج عدد به شرح زیر می باشند :

| | | | | | |
|----|----|----|---|---|---|
| او | اؤ | ای | ئ | ا | ا |
| u | ö | i | e | ə | ə |

(b) حروف صدادار با اهنه لائینی (با صدای کلفت) ،

حروفی هستند ، که اوا و صدای آنها بم شنیده می شود ، این حروف چهار عدد به شرح زیر می باشند :

| | | | | | |
|----|----|----|---|---|---|
| او | اؤ | ای | ا | ا | a |
| u | ö | i | e | ə | ə |

حرف صدادار کلمات ساده ترکی و سوندها تنها با یکی از این دو روه ساخته می شوند ، این اصول را در این کتاب ، هماهنگی حروف صدادار در کلمه و سوند سازی و « »

اورقی از صفحه قبلی :

ترکیب کلمات ساده ترکی و سوند آنها ادغام نمی شوند.

سه) در زبان ترکی حروف صدادار با اهنه بالائی و لائینی در ترکیب کلمات ، به بخش فعال و غیر فعال تقسیم می شوند که به اصول آن در صفحات زیر پرداخته می شود.

پهار) ا ر کلمات ترکی ، با خط عربی نوشته شوند ، تمام علائم زیر به شکل حروف صدادار تلفظ می شوند .

- علائم ل ، ا ، و ، ؤ ، او ، اؤ ، ی ، ی ... و همانا علائم حرکات (اعراب) ————— بجای حروف صدادار (ə , a , e , i , o , ö , ü , u) بکار رفته می شوند.

- ا ر حرف ع با علائم حرکه (حرکت کردن) و یا الف و یا هر سه آنها بکار رفته شود ، به شکل حرف صدادار تلفظ می شود. مثال : ع ə ، ع e ، ع ö ، ع a ، ع ə ، ع e

- ا ر علامت ع در وسط و آخر کلمه بکار رفته شود ، به شکل حرف صدادار ما قبل و یا ما بعد خود تلفظ می شود. مثال : مَعْمول mamul ، مَمْنوع mamnu ...

بعبارت دیگر قانون هماهنگی حروف صدادار می‌نامیم. با این مفهوم که تمام حروف صدادار کلمات ساده و سوندها با یکی از دو روه مذکور ساخته می‌شوند؛ دو روه مذکور هر ز در ترکیب کلمات ساده ترکی و سوند آنها ادغام نمی‌شوند. مثال:

الف) کلماتی که حروف صدادار آنها با اهن بالائی می‌باشند:

ننه nən ə ، دده dədə ، بیبی bibi ، یه یك çığək ..

کلمات و سوندهائی که حروف صدادار آنها با اهن بالائی می‌باشند:

دده نین dədənin ، بیبی دن bibidən ، یه کلرین çığəklərin ...

ب) کلماتی که حروف صدادار آنها با اهن بالینی می‌باشند:

ادام adam ، باجی bacı ، قارداش qardaş ، قویون qoyun و ...

کلمات و سوندهائی که حروف صدادار آنها با اهن بالینی می‌باشند:

باجی نین bacının ، ادامام adamam ، باجی نی bacını و ...

توجه: - کلماتی که از زبانهای دیگر وارد زبان ترکی شده و حروف صدادار آنها با

هماهنگی صرف نشده اند، آنها معمولاً حروف صدادار خود را حفظ می‌کنند،

اما حروف صدادار سوند آنها وابسته به آخرین حرف صدادار کلمه ما قبل خود

می‌باشند، که باید با قانون هماهنگی بکار رفته شوند. مثال:

کلمه عربی: مملکت məmləkət ، مملکتلر məmləkətlər ، مملکتلردən məmləkətlərdən

کلمه فارسی: نامردلیک namərdlik ، کار ر یلیک kargerçilik ، و ...

(ونه ی اهن تن صدای حروف و اصول هماهنگی :

- برای بیان ونه ی و اصول هماهنگی حروف صدادار ، جدولهای در صفحات زیر

کشیده شده اند، که در سطر اول آنها حروف صدادار با اهن بالائی ، در سطر دوم آنها

حروف بی‌صدا و در سطر سوم آنها حروف صدادار با اهن بالینی درج شده اند. مثال:

- جدول زیر را سه سطر مختلف تشکیل می‌دهند، که هر سطر ان برای نشان دادن

محدوده های امواج صوتی يك بخش حروف ترکی در نظر گرفته شده است :

| | |
|-------------------------|-------------------------------|
| i ü e ö ə e ə i e i ö ı | حروف صدا دار با اهنك بالائی: |
| b c f g x j q d l n r | حروف با تن ساکن : |
| a ı u a ı a u o ı a u | حروف صدا دار با اهنك مائینی : |

توجه: البته به این مطلب باید دقت شود ، که منظور از تقسیم و روه بندی حروف صدا دار از لحاظ تن صدا ، سنجیدن تفاوت دقیق اوهای حروف بوسیله دست ماههای مدرن الکترونیکی نمی باشد ، بلکه نشان دادن ابتدائی ترین مسئله صوتی (و فنوتیکی) می باشد ، که با کمی توضیح و دقت ، با روش معمولی قابل درک می باشد ، که آن کمک زیادی به روشن شدن مسائل همافه ی حروف صدا دار در دستور زبان ترکی می کند و بدین سان مسئله ای که مد نظر این مبحث است ، حل و فصل می شود.

- اکنون در جدول دی ری ، يك کلمه ترکی ننه ليك دن nənəlikdən را در نظر می گیرم که حروف صدا دار آن با اهنك بالائی و با همافه ی بکار رفته شده است. در جدول زیر حروف مختلف کلمه ننه ليكدن nənəlikdən را با يك خط زيک - زاکی از بین حروف مختلف سه سطر جدا می کنیم و بدین سان خط زيک زاکی ، که در بین حروف مختلف سه سطر به بالا و مائین کشیده می شود ، تفاوت اوها و حرکت امواج صوتی آنها را نشان می دهد. مثال : (ننه ليك دن nənəlikdən)

| | |
|---|-----------------------------|
| ü i e ə ö ə i ə i e i ü i ü i p t s ö ə i ü l i | حروف صدا دار با اهنك بالائی |
| k n f ğ m n h x m l q s l m k l y d p l n n m l | حروف با تن ساکن |
| u a u ı o a u o u ı u a | حروف صدا دار با اهنك مائینی |

- اکنون برای مثال دی ر ، کلمه ترکی قارداشلیقدان qardaşlıqdan را در نظر می گیرم

که حرف صدادار آن با اهنه ائینی و با هماهنگی بکار رفته شده است: (۱: اورتی)

| | |
|---|-----------------------------|
| ə m ü ö e ü i ö ə ö i ü e i ö i e | حروف صدادار با اهنه بالائی: |
| p q m l t r m l d h s l ş h l q l t q l s d m p h n p | حروف با تن ساکن |
| o s a i a l i q a i i a l u i o i i a l l a u i o | حروف صدادار با اهنه ائینی |

- از اینکه حروف صدادار کلمه قارداشلیقدان با اهنه ائینی می‌باشند؛ در نتیجتاً خط زیکزاک‌ی در بین دو سطری که در یکی از آنها حروف صدادار با اهنه ائینی و در دیگری حروف بی‌صدا (یا ساکن) نوشته شده است، به بالا و ائین کشیده می‌شود.
- اکنون برای مثال، کلمه مرکب مصطفی‌زاده Mostafazade را در نظر می‌گیریم، که از دو کلمه عربی (مصطفی) و فارسی (زاده) تشکیل یافته و حروف صدادار آن با هماهنگی بکار رفته نشده است، به همین دلیل نیز خط زیکزاک‌ی در بین سه سطر مختلف به «

(۱: اورتی)

در رابطه با تقسیم بندی حروف و وزنی بیان آنها به مطالب زیر توجه کنید:

- (a) در بیان حروف صدادار با اهنه بالائی (در سطر اول) دهان کمی باز می‌شود، ولی راه هوای بیرون داده شده کمی تنگتر می‌شود. صدای حروف سطر اول کشیده تر از حروف سطر دوم و همانا نازکتر از حروف سطر دوم و سوم می‌باشد.
- (b) در بیان حروف بی‌صدا (در سطر دوم) جلو هوا به اشکال مختلف بوسیله زبان، دندانها، لبها و... سد شده و با باز شدن آنها هوا و یا صدا در لحظه کوتاهی از دهان خارج شده و فوراً نیز قطع می‌شود.
- (c) در بیان حروف صدادار با اهنه ائینی در سطر سوم، دهان کمی بیشتر از دو روه بالائی باز می‌شود؛ تن صدای حروف صدادار با اهنه ائینی کمی بم‌تر (کلفت‌تر) از سطر اول و دوم می‌باشد.

بالا و آئین کشیده می شود : (اسم مرکب عربی فارسی: مصطفی زاده Mostafazade)

| | |
|-----------------------------|---|
| حروف صدادار با آهنگ بالائی: | a ö ü i e ü e i i ö e ö ü i ü e i ö e e r |
| حروف با تن ساکن : | M s p t s k t f k l f l f k z p z f h d p l m z |
| حروف صدادار با آهنگ آئینی: | ou ou i a m o t ü l q i a o i u a i u p o i u i |

(حروف صدادار و تجزیه آنها به روه فعال و غیر فعال :

حروف صدادار علاوه بر تجزیه به روه آهنگ بالائی و آئینی ، به شکل زیر به دو روه فعال و غیر فعال نیز تقسیم می شوند .

- حروف صدادار ، در زبان ترکی اذربایجان ۹ عدد می باشند ، که در ترکیب کلمات به شکل زیر به دو بخش فعال و غیر فعال تقسیم می شوند :

| | |
|------------------------------------|--|
| سه حرف صدادار غیر فعال : e , o , ö | شش حرف صدادار فعال : a , ə , i , ı , ü , u |
|------------------------------------|--|

(الف حروف صدادار غیر فعال ،

حروفی هستند ، که تنها در بند اول کلمات ساده ترکی (بعنوان اولین و دومین حرف کلمه) شرکت می کنند و در دی ر بندهای کلمه ساده و سوند آنها اصلاً بکار رفته نمی شوند. بهمین دلیل است که اسم این حروف را حروف صدادار غیر فعال می نامیم :

- حروف صدادار غیر فعال سه عدد به شکل زیر می باشند :

| | | |
|----|----|----|
| اؤ | اؤ | اؤ |
| o | ö | e |

- حروف صدادار غیر فعال تنها در کلمات تڭ هجائی و یا در بند اول کلمات نند سیلابی بکار رفته می شوند. مثال :

حروف صدادار غیر فعال در کلمات تڭ سیلابی: el ، öp ، de ، ye

حروف صدادار غیر فعال در بند اول کلمات نند سیلابی:

دۆشه مك döş əm ək ، سۆيونماق soyunmaq ، ائشیتمك eşitmək

- از سه حرف صدادار غیر فعال دو عدد آنها به شکل زیر با اهن بالائی و يك عدد آنها با اهن ائینی می باشند :

| | |
|---|---|
| حروف صدادار غیر فعال با اهن بالائی: ا، ۆ، ö | حروف صدادار غیر فعال با اهن ائینی: ۆ، o |
|---|---|

- حروف صدادار غیر فعال با اهن بالائی به شکل زیر تنها در سیلاب اول کلمات بکار رفته می شوند :

ائشیتمك eşitmək ، ائتمك etmək ، دئتمك demək ، یئیلتمك ، یئیلتمك ، سئو sev ، سئومك sevmək ، سئویلملی دیر sevimlidir ، اؤمك öpmək ، و... .

- حروف صدادار غیر فعال با اهن ائینی به شکل زیر تنها در سیلاب اول کلمات بکار رفته می شوند :

اؤخلاماق oxlamaq ، سؤلماق solmaq ، یؤلماق ، سؤساماق ، ییغماق ، دیغماق ، قالماق ، سالماق ، اؤخوماق ، تۆخوماق ، و... .

توجه : - کلماتی که از سایر زبانها وارد زبان ترکی شده اند ، حروف غیر فعال خود را در بندهای مختلف کلمه حفظ می کنند ، ولی سوند آنها باید با قانون هماهنگی حروف فعال بکار رفته شوند :

لُندون london (لندن) ، لُندوندادیر londondadır (درلندن است) لُندون داکي londondaki

(ان ه که درلندن است) نی مارا ووا niqaraqva ، نی مارا ووادادیرلار

niqaraqvadadırlar ، نی مارا وواداکي لار

- کلماتی که از زبانهای دیگر وارد زبان ترکی شده و اخر آنها با حرف غیر فعال e

باشد ، ان حرف به شکل حرف آ ا تلفظ می شود. مثال :

مهريه ə mehriy ، علميه ə elmiy ، جميله ə camil ، و... .

ب (حروف صدادار فعال ،

حروفی هستند ، که در تمام بندهای کلمات و سوندها بکار رفته می شوند ، به همین دلیل اسم این حروف را در این کتاب حروف صدادار فعال می نامیم .

- حروف صدادار فعال شش عدد به شرح زیر هستند :

| | | | | |
|---|---|---|---|---|
| U | ı | A | İ | Ü |
|---|---|---|---|---|

- از شش حرف صدادار فعال ، سه عدد آنها با اهن بالائی و سه عدد دیگر آنها

با اهن مائینی هستند:

| | | | | | |
|---------------------------|---|---|---------------------------|---|---|
| سه حرف فعال با اهن بالائی | | | سه حرف فعال با اهن مائینی | | |
| ↓ | ↓ | ↓ | ↓ | ↓ | ↓ |
| ə | i | ü | a | ı | u |

حروف صدادار کلمه (بجز بند اول) و سوندها در زبان ترکی اذربایجان با یکی از دو روه

مذکور یعنی با حروف صدادر با اهن بالائی و با اهن مائینی ساخته می شوند :

- ا ر آخرین حرف صدادار کلمه ای با اهن بالائی باشد ، سیلابهای سوند ان با یکی از

سه حرف صدادار فعال با اهن بالائی (ə , i , ü) ساخته می شود. مثال :

له جکدیر *gəl əcək dir* ، لمکده دیر *gəl mək də dir*

- ا ر حرف صدادار کلمه ای با اهن مائینی (a , ı , o , u) باشد ، بندهای مختلف سوند

ان با یکی از سه حرف فعال a , ı , u ساخته می شود. مثال :

الماق *al maq* ، دؤنور *donur* ، الماقدادیر *al maq da dir* ، اولما میڭ دیر *ol ma mış dır lar*

توجه: حروف صدادار تقریباً بهل در صد کلمات ترکی را تشکیل می دهند .

حروف صدادار غیر فعال سه عدد هستند ، که تنها در بند اول کلمات شرکت می کنند. بقیه

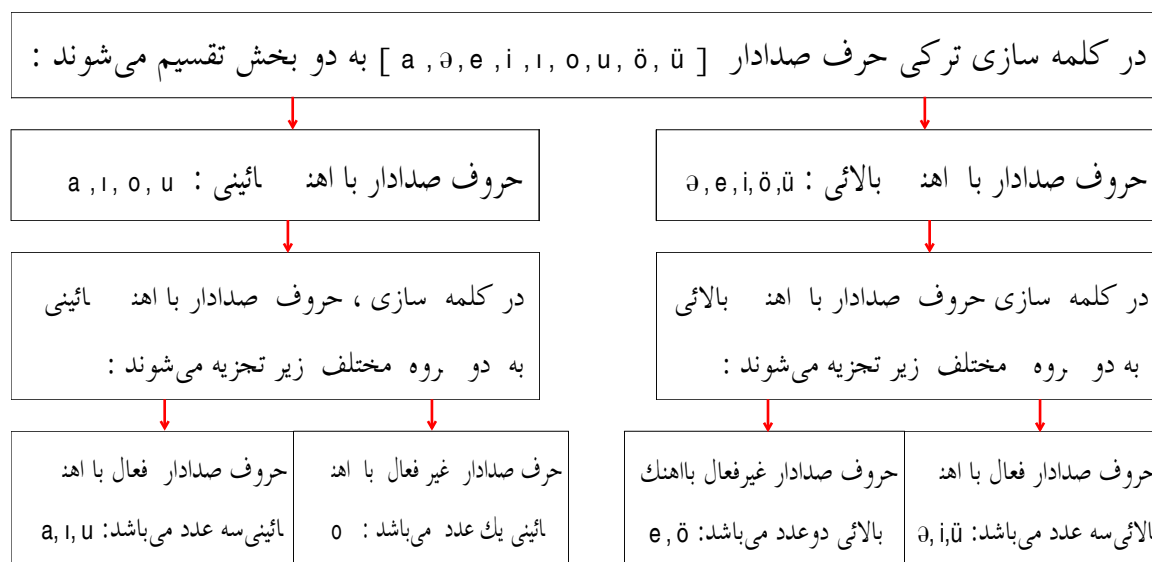
بندهای کلمه و سوندها با شش حرف صدادار فعال ساخته می شوند. بنابر این حروف صدادار

فعال بنسبت کمیت خود خیلی بیشتر از سایر حروف در ترکیب کلمات بکار رفته می شوند .

به جدول تقسیم بندی حروف صدادار در کلمه سازی توجه کنید :

برای آشنائی هر ۹ بهتر با تقسیم بندی حروف صدادار در کلمه سازی و بکار گیری

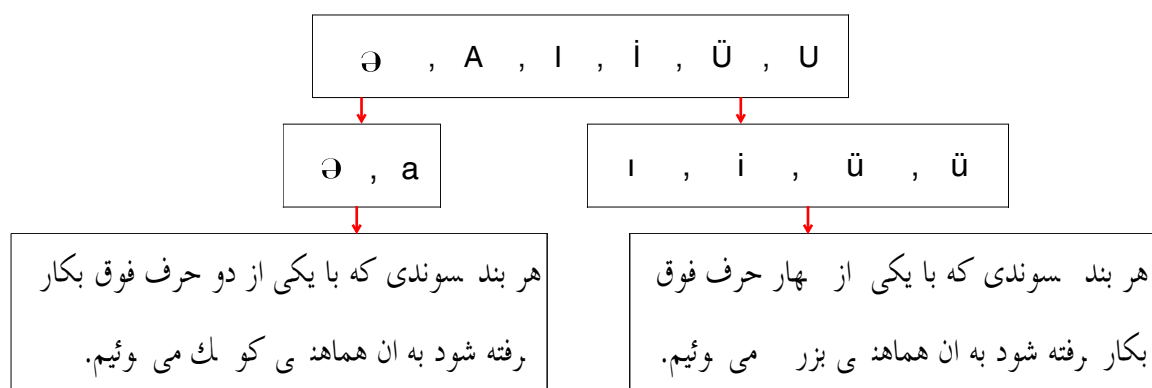
۹ حرف صدادار در ترکیب آنها به جدول زیر توجه کنید :



(حروف صدادار فعال و نحوه بکار گیری آنها در ترکیب سوندها :

حروف صدادار فعال شش عدد هستند که در سوند سازی به شکل زیر به دو روه تجزیه

شده و با دو شیوه مختلف بکار رفته می شوند :



- اکنون به ونه بکار گیری هماهنگی کو لك با دو حرف a , به سوند کلمات

مختلف در جدولهای زیر توجه کنید :

الف) هماهنگی کوک در سوند سازی با دو حرف فعال a, ə (به دو فرم) به شکل زیر عملی می شود:

یک فرم) هماهنگی کوک با حرف ə:

- افعالی که آخرین حرف صدادار آنها با اِهْ بالائی و با یکی از پنج حرف ə, e, i, ü, ö باشد، سوند مصدری آنها به شکل زیر با هماهنگی کوک با حرف صدادار ə ساخته می شود. مثال:

| سوند مصدری | آخرین حرف صدادار افعال زیر با یکی از پنج حرف صدادار با اِهْ بالائی ə, e, i, ü, ö می باشد. |
|------------|---|
| mək | امدن gəl mək لِمک |
| mək | رفتن gət mək اِتمک |
| mək | نوشیدن iç mək اِچمک |
| mək | دیدن gör mək گُرمک |
| mək | خندیدن gül mək گُولمک |

- برای مثال دیر، افعالی را در نظر می گیریم که آخرین حرف صدادار آنها با اِهْ بالائی می باشد که سوند آنها در زمان آینده نزدیک با هماهنگی کوک ساخته می شود:

| سوند زمان آینده نزدیک | فارسی | ترکی |
|-----------------------|-----------------|--------------------|
| ər | او می آید | gəl ər اَوْ کَر |
| ər | او انجام می دهد | ed ər اَوْ اَدَر |
| ər | او می شود | it ər اَوْ اِیتر |
| ər | او می بوسد | öp ər اَوْ اَوْر |
| ər | او می خندد | gül ər اَوْ گُولَر |

توجه: - ا در ترکیب سوندی یکی از دو حرف ə, a بکار رفته شود، آن شیوه کار را هماهنگی کوک می نامیم.

- سوندهای صرف شده در دو جدول مذکور يك سیلابی (ər, mək) می‌باشند.

- اکنون برای مثال دی ر، به سوندی نظر به افکنیم که ان از دو سیلاب تشکیل می‌یابد که هر دو سیلاب ان با هم‌مانندی کو ك با حرف صدادار ə ساخته می‌شود. مثال:

| فارسی | | ترکی | سوند اینده دور |
|--------------------|-----------------------|--|----------------|
| او خواهد آمد | او اَلَه جَك gəl əcək | فرمول دو سیلابی هم‌مانندی کو ك : ə, e, i, ö, ü = ə ریشه فعل و سوند اینده دور | əc,ək |
| او انجام خواهد داد | او ائده جَك ed əcək | | əc,ək |
| او م خواهد شد | او ایتَه جَك it əcək | | əc,ək |
| او خواهد بوسید | او اؤجَك öp əcək | | əc,ək |
| او خواهد خندید | او وِلَه جَك gül əcək | | əc,ək |

- نانکه ملاحظه می‌شود، سوند افعال مذکور دو سیلابی هستند، که هر دو انها با حرف صدادار فعال

ə و با هم‌مانندی کو ك ساخته می‌شوند (əc ək). (۱) (اورقی)

.....

(۱ - اورقی):

ونی تکامل هم‌مانندی حروف صدادار در زبان ترکی:

- کتب و اشعار مختلفی که از دورانهای مختلف گذشته به یاد مار مانده اند، نشان ر این واقعیت است که از قدیم

قانون هم‌مانندی حروف صدادار در ترکیب کلمات ترکی بکار رفته شده و در هر دوره ای نیز به نسبت

دوران قبلی اصول ان بهتر رعایت شده است. برای مثال به اشعار مختلف گذشته و حال توجه کنید:

- از کتاب دکتر زهتابی بنام ایران تورکلرینین دیلی و ادبیاتی، شعر از دوران حاکمیت مادها (

ال ارتُنکا اُلدیمو؟ Alp ər̥tunka öldimü? (با لهجه کنونی: ال ارتونقا اؤلدومو؟)

اُذَلک اوجن الدیمو؟ امدی یُرک یرتلور. özlək öcen aldım, əmdi yörək yırtılır. (بقیه در اورقی صفحه بعدی)

دو فرم (هماهنگی کوک با حرف a :

اکنون افعالی را در نظر می‌گیریم ، که آخرین حرف صدادار آنها با یکی از چهار حرف صدادار با اهند مائینی می‌باشد ، که سوند مصدری آنها با هماهنگی کوک با حرف صدادار a ساخته می‌شود. مثال :

| آخرین حرف صدادار کلمات زیر با یکی از چهار حرف a, i, o, u می‌باشد : | | سوند مصدری | |
|--|------------------|--|-----|
| رفتن | الماق al maq | فرمول دوم هماهنگی کوک : a = a, i, o, u | maq |
| بیدار شدن | اییلماق ayıl maq | مصدر (ریشه فعل با سوند مصدری) | maq |
| یخ زدن | دۇنماق don maq | | maq |
| خواندن | اؤخوماق oxu maq | | maq |

– کلمات مذکور از دو بخش تشکیل می‌یابند : بخش اول آنها ریشه فعل و بخش دوم آنها سوند مصدری می‌باشد ، که با هماهنگی کوک ساخته می‌شود .

.....

ماورقی از صفحه قبلی :

(با لهجه کنونی : فلک اؤون الدیمی؟ ایندی اوره ک ییرتیلیر)

- شعری از کتاب **دده قور قود** (از کتاب محمد خانی ونئیلی)

اؤنلار داخی بۇ دۇنیایا ملدی که دی ، گروان کیبی قۇندی کو دی ...

(با لهجه کنونی: اؤنلار داهی بۇ دۇنیایا ملدی ء دی ، کاروان کیمی قوندو کؤ دو

- شعری از کتاب **شیخ قاسم انوار** :

عاشق اؤلدو غم ییلورسن جانیمه جفا قیلورسن . حال زارمی سئورسن لمبی اؤنوتما...

اؤدا یاقه سن جانیم سن یثره تۆکه سن قانیم سن و...

(با لهجه کنونی : عاشیق اؤلدو غم بیلیرسن جانیم جفا قیلیرسان حال زاریمی سئورسن لمبی اؤنوتما

... اؤدا یاخاسان سن جانیم سان یثره تۆکه سن قانیم سان و...) (ماورقی از صفحه قبلی)

- برای مثال دی ر ، افعالی را در نظر می گیریم که آخرین حرف صدادار آنها با اهذ
ائینی می باشد و سوند آنها با هماهذی کو ك با حرف صدادار a ساخته می شود :

| سوند اینده نزدیک | | آخرین حرف صدادار افعال زیر با یکی از ا, I, O, U می باشد: | |
|------------------|---|--|----------------|
| ar | فرمول دوم هماهذی کو ك : a, I, O, U = a | al ar | او می یرد |
| ar | | yıgar | او جمع می کند |
| ar | | ol ar | او می شود |
| ar | | uç ar | او رواز می کند |

- اکنون برای مثال دی ر ، افعالی را در زمان اینده دور صرف می کنیم که سوند آنها
دو سیلابی (ac, aq) می باشد ، که هر دو سیلاب آنها با هماهذی کو ك ، با حرف «

.....

اورقی از صفحه قبلی :

- به شعری از ناظم حکمت (حیکمت) از ترکیه توجه کنید :

| اصل شعر با لهجه استانبولی : | شعر با لهجه اذربایجانی : |
|---------------------------------------|--|
| بَن یانماسام سن یانماسان بیز یانماساڭ | من یانماسام سن یانماسان بیز یانماساق |
| ناسیل یکار کارانلیقلار ایدین لیغا... | نجه یخار قارانلیقلار ایدین لیغا... |
| بیردن بیره قایالاردان دوکولدولر | بیردن بیره قایالاردان تۆکولدولر |
| ۆکتن یاغار ، یئردن - بیتر کیبی | ۆیدن یاغار ، یئردن - بیتر کیبی (کیمی) |
| بۇ تۇراغین وئردی ی ان سۇن اثرکیبی | بۇ تۇراغین وئردی ی ان سۇن اثرکیمی (کیبی) |

- شعری از وهاب زاده : (از اذربایجان شمالی) [بقیه در اورقی صفحه بعدی]

صدادار a ساخته می‌شوند. مثال :

| | | |
|-----------------------------------|---|---|
| آخرین حرف صدادار افعال زیر با اهـ | ائینی و یاییکی از چهار حرف a, l, o, u می‌باشد : | سوند اینده دور |
| او خواهد رفت | او الاچاق al acaq | فرمول دوم هماهنگی کوک : a, l, o, u = a ریشه فعل با علامت اینده دور |
| او خرد خواهد کرد | او قیراجاق qır acaq | |
| او خواهد شد | او اولاجاق ol acaq | |
| او رواز خواهد کرد | او اولاجاق uç acaq | |

توجه : اگر کلمه ای مرکب و یا از زبانهای دیگر وارد زبان ترکی شده باشد و حروف صدادار

ان با هماهنگی صرف نشده باشد ، سوند ان کلمه باید با قانون هماهنگی حروف

صدادار ترکی بکار رفته شود. مثال :

کلمه عربی : محمد ده دیر Mohəmməd bədir ، لاله دکی lələdəkə ،

مخالفتلیکلردن ، مملکتلریندن ...

.....

اورقی از صفحه قبلی : بۇ نەجە دۇنيادير انلاميرام من ، bu necə dünya dir anlamıram mən ,

نە لیش بللی دیر ، نە ئدیش بیزه.. nə gəliş bəllidir nə gediş bizə ...

خبریمیز اولمور لیشیمیزدن ، xəbərimiz olmur gəlişimizdən ,

اینانا بیلیمیریک ئتمه ییمیزدن ... inanabilmirik getməyimizdən...

- همانطوری که از اشعار مذکور مشاهده می‌شود ، هماهنگی حروف صدادار در اشعار قدیمی نیز

بکار رفته شده است ، ولی امروزه ان از طرف نویسندگان ترک زبان بویه در ترکیه و جمهوری

اذربایجان با دقت زیادی رعایت و بکار رفته می‌شود. اما متأسفانه ان از جانب خیلی از نویسندگان

ترک زبان در اذربایجان جنوبی به شکل صحیح بکار رفته نمی‌شود. امید است که این عزیزان در آینده

به این مسئله مهم و تکاملی زبان ترکی دقت کنند.

ب) هماهنگی بزر :

هماهنگی بزر شیوه عملی است که حرف صدادار سوند با یکی از چهار حرف صدادار فعال زیر ساخته می‌شود. (۱) اورتی: تاثیر ...)

| | | | |
|---|---|---|---|
| i | ı | u | ü |
|---|---|---|---|

هماهنگی بزر فرمی از سوند سازی است، که سوندها به چهار فرم ساخته می‌شوند؛ دو فرم آنها مخصوص کلماتی هستند که آخرین حرف صدادار آنها با اِهـ بالائی و دو فرم

(۱) تاثیر هماهنگی حروف صدادار در زبان ترکی :

قانون هماهنگی حروف صدادار در زبان ترکی سرعت عمل بیان و فهماندن مطالب را بالا می‌برد و مصرف انرژی را پائین می‌دهد، لَو، ریه و مغز را کمتر می‌کند و همانا اشتباه در خواندن، شنیدن و نوشتن کلمات را به حداقل خود می‌رساند:

- نانکه در جدولهای صفحات قبلی اشاره شد، در بیان کلمات قارداشلیق و ننه لیک دن، خط زیرکازی که بعنوان علامت امواج صوتی در نظر گرفته شده است، تنها در محدوده های دو سطر به بالا و ائین کشیده می‌شود؛ در نتیجه عضلات دهان و لَو... در یک حالت نسبتاً آرامی، ولی با باز دهی بهتر به فعالیت خود ادامه می‌دهند، در صورتی که در بیان کلمه مصطفی زاده، خط زیرکازی در بین سه سطر در نوسان است. بدین سان مغز و یا عضلات ریه، دهان و... برای بیان حروف مختلف باید موقعیت قبلی خود را تغییر دهند که برای آن نیاز به زمان طولانی و مصرف انرژی بیشتری دارند. این نین دلائلی هستند که بیان کلمه مصطفی زاده خیلی مشکلتر از فتن کلمه قارداشلیقدان و یا ننه لیک دن است.

برای تجربه کردن هر سه بهتر مسئله مطروحه، کلمات جدول زیر را ندین بار بخوانید، یقیناً براحتی متوجه مشکل واسان بودن آنها خواهید شد: خاله [خالا]، دیوار [دُووار]، شهر [شَهَر]، قالب [قالب]، برادر [داداش]، عباس [عاباس]، دانه [دانا]، ادم [ادام]، و...

| | | | | | | | | | |
|-------|-----------------------------|------|------|-------|---------|-------|-------|-------|------|
| ترکی | کلمه با هماهنگی حروف صدادار | adam | dana | Abbas | dadaş | qalib | səhər | duvar | xala |
| فارسی | کلمه با هماهنگی حروف صدادار | adəm | dane | Əbbas | bəradər | qaleb | səhr | divar | xale |

- نانکه ملاحظه می‌شود کلماتی که حروف صدادار آنها با هماهنگی بکار رفته می‌شوند، (بقیه در صفحه بعدی)

دی ر آنها مخصوص کلماتی هستند ، که آخرین حرف صدادار آنها با اهنه آئینی می باشند :

| | | | |
|-----------------------|---|---|-----------------------|
| دو حروف با اهنه آئینی | u | i | دو حرف با اهنه بالائی |
|-----------------------|---|---|-----------------------|

- در قانون هماهنگی بزر ، حروف صدادار سوندها با یکی از چهار حرف صدادار بکار رفته می شود:

(فرم اول) هماهنگی بزر با حرف i :

ا ر آخرین حرف صدادار فعلی به یکی از سه حرف a, e, i ختم شود ، سوند آن در زمان حال با هماهنگی بزر با حرف صدادار i ساخته می شود. مثال :

| سوند افعال زیر در زمان حال، با هماهنگی بزر با حرف i ساخته می شود : | سوند زمان حال |
|--|---------------|
| او می آید | gəl i r |
| او انجام می دهد | ed i r |
| او می نوشد | iç i r |
| فرمول اول هماهنگی بزر : a, e, i = i | ir |
| ریشه فعل با سوند زمان حال | ir |

اوقی از صفحه قبلی :

خیلی اسانتر و سریعتر بیان می شوند ، در صورتی که بیان کلماتی که حروف صدادار آنها با هماهنگی نیستند مشکلتر است ؛ را که ا ر انهای فعال دهان لمو و... برای بیان حروف متفاوت با اهنه بالائی و آئینی می باید لحظه به لحظه موقعیت خود را تغییر دهند ، تا بتوانند فشار هوا و امواج صوتی را تغییر دهند. در نتیجه فعالیت اضافه نسبی، احتیاج به انرژی بیشتر و به زمان طولانی تری دارند ؛ به همین دلیل کار مغز نیز مشکل و خسته کننده تر و برای ماهیه های مانه و لمو درد آور است ؛ این چنین است که سخنرانی در زبان ترکی اسانتر، ولی در زبان فارسی و... مشکلتر و خسته کننده تر می باشد. درست به دلیل اسان بودن بیان کلماتی که حروف صدادار آنها هماهنگی دارند ، به های کو لک در اوان آغاز سخن، کلماتی را به شکل به ، به نه ، دده ، بو بو، او او ، بو بو، ماما ، ما و.. به زبان جاری می کنند را که بیان آنها اسانتر است. علاوه بر مطالب مذکور، ر در نوشتن و یاد خواندن کلمه ای، حرفی از ان جابجا شود، با قانون هماهنگی و طریقه بکار گیری حروف صدادار فعال و غیر فعال، به آسانی می توان ان را اصلاح کرد. از اینکه در زبان ترکی بعضی از حروف بی صدا در کنار بعضی از حروف صدادار بکار رفته نمی شوند، ان نیز به اصلاح انها کمک می کند..

- به مثالهای زیر نیز توجه کنید :

آسیر əsir ، سسله ییر səsləyir ، وئیرir ، دئیرir deyir ، غدیر gedir و...

(فرم دوم) هماهنگی بزر با حرف ü :

ا ر آخرین حرف صدادار فعلی به یکی از دو حرف ö , ü ختم شود ، سوند ان در زمان حال به شکل زیر با هماهنگی بزر با حرف صدادار ü ساخته می شود. مثال:

| آخرین حرف صدادار کلمات جدول زیر با یکی از دو حرف ö و یا ü می باشد : | | | | سوند در زمان حال |
|---|-------------------|--------------------------------------|----|------------------|
| او صبر می کند | او دؤزور döz,ür | فرمول دوم هماهنگی بزر : ö , ü = ü | ür | ↓ |
| او فکر می کند | او دوشونور düş,ür | | | |

- به صرف سوند افعال زیر نیز توجه کنید :

اؤورöp,ür ، اوشویورüş,ür ، دؤووشورdövüş,ür ، دؤنورdön,ür ، دوشورdüş,ür ، سؤنور ، دؤزور ، سوزور ، دوزور ، بوزور ، اوزور و...

(فرم سوم) هماهنگی بزر با حرف ı :

ا ر آخرین حرف صدادار فعلی به حرف ı و یا a ختم شود ، حرف صدادار سوند ان در زمان حال با حرف ı بکار رفته می شود :

| سوند هر دو فعل در جدول زیر با حرف صدادار فعال ı ساخته می شود. | | | | سوند زمان حال |
|---|-----------------|--------------------------------------|----|---------------|
| او می یرد | او الیر al ır | فرمول سوم هماهنگی بزر : a , ı = ı | ır | ↓ |
| او (بر زمین) می زند | او ییخیر yıx ır | | | |

- به صرف سوند افعال زیر نیز توجه کنید :

اشیر aşır ، اییلیر ayılır ، اتیلیر atılır ، سیخیر sixır ،
 ماریر aparır ، الدادیر aldadır ، اختاریر axtarır ، ساتیلیر satılır ،
 قیریر qırır ، سیخیر sixır ، ییخیر yıxır ، دیگیر diğir ، سینیر sınır و ...

(فرم چهارم) هماهنگی بزر با حرف u :

ا ر آخرین حرف صدادار فعلی به یکی از دو حرف u , o ختم شود ، حرف صدادار
 سوند ان در زمان حال با هماهنگی بزر با حرف صدادار u ساخته می شود :

| آخرین حرف صدادار افعال در جدول زیر با یکی از دو حرف o و یا u می باشد | | سوند زمان حال |
|--|---------------------------|---------------------|
| <div style="text-align: center;">↓</div> ur ur | فرمول چهارم هماهنگی بزر : | او می شود |
| | o , u = u | او (بازی را) می برد |

- به صرف سوند کلمات زیر نیز توجه کنید :

دُونُور donur ، سُونُور sonur ، اُوُور uçur ، سُسُونُور susuyur ،
 سُونُور sorur ، اُوُخُونُور oxuyur ، سُولُور sulur ، دُونُور قُونُور و ...

- فرمول هماهنگی بزر به چهار فرم زیر می باشد :

| ریشه افعال مختلف | | سوندهای مختلفی که با هماهنگی بزر صرف می شوند | | | | | | | | | | | | | | | |
|---|-----|--|-------|-----------|-------|---|--|----|-----|----|----|-----|-----|----|-----|----|--|
| <div><div>↓</div><table><tr><td>a , ı</td></tr><tr><td>o , u</td></tr></table><div>↓</div><table><tr><td>ə , e , i</td></tr><tr><td>ö , ü</td></tr></table></div> | | a , ı | o , u | ə , e , i | ö , ü | <div><div><div>↓</div><table><tr><td>al</td><td>qıl</td></tr><tr><td>ol</td><td>uç</td></tr></table><div><div>↓</div><div>↓</div><div>↘</div></div><table><tr><td>gəl</td><td>sev</td><td>iç</td></tr><tr><td>döz</td><td>üz</td><td></td></tr></table></div></div> | | al | qıl | ol | uç | gəl | sev | iç | döz | üz | |
| a , ı | | | | | | | | | | | | | | | | | |
| o , u | | | | | | | | | | | | | | | | | |
| ə , e , i | | | | | | | | | | | | | | | | | |
| ö , ü | | | | | | | | | | | | | | | | | |
| al | qıl | | | | | | | | | | | | | | | | |
| ol | uç | | | | | | | | | | | | | | | | |
| gəl | sev | iç | | | | | | | | | | | | | | | |
| döz | üz | | | | | | | | | | | | | | | | |
| | | حرف صدادار با اِهَن ائینی | | | | | | | | | | | | | | | |
| | | حرف صدادار با اِهَن بالائی | | | | | | | | | | | | | | | |

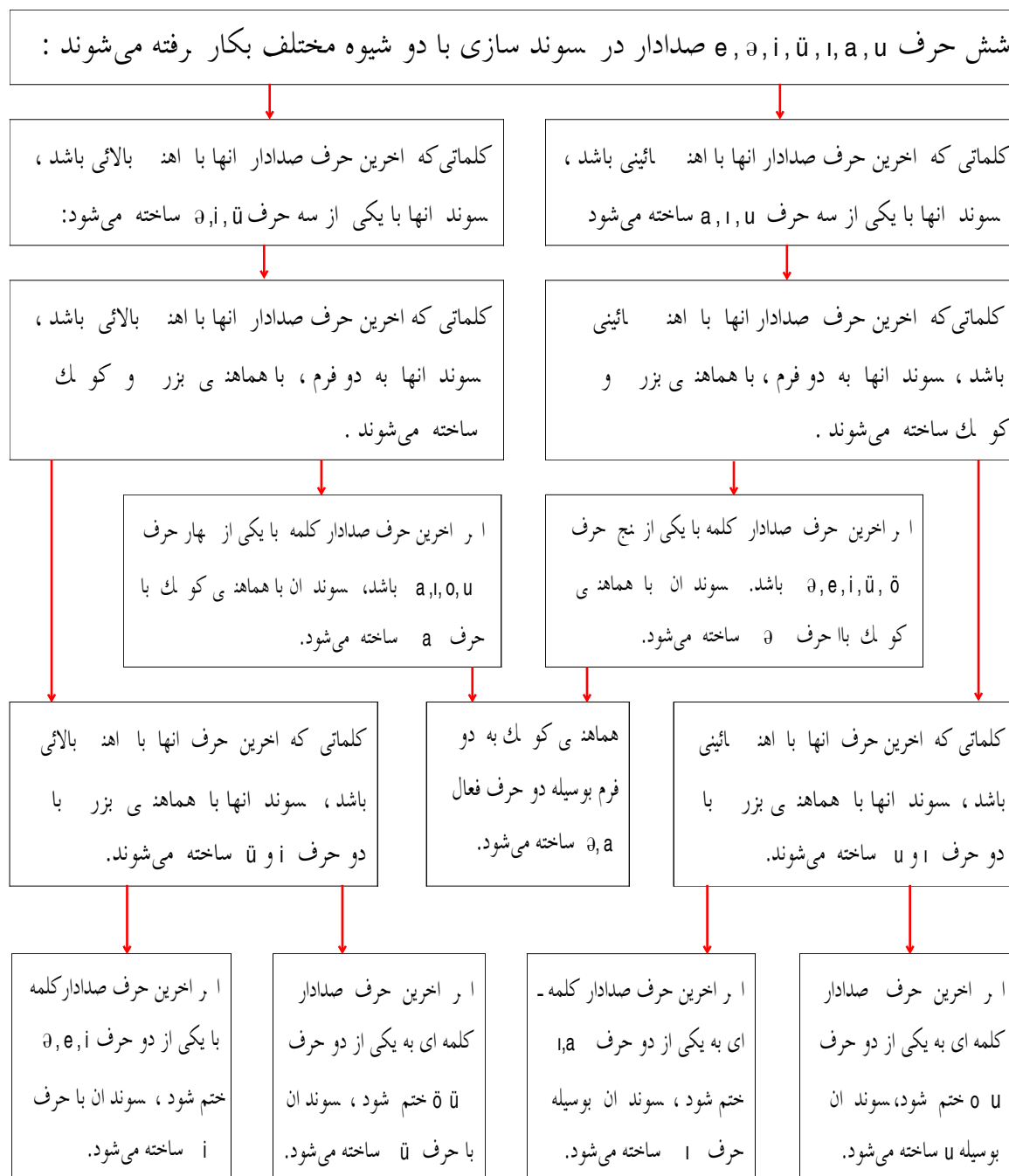
- ا ر حروف صدادار سوندی با یکی از چهار حرف i , ı , ü , u بکار رفته شود ، به

ان شیوه کار هماهنگی بزر و ا ر حروف صدادار سوندی با یکی از دو حرف a , ə

بکار رفته شود ، به ان شیوه عمل ، هماهنگی کوک می وئیم :

به جدول سوند سازی و هماهنگی حروف صدادار توجه کنید:

حروف صدادار سوندها با شش حرف صدادار فعال با دو شیوه مختلف با هماهنگی کوک و با هماهنگی بزر به شکل زیر بکار رفته می‌شوند:



۷) نحوه بکار گیری حروف در ترکیب کلمه و سوند:

(اکنون برای آشنائی هر ۴ بهتر با شیوه نوشتن و خواندن کلمات ترکی با خط عربی و لاتین و طریقه بکار گیری تک تک حروف صدا دار فعال و غیر فعال در ترکیب سیلابها و کلمات به مطالب صفحات زیر توجه کنید :

بخش اول) و ن ی نوشتن و خواندن حروف صدا دار با اِهـ بالائی :

– حروف صدا دار با اِهـ بالائی نج عدد به شکل زیر می باشند :

ü , ö , i , e , ə

– از نج حرف صدا دار با اِهـ بالائی دو عدد آنها (e , ö) حروف صدا دار غیر فعال و سه عدد آنها (ə , i , ü) حروف صدا دار فعال هستند.

– در کلمه و سوند سازی ، حروف صدا دار غیر فعال (e , ö , o) تنها در ترکیب بند اول کلمات صرف می شوند ، ولی آنها در ترکیب بندهای دیگر کلمات و سوندها اصلاً بکار رفته نمی شوند.

حرف ə یکی از حروف صدا دار فعال است که در تمام بندهای کلمات و سوندها بکار رفته می شود. مثال :

حرف آ در اول کلمه :

آل əl ، آئین din . آتک atək ، آتکسیز ataksiz . آت at ، آتلر atlar . آجک alcək ، آجکلر alc əklər . آمک amək ، آکمه یین akmayin . آکین akin ، آکندə akəndə . آریک ərik ، آرک ark . آسمک əsmək ، استیرمک əstirmək ، آلک alək ، آلکلər əklər ، آله مک (الَمک ələmək) ، آله مرم ، آله مَدم ، آله مه یر دیم ، آله مکده یم ، آله مکده دئیلم ، آله نملی ، آله نملی دیر.

حرف آ در وسط کلمه :

(حرف ə با خط عربی در وسط کلمه به شکل حرکه [اِعراب ـ] نوشته می شود.)

دده dədə ، ننه nənə ، ببه bəbə ، لهlə ، گلهlə gələ ، عده جک gedəcək ، حسن Həsən و...

حرف آ در آخر کلمه :

(ا ر حرف ه عربی در آخر کلمه بکار رفته شود ، در زبان ترکی به شکل آ تلفظ می شود.)
 دده (ده ده) dədə ، ننه (نه نه) nənə ، غده gedə ، لله gələ ، ائشیده eşidə ، سنه sənə ،
 علی یه liyə ، کرمه kəramə ، حسنه Həsənə ، وره görə ، وله gülə و...
 - در رابطه با بکار پیری حرف ə به مطالب زیر توجه کنید :

همه حروف صدادار کلمات و سوند های مذکور با اهن بالائی بوده و با هماهنگی بکار رفته شده اند.

تمام حروف صدادار سوندهای کلمات مذکور بوسیله حروف صدادار فعال ساخته شده اند .

حرف ə ، یکی از دو حرفی است که هماهنگی کو لک بکمک ان ساخته می شود.
 - با خط عربی حرف ə در اول کلمات ترکی به شکل آ ، ولی در کلمات عربی به شکل آ ،
 ع ، آع نیز نوشته می شود. مثال :

کلمات ترکی : ال əl ، الین əlin . آتک ətək ، آتکسیز ətəksiz . آت at و...
 کلمات عربی : علی li ، عمل əməl . اعمال əməl ، اکبر və...

- بعضی کلمات عربی که بوسیله حرف ع همراه علائم حرکت (اعراب) و یا همراه الف نوشته می شود (ع ، آع) ، در زبان ترکی به شکل یک حرف صدادار (ع) تلفظ شده و با خط لاتین به شکل ə نوشته می شود. مثال :

علی əli ، عباس (Abbas) bbas ، عهد əhd ، تعهد (tə,əhod) tə,əhüd ، تعمّل tə,əmül ، معلم (مؤعلیم) (mü,əlim) moəlem ، اعمال ، مُحَمَّد ، رمضان و...

- ند کلمه فارسی و عربی موجود است ، که آخر انها با حرف ه نوشته می شود ، ولی ان به شکل (h ح) تلفظ می شود . مثال :

کلمه فارسی ترکی : به به نوشته شده و به شکل bəh ,bəh تلفظ می شود.

کلمه عربی : الله نوشته شده و به شکل الله (allah) تلفظ می شود .

توجه به شکل *təvəcüh* تَوْجُوح تلفظ می‌شود.

۱- ر با خط عربی علامت ه در اول و وسط کلمه به حرف شت سری خود بیوندد ، به شکل هه h تلفظ می‌شود. مثال :

کله لیک (هلیک) *hələlik* ، اهر *əhər* ، بهرام *Bəhra* ، همیشه *həmişə* ، هر *hər* ، هرکس *hərəkəs* ، همزه ، همدان ، هئریز . و...

حرف صدادار ا e ، ع

حرف e (ا ، اء ، ئ ، ی) ، یکی از سه حرف صدادار غیر فعال است که تنها در بند اول کلمات ترکی صرف می‌شود.

حرف e در بند اول کلمات ترکی به شکل زیر (ا ، اء) بکار رفته می‌شود. مثال :

ائتمک *etmək* ، ائشیتمک *eşitmək* ، ائلر *ellər* (طایفه ها ، خلقها) ، ائل ی *elçi* (پیام آور ، سفیر) ائل یلیک (سفارتخانه) ، ائو *ev* ، ائولی *evli* ، ائولنمک *evlənmək* و...

۲- حرف e اء ا در وسط کلمات بعنوان دومین حرف کلمه به شکل ئ بکار رفته می‌شود. مثال :

سئل *sel* ، یئل *yel* ، بئل *bel* ، هئل *hel* ، ئتمک *getmək* ، سئویشمک *sevişmək* ، دئولر *devlər* ، ئ *geç* ، سئ *sev* ، سئو ی *sevgi* ، demək ، یئمک *yemək* و...

۳- حرف اء ، ا e در آخر کلمات یک بندی به شکل ئ بکار رفته می‌شود. مثال :

یئ *ye* ، دئ *de* و...

۴- حرف e در کلمات عربی به شکل ا ، ع ، اء نیز نوشته می‌شود. مثال :

کلمات عربی : اداره *edare* ، عماد *Emad* ، اعتماد *atamad* (*etimad*) ، عباد و...

توجه a: تمام حروف صدادار سوندهای کلمات مذکور بوسیله حروف صدادار فعال ساخته شده و حروف صدادار غیر فعال در ترکیب آنها حق شرکت ندارند .

b) بعضی کلمات عربی که با حرف ع همراه علامت حرکه (ع و یا با حرف الف و..

(اِـع) نوشته می‌شوند، و در زبان ترکی به شکل يك حرف صدا دار اِ ، ائ تلفظ شده و

با خط لاتین نیز به شکل e نوشته می‌شوند. مثال :

عماد Emad (imad)، عباد Ebad (عیباد)، عبادت ebadət (عبادت)، اعمال emal و...

حرف صدا دار ای i

حرف i (ای ـ ی ، ی) ، یکی از شش حرف صدا دار فعال است ، که در تمام بندهای کلمات و سوندها بکار رفته می‌شود :

حرف i ، ای ـ ی در اول کلمه به شکل ای ـ i نوشته می‌شود . مثال :

ایکی iki ، اکینجی ، ایسته مک istəmək ، ایتمک itmək ، ایللر illər ، اینکلر inəklər (اینه کلر) ،
ایک ipək ، ایکدن ، ایکدندیر ، اینجه inçə ، ایندی ، ایندیدن indidən ، ایتمک itmək ،
ایش ، ایشله مک ، ایشله دیلمک ، ایشله دیلمه مک ، ایشله ییرم ، ایشله میرم ،
ایشله مرم ، ایشله نمیر ، و...

– حرف i در وسط کلمه به شکل (ـیـ ، یـ) زیر نوشته می‌شود. مثال :

آکین əkin ، اکیلماک ، اکینلر ، لیر gəlir ، لمیییر ، ایشله ییر işləyir ، ایشله مه
ییر ، دئدیم dədim ، دئییرم deyirəm ، دئییردیم deyirdim ، دییه جیم ، ایسته ییرم
istəyirəm ، ایسته می‌ییرم ، دیل ، دیللر dillər ، دینمک dinmək ، دینمه مک ،
دیله نمک dilənmək ، دیلن ی ، دیش ی dişçi ، دیشیم dişim ، دیشله مک dişləmək ،
سیرکَلَمَک sirkələmək [سیرکه له مک] ، تیتره مک titrəmək ، دَبَدِیرم dəbədirəm ، یئییر
yeyir ، یئیمییر yemiyir ، یئیلیر yeyilmir ، یئیلمز yeyilməz و...

حرف i در آخر کلمه به شکل زیر نوشته می‌شود. مثال :

دَدَه سی (دَدَسی) dədəsi ، نَنَه سی (نه نه سی) nənəsi ، بیبی bibi ، بیبی سی ، اکیسی
ikisi ، دمیر ی dəmirçi ، آکین ی əkinçi ، ایش ی işçi ، یَدَدِی yeddi (یَدِی yedi) ،
دَدِی dedi ، یئیلدی yeyildi ، دئیلدی deyildi ، یئیلدی geyildi و...

توجه : – تمام حروف صدا دار کلمات و سوندهای مذکور با حروف صدا دار با اِهـ بالائی

ساخته شده و حروف صدادار با اِهَن ائینی حق ادغام با انها را ندارند.

- حرف i یکی از چهار حرف فعال (i,ä,u) است، که سوند ها بوسیله انها با

هماهن ی بزر ساخته می شوند.

حرف صدادار اُة

حرف ۀ (او، و) یکی از سه حرف صدادار غیر فعال است، که تنها در بند اول کلمات ترکی بکار رفته می شود:

حرف ۀ در اول کلمه به شکل اؤ ۀ نوشته می شود. مثال:

اؤیرنمک öyrənmək، اؤردک ördək، اؤندە öndə، اؤلی ölçi (ölçü)، اؤزوم özüm، اؤنلۈک önlük، اؤنلۈیۈم önlüyüm، اؤلکە ölkə، اؤلکە لردە ölkələrdə، اؤزە özə، اؤزە لردن özgələrdən، اؤمک öpmək، اؤمە مک، اؤورم، اؤمە رم، اؤدوم، اؤدوردوم، اؤدورمە دیم، اؤولمک، اؤولمە مک، اؤوشمک، اؤوشمە مک، ...

- حرف ۀ در وسط (بعنوان دومین حرف) کلمات به شکل زیر نوشته می شود:

بؤل bölmək، بؤلۈمک bؤلۈnmək، بؤل göl، بؤلر gözlər، بؤل göz، بؤلۈم bؤلۈm، بؤلۈک bؤلۈk، بؤلۈنمک bؤلۈnmək، بؤلۈر bؤلۈr، بؤلۈرم bؤلۈrm، بؤلۈش bؤلۈş (بؤلۈش)، بؤلۈشۈم bؤلۈشۈm، بؤلۈرت bؤلۈrt، ...
توجه: حرف ۀ با خط عربی در کتب مختلف به شکل اُ، ئو، و. عُ، و... نیز نوشته شده است.

- تمام حروف صدادار سوندهای کلمات مذکور بوسیله حروف صدادار فعال ساخته شده اند که حروف صدادار غیر فعال در ترکیب انها شرکت ندارند.

حرف صدادار او ü

حرف ü (او، و) یکی از شش حرف صدادار فعال است که در تمام بندهای کلمات و سوندها بکار رفته می شود.

حرف ü در اول کلمه به شکل زیر نوشته می شود. مثال:

اوزمک üzmək ، اوشومک üşümək ، اوشوردوم ، اوشویورم üşüyürəm ، اوزورم üzürəm ، اوزولمک üzülmək ، اوزولورم üzülürəm ، اوزوم üzüm ، اوستو (اسدو) üstü ، اوتو ütü ، اوتولمک ، اوتولوردو ütülürdü ...

- حرف صدادار او ü در وسط کلمه به شکل زیر نوشته می شود :

دوزولمک düzülmək ، دوزوردوم düzürdüm دوشورمک düşürmək ، دوشوردوم düşürdüm ، دوشونمک düşünmək ، دوشونوردوم düşünürdüm ، دوشولمک düşölümək ، دوشولورم düşölür ، دوشولمور düşölmür ، دوشولموی düşölmü ، دوشولمه مک düşölmə ، دوشوردورم düşürdörüm ، دوشوردورولمک düşürdörüm ...

- حرف صدادار او ü در مواردی در آخر کلمه به شکل ü و یا i نیز نوشته و یا خوانده می شود. مثال :

اؤکوزو öküzü (اؤکوزی öküzi) ، بؤلو [بؤل] bölü (بؤل) ، دوشدو düşdü (düşdi) ، گؤللو güllü (gülli) اوتو (üti) ütü ، تولکو tülkü (تولکی) ، دوشدو düşdü (دوشدی) ، دوغرو (دوغری) ، قورو ، (قوری) . دوزو ، (دوزی) ...

بخش دوم :

ون ی بکاریری حروف صدادار با اهنه ئائینی :

حروف صداداری که تن صدای انها بم (کلفت) شنیده می شود ، به انها در این کتاب حروف صدادار با اهنه ئائینی می وئیم.

حروف صدادار با اهنه ئائینی بهار عدد به شکل زیر می باشد :

a , i , o , u

- از بهار حرف صدادار با اهنه ئائینی [a , i , o , u] سه عدد انها فعال [a , i , u] و یک عدد انها [o] غیر فعال می باشد.

- سه حرف صدادار فعال [a , i , u] در تمام بندهای کلمات ترکی و سوند آنها شرکت داده می‌شوند ؛ ولی حرف صدادار غیر فعال (o) تنها در بند اول کلمه بعنوان اولین و یا دومین حرف کلمه شرکت می‌کند و در بندهای دیگر کلمه اصلاً بکار گرفته نمی‌شود.

- چهار حرف صدادار با اِند مائینی به اشکال زیر در ترکیب کلمات بکار رفته می‌شوند :

حرف **a** یکی از شش حرف صدادار فعال است ، که در تمام بندهای کلمه و شوند بکار رفته می‌شود.

- حرف a در اول کلمه به شکل زیر نوشته می شود. مثال :

انا ، ana ، ata ، الما alma ، الماق almaq ، الينماق alınmaq ، ايق اچيق açiq ،
ايقلیق açıqlıq ، الداتماق aldatmaq ، ايدين aydın ، ايدينلیق aydınliq ، ای ay ، ایلیق aylıq ،
ایلیغیمیز ، اییلماق ، اییتماق ، اییتدیرماق (اییتتیرماق) ، اتماق ، اتماماق ، ایتلماق ،
ایتلیماماق ، ایتدیرماق ، ایتدیرلیماق ، ایتدیرلیماماق ، ایتیرام ، ایتیرام ، ایتیردیم ، ایتیردیم ،
اتارام ، اتمارام ، اتانمارام ..

- حرف a در وسط کلمه به شکل زیر نوشته می شود. مثال :

بابا baba ، بابالار babalar ، بۆيۈك بابا böyükbaba ، بابالارىمىز bağ ، باغ bağ ، باغلار
bağlar ، داغ dağ ، داغلار dağlar ، انلاماق anlamaq ، قاقmaq qaçmaq ،
قالميرماق qalmaq ، تاق tapaq ، تاقماق tapaşmaq ، ساق salmaq ، سالدىرماق saldırmaq ، ياق yataq ،
يالدىرماق yaldırmaq ، دانیشماق danışmaq ، ارلاماق arlamaq ، ارلدىلماق arıldırmaq ، تانىنماق tanınmaq ،
قارداش qardaş ، قارداشلىق qaradaşlıq ، قارداشدان qardaşdan ، تاريدهن tarıdan (تانيديهن) ...

- حرف a | در اخر کلمه به شکل زیر نوشته می شود. مثال :

اتا ata ، اتادا atada ، انايا anaya ، اۇنا ona ، اۇنلا onla ، قالا qala ، قالايا qalaya ، الما alma ، ماما mama ، استارا amtara ، الماتا almata ، استانا astana ، اوجا uca ، ماراغا marağa (مراغه) ...

توجه - تمامی کلمات مذکور با حروف صدادار با اِهَن ائینی ساخته شده و حروف صدادار با اِهَن بالائی حق ادغام با انها را ندارند.

- ا ر حرف ع همراه الف (عا) بکار رفته شود ، در زبان ترکی به شکل حرف صدادار a تلفظ می شود. مثال :

عاشیق aşiq (کسی که ساز ترکی می زند ، یاعاشق ، معشوق) ، عالیم alım ، شوعار şuar (شعار) ، العان alan (الغان) ، عاشیق اؤلماق (عاشق شدن) و...

- حرف a یکی از دو حرف صدادار فعال است ، که بخشی از سوندها بوسیله ان با هماهنگی کوک صرف می شوند .

حرف ای ، ا :

حرف ای ، ا یکی از شش حرف صدادار فعال است که در تمام بندهای کلمه و سوند بکار رفته می شود.

ای ، ا با خط عربی در اول کلمه به شکل ای ، در وسط کلمه به شکل یی و در اخر کلمه به شکل ی و با خط لاتین به شکل ا (بدون نقطه) نوشته می شود.

- حرف ای ا مثل الف ساکن تلفظ شده و در اول کلمات ترکی خیلی کم صرف می شود.

- حرف ای ا در اول کلمه به شکل زیر بکار رفته می شود :

ایشیق ışıqlar ، ایشیلدیر ışıldır ، ایشیلدماق ışıldamaq ، ایلیق ılıq (ایلخ ılıx) ایلقدیر ılıqdır ، ایلدیریم ıldırım ، ایلدیریملار irdirimi ، ایرخی irxi ، و...

حرف ای ا در وسط کلمه به شکل زیر بکار رفته می شود :

ایلیر açılır ، امییر ımıyır ، ایلماز ılmaz ، اختاریر axtarır ، تایر tapır ، دیرماشیر dirmaşır ،

بالیق balıq ، یالیق yaylıq ، قیز qız ، قیزیل qızıl ، ارتیق artıq ، قیرماق qırmaq ،

قیریلماق qırılmaq ، اشیرماق aşırmaq ، سیرماق sıramaq ، ییخماق yıxmaq ، ییخیلماق yixılmaq ، ییخیلیر yixilir و...

- حرف ای ، ی ، ا در اخر کلمه به شکل زیر نوشته می شود :

الدى ، المادی ، اماردی ، अपardı ، ایشیغی ışıǵı ، ایلدیریمی ıldırımı ، اناسی ، anası ، باجیسی bacısı ، ایریلدی ایریلدی ، ayıldı ، یازی yazı ، ایریسی ایریسی ، dayı ، یایی yayı ، ایی ayı ، سایى sayı ، تانری (تارى) tanrı ، قارى ، ...

توجه : تمامی کلمات مذکور با حروف صددار با اهنه نائینی ساخته شده و حروف صددار با اهنه بالائی حق ادغام در ترکیب آنها را ندارند.

حرف او o :

حرف o یکی از سه حرف صددار غیر فعال است که تنها در بند اول کلمات ترکی بعنوان اولین و یا دومین حرف سیلاب بکار رفته می شود.

- حرف غیر فعال o در اول کلمه به شکل زیر صرف می شود :

اود od (آتش) ، اودلار odlar ، اوت ot (علف) ، اوتلاردان otlardan ، اوخوماق oxumaq ، اوغلان oǵlan ، اونون onun ، اونونکۇ onunku (اونونکی) ، اولماق olmaq (شدن) ، اویون oyun ، اویناماق oynamaq ، اویونسوز oyunsuz ، اویناماق oynatmaq ، اویوندان oyundan ، اویونلار oyunlar ، اویوندور oyundur ، اویناماقدادیر oynamaqdadır ...

- حرف اُ o در وسط کلمات یک بندی ، بعنوان دومین حرف کلمه به شکل زیر نوشته و یا خوانده می شود. مثال :

سوی soy ، سۆیونماق soyunmaq ، بویا boya ، بویانماق boyanmaq ، یولداش yoldaş ، یولداشلیق yoldaşlıq ، تۆخوماق toxumaq ، بویلانماق boylanmaq ، قوزولماق pozulmaq ، قوزماق pozmaq ، قوخدان coxdan ، بۆش boş ، بۆشونا boşuna ، بۆشاتماق boşatmaq ، بۆشلاماق boşlamaq ، دۆنور dondurur ، دۆنورور dondurur ، دۆنورماق donmaq ، دۆندورماق dondurmaq ، boy ، boyu ...

توجه : حرف o با خط عربی در کتب مختلف به اشکال مختلف (مثل : او ، او ، او ، و ..) نیز نوشته شده است.

حرف اُ u :

حرف اُ u یکی از شش حرف صدادار فعال است که در تمام بندهای کلمات و سوندها بکار رفته می‌شود.

حرف u در اول کلمه به شکل زیر صرف می‌شود. مثال :

اُزون uzun ، اُلوس (ملت) ulus ، اُتانماق utanmaq ، اُلاماق ulamaq ، اُلاق uçaq ، اُحاق uçmaq ، اُورام uçuram ، اُنوتماق unutmaz ، اُزاق uzaq ، اُزاقلیق uzaqlıq ، اُزانماق uzanmaq ، اُزاندیرماق uzandırmaq ...

- حرف اُ u در وسط کلمه به شکل زیر نوشته می‌شود. مثال :

بُلولت bulut ، بُولوتلار bulutlar ، بُورماق burmaq ، بُورولماق burulmaq ، قُوش quş ، قُوشلار quşlar ، تُتماق tutmaq ، تُتولماق tutulmaq ، تُتدورماق tutdurmaq ، یُرتداش yurtdaş ، یُرتداشلیق yurtdaşlıq ، دُورماق durmaq ، قُورماق qurmaq ، قُورولماق qurulmaq ، دُوز duz ، دُوزلاماق duzlaşmaq ، دُوزسوز duzsuz ، دُوزسوزلوق duzsuzluq ...

- حرف u اُ در آخر کلمه به شکل زیر نوشته و یا خوانده می‌شود :

بُنو bunu ، اُونو onu ، دُولو (ترک) dolu ، اُوخو oxu ، قُوزۇ guzu ..

توجه : کلماتی که آخر آنها به حرف u ختم شود، در مواردی بجای u با حرف ا

نیز نوشته و بیان می‌شود. مثال :

خُولو xolu (خویلی) ، دُزلو duzlu (دُزلی) ، بُزلو buzlu (بُزلی) ،

سُ su ، سُولو (سویول) ، اغقویونلو (اغقویونلی) ، قارا قویونلو (قاراقویونلی) ...

در رابطه با خط عربی و نوشتن هار حرف صدادار u , ü , ö , o و همانا سه حرف i , ı

y , به مطالب زیر توجه کنید :

الف) با خط عربی هار حرف صدادار u , ü , ö , o و هم نین حرف بی‌صدای v ، بوسیله

حرف و (عربی) نوشته می‌شود ، که در مواردی علائم دیر نیز همراه دارد. مثال :

ev ، اؤوا (یوا) uva ، سۇ su ، سۇوارماق suvarmaq ، سۇواماق suvamaq ،
 تۇخۇماق toxumaq ، تۇخونماق ، یۇخو ، یۇخۇلاماق yuxulamaq ، اوشومك üşümək ،
 دؤووشمك dövüşmək ، وۇرۇلماق vurulmaq ، وۇرۇشماق vuruşmaq ، سۆیمك söymək ،
 سۆیوشمك söyüşmək ، دوشمك düşmək ، دوشورمك ، دوشوندورمك düşündürmək ،
 اۆینماق oynamaq ، اۆیناتماق ، دۇلماق ، دۇلدۇرماق ، سۇلماق ، سۇلدورماق ، ...

ب : در زبان ترکی سه حرف (i, l, y) موجود است ، که دو حرف انها صدادار (i, l) و يك حرف
 دي ر انها بی صدا (y) می باشد ، که هر سه انها با خط عربی با علامت ی نوشته می شود.

حرف ا بدون نقطه به شکل الف ساکن (مثل : ایلدیریم ، ایشیق) ، حرف i با نقطه به
 شکل [ای مثل : ایران] و حرف بی صدای y (یا یلیق) به شکل ی ساکن تلفظ می شود.

- در زبان ترکی حرف صدادار i با اهن بالائی و حرف صدادار l با اهن مائینی
 می باشند که انها هر ز در ترکیب يك کلمه ساده ترکی بکار رفته نمی شوند ، ولی هر دو انها با
 حرف بی صدای y در يك کلمه و یا در کنار هم بکار رفته می شوند. مثال :

- دو حرف i ، y در کنار هم به شکل زیر بکار رفته می شوند :
 دئییلیمیر deyilmir (دئمك ، دئییلمك) ، یئییلمك yeyilmək ، ئییلیمیر geylimir ،
 ئیمك geymət ، ئیینمك ، اییمك iyimək ، اییییر iyiyir ، اییییر iyiyir ، اییییر iyiyir ،
 ایییمییر iyimiyr ، اییله مك iyləmək ، ایلییر iyiliyr ، ایله می یییر iyləmiyr ، دئییلمك
 deyilmək ، یئرییر yeriyr ، ...

- دو حرف y و l با خط عربی و لاتین در کنار هم به شکل زیر نوشته می شوند :
 ایی ayı ، اییلیمیر ayılmır ، یای yay ، یاییلیمیر yayılmır ، ای ay ، ایلیق aylıq ،
 ییخماق yımaq ، ییخیلیمیر yıxılmır ، ییخدیرمیر yıxdırmır ، ایلدیریم ıldırım ،
 یازی yazı ، یازılmır ، یازیق ، یازیقلیق ...

۸) حروف بی صدا و تقسیم بندی آنها به دو گروه ضعیف و قوی :

حروف بی صدا در زبان ترکی اذربایجان ۲۳ عدد می باشند که در ترکیب کلمات به دو بخش ، یعنی حروف بی صدا قوی و حروف بی صدای ضعیف تقسیم می شوند :

– اوای حروف بی صدا به شکل سکون بیان می شوند و آنها بدون حروف صدادار هجی نمی شوند ؛ نتیجتاً برای بیان آنها ، به اخر آنها يك حرف صدادار (e) افزوده شده و به شرح زیر به شکل سیلاب معرفی می شوند. مثال :

ب be ، ت te ، ج ce ، خ xe ، ش se و ...

الف) حروف بی صدای قوی (حروف با ثبات)

حروف بی صدای قوی ، به حروفی گفته می شوند که در نوشتار و رفتار تغییر صدا و تغییر شکل نداده و همیشه به شکل اصلی خود بکار رفته می شوند . بعبارت دیگر این حروف در ترکیب کلمات موقعیت با ثباتی دارند.

حروف بی صدای قوی (یا حروف با ثبات) در زبان ترکی اذربایجان ۲۱ عدد می باشند ؛ یعنی از ۲۳ حرف بی صدا ، ۲۱ عددشان به شرح زیر قوی و با ثبات هستند :

| | | | | | | |
|-----|-----|-----|-----|-----|-----|-----|
| B ب | C ج | Ç | D د | F ف | G | H ح |
| ğ غ | J | L ل | M م | N ن | P | R ر |
| S س | Ş ش | T ت | V و | Y ی | X خ | Z ز |

– در رابطه با حروف بی صدا قوی به مطالب زیر توجه کنید :

a) از حروف مذکور حرف r موقعیت دوگانه دارد :

با وجودی که حرف r بعنوان یکی از حروف بی صدای قوی محسوب می شود ، ولی در مواردی در ترکیب بعضی از کلمات به شکل خیلی قوی در نوك زبان مثل rr تکرار می شود. مثال :

ولور [rr] ، دئیر و ...

حرف ر ، در مواردی کمی نیز به شکل ضعیف بکار رفته می‌شود. برای مثال کلمه بیردنه (بیک دانه) را در نظر بگیریم که در بیان کلمه بیر bir در مواردی حرف ر اصلاً شنیده نمی‌شود و کلمه بیر به شکل بی bi ، بدون حرف ر [بی‌دنه ، biy dənə تلفظ می‌شود. مثال : بی (بیر) کیسه ول ، بی (بیر) دانه کیتاب و...]

(b) در زبان ترکی چهار حرف (n, s, y, ş) بیشتر از سایر حروف بکار رفته می‌شوند :
- حرف ن n ، حرفی است که همانند سایر حروف در کلمه سازی بکار رفته می‌شود ؛ علاوه بر آن به شکل علامت ضمیر ملکی نیز مورد استفاده قرار می‌گیرد. مثال :
سنین ائوین sən i ev, in ، سنین باجین sən in bac, in ، اؤنون باجی سی on, un bacısı و...

- حرف س s ، علاوه بر شرکت در کلمه سازی (همانند سایر حروف) به شکل حرف اضافی و تکمیلی در بین دو حرف صدادار نیز بکار رفته می‌شود. مثال :

اؤنون خالاسی onun xala, sı ، ننه سی nə nəsi ، اونون باباسی onun baba, sı ، جوجه سی cüca, sı
- حرف ی y ، علاوه بر شرکت در کلمه سازی (همانند سایر حروف) به شکل علامت تکمیلی در بین دو حرف صدادار نیز صرف می‌شود. مثال :

لاله یه Lal əy ə ، علی یه Ali, y ə ، باجی یا Bacı, ya ، بیبی یه bibi, y ə ، دوه یه dəvə, y ə و...
- حرف ش ş ، علاوه بر شرکت در کلمه سازی ، بعنوان حرف اضافی و یا علامت گذشته به شرح زیر نیز بکار رفته می‌شود :

یه میش yemiş (میوه خشک شده) ، یریش giriş (دخول) ، یخیش çixiş (خروج) ،
الیش وئریش alışveriş (خرید و فروش) ، لیش ئدیش (امد و رفت .) ، لمیشدی ، ولموشدو ، قالمیشدی ، لمیش میش ، قورموشموش ، و...
- سه حرف e , ö , o تنها در سیلاب اول کلمات شرکت می‌کند و بدین سان کمتر از سایر حروف بکار رفته می‌شوند.

- حرف بی صدای در زبان ترکی خیلی کم مورد استفاده قرار می‌گیرد.

ب) حروف بی صدای ضعیف (بی ثبات) :

منظور از حروف بی صدای ضعیف و یا حروف بی ثبات ، حروفی هستند ، که در شرایط ویژه ای تغییر صدا و تغییر شکل می دهند و اوا و شکل اصلی خود را از دست داده و با شکل و صدای دی ری بکار رفته می شوند.

حروفی که تغییر صدا می دهند ، در زبان ترکی اذربایجان دو عدد به شرح زیر می باشند :

يك (k ، دو) ق q

a) ا ر حرف ك k ، در صرف بین دو حرف صدادار قرار یرد ، به حرف ی y تبدیل می ردد. مثال :

| کلمه مصدری | صرف کلمه مصدری و تغییر حرف k به y |
|----------------------------|-------------------------------------|
| لممک gəlmək (آمدن) | لممه ییم gəlməyim (آمدن من) |
| ائتمک etmək (انجام دادن) | ائتمه ییم etməyim (انجام دادن من) |
| یعمک yemek (خوردن) | یعمه ییم yemeyim (خوردن من) |
| دئمک demək (فتن) | دئمه ییم deməyim (فتن من) |
| ایمک içmək (نوشیدن) | ایمه ییم içməyim (نوشیدن من) |
| بییمک biçmək (درو کردن) | بییمه ییم biçməyim (درو کردن من) |
| بیلیمک bilmək (دانستن) | بیلیمه ییم bilmeyim (دانستن من) |
| غورمک görmək (دیدن) | غورمه ییم görməyim (دیدن من) |
| دؤنمک dönmək (بر شتن) | دؤنمه ییم dönməyim (بر شتن من) |

به بك : به به ییم . اینك : اینه ییم . الجك : الجه ییم . سۆزلوك : سۆزلویوم

- ا ر حرف ، در بین دو حرف صدادار قرار یرد، در کتب قدیمی با خط عربی به

شکل نیز نوشته می شود ، ولی صدای آن هم اوا با حرف ی y شنیده می شود :

لمه یم ، آمه یم ، بیه یم ، ائمه یم ، یئمه یم ، ای مه یم ، ی مه یمیز ، بیلمه یمیز ، کؤه یمیز ، غرمه یمیز ، دؤنمه یمیز ، ولمه یمیز ...

- کلمات مذکور با خط عربی به شکل لم یم [لمیم] ، ولم یم [ولمیم] ... نیز بکار رفته می شوند.

- حرف ک ، در کتب و اشعار قدیم نیز (در بین دو حرف صدادار) تغییر صدا داده و در مواردی با خط عربی بوسیله و در مواردی نیز با علامت ی نوشته شده است :

- از کتاب دده قورقود (از کتاب حسین - محمد خانی ونثیلی)

وای ، غزا وب غردو یم (غردویم) ، غنول وئریب سئودی یم

عباس صحت : قلبی قان حالی یامان خانه خراب غزیاشی ای لیدی سؤ ، باغری کباب فضولی :

بقا ملکون دیلرسن وارینی یوخ ائيله دونیا تک ا تک لک وردویوندن افتاب عالم ارا تک

- ا ر حرف ک در این کتاب در بین دو حرف صدادار قرار یرد ، با خط عربی به شکل و ی (وابسته به زیبایی و تفهم کلمه دارد) و با خط لاتین به شکل حرف y نوشته می شود.

توجه : کلمه ای که آخرین حرف آن به حرف ک k ختم شود ، ولی در جلوان حرف صداداری قرار ن یرد ، صدای آن تغییر نمی کند. مثال :

تورک türk (ترک) : من تورکم məm türkəm [من ترک هستم]

بیز تورکوک biz türkük [ما ترک هستیم]

ارک ərki : ارکین دؤواری ərkin duvarı [دیوار ارک]

بابک ین ساواشینین و اونون ایست ینین خاطیره سی ، اونون خلقی نین اور ینده یاشیایار.

Babəkin savaşının və onun istəyinin xatirəsi , onun xalqının (xalqının) ürəyində yaşayar.

(خاطره مبارزه [جن] و خواسته های بابک ، در درون قلب خلق وی زنده می ماند .)

توجه: ولی کلمه کورک kürk را به شکل منیم کورکوم mənim kürküm [ملتو وستی من] می ویند؟

(b) ا ر حرف ق q ، در صرف بین دو حرف صدادار قرار گیرد ، تبدیل به حرف غ ğ می رود. برای مثال به صرف کلمات مختلف مصدری توجه کنید:

| مصدر (ریشه فعل با علامت مصدر) | صرف کلمه مصدری برای اول شخص مفرد |
|--------------------------------|----------------------------------|
| ↓ | ↓ |
| انلاماق anlamaq (فهمیدن) | انلاماğım (فهمیدن من) |
| آغلاماق ağılamaq (ریه کردن) | آغلاماğım (ریه کردن من) |
| سایماق saymaq (شمردن) | سایماğım (شمردن من) |
| قالماق qalmaq (ماندن) | قالماğım (ماندن من) |
| اتیلماق atılmaq (ریدن) | اتیلماğım (ریدن من) |
| یخیلماق yıxılmaq (افتادن) | یخیلماğım (افتادن من) |
| ییغماق yığmaq (جمع کردن) | ییغماğım (جمع کردن من) |
| سؤلماق solmaq (ریشان شدن) | سؤلماğım (مرده شدن من) |
| اؤتوزماق utuzmaq (باختن) | اؤتوزماğım (باختن من) |
| اؤنوتماق unutmaz (فراموش کردن) | اؤنوتماğım (فراموش کردن من) |
| اؤخوماق oxumaq (خواندن) | اؤخوماğım (خواندن من) |

قایناق، قاینایم. یونجالیق، یونجالیغیم. قالاق، قاغیم. ایاق (ایاخ) ایایم. بارماق، بارماغیم.

توجه:- در بکار گیری کلمات ترکی آذربایجان همیشه باید به تغییر صدای دو حرف ك و ق توجه کرد ،

زیرا به آنها در همه جا برخورد می کنیم و آنها بدون استثناء در همه جا تغییر صدا و تغییر شکل می دهند،

ا ر در صرف کلمات ، صدای حرف ك ، ق را تغییر ندهیم ، کلمات نا درست بوده و فهمیده

نمی شوند.

- در مواردی کلمات مصدری را به شکل مخفف شده مثل لمم ، یلمم ، قالمم ، اؤخومام صرف

می کنند. ولی نین صرفی ایراد دارد ، را که ان همشکل با مخفف شده نفی فعل ارزویی می باشد.
نین کلمات مخفف شده بیشتر در ترکی استانبولی صرف می شوند.

- به اشعار زیر که در انها حرف ق در بین دو حرف صدادار قرار می یرد و تغییر شکل و تغییر صدا می دهد ، توجه کنید :

شهریار : او بیر اوغلان کی ، ری لر سؤ ای ر ماناغیدا اینجی قاینار بولاغیندا ،
طبیعی بیر سئو لی بولبول کی، اوخور ول بوداغیندا ، سحرین ، نلی ماغیندا.
مشتی : اولدی ؤزل عمر صرف حیف کی نادانلیغا هر نه قالیر اولور ایندی شیمانلیغا
زولف سیه ذوقینه (ذوقونا) اویم خطا دیر کؤنول فاریغ ایسن سنی سالما شیمانلیغا

- کلماتی که از زبانهای دی ر وارد زبان ترکی شده اند ، ا ر در ترکیب انها حرف ك و حرف ق در بین دو حرف صدادار قرار یرد ، عمدتاً به شکل اصلی خود صرف شده و تغییر شکل و صدا نمی دهند. مثال :

| | | | | |
|--------------|-------|-----------------|---------|----------------------|
| کلمات عربی : | خالق | xalıq (xalıq) | خالیقیم | xalıqım (خالق من) |
| | اخلاق | əxlaq | اخلاقیم | əxlaqım (اخلاق من) |
| کلمات غربی : | بلوک | boluk | بلوکوم | bolukum (بلوک من) |

(اخلاغیم əxlağım نیز گفته می شود.)

- اما حرف ك ، ق در ترکیب کلمات ترکی به شکل زیر تغییر شکل و صدا می دهد. مثال :

| | | | | |
|-------------|--------|--------|----------|-----------------------|
| کلمه ترکی : | به بك | bəbək | بیه ییم | bəbəyim (بیه ییم) |
| | شنلیک | şənlik | شنلیییم | şənliyim (شنلی ییم) |
| | اوغلاق | oğlaq | اوغلاغیم | oğlağım |
| | قوناق | qonaq | قوناغیم | qonağım |

c (حروف بی صدای ضعیف در زبانهای محلی و قدیمی اذربایجان :

در مواردی ، در بعضی کتب و اشعار قدیمی و همانا در بعضی از لهجه های محلی ، در

شرایط بخصوصی، شکل و صدای بعضی از حروف را تغییر می‌دهند. ولی این تغییرات با اصول مشخصی نبوده و به قانون عام نیز مبدل نشده است.

تغییرات مذکور به دو شکل زیر انجام می‌یابد:

- حروف مذکور ۹ عدد می‌باشند، که همه آنها در زبان ترکی استانبولی و تنها دو عدد از آنها در ترکی اذربایجان حروف ضعیف نامیده می‌شوند.

این ۹ حرف بی‌صدا در مواردی به شکل ضعیف بکار رفته شده‌اند:

| | | | | | | | | | | | | | | | |
|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|
| ç | ح | h | ف | f | ك | k | p | س | s | ش | ş | ت | t | ق | q |
|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|

(این ۹ حرف در ۱۰ اول کتاب به نادرست ۸ عدد نوشته شده بود.)

- توجه شود که این قانون در زبان ترکی اذربایجان (بجز در رابطه با حرف k, q) ملغاً شده محسوب می‌شود، ولی بعضی از آنها بویژه در زبانهای محلی در مناطق مختلف کم و بیش به اشکال زیر مشاهده می‌شود. مثال:

کلمه داغیت dağıt (براکن)، تبدیل به داغیدیرام dağdıram (می‌راکنم) می‌رود،

یعنی حرف ت تبدیل به د می‌رود؛ عبارت دی‌ر بجای

داغیتیم به شکل داغیدیم بکار رفته می‌شود.

فعل مذکور در صرف برای زمان حال و آینده با حرف د بکار رفته می‌شود. مثال:

داغیدیرام dağdıram ، داغیدارام dağdaram ، داغیداجام dağdacağam

اما فعل مذکور در گذشته به اشکال زیر با حرف ت صرف می‌شود. مثال:

داغیتدیم dağıtdım ، داغیتیشام dağıtmışam ، داغیتیشدیم dağıtmışdım و..

- کلمه دورت (بهار) می‌بایست در صرف به شکل دورتونجو (با حرف ت)

بکار رفته شود؛ ولی آن به شکل دوردونجو (با حرف د) بکار رفته می‌شود. مثال:

اؤنون دوردونجو اوشاغی ، من دوردونجو کلاس دایام ، سن کلاسدا دوردونجو سن و...
 - کلمه یوغورت (قاتیق ، ماست) . منیم یوغوردوم . یوغوردو . یعنی در کلمه مذکور
 حرف ت تبدیل به د شته است :

گت get : ائتدیم getdim ، به شکل ائددیم geddim نیز بیان می شود.

ائتمک etmək : ائدیرم edirəm ، ...

دمیر dəmir : دمیری dəmirçi ، به شکل (دمیرچی) ،

قای qapı : قایی qapıcı ، به شکل [قاییچی] و...

(بنظر می رسد که بهتر است همه این کلمات به شکل واحدی بکار رفته شوند.)

- تغییرات مذکور در موارد کمی در کتب قدیمی به اشکال زیر مشاهده می شود :
 به قطعه شعری از فضولی توجه کنید:

ائده لر غافلره تکمیل اسباب غرور .. (ائد)

اهل عرفان دیر جهان کیفیتین تحقیق ائدن (ائد)

هر یغن مهرویا صرف ائتمه فضولی عمرونو (ائت)

بیر قول اوغلونو کؤنول ملکونه سلطان ائتدیم (ائت)

مصر ایدی ، مادشاهین یوسف کنعان ائتدیم (ائت)

- در مواردی نیز حرف د را مابین حرف د و ت تلفظ می کنند و حرف

ك را به شکل (مثل ch المانی و یا مثل نون سن skech) بیان می کنند.

- در مواردی نیز کلمه لملک gəlmək (آمدن) به شکل لملکته gəlməktə (در

حال آمدن) بکار رفته می شود. یعنی حرف د تبدیل به ت می ردد. در صورتی

که در زبان کنونی اذربایجان کلمه لملک gəlmək ، عمدتاً به شکل لملکده

gəlməkdə ... صرف می شود.

- توجه شود که تغییرات مذکور در زبان کنونی اذربایجان (بغیر از حرف ك ، ق)

خیلی کم بکار رفته می‌شود، در صورتی که خیلی از این تغییرات در زبان ترکی استانبولی به شکل رسمی در آمده و به بکار رفته شده و مشکلتر می‌شود:

برای مثال، به صرف کلمات مختلف ترکی استانبولی در جدول زیر توجه کنید، که گونه حرف د در صرف به حرف ت تبدیل می‌شود:

در صرف کلمات زیر سوند تصریفی ده ، دا تبدیل به ته ، تا می ردد :

سینیف ، سینفته ، سینیفتن

ۇجوك ، ۇجوكتا ، ۇجوكتان

اۇتوبوس ، اۇتوبوسته ، اۇتوبوستن

يۇرت ، يۇرتتا ، يۇرتتان

اغا ، اغاجتا ، اغاجتان

فاتیح ، فاتیحته ، فاتیحتن

کیتا ، کیتاتا ، کیتاتان

کوش ، کوشتا ، کوشتان

- کلمات جدول مذکور از کتاب دستور زبان ترکی استانبولی از دکتر محمد همت یرمئن در سال دو هزار (از خط لاتین به خط عربی) رونویسی شده است.

حروف صدا دار کلمات جدول مذکور در ترکی اذربایجان قوی محسوب شده و به شکل زیر با سوند ده، دا صرف می‌شوند:

| | |
|----------------------------------|----------------------------|
| سینیف ، سینیفده ، سینیفدن | اغاج ، اغاجدا ، اغاجدان |
| ۇجوق ، ۇجوقدا ، ۇجوقدان | فاتیح ، فاتیحده ، فاتیحدن |
| اۇتوبوس ، اۇتوبوسدا ، اۇتوبوسدان | کیتاب ، کیتابدا ، کیتابدان |
| یۇرت (یۇرد) ، یۇرتدا ، یۇرتدان | قوش ، قوشدا ، قوشدان |

- در مواردی اغاج به شکل اغا نیز صرف می‌شود.

کلماتی که يك سیلابی هستند، از قانون مذکور بی‌رونی نکرده و در ترکی استانبولی نیز هم‌ون ترکی اذربایجان تغییر شکل و صدا نمی‌دهند، برای مثال به ترکیب کلمات مختلف

در جدول زیر توجه کنید:

| ترکی | | فارسی | |
|------|---------|-------|---------|
| at | آت | et | آتیم |
| ip | ای | ipim | ایم |
| qoç | قو | qoçum | قووم |
| süt | سوت | sütüm | سوتوم |
| tut | توت | tutum | توتوم |
| گوشت | گوشت من | گوشت | گوشت من |
| طناب | طناب من | طناب | طناب من |
| قو | قو من | قو | قو من |
| شیر | شیر من | شیر | شیر من |
| توت | توت من | توت | توت من |

(d) تغییرات بعضی از حروف در زبان محاوره ای ترکی اذربایجان:

در زبان ترکی اذربایجان حروف دی ری نیز موجود هستند که در مواردی بویه در زبانهای محلی کنونی همانند بعضی از اشعار قدیمی، تغییر صدا داده اند ، ولی این تغییرات نیز به قانون و اصول مبدل نشده است. مثال :

در سمت راست جدول زیر کلماتی که آخرین حرف صدادر آنها با اهن بالائی و در سمت ان کلماتی که آخرین حرف صدادر آنها با اهن ائینی نوشته شده اند ، توجه کنید:

| | | | |
|---------------|-----------------|---------------|--------------------------------------|
| بوغدانی آندن | به شکل آن نن | کیتابی | ساتاندان ، به شکل ساتاننان |
| بُرادان | بُندن | به شکل بُندن | المالاری بیغانندان ، به شکل بیغاننان |
| بوغدانی بیندن | به شکل بی نن نن | اُونلار | لُندن دان ، به شکل لندن نان |
| سنین | سُزوندن | به شکل سُزونن | دُونندان ، به شکل دُونوننان |

- توجه شود که نین تغییراتی را نمی توان تکامل فنوتیکی زبان معرفی کرد ، را که نین تغییرات عمدتاً در اذربایجان جنوبی بکار رفته می شود که در انجا تدریس زبان ترکی موجود نیست.

بخش سوم :

۱) کلمه : (انواع مختلف کلمه و مفاهیم و خصوصیات آن)

کلمه از ترکیب صد حرف بی صدا و صدادار تشکیل می یابد و برای رساندن مقصودی بیان و یا نوشته می شود.

در ترکیب کلمات ترکی ، حروف صدادار کلمات ساده را یکی از دو روه با آهـ بالائی (ə, e, i, ö, ü) و یا با آهـ مائینی (a, ı, o, u) تشکیل می دهند ، بطوری که انها هر ز در ترکیب کلمات ساده ترکی ادغام نمی شوند. برای مثال به دو جدول زیر توجه کنید ، که حروف صدادار کلمات نوشته شده در یکی از ان جدولها با اهـ بالائی و دی ری با اهـ مائینی می باشند :

a) کلمات ساده ای که با حروف صدادار با اهـ مائینی ساخته شده اند :

| | | | | | | | |
|-------|-------|-------|-------|-------|-------|-------|-------|
| ana | انا | ata | اتا | bacı | باجی | badam | بادام |
| Yaşar | یاشار | Turan | توران | qoyun | قویون | qayıq | قایق |
| quzu | قوزو | ağaç | اغا | qarqa | قارقا | qaşıq | قاشیق |

b) کلمات ساده ای که با حروف صدادار با اهـ بالائی ساخته شده اند :

| | | | | | | | | | |
|-------|------|------|-------|------|-------|-------|------|--------|--------|
| dədə | دده | nənə | ننه | bəbə | بیه | gözəl | غزل | bülbül | بولبول |
| çiçək | یه ک | ye | یئ | eşit | ائشیت | gəl | ل | göl | ول |
| bibi | بیبی | iydə | اییده | yer | یئر | inək | اینک | göy | کوی |

توجه : کلمه ساده ای که در ترکیب ان حروف صدادار با اهـ بالائی و مائینی ادغام شود ، ان کلمه از سایر زبانها وارد این زبان شده و کلمه ترکی نمی باشد .

۱-۱) کلمه از لحاظ ترکیب به سه بخش (ساده ، ترکیبی و مرکب) تقسیم می شود :

کلمه ساده ، به کلمه ای گفته می شود ، که با همنوع خود و یا با سوندی ترکیب

نیافته باشد. مثال: تۇران Turan، ول güل، يەك çəçək، ادام adam، ل gal، قا qaç،
ياخشى yaxşı، يەك çəçik، بۆيۈك، يىر، ئۇي، ...

كلمه ترکیبی (با سوند، كلمه سوندی)، كلمه ای است، كه با يك و يا با نند سوند
تركيب مى يابد؛ يعنى ا.ر. برای رساندن مفهومی كلمه ساده ای موجود نباشد، برای بیان
ان مفهوم مى توان كلمه ساده را با سوند تركيب داد و بكار رفت. مثال:
- كلمه ترکیبی با يك سوند:

وله əlqə، قالا qala، سالما salma، بيلمك، يازماق، ئۆزلۈك gözlük،

ئۆزلۈ gözlü، المالیق alma,lıq، يەكلىك، لىملى، وللى و...

- كلمه ترکیبی با دو سوند:

لیرم gəlir əm، ولورم gəlür əm، قالماقدا qalmaqda، بيلمکده، ...

- با سه سوند: یۇنجالیق‌لاردان yoncalıqlardan، ئۆروشمکده görüşməkdə، يىمىنلىك لردن

çimən,lik,lərdən، قالماقدادیر qalmaqdadır، اغاجلىقدادیر، ...

- در كلمه سازی بايد به اين نکته توجه کرد، كه حروف صدا دار سوندها تابع اخيرين

حرف صدا دار كلمه مى باشند و با هماهنگی ان صرف مى شوند.

كلمات مى توانند در خود يك مفهوم و يا نند مفهوم داشته باشند:

كلمات تك مفهومی:

كلمه ساده: ادام، ننه، دده، ل، ول، يى و...

كلمه ترکیبی با يك مفهوم: قۇملۇق، ليرم، ولورم، ...

كلمات نند مفهومی، كلماتی هستند كه نند معنی و مفهوم دارند. مثال:

كلمه ساده: yer (زمین، مكان، جا، ره زمین) باش [سر، اعلا]،

ای çay: ای نوشیدنی. ای: رود خانه،

ای. ماه: ماه سال، طلوع ماه،

دیل : زبان مادری ، زبان در دهان ،

ول gü: بوته ل، بو بخند . (بۇ ول ساری دیر. من دئیم سن ول.)

کلمه مرکب :

ا ر برای بیان مفهومی ، کلمه ساده و یا ترکیبی (کلمه سوندی) موجود نباشد، کلمه مرکب را می توان از ترکیب ند کلمه بوجود آورد و بکار رفت. برای مثال به ترکیب کلمات مختلف زیر توجه کنید :

– کلمه مرکب با ترکیب دو اسم :

داغ داش ، باجی قارداش ، ننه بالا ، دده ننه ، آر ارود ، ادی غزل ، محمد علی ، ...

– کلمه مرکب از ترکیب دو فعل : ل یت ، ال وئر ، دی ول ، یئ ا

کلمه مرکب از ترکیب دو فعل همراه سوند ایش : یریش یخیش ، الیش وئیش

کلمه مرکب با میانوند ایب و سوند مصدری: دئییب ولمک، لیب یتمک، دانشیب ولمک ..

کلمه مرکب با میانوند (a ، ə) و سوند مصدری : له یلمک ، وله یلمک ، الا یلمک ، ...

– کلمه مرکب از ترکیب دو صفت : از نۇخ ، یاخشی یس ، الاق اوجا ، الت اوست ، ...

– کلمه مرکب از ترکیب دو قید : تئز ئج ، سحر اخشام ، ئجه وندوز ، بۇ ون صباح ، ...

– کلمه مرکب از ترکیب دو ضمیر : او بۇ o,bu ، بۇ او bu,o ، و ...

– کلمه مرکب از ترکیب عدد و اسم : قیرخایاق qırxayaq ، یاری یول yariyol ..

– کلمه مرکب از دو صفت با سوند: یاخشی یسلر yaxşıpislər ، قام قارانلیق qamqaranlıq ، ...

– کلمه مرکب هم نوع با میانوند و سوند : مال ها الدان ، قا ها قا ایدی و ...

– کلمه مرکب از ترکیب دو قید با سوند : سحر اخشاملیق səhəraxşamlıq و ...

– کلمه مرکب از ترکیب صفت و قید با سوند جمع : یاخشی ونلر yaxşıgünlər و ...

– کلمه مرکب از ترکیب دو اسم متضاد: آر ارود ərarvad ، قیز اوغلان qizoğlan ، دۇس دوشمان ..

کلمه مرکب از دو صفت متضاد: پس یاخشی، الاق اوجا، اغ قارا، الت اوست، ...
کلمه مرکب از دو قید متضاد: تتر یج، عجه وندوز، سحر اخشام و...

۱- ر دو کلمه ترکیب یافته از هم دی ر مستقل باشند، انها را می توان در کنار هم قرار داد و با مفهوم جدیدی بکار رفت. مثال:

داغ داش، قویون قوزو، ارارواد، مال حیوان (حیوان)، داش دمیر، دیشی یشیک،
ارگک ایت، دلی ادام، ..

۱- ر در ترکیب کلمه مرکب، یکی از کلمات ترکیب یافته وابسته به کلمه دی ری باشد، ان کلمه بکمک یک ی ملکی (با هماهنگی بزر) به کلمه قبلی نسبت داده شده و به شکل زیر بکار رفته می شود. مثال:

بادام اغاجی badamağacı، الما ولو almagülü، قیزیل ول کولو qızılgölü، ائویشیی (یشیی)، ائوایتی، ایت قویروغو، تیکان ولو، قو بۇرنوزو، ...

- کلمه مرکب همراه سوند لی، لو: قاراساقاللی، اغ ساقالی، قاراقویونلو، ...
توجه: ۱- اسم مرکب با ی ملکی همراه باشد و با علامت لر، لار جمع بسته شود،
سوند ملکی (ی) به اخر کلمه کشیده می شود. مثال:

مال حیوان اتلری (حیوان)، قوزو توکلری، آریک اغاجلاری، ...

- کلمات مرکب را می توان با یک و یا ند سوند به کلمه جدیدی مبدل کرده و با مفهوم جدیدی بکار رفت. مثال:

- با سوند لیک ...، لوق (اسم): ول یمن لیک، داغداشلیق، باجی قارداشلیق و...
- همراه سوند تصریفی: ننه دده لیکلردن، باجی قارداشلیقلاردان، ...

- با سوند صرفی به شکل جمله: ادی غزل دیر، محمد علی دیر، الهوردی دیر (الاه وئردی)، ...
- کلمه مرکب با میانوندهای (مثل: ه، ها، به و...) مختلف. مثال:

قا مایلمک qaçabilmək ، الایلمک alabilmək ، لایلمک ، ال هال ، قا ها قا ،

دال با دال ، قال با قال ، سۆز به سۆز ، دیز به دیز ، یین به یین ، ...

- کلمه مرکبی که آخرین حرف صدادار کلمه اولی ان با اهنه بالائی و آخرین حرف صدادار کلمه دومی ان با اهنه مائینی می باشد. مثال :

جویز اغاجی cəvizəğacı ، ایده یارماغی iydəyarpağı ، ول یارماغی ، ئی ی بۇرنوزو ،

قی ی ۇلاق ، ایری اغاج ، جیی بۇش ، آلی بۇش ، بئینی بۇش ، ...

- کلمه مرکبی که آخرین حرف صدادار کلمه اولی ان با اهنه مائینی باشد ، حرف صدادار میانوند ان با حرف صدادار با اهنه مائینی ساخته می شود. مثال :

الایلمک (al a bilmək) ، یانا ییلمک ، دۇنا ییلمک ، قۇرا ییلمک ، ...

کلمه مرکبی که آخرین حرف صدادار کلمه دومی ان با اهنه بالائی باشد ، سوندهای ان کلمه با حروف صدادار با اهنه بالائی ساخته می شوند. مثال :

قیرمیزی وللردن ، یاشیل ییمنلرینکی ، قۇجا کیشی لردن ، کؤکوقۇروموش ،

ولوسۇلموش ، سسی باتمیش ، رزی سارالمیش ، ...

- کلمه مرکبی که آخرین حرف صدادار هر دو کلمه ترکیب یافته ان با اهنه مائینی باشد ، سوند و میانوند ان با حروف صدادار با اهنه مائینی ساخته می شود. مثال :

قۇون بۇرنوزلاری ، اغاجین یارماغلاریندان ، قادین التارلاریتدان ، ...

- کلمه مرکبی که آخرین حرف صدادار هر دو کلمه ترکیب یافته ان با اهنه بالائی باشد ، میانوند و سوند ان با حروف صدادار با اهنه بالائی ساخته می شود. مثال :

له ییلمک ، وله ییلمه مک ، ...

- کلمه ای که از ترکیب دو فعل با میانوند و سوند ساخته می شود. مثال :

له ییلیر ، ئده ییلیر ، وله ییلیر ، دۇنا ییلیر ، سۇرا ییلیر ، ...

- کلمه مرکب با سه اسم همراهی ملکی :

دیشی قوزو آتلی دیڭیقۇزۇاتلاری ، مال حیوان توکولری malheyvantükləri

قویون قوزو آتی ، مال حیوان سۇروسو ، تۇزتۇراق رنی و...

- کلمه با علائم مختلف سوالی : لیرمی ؟ ولورمو ؟ مالی دیرمی ؟ و...

کلمه با علائم نفی : الماسین ، سوزمه ، دئمه ، ادبسیز ، ؤلسوز و...

- کلمه مرکب با سوندهای مختلفی که حروف صدادار آنها با همای کوی و بز در کنار هم بکار رفته می شوند:

بادام اغاجلاریندا badamağac lar in da ، داغ داشلارین dağdaş lar in

الما اغاجلاریندا almaağac larında ، داغ داشلارینکی dağdaş lar in k

الایلمکده alabilməkdə ، ادی وزلدە دیر Adıgözeldədir و...

- در رابطه با کلمه مرکب همیشه باید به دو نکته مهم زیر توجه کرد :

یک) حروف صدادار سوند کلمات مرکب باید با آخرین حرف صدادار کلمه آخری همای داشته باشد. مثال :

جویز اغاجلاریندان cəvizağaclarından ، اییدە یارماقلاریندان iydəyarpaqlarından

دو) در ترکیب کلمه مرکب ، حرف صدادار میانوند وابسته به آخرین حرف صدادار کلمه اولی

می باشد. مثال : الایلمک alab a bil mək ، وۇرایلمک vur a bilmək ، و...

له ییلمک gəl ə bilmək ، ائده ییلمک əd ə bilmək و...

- کلماتی که در ترکیب با کلمات دیر مفاهیم اصلی خود را از دست داده و با مفهوم دیری بکار رفته می شوند. مثال :

یۇرت داش yurddaş : هم وطن (ترکیب یافته از : وطن و سنک) و...

یۇلداش : رفیق (ترکیب یافته از : راه و سن) و...

اَمَك داش : همكار (تركيب يافته از : زحمت و سنك) و...

- کلماتی که در ترکیب با کلمات دیگر مفهوم خود را حفظ می کنند. مثال :

داغ داش ، اوجا بوی ، دره ته ، ون یخان ، ساری ول ، و...

کلمات با بیان خصوصیات ،

کلماتی هستند که خوب و بد و خصلت اسم را بیان می کنند. مثال :

- کلمه ساده : سؤیوق ، ایسی (رم) و...

- کلمه ترکیبی : رحیمسیز rəhimsiz (بی رحم) . ادبسیز ، اورکلی و...

- کلمه مرکب : داش اورک daşürək (سَنَدَل) . بئینی قان ، بئینی بۇش ، و...

کلمات مختلف با معنی واحد :

ادبسیز ədəbsiz (بی ادب) اخلاقسیز . زهر تۇلوغو zəhərtuluğu . اجی دیل .

منیم یاریم ، سئویم ، عزیزیم ، خانیمیم ، خاتینیم ، اروادیم ، حیاط یۇلداشیم ، باهار
bahar ، یاز yaz (بهار) . یِ لِك çiçik ، ول gü . جیقیلی cıqılı ، بالاجا balaca ، یِ لِك .

ۇلوم یۇخ ، ۇلسوزام pulsuzam ، جیییم بۇش cibim boş ، آلیم بۇش ، و...

۱-۲) کلمات غیر ترکی :

کلماتی که از زبانهای دیگر وارد زبان ترکی شده اند ، اگر در ترکیب آنها دو حرف
صدادار و یا دو حرف بی صدا در کنار هم قرار گیرند ، در موارد زیادی یکی از آن دو
حرف را به اشکال مختلف تغییر داده و یا به میان حروف صدادار يك حرف بی صدا و
به میان دو حرف بی صدا يك حرف صدادار اضافه کرده و صرف می کنند :

a) کلمات عربی :

احتیاط به شکل احتیاط ، متفق به شکل موْتَفِیق و عقل به شکل عاْغیل ،
سلام علیکم به شکل سلامون علیکوم ، شُکْر به شکل شوکور ، روحاً به
شکل روْحَن ، سهواً به شکل سهوَن ، عمداً به شکل عمْدَن ، عمدی ،

قصداً به شکل قصدن، قصدیدن روحاً و جسماً (روحن جیسمن)، گفته می‌شود.

b) کلمات مرکب عربی و ترکی :

کلماتی که از زبان عربی رفته شده اند، در مواردی با کلمات ترکی ترکیب یافته و به شکل کلمات مرکب عربی ترکی بکار رفته می‌شوند. مثال :

- کلمه مرکب با دو کلمه همراه شوند مصدری :

حؤکم ائيله مك ، بحث ائتمك ، حل ائتمك (حل لئتمك) ، امرائتمك ، غیب اؤلماق ،
حل اؤلماق ، غئیب ائتمك ، حاضر اؤلماق ، بحث ائيله مك ، تعلیم وئرمك ،
مواظب اؤلماق ، صبرائتمك ، عجله ائيله مك ، تقاضا ائتمك ...

- کلمه مرکب عربی ترکی با میانوند ملکی (ی: با هماهنگی بزر) همراه شوند مصدری :

بحثی اؤلماق ، موشکولو اؤلماق ، عیبی (عئیبی) اؤلماق ، عاغلی اؤلماق ، (عاغیللی)
صبری اؤلماق ، خطری اؤلماق ، خطرلی اؤلماق ، ...

- کلمات عربی ترکی به شکل فعل :

صبرائيله ، عجله ائيله ، قبول ائيله مه ، تظاهرائيله مه ، ..

- در مواردی بعضی از کلمات عربی به اشکال مختلف زیر نیز صرف می‌شوند. مثال :

- عاغیلسیز ، عاغلی یۇخ ، عاغیللی . عُمۇر ، عمرو یۇخ ، عمرو . عمرو یۇخ ،

عمورسوز ، عمرو اوزون ، رسم: رسمیم ، رسمیم (رسمیم) ، رسمی وار ، رسمی یۇخ ، ...

- وقت : واختیم یۇخ ، واخ یۇخدور . واخدیم یۇخدور . یۇخ واخت ایستر ، ...

کلمات عربی با شوند ترکی :

بعضی از کلمات عربی را می‌توان با سوندهای مختلف ترکی به کلمات ترکیبی جدیدی

تبدیل کرد و بکار رفت. مثال : کیفیتلر ، شخصیت سیز ، رسمیت سیز ، صبرسیز ،

صبریلی ، صبرسیزلیک ، ...

c) کلمات غربی :

- کلماتی که از زبانهای دیگر وارد زبان ترکی شده و در ترکیب آنها (بعد از بند اول) حروف صدادار غیر فعال بکار رفته شده اند ، در موارد زیادی آنها را با حروف صدادار فعال عوض می کنند. مثال : تراکتور traktur ، قهوه خانا qəhvəxana ، ...
- کلماتی که در ترکیب آنها دو حرف بی صدا در کنار هم قرار گیرند ، در مواردی به بین آنها یک حرف صدادار افزوده شده و صرف می شوند. مثال :

قیرام (qıram) بجای رم ، تیرئن tiren بجای ترن tren ، فیلیم filim ، بجای فیلم film ، فیلیم لر. سینما ، سینما ، سینما لار. ایسلاوی (islavi) بجای سلاوی (slavi) و..
- کلماتی که در ترکیب آنها دو حرف بی صدا در کنار هم قرار گیرند ، عمدتاً به شکل اصلی خود نوشته می شوند ، ولی در محاوره یکی از آن دو حرف بی صدا را حذف کرده و به شکل زیر تلفظ می کنند. مثال :

بجای کمونیست ، می ویند : کمونیس ، بیر کمونیس ادامین فیکری ، ...
بجای بیر کمونیست حئزین مانیفئستی ، می ویند : بیر کمونیس حیزین مانیفسی (تی) و..
بجای سوسیالیست می ویند: سؤسیالیس ، بیر سؤسیالیس ادامین فیکری ، سؤسیالیس لرین حزبی و...

d) کلمات فارسی :

بعضی از کلمات فارسی که وارد زبان ترکی شده اند ، در موارد زیادی حروف آنها را به اشکال زیر تغییر می دهند :

دوست به شکل دؤس (دؤست) تلفظ شده و به شکل دؤسلار جمع بسته و به شکل دؤسدوم ، دؤسدون ، دوسدوموز ، .. نیز صرف می شود.

کلمه خواهش به شکل خاهیش (xahiş) ، قهوه خانه به شکل قهوه خانا (şqə hvəxana) ، ا ب وشت به شکل ا ب وش بیان می شود. و...

- بعضی از کلمات فارسی را نیز با کلمات ترکی ترکیب داده و به شرح زیر به شکل کلمات مرکب فارسی ترکی بکار می‌گیرند. مثال :

خواهش ائدمک ، زَهَر ائتمک (اغی) ، زهراؤلماق ، زهرمار ائتمک (زَهَر) ، زهر تؤلوغو ،
دردی اؤلماق ، درد سروئرمک ، ...

- بعضی از کلمات فارسی را می‌توان با سوندهای ترکی ترکیب داده و به شکل زیر بکار رفت : دُسلوق (دُستلوق) ، رن سیز rənglər (بُیاقسیز) ، رن لی ، رن لر ، ...

۳-۱) اطلاعات متفرقه در رابطه با کلمات ترکی :

a) در زبان ترکی سوندها فرم فعل ، زمان ، جمع و مفرد بودن فاعل را در خود انعکاس می‌دهند. مثال : لمیر ، لمیرلر ، لمدی ، المیش ، ...

b) در مواردی در نفت و شنود روزمره ، بعضی از سوندهای کلمات ترکی را به نادرست تغییر می‌دهند و به شکل زیر صرف می‌کنند. مثال :

کلمات الماق (almaq) در محاوره به شکل الماخ (almax) ، ایشله ییرم (işləyirəm) به شکل ایشلییرم (işlirəm) ، اُوخوئورام (oxuyuram) به شکل اُوخورام (oxuram) بکار رفته می‌شوند.
c) در زبان ترکی ند کلمه ای موجود است ، که در ترکیب با کلمات دیگر ، یکی از حروف صدادار آنها را حذف می‌کنند :

- کلمه قئین qeyin (برادر زن) که در ترکیب با کلمه انا (مادر) به شکل قئین انا qeynana (بجای قئین انا : مادر زن) ، قئین انا qeynata (بجای قئین انا : پدر زن) بکار رفته می‌شود.

- ا ر به دو کلمه قئین انا qe,yin,a,na و قئین انا qe,yin,a,ta دقت شود ، ملاحظه می‌شود ، که آنها از چهار سیلاب تشکیل یافته اند ، که با حذف يك حرف صدادار به کلمه سه سیلابی تبدیل می‌شوند : قئینانا qey,na,na ، قئیناتا qey,na,ta ، ...

- حرف صدادار ند کلمه زیر نیز در صرف حذف می‌شود :

کلمه قارین به شکل قارنیم (بجای قارینیم) ، کلمه بۇرون به شکل بۇرونوم (بجای بۇرونوم) ، بئیین (مغز) به شکل منیم بئینیم (بجای منیم بئینیم) ، بۇیون ، منیم بۇینوم (بجای منیم بۇیونوم) بیان می شود.

k (کلماتی که در ترکیب آنها حرف ل در کنار حرف ن قرار یرد ، در محاوره حرف ل را به نادرست به شکل ن تلفظ می کنند. مثال :

انلاماق (an lamaq) به شکل انلاماق (annamaq) ، اؤنلؤ (önlü) به شکل اؤننؤ (önnü) ، دانلاماق (danlamaq) به شکل دانلاماق (dannamaq) و... تلفظ می شوند .

m (کلمه ای که آخرین حرف ان هم ون اولین حرف سوند صرفی صدادار باشد ، در صرف یکی از آنها را حذف می کنند. مثال :

لمه : به شکل لم (اصل فعل : لمه یم .)

قالا : قالام (اصل فعل : قالایام) و...

n (در زبان ترکی ، افعال مختلف را می توان با سوندهای متعددی به شکل فعل در آورد و (با مفهوم فعل کامل ، ولی به شکل جمله نا کامل) بکار رفت. مثال :

یازدیریلماقدادیر (در حال نوشته شدن است) ، وۇرولماقدادیر ، اؤوشمکده دیرلر ،

وۇرولدورولدو (به فرمان کسی، شخصی زده شد) ، اؤلدورولدو ، ...

z (کلمات مرکبی که آخرین حرف کلمه اولی ان همانند اولین حرف کلمه دومی ان صدادار باشد ، در صرف یکی از ان دو حرف را حذف می کنند. مثال :

کلماتی امثال الما اغاجی (alma ağacı) به شکل الماغاجی (almağacı) ، جمعه اخشامی

(cüm ə axşamı) به شکل جؤماخشامی (cüm axşamı) ، قهوه التی (qəv ə altı) به شکل قهوالتی

(qəvaltı) و... بیان می شوند ؛ را که بیان نین کلماتی اساترو همانا يك سیلاب کمتر از

اصل آنها می باشند.

۱- کلمات و تقسیم بندی آنها از لحاظ دستور زبان :

– در دستور زبان هر کلمه ای در ترکیب جمله عملکرد ویژه ای دارد ، که براساس همین ویژه ی ها نام گذاری شده و بکار رفته می شوند :

| | |
|------------------------|---|
| اسم (اد) : | ری Pəri ، یاشار Yaşar ، قو ، قویون ، قوش ، میغمیغ ، .. |
| فعل (ایش) : | ل gal ، لیر galir ، الیر alir ، قالدیم ، ولدوم ، ... |
| مصدر : | لمک gəlmək ، دئمک demək ، الماق almaq ، دوشوندورمک ، ... |
| صفت : | یاخشی yaxşı ، ژزل gözəl ، دلی dəli ، سئفئح ، ... |
| قید : | قاباق qabaq ، صاباح sabah ، سحر səhər ، ئجھ gecə ، اخشام ، .. |
| ضمیر : | من mən ، سن sən ، او o ، بیزلر ، سیزلر ، ... |
| کلمات ربطی : | بلکه ، کینه ، البته ، اوناؤره ، بۇجور ، اۇجور ، ... |
| سوندهای ربطی : | ده ، دا ، (کیتاب علی ده ده وار. یاشاردا دا وار.) ... |
| کلمه سوالی : | نه ؟ نه اون ؟ می ؟ نییه ؟ نه ؟ کیم ؟ هان ؟ ... |
| کلمه و علائم نفی : | دئیل ، مه ، مز ، ماز ، سیز ، سوز ، یۇخ ، ... |
| کلمه و علائم التزامی : | ر ، (ل) ملی ، (قال) مالی ، مجبور ، اجبار ، ... |
| کلمه ارزوئی : | نه اؤلا ، بیر ، نؤلا ، آلاہ ائیلہ یه ، شانس وئره ، ... |
| کلمه شک و تردید : | ار ، بیه ، شاید ، دئیہ سن ، ائله ییل ، بیه ، بلکه ، و ... |
| کلمه تعجبی : | ی ، یۇخ بابا ، عجب ، ئجھه ، اؤرا باخ ، یۇخ ها ... |
| کلمه ندا : (۱) | ای ، وای ، اه ، امان ، هارای ، یامان ، واه ، ی ، و ... |

(۱) کلمه ای که حالتهای حسی انسان را در رابطه با شادی ، تعجب ، ترس ، نفرت ، شوخی ،

تمسخر ، ... بیان کند ، کلمه ندا می وئیم.

۲) اسم : (ad)

۲-۱) اسم کلمه ای است که برای نامیدن موجودات بکار رفته می شود. مثال :

اسم انسان : کیشی، قادین، قیز، اوغلان، عباس، حسن، یاشار، و ...

اسم حیوان : مئمون، بیشیک، قویون، قوزو، ایت، اوکوز، و ...

اسم حشرات : قاریشقا، ییین، میغمیغ، که نک (که نک) ، و ...

اسم اشیاء (بی جان) : ائو، قلم، کاغاذ (کاغذ)، داغ، یئر، ای، یئل، و ...

اسم دیدگاهی که دیده نشده و یا لمس نمی شوند : فیکیر، یوخو، نظر، ایده، و ...

- اسم در جمله به شکل زیر شناخته می شود :

a) ا ر کلمه ای در مقابل کلمات سوالی امثال کیم ، نه ، نه منه دیر ، هارا ... قرار یزد ، اسم محسوب می شود. مثال :

کیم لمیر ؟ عباس لمیر . او کیم دیر ؟ او عباس دیر .

کیم یئدی ؟ حسن یئدی . بو کیم دیر ؟ بو حسین دیر .

او نه دیر ؟ او ائودیر . بو نه دیر ؟ بو دا ماشین دیر .

- نه دئدین ؟ من های های دئدیم . لای لای دئدیم .

(لای لای ، های های در جمله مستقل بکار رفته شده و اسم شمرده می شود.)

نه دئدین ؟ من حسن دئدیم . (حسن اسم می باشد.)

نه منه یس دیر ؟ (نه یس دیر ؟) یسللیک یس دیر . (یس یس دیر)

- ای بابا . نه دئدین ؟ من ای بابا دئدیم . (ای بابا ، در مقابل سوال نه

قرار رفته و اسم محسوب می شود.)

- نه بابا . سن نه دئدین ؟ من نه بابا دئدیم . سن نه بابا دئمه .

(نه بابا در مقابل کلمه سوالی نه قرار رفته و اسم محسوب می شود.)

b) کلمه ای که در حالت تصریفی صرف شود ، اسم نامیده می شود. مثال :

- من بۇ کیتابی حسن دن الدیم . کیتاب کیم ده دیر ؟ قلم حسن ده دیر .
 (کلمه حسن ، کیتاب ، در حالت تصریفی صرف شده و اسم محسوب می شود.)
 - من دئمکدن یورولدوم . دئمکدن دیلمده توك بیتدی . نه دن دیلنده توك بیتدی ؟
 (دئمکدن، از مصدر دئمک است که ، در حالت تصریفی صرف شده و اسم محسوب می شود.)
 - من ؤزلدن وسدوم . (کلمه ؤزل صفت است ، که در جمله در حالت تصریفی صرف شده و اسم محسوب می شود.)
 - من اخشامدان بۇرادایام . (اخشام قید است که در حالت تصریفی صرف شده است.)
 c (کلمه ای که در جمله معرفی شود ، اسم به حساب می آید. مثال :
 بۇ بی حسن دیر . حسن یاخشی ادام دیر . قارا، نه دیر . قارا رن دیر . قارادان دا قاراسی وارمی ؟
 d (ا ر کلمه بی معنی و یا معنی دار باشد و در جمله مستقل بکار رفته شود ، اسم محسوب می شود. مثال :
 لاکین [کلمه ربطی] : بۇ جمله ده لاکین یازما .
 کی [کلمه ربطی] : کی معناسیز بیر سؤز دۇ یل .
 ده [حروف ربطی] : ده بیر ربطی کلمه دیر .
 او ون [کلمه ربطی] : او ون ده بیر ربطی کلمه دیر
 های [کمک ، توجه] های سالما ، هارای هارای دئمه . های وی سالما
 - در رابطه با لای لای به شعر زیر توجه کنید: لای لای دئدیم یاتاسان قیزل وله باتاسان.
 قیزل ولون ای ینده شیرین یوخو تاسان
 g (کلمه ای که جمع بسته شود ، اسم محسوب می شود. مثال :
 یاخشی ، یاخشی بیر سؤز دور . بیزدن یاخشی لار ، بیزدن یاخشی دیر [لار] .
 معید صباغ ایرانی (یالقیز) : اؤزوموزدن قومان هایلار ، اتاجاق هاییمیزا
 اؤزه یگردن لمن هایدان بیزه بیر های اولماز...)

۲-۲) اسم در ترکیب جمله با نامهای مختلف زیر بکار رفته می‌شود :

در دستور زبان هر اسمی از لحاظ ترکیب ، معنی و عملکرد از اسم دیر تجزیه شده و هر کدامی آنها با نام خاص خود بکار رفته می‌شود :

| اسم | شماره ص | اسم | شماره ص |
|---------------------------|---------|----------------------------|---------|
| ۱) اسم ساده | ۱ . ۸ | ۱۲) اسم ذات و اسم معنی | ۱۱۷ |
| ۲) اسم ترکیبی | ۱ . ۸ | ۱۳) اسم معرفه و نکره | ۱۱۸ |
| ۳) اسم قیدی | ۱ . ۸ | ۱) اسم مجرد و اسم غیر مجرد | ۱۱۹ |
| ۴) اسم صفتی | ۱ . ۸ | ۱) اسم جنسیت | ۱۱۹ |
| ۵) اسم مرکب | ۱ . ۹ | ۱) اسم اصغر | ۱۲۰ |
| ۶) اسم فعلی ، فاعلیت صفتی | ۱ ۱۳ | ۱۷) اسم و علامت جمع | ۱۲۳ |
| ۷) اسم بدلی | ۱ ۱۳ | ۱۸) فاعل (فاعل جمله) | ۱۳۰ |
| ۸) اسم خاص | ۱ ۱۳ | ۱۹) اسم فاعلی | ۱۳ |
| ۹) اسم عام | ۱ ۱ | ۲۰) مصدر | ۱۳ |
| ۱۰) اسم عام و خاص | ۱ ۱ | ۲۱) اسم مصدری | ۱۰ |
| ۱۱) اسم جمع | ۱ ۱ | ۲۲) اسم مجهولی | |

- اسامی مذکور را می‌توان به شکل زیر بطور خلاصه معرفی کرده و شرح داد :

اسم ساده ، اسمی است که تنها يك جزء دارد و با اسامی دیر و یا با سوندی ترکیب نیافته است. مثال :

یاشار yaşar ، باغ bağ ، آغاج ağac (ağaç) ، حسن Həsən ، داغ dağ ،
 بادام badam ، دده dədə ، ول gül ، داش daş ، یئر yer و ...

اسم ترکیبی ، (اسم سوندی) اسمی است ، که با سوند ترکیب می یابد ؛ یعنی ا ر اسم ساده ای برای بیان مفهومی موجود نباشد ، با ترکیب اسم ساده و سوند می توان اسم جدیدی بوجود آورد و بکار رفت. مثال :

- اسم ترکیبی با يك سوند :

دمیر ی dəmirçi ، اداملیق adamlıq (ادمیت) ، وللوك güllük (لزار) ، یمنلیك çimənlik

(منزار) ، گۆزلوك gözlük (عینک) ، بیل ی bilgi (دانش) ، سئوی ، ...

- اسم ترکیبی با ند سوند :

دمیر یلیك dəmirçilik ، ایش یلیك ، ئۇيان یلیق ، ئۇدار یلیق ، ...

- اسم قیدی ، کلمه قیدی است ، که در جمله در جای اسم بکار رفته می شود :

تئز ، ئىچ ، دونن ، صاباح ، سحر ، بۇون ، بۇون سحر ، ..

دونن هوا ایسی یدی . dünən hava isiydi ، بۇون اخشام هوا سئوقدور ، ...

- کلمات قیدی را می توان بوسیله سوند ليق ، لوك (که با هماهنگی بز) به شکل

اسم جدیدی در آورد و بکار رفت. مثال : تئزلیك ، صاباح ليق ، بۇونلوك ، هفته لیک ،

ایلللیك ، یایلیق ، قیشلیق ، ساعات ليق ، ...

اسم صفتی ، کلمه صفتی است که در جمله بجای اسم بکار رفته می شود. مثال :

قارا ، اۇجا ، یاخشی ، یس :

قارا یاخشی دئیل . من قارا سئومه رم (سئومرم) . او قیرمیزی سئومز .

قارادان وزلی یۇخدور . قارا نه دیر ؟ قارا بۇیاقدیر

- کلمات صفتی را می توان بوسیله حروف سوندی لیک ، لوك ، لوق به اسم جدیدی

تبدیل کرد و بکار رفت. مثال :

- اسم صفتی با يك سوند : یاخشیلیق yaxşılıq ، یسللیك pislik ، گۆزلیك ...

- اسم صفتی با ند سوند : گۆزلیکلر ، یسللیکدن ، یاخشیلیقلار ، ...

اسم فعلی ، فعلی که در جمله بجای اسم نشانده می شود. مثال :

- اسم فعلی با سوند اق : قاق ، قۇناق ، احاق ، یاتاق ، اتاق ، و...

- اسم فعلی (فاعلیت صفتی) با سوند آن ، ان : لمن ، ولن ، قالان ، سالان و...

- اسم فعلی با سوند ، ی و لیک ، لوك :

قاق ی: قاق یلیق ، قۇناق : قۇناق یلیق ، الیشقان : الیشقان یلیق ، و...

اسم مرکب ، کلمه ای است که از ترکیب دو یا چند جزء ساخته می شود. یعنی اگر در زبان کلمه ساده و ترکیبی برای بیان اسمی موجود نباشد ، با ترکیب دو و یا چند کلمه می توان اسم جدیدی بوجود آورد و بکار رفت. مثال :

- از ترکیب دو اسم : واپک گۈلچاڭ ، داغ داش dağdaş ، قۇیونقوزو qoyunquzu ، و...

- از ترکیب صفت و اسم : قارا (قره) باغ ، قاراداغ ، قاراغاج ، اغ یۇلاق ، ساری ول و...

- اسم مرکب با سوند لی ، لو : اغ ساقاللی ، قاراساقاللی ، اۇجا بۇیلو ، و...

اسم مرکب با سوند لی ، لو و علامت جمع :

تورک دیللی لر ، اغ قۇیونلولار ، قارا قۇیونلولار ، قاراساقاللی لار ، و..

- اسم مرکب با صفت همراه ی ملکی (باهماهدی بزر) :

ایاق التی ayaqaltı ، ایاق قابی ayaqqabı ، ایاق ادامی ، ولوستان باغی ، ولباغی ،

اغاج کؤکو ، قۇیون سۇتو ، قۇیون توکو ، و...

- دو اسم همراه علامت جمع با حرف ی ملکی: ایاق اداملاری ، ولوستان باغلاری ، و..

- صفت و اسم با حروف اضافی لی : اغ ساقالی ، ساری توکلو ، قاراساللی ، و...

- اسم با دو کلمه مستقل با علامت جمع : قارا قوشلار ، قۇیون قۇزولار ، مال حیوانلار ، و..

توجه: اگر کلمه مرکب ، با علامت لر ، لار جمع بسته شود ، سوند ملکی به آخر کلمه کشیده شده و

حرف صدادار ان نیز تنها به دو فرم i ، ا صرف می شود. را که آخرین حرف صدادار

سونند جمع حرف a، ə می باشد. مثال :

ایاق التلاری ayaqaltları ، ایاق اداملاری ayaqadamları ، قو بۇرنوزلاری ، قویون توکلری ، و..

- در اسم سازی می توان جای کلمات ترکیب یافته را س و یش کرده و با مفهوم جدیدی بکار رفت. مثال :

- صفت در جلو و اسم در س :

ساری باش sarıbaş ، اغ ساقال ağsaqal ، بۇش بیین boşbeyin ، قارا غز ، و...

- اسم با ی ملکی در جلو و صفت در س :

باشی ساری başısarı ، ساقالی اغ saqalıağ ، بیینی بۇش beyniboş ، قارنی یوغوم ، باشی ینکه ،

باشی اوجا ، بیغی بۇرما ، بۇرکوساری ، و...

- علامت جمع در وسط : سالاری ساری ، بیغلاری بۇرما ، بۇرنوزو آیری ، و...

علامت جمع در آخر : باشی اوجالار ، بیغی بۇرمالار ، و...

- اسم با ترکیب سه کلمه که صفت در یش قرار می یرد :

قاراباش اۇغلان. ساری ساقال کیشی. اغ بیر لک قادین. و...

(صفت در یش همراه لی) : ساری ینکلی ۇل . ساری ولو اغاج . و...

(اسم در جلو) : ینکلی ساری ول ، یارماقلی ساری اغاج ، و...

(اسم مرکب با سونند لیق، لوق) : داغداشلیق ، باغباخ لیق ، قاری قۇجالیق ، و...

- اسم و صفت :

صفت در یش و اسم در س :

بۆیوک اقا Böyükağa ، بالا خانیم Balaxanım ، اۇجاداغ ucadağ ، ائلی خیابان ،

اۇجابوی uçaboy ، ساری ول sarıgül ، قیرمیزی ول qırmızı,gül ، درین قویو ، و...

اسم (با ی ملکی) در یش و صفت در س : باشی ینکه ، اوزو قارا ، ساقالی اغ ، و...

اسم با ترکیب سه کلمه که کلمه صفتی در وسط قرار می یابد :

ساقالی اغ کیشی . باشی ساری قوزو . بیر نه یی اغ قادین.و...

- فعل با اسم ، فعل در پیش ، اسم در س : axar,su ، خارسو ، اولر اوز ، قانماز ادام.و...

- اسم با ترکیب دو فعل با علامت آن ، ان :

لمن مدن ، مدن لمن ، ائشیدن بیلن ، یالان یولان.و...

- فعل و علامت آن در پیش و اسم در س : آسن یئل ، بیشن اش ، قان سرباز ، و...

- اسم فعلی با يك علامت ایب همراه با آن ، ان :

دئییب مدن . الیب اوینایان . لیب مدن . ائشیدیپ بیلن.و...

- فعل در پیش و اسم در س : قان کیشی qaçankişi ، دانیشان قیز danışanqız.و...

- دو اسم همراه شوند ی ملکی :

الما اغاجی alma,ağacı ، انادیلی ana,dili ، داغ یشیی dağ,pişiyi ، ائو ایتی ev,iti ، و...

- اسم مرکبی که با کلمه صفتی و تکرار ضمیر ملکی (به شکل : این ، ی) ساخته

می شود: ائوین قاباغی evimqabağı ، ماشینین یراغی ، دامین اوستو ، ئولون ایسیسی، و...

- اسم با فعل فاعلیت صفتی (با علامت آن ، ان) :

- اسم همراه ی ملکی در پیش و فعل با علامت آن ، ان در س :

ائوی الان ، دؤواری بیخان ، سؤیو ساتان ، دؤزوالان ، و...

(اسم ساده با فعل و بدون علامت ملکی) ائوالان ، دؤوار سالان ، سؤساتان ، ماشین سورن ، و...

- اسم ترکیبی (مجهولی) با فعل و میانوند و اسم : (سات - ایل - ان - ماشین)

ساتیلان ماشین ، سالینان دؤوار ، بیخیلان ائو ، قیریلان ای. و...

- اسم با ترکیب دو فعل و يك اسم همراه میانوند با مفهوم جمله:

بیخیلب تیکیلن ائو ، کسلیب ساتیلان اغاج. و...

- اسم مرکب با ترکیب دو اسم و دو اضافی ملکی (این و ی) :
- تاریخین اثری tarixinələri ، ونون ایشیغی ، اییزین یئلی ، باهارین یاغیشی ...
- اسم مرکب با ترکیب دو اسم و یک اضافی ملکی (ی): تاریخ اثری. ون ایشیغی. اییز یئلی. و...
- اسم مرکب ، اسم در یش و فعل (فاعلیت) در س: ۛنه باخان gənəbaxan ، دویوسوزن و...
- اسم با مصدر ، اسم در یش و مصدر در س :
- قۇلاق اسماق qulaqasmaq ، قۇلاق اسماقدان (یۇرولدوم) ، سۇای مکدن (شیشدیم) ، و...
- اسم مرکب با ترکیبات متضاد :
- اسم مرکب با دو اسم متضاد :
- آر ارواد ərəravad ، قیز اۇغلان qızoğlan ، دۇس دوشمن dosdüşmən ، ننه دده nənədədə ،
- آل ایاق əlayaq ، باش ایاق başayaq ، یئر ۛی yergöy ، دره ته dərətəpə ، دده ننه ،
- قیز اۇغلان ، اۇغلان قیز ، ۛی یئر ، ایت یشیک ، و....
- اسم همراه سوند لیق ، لوق ، لیک : دۇس دوشمانلیق ، ننه دده لیک ، الت اوسلوق ، و...
- اسم مرکب (فعل مرکب) با ترکیب فعل متضاد :
- ال وئر ، لئمت ، یاز ۛز ، ات توت ، یات اۇیان ، و....
- اسم مرکب با فعل متضاد همراه میانوند و سوند ایش :
- لیش ئدیش (امد و رفت) ، الیش وئریش ، یریش ییخیش (دخول و خروج) ،
- ئدیش لیش (رفت و برشت) ، و...
- اسم مرکب با دو صفت متضاد : یس یاخشی ، یاخشی یس ، الماق اۇجا و...
- (با سوند مصدری :) الماق اۇجالیق ، باش اۇجالیق ، قام قارانلیق ، و...
- اسم مرکب مصدری با میانوند ایب ، اوب : لیب ئتمک ، اۇتوروب قالخماق و...
- اسم بدلی ، کلمه ای است که در جمله جای زین اسم می ردد. مثال :
- یاشار پهلوان دیر. (پهلوان به شکل صفت)، پهلوان لیر. (پهلوان اسم بدلی، یاشار می باشد)

- بابک ایستیقلال او ون ساواشدی . او بیزیم ائلیمیزین قهرامانی دیر .

ائلین قهرمانی کیم دیر؟ ائلین قهرمانی بابک دیر.

بیزیم قهرمانیمیزین ادی و اؤنون ازادلیق او ون ساواشلاری ، بیزیم ائلیمیزین خاطره سیندن سیلینمز.

عباس ، علی نین قارداشی دیر.

ا ر ب وئیم علی نین قارداشی لیر. علی نین قارداشی اسم بدلی عباس می باشد.

علی نین قارداشی هلوآن دیر. هلوآن لیر.

- اسامی مختلفی که مفهوم واحدی دارند ، به شکل اسم بدلی نیز محسوب می شوند. مثال :

قادییم ، اروادیم arvadım ، خانیمیم mənim xanımım ، حیاط یولداشیم həyat yoldaşım و...

اسم خاص، کلمه ای است که اسم و شیئی خاصی را با نام خاص خود منعکس می کند :

- اسم خاص ساده : تبریز təbriz ، باکی baki ، تهران tehran ، ایستانبول ، و...

اسامی مذکور اسامی خاصی هستند که تنها مختص خود آنها می باشد .

اسم خاص مرکب ، اسمی است که به شخص و یا شئی خاصی دلالت کند و برای

وینده و شنونده مطلب شناخته شده و مشخص باشد. مثال: (همراه با اضافه ملکی)

أحمدین قادینی hmədin qadını (خانم احمد) ، رسولون ائوی ، لاله نین آری ، حسنین

قارداشی ، یاشارین باجیسی ، حسنین ائوینین قایسی ، اؤنون ائوینین قایسی.

سنین خالانین ائوی . [در محاوره : سنین خالاوین ائوی.]

در جملات مذکور ، حسن ، خانه ، در خانه حسن و .. برای ما مشخص و شناخته شده هستند و

نتیجتاً اسم خاص (خاص بخود) محسوب می شوند.

اسم عام ، کلمه ای است ، که افراد و اشیاء هم نوع را در یک کلمه با مفهوم عام

بیان می کند. مثال : (اسم عام ساده)

قای qapı ، ائو ev ، یول yol ، شهر ، کد (کند) ، داغ ، و...

- در زبان ترکی کلمات مختلف را می توان با سوند لیق ، لوق به اسم مصدری

تبدیل کرد و به شکل زیر با مفهوم اسم عام بکار رفت. مثال :

با اسم : مئشه لیک ، قۇملوق ، داشلیق ، اۇتلوق ، یۇنجالیق ، تۇزلوق ، ...

با صفت : یسلیک ، یاخشلیق ، غزللیک ، اۇجالیق ، قۇخلوق ، ...

با قید : تئزلیک ، ونلوق ، ایلیق ، هفته لیک ، ایللیک ، ...

با عدد : اۇنلوق ، آللیک ، یوزلوق ، ...

- اسم عام را می توان با علامت لر ، لار ، به شکل زیر جمع بسته و بکار رفت :

ادام لار adamlar ، قاپیلار qapılar ، ائولر evlər ، یۇللار yollar ، یۇنجالیق لار ، مئشه لیک لار ،

قۇملوق لار ، داشلیق لار ، اۇتلوق لار ، ...

اسم عام مرکب : (همراه سوند ملکی ی)

ائو قایسی ev qapısı (در خانه)

ائو کیلیدی ev kilidi (کلید خانه)

ائو یشیی ev pişiyi (ربه خانی = اهلی) [یشیک]

ئۇل یشیی çöl pişiyi (ربه وحشی) ، ...

- اسم عام به شکل زیر در جمله بکار رفته می شود :

بۇ ایل ائو قایسی باهادر. بۇ ئۇل - ده ئۇل یشی اۇلماز.

مدرسە اۇشاقلاری تۇ اۇنیایارلار . mədrəsə uşaqları top oynayırlar.

تورکمن آتی وزل دیر. türkmen atı gözəldir . (اسب ترکمن زیبا است .)

- در موارد کمی ضمیر ملکی ی (مثل: اتی) را از اسم مرکب حذف کرده و بجای

ان حروف ملکی این را به آخر کلمه پیوند می زنند . مثال :

تورکمن آتین . türkmen atın [تورکمن اتی] (اسب ترکمن)

آغا یارماغین . ağaç yarpağın [اغاج یارماغی] (بر درخت)

مدرسە اۇشاغین . mədrəsə uşağın [مدرسە اۇشاغی] (ب ه مدرسە)

– اسم عام مرکب به شکل زیر نیز ساخته شده و با لر ، لار جمع بسته می شود :

دره ته لیک (لر) ، داغ داشلیق (لار) ، بارباداملیق (لار) ، اوت علفلیک (لر) ، و...

– اسم خاصی که از دو اسم ترکیب می یابد به شکل زیر با تکرار علامت ملکی (in)

این ، in این) ، اسم دوم را به اسم اولی نسبت می دهد. مثال :

اؤنون ائوین قایسی ، اؤنون اینه یینین سؤتو (اینه یینین) ، اؤنون ماشینین ایناسی ، ماشینین قایسی ،

ماشینین لاماسی ، باجی سینین اری ، قارداشینین قئین اتاسی ، و...

منیم ائویمین قایسی mənim evimin qapısı ، بیزیم ائویمیزین قایسی bizim evimizin qapısı

سنین ائوینین قایسی sənin evinin qapısı ، سیزین ائوینیزین قایسی sizin evinizin qapısı

اؤنون ائوینین قایسی onun evinin qapısı ، اؤنلارین ائولرینین قایسی onların evlərinin qapısı

– توجه شود که اسامی مرکب با مفهوم یک جمله ناقص نیز فهمیده می شوند.

حذف اضافه ملکی از اسم خاص :

در صرف اسم خاص اگر اسمی به اسم دیگری نسبت داده شود، آن اسم بوسیله تکرار ضمیر ملکی به شکل این ، این عملی می شود ؛ ولی در مواردی (بویه در محاوره در رابطه با اشیاء) یکی از این علائم را حذف کرده و آن را تنها یک مرتبه صرف می کنند. مثال :

منیم ائوین قایسی mənim evin qapısı (بجای : منیم ائویمین قایسی)

سنین ائوین قایسی sənin evin qapısı (بجای : سنین ائوینین قایسی)

اؤنون ائوین قایسی onun evin qapısı (بجای : اؤنون ائوینین قایسی)

بیزیم ائوین قایسی bizim evin qapısı (بجای : بیزیم ائویمیزین قایسی)

سیزین ائوین قایسی sizin evin qapısı (بجای : سیزین ائوینیزین قایسی)

اؤنلارین ائوین قایسی onların evin qapısı (اؤنلارین ائولرینین قایسی)

– در موارد کمی (در محاوره در رابطه با اشیاء) هر دو ضمیر ملکی را از اسم

حذف می کنند. مثال: (بجای منیم ائویمین قایسی)

منیم ائو قایسی ، سنین ائو قایسی ، اؤنون ائو قایسی ،
بیزیم ائو قایسی ، سیزین ائو قایسی ، اؤنلارین ائو قایسی (قایلاری).

اسم عام و خاص ،

اسمی است ، که به شکل مفرد بیان می شود ، ولی در معنی عده کثیری از اسم هم نوع را

در خود منعکس می کند. مثال: ادام ، ائو ، قای ، داغ ، داش و...

- اسم عام و خواص با این مفهوم بیان می شود ، که در اطراف ما هزاران یزی موجود است ، که

ادام و ائو در بین آنها برای ما با اسم خاص خود آشنا هستند و در نتیجه اسم خاص محسوب

می شوند ؛ اما ادام و ائو در بین هزاران ادام و ائو دیگر برای ما نامشخص و نا آشنا می باشند ، در

نتیجه آنها با مفهوم عام نیز بکار رفته می شوند ، زیرا منظور از خانه و ادم ، شخص و خانه

خاص و مشخصی بحساب نمی آید.

- اسم عام و خاص را می توان از لحاظ ترکیب ، همانند سایر کلمات در فرمهای ساده ،

ترکیبی و مرکب بکار رفت. مثال :

- اسم عام و خاص ساده : ائو av ، شهر şəhər ، یؤل yol و...

- اسم عام و خاص ترکیبی : باداملیق badamlıq ، اغاجلیق ağacılıq و...

- اسم عام و خاص مرکب : داغ داش dağdaş ، دره ته dərətəpə و...

داغ داشلیق ، دره ته لیک ، مئر مئشه لیک و...

- اسامی عام و خاص با علامت لر ، لار به شکل زیر جمع بسته می شود :

- اسم عام ساده با علامت جمع : ائولر ، داغلار. دؤوارلار. کیتابلار. و..

- اسم ترکیبی با علامت جمع : باداملیقلار، یۇنجالیقلار، خیارلیقلار، ایدینلیقلار ، و...

- اسم مرکب با علامت جمع : داغداشلار ، یر یمن لر ، اؤت علف لیکلر ، و...

- اسم عام و خاص با کلمات سوالی :

- اؤ ائو کیمن دیر ؟ (او : ضمیر مشخص . کیم : ضمیر نامشخص)
- اؤ ائو و قای حسنین دیر . (اؤ ، قای و حسن : کلمه مشخص و خاص)
- حسن کیم دیر ؟ (نامشخص) حسن بۇ ائوین و قاینین صاحبی دیر ؟ (مشخص و خاص)
- هانسی دیر ؟ بۇدور . اؤدور . هارادادیر ؟ بۇرادادیر . اؤرادادیر .
- (کلمه اؤ و بۇ ضمیر شخصی مشخص و کلمه سوالی کیم ، هانسی ضمیر نامشخص و نه ره و هارا قید نامشخص و بۇرا و اؤرا قید مشخص می باشند .)
- اؤ کیمین ائوینین کیلیدی دیر ؟ (اؤ ائوین : ضمیر مشخص است ولی یمین : ضمیر نامشخص)
- جواب : منیم ائویمین کیلیدی mənim evimin kilidi (açağı) (اسم خاص و مشخص)
- سیزین ائوینیزین قادینی sizin evinizin qadını (اسم خاص و مشخص)
- اکبرین ائوینین یشیی . kbərinin evin pişiy. (اسم خاص و مشخص)
- اؤنون ائوینین ایتی onun evinin iti [سه خانه او] (اسم خاص و مشخص)
- در رابطه با کلمات مذکور به سوال و جوابهای زیر نیز توجه کنید :

- اؤ کیم دیر ؟ (اؤ : مشخص . کیم : نامشخص)
- اؤ بۇ ائوین و قاینین صاحبی دیر . (اؤ ائوین صاحبی حسن دیر .)
- بۇ قای نه یین دیر ؟ (بۇ قای : مشخص . نه یین : نامشخص .) بۇ قای ، بۇ ائوین دیر .
- اؤ ؤزل ات ، کیمین دیر ؟ (کیمین : نامشخص) اؤ ؤزل ات ، تورکمنین دیر . (مشخص)
- اؤ تورکمنین آتی ؤزل دیر . o türkmanın atı gözəldir (اسب آن ترکمن زیاست .)
- اؤ ، تورکمنین اتی هانسی دیر ؟ (هانسی : نامشخص) اؤنون اتی ، اؤ ، ؤزل ات دیر . (مشخص)
- اؤ اؤشاقلار کیمین اؤشاقلاری دیرلار ؟ من اؤنلاری تانیمیرام ، امما اؤنلار بۇ مدرسه نین اؤشاقلاریدیرلار .
- بۇ مدرسه نین اؤشاقلاری فۇتبال (فۇتبال) اؤینا ییرلار . bu mədrəsənin uşaqları futbol (futbal) oynayırlar .
- بۇ یارماقلار ، بۇ آغاجین یارماغی دیر (لار) . (یارماقلاریدیرلار) . bu yarpaqlar bu ağacın yarpağıdır .

اسم جمع :

اسم جمع ، کلمه ای است که همانند اسم عام و خاص به شکل اسم ساده و مفرد بیان می شود ، ولی مفهوم و معنی افراد و اشیای زیادی را در خود بیان می کند :

اثل el ، خالق xalq ، تۆلوم tolum ، سورو sürü ، قۇشون qoşun ، ایلخی ilxi ، ناخیر naxır ، کاروان karvan ، مئشه ، قۇشون ، ...

- اسم جمع را می توان بوسیله علامت (لار ، لر) جمع بسته و بکار رفت. مثال :

اثللر ellər ، خالقلار xalqlar ، تۆلوملار tulumlar (اجتماع) ، سورولر sürülər ، قۇشونلار qoşunlar ، کاروانلار karvanlar ، مئشلر ، ...

توجه : با سوند لیق ، لوق (باهماندی بزر) ، می توان اسم مصدری ساخته و با مفهوم اسم جمع و اسم عام بکار رفت. مثال :

قۇملوق ، شۇخوملوق ، مئشه لیک meşəlik ، اۇتلوق ، داشلیق ، یمن لیک ...
سۆزلوک ، داغلیق dağlıq ، قمیشلیک ، کوللوک (مکان خاکستر) ، وللوک (لزار) ...

اسم ذات ، اسمی است که وجودش به اسم دیر وابسته نبوده و مستقل از خواست و فکر کسی موجود می باشد. مثال :

یاشار Yaşar ، تبریز tabriz ، کیتاب kitab ، یئر yer ، ...

اسم معنی ، اسمی است که وجودش بر عکس اسم ذات مستقل نبوده و بر اسم دیر وابسته می باشد. مثال : بیلیم ، علم ، هوش ، فکر (فیکیر) ، ساواد (سواد) ، ...

a) کلمات مذکور مستقل بر ذات خود نیستند ، زیرا که اگر شخصی (اسم ذات) موجود نباشد ، هوش و فکر و یا اندیشه ای .. نیز نمی تواند موجود باشد ، در نتیجه وجود اسم معنی وابسته به اسم

دیر (اسم ذات) می باشد . مثال :

حسن هوشلودور . (کلمه هوشلو در این جمله صفت است.)

هوش ، حسن او ون بیر بؤیوک نعمت دیر . (کلمه هوش در این جمله اسم است . در جمله

مذکور حسن اسم ذات و هوش اسم معنی می باشد. (

b) اسامی هم ون اغاج یاراغی ، قوزو اتی ، اینک سوتو ، اوشاق سسی از دو اسم تشکیل می یابند ،

که اسم اولی مستقل (به شکل اسم ذات) و اسم دومی وابسته به اسم اولی می باشد .

اسم معرفه ، اسمی است ، که برای بیان کننده و شنونده مطلب شناخته شده (معرفی شده) باشد. اگر فردی بدون معرفی شخصی ، بگوید حسن لیر ، با این مفهوم است که وی و شنوند مطلب حسن را می شناسند ، به همین دلیل نیز بیان کننده مطلب ، اسم حسن را بر زبان می آورد ؛ در غیر اینصورت وی می گفت شخصی می آید ، (بیر ادام لیر ، بیر کس لیر ، بیر لیر) و ...

- اگر بگوئیم حسن ولور. ؛ از این جمله نین مفهوم می شود ، که وینده و شنونده کلام با

حسن اشنائی دارند. (یعنی در اصطلاح دستور زبان ، حسن ، اسم معرفه می باشد.)

- اگر اسمی برای وینده مطلب اشنا و برای شنونده نا اشنا باشد ، گفته می شود حسن یولدادر ،

اؤ بۇرا یا لنده سن ایله (له) تانیش ائله یه رم . حسن برای شنونده اسم نکره (نا اشنا) است ، ولی

وقتی حسن به وی معرفی شود ، حسن برای او نیز اسم معرفه می شود.

اسم نکره ، اسمی است که برای وینده و شنونده مطلب نا اشناست. علامت نکره در زبان ترکی کلمه بیر ، شخص ، نفر ، ذاد (ذات) ، شئی می باشد که به شکل زیر صرف می شود :

بیری لیر. بیر نفر لیر. من بیر کیتاب الاغام . بیر ون واریمش ،

بیر ون یوخموش ، تانریدان سؤنرا هئ کیم یوخوموش . و ...

اسم مجرد ، اسمی که قابل لمس و دیده شدن می باشد. مثال :

اغاج ağaç ، ادام adam ، یئر ، ون ، کیتاب ، ول و ...

اسم غیر مجرد ، اسمی است که دیده نشده و لمس نمی شود. مثال :

هوش huş ، فکر (فیکیر) fikir ، عاغیل ، ایده ، سواد [ساواد] ، و ...

اسم جنسیت ، کلمه ای است که جنسیت را در خود منعکس می کند. مثال :

اسم نر (ارکک) ، اسمی که جنسیت نر را در خود بیان می کند. مثال :

اتا ata ، کیشی kişi ، بی b əy ، اوغلان oğlan ، کورکن kür ək ən ، تکه tək ə ، اووز öküz ،
کل k əl ، قو qoç ، تکه ، خروس (خوروس) ، بئە ، اقا ، ارکک ərkək ، و ...

- اسم ماده [دیشی] ، کلمه ای که جنسیت ماده را در خود بیان می کند :

انا ana ، قادین qadın ، بیان bayan ، قیز qız ، لَین gəlin ، اینک inək ،
جامیش camış ، قویون qoyun ، ئی ، تویوق ، فَریک ...

- اسامی جنسیت نیز بوسیله علائم لار ، لر جمع بسته می شوند. مثال :

لَین ، لَینلەر gəlinlər . قادین ، قادینلەر qadınlar . قیز ، قیزلەر qızlar .
اوغلان ، اوغلانلەر oğlanlar ، اینکلەر inəklər ، ئیلەر geçilər ، و ...

- اسم نامشخص و خنثا :

کلماتی امسال ذات ، شعبی و ... برای بیان اسم خنثاء و یا برای نامیدن اسم غیر
مشخص به شکل زیر بکار رفته می شوند :

بۇرادا بیر شعبی یۇخدور . اۇطرفدن بیر ذاد لیر . بۇرادا بیر ذاد وار . بۇرایا بیر شعبی لیر .

اسم اصغر (کوک) :

ا ر سوند ە çə ، چال çal و یا جه ، جا (که باهماهذی کوک صرف
می شود) به اسمی یوند بخورد ، به شکل زیر با مفهوم اسم کوک (اصغر) بیان
می شود. مثال :

کیتاب : کیتاب ۱ kitabça [ی یک کیتاب] ،

باغ : باغ ۱ bağça [ی یک باغ + باخ ۱] ،

دفتر : دفتر ە dəftər [ی یک دفتر] ،

بالا : بالا ۱ balaca [ی یک] ، بالا ۱ بالا بیر قیز

- اسم با علامت اصغر (مثل: بالاجا) با مفهوم زیبا و عزیز نیز بکار رفته می‌شود. مثال:

بالاجا قیزیم balaca qızım [دختر کوچک و زیبای من] ، منیم بالاجا بالام .

- اسم اصغر ، به کلماتی نیز فته می‌شود ، که اسم را از لحاظ سن (توان ، حق و حقوق [نسبتاً] و...) نا بالغ می‌نامد :

اوشاق ، اوغان ، قیز ، قوزو ، قوجوق ، قاجاق ، جوجه ، فريك ، و...
 اوهله اوشاقدیر . اوهله جوجه دیر . اوهله جوجوقدور . اوهله سؤت امر دیر . و...
 توجه : - در مواردی علامت جه ، جا برای کوچک کردن شخصیت انسان نیز بکار-
 رفته می‌شود : الاق : الاقجا ، الاقجاسینا ، انلامازجاسینا ، و...
 حیوان جاسینا ، کلی جه سینه ، سئفح جه سینه ، و...
 - در مواردی حروف جه ، جا با مفهوم تقریباً ، حدوداً نیز بکار رفته می‌شود :
 منیم یاشیم اونجا وار . سن منجه سن . اونون دا بیز جه اولو وار . بونون وزنی اونجادیر .

- علائم مقیاس به شکل اسم :

کلمات مقیاس (مقدار معین و غیر معین) ، کلماتی هستند که برای بیان مقدار مشخص و نا مشخص بکار رفته می‌شوند . (این کلمات به شکل قید عددی و صفت نیز بکار رفته می‌شوند)

- اسم مقدار معین به شکل کلمه ساده :

اون on ، اییرمی iyirmi ، یوز yüz ، مین min ، میلیون milyon و...
 - اسم مقدار معین و مرکب : اون یکی oniki ، یکی یوز ikiyüz ، اون مین onmin ،
 یوز مین yüzmin ، اون میلیون birmilyon ، بیر میلیارد ، و...
 - اسم نامعین ساده : قوخ ، از ، ارتیق ، اسکیک و...
 - اسم نامعین ترکیبی : ساییز ، سایی یوخ ، قوخلارجا ، و...
 - اسم مقدار نامعین ترکیبی و مرکب : قوخلارجا ، سایی قوخ ، سایدان ارتیق ، و...
 (توجه شود که کلمات مذکور در موارد زیادی به شکل صفت و قید نیز بکار گرفته می‌شوند)

- اسم جمع به شکل مقدار معین مقیاس عرض ، طول و وزن :

امروزه در اذربایجان کمیت ، کثرت ، اندازه وزن ، بزرگی ، طول ، عرض ، عمق و قطر و... بوسیله کلماتی که از زبانهای غربی رفته شده اند، بیان می شوند. مثال :

کیلو kilo ، تون (تُن) ton ، متیر metir (متر) ، کیلومتر kilometr ، هیکتار hiktar (هکتار) ، اُون هیکتار ، و...

- توجه شود که مردم اذربایجان مقدار اندازه یری را از ایام قدیم ، با نامهای ارشین ، باتمان ، اندیم ، قریه ، ای ، میسقال و... بیان می کرده اند، ولی امروزه نین وا هائی جای خود را به کلمات غربی (مثل : کیلو ، کیلومتر : بعنوان مقیاسهای بین المللی) می دهد.

اسم مرکب با مفهوم جمله نا کامل :

اسم مرکب ، به شکل جمله ناکامل (بدون فعل و فاعل) نیز فهمیده می شود. مثال :

یاشیل یاراق yaşılyarpaq (بر سر سبز) ، وللو یمن (من راز ل) ،
قارانلیق عجه (شب سیاه و تاریک) ، قاران قۇلوق عجه . و...
بخته ور قیز ، خوش بخت قادین ، اییت اوغلان ، و...

اسم و ضمیر نهانی در کلمه معنی دار و بی معنی :

اسم در مواردی به شکل ضمیر منفصل شخصی (من ، سن ، او ، ...) و در مواردی نیز
(بویه در محاوره) به شکل نهانی در ضمیر متصل شخصی بکار رفته می شود. مثال :
اُو لیر . (او : ضمیر سوم شخص مفرد .)

به به لیر . (اسم سوم شخص مفرد به شکل نهانی در سوند بیان می شود .)

باخ ؤر ، لمن وار می؟ بلی وار. دئ لسین ای ری. (بجای اونا دئ ، اُو لسین ای رییه .)

- اسم در جمله به شکل حروف بی معنی :

هئی ، های (ای اقا : ای مرد . ای زن .) هئی ل. həy gəl (ای اقا ، ای خانم بیا) هاوار

لین (یعنی ای کسی که مرا می شنوی بیا .) ، هارای هارای (کمک ، یار دیم) ، و...

۳) اسم و علائم جمع :

علامت جمع در زبان ترکی، دو سوند لَر lər و لار lar می باشد، که هر کدامی آنها از دو حرف بی صدا و یک حرف صدادار تشکیل می یابد. حرف صدادار علامت جمع با هماهنگی کوک به شکل a, ə صرف می شود. بعبارت دیگر کلمه ای که آخرین حرف صدادار آن با اِهَن بالائی باشد، با سوند لَر و کلمه ای که آخرین حرف صدادار آن با اِهَن ائینی باشد، با علامت لار جمع بسته می شود.

- برای آشنائی هر به بهتر با اصول جمع بستن اسم، جدولهایی در صفحات زیر کشیده شده و در هر کدامی آنها کلماتی درج شده اند، که آخرین حرف صدادار آنها با یکی از ۹ حرف صدادار (ə, i, ö, ü, a, ı, o, u, ə) ساخته شده است؛ لطفاً به جمع بستن کلمات مختلف در جدولهای زیر توجه کنید :

الف) کلماتی که آخرین حرف صدادار آنها با اِهَن بالائی و با یکی از پنج حرف ə, e, ö, ü, i باشد، با سوند لَر lər جمع بسته می شود :

ا) کلماتی که آخرین حرف صدادار آنها با اِهَن بالائی و با حرف ə می باشد :

| فارسی | ترکی | آخرین حرف صدادار کلمه | کلمه جمع | علامت جمع |
|-------|------------|-----------------------|-------------------|-----------|
| دست | اَل əl | ə | اَلَلər əl lər | لَر lər |
| وشت | اَت ət | ə | اَتَلər ət lər | لَر lər |
| الك | اَلْک ələk | ə | اَلْکَلər ələklər | لَر lər |

- به جمع بستن کلمات زیر نیز توجه کنید :

اَلْجَک əc ək (دستکش) : اَلْجَکَلər əlcəklər . اَمَک əmək (زحمت) : اَمَکَلər əməklər

يَک çəçək (ل) : يَکَلər çəçəklər . دَدə də : دَدَلər dədələr . و...و...

(b) کلماتی که آخرین حرف صدادار آنها با اِهَنده بالائی و با حرف e می باشد :

| فارسی | ترکی | آخرین حرف صدادار کلمه | کلمه جمع | علامت جمع |
|-------|------------|-----------------------|------------------|-----------|
| خلق | اَلل ellər | e | اَللر el lər | لر lər |
| ماکت | ماکت paket | e | ماکتلر paket lər | لر lər |
| خانه | اَو ev | e | اَولر evlər | لر lər |

- به جمع بستن کلمات زیر نیز توجه کنید :

یَل yel (باد) . یَئلر yellər . سَئل sel ، سَئلر sellər . دَو dev (دیو) ،

دَولر devlər . یئر ، یئرلر . بَئل ، بَئلر ، ...

توجه : - حرف e یکی از سه حرف صداداری است ، که تنها در بند اول کلمات ترکی اذربایجان بکار رفته می شود.

- ا ر کلمه ای تنها یك حرف صدادار داشته باشد و ان نیز در اول و یا در اخر کلمه قرار

یرد ، ان حرف در قانون هماهنگی ، آخرین حرف صدادار کلمه محسوب می شود و

حرف صدادار سوندها با هماهنگی ان صرف می شوند.

(c) کلماتی که آخرین حرف صدادار آنها با اِهَنده بالائی و با حرف i می باشد :

| فارسی | ترکی | آخرین حرف صدادار کلمه | کلمه جمع | علامت جمع |
|---------|-------------|-----------------------|--------------------|-----------|
| س | اِیت it | i | اِیتلر ip lər | لر lər |
| طَناب | اِی ip | i | اِیلر ip lər | لر lər |
| جوانمرد | اِی یت igit | i | اِی یتلر igitl lər | لر lər |

- به جمع بستن کلمات زیر نیز توجه کنید :

دَنیز deniz دَنیزلر ، پِشیک pişik ، پِشیکلر pişiklər . دِشی dişi (ماده) dişilər دِشیلر .

ای ی ، ای ی لر . یس ، یسلر . بیر ، بیرلر . مین ، مین لر . سیز ، سیزلر

(d) کلماتی که آخرین حرف صدادار آنها با اهذ بالائی و با حرف ö می باشد :

| فارسی | ترکی | آخرین حرف صدادار کلمه | کلمه جمع | علامت جمع |
|--------|------|-----------------------|----------|-----------|
| شم | göz | ö | gözlər | لر |
| حرف | söz | ö | sözlər | لر |
| وب خرد | çöp | ö | çöplər | لر |

- به جمع بستن کلمات زیر نیز توجه کنید :

دۆرت dört ، دۆرتلر dörtlər . گۆل göl (دریا) ، گۆللر göllər . بۆرک bürk (کلاه) ،
börklər بۆرکلر . کۆک ، کۆکلر . دۆش ، دۆشلر

توجه: حرف ö یکی از سه حرف صداداری است ، که تنها در بند اول کلمات ترکی بکار رفته می شود.

(i) کلماتی که آخرین حرف صدادار آنها با اهذ بالائی و با حرف ü می باشد :

| فارسی | ترکی | آخرین حرف صدادار کلمه | کلمه جمع | علامت جمع |
|-------|--------|-----------------------|-----------|-----------|
| ُل | göl | ü | göllər | لر |
| بلبل | bülbül | ü | bülbüllər | لر |
| اتو | ütü | ü | ütülər | لر |

- به جمع بستن کلمات زیر نیز توجه کنید :

- او üç (سه) ، üçlər او لر . اوست üst (بالا ، روی) ، üstlər اوست لر .

دوز düz ، düzlər دوزلر ، یوز ، یوزلر . سۆز ، سۆزلر ، ...

توجه : هر کلمه ای که با علامت لر ، لار جمع بسته شود ، اسم محسوب می شود.

ب) کلماتی که آخرین حرف صدادار آنها با اِهْنِ مائینی و با یکی از چهار حرف (a, ɪ, o, u) باشد، همانند کلمات درج شده در پنج جدول زیر با علامت لار جمع بسته می‌شود:

a) کلماتی که آخرین حرف صدادار آنها با اِهْنِ مائینی و با حرف a می‌باشد:

| فارسی | ترکی | آخرین حرف صدادار کلمه | کلمه جمع | علامت جمع |
|-------|-----------|-----------------------|------------------|-------------|
| مادر | ana انا | a | ana lar انالار | لار lar |
| آدم | adam آدام | a | adam lar آداملار | لار lar « « |
| سَنک | daş داش | a | daş lar داشلار | لار lar |

- به جمع بستن کلمات زیر نیز توجه کنید:

badam بادام ، badamlar باداملار ، bağ باغ ، bağlar باغلار . alma (سیب) ،

almalar المالار . قوْماق (با جرعت) ، قوْماقلار . یماق (کارد) ، یماقلار. ...

b) کلماتی که آخرین حرف صدادار آنها با اِهْنِ مائینی و با حرف ɪ می‌باشد:

| فارسی | ترکی | آخرین حرف صدادار کلمه | کلمه جمع | علامت جمع |
|-------|------------|-----------------------|-------------------|-------------|
| نور | ışık ایشیق | ɪ | ışık lar ایشیقلار | لار lar |
| دختر | qız قیز | ɪ | qız lar قیزلار | لار lar « « |
| خواهر | bacı باجی | ɪ | bacılar باجیلار | لار lar |

- به جمع بستن کلمات زیر نیز توجه کنید:

aşıklar عاشیق ، aşıklar ااشیق (تلخ) ، acılar اچیلار . acılık اچیلیق ،

acılıqlar اچیلیقلار . ایدینلیق ، ایدینلیقلار . یازی ، یازیلار. ...

توجه: اگر کلمه ای تنها یک حرف صدادار داشته باشد و آن نیز در اول و یا در آخر کلمه قرار یابد، آن حرف در قانون

همانند ی آخرین حرف صدادار محسوب شده و حروف صدادار سوندها با همانند ی ان بکار رفته می شود.

(c) کلماتی که آخرین حرف صدادار آنها با اهـ نائینی و با حرف o باشد ، به شکل زیر با سوند لار جمع بسته می شود :

| فارسی | ترکی | آخرین حرف صدادار کلمه | کلمه جمع | علامت جمع |
|-------|---------|-----------------------|----------------|-----------|
| آتش | اؤد od | o | اؤدلار od lar | لار lar |
| راه | یول yol | » » » | یوللار yol lar | لار lar « |
| علف | اوت ot | o | اوتلار otlar | لار lar |

- به جمع بستن کلمات زیر نیز توجه کنید :

توز toz ، تۇزلار tozlar . اۇخ ox (تیر) ، اۇخلار oxlar . تۇخ (سیر) ، تۇخلار.

اۇن ، اۇنلار . دۇن ، دۇنلار

توجه : حرف o یکی از سه حرف صداداری است ، که تنها در بند اول کلمات ترکی اذربایجان بکار رفته می شود.

(d) کلماتی که آخرین حرف صدادار آنها با اهـ نائینی و با حرف u باشد ، به شکل زیر با سوند لار lar جمع بسته می شود :

| فارسی | ترکی | آخرین حرف صدادار کلمه | کلمه جمع | علامت جمع |
|-------|-------------|-----------------------|--------------------|-----------|
| نخود | نۇخود noxud | u | نۇخودلار noxud lar | لار lar |
| نمک | دۇز duz | » » » | دۇزلار duz lar | لار lar « |
| ول | ۇل pul | u | ۇللار pul lar | لار lar |

- به جمع بستن کلمات زیر نیز توجه کنید :

دۇل (بیوه) ، دۇللار dullar . سۇ (اب) ، سۇلار sular . قۇزو ، قۇزولار quzular .
یورد (یورت) ، یوردلار yudlar . اۇن ، اۇنلار

- در زبان ترکی، تمام اسامی ترکیبی و مرکب همانند اسامی ساده بوسیله علائم لری جمع بسته می‌شوند؛ حرف صدادار آن در کلمات مرکب نیز وابسته به آخرین حرف صدادار کلمه آخری می‌باشد. مثال:

- اسم ترکیبی (اسم سوندی) به شکل زیر جمع بسته می‌شود: ə
وللوکلر güllüklər ، یمنلیکلر çəmənlilər (منزارها) ، ؤزلوکلر gözülüklər (عینکها) ،
بیلر bilgilər (دانشها، دانستیها) ، یونچالیق لار yoncalıqlar ، باداملیق لار badamlıqlar ...
- اسم مرکب به شکل زیر جمع بسته می‌شود:

ول یمن لار gülçimənlər . دده ننه لار dədə,nənələr . داغداشلار dağdaşlar . قویونقوزولار qoyunquzular .
ول یکلر . اغاج یارماقلاری

- اسم جمع نیز بوسیله لری، لار به شکل زیر جمع بسته می‌شود:
اسم جمع ساده با سوند: ائل ، ائلر ellər . تؤلوم ، تؤلوملار toplumlər . سورو sürü ،
سورولر sürülər . مئشه ، مئشلر meşələr
اسم جمع مرکب با سوند: داغداشلیقلار ، یر یمنلیکلر ، ول یکلر، ...

- اسامی که از سایر زبانها و بخصوص از زبان عربی رفته شده و در زبان فارسی با اصول زبان عربی جمع بسته می‌شوند، در دستور زبان ترکی همانند اسامی ساده و مرکب به سادگی با علامت لری، لار جمع بسته می‌شوند و نیازی به یادگیری و بکارگیری علائم جمع عربی در این زبان موجود نیست. مثال:

متفق: متفق لر müttəfiqlər [متفقین] ، خالق: خالقلار xalqlar [خالقها] ، مخالف: مخالفلر
moxaleflər ، مخالفتلیکلر moxalifətliklər ، احتیاج: احتیاجلار ehtiyaclar ، احتیات: احتیاتلار ،

اتحادیه لر، جمعیت لر، حیزب لر، عالیم لر، اینسانلار، و...

- بعضی از کلمات فارسی که وارد زبان ترکی شده اند همانند سایر کلمات به شکل زیر

جمع بسته می شوند: دۇسلار، قهوه خانالار، اېوشلار، و...

جمع بستن اسم با اعداد (با تعداد معین):

اسم را می توان بوسیله عدد نیز جمع بست. ۱. ر اسمی با اعداد (شماره) معین جمع بسته

شود، دی ر نیاز به بکار گیری علامت جمع (لار، لر) نمی باشد. مثال:

ای ی ادم ikiadam، اؤن اؤغلان onənc، یوز کیشی yüzgişi، مین قادین...

اؤن یۇلداش، التی کیشی، بئش قادین، او تۇمن ؤل، ایکی کیلو نییر...

- ولی در مواردی اسمی عدد معین را به شکل زیر با علامت لر، لار جمع بسته و

بعنوان عدد تقریبی (ما بین عدد معین و غیر معین) به شکل زیر بکار می گیرند:

اؤنلار، یوزلر، مین لر، میلیونلار، میلیاردلار، مئتیرلر، کیلومئتیرلر، هیکتارلار،

اغاچلار، ارشینلار، مینلر کیلومئتر، اؤنلار هیکتار، یوزلر باتمان، و...

- با کلمات مقدار نامعین: ؤخلار، ازلار، ارتیقلا، و...

عددی با علامت جه به شرح زیر به شکل صفت و قید نیز بکار رفته می شود:

اسم عددی با سوند جه، جا با مفهومی مثل، تقریباً، حدوداً بکار

رفته می شود. مثال: یوزلرجه ادم، یوزلرجه شہر، بینلرجه ادم، بین لرجه اغا،

میلیونلارجا بالیق، میلیونلارجا اؤلدوز، و...

(فاعل :

فاعل کسی یا یزی است که انجام عملی (در جمله) به ان نسبت داده شود. فاعل می‌تواند در جمله به شکل انسان ، حیوان و شیی ظاهر شود. مثال :

- انسان به شکل فاعل : عباس [عباس] لیر. *əbbas gəlir.*

در جمله مذکور عباس کاری را انجام می‌دهد و فاعل می‌باشد.

احمد بۇ ون بۇرایا لیر. (*əhməd bu gün buraya gəlir.*)

احمد کاری را انجام می‌دهد و او فاعل جمله محسوب می‌شود.

- حیوان و حشرات به شکل فاعل: قۇزو اۇشاغی وۇرور. بولبول اۇخۇیور. که نك اۇ ور. قۇیون مله ییر.

- شئی به شکل فاعل : اغاج بۇیویور . *ağaç böyüyür.* (درخت رشد می‌کند.)

ایلدیریم ادامی وۇردۇ. (*ıldırım adamı vurdu(vurdu)*) (برق ادم را زد.)

تیرن بۇ ون لیر. *tiren bu gün gəlir.* (قطار امروز می‌آید.)

در جملات مذکور اغا ، ایلدیریم ، تیرن و قۇزو فاعل هستند.

فاعل در جمله با علائم زیر شناخته می‌شود :

- فاعل در جمله در جواب سوال ه کسی کیم *kim* و یا ه یزی نه *nə* ، نمە *nə m ə* بیان می‌شود. مثال :

- جمله به شکل خبر : یاشار بۇ ون لیر . [یاشار امروز می‌آید .]

سوال : کیم بۇ ون لیر ؟ ؟ *kim bu gün gəlir ?* (ه کسی امروز می‌آید؟)

جواب : یاشار بۇ ون لیر. (امروز یاشار [فاعل] می‌آید.)

- بیان مطلب به شکل خبر : اغاج بۇیویور. تیرن *tiren* بۇ ون لیر.

سوال : نه [نمە] بۇیویور ؟ نه (نه مە) بۇ ون لیر؟

جواب : اغاج بۇیویور. [درخت رشد می‌کند.] تیرن بۇ ون لیر.

- بیان مطلب به شکل خبر : قۇ وۇرور. [بره می‌زند.] قۇیون مله ییر. قۇزو امیر

سوال : نه وۇرۇر ؟ نه مَله ییر ؟ نه آمیر ؟ ...

جواب : قۇ وۇرۇر. قۇیون مَله ییر ، قۇزو آمیر.

- فاعل می‌تواند در جمله به شکل مفرد ، جمع ، عام ، خاص ، ساده و مرکب و یا به شکل ضمیر بکار رفته شود. مثال :

۱) فاعل به شکل اسم ساده و مفرد : کریم لیر. (کریم اسم مفرد و خاص و معرفه است.)

۲) فاعل به شکل اسم مرکب : علی رضا لیر. (علی رضا اسم مرکب و خاص و معرفه می‌باشد.)

۳) فاعل به شکل ضمیر مفرد : او بۇ ون مَله جک.

بیان فاعل با فعل کامل و یا با فعل نا کامل :

- بیان فاعل در جمله بوسیله فعل کامل :

تئرئن ساعت ۸ ده ملدی. (قطار در سر ساعت ۸ آمد.)

در جمله مذکور کلمه ملدی ، ترکیبی از ریشه فعل همراه با ضمیر متصل سوم شخصی مفرد و

علامت زمان گذشته (دی) می‌باشد. عبارت دیر جمله مذکور با فعل کامل بکار رفته شده و فاعل

نیز بطور مشخص ، کاری را در زمان مشخصی انجام داده است.

- بیان فاعل در ترکیب فعل نا کامل :

۱) جمله تنها با فعل ایملک (سوند صرفی ، بدون علامت دیر ری) بکار رفته شود ،

فعالیت و زمان کار فاعل مشخص و روشن نمی‌شود ، بلکه تنها اسم (فاعل) معرفی

می‌شود. مثال : اونون ادی یاشار دیر. او قیز وۇخ وۇزل و ادبلی دیر.

در دو جمله مذکور ، یاشار و قیز معرفی شده اند ، ولی آنها کاری را انجام نداده اند ، اما

ا ر رسیده شود ، فاعل جملات مذکور که کسانی هستند ؛ در جواب فته می‌شود ، فاعل

جملات مذکور یاشار و قیز می‌باشند.

- اسم و فاعل می‌تواند در جمله به شکل اسم مصدری ، قیدی ، صفتی ظاهر شده و

بکار رفته شود. مثال : فاعل به شکل اسم : حسن لیر .

- فاعل به شکل اسم مصدر : لملک تین دیر. (لملک بجای اسم بکار رفته شده است.)
- فاعل به شکل اسم صفتی : یاخشی، یسدن یاخشی دیر. (یاخشی در جای فاعل نشانده شده است.)
- فاعل به شکل اسم قیدی : زامان تئز بیر. زامان قیسادیر. زامان یوخ ، واخ یوخ ، و...
- فاعل به شکل اسم عددی: اوْنا (ایله) بیر اوْلا ر اوْن بیر. (ده بایک می شود یازده .)

سوند صرفی در جای اسم و فاعل :

ا ر فاعل در جمله مشخص باشد ، در مواردی برای کوتاه و یا برای زیبا کردن جمله ، فاعل را از جمله حذف می کنند و بجای آن ضمیر شخصی و یا سوند صرفی را بکار می گیرند. مثال :

حسن دونن ملدی و اوْ بون ئتدی.

در جمله مذکور حسن بعنوان اسم و فاعل و علامت “ داشته ” به شکل “ دی ” دو مرتبه تکرار شده است ، که یکی از آنها را می توان حذف کرد و به اشکال مختلف زیر در آورد و بکار رفت. مثال :

حسن دونن ملدی و اوْ بون ئتدی .

– از جمله مذکور می توان حرف ربطی (و) را نیز حذف کرد و بجای آن کما بکار رفت. مثال :

حسن دونن ملدی ، اوْ بون ئتدی.

– از جمله مذکور می توان یکی از دو علامت داشته (دی) را حذف کرد و بجای آن سوند ایب را (که فعل اخیری را در خود انعکاس می دهد) به فعل اولی پیوند زد. مثال :

حسن دونن لیب و اوْ بون کئتدی . (در جمله فاعل و علامت داشته از سوند “ دی ” فهمیده می شود.)

از جمله مذکور می توان ضمیر شخصی و حرف ربطی (و) را نیز به شکل زیر حذف کرد :

حسن دونن لیب ، اوْ بون ئددی [ئتدی] .

از جمله مذکور می توان کما را نیز حذف کرد :

حسن دونن لیب اوْ بون ئدی.

فعل ، بعنوان فعل و فاعل جمله :

در مواردی در محاوره ، ا ر فاعل برای طرفین صحبت کنند مشخص و آشنا (اسم معرفه) باشد ، اسم ان را از جمله حذف می کنند. مثال :

- جمله خبری : حسن منه دئمیشدی کی ، او بۇ ون بۇرایا لکه جک ، امما او لکه دی .

جواب : عجله ائله ، لمر . (بجای ، سن حوصله ائيله ، او لمر .)

در جمله حوصله ائيله ، لمر ، اثری از فاعل و ضمیر وی نیست ، ولی ان در

ترکیب کلمه لمر galər به شکل نهانی بیان شده است.

سوال : سن نئجه سن ؟ (حال تو طور است ؟)

جواب : یاخشی یام ، ساغ اول [بجای من یاخشی یام، سن ساغ اول]. دو کلمه یاخشی یام، ساغ اول

بدون ضمیر شخصی بکار رفته شده و فاعل به شکل نهانی در صرف فعل ایمک بیان می شود.

- تعارف : بۇیرون بیر می ای یین ! (بجای: سیز بۇیورونوز [بۇرایا ، ائوه [بیر می ای یینیز.)

جواب و تشکر : ساغ اولون ، اغزینیز شیرین اولسون ، واخ یوخ ، رک ئدم . (بجای: سیز ساغ

اولونوز، سیزین اغزینیز شیرین اولسون ، منیم واختیم یۇخدور؛ من رک ئدم .)

- جمله خبری : حسن دونن بیزه ملدی ، بۇ ون دورب ئتدی.

جواب به شکل زیر با حذف اسم بیان می شود :

ای بابا !! او ائله که ن ایلده لیب ایکی ون قالدی ، دئدی ئدیرم ؛ بیزنه قدر یالواردیق کی

بابا بۇجور اولماز ، بیر ایکی هفته قال ، سۇنرا ئت ، حُکمن دئدی یۇ یۇ اولماز ، ائله

بیرئله بس دیر ؛ ائله بۇجور دۇروب شیطان اتینا مینیب ، شئی شویون ییغیب باغلادی و

بیزی ده باخاباخا قویوب ، خدا حافظ له شدی و ییخیب ئتدی.

- در رابطه با حذف فاعل و بیان ان بوسیله فعل ایمک ، به شعر زیر توجه کنید :

صمد وورغون : ییخیلیب یانینا اولمک ایسته رم انالیق مهرینی ئرمک ایسته رم

در شعر مذکور، شاعر خودش فاعل است ، ولی وی اسم و ضمیر خود را حذف کرده و بدین سان

ان را در صرف فعل ایمک به شکل ام بکار برده است.

(اسم فاعلی ،

کلمه ای است ، که از ترکیب اسم و علامت (سوند فاعلی) ی ساخته شده و فاعلیت شغلی شخص را در خود انعکاس می دهد.

علامت اسم فاعلی (ی ı) از ترکیب یک حرف بی صدا (ғ) و یک حرف صدadar (i) تشکیل می یابد و حرف بی صدای ان () در مواردی در بین دو حرف صدadar به شکل حرف ج صرف می شود و حرف صدadar ان نیز با هماهنگی بزر به شکل i , ı , ü , u بکار رفته می شود. برای مثال در جدول زیر به طریقه ساختن اسامی مختلف مصدری توجه کنید :

| اسم فارسی | اسم ترکی | اسم فاعلی فارسی | اسم فاعلی ترکی |
|-----------|----------|-----------------|----------------|
| کار | ایش | ایش | işçi |
| آهن | دمیر | آهن | dəmirçi |
| نوشته | یازی | یازی | yazıçı(cı) |
| بیابا | قۇل | قۇل و | çölçü |
| قایق | قایق | قایق ران | qayıqçı(cı) |
| در | قای | دربان | qapıçı(cı) |
| کشتی | گمی | کشتی ران | gəmiçi(cı) |
| راه | یول | راه بان | yolçu |
| سر | باش | سردار | başçı |

- اسم فاعلی در جمله ، به شکل زیر بکار رفته می شود :

من کار ر هستم . (من کار رم .) من ایش ی یم .
mən işçiyəm.

من ایش ییم و بۇرادا ایشله ییرم . (ایشلیرم)
 mən işçiyəm və burada işləyirəm .

من ایش ی اۇلاراق بۇرادا ایشله ییرم . (ایشلیرم)
 mən işçi olaraq burada işləyirəm .

من اؤیرنجیم . (شا یردم ، من دانشجو بام .)
 mən şagirdəm (öyrənciyəm).

من اؤیرنجی اۇلاراق بیر ایل دیرکی، بۇرادا یاشاییرام (من شا یردم و بیر ایلدیر کی

بۇرادا یاشاییرام) . [یاشیرام] .
 mən şagird (öyrənci) olaraq, bir ildir ki burada yaşayıram .

اسم فاعلی همانند سایر کلمات با فعل ایملک برای اول و دوم شخص مفرد با
 هماهنگی کوک و برای سایر ضمائر شخصی با هماهنگی بزر صرف می شود :

| اسم | سبد ی | دمیر ی | قایق ی | سوروجو (و) | قۇروخ و، محافظ |
|--------|-------------|--------------|---------------|--------------|----------------|
| من | سبد ی یم | دمیر ی یم | قایق ی یم | سوروجویم | قۇروخ و یم |
| سن | سبد ی سن | دمیر ی سن | قایق ی سان | سوروجوسن | قۇروخ و سان |
| اؤ | سبد ی دیر | دمیر ی دیر | قایق ی دیر | سوروجودور | قۇروخ و دور |
| بیز | سبد ی ییک | دمیر ی ییک | قایق ی ییک | سوروجویوک | قۇروخ و یوق |
| سینز | سبد ی سینیز | دمیر ی سینیز | قایق ی سینیز | سوروجوسونوز | قۇروخ و سونوز |
| اۇنلار | سبد ی دیرلر | دمیر ی دیرلر | قایق ی دیرلار | سوروجودورلر | قۇروخ و دورلار |

توجه : در موارد کمی، حرف در بین دو حرف صدا دار به شکل ج تلفظ می شود . مثال :

سوروجو ، قایقچی (قایق ی) و ...

- اسم فاعلی با سوند لر ، لار به شکل زیر جمع بسته می شود :

دمیر یلر ، ایش یلر ، باخچی لار ، یازی یلار ، قوش ولار ، اؤغ ولار و ...

- اسم فاعلی بوسیله عدد معین نیز به شکل زیر جمع بسته می شود :

ای ی دمیر ی ، اؤن ایش ی ، یوز یازی ی ، یوز اؤغ و ، و ...

(مصدر،

مصدر کلمه ای است ، که از دو بخش تشکیل می یابد ، بخش اول آن را ریشه مصدر (ریشه فعل) و قسمت آخری آن را سوند مصدری (علامت مصدری) می نامیم.

در زبان ترکی اذربایجان علامت مصدری سوند ماک $mək$ و ماق maq می باشد.

سوند ماق maq به افعالی (ریشه مصدرهائی) پیوند می خورد ، که آخرین حرف صدادر

انها با اهند آئینی و با یکی از چهار حرف a, i, o, u می باشد ؛ سوند ماک $mək$

به افعالی پیوند می خورد ، که آخرین حرف صدادر آنها با اهند بالائی و با یکی از پنج

حرف $ü, ö, ı, e, ə$ می باشد. مثال :

یک (ریشه مصدر و یا فعلی که آخرین حرف صدادر آن با آهند بالائی و با یکی از

پنج حرف $ə, e, i, ö, ü$ باشد ، به شکل زیر با سوند ماک $mək$ به کلمه

مصدری تبدیل می ردد :

| ریشه مصدر (ریشه فعل و یا فعل ساده) | | | | | سوند مصدری |
|------------------------------------|-----|-----|-----|-----|------------|
| $g ə l$ | get | iç | döz | düş | $m ə k$ مك |
| $ə l ə$ | ye | din | söy | göl | $m ə k$ مك |

- لطفاً به طریقه ساختن مصدرهای زیر نیز توجه کنید :

$ə$ (ریشه مصدر و یا فعلی ، که آخرین حرف صدادر آن $ə$ می باشد :

لمک $g ə l, m ə k$ ، دلمک $d ə l, m ə k$ ، آله مک ، سَمک ، سَرمک و...

e (ریشه مصدر و یا فعلی ، که آخرین حرف صدادر آن e می باشد :

ائتمک $e t, m ə k$ ، یتمک $y e, m ə k$ ، دئتمک ، ئتمک ، وئتمک ، سئتمک ، دئشمک و...

i (ریشه مصدر و یا فعلی ، که آخرین حرف صدادر آن i می باشد :

ای مک $i ç, m ə k$ ، بیتمک $b i t, m ə k$ ، ییلمک ، سیلمک ، دینمک ، بیشمک و..

ö (ریشه مصدر و یا فعلی ، که آخرین حرف صدادار آن ö می باشد :
 اؤمک öp,m ək ، دؤنمک dön,m ək ، اؤرمک ، اؤتمک ، سؤنمک ...
 ü (ریشه مصدر و یا فعلی ، که آخرین حرف صدادار آن ü می باشد :
 دوزمک düz,m ək ، دوشمک düş,m ək ، ولمک ، سورمک ، اوشومک ، سوزمک ...
 - مصدر در جمله به شکل زیر بکار رفته می شود :

صمد وورغون : ییخیلیب یانینا اؤلمک ایسته رم انالیق مهرینی اؤرمک ایسته رم
 - در رابطه با مصدر به شعر زیر نیز توجه کنید :

هیدجی : بیل حقى مصدر کیمی اصل کلام عافم حقین کلماتی تمام
 مصدر و مشتق ده یۇخ فرق یۇخ مصدر ا ر اؤلما یا ، مشتق یۇخ
 دو) ریشه مصدر و یا فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهـنـد ـائـینی و با یکی از
 چهار حرف a,ı,o,u باشد ، به شکل زیر با سوند ماq maq به مصدر
 تبدیل می شود :

| ریشه افعال (ریشه مصدر) | | | | سوند مصدری |
|--------------------------|-----|-----|-----|------------|
| al | yıx | don | dur | ماق maq |

- لطفاً به طریقه ساختن مصدرهای زیر نیز توجه کنید :

a (ریشه مصدر و یا فعلی ، که آخرین حرف صدادار آن a می باشد :
 آماق al,maq ، قالماق qal,maq ، سالماق ، تاماق ، دانماق ، یازماق ...
 ı (ریشه مصدر و یا فعلی ، که آخرین حرف صدادار آن ı می باشد :
 ییغماق yıǵ,maq ، سیخماق sıx,maq ، ییخماق ، قیلماق ، جیرماق ، ...
 o (ریشه مصدر و یا فعلی ، که آخرین حرف صدادار آن o می باشد :
 اؤلماق ol,maq ، دؤلماق dol,maq ، سؤلماق ، دؤنماق ، سؤیماق ، قؤیماق ، ...
 u (ریشه مصدر و یا فعلی ، که آخرین حرف صدادار آن u می باشد :

اۇتماق ut,maq ، تۇتماق tu,tmaq ، بۇلماق ، دۇرماق ، قۇرماق ، ...

- مصدرهائی که آخرین حرف صدا دار ریشه آنها با یکی از چهار حرف a, i, o, u می باشد (مثل : قالماق ، سالماق) در مواردی بویه در محاوره به نادرست به شکل قاتماخ ، سالماخ صرف می کنند ؛ ولی همین مصدرها را در حالت های تصریفی به شکل صحیح مثل قالماغیم ، سالماغیم ، صرف می کنند. با این وصف که حرف بی صدای ضعیفی است ، که در بین دو حرف صدا دار به غ تبدیل می شود ، در صورتی که حرف خ تغییر صدا نمی دهد. برای مثال در جدول زیر به صرف کلمات مختلف (به شکل صحیح و نادرست) توجه کنید :

| اصل ادبی کلمه | نحوه صرف محاوره ای | تغییر حرف در صرف کلمه |
|---------------|--------------------|-----------------------|
| الماق | الماخ | الماغیم |
| ییمخماق | ییمخماخ | ییمخماغیم |
| قۇخماق | قۇخماخ | قۇخماغیم |
| سۇلماق | سۇلماخ | سۇلماغیم |
| دۇرماق | دۇرماخ | دۇرماغیم |
| صحيح | نادرست | صحيح |

| اصل ادبی کلمه | نحوه صرف محاوره ای | تغییر حرف در صرف کلمه |
|---------------|--------------------|-----------------------|
| قالماق | قالماخ | قالماغیم |
| سینماق | سینماخ | سینماغیم |
| اۇخوماق | اۇخوماخ | اۇخوماغیم |
| دۇیماق | دۇیماخ | دۇیماغیم |
| قۇرماق | قۇرماخ | قۇرماغیم |
| صحيح | نادرست | صحيح |

- نانکه ، ملاحظه می شود ، مصدر الماق و الماغیم صحیح و مصدر الماخ نادرست می باشد.

- کلمات مصدری به شکل زیر در حالت های تصریفی صرف می شوند. مثال :

لیمک : منیم لیمه ییم mənīm g əlm əyim ، ولیمک : منیم ولیمه ییم mənīm gül m əyim ، قالماق : سینین قالماغین sənīn qalmağın ، دانیشماق : اۇنۇن دانیشماغی onun danışmağı

مصدر از لحاظ ترکیب :

نان که قبلاً اشاره شد ، مصدر کلمه ای است ، که از دو بخش تشکل می یابد ، قسمت اول آن را ریشه مصدر (ریشه فعل) و قسمت دوم آن را سوند مصدری می نامیم . نین مصدرهائی را در زبان ترکی می توان مصدرهای ساده نامید ؛ را که در این زبان با سوندهای مختلف می توان فعل ترکیبی و مرکب ساخته و با پیوند زدن علامت مصدری آنها را به مصدرهای جدیدی تبدیل کرد و بکار رفت . برای مثال به نمونه هائی از آن توجه کنید :

– ریشه فعلی که با حروف نفی مه همراه شود با سوند “مک” به مصدر نفی تبدیل می گردد:

| | | | | | | |
|----------|--------|--------|-------|--------|--------|------------|
| مک m ə k | düşm ə | dözm ə | içm ə | getm ə | gəlm ə | با سوند مه |
|----------|--------|--------|-------|--------|--------|------------|

لمه مک ، عتمه مک ، ایحه مک ، دؤزمه مک ، دوشمه مک و ...

– در زبان ترکی ، کلمات مختلف (اسم ، صفت ، قید) را می توان با علائم له ، لا به شکل فعل در آورد و با پیوند زدن علامت مصدری آنها را به مصدر جدیدی تبدیل کرد . مثال :

– نحوه ساختن فعل : قار : قارلا . قیر : قیرلا . اؤد : اؤدلا . دؤز : دوزلا . سؤ : سولا . یئر : یئرله . یئل : یئلله . بئل : بئلله بیرم . و ...

– افعال مذکور به شکل زیر به مصدر تبدیل می شوند :

| | | | | | |
|---------|--------|--------|--------|--------|-------------------------|
| ماق maq | duz,la | son,la | qır,la | qar,la | افعال ترکیبی با سوند لا |
|---------|--------|--------|--------|--------|-------------------------|

مصدری که از صفت ساخته می شود : اوجا ، اوجالماق ، اوجالديريلماق ، و ..

ياشیل ، ياشيللاماق ، ياشيللاتماق ، و ...

مصدری که از کلمه قیدی ساخته می شود : عیج ، عیجله مک ، عیجله نمک . و ...

مصدری که با قید عددی ساخته می شود : بیر ، بیرله مک ، بیرله شمک ، بیرله شیلیمک ،

بیرله شدیرمک ، ...

- مصدرهائی که با ترکیب دو فعل با یک میانوند همراه سوند مصدری ساخته

می شوند. مثال : وله ییلمک ، ییخیلیلمک ، قاییلیلمک ، سالاییلمک ، ...

مصدر مرکبی که با دو مصدر ساخته می شود :

لمک ییلمک ، یئمک ییلمک ، اؤخوماق ییلمک ، ..

- مصدر مرکبی که با ترکیب دو فعل همراه یک میانوند ایب و سوند مصدری ساخته

می شود : ییخیب دوشمک ، لیب ئتمک ، دوروب اؤتورماق ، ...

۷) اسم مصدری :

اسم مصدری به کلمه ای فته می شود ، که به آخر آن حروف اضافی و سوندی لیق ، لیک ، لوق ، یوند بخورد.

سوندهای مذکور را می توان به کلمات مختلف (مثال : اسم ، صفت ، قید ، عدد)

یوند زد و انها را به اسم مصدری تبدیل کرد. مثال :

اسم : اداملیق ، قارداشلیق ، ننه لیک ، باجی لیق ، دده لیک ، ...

صفت : یاخشی لیق ، یسلیک ، اؤجالیق ، الاق لیق ، بؤیوکلوک ، ...

قید : هفته لیک ، ایلیق ، تئزلیک ، حله لیک ، صاباحلیق ، ...

عدد : بیرلیک ، یوزلوک ، اؤنلوق ، مین (بین) لیک ، ...

آخرین حرف علائم مصدری دو حرف ضعیف ق و ک می باشد ، که در صرف در

بین دو حرف صدا دار به حرف غ ، ی تغییر شکل می دهند. مثال :

اداملیق : اداملیغیم ، یوزلوک : یوزلویوم ، ...

حرف صدا دار سوند اسم مصدری با هماهنگی بزر به چهار شکل (که دو فرم انها با

حروف صدا دار با هه بالائی و دو فرم دی ر انها با هه نائینی می باشد) صرف می شوند :

کلمه ای که آخرین حرف صدادار آن با *a, i, o, u* باشد، به دو شکل زیر به اسم مصدری تبدیل و با همایه ی *ی* بزرگ صرف می شود :

فرم اول (کلمه ای که آخرین حرف صدادار آن با یکی از دو حرف *a, i* می باشد :

| اسامی مصدری با <i>sondu</i> <i>luq</i> | | کلمات ساده | | |
|--|-----------|------------|------------------------|---------|
| ترکی | فارسی | نام کلمه | ترکی | فارسی |
| بادام لیق <i>badam, luq</i> | بادام زار | اسم | بادام <i>badam</i> | بادام |
| یاخششی لیق <i>yaxşı, luq</i> | خوبی | صفت | یاخششی <i>yaxşı</i> | خوب |
| یایلیق <i>yay, luq</i> | یایلیق | قید | یای <i>yay</i> | تابستان |
| میلیاردیلیق <i>milyardlıq</i> | میلیاردی | عدد | میلیارد <i>milyard</i> | میلیارد |
| وارلیق <i>varlıq</i> | هستی | فعل | وار <i>var</i> | هست |

فرم دوم (کلمه ای که آخرین حرف صدادار آن با یکی از دو حرف *o, u* می باشد :

| اسامی مصدری با <i>sondu</i> <i>luq</i> | | کلمات ساده | |
|--|-----------|--------------------|-------|
| ترکی | فارسی | ترکی | فارسی |
| یوخلوق <i>yox, luq</i> | نیستی | یوخ <i>yox</i> | نیست |
| قۇم لوق <i>qum, luq</i> | شن زار | قۇم <i>qum</i> | شن |
| قۇھوملوق <i>qohum, luq</i> | خویشاوندی | قۇھوم <i>qohum</i> | خویش |
| قۇللوق <i>qulluq</i> | بندی | قۇل <i>qul</i> | بنده |
| اۇنلوق <i>onluq</i> | ده تومنی | اۇن <i>on</i> | ده |

- کلمه ای که آخرین حرف صدادار آن با اِهَن بالائی و با یکی از پنج حرف صدادار $\ddot{u}, \ddot{o}, i, e, \text{}$ باشد، به دو شکل زیر به اسم مصدری تبدیل می‌شود:

يک فرم) کلمه ای که آخرین حرف صدادار آن با یکی از سه حرف \ddot{a}, e, i می‌باشد:

| اسم مصدری با سوند lik | | اسم ساده | |
|-----------------------|---------------|----------------|--------|
| ترکی | فارسی | ترکی | فارسی |
| يمن ليک çimən, lik | من زار | يمن çimən | من |
| اَکينِ ليک əkinçilik | کشاورزی | اَکينِ çikinçi | کشاورز |
| ايشِ ليک işçi, lik | کار ر | ايشِ işçi | کار ر |
| بيدِ ليک bilgilik | دانشوری | بيدِ bilgi | دانش |
| يسليک pis, lik | بدی | يس pis | بد |
| اَللي ليک əlilik | نجاهی [تومنی] | اَللي əli | نجاه |

دو فرم) کلمه ای که آخرین حرف صدادار آن با یکی از دو حرف \ddot{u}, \ddot{o} می‌باشد:

| | | | |
|-----------------|----------|---------|-------|
| ترکی | فارسی | ترکی | فارسی |
| اؤنلوك ön, lük | یش بند | اؤن ön | یش |
| سؤزلوك söz, lük | لغت نامه | سؤز söz | حرف |
| دوزلوك düz, lük | راستی | دوز düz | راست |
| وللوك gül, lük | لزار | ول gül | لُل |
| يوزلوك yüzlük | صد تومنی | يوز yüz | صد |

- اسم مصدری به شکل زیر در حالت‌های تصریفی صرف می‌شود:

قۇملوق (شزار) : قۇملوغا ، قۇملوقدا ، قۇملوقدان ، قۇملوغو ، قۇملوغون و...

اسم مصدری در ترکیبات ونا ون زیر نیز بکار رفته می شود :

- با ترکیب دو اسم :

| | |
|--|------------------------------------|
| دۇسدوشمان : دۇسدۇشمانلىق dosduşmanlıq | ننه دده : ننه دده لیک nənədədəlik |
| اؤت علف : اؤت علفلیک otələflik | داغداش : داغداشلیق dağdaşlıq |
| باجی قارداش : باجی قارداشلیق bacıqardaşlıq | ننه بالا : ننه بالالیق nənəbalalıq |

تۆز تورماق ، تۆزتورماقلىق. کت شالوار ، کت شالوارلىق. قيرقوم ، قيرقوملوق. و..

اسم مصدری را می توان همانند سایر کلمات به شکل زیر با علائم لار ، لر جمع

بست و بکار رفت . مثال :

| | |
|---------------------------|------------------------|
| المالىق لار almalıqlar | تىنلىك لر çətinliklər |
| اۆتلوق لار otluqlar | اۆنلۆك لر önlüklər |
| خىيارلىق لار xıyarlıqlar' | مئشە لىكلەر meşəliklər |

يسلىك لر ، قانمامازلىق لار ، ياخشىلىقلار ، اينسانلىق لار ، دۇسلوق لار ،

يۇنجالىق لار ، كوللوكلر ، و...

- كلمه مركب : داغداش لىقلار ، ير يىمىنلىكلر ، تۆزتورماقلىقلار ، و...

- با ترکیب صفت تکراری :

| | |
|--------------------------------|----------------------------------|
| دوم دوز : دوم دوزلوك dümdüzlük | ير يىمن : ير يىمنلىك çarçımənlik |
| ير يىك : ير يىكلىك çirçəklik | بۇم بۇشلوق bomboşluq |

مئرمئشە لىك ، بارباداملىق ، قام قارانلىق ، سئرسئفءحلىك ، و...

- کلماتی که از سایر زبانها وارد زبان ترکی شده اند، همانند کلمات ترکی بوسیله سوند

مصدری (لیک ، لىق ، لوق) ، به اسم مصدری تبدیل شده و با مفهوم جدیدی بکار

رفته می شوند. مثال :

کلمات عربی : انسان insan ، انسانلیق insanlıq . حلال həlal ، حلالیق həlalıq .
 عَمَلَه ، عمله لیک (ایش یلیک). عالیم ، عالیم لیک . اتحادلیق ، عدالت ی لیک.
 اشتراک ی لیک. شراکتلیک. متفیقلیک . عداوتلیک. دین یلیک. امت یلیک.
 ارتجا یلیق . مولالیق . حزب الله یلیق ، شیطانلیق ، شیطان ی لیک ، و...
 کلمات غربی : معتبرلیک . یلومئیرلیک . هئکتارلیق . کمونیست یلیک. ایش یلیک.
 فاشیست یلیک . روفوسور ولوق . و...

– کلمات مذکور به شکل زیر در حالت های تصریفی صرف می شوند. مثال :

منیم اینسانلیغیم ، سنین اینسانلغین ، اؤنون اینسانلیغی ، بیزیم اینسانلیغیمیز ،
 سیزین اینسانلیغینیز ، اؤنلارین اینسانلیقلاری ، و...

– از کلمات فارسی نیز می توان اسم مصدری ساخت . مثال :

دۇس (دوست) ، دۇس دوشمان ، دۇس دوشمانلیق . دۇسدوشمان یلیق
 کار ر یلیک. بیکار یلیق. همکار یلیق . و...

– اسم مصدری را می توان در ترکیبات مختلف زیر نیز بکار رفت :

یاخشیلیق ائتمک (خوبی کردن) ، یۇنجالیق اکمک (یونجه زار کاشتن) ، اینسانلیق
 بیلیمک (طریقه انسانیت) ، اینسانلیق ائتمک ، اینسانلیق انلاماق ، یسلیک ائتمک ،
 سیرتیخلیق ائتمک ، قارداشلیق ائتمک ، اوستونلوك وئرمک ، یسلیک ائتمک ،
 یاخشی لیق ائتمک ، سئفع لیک ائتمک ، اداملیق بیلیمک ، اداملیق قانماق ،
 حیوانلیق ائتمک ، دۇشمانلیق ائتمک ، عداوت لیک ائتمک ، و...

توجه : - کلمات مذکور را می توان جمله ناکامل نیز بحساب آورد.

- کلمات مذکور را می توان به شکل زیر در جای اسم بکار رفت. مثال :

سیرتیخلیق ائتمک هر ادامین ایشی دۇ یل.

بخش چهارم

(۱) ضمیر شخصی و مسائل مختلف در این رابطه :

ضمیر به کلمه ای فته می شود که در جمله جای زین اسم شته و شخص و یا شی مورد نظر را در خود منعکس می کند.

ضمایر شخصی در ترکیب جمله به دو شکل ، یعنی به شکل منفصل (جدا از کلمات دیگر) و متصل (پیوسته در شکل شوند) بکار رفته می شوند :

(الف) ضمایر منفصل شخصی ، ضمیری هستند که به شکل زیر مستقل و جدا از کلمات دیگر بکار رفته می شوند :

| ضمایر منفصل ترکی | فارسی | نام ضمایر شخصی فارسی |
|------------------|-------|----------------------|
| من mən | من | ضمیر اول شخص مفرد |
| سن sən | تو | ضمیر دوم شخص مفرد |
| او o | او | ضمیر سوم شخص مفرد |
| بیز biz | ما | ضمیر اول شخص جمع |
| سیز siz | شما | ضمیر دوم شخص جمع |
| اونلار onlar | انها | ضمیر سوم شخص جمع |

در رابطه با ضمایر منفصل شخصی به مطالب زیر توجه کنید :

(a) ضمایر شخصی در زبان ترکی جنسیت (نر ، ماده) نمی شناسد.

(b) ضمایر سوم شخص مفرد و جمع (او ، بُو ، اونلار ، بُونلار) ، ضمایر اشاره ای نیز محسوب می شوند.

(c) ضمیر سوم شخص مفرد و جمع (او ، بُو ، اونلار ، بُونلار) در رابطه با حیوانات و اشیاء نیز بکار رفته می شود.

(d) ضمیر شخصی و اشاره ای سوم شخص جمع (اونلار onlar ، بُونلار) کلمات مرکبی هستند ، که به

شکل زیر از سه بخش تشکیل می‌یابند ، اما آنها دو سیلابی هجی می‌شوند. مثال :

- تجزیه کلمه **اؤنلار** : (۱) اؤ: ضمیر شخصی ، (۲) ن : حرف اضافی ، (۳) لار: علامت جمع

- هجی کلمه **اؤنلار** : (۱) اؤن (۲) لار

(k) کلمه **اؤنلار** ، **بؤنلار** ، در محاوره به شکل **اؤلار** و **بؤلار** نیز بیان می‌شوند.

(m) ضمیر اول شخص مفرد در زبان ترکی بن **bən** می‌باشد ، که امروزه ان به شکل **man**

بیان می‌شود : جمع بن **bən** ، می‌شود **biz** ،

جمع سن **sən** ، می‌شود **siz** و

جمع اؤ **o** ، می‌شود **onlar**

نانکه ملاحظه می‌شود ، اولین حرف ضمائر شخصی مفرد و جمع به یک شکل (**sən** ، **biz** ، **bən**) ،

onlar ، **o + siz**) بکار رفته می‌شوند ، در صورتی که اولین حرف کلمه **man** با کلمه **biz**

هم شکل نمی‌باشد و **man** را نمی‌توان به شکل **miz** جمع بست.

کلمه بن **bən** امروزه در ترکی اذربایجان به شکل **mən** صرف می‌شود ، نتیجتاً در این کتاب نیز به

شکل **man** بکار رفته می‌شود.

(n) در کتب و اشعار قدیمی (همانند ترکی استانبولی) ضمیر اول شخص مفرد را به شکل **bən** بن نیز بکار

برده اند. برای مثال به شعری از خلیلی توجه کنید :

نیته کیم عشقینده بن فریاد و افغان ائيله رم مرغ جانی هر سحر شوقيله نالان ائيله رم

(z) در صرف افعال ، ضمیر شخصی در جمله به دو فرم (به شکل منفصل و متصل) تکرار می‌شود. مثال :

من لیرم . من ئدییرم . ولورم

در جمله **من لیرم** ، ضمیر شخصی یک بار به شکل ضمیر منفصل (**من**) و یک بار **دی ر** به

شکل ضمیر متصل (صرف فعل **ایمک** : **ام**) بکار رفته می‌شود.

- در مواردی سوند صرفی (**دیر**) را از سوم شخص مفرد و جمع حذف می‌کنند. مثال :

اؤ لیردیر ، به شکل **اؤ لیر** و **اؤنلار لیردیرلر** ، به شکل **اؤنلار لیرلر** صرف می‌شود.

۲) ضمائر متصل شخصی :

ضمائر متصل شخصی کلماتی هستند، که از صرف فعل (ریشه مصدر) ایمک بوجود می‌آیند و به شکل سوند صرفی به کلمات مختلف پیوند می‌خورند. عبارت دی ر مصدر ایمک از دو بخش (سیلاب) ترکیب می‌یابد، که بخش اول آن حرف صدادار i (که در صرف به شکل ضمیر متصل شخصی در می‌آیند) و بخش دوم آن سوند مصدری (mək) می‌باشد.

- مصدر ایمک برعکس سایر مصدرها، به شکل مصدر بکار رفته نمی‌شود، بلکه ریشه آن به شکل ام، سن، دیر (هستم، هستی) و گذشته آن به شکل دی، ایمیش (بودم، بودی) و... برای ضمائر شخصی صرف می‌شود. سوند صرفی فعل ایمک (مثل: ام، سن، ایک) در مباحث مختلف این کتاب با نامهای مختلف (ریشه مصدر ایمک، ریشه فعل، سوند صرفی و ضمیر متصل شخصی) بکار رفته می‌شود:

در جدول زیر فعل ایمک (سوند صرفی) به تنهایی به شکل ضمیر متصل و همانا با ضمیر منفصل صرف می‌شود، لطفاً به آنها توجه کنید:

| فارسی | | ترکی | | | |
|------------|--|---------------------------------------|--|----------------|-----------------|
| صرف ضمائر | | صرف ضمیر منفصل و متصل برای ضمائر شخصی | | ضمیر منفصل | ضمیر متصل شخصی |
| من هستم | | منم ، mən , əm | | من ، mən | ام ، əm |
| تو هستی | | سَن سَن ، sən , sən | | سَن ، sən | سَن ، sən |
| او ست | | اؤ دور ، o , dur | | اؤ ، o | دور ، dur |
| ما هستیم | | بیزیک ، biz , ik | | بیز ، biz | ایک ، ik |
| شما هستید | | سیز سینیز ، siz , siniz | | سیز ، siz | سینیز ، siniz |
| آنها هستند | | اونلار دیر (لار)، odnlar, dır(lar) | | اونلار ، onlar | دیرلار ، dırlar |

- در رابطه با فعل ایمک (ضمیر متصل شخص) به مطالب زیر توجه کنید :

a) ضمیر سوم شخص مفرد (o) و جمع (onlar) با حرف صدادار با اهڤ ائینی ساخته می شود ، نتیجتاً سوند آنها نیز با حروف صدادار با اهڤ ائینی بکار رفته می شوند. مثال :

o , onun , onunku . onlar , onların , onlarınkılar.

b) فعل ایملک ، فعلی است که اسم و موقعیت آن را معرفی و کلمات مختلف جمله را به هم دی ربط می دهد ، ولی عمل و زمان کارِ فاعل را روشن نمی کند. مثال :

یک) او حسن دیر . Həsən dir , o (او حسن است.).

- نانکه ملاحظه می شود کلمات مختلف جمله به کمک سوند صرفی (دیر) ، به هم ربط داده می شوند.

- با وجودی که در جمله مذکور اشاره ای به فاعلیت حسن نشده است ، ولی سوند دیر فاعل بودنِ حسن را نشان می دهد و نتیجتاً حسن فاعل جمله محسوب می شود.

دو) حسن یاخشی ادم دیر . Həsən yaxşı adam dır. [او ادم خوبی است.]

در جمله مذکور حسن فاعل جمله محسوب می شود. از صرف فعل ایملک نین فهمیده می شود ، که بیان کننده جمله از قبل با حسن اشنائی داشته است ، به همین دلیل نیز می تواند به کمک فعل ایملک موقعیت (خوب و بد بودن) حسن را دانسته و معرفی کند. بدین سان فعل ایملک بعنوان فعل ربطی و کمکی بکار رفته می شود.

۳) طریقه صرف کلمات با فعل ایملک :

فعل ایملک در صرف کلمات مختلف به شکل سوند (سوند صرفی ، یا ضمیر متصل شخصی) به آنها پیوند می خورد .

فعل ایملک بعنوان سوند صرفی ، در صرف کلمات تغییر شکل می دهد و به همین دلیل آن را فعل بی قاعد می نامیم. توجه شود که در زبان ترکی ، تنها یک فعل بی قاعده موجود است ، که آن همین فعل ایملک می باشد که به اشکال زیر در صرف ، تغییر شکل می دهد:

a) فعل ایملک بعنوان سوند صرفی در صرف اشکال مختلف فعل تغییر شکل داده و در ترکیبات متفاوت به کار رفته می شود. مثال : له سن ، لمدین ، لمیش (سن ، دین ، میش) ، ...

(b) در صرف فعل ایمک قانون هماهنگی بدرستی بکار رفته نمی‌شود، با این مفهوم که در قانون هماهنگی، حروف صدادار سوندها به یک فرم یعنی با هماهنگی بزر و یا با هماهنگی کو یک بکار رفته می‌شوند، در صورتی که حرف صدادار فعل ایمک (i) در مواردی برای اول و دوم شخص مفرد با هماهنگی کو یک و برای سایر ضمائر شخصی با هماهنگی بزر صرف می‌شود.

(c) در صرف فعل ایمک، حروف بی‌صدا به آن افزوده می‌شود و تغییر شکل می‌دهند. مثال:

ملدی، لسیین، له جک (دی، سین، اجک)، و...

تغییرات فعل ایمک به شرح زیر می‌باشند:

من ام، سن سن، او دؤر، بیز یک، سیز سنیز، اؤنلار دیرلار (ام، سن، دؤر، ایک، سنیز، دیرلار)

- برای آشنائی با طریقه صرف فعل ایمک به جدولهای زیر توجه کنید:

کلمه ای که آخرین حرف صدادار آن با اهنه آئینی و با یکی از چهار حرف صدادار با اهنه آئینی (a, i, o, u) باشد، به شرح زیر با هماهنگی بزر و کو یک بکار رفته می‌شود. مثال: [هماهنگی کو یک به دو شکل صرف می‌شود: (۱) a, e, i, ö, ü = ə، (۲) a, i, o, u = a]

(a) کلمه ای که آخرین حرف صدادار آن با یکی از چهار حرف a, i, o, u باشد، به شکل زیر با هماهنگی کو یک برای اول شخص مفرد صرف می‌شود:

| آخرین حرف صدادار کلمه | سوند صرفی | صرف کلمات مختلف با فعل ایمک |
|-----------------------|-----------|-----------------------------|
| a | am | من یاشارام mən Yaşar,am |
| i | am | من عاشیغام mən aşğ,am |
| o | am | من توخام mən tox,am |
| u | am | من یورقونام mən yorqun,am |

- کلمات زیر نیز همون کلمات جدول مذکور با سوند am صرف می‌شوند:

من یازیرام (am) yazıram، قیریرام، سالیرام، قاندریرام، من اوخویرام

(am) oxuyuram ، دۇلورام ، یۇنورام ، اۇلورام ، سۇلورام ، ...

(b) کلمه ای که آخرین حرف صدادار آن با a, i, o, u هائینی و با یکی از چهار حرف a, i, o, u

باشد ، به شکل زیر با همافزایی کوک برای دوم شخصی مفرد صرف می شود :

[همافزایی بزر به چهار فرم هست: $\ddot{o}, \ddot{u} = \ddot{u}$) ، $e, i = i$ (۳) ، $o, u = u$ (۲) ، $a, i = i$ (۱)]

| صرف کلمات مختلف با فعل ایملک | سوند صرفی | آخرین حرف صدادار کلمه |
|--|-----------|-----------------------|
| سن یاشارسان $s\ddot{a}n\ Yaşar, san$ | san | a |
| سن عاشیقسان $s\ddot{a}n\ aşiq, san$ | san | i |
| سن تۇخسان $s\ddot{a}n\ tox, san$ | san | o |
| سن یۇرقونسان $s\ddot{a}n\ yorqun, san$ | san | u |

– کلمات زیر نیز همون کلمات جدول مذکور با سوند san صرف می شوند :

سن یازیرسان (san) $yazırsan$ ، قازیرسان ، قیریرسان ، سالییرسان ، قاندریرسان ، سن اۇخویورسان

(san) $oxuyursan$ ، دۇلورسان ، یۇنورسان ، اۇلورسان ، سۇلورسان ، اۇتوزورسان ، ...

(c) کلمه ای که آخرین حرف صدادار آن با یکی از چهار حرف a, i, o, u باشد ، به شکل

زیر با همافزایی بزر به دو فرم $dır, dur$ برای سوم شخصی مفرد صرف می شود :

| صرف کلمات مختلف با فعل ایملک | سوند صرفی | آخرین حرف صدادار کلمه |
|-------------------------------|-----------|-----------------------|
| اۇ یاشاردیر $o\ Yaşar, dır$ | dır | a |
| اۇ عاشیقدیر $o\ aşiq, dır$ | dır | i |
| اۇ تۇخدور $o\ tox, dur$ | dur | o |
| اۇ یۇرقوندور $o\ yorqun, dur$ | dur | u |

– کلمات زیر نیز همون کلمات جدول مذکور با دو سوند “ $dır, dır$ ” صرف می شوند :

اؤ قارادیر ، اغدیر ، اتادیر ، داغ دیر ، قارداشدیر ، انادیر ، ات دیر ، قازدیر ، یازیدیر ، قازیدیر ، قیریدیر ، سالیدیر ، قانیدیر ، اؤدور ، اؤتدور ، یؤلدور ، قؤلدور ، دؤلدور ، بؤلدور ، یؤخدور ، دؤلدور ، یؤنوردور ، اؤلدور ، سؤلدور. ...

(d) کلمه ای که آخرین حرف صدادار آن با اهه ائینی و با یکی از چهار حرف a, i, o, u, باشد ، به شکل زیر با هماهنگی بزر به دو فرم iq, uq برای اول شخص جمع صرف می شود :

| صرف کلمات مختلف با فعل ایمک | | سوند صرفی | آخرین حرف صدادار کلمه |
|-----------------------------|------------------------|-----------|-----------------------|
| بیز | ادامیق biz adam iq | iq | a |
| | عاشیق biz aşğ,iq | iq | ı |
| | تؤخوق biz tox,uq | uq | o |
| | یؤرقونوق biz yorqun,uq | uq | u |
| | | | فرمول هماهنگی |
| | | | a , ı = ı |
| | | | فرمول هماهنگی |
| | | | o , u = u |

– کلمات زیر نیز هم ون کلمات جدول مذکور با دو سوند iq, uq صرف می شوند :

یازیریق (iq) yazırıq ، قازیریق ، ساییریق ، ایریق ، الیریق ، قیریریق (iq) qırıq ، ییخیریق ، سیریریق ، قیزیریق ، ییغیریق ، سؤلوروق (uq) suluruq ، قوروروق ، دوروروق (uq) dururuq ، توتوروق ، توخوق ، یوخوق ، خوق ، و ...

توجه : ا. آخرین حرف کلمه همانند اولین حرف سوند صرفی با حرف صدادار باشد ، در صرف بین

انها يك حرف تکمیلی (y) افزوده می شود. مثال :

من انایام ، باجی یام ، خالایام ، قای یام ، قوروخجویام ، و ...

بیز اناییق ، باجی ییق ، خالاییق ، قای ییق ، قوروخ ویوق ، و ..

(e) کلمه ای که آخرین حرف صدادار آن با اهه ائینی و با یکی از چهار حرف a, ı

o,u باشد ، به شکل زیر با همایندی بزرگ به دو فرم برای ضمیر دوم شخص جمع صرف می شود:

| صرف کلمات مختلف با فعل ایمک | | سونند صرفی | آخرین حرف صدادار کلمه |
|---|--|--------------|-----------------------|
| <div style="text-align: right;"> سیز قارداش سینیز siz qardaş,sınız سیز عاشیق سینیز siz aşiq,sınız سیز یورقونسونوز siz yorqun,sunuz سیز توخسونوز siz tox,sunuz </div> | | sınız | a فرمول همایندی |
| | | sınız | ı a , ı = ı |
| | | sunuz | o فرمول همایندی |
| | | sunuz | u o , u = u |

– کلمات زیر نیز همون کلمات جدول مذکور با دو سونند **sınız, sunuz** صرف می شوند :

سیز یازیرسینیز (**sınız**) yazırsınız ، الیرسینیز ، قالیرسینیز ، قیلیرسینیز ، قانیرسینیز ، ییخیرسینیز yixırsınız ، ییغیرسینیز ، یونورسونوز ، اولورسونوز ، یوخسونوز ، سیز اؤخویورسونوز ، ...

(i) کلمه ای که آخرین حرف صدادار آن با یکی از چهار حرف a,ı,o,u باشد ، به شکل زیر با همایندی بزرگ به دو فرم برای سوم شخص جمع صرف می شود :

| صرف کلمات مختلف با فعل ایمک | | سونند صرفی و علامت جمع | آخرین حرف صدادار کلمه |
|--|--|------------------------|-----------------------|
| <div style="text-align: right;"> اؤنلار اغاج دیر(لار) onlar ağac,dır(lar) اؤنلار عاشیق دیر(لار) onlar aşiqdır(lar) اؤنلار توخ دور(لار) onlar tox,dur(lar) اؤنلار یورقون دور(لار) onlar yorqun,dur(lar) </div> | | dırlar | a فرمول همایندی |
| | | dırlar | ı a , ı = ı |
| | | durlar | o فرمول همایندی |
| | | durlar | u o , u = u |

– کلمات زیر نیز همون کلمات جدول مذکور با دو سونند **dır , dur** صرف می شوند :

اؤنلار یازیردیرلار yazırdırlar ، دانیردیرلار ، قیریر(دیر)لار ، سالیر(دیر)لار ، قانیدیریر(دیر)لار ، یوخدورلار ، یوخدورلار ، توخدورلار ، دؤلور(دور)لار ، یونور(دور)لار ، اولور(دور)لار ،

سۆلور(دور)لار ، قۇرور(دور)لار ، دۇرونور(دور)لار ، دورور(دور)لار ، ... و
توجه: کلمات مختلف را می‌توان با علامت لَر ، لار به دو شکل جمع بست و بکار رفت :
علامت جمع در س : اۇخۇيور(دور)لار ، دۇلور(دور)لار ، يۇنور(دور)لار ، اۇلور(دور)لار.
علامت جمع در وسط: اۇنلار اۇخويورلار(دير) ، دۇلورلار(دير) ، يۇنورلار(دير) ، و..

کلمه ای که آخرین حرف صدا دار آن با اهن بالائی و با یکی از نج حرف a,ə, e,ü,i,ö باشد ، به شکل زیر با هماهنگی بزر و کو ك بکار رفته می‌شود :
[هماهنگی کو ك به دو شکل صرف می‌شود : a,i,o,u=a (۲) ، ə,e,i,ö,ü=ə (۱)]

(a) کلمه ای که آخرین حرف صدا دار آن با یکی از نج حرف ə, e, i, ö, ü باشد ، به شکل زیر با هماهنگی کو ك برای اول شخص مفرد صرف می‌شود :

| صرف کلمات مختلف با فعل ايمك | | سوند صرفی | آخرین حرف صدا دار کلمه |
|---|--------------|-----------|---|
| <div>من</div> <div>دده یم</div> <div>man dədəy,əm</div> | ə | ə | <div>فرمول هماهنگی</div> <div>ə, e, i, ö, ü = ə</div> |
| | e | ə | |
| | i | ə | |
| | ö | ə | |
| | ü | ə | |
| من سئلم | man sel,əm | ə | |
| من ای یدم | man igid,əm | ə | |
| من گؤکم | man gök,əm | ə | |
| من اوز ونم | man üzgün,əm | ə | |

– کلمات زیر نیز هم ون کلمات جدول مذکور با سوند əm صرف می‌شوند :
من لمیرم (əm) galirəm ، ئدیرم ، ائدیرم ، ای یرم ، دئییرم ، دینیرم ، اکینچی یم ،
ایشچی یم ، دۇنورم ، دۇزورم ، ئرورم ، ولورم ، اوزورم ، سوزورم ، دوزورم ،
دوشورم ، اوشورم ، بوزورم ، ... و

(b) کلمه ای که آخرین حرف صدا دار آن با یکی از نج حرف ə, e, i, ö, ü باشد ،

به شکل زیر با همایندی کوک برای دوم شخص مفرد صرف می شود :

| آخرین حرف صدادار کلمه | سوند صرفی | صرف کلمات مختلف با فعل ایمک |
|-----------------------|-----------|-----------------------------|
| ə | sən | sən dədə,sən سن دده سن |
| e | sən | sen sel,sən سن سئلسن |
| i | sən | sən igid,sən سن اییدسن |
| ö | sən | sən gök,sən سن گؤکسن |
| ü | sən | sən üzgün,sən سن اوز وئسن |

– کلمات زیر نیز همون کلمات جدول مذکور با سوند sən صرف می شوند :

سن له سن ، عده سن ، بيله سن ، ئره سن ، وله سن ، لیرسن ، عیدرسن ،

سن ئوروسن (sən görürsən) ، اوشویرسن ، ...

(d) کلمه ای که آخرین حرف صدادار آن با یکی از پنج حرف ə, e, i, ö, ü باشد ، به

شکل زیر با همایندی بزر به دو فرم برای سوم شخص مفرد صرف می شود :

| آخرین حرف صدادار کلمه | سوند صرفی | صرف کلمات مختلف با فعل ایمک |
|-----------------------|-----------|-----------------------------|
| ə | dir | o dədə,dir او دده دیر |
| e | dir | o sel,dir او سئلدیر |
| i | dir | o igid,dir او اییددیر |
| ö | dür | o gök,dür او گؤکدور |
| ü | dür | o üzgün,dür او اوز وئدور |

– کلمات زیر نیز همون کلمات جدول مذکور با دو سوند dir , dür صرف می شوند :

او لیردیر ، یازیردیر ، تبدلیر ، عیدردیر ، ولوردور ، او وزدور ، ئزدور ،

سۆزدور ، دۆشدور ، دوزدور ، اوزومدور ، ولدور ، ...

(e) کلمه ای که آخرین حرف صدادار آن با یکی از چهار حرف ə, e, i, ö, ü باشد، به شکل زیر با همایندی بزرگ به دو فرم برای اول شخص جمع صرف می شود:

| صرف کلمات مختلف با فعل ایمک | | سوند صرفی با علامت جمع | آخرین حرف صدادار کلمه |
|-----------------------------|-----------------------|-----------------------------|--------------------------|
| بیز دده ییک | biz dädəy,ik | ik | ə |
| بیز سئلیک | biz sel,ik | ik | e |
| بیز ای یدیک | biz igid,ik | ik | i |
| بیز گۆکوک | biz gök,ük | ük | ö |
| بیز اوز ونوک | biz üzgün,ük | ük | ü |
| | | فرمول همایندی | فرمول همایندی |
| | | $\text{ə, e, i} = \text{i}$ | $\text{ö, ü} = \text{ü}$ |

– کلمات زیر نیز هم ون کلمات جدول مذکور با دو سوند صرف می شوند:

لمیریک ، اکیریک ، بییریک ، آزیریک ، بزیریک ، ائدیریک ، یئیریک ،
سۆنوروک ، غروروک ، دۆزوروک ، سوزوروک ، ...

(i) کلمه ای که آخرین حرف صدادار آن با یکی از پنج حرف ə, e, i, ö, ü باشد، به شکل زیر با همایندی بزرگ به دو فرم برای دوم شخص جمع صرف می شود:

| صرف کلمات مختلف با فعل ایمک | | سوند صرفی | آخرین حرف صدادار کلمه |
|-----------------------------|--------------------------|-----------------------------|--------------------------|
| سیز دده سینیز | siz dädə,siniz | siniz | ə |
| سیز سئلسینیز | siz sel,siniz | siniz | e |
| سیز ای یدسینیز | siz igid,siniz | siniz | i |
| سیز گۆکسونوز | siz gök,sünüz | sünüz | ö |
| سیز اوز ونسونوز | siz üzgün,sünüz | sünüz | ü |
| | | فرمول همایندی | فرمول همایندی |
| | | $\text{ə, e, i} = \text{i}$ | $\text{ö, ü} = \text{ü}$ |

– کلمات زیر نیز هم ون کلمات جدول مذکور با این دو سوند siniz, sünüz صرف می شوند:

سبز له سینیز ، کَره سینیز ، بَله سینیز ، کَله سینیز ، بیلیرسینیز ، دینیرسینیز ، سیلیرسینیز ،
 ژورورسونو، دؤزورسونوز، او ونجو سونوز ، دؤردونجوسونوز ، یوزونجوسونوز ، و...

- کلمه ای که آخرین حرف صدادار آن با یکی از پنج حرف ə, e, i, ö, ü باشد ، به شکل زیر با همایندی بزرگ به دو فرم برای سوم شخص جمع صرف می شود :

| صرف کلمات مختلف با فعل ایملک | | سوند صرفی | آخرین حرف صدادار کلمه |
|---|--|-----------|-----------------------|
| ↓ | | ↓ | ↓ |
| اونلار دده دیر(لر) $\text{onlar dədə, dirlər}$ | | dirlər | ə |
| اونلار سئلیدیر(لر) onlar sel, dirlər | | dirlər | e |
| اونلار اییددیر(لر) $\text{onlar igid, dirlər}$ | | dirlər | i |
| اونلار گؤکدور(لر) onlar gök, dürlər | | dürlər | ö |
| اونلار اوز وندور(لر) $\text{onlar üzgün, dürlər}$ | | dürlər | ü |

- کلمات زیر نیز هم ون کلمات جدول مذکور با دو سوند dir, dür صرف می شوند :

علامت جمع در س :

اونلار لیدیرلر ، ئمیدیر(لر) ، ائدیر(لر) ، اییر(لر) ، دئییر(لر) ، یمن (دیر) لر ،
 ئنور(دور) لر ، ئرور(دور) لر ، ولور(دور) لر ، اؤور(دور) لر ، اوشویور(دور) لر ،
 دؤشور(دور) لر ، دوز(دور) لر ، سوزور(دور) لر ، دوشور(دور) لر ، و...

علامت جمع در یش : اونلار لیر(لر) ، اونلار ئمیدیرلر(دیر) ، اونلار ائدیرلر(دیر) ، و...

توجه: از اینکه علامت جمع لر، لار با همایندی کولک با حرف ə, a صرف می شود ، در نتیجه

سوندهائی که بدنبال آنها با همایندی بزرگ صرف شوند ، تنها با یکی از دو حرف صدادار

ı, i ساخته می شوند. (یعنی به دنبال علامت جمع ، دو حرف ü, u بکار رفت نمی شوند.)

- اکنون برای مثال دیر کلمه سوالی کیم را با فعل ایملک صرف می کنیم . سوند

صرفی نین کلمات نیز برای اول و دوم شخص مفرد با هماهنگی کو ك و برای سایر ضمائر شخصی با هماهنگی بزر صرف می‌شود. مثال :

| | | |
|------------|-------------------|--|
| kim,əm | من کیّم ؟ | فعل ایّمك برای اول و دوم شخص مفرد با هماهنگی کو ك صرف می‌شود : |
| kim,sən | سن کیم سن ؟ | |
| kimdir | اؤ کیمدیر ؟ | فعل ایّمك برای اول شخص و دوم شخص جمع همانند سوم شخص مفرد و جمع با هماهنگی بزر صرف می‌شود . |
| kim,ik | بیز کیمیک ؟ | |
| kim,siniz | سیز کیم سینیز ؟ | |
| kim,dirlər | اؤنلار کیمدیرلر ؟ | |

- کلمه ای که آخرین حرف صدادار آن با هندی - آئینی می‌باشد : (هارادا ؟ درکجا ؟)

| | | |
|---------------|-----------------------|---|
| haraday,am | من هارادایام ؟ | فعل ایّمك برای اول و دوم شخص مفرد با هماهنگی کو ك صرف می‌شود : |
| harada,san | سن هاراداسان ؟ | |
| harada,dır | اؤ هارادادیر ؟ | فعل ایّمك برای اول و دوم شخص جمع همانند سوم شخص مفرد و جمع با هماهنگی بزر صرف می‌شود. |
| haraday,ıq | بیز هاراداییق ؟ | |
| harada,sınız | سیز هاراداسینیز ؟ | |
| harada,dırlar | اؤنلار هارادادیرلار ؟ | |

توجه : کلمه ای که آخرین حرف آن همانند اولین حرف شوند صرفی صدادار باشد ، در صرف به بین آنها

يك حرف تکمیلی y افزوده می‌شود. البته نین تغییراتی در صرف کلمات برای اول شخص

مفرد و جمع بوجود می‌آید ، زیرا اولین حرف شوند صرفی آنها حرف صدادار می‌باشد. مثال :

من هارادایام haraday,am ، من انایام anayam ، من نه یم mən nəṁəyəm ، من بابایام ،

هاراداییق haradayıq ، (محاوره ای : هاراداییق harday,ıq) بیز اناییق anayıq ، بیز اؤراداییق ،

بؤراداییق ، ای ه ریده ییک ، ائشیکده ییک ، اؤلده ییک ، ائوده ییک ، ...

در رابطه با ضمیر متصل شخصی (صرف فعل ایمک) به مطالب مهم زیر نیز توجه کنید :

(a) در صرف کلمات برای سوم شخص مفرد و جمع ، سوند صرفی (دیر ، دور) را می‌توان حذف کرده و بکار رفت. مثال :

- با علامت دیر : اؤ می‌ردیر. اؤ ولوردور. اؤ الیردیر. اؤ سؤلوردور.

- بدون علامت دیر : اؤ می‌ر. اؤ ولور. اؤ الیر. اؤ سؤلور.

- ضمیر سوم شخص جمع با علامت دیرلار ، لاردیر و بدون لار :

با علامت جمع و سوند صرفی : اؤنلار می‌ردیرلر. اؤنلار ولوردورلر.

با علامت جمع و بدون سوند صرفی : اؤنلار می‌رلر. اؤنلار ولورلر. اؤنلار الیرلار.

بدون علامت جمع و سوند صرفی : اؤنلار می‌ر. اؤنلار ولور. اؤنلار الیر.

- نانکه ملاحظه می‌شود ، همه فرمهای مذکور صحیح بوده و درست فهمیده می‌شوند.

(b) فعل ایمک در زبان فارسی معنی بودن را می‌دهد که در زبان ترکی مترادف با ان فعل وار از مصدر وارماق (به مقصد رسیدن) نیز هست ، باوجودی که صرف هر دو فعل (ایمک : ام ، وارماق : وار) در زبان فارسی معنی بودن را می‌دهد ، ولی آنها در زبان ترکی با دو مفهوم متفاوت بکار رفته می‌شوند. مثال :

منم (منم ، من هستم). من حسنم . سنین قارداشین منم . من سنین قارداشینام . من یاشاییرام .

- صرف فعل وار از مصدر وارماق با مفهوم موجود بودن ، یزی داشتن بکار رفته می‌شود :

من وارام . (من هستم . من زنده هستم . من نمرده ام . من هستی دارم .) بؤرادا بیرکیتاب وار . در اینجا یک کتابی موجود است . بؤرادا کیتاب وار .

به شکل سوالی : بؤرادا کیتاب وار [دیر] می ؟ (ایا کتابی در اینجا موجود است ؟) .

(c) ا ر ضمایر شخصی در مقابل کلمات سوالی کیم ، نه قرار یرد ، ضمیر منفصل شخصی در اول جمله قرار می یرد و سس اسم با سوند صرفی (فعل ایمک) صرف

می‌شود ؛ نانکه در مباحث قبلی نیز اشاره شده است ، ضمیر شخصی در جمله دو بار تکرار می‌شود ، یعنی يك مرتبه به شکل ضمیر منفصل (من ، سن) و دفعه دوم به شکل ضمیر متصل (ام ، سن) بکار رفته می‌شود. مثال:

| سوال | جواب |
|---------------------|---|
| سن کیم - سن ؟ | من ، صمدم . məm Səməd,əm. |
| من کیم - ام ؟ | سن ، صمد سن . sən Səməd,səm |
| بۇ کیم - دیر ؟ | بۇ ، حسن دیر . bu Hasəndir. |
| سیز کیم - سینیز ؟ | بیز ، ایش یییک . biz işçiyik. |
| بیز کیم - ایک ؟ | سیز ، تانیش سینیز . siz tanışsınız |
| اونلار کیم - دیرلر | اونلار مدرسه اوشاقلاریدیرلار |
| او نه - دیر ؟ | او ، سۇ دۇر . o sudur. |
| اونلار نه - دیرلر ؟ | اونلار، داواردیر (لار) onlar davardırlar |

توجه :- نانکه ملاحظه می‌شود، سوال جوابهای مذکور همراه ضمیر منفصل و متصل شخصی بکار رفته می‌شوند.

- حرف صدادار سوند صرفی وابسته به آخرین حرف صدادار کلمه ما قبل خود می‌باشد و با هماهنگی آن صرف می‌شود.

(d) ا ر آخرین حرف صدادار کلمه ای با آهنگ بالائی (ə, e, i, ö, ü) باشد ، صرف فعل ایملک ، همشکل با ضمیر دوم شخص مفرد بکار رفته می‌شود. مثال :

سن کیم سن؟ سن نه سن. سن ولورسن. سن ای ییرسن. سن ئدیرسن و...
سن ئک سن ، سن او ونجوسن ، سن دوز ون سن ، و..

- در جملات مذکور سن اولی بعنوان ضمیر منفصل شخصی و سن آخری بعنوان سوند صرفی فعل ایملک (ضمیر متصل دوم شخص مفرد) بکار رفته می‌شود. عبارت دیر در ترکی اذربایجان ، سوند صرفی

دوم شخص مفرد، همشکل با ضمیر دوم شخص منفصل (سن سن تو هستی) بکار رفته می‌شود.
- توجه شود که این دو کلمه در ایام قدیم نیز به شکل سن سن بکار رفته شده است. برای مثال به اشعار زیر توجه کنید. مثال:

کتاب دده قورقود: از ما حسن محمد خانی:

- اوغول سن قیز دیله مزسن، کندونه (کندینه) بیر هامما ایسترمیشسن...

خطای (شاه اسماعیل، اولین شاه سلسله صفویه):

اودی بۇراخان بۇ جانه سن سن، مقصودی وره ن جهانه سن سن.

بیلدیر منه کیم، نه یشه سن سن، القصه بۇرادا نیشه سن سن

عزیز محسنی: سن منیم خلقیمین دیله ی سن، ایسته ی،

اوره ی و ارزولارینین جانلی تجسمی سن

سن منیم شعریم، ماهنیم، ذوقوم، حسسیم و اراق ونشیم سن

یالاش اذر اوغلو: عزیز اذربایجان ای عزه ل دییار انامین مهربان قۇجاغی سن سن

ؤنول طرلانی او وب قۇندوغو اونون ئوخ سودی ی بۇداغی سن سن

سن سن دوشوندو وم، سن سن اندیغیم من بۇ دنیا دا ارخاندیغیم

یتر الیشدیغیم، یتر یاندیغیم شعریمین قلبیمین سوراغی سن سن.

سن بابک یوردوسان اذر تورماغی اصلانلار او یلاغی، یاتاغی سن سن...

توجه: فعل ایمک در زبان ترکی استانبولی برای ضمیر دوم شخص مفرد، به شکل سین صرف

می‌شود و آن از همشکل بودن صرف فعل ایمک با ضمیر دوم شخص مفرد جلو یری

می‌کند، اما در صرف افعال ارزویی امری و... مشکل بوجود می‌آورد.

ضمیر دوم شخص مفرد در زبان ترکی استانبولی به شکل سن sen بکار رفته می‌شود،

ولی آن در صرف مشکلی را ایجاد نمی‌کند.

c) در رابطه با ضمیر متصل شخصی به سوندهای کلمات مختلف در جدولهای

زیر توجه کنید:

- کلماتی که آخرین حرف آنها با اِهْ بالائی می باشد:

| | | |
|--|---|---|
| من : من - ام سن : سن - سن اؤ : اؤ - دور بیز : بیز - یك سیز : سیز - سینیز اؤنلار: اؤنلار - دیرلر | من : اوسته - یم سن : اوسته - سن اؤ : اوسته - دیر بیز : اوسته - ییک سیز : اوسته - سینیز اؤنلار: اوسته - دیرلر | من : ائل - م سن : ائل - سن اؤ : ائل - دیر بیز : ائل - یك سیز : ائل - سینیز اؤنلار: ائل - دیرلر |
|--|---|---|

- کلمه ای که آخرین حرف ان صدادار باشد ، در صرف برای اول شخص مفرد و جمع

يك حرف تکمیلی y بخود می یرد.

| | | |
|--|---|---|
| من : دیری - یم سن : دیری - سن اؤ : دیری - دیر بیز : دیری - یك سیز : دیری - سینیز اؤنلار: دیری - دیرلر | من : ایشه ی - یم سن : ایشه ی - سن اؤ : ایشه ی - دیر بیز : ایشه ی - ییک سیز : ایشه ی - سینیز اؤنلار: ایشه ی - دیرلر | من : ائل ی - یم سن : ائل ی - سن اؤ : ائل ی - دیر بیز : ائل ی - ییک سیز : ائل ی - سینیز اؤنلار: ائل ی - دیرلر |
|--|---|---|

به صرف کلمات زیر با فعل ایملک توجه کنید :

| | | |
|---|---|---|
| من : کؤک - م سن : کؤک - سن اؤ : کؤک - دور بیز : کؤک - وک سیز : کؤک - سونوز اؤنلار: کؤک - دورلر | من : کؤ - م سن : کؤ - سن اؤ : کؤ - دور بیز : کؤ - وک سیز : کؤ - سونوز اؤنلار: کؤ - دورلر | من : اول - م سن : اول - سن اؤ : اول - دور بیز : اول - وک سیز : اول - سونوز اؤنلار: اول - دورلر |
|---|---|---|

- کلماتی که آخرین حرف صدادار آنها با اهـ نائینی باشد ، به شکل زیر با فعل ایمک برای ضمائر شخصی صرف می شود .

| | | |
|------------------------|-------------------------|----------------------|
| من : اوچا - یام | من : ساغدا - یام | من : ساغ - ام |
| سن : اوچا - سان | سن : ساغدا - سان | سن : ساغ - سان |
| اؤ : اوچا - دیر | اؤ : ساغدا - دیر | اؤ : ساغ - دیر |
| بیز : اوچا - ییق | بیز : ساغدا - ییق | بیز : ساغ - ییق |
| سیز : اوچا - سینیز | سیز : ساغدا - سینیز | سیز : ساغ - سینیز |
| اؤنلار : اوچا - دیرلار | اؤنلار : ساغدا - دیرلار | اؤنلا : ساغ - دیرلار |

- کلماتی که آخرین حرف صدادار آنها با اهـ نائینی می باشد :

| | | |
|------------------------|-----------------------|----------------------|
| من : توؤخ - ام | من : یؤخ - ام | من : قؤ - ام |
| سن : توؤخ - سان | سن : یؤخ - سان | سن : قؤ - سان |
| اؤ : توؤخ - دؤر | اؤ : یؤخ - دؤر | اؤ : قؤ - دؤر |
| بیز : توؤخ - وؤق | بیز : یؤخ - وؤق | بیز : قؤ - وؤق |
| سیز : توؤخ - سؤنوز | سیز : یؤخ - سؤنوز | سیز : قؤ - سؤنوز |
| اؤنلار : توؤخ - دؤرلار | اؤنلار : یؤخ - دؤرلار | اؤنلار : قؤ - دؤرلار |

- کلمه ای که آخرین حرف ان صدادار باشد ، در صرف برای اول شخص مفرد و جمع یک حرف تکمیلی y بخود می یرد.

| | | |
|-------------------------|--------------------------|-----------------------------|
| من : بؤشلو - یام | من : دؤزسوز - ام | من : دؤقوزونجو - یام |
| سن : بؤشلو - سان | سن : دؤزسوز - سان | سن : دؤقوزونجو - سان |
| اؤ : بؤشلو - دور | اؤ : دؤزسوز - دؤر | اؤ : دؤقوزونجو - دؤر |
| بیز : بؤشلو - یوق | بیز : دؤزسوز - وؤق | بیز : دؤقوزونجو - یؤق |
| سیز : بؤشلو - سونوز | سیز : دؤزسوز - سؤنوز | سیز : دؤقوزونجو - سؤنوز |
| اؤنلار : بؤشلو - دؤرلار | اؤنلار : دؤزسوز - دؤرلار | اؤنلار : دؤقوزونجو - دؤرلار |

- به صرف کلمات زیر نیز توجه کنید :

| | | |
|---------------------------|------------------------|-------------------------|
| من : عاغیللی - یام | من : اغیر - ام | من : تاجیر - ام |
| سن : عاغیللی - سان | سن : اغیر - سان | سن : تاجیر - سان |
| اؤ : عاغیللی - دیر | اؤ : اغیر - دیر | اؤ : تاجیر - دیر |
| بیز : عاغیللی - ییق | بیز : اغیر - ییق | بیز : تاجیر - ییق |
| سیز : عاغیللی - سینیز | سیز : اغیر - سینیز | سیز : تاجیر - سینیز |
| اؤنلار : عاغیللی - دیرلار | اؤنلار : اغیر - دیرلار | اؤنلار : تاجیر - دیرلار |

(ضمایر نا مشخص شخصی :

ضمایر نا مشخص شخصی کلماتی هستند، که بجای شخص و یا شیئی نا مشخص بکار رفته می‌شوند ؛ بعبارت دیگر ضمیر نا مشخص جای زین اسمی می‌شود ، که برای وینده مطلب مشخص و شناخته نمی‌باشد. برای مثال به دو جمله زیر توجه کنید :

a) اسم مشخص : حسن منیم قارداشیم دیر . او بۇرایا (بۇرا) لیر .

در جمله اول ، حسن اسم مشخص و در جمله دوم او (حسن) ضمیر مشخص می‌باشد.

b) اسم نا مشخص : اۇرادا نه وار ؟ اۇرادا بیر شیئی یۇخدور . اما بۇ طرفده بیر زاد ؤرونور . در جملات مذکور، دو کلمه بیرشی، بیرزاد ، به شکل ضمیر نا مشخص بکار رفته می‌شوند ، زیرا آنها برای وینده جمله نا آشنا و نا مشخص می‌باشند.

- کلمات زیر در زبان ترکی بجای اسم و یا ضمیر نا مشخص شخصی بکار رفته می‌شوند :

بیر ، بیراز ، بیر ئوخ ، بیر ئوخو [ئۇخی] ، بیر شیئی ، بیر زاد ، بیر کس ، هرکس ، هرکیم ، هر ادام ، بیر ادام ، بیر ئئر ، بیر داغ ، بیر نفر ، بیر کس ، بیر ون ، کیم ، نه ، هئ ، هئ شیئی ، ...

هرکس بۇرایا له ییلمز . هر کیم نه سؤیله سه کی ، ادام اۇنو اینانماز .

او طرفده بیر شیئی کؤرونور . بۇ ون بۇرایا کیم له جک ؟

- کلمات سوالی (امثال: کیم ، کیمسه ، نه ، نه ره ، هارا ، نه یئر و...) نیز بجای

ضمایر نا مشخص بکار رفته می‌شوند. مثال :

سوال : یاشار هارادادیر؟ (هرا ، به شکل قید مکانی و یا ضمیر نا مشخص هستند.)

جواب : یاشار بۇرادادیر . (بۇرا ، به شکل قید مکانی و یا ضمیر اشاره ای مشخص می‌باشد.)

او طرفدن بیری بۇرایا لیر. (او ، بۇرایا ، ضمیر مشخص و بیری ضمیر نامشخص می‌باشد.)

بۇرايا بیر شئی لیر. (بیر شئی ، ضمیر نا مشخص و نا مشخص می باشد.)
 او لمن کیم دیر ؟ (کیم ضمیر نا مشخص می باشد.)
 او منه بیر زاد دئدی ، امما من دوشونن مه دیم . (بیر زاد ضمیر نا مشخص می باشد.)
 بۇ طرفده بیر شئی وار. (بیر شئی ضمیر نامشخص می باشد.)
 سن نه ره دن لیرسن ؟ سن هارایا ئدیرسن ؟ (نه ره ، هارا : قید و یا ضمیر نا مشخص می باشد.)

(ضمایر اشاره ای :

ضمایر اشاره ای به کلماتی فته می شوند که جای زین اسم و یا ضمیر در جمله باشند.
 عبارت دیر ا ر ا ر نخواهیم اسم را در جمله تکرار کنیم و به شخص مشخص و یا غیر مشخصی اشاره کنیم ، از ضمیر اشاره ای استفاده می کنیم.
 توجه شود که ضمایر اشاره ای او و اونلار همشکل با ضمایر سوم شخص مفرد و جمع بیان می شوند.

a) ضمایر اشاره ای مفرد ،

کلماتی هستند ، که به شکل کلمه ساده همانند ضمایر مفرد شخصی بکار رفته می شوند و معنی فرد و یا شئی مفرد را بیان می کنند :

| | | | | | |
|------|------|-------------|-------|-----|-------------------|
| بۇ | bu | (این) ، | او | o | (آن ، او) |
| شۇ | şu | (این) ، | شول | şul | (این ، این یکی) |
| بۇرا | bura | (اینجا) ، | اؤرا | ora | (آنجا) |
| شۇرا | şura | (اینجا) ، | اؤیان | | بۇیان ... |

b) ضمایر اشاره ای جمع ،

ضمایری هستند ، که به شکل کلمه ترکیبی با علامت جمع (لر ، لار) بیان می شوند و معنی شخص و یا شئی جمع را در خود بیان می کنند :

بۇنلار bunlar (محاوره ای : بۇلار bular)

اۇنلار onlar (محاوره ای : اۇلار olar)

شۇرالار şuralar (اینجا ها)

بۇرالار buralar (اینها)

اۇرالار oralar (انجاها)

توجه: - ضمیر اشاره ای شوşu ، (این) ، امروزه در زبان ترکی اذربایجان صرف نمی شود ، اما ان در بعضی کتب و اشعار قدیمی (همانند زبان ترکی استانبولی) بکار رفته شده است.

- ضمائر اشاره در رابطه با اشخاص، حیوانات ، حشرات و اشیاء نیز صرف می شود.

(ضمائر انعکاسی و فرمهای مختلف ان :

ضمائر انعکاسی کلماتی هستند ، که در جمله بجای اسم و یا ضمائر شخصی نهاده می شوند و اسم و یا ضمیر شخصی را به شکل منعکسه در خود انعکاس می دهند.

ضمیر انعکاسی در زبان ترکی ، کلمات اؤز öz و کند و بیله با مفهوم خود ، کلمه özge اؤزه با مفهوم بیانه و کلمه باشقا با مفهوم دی ری ، ان یکی ، ان دی ری بکار رفته می شود :

۱- (کلمه انعکاسی اؤز öz (خود ، خودی)، به شرح زیر در جمله صرف می شود :

من اؤز دئدییم دانمارام . اذربایجان بیزیم اؤز اؤلکه میز دیر .

سن منیم اؤز قارداشیم سان . او سنین بالان و اؤز جانین دیر .

- در رابطه با بکار پیری کلمه اؤز ، به اشعار زیر توجه کنید :

فضولی : نامه و قاصد یامیله خوش اؤلماز خاطریم اؤز لبیندن لهجه فتارین ائیلر ارزو ...

مجید صباغ (یالقیز) : خوشدور یئنه صحبت ائله یك اؤز ائلیمیزدن

اؤز اؤلکه میز ، اؤز میلتی میز ، اؤز ائلیمیزدن ...

- کلمه اؤز öz همراه ضمیر منفصل شخصی با سوند ملکی به شکل خاصی بکار رفته می شود و ضمیر شخصی را در خود انعکاس می دهد :

| | |
|-------------------------------|--|
| من اؤزوم mən özüm (من خودم) | بیز اؤزوموز biz özümüz (ما خودمان) |
| سن اؤزون sən özün (تو خودت) | سیز اؤزونوز siz özünüz (شما خودتان) |
| او اؤزو o özü (او خودش) | اونلار اؤزلری onlar özləri (انها خودشان) |

- ضمائر انعکاسی به شکل زیر در جمله بکار رفته می شوند :

من اؤزوم تک باشیما بۇ ایشی ؤردوم. (mən özüm tək başıma bu işi gördüm) گورتاردیم .

سن ده اؤزون بۇ سؤزو ائشیتدین .

- شعر از مجید صباغ ایرانی : اؤزون ئتمیش سوزن سؤزون قالمیش دوشرسن یاده محفل ده

قالان دوستلار دا شعریندن سنین عطرین الار بیر ون

طریقه صرف ضمیر انعکاسی اؤز با فعل ایملک :

a (ضمیر انعکاسی اؤز به شکل زیر بوسیله فعل ایملک (با مفهوم : من خودم هستم ، تو خودت هستی) برای ضمائر شخصی صرف می شود :

| | |
|-------------------------|--|
| من اؤزومم mən özüməm | بیز اؤزوموزوک biz özümüzök |
| سن اؤزون سن sən özünsən | سیز اؤزونوزسونوز siz özünüzsünüz |
| او اؤزو دور o özüdür | اونلار اؤزلریدیر (لر) onlar özləridir(lər) |

سن کیم سن ؟ من اؤزومم . او حسن اؤزودور . بلی او حسن اؤزو دور .

توجه : ضمیر انعکاسی اؤز همانند سایر کلمات برای اول و دوم شخص مفرد با هماهنگی

کوک و برای سایر ضمائر شخصی با هماهنگی بزر صرف می شود.

b (ضمائر انعکاسی مذکور در جنب افعال و کلمات دیگر نیز بکار رفته می شوند. برای

مثال کلمه اؤز را با فعل وار (با مفهوم موجود بودن ، وجود داشتن ، زنده

بودن (در نظر گرفته و برای ضمایر شخصی صرف می کنیم :

| | | | | | | | |
|-------|------------------|--------|------------------|-----|--------------|----|--------------|
| biz | özümüz varıq | بیز | اؤزوموز واریق | mən | özüm varam | من | اؤزوم وارام |
| siz | özünüz varsınız | سیز | اؤزونوز وارسینیز | sən | özün varlsan | سن | اؤزون وارسان |
| onlar | özləri vardırlar | اونلار | اؤزلری واردیرلار | o | özü vardır | او | اؤزو واردیر |

من اؤزوم بۇ ون بۇرادا وارام. من بۇ ون اؤزومده اۇرادا وارام

۲- (ضمیر انعکاسی بیله :

- در بعضی مناطق آذربایجان ، بویه در محاوره ضمیر انعکاسی بیله (خود) را نیز صرف می کنند. ضمیر انعکاسی بیله همراه سوند مخصوص بخود بکار رفته می شود. ضمیر انعکاسی بیله م مفهومی همانند اؤزوم دارد که به شکل زیر ضمایر شخصی را در خود انعکاس می دهد :

| ضمیر انعکاسی بیله | علائم و حروف اضافه ضمایر انعکاسی | کلمات فارسی |
|-------------------|----------------------------------|-------------|
| من بیلَم | با سوند اضافی م m | من خودم |
| سن بیلَن | با سوند اضافی ن n | تو خودت |
| او بیلَسی | با سوند اضافی (۱) سی si | او خودش |
| بیز بیلَمیمز | با سوند اضافی میز miz | ما خودمان |
| سیز بیلَنینز | با سوند اضافی نیز siniz | شما خودتان |
| اونلار بیلَلَری | با سوند اضافی لری ləri | انها خودشان |

- ضمیر انعکاسی بیله به شکل زیر در جمله بکار رفته می شود .

من بیلَم بۇ سوزو سنه دئدیم . (من اؤزوم بۇ سؤزو ، سنه دئدیم .)

سن بۇ سؤزو بیلَه وه دئ . (سن بۇ سؤزو [اؤزووه] اؤزونه دئ .)

سن بۇ سؤزو بیلَه ن بیلَه سینَه دئ . (سن بۇ سؤزو اؤزون اؤزونه دئ)

سن بیلن بۇ سۆزو اۇنون بیلە سینە دئ . (سن اۆزون ، بۇ سۆزو اۇنون اۆزونه دئ)

من بۇسوزو سنین بیلە وه دئدیم . سن مندن دئمه ، بیلن دن دئ ،

سن بۇ سۆزو بیلە وه دئ دا . ای قارداش ، سن بیر بئله بیلە وی شیشیدمه .

ضمایر منفصل شخصی، به شکل زیر همراه ضمیر انعکاسی بیلە بکمک فعل ایملک

برای ضمایر شخصی صرف می شوند : (با مفهوم من خودم هستم .)

| | |
|------------------------------|--|
| من بیلە مم (من اۆزومم) | بیز بیلە میزیک (بیز اۆزوموزوک) |
| سن بیلە ن سن (سن اۆزون سن) | سیز بیلە نیزسیز (سیز اۆزونوزسونوز) |
| اؤ بیلە سی دیر (اؤ اۆزو) | اؤنلار بیلە لری دیر (اؤنلار اۆزله ریدیر) |

بۇرادا حسن کیم دیر ؟ بۇیورون من بیلە مم . بۇ ائوین صاحیبی کیم دیر ؟ اؤ بیلە سی دیر .

۳- (ضمیر انعکاسی کند :

- کلمه کند همراه علامت ملکی این ، ی به شکل زیر ضمایر شخصی را در

خود انعکاس می دهد . من کندیدم ، سن کندین ، اؤ کندی (کندیس) ،

بیز کندیدمیز ، سیز کندینیز ، اؤنلار کندلری .

- کلمه کندیدم ، به شکل زیر با فعل ایملک برای ضمایر شخصی صرف شده و با

مفهوم من خودم هستم بکار رفته می شود :

من کندیدم ، سن کندین سن ، اؤ کندی دیر ،

بیز کندیدمیزیک ، سیز کندینیز سینیز ، اؤنلار کندیلریدیر .

کتاب دده قورقود : از ما حسن محمد خانی :

- اؤغول سن قیز دیله مزسن ، کندونه (کندینه) بیز هامما ایسترمیشسن ...

- (کلمه انعکاسی باشقا : (دیر ، ان یکی ، استثنائی)

- ضمیر انعکاسی باشقا به شکل زیر صرف شده و ضمایر شخصی را در خود منعکس

می‌کند: من باشقایام ، سن باشقاسان ، اؤ باشقادیر
 بیز باشقاییق ، سیز باشقاسینیز ، اؤنلار باشقادیرلار
 - ضمیر انعکاس باشقا همراه حروف اضافی سی به شکل زیر بوسیله فعل ایملک
 برای ضمائر شخصی صرف می‌شود :

من باشقاسی یام ، سن باشقاسی سان ، اؤ باشقاسی دیر
 بیز باشقاسی ییق ، سیز باشقاسی سینیز ، اؤنلار باشقاسی دیرلار

- (ضمیر انعکاسی اؤز ه :

کلمه اؤز ه ، معنی دیر ی و یا بیانه را می‌دهد و به شکل زیر با فعل ایملک
 برای اول شخص و دوم شخص مفرد با هماهنگی کوک و برای سایر ضمائر شخصی با
 هماهنگی برز صرف می‌شود :

| | | | |
|-------------|--------------|------------------|-------------------------|
| man özgəyəm | من اؤز ه یم | biz özgəyik | بیز اؤز ه ییک |
| sən özgəsən | سن اؤز ه سن | siz özgəsiniz | سیز اؤز ه سینیز |
| o özgədir | اؤ اؤز ه دیر | onlar özgədirlər | اؤنلار اؤز ه دیر (لر) |

- کلمه اؤز ه به شکل زیر در جمله بکار رفته می‌شود :

بۇ اقا کیم دیر ؟ من اؤنو تانیمیرام ؛ اؤ منیم تانیشلاریمدان دۇ یل ، اؤ اؤز ه دیر .

اؤ منه تانیش دۇ یل ، اؤ اؤز ه دیر . اؤ بۇرالی دۇ یل ، اؤز ه یئردن لیبیدیر .

- در رابطه با کلمه اؤز ه به اشعار زیر توجه کنید :

فضولی : غم ونو اوستومده سندن اؤز ه یۇخ ای دوداه لطف ائدیب مندن قۇتورمه سایه اقبالینی...

بختیار وهاب زاده : ایندی داها دؤیوشورم دؤزومله الیمله اؤزومه دیر بۇ حمله ...

.. اؤز ه نی دینله سن کؤک دن دوشرسن ، سن اؤزون اؤزونه اؤز ه لشرسن

کلمه اؤز ه همراه سی نیز صرف می‌شود. مثال : من دئین بۇ دۇ یل اؤز ه سی دیر .

بخش

(۱) اسم و حالت‌های تصریفی آن :

- اسم را در زبان ترکی اد ، حالت تصریفی آن را ادین دۇرومو adin durumu [موقعیت اسم] و یا ادین حالی [حالت اسم] می‌نامیم.
- حالت تصریفی اسم ، به حالتی گفته می‌شود ، که اسم در جمله بخود می‌یرد و بدینسان حالت و موقعیت خود را در بین کلمات دی ر جمله اشکار می‌سازد.
- اسم در جمله در شش حالت تصریفی صرف می‌شود، که يك حالت آن در زبان ترکی به شکل ساده و نج حالت دی ر آن بوسیله سوند بکار رفته می‌شود.
- حرف صدادار سوندهای حالت‌های تصریفی وابسته به آخرین حرف صدادار اسم می‌باشد، که آنها در صرف به دو بخش با اهن بالائی و ائینی تجزیه شده و با هماهنگی کو لك و بزر صرف می‌شود.

تشریح نام حالت‌های تصریفی اسم در زبان فارسی و علائم آن در زبان ترکی :

| علائم حالت‌های تصریفی اسم ترکی | نام حالت‌های تصریفی اسم (متمم و علائم آن) در زبان فارسی |
|---------------------------------|---|
| یالین اد (اسم ساده ، بدون سوند) | ۱ حالت فاعلیت اسم (ساده ، بدون سوند ، میشوند ، میانوند است) |
| سوند : a + ə | ۲ حالت مفعول با واسطه با حروف اضافه به |
| سوند : da + də | ۳ حالت مفعول با واسطه با حروف اضافه در |
| سوند : dan + dən | حالت مفعول با واسطه با حروف اضافه از |
| سوند : u,ı + i , ü | حالت مفعول بی واسطه با حروف اضافه را |
| سوند : in,ün + in,un | اضافه ملکی (به شکل حرف – e) |

توجه : در زبان فارسی از شش حالت تصریفی اسم ، چهار حالت آن (در جدول فوق شماره ۲ ، ۳ ، ،) به شکل جملات دراز و طویل بیان می‌شود ، که ا ر بخوایم آنها را در این کتاب به شکل اصلی خود بنویسم ،

صفحات آن ر می‌شود و زمان زیادی برای خواندن و نوشتن آنها که در توضیحات دستوری مکرراً تکرار می‌شوند به هدر می‌رود و بدین سان یادگیری اصول زبان مشکل و خسته کننده می‌شود. برای رفع این مشکل تصمیم بر این شد که چهار حالت مذکور فارسی در این کتاب به شکل مخفف شده صرف شود:

- حالت مفعول با واسطه با حروف اضافه به ، به شکل حالت به
- حالت مفعول با واسطه با حروف اضافه در ، به شکل حالت در
- حالت مفعول با واسطه با حروف اضافه از ، به شکل حالت از
- حالت مفعول بی واسطه با حروف اضافه را ، به شکل حالت را

حالت و موقعیت اسم در زبان فارسی به اسمی فته می‌شود که با یکی از علامت فاعلیت ، به ، در ، از ، را ، اضافه ملکی بکار رفته شود. مثال: به حسن ، در علی ، علی را و...

نام حالت‌های تصریفی اسم در زبان ترکی:

- اسم در شش حالت تصریفی صرف می‌شود، که هر کدامی آنها با نام خاصی بکار رفته می‌شود. برای معرفی نام حالت‌های تصریفی اسم، جدولی در زیر کشیده شده، که درست راست آن اسامی مخفف شده حالت‌های فارسی، در وسط آن کلمه حالی با سوند (در دو فرم با حروف صدادار با اهنه بالائی و ائینی) و در سمت راست آن نام حالت‌های ترکی درج شده است:

| نام حالت‌های اسم فارسی | | نچ سوند تصریفی به دوشکل با اهنه بالائی و ائینی صرف می‌شود. | | نام حالات ترکی | |
|------------------------|---|--|----------|----------------|----------|
| ۱ حالت فاعلیت | ↓ | yalın ad | یالین اد | yalın ad | یالین اد |
| | | a halı | ا حالی | ə halı | اِ حالِ |
| | | da halı | دا حالی | də halı | ده حالِ |
| | | dan halı | دان حالی | dən halı | دن حالِ |
| | | ı , u halı | ای حالی | i , ü halı | ای حالِ |
| | | ın , un , halı | این حالی | in , ün halı | این حالِ |
| ۲ حالت به | | | | | |
| ۳ حالت در | | | | | |
| حالت از | | | | | |
| حالت را | | | | | |
| اضافه ملکی | | | | | |

- در رابطه با نام حالت‌های تصریفی اسم ترکی به چهار مطلب زیر توجه کنید:

(a) حالت‌های تصریفی اسم ترکی، در زبان فارسی معانی زیر را در خود انعکاس می‌دهند:

دُوروم: وِزی ایستادن، موقعیت، حالت.

(۱) یالین اد (اسم لخت، ساده، بدون وِشاک) (۲) یۆنل دُورومو (سمت و سو، طرف، جهت)

(۳) قالما دُورومو (ایستا، ساکن، مانده ار) (یخما دُورومو (خروج، بیرون رفت، در آمدن)

(بله نمه دُورومو (نشان شده، هدف مشخص شده) (وارلیق دُورومو (داشتن، هستی، سرمایه)

(b) کلمه حالت، کلمه عربی است که در زبان ترکی به آن حال (دُوروم) گفته می‌شود و

حالت اسم نیز ادین حالی و یا ادین دُورومو نامیده می‌شود.

(c) پنج سوند حالت تصریفی اسم را می‌توان در زبان ترکی با سه نام مختلف زیر بکار رفت:

| حالت فاعلیت | حالت به | حالت در | حالت از | حالت را | اضافی ملکی |
|-------------|---------------|-----------------|------------------|-----------------|--------------------|
| ۱ | آ، ا، حالی | ده، دا، حالی | دن، دان، حالی | ای، او، حالی | این، اون، حالی |
| ۲ | آ، ا، دُورومو | ده، دا، دُورومو | دن، دان، دُورومو | ای، او، دُورومو | این، اُون، دُورومو |
| ۳ | یۆنل دُورومو | قالما دُورومو | یخما دُورومو | بله نمه دُورومو | وارلیق دُورومو |

(d) با وجودی که در این کتاب از سه نام حالت تصریفی صحبت می‌شود، ولی در توضیحات این

کتاب عمدتاً از وا ه آ حالی، ا حالی (حالت ا، حالت ا) استفاده می‌شود،

را که آن اسانتر است و در زبان فارسی نیز فهمیده می‌شود.

اسم در حالت‌های تصریفی:

اسم در شش حالت صرف می‌شود، که در زبان ترکی يك حالت آن به شکل ساده و پنج

حالت دیگر آن بوسیله سوند بکار رفته می‌شود.

حرف صدا دار سوندهای حالت‌های تصریفی وابسته به آخرین حرف صدا دار اسم می‌باشد،

که در صرف به دو گروه با اهن بالائی و نائینی تجزیه می‌شود، که سه حالت آن با

هماهندی کولک و دو حالت دیگر آن با هماهنگی بزر صرف می‌شود. مثال:

(a) اسمی که آخرین حرف صدادار آن با اِهَن ائینی و با یکی از هار حرف a, i, o, u باشد، به شکل زیر با سوند حالت تصریفی بکار رفته می شود :

| سوند حالت‌های تصریفی به شکل زیر با اسم ترکیب می یابد. | | | | | نام حالت‌های ترکی | | علائم فارسی |
|---|----------|--------|--------|--------|-------------------|----------|---------------|
| بدون سوند | یاشار | قیز | یول | قوم | yalın ad | یالین اد | ۱ حالت فاعلیت |
| | یاشارا | قیزا | یولا | قوما | a halı | ا حالی | ۲ حالت به |
| | یاشاردا | قیزدا | یولدا | قومدا | da halı | دا حالی | ۳ حالت در |
| | یاشاردان | قیزدان | یولدان | قومدان | dan halı | دان حالی | حالت از |
| این سه حالت با هماهنگی کون صرف می شود. | یاشاری | قیزی | یولو | قومو | i, u halı | ای حالی | حالت را |
| | یاشارین | قیزین | یولون | قومون | in, un halı | این حالی | اضافه ملکی |
| این دو حالت با هماهنگی بزر صرف می شود. | | | | | | | |

(b) اسمی که آخرین حرف صدادار آن با اِهَن بالائی و با یکی از نج حرف ə, e, i, ö, ü باشد، به شکل زیر با سوند تصریفی بکار رفته می شود :

| سوند حالت‌های تصریفی به شکل زیر با اسم ترکیب می یابد. | | | | | نام حالت‌های ترکی | |
|---|--------|-------|--------|------|-------------------|---------------|
| بدون سوند | حسن | ائل | خلیل | ؤل | yalın ad | یالین اد |
| | حسنه | ائله | خلیله | ؤله | ə halı | ا حالی |
| | حسنده | ائلده | خلیلده | ؤلده | de halı | ده حالی |
| | حسنندن | ائلدن | خلیلدن | ؤلدن | dən halı | دن حالی |
| این سه حالت با هماهنگی کون صرف می شود. | حسنی | ائلی | خلیلی | ؤلو | i, ü halı | ای حالی |
| | حسنین | ائلین | خلیلین | ؤلون | in, ün halı | این، اون حالی |
| این دو حالت با هماهنگی بزر صرف می شود. | | | | | | |

- در رابطه با اسم و حالت‌های تصریفی آن به هار مطلب زیر توجه کنید :

(۱) اسمی که آخرین حرف صدادار ان با ا هـن ائینی باشد، سه حالت ان با هماهنگی کو ك با حرف a و دو حالت دیگر ان با هماهنگی بزر با یکی از دو حرف صدادار i, u ساخته می‌شود.

(۲) اسمی که آخرین حرف صدادار ان با ا هـن بالائی باشد، سه حالت ان با هماهنگی کو ك با حرف ə و دو حالت دیگر ان با هماهنگی بزر با یکی از دو حرف صدادار i, ü ساخته می‌شود.

(۳) در زبان ترکی همه پنج سوند حالت تصریفی با خط عربی پیوسته به اسم نوشته می‌شوند، ولی آنها را می‌توان با خط لاتین بوسیله کما از اسم نیز جدا نوشت:

| سوند <u>ə</u> | سوند <u>də</u> | سوند <u>dən</u> | سوند <u>i</u> | سوند <u>in</u> | سوندهای حالات اسم |
|--|----------------|-----------------|---------------|----------------|---|
| Həsən,ə | Həsən,də | Həsən,dən | Həsən,i | Həsən,in | اسمی که آخرین حرف صدادار <u>ان</u> با <u>ا</u> هـن <u>بالائی</u> می‌باشد. |
| el,ə | el,də | el,dən | el,i | el,in | |
| gül,ə | gül,də | gül,dən | gül,ü | gül,ün | |
| daş, a | daş ,da | daş ,dan | daş ,ı | daş ,ın | اسمی که آخرین حرف صدادار <u>ان</u> با <u>ا</u> هـن <u>ائینی</u> می‌باشد. |
| duz,a | duz,da | duz,dan | duz,u | duz,un | |
| این دو سوند با هماهنگی بزر صرف می‌شود. | | | | | این سه سوند با هماهنگی کو <u>ك</u> صرف می‌شود. |

(۴) اسمی که آخرین حرف ان هم ون اولین حرف سوند تصریفی حرف صدادار باشد، در حالت را و اضافی ملکی یک حرف n و در حالت به یک حرف y بخود رفته و صرف می‌شود:

| این دو حالت با هماهنگی بزر صرف می‌شود. | | | | | این سه حالت با هماهنگی کو <u>ك</u> صرف می‌شود. | | | | |
|---|----------|---------|----------|----------|--|---------|----------|---------|----------|
| dədən,i | dədən,in | dədən,ı | dədən,un | dədən,ün | dədə,yə | dədə,də | dədə,dən | dədə,da | dədə,dan |
| bibin,i | bibin,in | bibin,ı | bibin,un | bibin,ün | bibi,yə | bibi,də | bibi,dən | bibi,da | bibi,dan |
| ütün,i | ütün,in | ütün,ı | ütün,un | ütün,ün | ütü,yə | ütü,də | ütü,dən | ütü,da | ütü,dan |
| atan,i | atan,in | atan,ı | atan,un | atan,ün | ata,yə | ata,da | ata,dən | ata,da | ata,dan |
| quzun,i | quzun,in | quzun,ı | quzun,un | quzun,ün | quzu,yə | quzu,da | quzu,dən | quzu,da | quzu,dan |
| این دو حالت با حرف اضافه <u>n</u> بکار رفته می‌شود. | | | | | این حالت با حرف اضافه <u>y</u> بکار رفته می‌شود. | | | | |

- را حالت به با حرف اضافه n صرف نمی‌شود؟ زیرا ا ر با حرف n صرف شود، همشکل

با کلمات دیگر می‌شود. مثال :

با حرف y : انایا (به مادر) ، کلمه انا ا ر با حرف n صرف شود ، به شکل انانا یعنی همشکل با به مادر تو در می‌آید ، نتیجتاً به شکل انایا صرف می‌شود.

۱- ا ر کلمه صفتی ، قیدی ، عددی و سوالی در حالت‌های تصریفی بکار رفته شود ،

اسم محسوب می‌شود. مثال :

| حالت فاعلیت | ا ، آ حالی | دا ، ده حالی | دان ، دن حالی | ای ، او حالی | این ، اون حالی |
|---------------|-----------------|---------------|-----------------|-----------------|-------------------|
| ↓ | ↓ | ↓ | ↓ | ↓ | ↓ |
| بۇرا bura | بۇرایا buraya | بۇرادا burada | بۇرادان buradan | بۇرانی buranı | بۇرانین buranin |
| اؤرا ora | اؤرایا oraya | اؤرادا orada | اؤرادان oradan | اؤرانی oranı | اؤرانین oranin |
| نه nə | نیه nəyə | نده nədə | ندن nədən | نه بی nəyi | نه یین nəyin |
| کیم kim | کیمه kimə | کیمده kimdə | کیمدن kimdən | کیمی kimi | کیمین kimin |
| هара hara | هارایا haraya | هارادا harada | هارادان haradan | هارانی haranı | هارانین haranin |
| نه ره nəre | نه ره یه nəreyə | نه رده nərədə | نه ردن nərədən | نه ره نی nərəni | نه ره نین nərənin |
| غۇزل gözəl | غۇزله gözələ | غۇزله gözəldə | غۇزلدن gözəldən | غۇزلی gözəli | غۇزلین gözəlin |
| الت (۱) alt | التا alt (d)a | التدا altda | التدان altdan | التي altı | التین altın |
| ↑ | ↑ | ↑ | ↑ | ↑ | ↑ |

سه حالت مذکور باهماهنگی کوک صرف می‌شود. دو حالت مذکور باهماهنگی بزر صرف می‌شود.

۲- در رابطه با کلمات جدول مذکور به دو مطلب زیر توجه کنید :

۱) بعضی از کلماتی که آخرین حرف آنها (مثل: هارا ، بۇرا) صدادار است ، در حالت‌های تصریفی

(را ، اضافه ملکی) به بین کلمه و سوندیک حرف n افزوده می‌شود، ولی در موارد کمی

هرکس بدلتخواه خود کلمات مذکور را با حرف y نیز صرف می‌کنند. مثال :

بۇرایى. اؤرایى. هارایى. (بجای بۇرانى ، اؤرانى ، هارانى) و...

۲) کلمه نه nə در جدول مذکور در حالت به ، در حالت را و اضافی ملکی بوسیله

حرف y بکار رفته می‌شود، را که ان تـك سیلابی می‌باشد. در زبان ترکی کلمات تـك سیلابی که آخرین حرف آنها همانند اولین حرف سوند تصریفی صدا دار باشد، به بین آنها حرف n اضافه نشده بلکه با یـك حرف y بکار رفته می‌شوند. مثال:

نه یه ؟ nəyə ، نه یی . nəyi ، نه بین nəyin

۲) ضمائر شخصی در حالت‌های تصریفی :

- ضمائر شخصی نیز در شش حالت تصریفی صرف می‌شوند، که یـك حالت آنها بدون سوند و پنج حالت دیگر آنها با سوند بکار رفته می‌شوند. حرف صدا دار سوندهای تصریفی وابسته به آخرین حرف صدا دار ضمائر شخصی می‌باشد، که در صرف به دو روه با اهنـ بالائی و مائینی تجزیه می‌شود.

- حرف صدا دار ضمیر اول و دوم شخص مفرد و جمع با اهنـ بالائی و ضمیر سوم شخص مفرد و جمع با اهنـ مائینی می‌باشد، که سه حالت آنها با هماهنگی کوـك و دو حالت دیگر آنها با هماهنگی بزـر به شکل زیر صرف می‌شوند :

| حالت فاعلیت | من | سن | اؤ | بیز | سیز | اؤنلار | بدون سوند |
|-------------|------|------|--------|-------|-------|-----------|---|
| حالت به | منه | سنه | اؤنا | بیزه | سیزه | اؤنلارا | این سه حالت با هماهنگی کوـك صرف می‌شود. |
| حالت در | منده | سنده | اؤندا | بیزده | سیزده | اؤنلاردا | |
| حالت از | مندن | سندن | اؤندان | بیزدن | سیزدن | اؤنلاردان | |
| حالت را | منی | سنی | اؤنو | بیزی | سیزی | اؤنلاری | این دو حالت با هماهنگی بزـر صرف می‌شود. |
| اضافه ملکی | منیم | سنین | اؤنون | بیزیم | سیزین | اؤنلارین | |

- در رابطه با ضمائر شخصی و حالت‌های تصریفی به شش موضوع زیر توجه کنید :

۱) ضمیر سوم شخص مفرد تنها یـك حرف صدا دار (o) دارد، که ان آخرین حرف صدا دار کلمه

نیز محسوب می‌شود و در حالت‌های تصریفی يك حرف n بخود می‌یرد. مثال:

اؤ o : اؤنا ona ، اؤندا onda ، اؤندان ondan ، اؤنو onu ، اؤنون onun

(۲) ضمیر سوم شخص مفرد و جمع (o ، onlar) با حروف صدادار با اهنه ائینی ساخته می‌شود ،

نتیجتاً سوند با حروف صدادار با اهنه ائینی بکار رفته می‌شوند. مثال:

o : ona , on,un , on,un,kun,da . onlar : onlara , onlar,in , onlar,in,kun,da

(۳) سوند حالت‌های تصریفی با خط عربی پیوسته به ضمائر شخصی نوشته می‌شوند ، ولی آنها را

می‌توان در توضیحات دستوری با خط لاتین بوسیله کما از ضمائر شخصی نیز جدا نوشت:

| یالین اد | onlar | siz | biz | o | sən | mən ,bən | بدون سوند |
|------------------|-----------|---------|---------|--------|---------|----------|-------------------------|
| | | | | | | | |
| ə + آ، ه حالی | onlar,a | siz,a | biz,a | on,a | sən,a | mən,a | این سه ضمیر |
| də + ده حالی | onlar,da | siz,də | biz,də | on,da | sən,də | mən,də | با هماهنگی |
| dən + دن حالی | onlar,dən | siz,dən | biz,dən | on,dən | sən,dən | mən,dən | کوک صرف می‌شود |
| i , ı + ای حالی | onlar,ı | siz,i | biz,i | on,u | sən,i | mən,i | این دوسوند با |
| in,un + این حالی | onlar,in | siz,in | biz,im | on,un | sən,in | mən,im | هماهنگی بزرگ صرف می‌شود |

(در زبان ترکی اولین حرف ضمائر شخصی مفرد و جمع همشکل می‌باشد ، در نتیجه ضمیر اول

شخص مفرد به شکل بən اول شخص جمع به شکل biz می‌باشد، که امروزه

در اذربایجان به شکل مən بکار رفته می‌شود، ولی در اشعار قدیمی به شکل من و

بن مورد استفاده قرار گرفته است.

(ضمائر شخصی با علامت ملکی (مثل: منیم ، سنین) در زبان فارسی موجود نیست ، ولی

مفهوم ان با کلمه عربی مال و اضافه ملکی به شکل مال من ، مال تو بیان می‌شود و

در مواردی بویه در اشعار قدیم فارسی ، ان را با ترکیب کلمه از، ان من (از ان من) و

در مواردی نیز به شکل ز ان من بکار برده اند. ولی مال من مفهوم کاملی دارد که

مترادف با ترکی ان (منیم mənim) بیان می‌شود.

(در زبان ترکی ضمیر اول و دوم شخص جمع کلمه بیز ، سیز می‌باشد ، که بوسیله علائم

لر ، لار مجدداً جمع بسته شده و به شکل زیر در حالت‌های تصریفی صرف می‌شود :

| فارسی | ترکی | بیز | biz | سیز | siz | وزن حالت تصریفی |
|-------------|---------------|---------|-----------|---------|-----------|------------------------|
| ↓ | ↓ | ↓ | ↓ | ↓ | ↓ | |
| حالت فاعلیت | یالین اد | بیزلر | bizlər | سیزلر | sizlər | بدون سوند |
| حالت به | ə + ه حالی | بیزلره | bizlərə | سیزلره | sizlərə | این سه حالت تصریفی |
| حالت در | də + ده حالی | بیزلرده | bizlərdə | سیزلرده | sizlərdə | با هماهنگی کوک |
| حالت از | dən + دن حالی | بیزلردن | bizlərdən | سیزلردن | sizlərdən | صرف می‌شود |
| حالت را | i + ای حالی | بیزلری | bizləri | سیزلری | sizləri | این دو حالت با هماهنگی |
| اضافه ملکی | in + این حالی | بیزلرین | bizlərin | سیزلرین | sizlərin | بزرگ صرف می‌شود. |

۳) وزن بکار پیری و عملکرد حالت‌های تصریفی اسم و ضمیر:

در صفحات قبلی وزن ترکیب اسم و ضمیر با سوندهای تصریفی شرح داده شد. اکنون در صفحات زیر به تشریح بکار پیری و عملکرد آنها در کنار سایر کلمات در جمله پرداخته می‌شود.

برای روشن شدن هر سه بهتر وزن صرف و عملکرد تک تک حالت‌های تصریفی اسم و ضمیر در صفحات زیر توضیحاتی داده و مثال‌هایی آورده می‌شوند ؛ سپس چند قطعه شعری از شعرای اذربایجان که در آنها نیز اسم و ضمیر با سوند حالت‌های تصریفی بکار رفته شده، برای نمونه و بعنوان سند تاریخی درج شده اند ؛ لطفاً به آنها نیز دقت کنید:

۳-۱) حالت فاعلیت اسم :

حالت فاعلیت اسم را در زبان ترکی ، یالین اد می‌نامیم ، که ان در جمله بدون سوند بکار رفته می‌شود. مثال : لاله لیر. خالا ئدیر. حسن دانیشر.

حسن ایخ یالین دیر. حسن یم دیر؟ حسن منیم قارداشیم دیر.

در جملات مذکور حسن ، او ، لاله و خالا در حالت فاعلیت بکار رفته می شود.

- حالت فاعلیت اسم (یالین اد) در جمله با دو مفهوم زیر بکار رفته می شود :

(a) لاله بۇ ون بۇرایا لیر. لاله در جمله با مفهوم فاعلیت ، بعنوان کننده کار ، فاعل و یا

کسی که عملی را انجام می دهد ، بکار رفته می شود.

(b) لاله یاخشی ادام دیر. لاله در جمله در حالت فاعلیت (یالین اد) بکار رفته می شود ؛

باوجودیکه لاله کاری را انجام نمی دهد ، ولی وی در جمله فاعل

محسوب می شود.

۳-۲) حالت مفعول با واسطه با حروف اضافی به ، در زبان ترکی یۆنل دۇرومو و

یا a , ə حالی نامیده شده و با هماهنگی کو لك صرف می شود. مثال :

(a) کلماتی که آخرین حرف صدادار آنها با اهند بالائی می باشد :

اؤ منه دئییر. o mənə deyir. (سوال : کیمه دئییر؟ جواب : سیزه دئییر.)

اؤ بیزه تئیریر. o bizə gətirir. (سوال : نه ریه تئیریر؟ جواب : ائوه تئیریر.)

من سنه دئییرم. من سیزه لیرم. سن کیتابی کیمه وئردین؟ من اؤنولاله یه وئردیم.

(b) کلماتی که آخرین حرف صدادار آنها با اهند مائینی می باشد :

من یاشارا دئدیم. سن بۇ کیتابی یاشارا الدین. سن بۇ کیتابی خالایا وئردین.

اؤنا باخ ، اؤ ایاخ یالین دیر. من اؤنا دئییرم. ای یا (aya) باخ ، سؤیات ،

اغا جادیرماش ، اغا جایخ. اؤنا اؤیرت. اؤنا سؤیله

(c) از اینکه حالت به حرف صدادار a , ə می باشد ، ا ر آخرین حرف اسم نیز صدادار باشد ،

در صرف به بین کلمه و سوند یک حرف y افزوده شده و به شکل زیر بکار رفته می شود :

انا یا anaya ، دده یه dədəyə ، ننه یه nənəyə . باجی یا bacıya . خالایا xalaya

- در رابطه با بکار گیری حالت مفعول با واسطه به (a , ə) به اشعار زیر توجه کنید:

وهاب زاده : واخت منی روانه تک باشینا دولاندیریر دونن قانمادیغیمی بۇ ون منه قاندیریر...

من اۆز ازادلیغیما تانری دئدیم بیرحؤ کومه بیر فرمانا من باشیمی آیمه دیم

خاقانی : سؤزه بۇ ون ائيله رونق وئردی که (کی) فتح ائتدی اؤنونلا بوتون دونیانی

میرزا ابراهیم اوف: اختاریب شأن و شرف مۇخلاری ئتدی اۇزاغا یادلارا سجده قیلیب سالدی اؤزونو ایاغا

از کتاب علیار صفری (اذریجان ادبیاتی تاریخی) : قۇددو لمیشیک سیزه حورمت ائدین بیزه

بۇ ئجه قیز سیزده دیر صاباح الماریق بیزه

۳-۳) حالت مفعول با واسطه با حروف اضافی در ، در زبان ترکی قالمادۇرومو و یا

ده ، دا حالی نامیده شده و با هماهنگی کو لك (da ، də) صرف می شود. مثال :

(a) کلمه ای که آخرین حرف صدادار ان با اهند بالائی باشد ، به شرح زیر با سوند

ده در حالت تصریفی صرف می شود :

کیتاب منده دیر . kitab m ənd ədir . اینک یمن ده دیر . (لر) inək ɟim ənd ədir .

کیتاب کیم ده دیر؟ کیتاب احمدده دیر . قلم لاله ده دیر . اؤ کیمده دیر؟

کیتاب منده دیر . قلم سنده دیر . کیتابلار بیزده دیرلر . و...

(b) کلمه ای که آخرین حرف صدادار ان با اهند مائینی باشد ، به شرح زیر صرف می شود:

من بۇرادا یام . mən buradayam ، من باغدا یام . mən baɟdayam ، کیتاب یشاردا دیر .

سۇ دریادا دیر . انا ماشیندا دیر . ماشین یۇلدا دیر . ماشین رسول دادیر . یاراق اغاج دادیر

سوال : اؤ کیمده دیر؟ جواب : اؤ اۇندا دیر . اؤ اۇنداده یل . اؤ یشاردا دیر .

بۇ کیمده دیر؟ بۇ اۇنلاردا دیر . اؤ اۇنلاردا دئ یل دیر .

- در رابطه با حالت مفعول با واسطه در (ده ، دا) ، به اشعار زیر توجه کنید :

از کتاب علیار صفری : (اذریجان ادبیاتی تاریخی) : قارا ککلیک ، ونده من کؤلده سن ، ونده من

سن یات قایا دیینده قوی قارالیم ونده من

واحد: مژلیم ، مژلرینین صحبتی هر یاندا اولور بۇ ملاحظتلی باخیشلار قۇزی جئیرانده (دا) اولور .

توجه: فعل با سوند ده می تواند به شکل فعل و اسم مبدل شده و بکار رفته می شود:

به صفحه ۳۷ و صفحه ۳۸۹ برای توجه شود.

(حالت مفعول با واسطه در با اسم و ضمیر و کلمه ربطی کی

ترکیب می‌یابد و با مفاهیم زیر بکار رفته می‌شود :

- سوند حالت مفعول با واسطه در (ده ، دا) و کلمه کی را می‌توان با اسم و یا با ضمیر شخصی ترکیب داد و به شکل منده کی با مفهوم انه [که] در پیش من است و یا حسنده کی ، انه [که] در پیش حسن است (به شکل کلمه انعکاسی) بکار رفت و بدین سان بجای جمله دراز و طویل از کلمه ترکیبی کوتاه (شبیه جمله) استفاده کرد. مثال :

a) سوند حالت در (ده) و کلمه ربطی کی به شکل زیر با ضمیر شخصی ترکیب می‌یابد و با مفهوم انه [که] در پیش من است بکار رفته می‌شود.

از اینکه آخرین حرف کلمه کی صدادار است ، نتیجتاً يك حرف اضافی n بخود می‌یرد و به شکل زیر در حالت‌های تصریفی صرف می‌شود :

| شماره | نام ضمائر شخصی | من | سندن | اؤ | بییز | سییز | اؤنلار |
|-------|----------------|-------------|--------------|--------------|---------------|---------------|-----------------|
| ۱ | حالت فاعلیت | منده کی | سندده کی | اؤنداکی | بییزده کی | سییزده کی | اؤنلاردا کی |
| ۲ | حالت به | منده کی نه | سندده کی نه | اؤنداکی نه | بییزده کی نه | سییزده کی نه | اؤنلارداکی نه |
| ۳ | حالت در | منده کی نده | سندده کی نده | اؤنداکی نده | بییزده کی نده | سییزده کی نده | اؤنلارداکی نده |
| | حالت از | منده کیندن | سندده کیندن | اؤنداکی ندان | بییزده کی ندن | سییزده کی ندن | اؤنلارداکی ندان |
| | حالت را | منده کی نی | سندده کی نی | اؤنداکی نی | بییزده کی نی | سییزده کی نی | اؤنلارداکی نی |
| | حالت ملکی | منده کی نین | سندده کی نین | اؤنداکی نین | بییزده کی نین | سییزده کی نین | اؤنلارداکی نین |

توجه :- ترکیب کلمات و سوندهای مذکور به شکل من ، من ده کی می‌باشند ، که عملکرد

انها هم ون ضمائر انعکاسی می‌باشند. مثال :

کیمده کی؟ بییزده کی (انه در پیش ما است.) ، سییزده کی (انه در پیش شما است.)

نه ره ده کی؟ یئرده کی. بۇ یئرده کی. اۇ یئرده کی.

- کلمات مذکور را می توان با خط عربی در ترکیبات مختلف نوشت. مثال :

منده کینین (منده کی نین) ، سنده کینین (سنده کی نین) ،

b) سوند ده همراه اسم به شرح زیر با کلمه ربطی کی ترکیب می یابد و به شکل حسنده کی با مفهوم از به [که] در یش حسن است. بکار رفته شده و در حالت های تصریفی صرف می شود. مثال :

| | | | | | | | |
|---|-------------|---------------|---------------|--------------|--------------|---------------|--------------|
| ۱ | حالت فاعلیت | حسندۀ کی | ائلده کی | ؤلده کی | ولده کی | رسول داکی | یؤل داکی |
| ۲ | حالت به | حسندۀ کی نه | ائلده کی نه | ؤلده کی نه | ولده کی نه | رسول داکینا | یؤل داکینا |
| ۳ | حالت در | حسندۀ کی نده | ائلده کی نده | ؤلده کی نده | ولده کی نده | رسول داکیندا | یؤل داکیندا |
| | حالت از | حسندۀ کی نندن | ائلده کی نندن | ؤلده کی نندن | ولده کی نندن | رسول داکیندان | یؤل داکیندان |
| | حالت را | حسندۀ کی نی | ائلده کی نی | ؤلده کی نی | ولده کی نی | رسول داکینی | یؤل داکینی |
| | اضافه ملکی | حسندۀ کی نین | ائلده کی نین | ؤلده کی نین | ولده کی نین | رسول داکینین | یؤل داکینین |

توجه :

- کلمات جدول مذکور از سه بخش ترکیب می یابند. مثال: حسن ، ده ، کی. (حسندۀ کی)

- کلمات جدول مذکور همانند سوم شخص مفرد ، با سوند صرفی (دیر) با مفهوم به کسی و یا

به یزی مورد سوال و جواب قرار می گیرند :

کیمده کینده دیر؟ حسندۀ کینده دیر. منده کینده دیر. سنده کینده دیر.

نه ده کینده دیر؟ اؤندا کیندا دیر. بۇندا کیندادیر.

- ا ر کلمات ترکیب یافته با اسم انسان آغاز شود ، با خط لاتین اولین حرف انها درشت نوشته

می شود : Həsən,də,kinə , Rəsul,də,kı , Əli,də,kin,də,ki .

- حالت مفعول با واسطه با حروف اضافی از ، در زبان ترکی ییخما دۇرومو و یا

دن ، دان حالی نامیده شده و با هماهنگی کو لک بکار رفته می شود. مثال :

(a) کلماتی که آخرین حرف صدادار آنها با *ه* یا *ئ* می باشد :

من کیتابی اوندان آلیرام. *mən kitabı ondan alıram.* (من کتاب را از او می یرم.)

او بۇرادان ئدیر. *o buradan gedir.* (او از اینجا می رود.)

هواسویوقدور اطاقدان ائشییه یخماق اولمور. کیتابی یاشاردان الدیم. او قاراباغدان لیر.

سۇ داغدان لیر. بۇ یاراق او اغاج دان دیر. قای تاختادان (تخته دن) دیر. و...

(b) کلماتی که آخرین حرف صدادار آنها با *ه* یا *ئ* است :

او ائشیکدن لیر. *o eşikdən gəlir.* (او از بیرون می آید.)

او سندن کوسور. *o səndən kəsür.* (او از تو قهر می کند.)

بۇ ایشدن بیزه ؤرک یخماز. سندن بیزه خئیر لمز. اونلار زمکدن لیرلر.

سن بۇ کیتابی کیمدن الدین ؟ من بۇ کیتابی حسنندن الدیم. و...

- حالت با واسطه با حروف اضافی از (دن ، دان) در جمله با مفاهیم مختلف زیر

بکار رفته می شود . مثال :

(a) به شکل بیان اهلیت :

او هارادان لیر ؟ *o haradan gəlir* (او از کجا می آید.)

او تبریزدن لیر. *o tbrizdən gəlir.* (او از تبریز می آید.)

او تهران داندیر. او زنجان داندیر. او امریکادان لیر.

او اذربایجانندان دیر. او قاراباغدان لیر. او زنجانندان دئیل.

(b) به شکل حالت از :

او ایشدن لیر. *o işdən gəlir.* (او از کار می آید.)

او ائودن یخدی. او الیش وئریشدن لیر. او باغدان لیر.

او ، التوو بازاردان الدی. او ؤلدن لیر. او بۇرادان ئتدی. و...

c) به شکل حامی بودن : (طرفدار ، هواخواه بودن)

اۇ یم دن دیر ؟ o kimdəndir. (او طرفدار کی است .)

اۇ بیزدن دیر . o bizdəndir. (او از ما است .)

اۇ بیزدن دئ یل . o bizdən deyil. (او از ما نیست .)

اۇ سۇلجولاردان دیر . اۇ ساغجی لاردان دیر . اۇ هئ کیمدن دئ یل .

d) از ه موادی است : (از ه یزی ترکیب یافته است .)

اۇ ائو نَدَن دیر ؟ o ev nədəndir ? (آن خانه از ه ساخته شده است ؟)

اۇ ائو مال یقدان دیر . o ev palçıqdandır. (آن خانه از ل است .)

اۇ ماشین دمیردن دیر . o maşın dəmirdəndir. (آن ماشین از آهن است .)

بۇ قای نه دن دیر ؟ بۇ قای دمیردن دیر . بۇ قای تاختاداندیر . (تخته دندیر)

k) به شکل تشبیهی و وصفی :

بۇ ائو اوندان اۇجا دیر . bu ev ondan uca,dır.

بۇ ول اوندان غزل دیر . bu gül ondan gözəldi.

بۇ اوندان یاخشیدیر . bu ondan yaxşıdır. (این از آن یکی بهتر است .)

بۇ اغاج ، اۇ ائودن اۇجاراقدیر . اۇ ائو ، بۇ ائودن اۇجا دیر .

- در رابطه با حالت مفعول با واسطه از (ترکی : دن ، دان) ، به اشعار زیر توجه کنید :

کتاب دده قۇرقود : اول اول یۇروشیندن اسلان کییی تۇروشیندان (یوروшондн . دۇروشوندан)

هونری اۇغول اتادان می غره ر ، اۇ ره نر ، یۇخسا اتار ، اۇغولدان می اۇ ره نر ؟ ..

وهاب زاده : ... خبریمیز اۇلمور لمیشیمیزدن ، اینانا بیلیمیریک ئتممه ییمیزدن .

... یۇرۇلدوق زمان - زمان بۇ وۇرۇشدان بۇ قالدان . عمور یۇلو مجهولدان ...

علی واحد : یخ ، ای قان این بیر تیجیی ، یخ تۇر ماغیمیزدان !

خائن غزونی لک ده ره میزدن ، داغیمیزدان ! ...

توجه: با سوند دن می توان فعل را فعلیت صفتی را به فعل جدیدی تبدیل کرد: به صفحه ۳۸۱ توجه کنید.

- حالت مفعول بی واسطه را ، در زبان ترکی بَلَنَمَه دُرومُو bələnmə durumu

و یا i, ı, ü, u حالی نامیده شده و با هماهنگی بزر صرف می شود. مثال :

(a) کلمه ای که آخرین حرف صدادار آن با اِهَن بالائی باشد، به شرح زیر در حالت های تصریفی بکار رفته می شود :

منی ، سنی ، بیزی ، سیزی

اُو بیزی سئویر. o bizi sevir. (او ما را دوست دارد.)

بیز اُو کوزو غُروروك. biz öküzü görürük. (ما ما و نر را می بینیم.)

من ولو دردم. من لاله نی غُرمورم. سن کیتابی کیمه وئردین ؟ من کیتابی حسنه وئردیم .

(b) کلماتی که آخرین حرف صدادار آنها با اِهَن مائینی باشد، به شرح زیر صرف می شوند:

سن اُونو (اُونی) غُرورسن. sən onu görürsən. (تو او را می بینی.)

سن اغاجی کسیرسن. sən ağacı kəsirsən. (تو درخت را می بری.)

من ده اُونو غُرردوم. سن رسولو غُرمه دین می؟ من یاشاری غُرردوم .

من قُوزونو قُودوم. من سُوو ای لدم. من دُوزو تْکدوم .

- در رابطه با بکار گیری حالت بی واسطه را (i, ı, ü, u) ، به اشعار زیر توجه کنید :

فضولی: ای کُونول غُمرمو وئردین یئله عاشیقلیق ایله باخما هر غنه لب و لمرخه ، اه ائتمه داخی

بنی خزر: مرمر دیوارلارا یرمادی اُوزونو... اُولوم سُکتی ایله دئدی سُزونو...

زینال جبارزاده: قارانلیغی کدین دارا شفق سالدین هر دیوارا

(ناه اُولدون مظلوملارا غُزل ، ازاد وطنیمیز)

توجه : ا ر آخرین حرف صدادار اسمی صدادار باشد ، در حالت را یك حرف

nənə,ni , əli,ni , quzu,nu n بخود می یرد. مثال :

- حالت اضافه ملکی :

حالت اضافه ملکی، سوند این ، in می باشد ، که وارلیق دُرومُو varlıq durumu و یا

un, in, in, ün حالی نامیده می شود و حرف صدادار ان وابسته به آخرین حرف صدادار اسم و

یا ضمیر می باشد که با هماهن ی بزر صرف می شود. مثال :

| | | |
|-------------------------|--------------------------|-------------------------------|
| سنین ایکی الین وار. | sənin iki əlin var. | (تو دو دست داری .) |
| منیم بیر ایم وار . | mənim bir geçim var . | (من يك بز دارم .) |
| سنین ده بیر ایتین وار. | sənin də bir itin var. | (تو هم يك سك داری .) |
| اؤنونا دئمیه سؤزو وار . | onunda deməyə sözü var . | (او هم برای فتن حرفی دارد.) |
| منیم کیتاییم وار . | mənim kitabım var . | (من کتاب دارم .) |
| منیم بیر قیزیم وار. | mənim bir qızım var . | (من يك دختر دارم .) |
| اؤنون بیر قویونو وار . | onun bir qoyunu var | (او يك و سفند دارد.) |
| سنین ده بیر قۇزون وار . | sənin də bir quzun var | (تو هم يك بره داری .) |
| سنین آدین یاشار دیر. | sənin adın Yaşardır . | (اسم تو یاشار است.) |
| سنینده کیتابین وار. | sənin də kitabın var. | (توهم کتاب داری.) |
| سنین بیر اؤغلون وار. | sənin bir oğlun var | (تو يك سر داری .) |

(a) کلمه ای که آخرین حرف صدادار ان با اهن بالائی باشد ، به شکل زیر با سوند

ملکی صرف می شود : ائوین قایسی ، اؤ وزون بۇرنوزو ، بۇ ائو کیمین دیر؟

بۇ ائو سیزین دیر می؟ بۇ ي لک ، بۇ ولوندور . بۇ یملر اؤکوزوندور. و..

(b) کلمه ای که آخرین حرف صدادار ان با اهن لائینی باشد، به شکل زیر بکار رفته می شود :

اؤغلانین یۇلداشی ، قیزین قارداشی ، اؤنون قارداشین ، قۇناغین لتووون ،

قۇون بۇرنوزو دور ، اغاجین یارماغی دیر ، داغین باشی دیر ، ...

(c) کلمه ای که آخرین حرف ان صدادار باشد ، حالت ملکی ان يك حرف n بخود

می یرد و به شکل زیر صرف می شود. مثال :

علی نین بیر ماشینى وار. Əlinin bir maşını var ، ننه نین ائوی ، دده نین قارداشی . اتانین یۇلداشی ،

باجی نین اؤغلو ، بیبی نین خالاسی ، دایی نین دا ائوی وار ، و..

- در رابطه با بکار گیری سوند ملکی ، به اشعار زیر توجه کنید :

خاقانی شروانی: او کمان قاشین ديوانه سیم حسنون او دونون روانه سیم
 مجید صباغ ایرانی: ظلم ایله ییزی ایری سالیب لار ائلمیزدن ایری سالالی هم ائلمیزدن، ديلمیزدن
 وهاب زاده: زمانین آلیندن نه غملر یئدی ، یئنه ده دنیادان اوزو دؤنمه دی ...
 باش یخارماق هم تین دیر هم اسان ایلیسیندن ، مله ییندن دونیانین

(سوند ملکی و عملکرد ان :

a) علامتی که به ان سوند ملکی می نامیم ، مفاهیم نسبت دادن ، تعلق داشتن ، متعلق بودن ، تعلقات خویشاوندی داشتن ، مال و سروت داشتن ، صاحب شدن و... را در رابطه با اشخاص، حیوانات، حشرات و اشیاء در خود انعکاس می دهد. مثال:

منیم قارداشیم ، منیم ائویم ، منیم ننه م ، منیم ماشینیم ، ماشینین صاحیبی. داغین قاری ، و...
 من سنین قارداشینام. حسن ین ایتی ، قو ون بۇرنوزو ، ایتین قۇیروغو ، و...

- باوجودی که علامت in را سوند ملکی می نامیم ، ولی از ان مالکیت دادن انسان به انسان و حیوان به حیوان ، حشرات به حشرات و اشیاء به اشیاء دی ر فهمیده نمی شود ، ولی برای جلو گیری از هر ونه سوء تفاهم در توضیحات این کتاب بویه در رابطه با انسان بجای بیان مالکیت داشتن و یا تعلق داشتن از وا ه نسبت دادن اسم به اسم دی ر استفاده می شود. مثال:

علی نین خالاسینین او غلو. یعنی در این جمله بجای بیان تعلق داشتن ، مالک بودن از کلمه نسبت دادن او غلان به خالا و خالا به علی استفاده می شود.

سوند ملکی بعضی از علائم دستوری (مثل : تعلق داشتن ، نسبت دادن ، مسند و مسنداله و...) را در خود انعکاس می دهد و بدین سان مسائل مشکل دستوری را اسان می سازد ، اما ان یزی که در این زبان مشکل بنظر می رسد ، صرف حرف صدادار ان است ، که در صفحات زیر ون ی ان بررسی شده و تشریح داده می شود :

سوند ملکی ، اسم نسبت داده شده را در ترکیب اسم قبلی بیان می کند :

(b) سوند ملکی (in.ün) ، در ترکیب اسم ، اسم دی ری را که به آن نسبت داده شده در خود منعکس می کند و آن در فرم سوم شخص مفرد صرف می شود. عبارت دی ر سوند ملکی علامت شخص سومی است ، که در ترکیب اسم و ضمیر بوسیله in (مثل : لاله نین ، منیم ، سنین ، اؤنون) بیان می شود.

برای مثال در مقابل بیان کلمه رسولون، لاله نین ، منیم ، سنین ، سوال و جوابهای زیر مطرح می شود:

سوال : رسولون نه یین ؟ منیم نه ییم ؟ سنین نه یین ؟ اؤنون نه یی ؟ منیم کیمیم ؟ سنین کیمین ؟

جواب: منیم قارداشیم. منیم ائویم . منیم بالام. سنین ائوین . سنین قارداشین . سنین ماشینین.

اؤنون باجی سی. سنین یوردون. اؤنون ننه سی . اؤنون ماشینیی. و...

برای نمونه دی ر ، کلمه سنین را در نظر می یرم ، که سوند ملکی به کلمه سن

پیوند می خورد و بدین سان اسم شت سری را برای آن نسبت می دهد و بوسیله سوند

صرفی دی ر به شکل سوم شخص مفرد مورد سوال و جواب قرار می یرد. مثال :

سنین : سنین نه ییندیر ؟ سنین کیمین دیر ؟ سنین ماشینین دیر.

بیزیم : بیزیمدیر. کیمین ؟ کیمیندیر ؟ سیزیندیر.

اؤنون : اؤنون باجی سی نیندیر. اؤنون دده سی نیندیر. اؤنون خالاسی نیندیر.

حرف صدادار سوند ملکی و ون ی صرف آن با سوند صرفی (دیر) :

حرف صدادار سوند ملکی و سوند صرفی وابسته به آخرین حرف صدادار کلمه ما قبل

خود می باشد ، که در صرف به دو روه با اهن بالائی و آئینی تجزیه شده و به شرح

زیر به شکل سوم شخص مفرد با هماهنگی بزر صرف می شود :

یک (سوند ملکی (in) و سوند صرفی (dir) در صرف با اسم :

(a) سوند ملکی و سوند صرفی همراه اسمی که آخرین حرف صدادار آن با اهن آئینی

باشد ، به شکل زیر در فرم سوم شخص مفرد با همافزایی بکار رفته می شود :

| | | | | | | | |
|---|-----------|----------------|-----------|---|-----------|-----------------|-----------|
| اسمی که آخرین حرف صدادار ان a ، ı باشد ، با سوند ملکی in و سوند صرفی dir صرف می شود : | | | | اسمی که آخرین حرف صدادار ان o ، u باشد ، با سوند ملکی un و سوند صرفی dur صرف می شود : | | | |
| ağac, in - dir | | qız, in - dir | | ot, un - dur | | yurd, un - dur | |
| adam, in - dir | | ışığ, in - dir | | od, un - dur | | su, y, un - dur | |
| at, in - dir | | qış, in - dir | | qoz, un - dur | | duz, un - dur | |
| سوند ملکی | سوند صرفی | سوند ملکی | سوند صرفی | سوند ملکی | سوند صرفی | سوند ملکی | سوند صرفی |

- بۇ ياراقلار ، بۇ اغاجيندير (لار). بۇ كيتاب لار كييمين دير (لر)؟ اۇنلار منيم دير (لر).

b) سوند ملکی (این) و سوند صرفی (دیر) همراه اسمی که آخرین حرف صدادار ان با اهنگ بالائی باشد ، به شکل زیر بکار رفته می شود :

| | | | | | | | |
|---|---------------|---------------|-----------|---|---------------|-----------|-----------|
| اسمی که آخرین حرف صدادار ان e ، ı و i باشد ، با سوند ملکی in و سوند صرفی dir صرف می شود : | | | | اسمی که آخرین حرف صدادار ان ö ، ü باشد ، با سوند ملکی ün و سوند صرفی dūr صرف می شود : | | | |
| Həsən, in - dir | el, in - dir | dil, in - dir | | göl, ün - dūr | gül, ün - dūr | | |
| dədən, in - dir | sel, in - dir | ip, in - dir | | göz, ün - dūr | gün, ün - dūr | | |
| Əhməd, in - dir | yel, in - dir | siz, in - dir | | söz, ün - dūr | düz, ün - dūr | | |
| سوند ملکی | سوند صرفی | سوند ملکی | سوند صرفی | سوند ملکی | سوند صرفی | سوند ملکی | سوند صرفی |

- اسامی مذکور در ترکیب با سوند ملکی و سوند صرفی به شکل زیر در کنار کلمات دیر در جمله بکار رفته می شوند :

حسن منیم یولداشیم دیر. بۇ کیتاب کیمین دیر؟ بۇ کیتاب حسنین دیر. بۇ کیتاب رسۇلوندور.

نه منیم دیر؟ بۇ کیتاب منیم دیر. او منیم نه ییمدیر؟ او منیم ائویمدیر. او منیم باجیم دیر.

c) اسمی که آخرین حرف ان صدادار باشد ، در صرف بخود يك حرف n می یرد و

به شکل زیر با سوند ملکی (این) و سوند صرفی (دیر) صرف می شود. مثال :

| | | |
|--------------|-------------|--------------|
| nənə,nin dir | ütü,nün dür | bibi,nin dir |
|--------------|-------------|--------------|

اسمی که آخرین حرف صدادران با اهنه بالائی است.

| | | |
|---------------|--------------|-----------|
| bacı ,nin dir | quzu,nun dur | o,nun dur |
|---------------|--------------|-----------|

اسمی که آخرین حرف صدادران با اهنه ائینی است.

xana,nın,dir . dayı,nın,dir . ananın dir .

(دو) سوند ملکی و سوند صرفی dir در صرف با ضمایر شخصی :

- در صرف ضمایر شخصی، حرف صدادران سوند ملکی و سوند صرفی وابسته به آخرین

حرف صدادران ضمایر شخصی می باشد، که در فرم سوم شخص مفرد با هماهنگی ی بزر

و با چهار سوند (im , in , in , un) بکار رفته می شود. مثال :

(a) سوند ملکی با ضمیر اول شخص مفرد و جمع با هماهنگی ی بزر و با علامت im

صرف می شود : منیم im man ، بیزیم biz im ، کیمیندیر ؟ منیم دیر. بیزیمدیر.

(b) سوند ملکی با ضمیر دوم شخص مفرد و جمع با هماهنگی ی بزر و با علامت in

صرف می شود : سنین in san ، سیزین in siz ، کیمین دیر ؟ سنین دیر. سیزیندیر.

- سوند ملکی (in) و سوند صرفی (دیر) به شکل زیر در رابطه با دوم شخص مفرد با

سوند سوم شخص مفرد مورد سوال و جواب قرار می یرد. مثال :

سنین . سنین نه یندیر ؟ سنین کیمیندیر ؟ سنین ائویندیر . سنین باجیندیر

(c) سوند ملکی با ضمیر سوم شخص مفرد با هماهنگی ی بزر و با علامت un

به شکل سوم شخص مفرد بکار رفته می شود : on , un ، اؤنوندور. اؤنون دئ یل دیر.

(d) سوند ملکی با ضمیر سوم شخص جمع با هماهنگی ی بزر و با علامت in

صرف می شود : اؤنلار in onlar ، بؤنلار in bunlar

کیمیندیر ؟ نه ین دیر ؟ اؤنلاریندیر . کیملریندیر (لر) ؟ بؤنلاریندیر (لار).

- باوجودی که حرف صدادران سوند ملکی وابسته به آخرین حرف صدادران اسم (و یا ضمیر)

می‌باشد و با همایندی بزرگ صرف می‌شود، ولی بین آنها تفاوتی نیز مشاهده می‌شود:

یعنی حرف صدادار سوند ملکی اسم با یکی از چهار حرف صدادار $i, \text{ı}, \ddot{u}, u$ و سوند ملکی ضمائر شخصی با یکی از سه حرف صدادار $i, \text{ı}, u$ بکار رفته می‌شود؛ بلکه آخرین حرف صدادار شش ضمیر شخصی ($mən, sən, o, biz, siz, onlar$) فقط با یکی از چهار حرف صدادار $a, \text{ə}, i, o$ بکار رفته می‌شود، یعنی در ترکیب آنها دو حرف صدادار \ddot{o}, \ddot{u} شرکت داده نمی‌شود، نتیجتاً سوند ملکی آنها بوسیله حرف \ddot{u} ساخته نمی‌شود. در صورتی که آخرین حرف صدادار اسم با یکی از ۹ حرف صدادار ($\text{ə}, \text{e}, i, \ddot{o}, \ddot{u}, a, \text{ı}, o, u$) بکار رفته می‌شود، نتیجتاً سوند آنها با یکی از چهار حرف صدادار $i, \text{ı}, u, \ddot{u}$ ساخته می‌شود:

- برای اشنائی هر ə بهتر با نحوه بکار پیری همایندی حروف صدادار در ترکیب سوندهای ملکی، جدولهای کوکی در زیر کشیده شده، که در دو جدول اولی ضمائر شخصی در اول جمله و در جدول آخری اسم در اول جمله قرار گرفته است:

(a) اسمی که آخرین حرف صدادار آن با ə مائینی باشد، سوند ملکی آن با یکی از دو حرف صدادار i, u ساخته شده و به شکل زیر برای ضمائر شخصی نسبت داده می‌شود:

این دو اسم به ضمیر ما قبل خود نسبت داده شده اند.

| | | | |
|-----------|-----------|--------|-------|
| mən , ım | qardaş | qız | ım |
| biz , ım | qardaş | qız | ım,ız |
| sən , in | qardaş | qız | ın |
| siz , in | qardaş | qız | ınız |
| on , un | qardaş | qız | ı(n) |
| onlar, ın | qardaşlar | qızlar | ı(n) |

اسم با یکی از این چهار سوند به ضمیر نسبت داده می شود.

این دو اسم به ضمیر ما قبل خود نسبت داده شده اند.

| | | | |
|-----------|-------|--------|-------|
| mən , ım | ox | duz | um |
| biz , ım | ox | duz | um uz |
| sən , in | ox | duz | un |
| siz , in | ox | duz | unuz |
| on , un | ox | duz | u(n) |
| onlar, ın | oxlar | duzlar | ı (n) |

اسم با یکی از این چهار سوند به ضمیر نسبت داده می شود.

- اسمی که آخرین حرف صدادار آن با ə مائینی باشد، به شکل زیر به ضمائر شخصی

بکمک کلمه عربی مال با اضافه ملکی به شکل مالِ من ، مالِ تو ، مالِ او و یا با کلمه ترکیبی از ان من و زان من بیان می کنند.

- در ترکی استانبولی به نادرست سوند صرفی (əm) را به شکل im تغییر داده اند، در نتیجه صرف سوند ملکی و سوند صرفی برای اول شخص مفرد به شکل هم صرف می شود :

ترکی استانبولی: benim (بْنِیم) بنیم با دو مفهوم من هستم ، مال من است ، معنی می دهد).

ترکی اذربایجان : مَنیم manim (بَنِیم) مال من. مَنَم manəm (بَنَم) من هستم.

حرف i نیز علامت ملکی است که مترادف با سوند in بکار رفته می شود :

- نانکه در صفحات قبلی بیان شد ، سوند ملکی در صرف با ضمائر شخصی برای اول شخص مفرد و جمع به شکل im و برای دوم شخص مفرد و جمع به شکل in و برای سوم شخص مفرد به شکل un و برای سوم شخص جمع به شکل in و در رابطه با اسم به شکل in , in , ün , un صرف می شود. اما ا ر سوند ملکی در ترکیب آخرین کلمه جمله (مصرع ، بیت و یا اسم عام ترکیبی) بکار رفته شود ، با هماهنگی بزر با یکی از چهار حرف i , ı , ü , u بکار رفته می شود. مثال:

منیم کیتایمین جیلدی . mən im kitab im in cildi ، حسنین کیتابی . حسنین کیتابلاری .

ؤبانین ایتی . رسولون اوغلو . علی نین یشی ی . داداشین ائوینین قایسی . یاشارین اوغلونون کورکو . رسولون قؤلونون توکلری . اوکوزون قویروغونون قیللاری . قویون آتی و...

حسنین کیتاینین صفحه سی جیریلدی و رسولون دا میدادینین اوچو سیندی .

- سوند in و i هر دو با مفهوم سوند ملکی بکار رفته می شوند ، ولی آنها در مواردی نیز عملکردهای متفاوتی دارند. مثال :

یك) به شکل اسم خاص: ۱) اغاجین یارماغین ، ولون کؤکون، و.. (سوال: نه یین یارماغین؟)

۲) اغاجین یارماغی ، ولون کؤکو و... (سوال: نه یین یارماغی ؟)

دو) حسنین کیتابی: در جملات مذکور سوند اولی (Hasən in) می وید که حسن کیتاب

دارد. سوند دومی (kitib i) می وید که کتاب مال حسن است.

به شکل اسم عام: الماغاجی ، اغاجیاراغی ، ول کژکو ، و... (نه اغاجی؟)

اغاجیاراغی ، نارولو ، الماسویو ، قویونسوتو

۱- (سوند ملکی، اسم نسبت داده شده را از لحاظ مفهوم وابسته می کند :

ا ر اسم و ضمیر به شکل ساده بیان شود ، ان کلمه کامل محسوب شده و با مفهوم مستقل بکار رفته می شود. مثال : حسن ، سن ، او

ا ر اسم و ضمیر با سوند ملکی (به شکل : حسنین ، سنین ، اؤنون) صرف شود ، مفهوم ان به شکل کامل و مستقل بیان نمی شود ؛ را که شنونده کلمات مذکور مضمون انها را نفهمیده و منتظر شنیدن اسمی می شود ، که بوسیله سوند ملکی به ان نسبت داده می شود. مثال :

| | | | |
|--------------------|------------------------|-------------------------|-------------------------|
| ضمیر با سوند ملکی: | منیم - کیتاییم (دیر) | سنین - کیتایین (دیر) | اؤنون - کیتایی (دیر) |
| اسم با سوند ملکی: | حسنین - کیتایی (دیر) | اغاجین - یاراغی (دیر) | رسولون - ماشینی (دیر) |

- کلمات مذکور از هم جدا بکار رفته شده ولی با مفهوم واحدی (هم ون اسم ترکیبی)

بیان می شوند. منیم کیتاییم ، اغاجین یاراغی ، رسولون ماشینی و...

(سوند ملکی و ون ی تکرار ان در ترکیب اسم و اسم

نسبت داده شده :

a) ا ر اسمی بر اسم و یا ضمیری نسبت داده شود، سوند ملکی دو بار صرف می شود ،

یعنی سوند ملکی يك بار در اسم و یا ضمیر و يك بار دی ر در اسم نسبت داده شده

تکرار می شود . مثال: منیم کیتاییم. mənim kitabım ، رسولون ائوین . Rsulun evin ،

منیم قیزیم . mənim qızım ، منیم قارداشیم. mənim qardaşım ،

منیم اؤکوزوم. mənim öküzüm ، منیم قوزوم. mənim quzum .

تکرار سوند ملکی و مفهوم متفاوت ان :

- ا ر سوند ملکی به اسم و یا ضمیری یوند بخورد ، اسم شت سری را به اسم و یا ضمیر قبلی نسبت می دهد. مثال:

رسؤلون: یعنی اسم بعدی به رسول نسبت داده می شود. (مثال: Rsulun kitabi)

منیم: یعنی اسم بعدی به من نسبت داده می شود. (مثال: mənim kitabım)

سنین: یعنی اسم شت سری به تو نسبت داده می شود. (سنین مارخین. سنین ائوین.)

- سوندی که به دومین اسم جمله یوند بخورد ، تعلق داشتن و نسبت داده شدن ان را برای اسم و یا ضمیر قبلی بیان می کند. برای مثال ا ر کلمه کیتاییم را به تنهایی بیان کنیم، باوجودی که ناقص است ولی از ان نین فهمیده می شود ، که کیتاب به من تعلق دارد. مثال :

| | | | |
|---|----------|-----------|---|
| <p>سوند (in , in , ün , un)</p> <p>در ترکیب اسم اولی بیان می کند ، که اسم بعدی به این اسم نسبت داده می شود.</p> | kitab in | cild in | <p>سوند (in , ün , um , im)</p> <p>در ترکیب اسم دوم جمله بیان می کند ، که این اسم به اسم قبلی نسبت داده می شود.</p> |
| | Rəsul un | kitab in | |
| | öküz ün | qüyrüg ün | |
| | sən in | kitab in | |
| | on un | öküz ün | |
| | biz im | ev imiz | |

تکرار سوند ملکی مفهوم جمله را دقیق تر می کند :

تکرار سوند ملکی ، علاوه بر بیان نسبت دادن و متعلق بودن و ... ، معنی کلمه را کامل تر کرده و از دو هلو بودن مفهوم کلمه و جمله جلو یری می کند. برای مثال ا ر جمله بیزیم ائویمیزین فرشی را در نظر ب یریم و ان را در زبان فارسی بیان کنیم ، به شکل ما در خانه مان فرشی داریم ، که مال خانه خود مان است معنی می دهد ، در صورتی که همان جمله در زبان فارسی به شکل ما در خانه فرش داریم بیان می شود. یعنی در زبان ترکی بوسیله تکرار سوند ملکی می توان به سوالاتی که برای شنونده جمله یش می اید، جواب داد :

شما ه کسی هستید ؟ جواب : ما صاحب خانه هستم که فرش مال ان است.

خانه مال کیست؟ خانه مال ماست. فرش مال کیست؟ فرش مال خانه ما است.

سوند ملکی **in** و تکرار آن به شکل **inin** با مفهوم متفاوت در اسامی وسط جمله :

۱- در اسامی یونان در وسط جمله به هم دیدر نسبت داده شوند ، سوند ملکی به تعداد اسم صرف شده دو بار بکار رفته می شود. مثال :

اؤنون قیزینین قین اناسینین عمی سینین اوغلو. **onun** qız, **inin** qeynanas, **inin** əmis, **inin** oğlu.

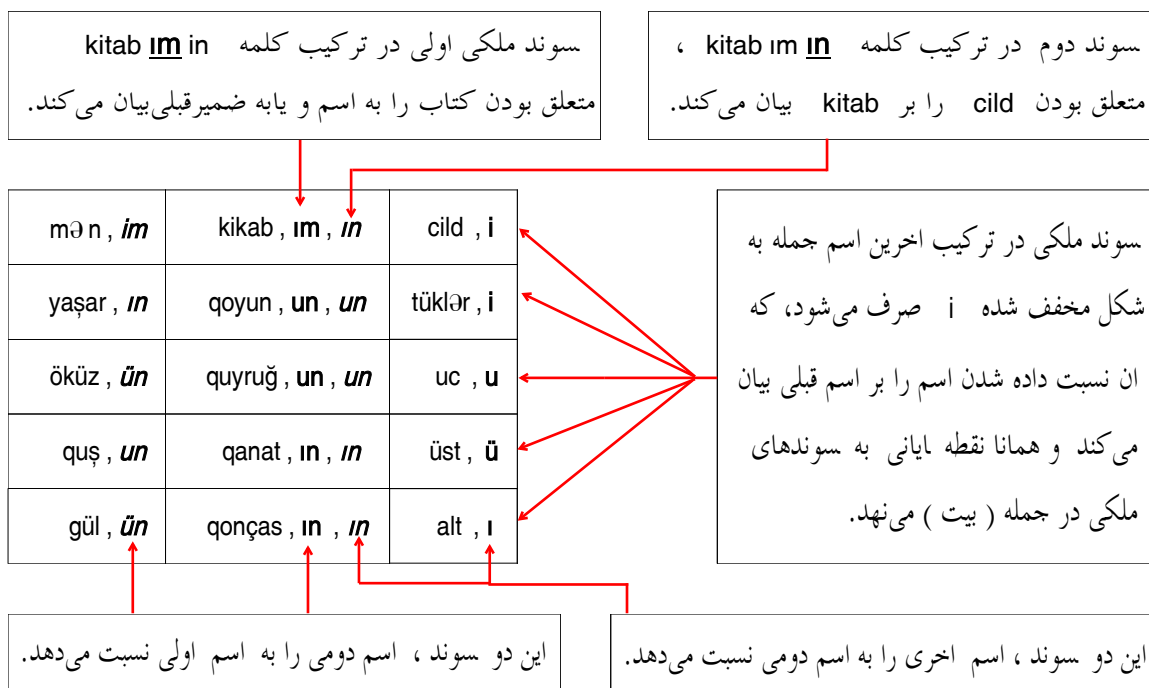
- نانکه ملاحظه می شود ، در جمله مذکور سوند ملکی در ترکیب اسامی وسط جمله تکرار و با دو

مفهوم مختلف بکار رفته شده است. برای مثال به دو سوند کلمه **qız, inin** توجه کنید :

(۱) سوند اولی (**qız in in**) می وید که قیز به اسم و یا به ضمیر قبلی نسبت داده می شود.

(۲) سوند دومی (**qız in in**) می وید که اسم شت سری به قیز نسبت داده می شود.

- برای دقیقتر شدن هر به بهتر موضوع به صرف کلمات مختلف در جدول زیر نیز توجه کنید :



صرف سوند ملکی **i** و **inin** برای سوم شخص و اشخاص دور تر:

- سوند ملکی (**inin , i**) ، تنها نسبت داده شدن اسم را برای سوم شخص مفرد بیان

می‌کند، بلکه اشخاص دورتر را نیز به هم دی ر نسبت می‌دهد. منظور از اشخاص دورتر این است، که در زبانهای زنده جامعه بشری، برای بیان اشخاص دورتر علامت ویه ای (مثل ضمیر و سوند ملکی و یا سوند صرفی) بوجود نیامده است، نتیجتاً برای بیان آنها از علائم سوم شخص مفرد استفاده می‌شود. مثال:

من، سنین قارداشینین قیزینین ائوینین قایسینین امارینی تادیم.

نآنکه ملاحظه می‌شود، تکرار سوند ملکی (به شکل: in, in) نه تنها برای سوم شخص مفرد صرف می‌شود، بلکه برای اشخاص دورتر نیز در همان فرم و مفهوم بکار رفته می‌شود. بعبارت دی ر در جمله مذکور من اول شخص، سن دوم شخص، قارداش سوم شخص و قیز چهارم شخص، ائو نجم شخص، قای ششم شخص، قیفیل هفتم شخص و امار هشتم شخص مفرد می‌باشد، که همه آنها با سوند ملکی سوم شخص مفرد بکار رفته شده اند، راکه علامت ویه ای برای اشخاص دورتر موجود نیست؛ در نتیجه آنها به شکل سوم شخص مفرد صرف شده اند. در مواردی نیز بجای ان اعداد ترتیبی بکار رفته می‌شود. مثال:

a) با سوند ملکی: منیم باجی قیزیمین قین نین باشینین ساغ طرفینین توکلی اغاریدیر.

b) با شماره و سوند ملکی: بۇ ایشین ای پنده تك ايکینجی و او ونجو شخصین آلی یوخ، بلکه دؤردونجو و بئشینجی شخصین ده آلی وار.

- برای اشنائی هر به بهتر با نحوه بکار پیری هماهنگی حروف صدادار سوند ملکی و تکرار ان به شکل in in، در صفحه زیر جدولهایی کشیده شده اند، که اولین کلمه جدول اولی با ضمیر شخصی و اولین کلمه جدول دومی با اسم آغاز می‌شود:

a) اولین کلمه جمله برای ضمیر اول و دوم شخص مفرد و جمع با سوند im، برای ضمیر دوم شخص مفرد و جمع به شکل in، برای ضمیر سوم شخص مفرد به شکل un، برای سوم شخص جمع به شکل in و برای اسامی مختلف در وسط جمله

به شکل تکرار *in in* برای آخرین اسم جمله با سوند *i* با همایندی بزرگ بکار رفته می‌شود:

| آخرین سوند ملکی جمله با همایندی بزرگ صرف می‌شود | | | | | | | | | | سوند ملکی ضمائر شخصی به شکل زیر صرف می‌شود: | | | | | | | | | |
|---|-----------------|--------|--------|-----|------|-----|------|--------|----------|---|-------------------|--------|-------|-----|------|-----|------|--------|----------|
| اول شخص مفرد و جمع | mən , <i>im</i> | qardaş | im in | qız | ının | baş | ının | saçlar | <i>i</i> | دوم شخص مفرد و جمع | sən , <i>in</i> | qardaş | ının | oğl | unun | səs | inin | ucalığ | <i>i</i> |
| | biz , <i>im</i> | qardaş | ımızın | qız | ının | səs | inin | ucalığ | <i>i</i> | | siz , <i>in</i> | bacı | nızın | qız | ının | maş | ının | ön | <i>ü</i> |
| سوم شخص مفرد و جمع | on , <i>un</i> | qardaş | ının | qız | ının | maş | ının | motor | <i>u</i> | | onlar , <i>in</i> | qardaş | ının | qız | ının | maş | ının | təkər | <i>i</i> |
| | | | | | | | | | | | | | | | | | | | |

این سوند ملکی مخفف شده است. سوند ملکی در اسامی وسط جمله به شکل *inin* تکرار می‌شود.

- سوند اولین اسم جمله به شکل *ik* سوند و سوندهای اسامی وسطی جمله با دو سوند

inin و سوند آخرین اسم جمله به شکل *i* با همایندی بزرگ صرف می‌شود:

| | | | | | | | | | |
|-------|-----------|------|-------|--------|------|--------|------|----------|----------|
| Həsən | <i>in</i> | at | in in | qulağ | ının | üst | ünün | yaras | <i>i</i> |
| yaşar | <i>in</i> | at | ının | qulağ | ının | alt | ının | yaras | <i>i</i> |
| it | <i>in</i> | başı | ının | yan | ının | tüklər | inin | tökültüs | <i>ü</i> |
| Rəsul | <i>un</i> | it | inin | boyn | unun | tüklər | inin | rəng | <i>i</i> |
| yol | <i>un</i> | üst | ünün | torpağ | ının | rəng | inin | sarılığ | <i>i</i> |
| gül | <i>ün</i> | üst | ünün | torpağ | ının | rəng | inin | sarılığ | <i>i</i> |

آخرین سوند ملکی سوندهای وسطی جمله تکرار می‌شوند. سوند ملکی در اولین اسم جمله تکرار نمی‌شود.

توجه: - را در اولین کلمه جمله سوند ملکی تکرار نمی‌شود؟ برای اینکه آن به اسم دی ر نسبت داده نمی‌شود.

- را در آخرین اسم جمله سوند ملکی تکرار نمی‌شود؟ به این دلیل که اسم دی ری به آن نسبت داده نمی‌شود.

- را در اسامی وسطی جمله سوند ها تکرار می‌شوند؟ زیرا یکی از آنها اسم را به اسم قبلی نسبت می‌دهد و

دی ری اسم بعدی را به آن نسبت می‌دهد و بدین سان نیز جمله غیر قابل تغییر و تفسیر می‌شود.

۷) اسمی که آخرین حرف ان صدا دار می باشد با حرف س و سوند ملکی بکار رفته می شود. مثال :

| | | |
|---------------|-------------|----------|
| اؤنون ننه سی | onun nənəs | مادر او |
| اؤنون بیبی سی | onun bibisi | عمه او |
| اؤنون نۆه سی | onun nəvəsi | نوه او |
| اؤنون اوتوسو | onun ütüsü | اتوی او |
| اؤنون قۇزوسو | onun quzusu | بۆه او |
| اؤنون عمی سی | onun əmisi | عموی او |
| اؤنون باجی سی | onun bacısı | خواهر او |
| اؤنون آتاسی | onun atası | مدر او |
| اؤنون خالاسی | onun xalası | خاله او |
| اؤنون بالاسی | onun balası | فرزند او |

- کلمات مذکور در اخر جمله با حرف اضافی s همراه سوند ملکی i صرف می شوند. مثال :

شېستری : مەشتمدیر تورک بالاسی ئۇی مسجد آرکین قالاسی

توجه: - ا ر حرف س در ترکیب اسامی وسط جمله بکار رفته شود ، سوند ملکی ان همانند سایر کلمات

به شکل inin تکرار می شود و سوند اخری جمله نیز با سوند ملکی i صرف می شود. مثال:

اؤنون اتاسینین دۆه سی. اؤنون ئی سینین بالاسی. اؤنون اؤداسینین هاواسی.

- از اینکه آخرین حرف کلمات جدول مذکور حرف صدا دار می باشد ، نتیجتاً در حالت های

تصرفی يك حرف n بخود رفته و به شکل زیر صرف می شود :

| نام حالتها | ترکیبی | فارسی | مدر انان | مدران انان |
|-------------|-----------------|----------------|------------|---------------------|
| حالت فاعلیت | اؤنون آتاسی | onun atası | مدر او | اؤنلارین اتالاری |
| حالت به | اؤنون آتاسی نا | onun atasına | به مدر او | اؤنلارین اتاسی نا |
| حالت در | اؤنون آتاسی ندا | onun atasında | در مدر او | اؤنلارین اتاسی ندا |
| حالت از | اؤنون آتاسیندان | onun atasından | از مدر او | اؤنلارین اتاسی ندان |
| حالت را | اؤنون آتاسی نی | onun atasını | مدر او را | اؤنلارین اتاسی نی |
| اضافه ملکی | اؤنون آتاسی نین | onun atasının | مال مدر او | اؤنلارین اتاسی نین |

- سوم شخص جمع (اؤنلارین اتالاری) حرف س بخود نمی یرد ، را که ان با سوند لار جمع

بسته می‌شود، نتیجتاً آخرین حرف ان (مثل: اتالار) به حرف ر تبدیل می‌ردد.

- در رابطه با نحوه بکار گیری حرف s با سوند ملکی i، به اشعار زیر توجه

کنید: (از کتاب نچینه های ادبی اذربایجان رد اورنده حسین داریان).

حسین داریان: خوروزوم، خوروزوم ول داناسی خوروزوم یئیه جاق (جک) ناردانه سی

ؤره سن ادام دا دؤغار ادام بالاسی؟ یا ادام دا دؤغار ایت بالاسی؟

بختیار وهاب زاده: دی، هارا سیغیشیر، هارا، ائی زامان، بۇ بۇیدا تحقیره خالقین دؤزمه سی

دده قۇرقود کیمی دده سی اؤلان میلتین اؤزونه دده زمه سی.

تکان تلمی رسول: از کتاب اتالار سوزلری نین کؤکلی از کتاب بهروزحق:

لالام لالاسی، بیر ون اؤلاسی، بالامین اؤشاغی اؤلاسی

شهریار: حیدر بابا قارا من جاداسی اؤوؤشلارین لمر سسی صداسی و...

حیدر بابا، داغین داشین سره سی، کهللیک اؤخور، دالیسیندا فره سی.

قۇزولارین اغی، بۇزو، قره سی (قاراسی)، و...

- کلمه جاده سی یک حرف اضافی ن بخود می یرد و به شکل زیر در حالت های

تصریفی صرف می‌شود: جاداسی (جادداسی)، جاداسی نا، جاداسی ندا،

جاداسی ندان، جاداسی نی، جاداسی نین

توجه: از اینکه آخرین حرف صدادر جاداسی با اهنه ائینی می‌باشد، نتیجتاً تمام سوندهای

ان با حروف صدادر با اهنه ائینی ساخته می‌شود. مثال: cada,da,kın,da.

- در رابطه با بکار گیری حالت های تصریفی اسم در جمله به مطالب زیر نیز توجه کنید:

(a) در جمله بندی زبان ترکی جای اسم و ضمائر شخصی و سوند حالات تصریفی بر

عکس زبان فارسی عوض نمی‌شود و هر کلمه ای در جای ثابت و مشخص خود

صرف می‌شود. بعبارت دیگر را به ترکیب کلمه لدر او را و یا به لدر او

توجه کنیم، مشاهده می‌شود که کلمه او همانند دو کلمه دی ر (از لدر او)

جای خود را عوض می‌کند و به س و یش کشیده می‌شود، در صورتی که در زبان ترکی کلمات مذکور جای خود را عوض نمی‌کنند:

(به در او : [به در یش ، در در وسط و او در س] ،
 در او را : [در در یش ، او در وسط و او در س]
 مال در او : [مال و اضافه ملکی (-) در یش و در در وسط و او در ایان]
 از در او : [از در یش ، در در وسط و او در س])

b) در جمله بندی کلمات ترکی، ابتدا اسم و یا ضمیر با سوند ملکی و سس اسمی که به اسم قبلی نسبت داده شود، به ترتیب شت سر هم (با تکرار سوندهای ملکی) بکار رفته می‌شود. مثال: حسن نین ائوینین ایکینجی طبقه سینین قایسی خراب دیر.

Həsən in evin in ikinci təbəqəsin in qapısı xarabdır.

در ترکیب جمله مذکور، اول حسن مالک و بعد خانه که به وی تعلق دارد و بدنبال آن دری که به خانه تعلق دارد و سس خرابی که به در وارد شده به ترتیب شت سر هم (بر عکس زبان فارسی) بکار رفته می‌شود.

۸) سوند ملکی در ترکیب با کلمات تک سیلابی :

- اسامی تک سیلابی که آخرین حرف آنها صدادار باشد، در حالت‌های تصریفی (بر عکس کلمات نند سیلابی) حرف n بخود نمی‌یرند، بلکه با حرف تکمیلی (y) بکار رفته می‌شوند. مثال:

| | | | | | | | |
|-------|-------|--------|-------|---------|---------|-----------|---------|
| manim | suyum | منیم | سُیوم | bizim | suyumuz | بیزیم | سُیوموز |
| sənin | suyun | سنین | سُیون | sizin | suyunuz | سیزین | سُیونوز |
| onun | suyu | اُونون | سُیو | onların | suları | اُونلارین | سُولاری |

- به صرف کلمات مذکور در جملات زیر نیز توجه کنید:

بۇ ئىشمە نین سۇیو، بۇ ساعاتدان منیم دیر. (منیم سۇیومدور. بیزیم سۇیوموزدور.)

بۇ کهریزده منیم او ساعات سۇيوم وار. ایندی بۇ کهریزین سۇيو منیم دیر.
 من بۇ سۇيوم لا باغلاریمی سۇوارارام. بۇ دئیزین سۇيو درین و دالقالی دیر.
 بۇ ششمه نین سۇيو ای حلی و سریندیر. من بۇ ششمه نین سۇيوندان ای حمه رم.
 بۇ ششمه نین سۇيوندان ای حک اؤلماز.

- کلمه نه نیز یک سیلابی و آخرین حرف ان نیز صدادار است ، در نتیجه ان نیز با حرف y صرف می شود: نه یین دیر؟ بۇ سنین نه ییندیر؟

نه یینه ؟ n əyin ə ، نه یینی ؟ n əyini ، نه ییین ؟ n əyinin

- کلمات تک سیلابی که آخرین حرف انها صدادار باشد ، با حرف تکمیلی y به شکل زیر در حالت های تصریفی صرف می شوند :

| mən,im | sən,in | on,un | biz,im | siz,in | on,lar,in | ضمیر و سوند ملکی |
|----------|----------|----------|------------|------------|------------|------------------|
| suyum | suyun | suyun | suyumuz | suyunuz | suların | حالت فاعلیت |
| suyuma | suyuna | suyuna | suyumuza | suyunuza | sularına | حالت به |
| suyumda | suyunda | suyunda | suyumuzda | suyunuzda | sularında | حالت از |
| suyumdan | suyundan | suyundan | suyumuzdan | suyunuzdan | sularından | حالت در |
| suyumu | suyunu | suyunu | suyumuzu | suyunuzu | sularını | حالت را |
| suyumun | suyunun | suyunun | suyumuzun | suyunuzun | sularının | اضافه ملکی |

| | |
|---------------------------------|--|
| سوم شخص جمع حرف y بخود نمی یرد. | نین اسمی برای دوم و سوم شخص مفرد به یک شکل صرف می شود. |
|---------------------------------|--|

توجه: a) در محاوره کلمه سۇ برای دوم شخص مفرد با سوند ملکی uv نیز بکار رفته

می شود: suyuva ، suyuvu ، suyuvun

b) از اینکه آخرین حرف سوم شخص جمع (لر، لار) حرف بی صدا می باشد. نتیجتاً در

صرف یک حرف y بخود نمی یرد.

. suların , sularına , sularında , sularından , sularını , sularının .

c) از اینکه حالت‌های تصریفی سؤ برای دوم و سوم شخص مفرد شبیه هم صرف می‌شود ، بهتر است که آنها همراه ضمیر شخصی (من ، سن ، او) بکار رفته شوند. مثال :

منیم سؤیومدان . سنین سؤیوندان . اونون سؤیوندان . و...

- کلمات مذکور به شکل زیر در جمله بکار رفته می‌شوند :

ؤزله یین ، اؤشاقلار یاغیش سؤیوندان ای مه سین (لر) !

سئل سؤیونو قایناتمامیش (قئینه مه میش) ای مه یین !

۹) سوند ملکی و حذف ان در محاوره از اسم نسبت داده شده :

نانکه در بخش‌های قبلی بیان شد ، ا ر اسمی به اسم و یا ضمیری نسبت داده شود ، سوند ملکی ان یک بار با اسم و یا ضمیر و یک بار دی ر با اسم نسبت داده شده بکار رفته می‌شود. مثال: منیم ائویم manim evim ، سنین ائوین sanin evin ، اونون ائوی.

. onun evi ، بیزیم ائویمیز ، سیزین ائوینیز ، اونلارین ائولری ، و...

- در مواردی (در محاوره) ، در رابطه با حیوانات و اشیاء ، یکی از علائم ملکی را در دومین اسم جمله که آخرین اسم جمله نیز محسوب می‌شود ، به نادرست حذف کرده و ان را به شکل زیر نیز در حالت‌های تصریفی صرف می‌کنند :

| | | | |
|-------------|-----------------|------------------------|--------------------------|
| حالت فاعلیت | یالین اد | منیم ائو manim ev | منیم باغ manim bağ |
| حالت به | ه ، ا ه حالی | منیم ائوه manim evə | منیم باغا manim bağ,a |
| حالت در | ده ، دا ده حالی | منیم ائوده manim evdə | منیم باغدا manim bağ,da |
| حالت از | دن ، دن حالی | منیم ائودن manim evdən | منیم باغدان manim bağdan |
| حالت را | ای ، ای حالی | منیم ائوی manim evi | منیم باغی manim bağ,ı |
| اضافه ملکی | این ، این حالی | منیم ائوین manim evin | منیم باغین manim bağ,in |

سنین ائوه ، سنین ائوده ، سنین ائوین . اونون ائوه ، اونون ائوی ، اونون ائوین

بیزیم ائوه ، بیزیم ائوده ، بیزیم ائوی ، بیزیم ائوین . سیزین ائوه ، سیزین ائوده ، سیزین ائوی ، سیزین ائوین . اؤنلارین ائو ، اؤنلارین ائوینی ، اؤنلارین ائوین . و...

- کلمات مخفف شده مذکور به شکل زیر در جمله بکار رفته می شوند :

بیزیم قوزو وۇراغان دیر . (اصل جمله : بیزیم قوزوموز وۇراغاندیر .)

سنین اینک یۇنجالیقدادیر . (اصل جمله : سنین ایندین یۇنجالیغیندادیر .)

سنین اغاجلار سۇسویوبلار . (اصل جمله : سنین اغاجلارین سۇسویوبلار .)

توجه : a) منیم ائو ، در زبان فارسی به شکل خانه من معنی می دهد ، ولی منیم ائویم (که در زبان ترکی صحیح است) ، به شکل خانه ام ، که مال خودم است . معنی می دهد . بدین سان در زبان ترکی به سوال اینکه خانه مال کیست ؟ به شکل مال من است و به سوال من کی هستم ؟ به شکل من صاحب خانه هستم جواب داده می شود .

b) سوندملکی را در رابطه با اشخاص به هی وجه نباید حذف کرد ، بلکه باید ان را

به شکل زیر تکرار کرد . مثال :

منیم دده م (mənīm dədəm (atam ، منیم آنام mənīm anam

منیم عمیم ، منیم خالام ، منیم باجیم ، منیم داییم و

۱ . مخفف شدن سوندملکی از اسمی که آخرین حرف ان

صدا دار می باشد :

- ا ر آخرین حرف اسمی صدا دار باشد (مثال : انا ، اتا ، باجی ، قۇجا) و بدنیا ان

سوندملکی اول و دوم شخص مفرد و جمع ، که اولین حرف ان صدا دار (مثل :

nənə , im) هست ، بکار رفته شود ، در صرف بجای اضافه کردن حرف تکمیلی

y (به بین دو حرف صدا دار به شکل : nənə , y , im) ، از ان يك حرف صدا دار

حذف می شود . مثال :

ننه م nənəm ، دده م dədəm ، باجیم bacım ، اتام atam

عمیم ، بییم ، خالام ، داییم ، ...

نانکه ملاحظه می شود ، کلمات مذکور از دو بخش ترکیب یافته اند ، که بخش اول آنها

اسم و قسمت دوم آنها سوند ملکی می باشد که به شکل زیر از هم تجزیه می شوند :

ata ,m ، bacı ,m ، dədə ,m ، nənə ,m

در ترکیب کلمات مذکور حرف m بجای سوند ملکی im صرف شده است ،

که سوند ملکی هم ون m در زبان ترکی موجود نیست ، بنابر این ترکیب اصلی

کلمات مذکور با سوند ملکی (im) به شکل زیر می باشند:

ata ,im ، bacı ,im ، dədə ,im ، nənə ,im .

باجی ایم bacı im ، خالایم ، عمی ایم ، عمه ایم ، بی بی ایم ، قۇزوم ، ئی ی ایم و...

در صرف کلمات مذکور دو حرف صدادار در کنار هم قرار گرفته اند ، که با قانون

همانند ی می بایست به بین آنها يك حرف تکمیلی (y) افزوده شده و به شکل زیر

صرف شوند :

منیم ننه ییم mənim nənəyim ، منیم دده ییم mənim dədəyim ،

منیم باجی ییم . mənim bacıyım ، خالاییم ، عمی ییم ، عمه ییم ،

بییی ییم ، قۇزویوم ، ئی ی ییم و...

از اینکه کلمات مذکور دراز و طویل می باشند ، در نتیجه در سیر تکاملی زبان بدون

اینکه به مفهوم اصلی آنها صدمه بخورد ، از آنها دو حرف iy و یا uy حذف

شده و امروزه به شکل مخفف شده زیر بکار رفته می شوند :

منیم باجیم mənim bacım ، منیم اتام mənim atam ، خالام ، عمیم ، عمه م ، بی ییم و...

- برای آشنائی هر به بهتر با نحوه مخفف شدن سوند ملکی ، در صفحه زیر دو جدول

کو کی در کنار هم کشیده شده اند ، که آخرین حرف صدادار کلمات جدول سمت

راستی با اند بالائی و آخرین حرف صدادار کلمات جدول سمت ی با اند لائینی

می باشد. اسامی جدول زیر برای اول شخص مفرد صرف می شود :

| | | | |
|--|--|---|---|
| اسمی که آخرین حرف صدادار آن با اهـ بالائی می باشد. | | اسمی که آخرین حرف صدادار آن با اهـ باینی می باشد. | |
| <div>mənim</div> <div>ضمیر شخصی</div> | <div>nənə , yi , m</div> <div>dədə , yi , m</div> <div>bibi , yi , m</div> <div>ütü , yū , m</div> | <div>mənim</div> <div>ضمیر شخصی</div> | <div>ana , yi , m</div> <div>ata , yi , m</div> <div>dayı , yi , m</div> <div>quzu , yu , m</div> |
| | <div>nənəm</div> <div>dədəm</div> <div>bibim</div> <div>ütüm</div> | | <div>anam</div> <div>atam</div> <div>dayım</div> <div>quzum</div> |
| | <div>از کلمات مذکور دو حرف yū و یا yi حذف می شود.</div> | | <div>از کلمات مذکور دو حرف yu و یا yi حذف می شود.</div> |
| | <div>کلماتی که مخفف شده اند.</div> | | <div>کلماتی که مخفف شده اند.</div> |

- نانکه ملاحظه می شود ، کلمات مختلف جدول مذکور برای اول شخص مفرد صرف شده اند ، اما شیوه عمل مذکور در رابطه با اول و دوم شخص مفرد و جمع نیز بکار رفته می شود. اکنون برای مثال کلمه انا و نه را در نظر می گیریم و آنها را در دو جدول زیر برای

اول و دوم شخص مفرد و جمع صرف می کنیم :

| | | | |
|---|---|---|---|
| اسمی که آخرین حرف صدادار آن با اهـ بالائی می باشد | | اسمی که آخرین حرف صدادار آن با اهـ باینی می باشد. | |
| <div>mənim</div> <div>sənin</div> <div>bizim</div> <div>sizin</div> <div>ضمایر شخصی</div> | <div>nənə , yi , m</div> <div>nənə , yi , n</div> <div>nənə , yi , miz</div> <div>nənə , yi , niz</div> | <div>mənim</div> <div>sənin</div> <div>bizim</div> <div>sizin</div> <div>ضمایر شخصی</div> | <div>ana , yi , m</div> <div>ana , yi , n</div> <div>ana , yi , miz</div> <div>ana , yi , niz</div> |
| | <div>nənəm</div> <div>nənən</div> <div>nənəmiz</div> <div>nənə ni z</div> | | <div>anam</div> <div>anan</div> <div>anamiz</div> <div>ana ni z</div> |
| | <div>از اسامی مذکور دو حرف yi حذف می شود.</div> | | <div>از اسامی مذکور دو حرف yi حذف می شود</div> |
| | <div>کلماتی که مخفف شده اند.</div> | | <div>کلماتی که مخفف شده اند.</div> |

- توجه شود که کلمات مذکور در صرف برای سوم شخص مفرد و جمع مخفف

نمی‌شوند ، را که در صرف به آخر آنها حرف بی‌صدا می‌خورد. مثال :

(a) اسمی که آخرین حرف آن صدادار باشد و برای سوم شخص مفرد نسبت داده شود ، در حالت تصریفی به ان يك حرف س افزوده می‌شود ؛ در نتیجه آخرین حرف ان تبدیل به حرف بی‌صدای س می‌ردد و بدین سان به اضافه کردن حرف تکمیلی ی نیازی نمی‌ماند. مثال:

اؤنون دده سینین ماشینی . اؤنون ننه سینین ائوی . اؤنون باجی سینین آری .
اؤنون خالاسینین ماشینی . اؤنون ئی سینین بۇرنوزو . اؤنون دوه سینین بۇینو .
اؤنون دوه سینین سوتو . اؤنون قۇزوسونون یونو . و

(b) نانکه ملاحظه می‌شود ، بین کلمه دده ، ننه ، باجی و سوند ملکی يك حرف اضافه س افزوده شده و بدین سان بجای nanayi به شکل nanasi صرف شده است.

(c) ضمیر سوم شخص جمع از ترکیب کلمه o و حرف اضافه n و علامت جمع lar تشکیل می‌یابد ، نتیجتاً آخرین حرف ان (لار ، لر) به حرف بی‌صدای ر تبدیل می‌شود و بدین سان نیازی به اضافه کردن حرف س و یا حرف y ندارد. مثال:

اؤنلارین دده لری ، اؤنلارین ننه لری ، اؤنلارین باجی لاری ، اؤنلارین دایی لاری ،
(ا ر از يك مدر باشند : اؤنلارین دده سی ، اؤنلارین ننه سی ، اؤنلارین باجی سی .) و ...

(۱۱) سوند ملکی همراه اسم با حالت مفعول با واسطه در و

کلمه ربطی کی با مفاهیم مختلف زیر بکار رفته می‌شود :

در زبان ترکی، اسم و ضمیر را می‌توان با سوند حالت تصریفی ده و با سوند ملکی همراه کلمه ربطی کی ترکیب داد و بعنوان کلمه ترکیبی و یا جمله (بدون فعل) با مفهوم انه که مال من است بکار رفت و به شکل زیر در حالت‌های تصریفی

صرف کرد. مثال: (کلمه منیمکی از سه بخش تشکیل می‌یابد: من، ایم، کی)

| ضمایر شخصی | | من | سن | اؤ | بیز | سیز | اؤنلار |
|------------|-------------|------------|------------|-------------|-------------|-------------|-----------------|
| ۱ | حالت فاعلیت | منیمکی | سنینکی | اؤنونکو | بیزیمکی | سیزینکی | اؤنلارینکی |
| ۲ | حالت به | منیمکی نه | سنینکی نه | اؤنونکونا | بیزیمکی نه | سیزینکی نه | اؤنلارینکی نا |
| ۳ | حالت در | منیمکی نده | سنینکی نده | اؤنونکوندا | بیزیمکی نده | سیزینکی نده | اؤنلارینکی ندا |
| | حالت از | منیمکی ندن | سنینکی ندن | اؤنونکوندان | بیزیمکی ندن | سیزینکی ندن | اؤنلارینکی ندان |
| | حالت را | منیمکی نی | سنینکی نی | اؤنونکونو | بیزیمکی نی | سیزینکی نی | اؤنلارینکی نی |
| | حالت ملکی | منیمکی نین | سنینکی نین | اؤنونکونون | بیزیمکی نین | سیزینکی نین | اؤنلارینکی نین |

- اسم را نیز می‌توان با سوند ملکی و کلمه ربطی کی ترکیب داد و با مفهوم از به

که مال وی است. بکار رفت و در حالت‌های تصرفی صرف کرد. مثال:

(ترکیب کلمه: حسن، حسنین، حسنینکی)

| حالت‌های اسم | | حسن | ائلل | قیز | رسول | قوش | یؤل |
|--------------|-------------|------------|-------------|--------------|--------------|-------------|-------------|
| ۱ | حالت فاعلیت | حسینکی | ائلینکی | قیزینکی | رسولونکو | قوشونکو | یؤلونکو |
| ۲ | حالت به | حسینکی نه | ائلینکی نه | قیزینکی نا | رسولونکونا | قوشونکونا | یؤلونکونا |
| ۳ | حالت در | حسینکی نده | ائلینکی نده | قیزینکی ندا | رسولونکوندا | قوشونکوندا | یؤلونکوندا |
| | حالت از | حسینکی ندن | ائلینکی ندن | قیزینکی ندان | رسولونکوندان | قوشونکوندان | یؤلونکوندان |
| | حالت را | حسینکی نی | ائلینکی نی | قیزینکی نی | رسولونکونو | قوشونکونو | یؤلونکونو |
| | حالت ملکی | حسینکی نین | ائلینکی نین | قیزینکی نین | رسولونکونون | قوشونکونون | یؤلونکونون |

- توجه شود که در ترکیب کلمات مذکور می‌توان سوندها را س و یش کرده و با مفاهیم

جدیدی بکار رفت: حسن ده کی، حسن ده کینده کی، و...

- اسم و یا ضمیر شخصی را می‌توان با سوند ده و کلمه ربطی کی و سوند ملکی ترکیب داد و به شکل زیر در حالت‌های تصریفی صرف کرد. مثال :

منده کینین ، سنده کینین ، اؤندا کینین ،

بیزده کینین ، سیزده کینین ، اؤنلار دا کینین.

- اسم و ضمیر شخصی نه تنها يك بار با کلمه ربطی کی و سوند ملکی ترکیب می‌یابد ، بلکه تکرار شده و با مفهوم جدیدی نیز بکار رفته می‌شود.

منیم کینده کی ، سنین کینده کی ، اؤنونکوندا کی ،

بیزیمکینده کی ، سیزیمکینده کی ، اؤنلارینکی ندا کی ..

- تمامی کلماتی که در فرم مذکور ساخته می‌شوند ، به شکل سوم شخص مفرد با فعل دیر با هماهنگی بزر صرف می‌شوند. مثال :

کیمده کینده دیر؟ منده کینده دیر. کیمین کینین دیر؟ حسنینکین دیر.

کیمین کینده دیر؟ حسنین کینده دیر. منیم کینده دیر. ...

- اسم و یا ضمیر را می‌توان با سوند حالت در (ترکی: ده ، دا) و کلمه ربطی کی ترکیب داد و با مفهوم در ان یزی که در یش من است بکار رفت و همانا سوند ده و کلمه ربطی کی را تکرار کرد و با مفهوم جدیدی بکار رفت. مثال :

منده کینده کی ، سنده کینده کی ، اؤندا کی ندا کی ،

بیزده کی نده کی ، سیزده کینده کی ، اؤنلاردا کی ندا کی

- اسم و ضمیر با سوند ده ، حرف ن ، کلمه ربطی کی و سوند ملکی ترکیب می‌یابد و به شکل زیر تکرار شده و با سوند صرفی دیر صرف می‌شود. مثال :

منده کینده کیندن دیر. سنده کینده کیندن دیر. اؤندا کیندا کیندان دیر. حسن ده کینده کیندن دیر.

بیزده کینده کیندن دیر. سیزده کینده کیندن دیر. اؤنلاردا کیندا کینداندیر. یاشاردا کیندا کینداندیر.

منیم کینده کینده کی. سنین کینده کینده کی (لر). (حسنین کینده کینده کی).

(۱۲) تغییر سوند اسم نسبت داده شده به دوم و سوم شخص مفرد :

يك (بكار پری سوند in بجای iv : in

- نانکه در بخشهای قبلی نیز اشاره شد ، ا ر اسمی به ضمیر دوم و سوم شخص مفرد نسبت داده شود، سوند ملکی ان شبیه هم بكار رفته شده و با هماهنگی بزر به شکل in ,in ,ün ,un صرف می شود.

(a) اسمی که آخرین حرف ان صدادار و با اهنه آئینی باشد، با یکی از دو سوند in و یا ün به ضمیر دوم شخص و سوم شخص مفرد نسبت داده می شود :

| | | | | | | |
|--------|----|--------------|---------------|---------------|---------------|---------------|
| sən in | >> | at <u>in</u> | qız <u>in</u> | don <u>un</u> | yol <u>un</u> | duz <u>un</u> |
| onun | >> | at <u>in</u> | qız <u>in</u> | don <u>un</u> | yol <u>un</u> | duz <u>un</u> |

(b) اسمی که آخرین حرف صدادار ان با اهنه آئینی باشد ، با یکی از دو سوند in و یا ün به ضمیر دوم شخص و سوم شخص مفرد نسبت داده می شود :

| | | | | | | |
|--------|----|--------------|--------------|---------------|---------------|---------------|
| sən in | >> | əl <u>in</u> | ev <u>in</u> | diş <u>in</u> | göz <u>ün</u> | gül <u>ün</u> |
| onun | >> | əl <u>in</u> | ev <u>in</u> | diş <u>in</u> | göz <u>ün</u> | gül <u>ün</u> |

توجه : - سوند ملکی در مواردی در رابطه با سوم شخص مفرد به شکل مخفف شده (i , u) بكار

رفته می شود. مثال : اونون قیزی i onun qızi ، اونون ائوی i onun ev i

- کلماتی که با سوند مخفف شده صرف شوند ، ا ر انها در حالت های تصریفی صرف شوند،

يك n اضافه شده و به شکل اصلی خود (in) به ضمیر دوم شخص مفرد نسبت داده

می شوند. مثال : اونون قیزینا ina onun qızina ، اونون ائوینی ini onun ev ini و ...

(c) برای جلو پری از تشابه سوند ملکی اسم نسبت داده شده ، ان را در مواردی در رابطه با دوم شخص مفرد از شکل اصلی خود (in) به شکل iv تغییر می دهند ؛ ولی این تغییر شکل به شرح زیر در همه جا بكار رفته نشده ، بلکه تنها در سه حالت تصریفی بدرستی فهمیده می شود. برای مثال به صرف حالت های زیر توجه کنید که بعضی از انها

فهمیده شده و بعضی نیز فهمیده نمی‌شوند :

۱- اسم را بتنهائی با سوند ملکی iv به ضمیر دوم شخص مفرد نسبت دهیم کلمه نادرست بوده و فهمیده نمی‌شود :

| | | | | | | |
|--------|-----|------------------------|---------------|---------------|---------------|---------------|
| sən in | > > | at <u>iv</u> | qız <u>iv</u> | don <u>uv</u> | duz <u>uv</u> | |
| sən in | > > | ol<u>iv</u> | ev <u>iv</u> | diş <u>iv</u> | göz <u>üv</u> | gül <u>ün</u> |

- باوجودی که اسامی مذکور با سوند iv نادرست هستند ، ولی آنها را در حالت تصریفی بکار می‌یرند. برای مثال کلمه ev (خانه) را در نظر گرفته و آن را در سمت راست دو جدول زیر با سوند iv و در سمت آنها با سوند in به ضمیر دوم شخص مفرد نسبت داده و در حالت‌های تصریفی صرف می‌کنیم ، کلمات صرف شده با سوند iv تنها در سه حالت تصریفی فهمیده می‌شوند ، در صورتی که با سوند in در همه شش حالت تصریفی بکار رفته شده و فهمیده می‌شوند :

| علائم تصریفی اسم | | از شش حالت تصریفی تنها سه حال آن با سوند iv درست فهمیده می‌شود. |
|------------------|--------------|---|
| یالین اد | سنین ائویو | sənin ev iv : فهمیده نمی‌شود |
| ه حالی | سنین ائویوه | sənin ev ivə : فهمیده می‌شود |
| ده حالی | سنین ائویوده | sənin ev ivdə : فهمیده نمی‌شود |
| دن حالی | سنین ائویودن | sənin ev ivdən : فهمیده نمی‌شود |
| ای حالی | سنین ائویوی | sənin ev ivi : فهمیده می‌شود |
| این حالی | سنین ائویوین | sənin ev ivin : فهمیده می‌شود |

↑

صرف سوند ملکی in در همه شش حالت تصریفی صحیح فهمیده می‌شود.

- اسمی که آخرین حرف صدادار آن با اهنه آئینی باشد و با سوند iv صرف شود ،

تنها در سه حالت تصریفی فهمیده می‌شود؛ ولی اگر آنها با *in* صرف شوند، در هر شش حالت تصریفی فهمیده می‌شود. مثال:

| | | |
|--|---|----------|
| با <i>in</i> صرف شدن از شش حالت تصریفی تنها سه حال آن درست فهمیده می‌شود. | | |
| <i>sənin at in</i> | <i>sənin at iv</i> : فهمیده نمی‌شود سنین اتیو | یالین اد |
| <i>sənin at in a</i> | <i>sənin at iv a</i> : فهمیده می‌شود | ه حالی |
| <i>sənin at in d a</i> | <i>sənin at iv da</i> : فهمیده نمی‌شود سنین اتیودا | ده حالی |
| <i>sənin at in dan</i> | <i>sənin at iv dan</i> : فهمیده نمی‌شود سنین اتیودان | دن حالی |
| <i>sənin at in ı</i> | <i>sənin at iv ı</i> : فهمیده می‌شود | ای حالی |
| <i>sənin at in in</i> | <i>sənin at iv in</i> : فهمیده می‌شود | این حالی |
| علائم تصریفی اسم صرف شوند <i>in</i> در همه شش حالت تصریفی بدرستی فهمیده می‌شوند. | | |

d) اسمی که آخرین حرف آن صدادار باشد، در حالت ملکی دوم شخص مفرد یک حرف *n* اضافه بخود می‌برد و سپس مخفف شده و صرف می‌شود. مثال:

sənin : anan . bacın . nənən . dədən.

- اسمی که آخرین حرف آن صدادار باشد، در حالت ملکی برای سوم شخص مفرد یک حرف *s* اضافه می‌برد و صرف می‌شود. مثال:

(به اضافه شد حرف *s* در صفحه ۲۰۱ توجه کنید) *onun : anası . bacısı . nənəsi . dədəsi*

دو) بکار پیری شوند تکرار شده *ivin* بجای *inin* :

- نانکه در بخشهای قبلی اشاره شد، اگر اسمی به اسم دی نسبت داده شود و آن نیز به ضمیر دوم و یا سوم شخص مفرد نسبت داده شود، شوند ملکی آن در رابطه با هر دو ضمیر تکرار شده و شبیه هم بکار رفته می‌شود. مثال :

۱- اسم به اسم دی ری نسبت داده شود و آخرین حرف صدا دار ان با اهنه بالائی باشد و ان نیز به ضمیر دوم و سوم شخص مفرد نسبت داده شود ، ان با یکی از دو سوند $\ddot{u},\ddot{u}n$ ، in,in (با هماهنگی بزر شبیه هم) بکار رفته می شود :

| | |
|---------------------------------------|-----------------------------|
| sənin və onun əl <u>in</u> ,in dərişi | سنین و اونون آکینین درسی |
| sənin və onun ev <u>in</u> ,in qapısı | سنین و اونون ائوینین قایسی |
| sənin və onun dış <u>in</u> ,in rəngi | سنین و اونون دیشینین رنی |
| sənin və onun göz <u>ün</u> ,ün işığı | سنین و اونون گوزونون ایشیغی |
| sənin və onun ömr <u>ün</u> ,ün boyu | سنین و اونون عمر وونون بویو |

۱- اسم به اسم دی ری، که آخرین حرف صدا دار ان با اهنه مائینی است ، نسبت داده شود و ان نیز به ضمیر دوم و سوم شخص مفرد نسبت داده شود ، یکی از دو سوند un,un ، in,in (با هماهنگی بزر شبیه هم) بکار رفته می شود. مثال:

| | |
|--|------------------------------|
| sənin və onun qardaş <u>in</u> ,in (y) üzü | سنین و اونون قارداشینین اوزو |
| sənin və onun dırnağ <u>in</u> ,in ucu | سنین و اونون دیرناغینین اوجو |
| sənin və onun top <u>un</u> ,un yeli | سنین و اونون توونون یغلی |
| sənin və onun quş <u>un</u> ,un quyuğu | سنین و اونون قوشونون قویروغو |

در این مبحث سخن از سوند اولی می رود که اسم را به ضمیر دوم و سوم شخص مفرد نسبت می دهد.

ونی بکاریری سوند تکرار شده ملکی $iv\ in$ بجای $in\ in$:

نانکه در جدولهای مذکور مشاهده می شود، اسمی به اسم دی ری و ان نیز به ضمیر دوم و سوم شخص مفرد نسبت داده شود ، سوند ملکی ان شبیه هم صرف می شود. برای جلوگیری از تشابه سوند ملکی ، ان را از فرم اصلی خود ($in\ in$) به شکل $iv\ in$ تغییر می دهند و بوسیله ان اسم را به اسم دی ری و ان را به ضمیر دوم شخص

مفرد نسبت داده و با همایه ی بزر صرف می کنند. مثال :

| | |
|---|---|
| اسمی که آخرین حرف صدادران با اهه بالائی است. | اسمی که آخرین حرف صدادران با اهه آئینی است. |
| سنین آلبوین رن ی <i>sənin əl <u>iv</u>,in rəŋgi</i> | سنین اشی وین سوئیو <i>sənin aʃ <u>iv</u>,in suyu</i> |
| سنین ائلیوین دیلی <i>sənin el <u>iv</u>,in dili</i> | سنین قیزیوین یولداشی <i>sənin qız <u>iv</u>,in yoldaşı</i> |
| سنین دیشیوین رن ی <i>sənin diʃ <u>iv</u>,in rəŋgi</i> | سنین قیزیوین آری <i>sənin qızı <u>iv</u>,in əri</i> |
| سنین گولوون سوئیو <i>sənin göl <u>üv</u>,ün suyu</i> | سنین قوشوون قویروغو <i>sənin quş <u>üv</u>,un quyruğu</i> |
| سنین گولوون یی <i>sənin gül <u>üv</u>,ün çiçəyi</i> | سنین یوردوون بایراغی <i>sənin yurd <u>üv</u>,un bayrağı</i> |

ون ی نسبت دادن اسمی که آخرین حرف ان صدادران است :

a) اسمی که آخرین حرف ان صدادران باشد ، در حالت ملکی برای سوم شخص مفرد يك حرف s اضافه می یرد و به شکل زیر بکار رفته می شود. مثال :

اونون باجی سینین ائیو. *onun bacı s inin evi*.

اونو خالاسینین اوغلو. *onun xala s inin oğlu*.

b) با اضافه شدن حرف s به ضمیر سوم شخص مفرد ، تشابه سوند ملکی اسم نسبت داده شده به ضمیر دوم و سوم شخص مفرد از میان می رود و نتیجتاً نیازی به صرف سوند تکراری *ivin* باقی نمی ماند. اما کسی به این اصول توجه نکرده و اسم را به ضمیر دوم شخص مفرد بوسیله سوند ملکی مخفف شده (*vin* و یا *nin*) نسبت می دهد. توجه شود که ا ر آخرین حرف صدادران اسمی هم ون اولین حرف سوند ملکی صدادران باشد ، در صرف بخود يك حرف n اضافی می یرد. مثال :

سنین خالانینین اوغلو. *snin xala (nı) n in oğlu*.

سنین خالوین اوغلو. *snin xala (nı) v in oğlu*.

c) با اضافه شدن حرف n ، اسم نسبت داده شده به کلمه دراز و طویل مبدل می شود

و بدین سان بیان مشکلتر می شود ؛ به همین دلیل در صرف از ان دو حرف (ni) حذف شده و به شکل مخفف شده nin و یا vin بکار رفته می شود. مثال:

- اسمی که با سوند مخفف شده nin به ضمیر دوم شخص مفرد نسبت داده می شود:

| | |
|--|--|
| اسمی که آخرین حرف صدادران با اهن بالائی است. | اسمی که آخرین حرف صدادران با اهن لائینی است. |
| سنین ننه نین ائیوی <u>n</u> in evi | سنین خالانین آری <u>n</u> in xala əri |
| سنین بیبی نین یولداشی <u>n</u> in bibi yoldaşı | سنین دایی نین قادینی <u>n</u> in dayı qadını |
| سنین اوتونون ایسیسی <u>n</u> ün isisi | سنین قوزونون قویروغو <u>n</u> un quyuğu |
| حرف صدادران سوند ملکی با هماهنگی بزر صرف می شود. | حرف صدادران سوند ملکی با هماهنگی بزر صرف می شود. |

- اسمی که با سوند مخفف شده vin به ضمیر دوم شخص مفرد نسبت داده می شود :

| | |
|--|--|
| اسمی که آخرین حرف صدادران با اهن بالائی است. | اسمی که آخرین حرف صدادران با اهن لائینی است. |
| سنین ننه وین ائیوی <u>v</u> in evi | سنین خالاوین آری <u>v</u> in xala əri |
| سنین بیبی وین یولداشی <u>v</u> in bibi yoldaşı | سنین دایی وین قادینی <u>v</u> in dayı qadını |
| سنین اوتووون ایسیسی <u>v</u> ün issisi | سنین قوزووون قویروغو <u>v</u> un quyuğu |

صرف و مقایسه سوندهای ملکی in ، iv ، ivin ، inin در کنار هم :

نانکه ملاحظه می شود ، ا ر اسمی به اسم دی ر و ان نیز به ضمیر دوم شخص مفرد نسبت داده شود ، سوند ملکی ان با هماهنگی بزر به شکل inin و یا ivin صرف می شود. - ولی ا ر اسمی به تنهایی به ضمیر دوم شخص مفرد نسبت داده شود ، با سوند ملکی in درست فهمیده می شود ، اما با سوند ملکی iv فهمیده نمی شود.

در صورتی که اسم با سوند iv در سه حالت تصریفی بکار رفته شده و فهمیده می شود: اکنون برای نشان دادن هر به بهتر عملکرد سوندهای ملکی و مقایسه آنها ، جدولهایی در زیر

کشیده شده است ، که در انها اسامی مختلف با سوندهای مذکور به ضمیر دوم شخص مفرد نسبت داده می شوند ؛ لطفا به انها نیز توجه کنید :

a) اسمی که آخرین حرف صدادار ان با اهنه آئینی می باشد. مثال :

| | | | |
|---|------------------------|--|--|
| اسم با این سه سوند به شکل صحیح صرف شده و فهمیده می شود. | | اسم با سوند ملکی <u>iv</u> فهمیده نمی شود. | |
| sənin qardaş <u>iv</u> | sənin qardaş <u>in</u> | sənin bağ <u>iv</u> ,in (in,in) yolu | |
| sənin baldız <u>iv</u> | sənin baldız <u>in</u> | sənin baldız <u>iv</u> ,in (in,in) yoldaşı | |
| sənin top <u>uv</u> | sənin top <u>un</u> | sənin top <u>uv</u> ,un (un,un) yeli | |
| sənin quz <u>un</u> | sənin quz <u>un</u> | sənin quz <u>uv</u> ,un (un,un) quyuğu | |
| جمله با سوند in فهمیده می شود. | | سوند تکراری (in,in) و iv,in هر دو صحیح فهمید می شود. | |

b) اسمی که آخرین حرف صدادار ان با اهنه بالائی می باشد :

| | | | |
|---|---------------------|---|--|
| اسم با این سه سوند به شکل صحیح صرف شده و فهمیده می شود. | | صرف سوند iv فهمیده نمی شود. | |
| sənin əl <u>iv</u> | sənin əl <u>in</u> | sənin əl <u>iv</u> ,in (in,in) barmağı | |
| sənin ev <u>iv</u> | sənin ev <u>in</u> | sənin ev <u>iv</u> ,in (in,in) qapısı | |
| sənin it <u>iv</u> | sənin it <u>in</u> | sənin it <u>iv</u> ,in (in,in) quyuğu | |
| sənin göz <u>uv</u> | sənin göz <u>ün</u> | sənin göz <u>uv</u> ,ün (ün,ün) qarası | |
| جمله با سوند in فهمیده می شود. | | in در تمام فرمهای صرفی به شکل صحیح فهمیده می شود. | |

- نانکه ملاحظه می شود ، سوند ملکی in در رابطه با ضمیر دوم و سوم شخص مفرد شبیه هم صرف می شود ، که ان در نسبت دادن اسم به شکل صحیح فهمیده می شود ، در صورتی که سوند ملکی iv که بجای in بکار رفته می شود ، نه تنها کمبود سوند in را بر طرف نمی کند ، بلکه خود نیز در سه مورد فهمیده شده و در سه مورد دی ر فهمیده نمی شود.

بخش ششم :

۱) صرف حالت‌های تصریفی ضمائر اشاره ای و انعکاسی

- ضمائر اشاری در زبان ترکی، کلمات او، بۇ، شۇ، اۇرا، بۇرا هستند، که در جمله بجای اسم نشانده شده و در حالت‌های تصریفی صرف می‌شوند :

از اینکه آخرین حرف ضمائر اشاره ای حرف صدادار می‌باشد، نتیجتاً در حالت‌های تصریفی به انها يك حرف n افزوده شده و به شکل زیر صرف می‌شوند :

| حالت فاعلیت | یالین اد | بۇ bu | اۇ o | شۇ şu |
|-------------|----------------|-----------------|-----------------|---------------|
| حالت به | a + ا حالی | بۇنا buna | اۇنا ona | شۇنا şuna |
| حالت در | da + دا حالی | بۇندا bunda | اۇندا onda | شۇندا şunda |
| حالت از | dan + دان حالی | بۇندان bundan | اۇندان ondan | شۇندان şundan |
| حالت را | ا + ای حالی | بۇنى (بۇنو) onu | اۇنى (اۇنو) onu | شۇنى şunu |
| اضافی ملکی | un + اۇن حالی | بۇنونunun | اۇنونunun | شۇنونunun |

- ضمائر اشاره ای با علامت جمع (لر، لار) نیز در حالت‌های تصریفی صرف می‌شود :

| حالت فاعلیت | یالین اد | بۇنلار bunlar | اۇنلار onlar | شۇنلار şunlar |
|-------------|----------------|---------------------|--------------------|---------------------|
| حالت به | a + ا حالی | بۇنلارا bunlara | اۇنلارا onlara | شۇنلارا şunlara |
| حالت در | da + دا حالی | بۇنلاردا bunlarda | اۇنلاردا onlarda | شۇنلاردا şunlarda |
| حالت از | dan + دان حالی | بۇنلاردان bunlardan | اۇنلاردان onlardan | شۇنلاردان şunlardan |
| حالت را | ا + ای حالی | بۇنلاری bunları | اۇنلاری onları | شۇنلاری şunları |
| اضافه ملکی | in + این حالی | بۇنلارینın | اۇنلارینın | شۇنلارینın |

- کلمات او، اۇنلار ضمائر شخصی نیز محسوب می‌شوند.

- ضمائر اشاره ای جمع بۇنلار، اۇنلار در محاوره به شکل بۇلار، اۇلار نیز

صرف شده و به شرح زیر در حالت‌های تصریفی بکار رفته می‌شوند :

بۇلار bular ، بۇلارا bulara ، بۇلاردا bularda ، بۇلاردان bulardan ، بۇلاری buları ، بۇلارین buların
اۇلار olar ، اۇلارا olara ، اۇلاردا olarda ، اۇلاردان olardan ، اۇلاری oları ، اۇلارین oların

ضمایر اشاره ای با سوند ملکی :

ضمایر اشاره ای بۇرا و اۇرا با سوند مخفف شده ملکی (n) ترکیب می‌یابند و به شکل
بۇرام ، اۇرام .. در آمده و برای ضمایر شخصی صرف می‌شوند. مثال :

| | | | | | |
|-----------------|--------------|-------------|-------------------|----------|---------|
| بۇرام اغرییر | منیم بۇرام | mənim buram | بیزیم بۇرامیز | buramız | bizim |
| | سنین بۇران | sənin buran | سیزین بۇرانیز | buranız | sizin |
| | اۇنون بۇراسی | onun burası | اۇنلارین بۇرالاری | buraları | onların |

| | | | | | |
|-----------------|--------------|------------|-------------------|---------|---------|
| اۇرام اغرییر | منیم اۇرام | mənim oram | بیزیم اۇرامیز | oramız | bizim |
| | سنین اۇران | sənin oran | سیزین اۇرانیز | oranız | sizin |
| | اۇنون اۇراسی | onun orası | اۇنلارین اۇرالاری | oraları | onların |

- از اصل کلمات مذکور دو حرف yı حذف می‌شود :

| | | | | | |
|------------|---------|-----------|-----------------|-------|-------|
| اصل کلمه : | بۇراییم | bura yı m | مخفف شده کلمه : | بۇرام | buram |
| اصل کلمه : | اۇراییم | ora yı m | مخفف شده کلمه : | اۇرام | oram |
| اصل کلمه : | شوراییم | şura yı m | مخفف شده کلمه : | شۇرام | şuram |

- از اینکه آخرین حرف ضمایر اشاره ای (مثال : بۇرا و اۇرا) صدادار می‌باشد ، نتیجتاً

در حالت‌های تصریفی با حرف اضافه س برای سوم شخص مفرد صرف می‌شود. مثال :

اۇنون بۇراسی ، بۇراسینا ، بۇراسیندا ، بۇراسیندان ، بۇراسنی ، بۇراسینین ،
اۇنون اۇراسی ، اۇنون بۇراسی ، بۇنون بۇراسی ، بۇنون اۇراسی ، ...

- کلمات مذکور به شکل زیر در جمله مورد سوال جواب قرار رفته و صرف می‌شوند :

منیم آلیمین بۇراسی آغرییر . سنین قۇلونون بۇراسی آغرییر . بۇراسی تبریز رادیوسى [رادیوسو] . سېلان آذربایجانین

نه ره سینه دیر؟ (هاراسیندایدیر؟ نه یئرینده دیر؟) ارک تبریزین هاراسی ندا دیر؟ ژی مسجد (مید) تبریزین

نه ره سینه دیر؟ اؤرمیه (اؤرمو) اذربایجانین هاراسیندا دیر؟ باکی خزرین هاراسیندا دیر؟

توجه: - از اینکه آخرین حرف سوم شخص جمع (اؤنلار) حرف بی صدا می باشد، نتیجتاً با حرف س صرف نمی شود.

- از اینکه آخرین حرف ضمائر اشاره ای بؤرا، اؤرا صدادر می باشد، ار در حالت به صرف شود، بجای

حرف ن با حرف ی بکار رفته می شود. زیرا صرف ان با حرف ن همشکل با کلمه بورانا در

می آید و ان معنی اینجاى تو را نیز می دهد. مثال: مل بؤرایا، ئت اؤرایا، ...

- کلمات بؤرا، اؤرا و شؤرا با سوند ملکی مخفف شده (ن)، به شکل زیر

در حالت های تصریفی صرف می شوند: (اینجاى من، اینجاى من)

| ضمیر | حالت فاعلیت | حالت به | حالت در | حالت از | حالت را | اضافه ملکی |
|-------|-------------|---------|---------|----------|---------|------------|
| mənim | buram | burama | buramda | buramdan | buramı | buramın |
| mənim | oram | orama | oramda | oramdan | oramı | oramın |
| mənim | şuram | şurama | şuramda | şuramdan | şuramı | şuramın |

- ضمائر اشاره ای با سوند ملکی و کلمه ربطی کی به شکل زیر ترکیب می یابند و در

حالت های تصریفی صرف می شوند:

| ضمائر اشاره ای | بۇنون bunun | اۇنون onun | اۇرانین oranın | بۇرانین buranın | شورانین şuranın |
|----------------|-------------|-------------|----------------|-----------------|-----------------|
| حالت فاعلیت | بۇنونکو | اۇنونکو | اۇرانینکی | بۇرانینکی | شورانینکی |
| حالت به | بۇنونکونا | اۇنونکونا | اۇرانینکی نا | بۇرانینکی نا | شورانینکی نا |
| حالت در | بۇنونکوندا | اۇنونکوندا | اۇرانینکی ندا | بۇرانینکی ندا | شورانینکی ندا |
| حالت از | بۇنونکوندان | اۇنونکوندان | اۇرانینکی ندان | بۇرانینکی ندان | شورانینکی ندان |
| حالت را | بۇنونکونو | اۇنونکونو | اۇرانینکی نی | بۇرانینکی نی | شورانینکی نی |
| اضافه ملکی | بۇنونکونون | اۇنونکونون | اۇرانینکی نین | بۇرانینکی نین | شورانینکی نین |

- ضمائر اشاره ای با سوند ده، دا و کلمه ربطی کی و سوند ملکی ترکیب می یابند و به شکل زیر

صرف می‌شوند: شۇراداکیڭ : شۇراداکیڭ ، شۇراداکیڭدا ، شۇراداکیڭدان ، شۇراداکیڭنی ، شۇراداکیڭن ، ...

۲) حالت‌های تصریفی ضمیر انعکاسی اۆزوم :

کلمه انعکاسی اۆزوم در حالت مفعول با واسطه با حروف اضافی به ، که علامت آن در زبان ترکی حرف a,ə می‌باشد، که با هماهنگی کو لک صرف می‌شود :

| | | | |
|-----------|-----------|-----------------|----------------|
| من اۆزومه | mən özümə | بیز اۆزوموزه | biz özümüzə |
| سن اۆزونه | sən özünə | سیز اۆزونوزه | siz özünüə |
| اؤ اۆزونه | o özünə | اونلار اۆزلرینه | onlar özlərinə |

- از اینکه ضمیر انعکاسی دوم و سوم شخص مفرد شبیه هم صرف می‌شود ، در نتیجه بهتر است که همراه با ضمیر شخصی بکار رفته شود. مثال :

سن اۆزونه ، اؤ اۆزونه (محاوره ای : سن اۆزووه) ، سنین اۆزونه ، اونون اۆزونه ، ..

- ضمائر انعکاسی در حالت با واسطه به ، به شکل زیر در جمله صرف می‌شوند:

سن اۆزون بۇ سۆزو اونون اۆزونه دئ . اؤ اۆزو بۇ ماشینی اۆزونه الدی .

سن بۇ ماشینی اۆزون اۆزونه الدین . (محاوره ای: سن بۇ ماشینی اۆزون اۆزووه الدین)

سن بۇ اتوی اۆزون اۆزونه الدین . سن بۇ حمدانی (کیفی) اۆزون اۆزونه آلدین .

اؤ بۇ کیتابی اۆزو اۆزونه الدی .

- در رابطه با بکار گیری ضمیر انعکاسی با حالت به به اشعار زیر نیز توجه کنید :

بختیار وهاب زاده: ایندی داها دؤیوشورم دۆزومله اۆز آیمله اۆزومه دیر بۇ حمله ...

... اۆز نه دینله سن کؤک دن دوشرسن ، سن اۆزون اۆزونه اۆز نه لکرسن

کلمه انعکاسی اۆزوم ، در حالت مفعول با واسطه با حروف اضافی در :

حالت با واسطه در ، در زبان ترکی ده می‌باشد ، که حرف صدادار آن با

هماهنگی کوک به شکل زیر برای ضمیر شخصی صرف می شود :

| | | | | | |
|----|-----|--------|--------|-------|-----------|
| من | mən | özümdə | بیز | biz | اؤزوموزده |
| سن | sən | özündə | سیز | siz | اؤزونوزده |
| او | o | özündə | اونلار | onlar | اؤزلرینده |

- کلمات مذکور در جمله به شکل زیر بکار رفته می شوند :

من بۇ شانسى اؤزومده ؤرمورم .
mən bu şansı özümdə görmürəm.

سن بۇ جورعتى اؤزونده ؤرمورسن . جورعت اؤنون اؤزونده وار . باشاریق سنین اؤزونده وار .

حالت ده به شکل زیر در کلمه سازی بکار رفته می شود :

- ضمائر انعکاسی با سوند ده و سوند ملکی in و کلمه ربطی کی ترکیب می یابند و به شکل زیر در حالت های تصریفی صرف می شوند :

| منیم | سنین | اؤنون | بیزیم | سیزیم | اونلاریم |
|-----------------|-----------------|-----------------|-------------------|-------------------|-------------------|
| اؤزومده کی | اؤزونده کی | اؤزونده کی | اؤزوموزده کی | اؤزونوزده کی | اؤزلرینده کی |
| اؤزومده کی نه | اؤزونده کی نه | اؤزونده کی نه | اؤزوموزده کی نه | اؤزونوزده کی نه | اؤزلرینده کی نه |
| اؤزومده کی نده | اؤزونده کی نده | اؤزونده کی نده | اؤزوموزده کی نده | اؤزونوزده کی نده | اؤزلرینده کی نده |
| اؤزومده کی نندن | اؤزونده کی نندن | اؤزونده کی نندن | اؤزوموزده کی نندن | اؤزونوزده کی نندن | اؤزلرینده کی نندن |
| اؤزومده کی نی | اؤزونده کی نی | اؤزونده کی نی | اؤزوموزده کی نی | اؤزونوزده کی نی | اؤزلرینده کی نی |
| اؤزومده کی نین | اؤزونده کی نین | اؤزونده کی نین | اؤزوموزده کی نین | اؤزونوزده کی نین | اؤزلرینده کی نین |

- صرف کلمات مذکور در رابطه با دوم و سوم شخص مفرد شبیه هم می باشد ؛ در نتیجه بهتر است که صرف

ان همراه ضمیر شخصی بکار رفته شود. مثال : سنین اؤزومده کی نه ، اؤنون اؤزونده کی نه ، ...

- ا. ر ضمیر انعکاسی را با سوند ملکی ، سوند ده و کلمه ربطی کی و سوند

ملکی ترکیب دهیم به شکل اؤزون ده کی نین در می اید و با مفهوم انه که در یش خود تو است بکار رفته شده و در حالتهای تصریفی صرف می شود :

| اسم | حالت فاعلیت | حالت به | حالت در | حالت از | حالت را | اضافی ملکی |
|------|-------------|--------------|---------------|---------------|--------------|----------------|
| حسین | اؤزونده کین | اؤزونده کینه | اؤزونده کینده | اؤزونده کیندن | اؤزونده کینی | اؤزونده کی نین |

توجه :- کلمات مذکور به شکل سوم شخص مفرد (دیر) صرف می شوند ؛ راکه انه که در یش

خود تو است به سوم شخص مفرد مورد سوال و جواب قرار می گیرند. مثال :

اؤزونونکودور. اؤزونونکونده دیر. اؤزونده کینده دیر. ..

- حالت ده در فعل سازی نیز بکار رفته می شود:

کلمه انعکاسی اؤزوم در حالت مفعول با واسطه با حروف اضافی از :

حالت مفعول با واسطه با حروف اضافی از ، در زبان ترکی سوند دن ، دان می باشد ، که حرف صدادار ان با هماهنگی کو مک صرف می شود :

| | | | |
|------------|-------------|------------------|--------------------|
| من اؤزومدن | mən özümdən | بیز اؤزوموزدن | bizim özümüzden |
| سن اؤزوندن | sən özündən | سیز اؤزونوزدن | sizin özünüzdən |
| او اؤزوندن | o özündən | اونلار اؤزلریندن | onların özlərindən |

- کلمات مذکور در جمله به شکل زیر بکار رفته می شوند :

او سؤیله دییی دوشونجه لر، اونون اؤزوندن دیر . o söylədiyi düşüncələr , onun özündəndir .

من اؤزومدن دئیمیرم. او همیشه اؤزوندن دانیشیر. سن هی وخت اؤزوندن دئمه .

- در رابطه با به کار گیری حالت مفعول با واسطه از (دن ، دان) ، به اشعار زیر توجه کنید :

مجید صباغ ایرانی (یالقیز): اؤزوموزدن قۇان هایلار، اتاجاق هاییمیزا

اؤزه یئردن لمن هایدان بیزه بیر های اولماز...

بهت ااردی ، ائله اؤیدوم کی، اؤزومدن یخدیم

ائله بیلدیم اؤزوم اؤلدوم کی یخیب جان یتدی

کلمه انعکاسی اۆزوم با مفعول بیواسطه را :

علامت مفعول بیواسطه را ، در زبان ترکی حرف صدادار i می باشد ، که به شکل زیر با هماهنگی بزر (i,ü) بکار رفته می شود : (من خودم را)

| | | | |
|-----------|-----------|-----------------|-----------------|
| men özümü | من اۆزومو | biz özümüzü | بیز اۆزوموزو |
| sən özünü | سن اۆزونو | siz özünüzü | سیز اۆزونوزو |
| o özünü | او اۆزونو | onlar özələrini | اونلار اۆزلرینی |

— کلمات مذکور در جمله به شکل زیر بکار رفته می شوند :

او اۆزونو هامیدان مۇخ ایسته ییر . o özünü hamıdan çox istəyir .

او اۆزو اۆزونو بییه نیر . او اۆزو اۆزونو تعریف ائیه ییر .

او اۆزوندن مۇخ تعریف ائتدی . او اۆزونو هامیدن ارتیق رۇرور (بیلیر) .

توجه: از اینکه علامت جمع لار، لر با هماهنگی کوک ساخته می شود، نتیجتاً سوندهائی که

بدنبال آن با هماهنگی بزر صرف شوند ، با حرف صدادار i ساخته می شوند. مثال :

اۆزلرینکی دیر ، اۆزه لرینکی ، اۆزه لرینکی نیندیرلر

ضمیر انعکاسی اۆزوم و فرمهای مختلف آن با سوند ملکی :

ضمیر انعکاسی اۆزوم با سوند ملکی in ترکیب می یابد و به شکل زیر با هماهنگی

بزر برای ضمائر شخصی صرف می شود :

| | | | |
|--------------|--------------|----------|-----------|
| mənim özümün | (مال خود من) | بیزیم | اۆزوموزون |
| sənin özünün | (مال خود تو) | سیزین | اۆزونوزون |
| onun özünün | (مال خود او) | اونلارین | اۆزلرینین |

بۇ ماشین منیم اۆزوموندور . bu maşın mənim özümündür .

بۇ ائو منیم اۆزوموندور . بۇ ائو سنین اۆزونوندور . او ائو اونون اۆزونوندور

بۇ ائو بیزیم اؤزوموزوندور. بۇ ائو سیزین اؤزونوزوندور. بۇ ائو اولارین اؤزلیریندیر.

- در رابطه با صرف کلمه اؤزوم با سوند ملکی به شعر زیر توجه کنید :

بختیار وهاب زاده : آوان الوان هاوالاردان الدیغیمیز هاوالاردان

اؤز سؤزودور کؤنلموزون ، ارزوموزون ، دره لره ...

- ضمیر شخصی با سوند ملکی همراه ضمیر انعکاسی با سوند ملکی و کلمه ربطی کی به

شکل زیر ترکیب می یابد و در حالت های تصریفی صرف می شود :

| حالت های تصریفی | منیم اؤزومون | سنین اؤزونون | اؤنون اؤزونون | بیزیم اؤزوموزون | سیزین اؤزونوزون | اؤنلرین اؤزلیرین |
|-----------------|--------------|--------------|---------------|-----------------|-----------------|------------------|
| ↓ | ↓ | ↓ | ↓ | ↓ | ↓ | ↓ |
| حالت فاعلی | اؤزومونکو | اؤزونونکو | اؤزونونکو | اؤزوموزونکو | اؤزونوزونکو | اؤزلیرینکی |
| حالت به | اؤزومونکونه | اؤزونونکونه | اؤزونونکونه | اؤزوموزونکونه | اؤزونوزونکونه | اؤزلیرینکینه |
| حالت در | اؤزومونکونده | اؤزونونکونده | اؤزونونکونده | اؤزوموزونکونده | اؤزونوزونکونده | اؤزلیرینکینده |
| حالت از | اؤزومونکوندن | اؤزونونکوندن | اؤزونونکوندن | اؤزوموزونکوندن | اؤزونوزونکوندن | اؤزلیرینکیندن |
| حالت را | اؤزومونکونو | اؤزونونکونو | اؤزونونکونو | اؤزوموزونکونو | اؤزونوزونکونو | اؤزلیرینکینی |
| اضافه ملکی | اؤزومونکونون | اؤزونونکونون | اؤزونونکونون | اؤزوموزونکونون | اؤزونوزونکونون | اؤزلیرینکینین |

- بۇ ماشین منیم اؤزومونکودور. اؤدا سنین اؤزونونکودور. بۇ دا سنین اؤزونونکونوندور.

توجه : صرف کلمه انعکاسی اؤزوم برای دوم و سوم شخص مفرد شبیه هم می باشد ، در نتیجه بهتر است که

ان با ضمیر شخصی [سن ، اؤ] بکار رفته شود : سنین اؤزونونکونون. اؤنون اؤزونونکونون.

ضمیر انعکاسی اؤزوم و تکرار ان با حالت در (ده ، دا)

| | |
|--|-----------------------|
| من اؤزوم اؤزومده mən özüm özümdə (من خودم در خودم) | بیز اؤزوموز اؤزوموزده |
| سن اؤزون اؤزونده sən özün özündə (تو خودت در خودت) | سیز اؤزونوز اؤزونوزده |
| اؤ اؤزو اؤزونده o özü özündə (او خودش در خودش) | اؤنلار اؤزلی اؤزلینده |

من بۇ باشاریغی اؤزوم اؤزومده ۆرورم. mən bu başarığı özüm özümdəgörürəm.

من بۇ لیاقتی اؤزوم اؤزومده ئۆرمورم . سن بۇ باشاریغی اؤزون اؤزونده ئۆرمویورسن می؟

ضمیر انعکاسی اؤزوم در حالت مفعول با واسطه با حروف اضافی در و با کلمه ربطی کی ترکیب می یابد و با مفهوم جمله به شکل زیر (منیم اؤزومده کی: انه که در یش خود من است.) بکار رفته می شود :

| منیم - | سنین - | اؤنون - | بیزیم - | سیزی - | اؤنلاری - |
|-----------------|-----------------|-----------------|-------------------|-------------------|-------------------|
| اؤزومده کی | اؤزونده کی | اؤزونده کی | اؤزوموزده کی | اؤزونوزده کی | اؤزلرینده کی |
| اؤزومده کی نه | اؤزونده کی نه | اؤزونده کی نه | اؤزوموزده کی نه | اؤزونوزده کی نه | اؤزلرینده کی نه |
| اؤزومده کی نده | اؤزونده کی نده | اؤزونده کی نده | اؤزوموزده کی نده | اؤزونوزده کی نده | اؤزلرینده کی نده |
| اؤزومده کی نندن | اؤزونده کی نندن | اؤزونده کی نندن | اؤزوموزده کی نندن | اؤزونوزده کی نندن | اؤزلرینده کی نندن |
| اؤزومده کی نی | اؤزونده کی نی | اؤزونده کی نی | اؤزوموزده کی نی | اؤزونوزده کی نی | اؤزلرینده کی نی |
| اؤزومده کی نین | اؤزونده کی نین | اؤزونده کی نین | اؤزوموزده کی نین | اؤزونوزده کی نین | اؤزلرینده کی نین |

- منده کی ماشین خرابدیر . حسنین اؤزونده کی ده خرابدیر . سن ، منه ده اؤزونده کیندن ال .

۱-۱) ضمیر انعکاسی اؤزوم و تکرار ان در حالت به :

| | |
|--|------------------------|
| من اؤزوم اؤزومه mən özüm özümə (من خودم بخودم) | بیز اؤزوموز اؤزوموزه |
| سن اؤزون اؤزونه sən özün özünə (تو خودت بخودت) | سیز اؤزونوز اؤزونوزه |
| اؤ اؤزو اؤزونه o özü özünə (اوخودش به خودش) | اؤنلار اؤزلری اؤزلرینه |

- کلمات مذکور به شکل زیر در جمله بکار رفته می شوند :

من اؤزوم اؤزومه دئییرم mən özüm özümə deyirəm ، بیز اؤزوموز اؤزوموزه الیریق .
 سن اؤزون اؤزونه دئییرسن . سیز اؤزونوز اؤزونوزه دانیشیر سینیز .
 اؤ اؤزو اؤزونه دانیشیر . اؤنلار اؤزلری اؤزلرینه الیرلار .

- تکرار ضمیر انعکاسی اؤزو ، در حالت مفعول با واسطه با حروف اضافی در ، با سوند ملکی و کلمه ربطی کی ترکیب می یابد و به شکل زیر بکار رفته می شود :
- سنین اؤزونده کی ، سنین اؤزونده کینه ، سنین اؤزونده کینده ،
سنین اؤزونده کیندن ، سنین اؤزونده کینی ، سنین اؤزونده کی نی

تکرار ضمیر انعکاسی اؤزوم در حالت مفعول با واسطه با حروف اضافی از :

| | | |
|------------------|--------------------------------------|-------------------------|
| من اؤزوم اؤزومدن | mən özüm özümdən (من خودم از خودم) | بیز اؤزوموز اؤزوموزدن |
| سن اؤزون اؤزوندن | sən özün özündən (تو خودت از خودت) | سیز اؤزونوز اؤزونوزدن |
| او اؤزو اؤزوندن | o özü özündən (او خودش از خودش) | اونلار اؤزلری اؤزلریندن |

- کلمات مذکور به شکل زیر در جمله بکار رفته می شوند :

او اؤزو اؤزوندن تعریف ائتدی . o özü özündən tərif etdi .

بیز اؤزوموز اؤزوموزدن دانشمیریق . اونلار اؤزلری اؤزلریندن راضی دیرلار .

تکرار ضمیر انعکاسی اؤزوم در حالت مفعول بی واسطه را :

| | | |
|-----------------|--------------------------------------|------------------------|
| من اؤزوم اؤزومو | mən özüm - özümü (من خودم خودم را) | بیز اؤزوموز اؤزوموزو |
| سن اؤزون اؤزونو | sən özün - özünü (تو خودت خودت را) | سیز اؤزونوز اؤزونوزو |
| او اؤزو اؤزونو | o özü - özünü (او خودش خودش را) | اونلار اؤزلری اؤزلرینی |

- کلمات مذکور به شکل زیر در جمله بکار رفته می شوند :

او اؤزو اؤزونو سئویر . o özü özünü sevir .

من اؤزوم اؤزومو تانییرام . سن اؤزون اؤزونو تانییرسان ، او اؤزو اؤزونو تانییر .

من اینادا (عز وده) اؤزوم اؤزومو غرورم . سن ده اؤزون اؤزونو غرورسن .

اونلار اؤزلری اؤزلرینی سئویرلر . او اؤزو اؤزونو شیشیدیر .

۳) تکرار ضمیر انعکاسی اۆزوم با سوند ملکی :

ضمیر انعکاسی اۆزوم به شکل زیر در جمله تکرار و با سوند ملکی ادغام شده و برای ضمائر شخصی صرف می شود :

| | | |
|------------------|------------------------------------|-------------------------|
| من اۆزوم اۆزومون | mən özüm özümün (من خودم مال خودم) | بیز اۆزوموز اۆزوموزون |
| سن اۆزون اۆزونون | sən özün özünün (تو خودت مال خودت) | سیز اۆزونوز اۆزونوزون |
| او اۆزو اۆزونون | o özü özünün (او خودش مال خودش) | اونلار اۆزلری اۆزلرینین |

- کلمات مذکور به شکل زیر در جمله بکار رفته می شوند : (من خودم عیب خودم را می بینم).

من اۆزوم اۆزومون عیبیمی ۆرۆرم . mən özüm özümün eybimi görürəm .

کلمه انعکاسی اۆزوم همراه سوند ملکی و کلمه ربطی کی :

کلمه انعکاسی با کلمه ربطی کی و سوند ملکی ترکیب می یابد و با هماهنگی بزر با مفهوم آن که مال خود من است بکار رفته می شود. مثال :

منیم اۆزومونکون ، سنین اۆزونونکون ، اونون اۆزونونکون

بیزیم اۆزوموزونکون ، سیزین اۆزونوزونکون ، اونلارین اۆزلرینینکین

- کلمات مذکور به شکل زیر در حالت های تصریفی صرف می شوند :

- منیم اۆزومونکون ، منیم اۆزومونکونه ، منیم اۆزومونکونده

منیم اۆزومونکوندن ، منیم اۆزومونکونو ، منیم اۆزومونکونون

- سنین اۆزونونکون ، سنین اۆزونونکونه ، سنین اۆزونونکونده ،

سنین اۆزونونکوندن ، سنین اۆزونونکونو ، سنین اۆزونونکونون و ...

- ضمیر انعکاسی با تکرار سوند ده و کلمه ربطی کی با مفهوم آن یزی که در

یش من است در آن بکار رفته شده و در حالت های تصریفی صرف می شود. مثال :

منیم اۆزومده کینده کی ، سنین اۆزونده کینده کی ، اونون اۆزونده کینده کی

بیزیم اۆزوموزده کینده کی ، سیزین اۆزونوزده کینده کی ، اونلارین اۆزلرینده کینده کی

(ضمیر انعکاسی کند :

کلمه کند در زبان ترکی با مفهوم خود (اؤزو) بکار رفته می شود و با سوند ملکی in به شکل کندیم (با مفهوم مترادف با اؤزوم) در می آید و در زبان فارسی معنی خودم را می دهد و به شکل زیر ضمائر شخصی را در خود منعکس می کند :

| | | | | | |
|-------------|--------------|-------------|--------------|---------------|----------------|
| من کندیم | mən kəndim | سن کندین | sən kəndin | اؤ کندی | o kəndi |
| بیز کندیمیز | biz kəndimiz | سیز کندینیز | siz kəndiniz | اؤنلار کندلری | onlar kəndləri |

- کلمه کندیم (خودم ، اؤزوم) به شکل زیر در حالت های تصریفی صرف می شود :

| حالت فاعلیت | من کندیم | سن کندین | اؤ کندی | بیز کندیمیز | سیز کندینیز | اؤنلار کندلری |
|-------------|------------|------------|------------|---------------|---------------|------------------|
| حالت به | من کندیمه | سن کندینه | اؤ کندیه | بیز کندیمیزه | سیز کندینیزه | اؤنلار کندلرینه |
| حالت در | من کندیمده | سن کندینده | اؤ کندینده | بیز کندیمیزده | سیز کندینیزده | اؤنلار کندلرینده |
| حالت از | من کندیمدن | سن کندیندن | اؤ کندیندن | بیز کندیمیزدن | سیز کندینیزدن | اؤنلار کندلریندن |
| حالت را | من کندیمی | سن کندینی | اؤ کندینی | بیز کندیمیزی | سیز کندینیزی | اؤنلار کندلرینی |
| اضافه ملکی | من کندیمین | سن کندینین | اؤ کندینین | بیز کندیمیزین | سیز کندینیزین | اؤنلار کندلرینین |

- کلمه کند به شکل زیر با سوند صرفی برای ضمائر شخصی صرف می شود :

| | | | | | |
|----------|-------------|-------------|---------------|-------------------|--------------------|
| من کندیم | سن کندین سن | اؤ کندی دیر | بیز کندیمیزیک | سیز کندینیز سینیز | اؤنلار کندلریدیرلر |
|----------|-------------|-------------|---------------|-------------------|--------------------|

- کلمه انعکاسی کندیم به شکل زیر با سوند ده و کلمه ربطی کی ترکیب می یابد و در حالت های تصریفی صرف می شود :

منیم کندیمده کی ، منیم کندیمده کی نه ، منیم کندیمده کی نده ،
 منیم کندیمده کی ندن ، منیم کندیمده کی نی ، منیم کندیمده کی نین
 توجه : کلمه کند در زبان ترکی معنی ده و همانای شهر را نیز می دهد.

(ضمیر انعکاسی بیله :

کلمه بیله به تنهائی معنی ندارد ، ولی با سوند ملکی ترکیب می یابد و با مفهوم خودم بکار رفته می شود. مثال : من بیلم ، سن بیلن ، او بیله سی .

- ضمیر انعکاسی بیله م به شکل زیر در حالت های تصریفی صرف می شود :

| حالت فاعلیت | بیلم | biləm | بیله ن | بیله سی | بیله میز | بیله نیز | بیله لری |
|-------------|----------|----------|----------------|------------|------------|------------|--------------|
| حالت به | بیله مه | biləmə | بیله (نه) وه | بیله سینه | بیله میزه | بیله نیزه | بیله لری نه |
| حالت در | بیله مده | biləmdə | بیله نده | بیله سینده | بیله میزده | بیله نیزده | بیله لری نده |
| حالت از | بیله مدن | biləmdən | بیله ندن | بیله سیندن | بیله میزدن | بیله نیزدن | بیله لری ندن |
| حالت را | بیله می | biləmi | بیله (نی) وی | بیله سینی | بیله میزی | بیله نیزی | بیله لری نی |
| سوند ملکی | بیله مین | biləmin | بیله وین | بیله سینین | بیله میزین | بیله نیزین | بیله لری نین |

- ضمیر انعکاسی بیله با سوند ملکی و کلمه ربطی کی ترکیب می یابد و به شکل زیر در حالت های تصریفی صرف می شود : (بیله مین : مال خود من)

| ضمایر انعکاسی | بیله مین | بیله وین | بیله سین | بیله میزین | بیله نیزین | بیله لرین |
|---------------|---------------|---------------|---------------|-----------------|-----------------|-----------------|
| حالت فاعلیت | بیله مینکی | بیله وینکی | بیله سینکی | بیله میزینکی | بیله نیزینکی | بیله لرینکی |
| حالت به | بیله مینکینه | بیله وینکینه | بیله سینکینه | بیله میزینکینه | بیله نیزینکینه | بیله لرینکی نه |
| حالت در | بیله مینکینده | بیله وینکینده | بیله سینکینده | بیله میزینکینده | بیله نیزینکینده | بیله لرینکی نده |
| حالت از | بیله مینکیندن | بیله وینکیندن | بیله سینکیندن | بیله میزینکیندن | بیله نیزینکیندن | بیله لرینکی ندن |
| حالت را | بیله مینکینی | بیله وینکینی | بیله سینکینی | بیله میزینکینی | بیله نیزینکینی | بیله لرینکینی |
| اضافی ملکی | بیله مینکینین | بیله وینکینین | بیله سینکینین | بیله میزینکینین | بیله نیزینکینین | بیله لرینکینین |

- ضمیر سوم شخص مفرد در صرف یك س اضافی بخود می یرد . مثال : بیله سینه ، بیله سیندن و...

- کلمه بیله م به شکل زیر با سوند صرفی برای ضمایر شخصی صرف می شود :

من بیله مم (من خودم هستم .) ، سن بیله نسن ، او بیله سی دیر ، بیز بیله میزیک ، سیز بیله نیز سینیز و ..

(ضمیر انعکاسی اۆز ە özgə :

کلمه اۆز ە با مفهوم دیر ، کس دیر ، شخص نا اشنا ، بیانه و در مواردی نیز به شکل اۆز ە سی با مفهوم دیری ، کس دیری ، شخص نا اشنای دیری و بیانه ای بکار رفته شده و به شکل زیر برای ضمائر شخصی صرف می شود :

من اۆز ە یم ، سن اۆز ە سن ، او اۆز ە دیر ، بیز اۆز ە ییک ، سیز اۆز ە سینیز ، اونلار اۆز ە دیرلر .

- کلمه اۆز ە در مواردی با حرف س ترکیب می یابد و بدین سان به دو شکل اۆز ە ، اۆز ە سی در حالت های تصریفی صرف می شود. مثال :

| حالت فاعلیت | یا لیــــــــــــــن اد | اۆز ە özgə | اۆز ە سی özgəsi |
|-------------|-------------------------|-------------------|--------------------------|
| حالت به | ه ، ە ، حالی | اۆز ە یه özgəyə | اۆز ە سی نه özgəsinə |
| حالت در | də ، ده ، حالی | اۆز ە ده özgədə | اۆز ە سی نده özgəsində |
| حالت از | dən ، دن ، حالی | اۆز ە دن özgədən | اۆز ە سی ندن özgəsindən |
| حالت را | ، i ، ü ، ای ، حالی | اۆز ە نی özgəni | اۆز ە سینی özgəsini |
| اضافی ملکی | ، in , ün ، این ، حالی | اۆز ە نین özgənin | اۆز ە سینی نین özgəsinin |

- کلمه اۆز ە در حالت به ، به شکل özgəyə با حرف تکمیلی ی صرف می شود.

- کلمه اۆز ە در حالت در با سوند ملکی و کلمه ربطی کی ترکیب می یابد :

| حالت فاعلیت | یا لیــــــــــــــن اد | اۆز ە ده کی özgədəki |
|-------------|-------------------------|------------------------------|
| حالت به | ه ، ە ، حالی | اۆز ە ده کی نه özgədəkinə |
| حالت در | də ، ده ، حالی | اۆز ە ده کی نده özgədəkində |
| حالت از | dən ، دن ، حالی | اۆز ە ده کی ندن özgədəkindən |
| حالت را | ، i ، ü ، ای ، حالی | اۆز ە ده کی نی özgədəkini |
| اضافی ملکی | ، in , ün ، این ، حالی | اۆز ە ده کی نین özgədəkinin |

بۇ ماشین منیم دۇ بیل ، اۆز ۋە بیر ادامیندیر. bu maşın mənim deyil , özgə bir adamındır.

بۇ ماشین بیزیم دۇ بیل اۆز ۋە بیر کسین دیر (ادامیندیر).

بۇ بى (bəy) اۆز ۋە دۇ بیل ، منیم قارداشیم دیر . (این آقا بی مانه نیست ، برادر من است .)

bu bəy özgə deyil , mənim qardaşımdır.

بۇرادا اۆز ۋە بیر ادام یۇخدور ، بیز هامیمیز تانیشیق . اۆز ۋە لر بۇرایا لمز (لر). بۇ سرمایه لر

بیزیم دۇ بیل (لر) اۆز ۋە لریندیر (لر). بۇ حیوانلار بیزیم دۇ بیل (لر) ، اۆز ۋە لرین دیر (لر)

وهاب زاده : او ، ائلین ای ینده ائلینه اۆز ۋە ، تاریخینه اۆز ۋە ، دیلینه اۆز ۋە .

- ضمیر انعکاسی اۆز ۋە به شکل زیر در ترکیبات مختلف ساخته شده و به شرح زیر در حالت‌های تصریفی بکار رفته می‌شود :

| حالت‌های تصریفی | از ۋە که در پیش دیر ری است | از ۋە که مال کس دیر ری است | ان دیر ری ، ان یکی | از ۋە که مال دیر ری است | از ۋە که در پیش دیر ری است |
|-----------------|----------------------------|----------------------------|--------------------|-------------------------|----------------------------|
| حالت فاعلیت | اۆز ۋە ده کی | اۆز ۋە نینکی | اۆز ۋە سین | اۆز ۋە سینکی | اۆز ۋە سینده کی |
| حالت به | اۆز ۋە ده کی نه | اۆز ۋە نینکی نه | اۆز ۋە سینه | اۆز ۋە سینکی نه | اۆز ۋە سینده کی نه |
| حالت در | اۆز ۋە ده کی نده | اۆز ۋە نینکی نده | اۆز ۋە سینده | اۆز ۋە سینکی نده | اۆز ۋە سینده کی نده |
| حالت از | اۆز ۋە ده کی نندن | اۆز ۋە نینکی نندن | اۆز ۋە سیندن | اۆز ۋە سینکی نندن | اۆز ۋە سینده کی نندن |
| حالت را | اۆز ۋە ده کی نی | اۆز ۋە نینکی نی | اۆز ۋە سینی | اۆز ۋە سینکی نی | اۆز ۋە سینده کی نی |
| اضافه ملکی | اۆز ۋە ده کی نین | اۆز ۋە نینکی نین | اۆز ۋە سینین | اۆز ۋە سینکی نین | اۆز ۋە سینده کی نین |

- کلمات مذکور به شکل زیر در جمله بکار رفته می‌شوند :

بۇ بى اۆز ۋە دئیل منیم قارداشیم دیر . bu bəy özgə deyil , mənim qardaşımdır.

من ماشینیمی بۇ جاوانا یۇخ ، اۆز ۋە بیرینه ساتدیم .

بۇ میوه لر منیم اۆز آ ینیم دن دۇ بیل (لر) ، اۆز ۋە نینکی نندن دیر (لر).

منیم ، سنین ماشینندان خوشوم لمیر ، اما او اؤز ه سینده کیندن خوشوم لمیر .
 من اؤز ماشینیم ، سنین ماشینین تکرلردن المیرام ، او اؤز ه سینده کی ندن المیرام .
 منیم ، بونون ماشینندان یوخ ، اؤز ه بیر سیینکی ندن خوشوم لمیر .

۷) ضمیر انعکاسی باشقا başqa : (باشقا [دی ر ، بجز این] ، دی ر ، بجز این یکی ، ان یکی)

علی منی غردو سلام (سلام) وئرمه دی ، بونون بیر باشقا معناسی وار . (علی مرا دید و سلام نکرد ، این معنی بخصوصی [دی ری] دارد .) Əli mənı gördü salam (səlam) vermədi , bunun bir başqa mənası var.
 او بیر باشقا ادام دیر . (او شخص بخصوصی است .) اونون بیر باشقا دوشونجه سی وار (دیر) . (او صاحب تفکرات دی ری [بخصوصی] است .)

- از اینکه باشقا به شکل سوم شخص مفرد بکار رفته می شود و آخرین حرف ان نیز صدادار است ، در نتیجه در مواردی در فرم اصلی خود (باشقا) و در مواردی نیز با حرف س و سوند ملکی i به شکل باشقاسی صرف می شود و به شرح زیر در حالت های تصریفی صرف می شود : (باشقا ، باشقاسی)

| حالت فاعلیت | یالین اد | باشقاسی | başqası | باشقا | başqa |
|-------------|----------|--------------|-------------|----------|-----------|
| | | | | | |
| حالت به | ا حالی | باشقاسی نا | başqasına | باشقایا | başqa,ya |
| حالت در | دا حالی | باشقاسی ندا | başqasında | باشقادا | başqa,da |
| حالت از | دان حالی | باشقاسی ندان | başqasından | باشقادان | başqa,dan |
| حالت را | ای حالی | باشقاسی نی | başqasını | باشقای | başqa,yı |
| اضافه ملکی | این حالی | باشقاسی نین | başqasının | باشقائین | başqa,nın |

توجه : بهتر است کلمه باشقا در حالت به و در حالت را به شکل باشقاسی نا باشقایین و باشقاسینی و یا به شکل باشقایا ، باشقای صرف شود ، زیرا باشقانا با مفهوم به رهبری و باشقانی رهبری را نیز معنی می دهد .

- کلمه باشقا و باشقاسی را می‌توان با سوند دا و کلمه ربطی کی ترکیب داد و به شکل زیر در حالت‌های تصریفی صرف کرد. مثال :

| باشقاسینکی (ان دی ر) başqa,sınkı | باشقاداکی (ان دی ر) başqa,dakı | یالی_____ن اد |
|----------------------------------|--------------------------------|-------------------|
| ↓ | ↓ | ↓ |
| باشقاسینکی نا başqa,sınkına | باشقاداکی نا başqa,dakına | a ، ا حالی |
| باشقاسینکی ندا başqa,sınkında | باشقاداکی ندا başqa,dakında | dā ، دا حالی |
| باشقاسینکی ندان başqa,sınkından | باشقاداکی ندان başqa,dakından | dan ، دان حالی |
| باشقاسینکی نی başqa,sınkını | باشقاداکی نی başqa,dakını | ı,u ، ای حالی |
| باشقاسینکینین başqa,sınkının | باشقاداکینین başqa,dakının | in ,un ، این حالی |

- کلمه باشقا با سوند دا و کلمه ربطی کی ترکیب می‌یابد و به شکل زیر صرف می‌شود :

- باشقاداکی ، başqadakı ، باشقاداکی نا başqadakına ، باشقاداکی ندا başqadakında ،
باشقاداکی ندان başqadakından ، باشقاداکی نی başqadakını ، باشقاداکی نین başqadakının

- کلمات مذکور به شکل زیر با تکرار سوند دا و کلمه ربطی کی با مفهوم

جدیدی (مثل: از به که در پیش کس دی ری است ، در ان .) بکار رفته می‌شوند :

- باشقاسینداکی نداکی ، باشقاسینداکی نداکی نا ، باشقاسینداکی نداکی ندا ،
باشقاسینداکی نداکی ندان ، باشقاسینداکی نداکی نی ، باشقاسینداکی نداکی نین ، و...

۸) کلمه بیر بعنوان ضمیر مشخص و نا مشخص عددی در فرم کلمه انعکاسی :

- کلمه بیر ، به شکل عدد : بیر ، اؤن بیر ، یوز بیر ، مین بیر ، و...

- کلمه عددی به شکل بیر بیر با مفهوم یک یکی بکار رفته می‌شود :

بیر بیر (یک یک) : لطفاً بیر بیر ای ری یه لین ! لطفاً بیر بیر ائشی ه یخین !

- کلمه بیر بیر به شکل زیر با مفهوم هم ون یکی یکی به شکل کلمه انعکاسی در

حالت‌های تصریفی صرف می‌شود. مثال:

بیریری: بیر بیرینه ، بیریرینده ، بیریریندن ، بیریرینی ، بیریرینین .

اؤنلار بیر بیریندن دئییرلر. اؤنلار بیر بیریندن ایریلرلار. اؤنلار بیریریندیرلر.

کلمه بیریر همراه سوند ملکی ترکیب می یابد و با مفهوم متعلق به یکدیگر شدن به شکل کلمه انعکاسی در آمده و به شرح زیر در حالت های تصریفی صرف می شود :

| حالت فاعلیت | یا لیــــــن | بیز بیر بیریمیز . biz bir-birimiz. |
|-------------|--------------|---|
| حالت به | ه ، ə | بیز بیر بیریمیزه biz bir-birimizə. |
| حالت در | ده ، də | بیز بیر بیریمیزده . biz bir-birimizdə.. |
| حالت از | دن ، dən | بیز بیر بیریمیزدن . biz bir-birimizdən. |
| حالت را | ای ، i,ü | بیز بیر بیریمیزی . biz bir-birimizi. |
| اضافی ملکی | این ، in,ün | بیز بیر بیریمیزین . biz bir-birimizin. |

- بیر بیر در ترکیب با سوند ملکی in به شکل ضمائر جمع (بیز، سیز ، اؤنلار)

صرف می شود : بیریمیزین ، ایکی میزین ، او و موزون ، ...

بیر عدد مشخص و مفرد است ، ولی بیر بیر بیان عددی است که بیشتر از يك را در خود منعکس می دهد و يك يك از هم تجزیه می شود.

- کلمه بیر بیرین (یکی یکی شان) با مفهوم کلمه انعکاسی برای ضمائر شخصی جمع

صرف می شود : بیز بیر بیریمیزینیک . سیز بیر بیرینیزینسینیز . اؤنلار بیر بیرلریندیرلر.

بیز بیریریمیزی سئویریک. سیزده بیر بیرینیزی سئویرسینیز. اؤنلار بیریرینی سئویرلر

بیز بیریمیزدن ایری زیریک. بیز بیریریمیزی سئومه ریک .

- کلمات مذکور در حالت های تصریفی :

اؤنلار بیر بیرلری، بیریرلرینه، بیریرلرینده، بیریرلریندن، بیریرلرینی، بیریرلرینین.

- لطفاً به جملات مختلف زیر نیز توجه کنید، که به شکل کلمه انعکاسی صرف شده اند:

بیر بیرینی سئومک . (همدی ر را دوست داشتن.) اؤنلار بیربیرلرینی سئویرلر.

بیر بیرینین اؤلماق : (متعلق به هم دی ر شدن.)

بیر بیریمیز : (یکی یکی یمان)

بیر بیریمیزین : (متعلق به همدی ر شدن . مال همدی ر شدن)

بیز بیر بیریمیزه باخیریق (ما به همدی ر ناه می کنیم.)

سیز بیربیری نیزینسینیز . (شما بر [به] همدی ر تعلق دارید.)

بیز بیر بیریمیزی . biz bir-- birimizi . (ما همدی ر را)

بۇ قیز ایله اؤ اؤغلان بیر بیرینی دیر(لر). . bu qız ilə o oğlan bir - birinidir(lar).

بیز بیر بیریمیزیکی . biz bir-bir imizin ik . (ما به هم دی ر تعلق داریم .)

سیز بیر بیریمیزین سینیز . siz bir-bir in izin siniz . (شما به همدی ر تعلق دارید.)

اؤنلاربیربیرلرینین دیرلر . onlar bir-bir lar in in dir lar . (آنها به هم دی ر تعلق دارند.)

اؤ ماشین بیزیم بیریمیزندیر . o maşın bizim bir imiz in dir .

بۇ ائو بیزیم بیریمیزین دیر . bu ev bizim birimiz in dir . (این خانه متعلق به یکی از ما است.)

- کلمات عددی به شکل مفرد و جمع و یا با کلمات مختلف مثل هامی، هئ نیز بکار رفته

می شوند: بیریمیزین ، یکی میزین ، او و موزون ، دؤرتدوموزون ، بشیمیزین . و...

بۇ ائو سیزین او ونوزون دور . bu ev sizin üçünüzündür .

بۇ شهر بیزیم هامی میزین دیر . bu şəhər bizim hamımızındır .

بۇ یورت بیزیم هامی میزندیر . بۇ یورت بیزیم هامی میزین دئ یل می؟ هئ بیریمیزین

دئ یل می؟ بۇ مملکت بیزیم هامیمیزین دیر .

- کلمات مذکور به شرح زیر با تکرار شوند ده و کلمه ربطی کی در فرمهای مختلف

بکار رفته می شوند: بیربیریمیزینکی نده کی . یکی میزینکی نده کی . و..

- کلمه بیربیر با شوند də,da (حالت از) و کلمه ربطی کی ترکیب می یابد و به

شکل کلمه انعکاسی در می‌آید و در حالت‌های تصریفی صرف می‌شود:

| علائم حالت‌های تصریفی فارسی و ترکی | | حالت تصریفی با سوند ملکی ده و کلمه ربطی کی | |
|------------------------------------|-------------------|--|----------------------|
| حالت فاعلیت | یالین اد | بیز بیر بیرمیز ده کی | bir -birimzədəki |
| حالت به | ə ، ه حالی | بیز بیر بیرمیزده کی نه | bir -birimzədəkinə |
| حالت در | də ، ده حالی | بیز بیر بیرمیز ده کی نده | bir -birimzədəkində |
| حالت از | dən ، دن حالی | بیز بیر بیرمیزده کی ندن | bir -birimzədəkindən |
| حالت را | i, ü ، ای حالی | بیز بیر بیرمیزده کی نی | bir -birimzədəkini |
| سوند ملکی | in, ün ، این حالی | بیز بیر بیرمیزده کینین | bir -birimzədəkinin |

- ضمیر شخصی و کلمه بیر بیر با سوند ملکی و تکرار کلمه ربطی کی و سوند

دا به شکل زیر ترکیب یافته و در حالت‌های تصریفی بکار رفته می‌شود:

- منیمکی نده کی نده ، سنینکی نده کی نده ، اؤنوکونداکی ندا ،

- بیر بیرمیزده کی نده ، ایکی میزده کینده کینده ، او وموزده کی نده کی نده ، ...

- کلمه عددی با سوند ملکی (in, ün) و کلمه ربطی کی ترکیب می‌یابد و به شکل کلمه

انعکاسی در آمده و در حالت‌های تصریفی بکار رفته می‌شود:

| حالت فاعلیت | | یالین اد | | بیز بیر بیرمیزین کی | | biz bir -bir im izin ki | |
|-------------|-------------------|-------------------------|------------------------------|-------------------------|------------------------------|-------------------------|------------------------------|
| حالت به | ə ، ه حالی | بیز بیر بیرمیزین کی نه | biz bir -bir im izin kinə | بیز بیر بیرمیزین کی نه | biz bir -bir im izin kinə | بیز بیر بیرمیزین کی نه | biz bir -bir im izin kinə |
| حالت در | də ، ده حالی | بیز بیر بیرمیزین کی نده | biz bir -bir im izin kin də | بیز بیر بیرمیزین کی نده | biz bir -bir im izin kin də | بیز بیر بیرمیزین کی نده | biz bir -bir im izin kin də |
| حالت از | dən ، دن حالی | بیز بیر بیرمیزین کی ندن | biz bir -bir im izin kin dən | بیز بیر بیرمیزین کی ندن | biz bir -bir im izin kin dən | بیز بیر بیرمیزین کی ندن | biz bir -bir im izin kin dən |
| حالت را | i, ü ، ای حالی | بیز بیر بیرمیزین کی نی | biz bir -bir im izin kin i | بیز بیر بیرمیزین کی نی | biz bir -bir im izin kin i | بیز بیر بیرمیزین کی نی | biz bir -bir im izin kin i |
| سوند ملکی | in, ün ، این حالی | بیز بیر بیرمیزین کینین | biz bir -bir im izin ki nin | بیز بیر بیرمیزین کینین | biz bir -bir im izin ki nin | بیز بیر بیرمیزین کینین | biz bir -bir im izin ki nin |

ضمایر سوالی نه ، کیم نیز به شکل کلمه انعکاسی می‌باشد:

لطفاً بخش صرف کلمات سوالی نیز توجه کنید:

بخش هفتم ،

کلمات تعلقات ملکی و ضمیر ملکی با فعل “وار” :

(۱) کلمات تعلقات ملکی: مال mal (سروت ، دارائی ، حیوان) :

کلمه مال ، با اضافه ملکی این in همراه سوند صرفی دیر به شکل سوم شخص مفرد با مفهوم تعلق داشتن بکار رفته می شود. مثال :

| | | |
|--------------------|-------------------|------------------|
| اؤ منیم مالیمدیر . | o mənim malımdır | آن مال من است . |
| بۇ سنین مالیندیر . | bu sənin malındır | این مال تو است . |
| اؤ اونون مالیدیر . | o onun malıdır | آن مال اوست . |

اؤ بیزیم مالیمیز دیر ، اؤ سیزین مالینیزدیر ، اؤ اولارین مالیدیر (ماللاریدیر) .

- کلمه مال به شکل زیر در جمله بکار رفته می شود :

سوال : بۇ یئر کیمین مالیدیر؟ بۇ اؤکوز کیمین مالیدیر؟ بۇ ماللار کیمیندیر (لر) ؟

جواب: بۇ یئر منیم مالیمدیر . بۇ مال حیوانلار منیم مالیمدیر . بۇ یئرلر منیم دده مالیمدیر .

- کلمه مال همراه کلمه ضمیر انعکاسی اؤز نیز بکار رفته می شود :

| | | | |
|--------------------------|-----------------------------|------------------------------|------------------|
| بۇ منیم اؤز مالیمدیر | بۇ سنین اؤز مالیندیر | بۇ اونون اؤز مالیدیر | (a) با کلمه مال |
| بۇ بیزیم اؤز مالیمیزدیر | بۇ سیزین اؤز مالینیزدیر | بۇ اولارین اؤز ماللاریدیر | |
| بۇ یئر منیم اؤز مالیمدیر | بۇ سرمایه منیم اؤز مالیمدیر | بۇ اغاجلار منیم اؤز مالیمدیر | |
| بۇ منیم اؤزوموندور | بۇ سنین اؤزونوندور | بۇ اونون اؤزونوندور | (b) با سوند ملکی |
| بۇ بیزیم اؤزوموزوندور | بۇ سیزین اؤزونوزوندور | بۇ اولارین اوزلرینیندیر | |

کلمه مال و مفاهیم مختلف ان :

- کلمه مال با مفهوم خرج و یا پرداخت :

بۇ منه مین تۇمنه مال اولوبدور . بۇ منه باهیا مال اولوبدور . اؤ دا سنه نۇخا مال اولوبدور .

ا ر فته شود اؤ منه بئش تومنه مال اولوبدور . به این معنی فهمیده می شود که ان برای

من نه تومان خرج برداشته است [خرج کرده ام و یا پرداخته ام] .

- کلمه مال با مفهوم ارثیه :

ا ر فته شود بۇ ائو منیم دده مالیم دیر . به این معنی فهمیده می شود که ان خانه از پدر من ارث رسیده است. ا ر رسیده شود بۇ سنین دده مالیندیر می؟ ، جواب داده می شود ، بلی بۇ منیم دده مالیم دیر . (نفی کلمه: او منیم دده مالین دئیل .)

- کلمه مال با مفهوم حیوان (حیوان) :

مال ، حیوان بزر (امثال : او ، او میش ، کل) نیز معنی می دهد :

بۇ قدر مال حیوان کیمیندیر (لر) ؟ بۇ ماللار (مال حیوانلار) کیمیندیر (لر) ؟ . و ...

- کلمه مال به شکل صفت و با مفهوم ابله ، بی خرد ، نادان ، حیوان نیز بکار رفته

می شود : او ائله بیل مال دیر . او مال کیبی (کیمی) دیر . او مال کیبی (کیمی) دیر .

- توجه شود که در زبان فارسی بوسیله مال ، اضافه ملکی ضمائر شخصی بیان

می شود : منیم : مال من . سنین : مال تو . اونون : مال او . و ...

(۲) مالیک malik : (فارسی : مالک)

کلمه مالیک در زبان ترکی با مفعول با واسطه به ، که علامت ان در ترکی حرف

اضافی a ، e است ، که به اسم و یا به ضمیر پیوند خورده و صرف می شود :

| | |
|------------------------------------|--|
| من اؤنا مالیکم . mən ona malikəm | بیز اؤنا مالیک ایک (بیز مالیکیک) |
| سن اؤنا مالیک سن. sən ona maliksən | سیز اؤنا مالیک سینیز (سیز مالیک سینیز) |
| او اؤنا مالیک دیر . o ona malikdir | اونلار اؤنا مالیک دیرلر (اونلار مالیک دیرلر) |

- کلمه مالک به شکل زیر مورد سوال و جواب قرار می یرد :

سؤال : بۇ ائوه کیم مالیک دیر ؟ بۇ یئره کیم مالیک دیر ؟

جواب : بۇ ائوه من مالیکم . بۇ یئره او مالیک دیر .

- کلمه مالیک به شکل زیر در حالت های تصریفی بکار رفته می شود :

مالیک : مالیکه ، مالیکده ، مالیکدن ، مالیکی ، مالیکین

کلمه مالیک ، همراه اضافی ملکی این و ی :

| | | | |
|------|-----------------------------|-----------------------------|-----------------------------|
| سؤال | ۱) بۇ ائوین مالیکی کیم دیر؟ | ۲) کیم بۇ ائوین مالیکی دیر؟ | ۳) کیم دیر بۇ ائوین مالیکی؟ |
| جواب | ۱) بۇ ائوین مالیکی منم | ۲) من بۇ ائوین مالیکی یم | ۳) سن اؤنون مالیکی سن |

- کلمه مالیک با سوند ملکی این و ی به شکل زیر برای ضمائر شخصی صرف می شود :
 من اؤنون مالیکی یم . سن اؤنون مالیکی سن . او اؤنون مالیکی دیر .
 بیز اؤنون مالیکی ییک . سیز اؤنون مالیکی سینیز . اؤنلار بؤنون مالیکی دیرلر .

۳) صاحب sahib : (فارسی : صاحب)

کلمه صاحب با مفعول با واسطه به که در زبان ترکی حرف a , ə می باشد ، به شکل زیر برای ضمائر شخصی صرف شده و در جمله بکار رفته می شود :

| | | |
|-----------------------------|----------------------------|----------------------------|
| بۇ ائوه من صاحیبام . | bu evə mən sahibam . | صاحب این خانه من هستم . |
| بۇ قوزویا سن صاحیسان . | bu quzuya sən sahibsam . | صاحب این بره تو هستی . |
| بۇ ائوه سن صاحیسان . | bu evə sən sahibsan . | صاحب این ماشین تو هستی . |
| بۇ قۇیونا سن صاحیسان . | bu quyuna sən sahibsan . | صاحب این وسفند تو هستی . |
| بۇ ائوه او صاحیدیر . | bu evə o sahibdir . | صاحب این خانه تو هستی . |
| بۇ ائوه بیز صاحیبیق . | bu evə biz sahibıq . | صاحب این خانه ما هستیم . |
| بۇ ائوه سیز صاحیسینینیز . | bu evə siz sahibsınız . | صاحب این خانه شما هستید . |
| بۇ ائوه اؤنلار صاحیدیر(لار) | bu evə onlar sahibdir(lar) | صاحب این خانه انها هستند . |

- کلمات مذکور به شکل زیر همراه سوند ملکی مورد سوال و جواب قرار می گیرند :
 بۇ ائوین صاحیبی کیم دیر؟ بۇ ائوین صاحیبی منم . او ائوین صاحیبی سن سن .

بۇ ماشینین صاحیبی کیمدیر؟ اؤنون صاحیبی منم. بۇ ماشینین صاحیبی سن اؤزون سن.

- کلمه صاحب با کلمه سوالی کیم و با حالت به که در ترکی حرف a، ə

است، همراه سوند صرفی دیر به شکل زیر صرف می شود:

بۇ ائوه کیم صاحیب دیر؟ بۇ ماشینا کیم صاحیب دیر؟ جواب: اؤنا من صاحیبام

بۇ ائوین صاحیبی کیم دیر؟ بۇ ماشینین صاحیبی کیم دیر؟ جواب: بۇ ماشینین صاحیبی منم؟

- کلمه صاحب در جواب سؤال کیم صاحیب دیر (کی صاحب است)، به شکل

زیر (با مفهوم من صاحب ان هستم) بکار رفته می شود: (کیم اؤنون صاحیبی دیر).

| | | |
|----------------------|------------------------|------------------------------|
| من اؤنون صاحیبی یام | سن اؤنون صاحیبی سان | اؤ اؤنون صاحیبی دیر |
| بیز اؤنون صاحیبی ییق | سیز اؤنون صاحیبی سینیز | اؤنلار اؤنون صاحیبیدیر (لار) |

- کلمه صاحب با کلمه سوالی کیم، حالت به و سوند صرفی دیر به شکل

زیر صرف می شود:

بۇنا کیم صاحیب دیر؟ اؤنا کیم صاحیب دیر؟ اؤنلارا کیملر صاحیب دیر (لار).

صرف کلمه با علامت حالت به (a): (کیم اؤنا صاحیبیدیر).

| | | |
|------------------|----------------------|--------------------------|
| من اؤنا صاحیبام | سن اؤنا صاحیبسان | اؤ اؤنا صاحیب دیر |
| بیز اؤنا صاحیبیق | سیز اؤنا صاحیب سینیز | اؤنلار اؤنا صاحیب دیرلار |

بیز اؤنا صاحیبیق، سیز اؤنا صاحیب سینیز، اؤنلار اؤنا صاحیب دیرلار.

- در مواردی نیز کلمه صاحیب را به شکل صاحِب (همانند فارسی و یا عربی) تلفظ

می کنند. از اینکه آخرین حرف صدادار صاحِب saheb با اهنه بالائی است،

سوند ان با حرف صدادار با اهنه بالائی صرف می شود:

| | | |
|---------------------|----------------------------|--------------------------------|
| من صاحِبم sahebəm | سن صاحِبسن sahebsən | اؤ صاحِب دیر sahebdir |
| بیز صاحِبیک sahebik | سیز صاحِب سینیز sahebsiniz | اؤنلار صاحِب دیرلر sahebdirler |

(مالیکیت malikiyət : (فارسی : مالکیت)

کلمه مالیکیت ، بوسیله تکرار دو باره ضمیر ملکی همراه سوند حالت تصریفی در (که در زبان ترکی حروف ده و یا دا می باشد) با سوند صرفی دیر به شکل سوم شخص مفرد صرف می شود. مثال :

| | | |
|--------------------------------|----------------------------------|------|
| bu ev kimin malikiyətindədir? | بۇ ئۆي کیمین مالیکیتیئندە دیر ؟ | سؤال |
| bu ev mənim malikiyətimdədir | بۇ ئۆي مەنیم مالیکیتییم دە دیر . | جواب |
| o maşın sənın malikiyətindədir | اۇ ماشین ، سنین مالیکیتیئە دیر . | |
| o maşın onun malikiyətindədir | اۇ ماشین اۇنون مالیکیتیئە دیر . | |

اۇ بیزیم مالیکیتییمیز دە دیر . او سیزین مالیکیتیئیز دە دیر . اۇ اۇنلارین مالیکیتیئە دیر .
 - ا ر کلمه سؤالی با سوند ملکی و یا با سوند حالت تصریفی (در) بکار رفته شود ،
 جواب ان نیز با سوند ملکی و با حالت در بیان می شود :

| | | |
|--|---|------|
| بۇ ئۆلرین مالیکیتی کیمین دیر ؟ بۇ سرمایه لرین مالیکیتی کیملدە دیر ؟ | بۇنون مالیکیتی کیمین دیر ؟ بۇنون مالیکیتی کیملدە دیر ؟ | سوال |
| بۇ ئۆلرین مالیکیتی اۇنلار دا دیر . | اۇنون مالیکیتی مەنیم دیر . | جواب |
| اۇنون مالیکیتی سندن دە یل می ؟ | اۇنون مالیکیتی مەنیم دە یل . | نفی |

(کلمه وار var ، یوخ yox و سوند ملکی :

a) کلمه وار معنی داشتن را می دهد ؛ کلمه وار از ریشه مصدر و ارماق (به مقصد رسیدن) است که با مفاهیم مختلف بکار رفته شده و به شکل زیر برای ضمائر شخصی (با مفهوم من هستم . من زنده ام . موجود هستم .) صرف می شود:

| | |
|----------------------------|----------------------------------|
| مەن وارانم mən varam | بیز واریق biz varıq |
| سەن وارسان sən varsam | سیز وارسینیز siz varsınız |
| اۇ وار (دیر) o var (dır) | اۇنلار واردیرلار onlar vardırlar |

بۇ ایشده منده وارام. (در این کار من هم هستم.) بۇ ایشده منیم ده آلیم وار.
 با مفهوم هستن : من ده بۇرادا وارام . (من هم در اینجا هستم .)
 هله لیک من بۇرادا وارم. (هله لیک من بورادایام.)

با مفهوم داشتن ، موجود بودن :

من ده بیر کیتاب وار. (من یک کتاب دارم .)
 اۇندا ول وار(دیر). سنده قلم وار. بیزده میداد وار(دیر).
 منده باش اغریسی وار. (من سردردی دارم .)
 منده قارین اغریسی وار. (من شکم دردی دارم .)

وار با ضمیر ملکی به شکل زیر با مفهوم داشتن صرف می شود :
 منیم واریم (دیر) ، سنین وارین (دیر) ، اۇنون واری (دیر) ،
 بیزیم واریمیز(دیر) ، سیزین وارینیز(دیر) ، اۇنلارین وارلاری (دیر).

وار با سوند لی با مفهوم دارائی سرمایه داشتن :

وارلی (سروتمند بودن ، سرمایه دار بودن) به شکل زیر برای ضمائر شخصی صرف
 می شود : من وارلی یام ، سن وارلی سان ، اۇ وارلی دیر
 بیز وارلی ییق ، سیز وارلی سینیز ، اۇنلار وارلی دیر(لار)
 مفاهیم مذکور به شکل زیر در جمله بکار رفته می شوند :

اۇ وارلی ادام دیر. اۇنون واری وۇخدور. اۇنون واریوخو بیر ماشین دیر.

- کلمه وار و تکرار ان با سوند مخفف شده ملکی (in) با مفهوم دارائی داشتن :

| | | |
|-------------------------|-------------------------|--------------------------------|
| منیم واریم وار(دیر) | سنین وارین وار (دیر) | اۇنون واری وار(دیر) |
| بیزیم واریمیز وار(دیر) | سیزین وارینیز وار(دیر) | اۇنلارین وار (لار) ی وار(دیر) |

- نفی با کلمه یوخ : منیم واریم یوخ ، سنین وارین یوخ ، اۇنون واری یوخ ، ...

- نفی با سوند سیز : من وارسیزام. (من بدون دارائی هستم.) سن وارسیز سان. ...

کلمه وارماق مصدری است که با مفهوم به مقصد رسیدن به شکل فعل صرف می‌شود: من بۇ ون تهرانا وارارام. (من امروز به تهران می‌رسم [تغییر مکان دادن]).
 وارماق (رسیدن)، بیر یئره وارماق (در جایی حاضر شدن، بجائی رسیدن)
 من ساعات سکیزده تبریزه واردیم. (رسیدم، امدم، وارد شدم)
 من بۇ ون اؤرایا (اورا) وارارام. (من امروز در انجا حاضر هستم. [می‌شوم])

کلمه وار همراه تکرار اضافه ملکی:

سوند ملکی یك بار به شکل منیم و یك بار دی ر به شکل ائویم تکرار می‌شود:

| | | |
|-----------------------------|-----------------------------|--------------------------------|
| منیم بیر ائویم وار (دیر) | سنین بیر قیزین وار (دیر) | اؤنون بیر قارداشی وار (دیر) |
| بیزیم بیر ائویمیز وار (دیر) | سیزین بیر ماشینیز وار (دیر) | اؤنلارین بیر باجی سی وار (دیر) |

- فعل وار، از ریشه مصدر وارماق است که همراه سوند لبق به اسم تبدیل

می‌شود. (وارلیق: هستی، هستی داشتن، موجودیت داشتن، موجود بودن)

- ضمیر شخصی با سوند ده، دا (با حالت مفعول در) و کلمه وار ترکیب می‌یابد و با مفهوم یزی داشتن و یا مالک یزی شدن در فرم سوم شخص مفرد (و در مواردی با سوند دیر) بکار رفته می‌شود:

| | | |
|---------------------------|---------------------------|---------------------------------|
| مند وار (دیر) məndə var | سند وار (دیر) səndə var | اؤندا وار (دیر) onda var |
| بیزده وار (دیر) bizdə var | سیزده وار (دیر) sizdə var | اؤنلاردا وار (دیر) onlar da var |

- در رابطه با کلمه وار و سوند ده به ند قطعه شعر زیر توجه کنید:

حقیقی: قدین کیمی ستوده صنوبر نه یئرده وار
 عنبرفشان سا ین کیمی عنبر نه یئرده وار
 حسنون بیاضینا دوشه لی دانه ی سیاه
 بۇ طور ای ینده خال مڈور نه یئرده وار

مضفر شبستری: عاشیق لیر سازی وار غمزه سی وار نازی وار

هر باهارین بیر قیشی، هر قیشین بیر یازی وار.

- کلمه یوخ ، کلمه نفی است که هستن ، داشتن را نفی می کند :
کلمه نفی یوخ فعل نیست ، ولی در مواردی با سوند صرفی برای ضمائر شخصی صرف می شود. مثال : (با مفهوم من نیستم .)

| | | |
|----------------------------------|---------------------------|---------------------|
| o yox (dur دۇر) اؤ یوخ | sən yoxsan سن یوخ سان | mən yoxam من یوخام |
| onlar yoxdurlar اۇنلار یۇخدۇرلار | siz yoxsunuz سیز یۇخسونوز | biz yoxuq بیز یۇخوق |

- کلمه نفی یوخ با سوند ملکی و سوند صرفی به شکل سوم شخص مفرد بکار رفته می شود :
منیم یوخومدور ، سنین یوخوندور ، اؤنون یوخودور
- کلمه یوخ را می توان با سوند لا به فعل و با سوند ماق به مصدر تبدیل کرد و به شکل کلمه یوخلاماق در آورد و (با مفهوم امتحان ، آزمایش ، بررسی و مقایسه کردن وزن اشیاء و..) صرف کرد. مثال :

یوخلاماق ، یوخلايیرام ، یوخلارام ، یوخلادیم ، ...
- کلمه وار بوسیله سوند سیز نفی می شود. مثال : (من بدون مال ملک ، فقیر هستم)
- من وارسیزام ، سن وارسیزسان ، اؤ وارسیزدیر ، ...
- نفی کلمه وار با کلمه دئ یل بکار رفته می شود:

| | | |
|-------------------|-----------------------|--------------------------|
| من وارلی دئ یلم | سن وارلی دئ یل سن | اؤ وارلی دئ یل |
| بیز وارلی دئ یلیک | سیز وارلی دئ یل سینیز | اۇنلار وارلی دئ یل دیرلر |

(نفی کلمات در ترکیبات یوخ اؤلماق ، یوخلوق ، یوخ ائدمک نیز بیان می شود.)

کلمه وار ، همراه کلمه سوالی نه :
کلمه سوالی نه با کلمه وار ترکیب می یابد و به شکل کلمه سوالی نه وار با مفهوم ه است [هست] بکار رفته شده و با کلمه “ یوخ ” نفی می شود :
- سؤال: سنده نه وار (دیر) ؟ کیمده نه وار (دیر) ؟ سنده یوخ (دور) مو؟

جواب: منده بیر کیتاب وار (دیر). منده جۇراب وار (دیر).

منده هه بیر شئی یۇخ (دور). سنده ده هه ذاد یۇخ (دور).

سندە کیتاب یۇخ (دور) مو؟ یۇ ، یۇخ دۇر. منده یۇخ (دور).

نحوه بکار گیری کلمه سوالی نه همراه اضافه ملکی و کلمه وار، یۇخ :

کلمه سوالی نه (ه) ، کلمه ای است که برای اشیاء بکار رفته می شود ، ولی اگر ان با کلمات وار و یۇخ همراه باشد ، در رابطه با اشخاص نیز مورد استفاده قرار می گیرد. مثال : نه بین وار؟ (ه کسی و یا ه یزی داری.)

- کلمه سوالی نه بین وار به شکل زیر برای ضمائر شخصی صرف می شود :

منیم نه یم وار ؟ *mənim nəyim var* (من ه یزی و ه کسی را دارم ؟)

سنین نه بین وار ؟ *sənin nəyin var* (تو ه یزی و ه کسی را داری ؟)

اؤنون نه یی وار ؟ *onun nəyi var* (او ه یزی و ه کسی را دارد ؟)

بیزیم نه ییمیز وار ؟ سیزین نه یینیز وار ؟ اؤنلارین نه یی (نه لری) وار ؟

- به تجزیه کلمه نه بین وار *nəyinvar* که از چهار بخش تشکیل یافته است توجه کنید :

(۱) نه *nə* : کلمه سوالی ، (۲) *y* : حرف تکمیلی که در صرف بین دو حرف صدادار

قرار می گیرد. (۳) *in* : اضافی ملکی، (وار *var* : فعل هستن و داشتن می باشد .

- در مقابل کلمه سوالی نه بین وار؟ *nəyin var* جواب داده می شود :

منیم بیر قارداشیم و بیر باجیم وار. *mənim bir qardaşım və bir bacım var*

سنین بیر عمین وار. اؤنون بیر بیبی سی وار. بیزیم بیر دایی میز وار .

سیزین ایکی خالانیز وار. اؤنلارین او قارداشی و ایکی باجیسی وار .

(اؤنلارین او قارداشی و ایکی باجی سی وار. منیم ده او قارداشیم و او باجیم وار.)

سنین بیر ماشینین و بیر ائوین وار. *sənin bir maşının və bir evin var* .

- کلمه سوالی کیم همراه وار به شکل زیر برای ضمائر شخصی صرف می شود :

سؤال : منیم کی‌میم وار؟ mənin kimim var ? (من که کسی را دارم .)

سنین کی‌مین وار ؟ (sənin kimin var ?) (تو که کسی را داری .)

اؤنون کی‌می وار . بیزیم کی‌می میز وار . سیزین کی‌می نیز وار . اؤنلارین کی‌ملری وار .

منیم بیر قارداشیم وار . سنین بیر باجین وار . اؤنؤن بیر اؤغلو وار .

استفاده از کلمات یوخ بعنوان نفی وار :

دو کلمه وار و یوخ در رابطه با اشخاص و اشیاء به يك سان بکار رفته می شود :

۱- ا ر رسیده شود سنین نه یین وار ؟ sənin nəyin var?

در جواب گفته می شود : منیم هئ نه ییم [بیر زادیم] یوخدور .

(a) ا ر از جملات سنین نه یین وار ، منظور شخص باشد ، بهتر است که جواب به شکل زیر بیان شود :

منیم هئ بیر کی‌میم (کسیم) یوخدور . mənim heç bir kimim (kəsim) yoxdur .

منیم بی بییم (عمه م) یوخدور . mənim bibim(əm-məm) yoxdur . (من عمه ندارم)

منیم هئ کسیم یوخدور . منیم بیر کسیم یوخدور . منیم بیبیم یوخدور .

(b) ا ر از جمله مذکور بیان شی باشد ، بهتر است که به شکل زیر بیان شود :

منیم هئ بیر شی‌ییم یوخدور . mənim heç bir şeyim yoxdur .

منیم ائویم یوخ دور . mənim evim yoxdur .

منیم قارقا قونار بیر اغاجیم یوخدور . منیم کیتاییم یوخدور . سنین ائوین یوخدور .

منیم هئ بیر زادیم یوخدور . mənim heç bir zadim yoxdur .

کلمه وار یوخ :

کلمه وار و یوخ به شکل کلمه مرکب وار یوخ تشکیل می یابد و با مفهوم

همه یز بکار رفته می شود . واریوخ بجای اسم بدلی با مفهوم هستی نیستی

و یا همه یز و کس صرف می شود . مثال :

- بۇ اۇشاق منیم وار یۇخومدور. bu uşaq mənim varyoxumdur.
- مینم وار یۇخوم بۇ بیر قارداشیم دیر. بۇ قۇجا ننه منیم بۇ دۇنیادا وار یۇخوم دور.
- وار یۇخ بجای اشیاء و یا دارائی: (بیش از این دارائی ندارم.)
- بۇ ائو منیم وار یۇخوم دور. bu ev mənim varyoxumdur.
- بۇ ماشین منیم وار یۇخومدور. بۇ ائو بیزیم وار یۇخوموز دور.
- ضمیر شخصی با حروف اضافی ده ، همراه کلمه وار و یا یوخ :

| | | |
|------------------------------|----------------------------|------------------|
| مندە بیر کیتاب وار (دیر). | məndə bir kitab var (dır). | من يك كتاب دارم. |
| سندە بیر کیتاب وار (دیر). | səndə bir kitab var (dır). | تو يك كتاب داری. |
| اۇندا بیر کیتاب وار (دیر). | onda bir kitab var (dır). | او يك كتاب دارد. |

- بیزده بیر کیتاب وار. سیزده بیر کیتاب وار. اۇنلاردا بیر کیتاب وار.

توجه شود که در جملات مذکور صاحب کتاب مشخص نیست.

کلمه یوخ به شکل زیر صرف می شود:

| | | |
|--------------------------|------------------------|-----------------------|
| مندە کیتاب یوخ (دۇر). | məndə kitab yox (dur). | در یش من کتابی نیست . |
| سندە کیتاب یوخ (دۇر). | səndə kitab yox (dur). | در یش تو کتابی نیست . |
| اۇندا کیتاب یوخ (دۇر). | onda kitab yox (dur). | در یش او کتابی نیست. |

بیزده کیتاب یوخ (دۇر). سیزده کیتاب یوخ (دۇر). اۇنلاردا کیتاب یوخ (دۇر)

کلمه یوخ با تکرار سوند ملکی : (من کتابی دارم.)

| | | |
|-------------------------|-------------------------|---------------------------|
| مینم کیتاب یۇخومدور | سنین کیتاب یۇخوندور | اۇنون کیتاب یۇخودور |
| بیزیم کیتاب یۇخوموز دور | سیزین کیتاب یۇخونوز دور | اۇنلارین کیتاب یۇخلاریدیر |

- ا ر فته شود منیم کیتابیم یۇخدور. ، کتاب من نیست معنی می دهد.

- ا ر فته شود مندە کیتاب یۇخدور به مفهوم در یش من کتاب نیست معنی می دهد.

کلمه وار و یوخ :

کلمه وار با تکرار ضمیر ملکی بکار رفته می شود. مثال :

| | | | |
|-----|---------------------------|---------------------------|---------------------------|
| وار | منیم کیتاییم وار (دیر) | سنین کیتایین وار (دیر) | اؤنون کیتابی وار (دیر) |
| | بیزیم کیتاییمیز وار (دیر) | سیزین کیتایینیز وار (دیر) | اؤنلارین کیتابی وار (دیر) |
| یوخ | بیزیم کیتاییمیز یوخ (دور) | سیزین کیتایینیز یوخ (دور) | اؤنلارین کیتابی یوخ (دور) |

۱- ر جملات مذکور با سوند ملکی بیان شوند ، طبق معمول جواب انها نیز با سوند ملکی بکار رفته می شوند. مثال : (در یش من کتاب است. [موجود است])

| | |
|--|---|
| منیم کیتاب واریمدیر. mənim kitab varımdır | بیزیم ائو واریمیزدیر. bizim ev varımızdır. |
| سنین کیتاب واریندیر. sənin kitab varındır. | سیزین ائو وارینیزدیر. sizin ev varınızdır. |
| اؤنون کیتاب واریدیر. onun kitab varıdır. | اؤنلارین ائولری وار (دیر) onların ev varlarıdır |

۲- کلمات مذکور به شکل زیر در جمله با سوند ده ربطی در فرمهای مختلف بکار رفته می شوند : سیزده ده کیتاب وار

| | | | |
|---|------------------------------|-----------------------------|---------------------------------|
| ۱ | منیم ده اؤ کیتابدان واریمدیر | سنین ده بؤ قلمدن واریندیر | اؤنونا بؤ کیتابدان واریدیر |
| ۲ | بیزیمده کیتاییمیز وار (دیر) | سیزینده کیتایینیز وار (دیر) | اؤنلارین دا کیتابلاری وار (دیر) |
| ۳ | منیم ده کیتاییم وار (دیر) | سنین ده کیتایین وار (دیر) | اؤنون دا کیتابی وار (دیر) |

اشکال مختلف نفی با کلمه یوخ :

(ضمیر ملکی و سوند ربطی)

| | | | |
|---|---------------------------|----------------------------|---------------------------|
| ۱ | منیم ده کیتاب یوخومدور | سنین ده ئول یوخوندور | اؤنون دا قلم یوخودور |
| ۲ | منیم ده کیتاییم یوخومدور | سنین ده ئولون یوخوندور | اؤنون دا کیتابی یوخودور |
| ۳ | سنین ده بؤ قلمدن یوخوندور | اؤنونا بؤ کیتابدان یوخودور | بیزیمده اؤندان یوخوموزدور |

۸) بخش هشتم : کلمات مختلف وصفی، قیدی و ربطی و سوندی

۱) صفت و انواع مختلف آن :

صفت کلمه ای است که خصوصیت، کیفیت، رن، بزرگی، سفتی، زیبایی و... اسم را در جمله بیان می کند.

کلمه صفتی هنوز سایر کلمات ترکیبی، ساده و ترکیبی و مرکب می باشد :

a) کلمه ساده صفتی، کلمه توصیفی است که یک عضو دارد و با کلمه دیگری ترکیب نیافته است. مثال :

| ترکی | فارسی | ترکی | فارسی |
|---------|---------|-----------|-----------|
| کیچیک | kiçik | بویوک | böyük |
| کوئک | کوئک | بزر | بزر |
| دوز | düz | قیسا | qısa |
| راست | راست | کوتاه | کوتاه |
| نازیک | nazik | یئکه | yekə |
| نازک | نازک | نده | نده |
| یئنی | yeni | جیقیلی | cıqılı |
| تازه | تازه | ریز(کوئک) | ریز(کوئک) |
| نج | gənc | غزل | gözəl |
| جوان | جوان | خوشه ل | خوشه ل |
| یاشیل | yaşıl | یرکین | çirkin |
| سبز | سبز | بد ل | بد ل |
| یس | pis | قشئک | qəşənk |
| بد | بد | قشئ | قشئ |
| سئفئح | sefeh | کیفیر | kifir |
| ابله | ابله | بد ل | بد ل |
| پورؤوؤز | pürüvüz | اؤجا | uca |
| بالغ | بالغ | بلند | بلند |
| کؤره | körpə | آلاق | alçaq |
| نابالغ | نابالغ | کوتاه | کوتاه |
| دلی | dəli | اؤزون | uzun |
| دیوانه | دیوانه | دراز | دراز |

- کلمات صفتی ساده به اشکال زیر بکار رفته می شوند :

باغ بویوکدور. قیز غزلدیر. داغ اؤجادیر. اوشاق غوره دیر. یمن یاشیل دیر.

اۇ بۆيوك باغ. بير غۇزل قيز. بير اۇجا داغ. ايكي غۇره اۇشاق. بۆيوك ياشيل يېمن. و...

b) **صفت ترکیبی** ، کلمه ای است که از دو بخش تشکیل می یابد ؛ بخش اول ان کلمه و قسمت اخری ان سوند می باشد. مثال :

عاغیللی ، تبریزلی ، قۇرخۇلۇ ، کرملی ، صفالی ، عاغیلسیز ، و...
اۇ عاغیللی دیر. سن تبریزلی سن. یمن صفالی دیر. اۇ عاغیلسیز دیر.

c) **صفت مرکب** ، کلمه ای است که از دو و یا ند کلمه ترکیب می یابد. مثال :
غۇخ یاخشى ، غۇخ غۇزل ، آن بۆيوك ، لا اۇجا ، اۇم اۇجا و...
اۇ غۇخ یاخشى ادامدیر. لاله غۇخ غۇزل بیر قیزدیر. بۇ داغ آن بۆيوك بیر داغ دیر.

کلمات صفتی از لحاظ دستوری با مفاهیم و نامهای مختلف بکار رفته می شوند :
صفت رتبه ای ، کلمه ای است که رتبه و مقام کسی و یا شئی را بیان می کند. مثال :

سرین سۇ sərin su (آب خنك) ، ئۇللو (ئۇل لی) آدم. pullu (pullı) adam
عاغیللی قادین ağıllı qadın ، سئفئح کیشی sefeh kişi ، اۇجا ئو uca ev ، و...

صفت تشبیهی oxşar sifətlər ,

صفتی است که دو کلمه و یا دو جمله را در مقابل هم قرار داده و انها را با همدی ر در مقام مقایسه قرار می دهد. مثال :

کییی ، کیمی ، قدر ، دن ، دان ، ائله ، ائله بیل ، میثال ، دییه سن ، بنزر ، و...

کلمات مذکور به شکل زیر در جمله بکار رفته می شوند.

بۇ قیز دئییه سن یه کدیر. bu qız deyəsən çiçəkdir (این دختر مثل يك دسته گل است.)

بۇ اۇغلان هیلوان کیمی (ییی) دیر . bu oğlan pəhləvan kimidir (gibidir) .

اۇ قیز ائله بیل مارال دیر. o qız elə bil maraldır. (آن دختر مثل آهوست.)

یاشار احمد کییی [کیمی] یس ادام د یل (دیر). قۇزو قۇیون قدر ؤك د یل (دیر).

نادر علی دن ییین دیر. (نادر از علی تندتر است.) قۇزی قۇیوندان یییمجیل دیر.

صفت وصفی، کلمه ای است که کس و یا شئی را توصیف و تعریف می کند. مثال:

اغ ، قارا ، یاشیل ، بۆیوک ، زور ، ییک ، ئۆزل ...

کلمات مذکور به شکل زیر در جمله بکار رفته می شوند :

اۇ قیز ئۆزل دیر. بۇ کیشی یاشلی دیر. بۇ یاراق یاشیل دیر. بۇ ائو بۆیوک ائودیر ، ...

۱ ر کلمه مرکب وصفی به شکل یک کلمه خوانده شود ، اسم عام محسوب می شود ،

ولی ۱ ر جدا از هم بیان شود ، کلمه اولی به شکل صفت بیان می شود. مثال :

یاشیل یاراق yaşılyarpaq (بر سبز) ، قارلی داغ qarlı dağ (کوه ربرف)

قورو اؤت ، یاش اؤت ، سۇلو الما ، غی یاراق ، بۆیوک ادام ، ییک اؤغلان ،

قارا توك ، اغ سا ، اغ ساقال ، قارا توكلو اؤغلان ، سالى قیز ، یاشلی قاری ، ...

صفت برتری ، کلمه ای است که برتر بودن صفتی را به نسبت همشکلهای خود بیان

می کند. صفت برتر به سه نوع نونا ون بیان می شود :

۱) صفت مطلق ، ۲) صفت تفصیلی ، ۳) صفت عالی

- **صفت مطلق** ، کلمه ای است که خوب و یا بد و زیبا و زشت بودن اسم را بیان

می کند. مثال : یاخشی (خوب) ، یس (بد) ، بۆیوک (بزرگ) ، ییک (کوچک) ...

- کلمات صفتی در جملات مختلف به شکل زیر با سوند صرفی دیر صرف می شوند:

| | |
|------------------------------|-------------------------------|
| bu kişi, yaxşı adamdır. | بۇ کیشی، یاخشی آدم دیر. |
| bu qız gözəldir. | بۇ قیز ئۆزل دیر. |
| bu dağ böyükdür. | بۇ داغ بۆیوک دور. |
| bu uşaq, ondan yeyin yeriyr. | بۇ اۇشاق، اوندان ییین ییرییر. |

بۇ ایش تیندیر. بۇ یول اؤزوندور. بۇ ون سؤیوقدور. بۇ اۇشاق ییکدیر.

بۇ قیز اوندان ییکدیر. اوجوز میوه. باهالی کیتاب. ساری ول.

- صفت تفصیلی ،

کلمه ای است که همراه حروف اضافی دان (دن) ، دها ، راق و لا به شکل زیر در جمله بکار رفته می شود. مثال :

(a) حروف اضافی دان در جمله به اسم متصل شده و کلمه صفتی نیز به دنبال آن بیان می شود ، ولی جدا از آن نوشته شده و با همافزایی کو ك (a,a) صرف می شود. مثال:
 بۇ قىز، او اۇغلاندىن ياخشى درس اوخويور . bu qız, o oğlandan yaxşı dars oxuyur .
 او بۇندان ؤزلىر . بۇ اۇندان اۇجادير . بيز اۇنلاردان ياخشى دء يليك .

سيز بيزدن ازينيز . اۇنلار سيزدن ازيديرلار . او بۇندان ياخشى دير...

(b) حروف اضافی دها جدا از کلمات دیگر نوشته می شود، ولی حروف دن ، دان به اسم می پیوندد. مثال : (انار از سیب شیرین تر می شود.)

نار آلمادان دها شیرین اۇلار . nar almadan daha şirin olar .

بۇ داغ ، او بیری داغلاردان دها اۇجا دير . bu dağ o biri dağlardan daha ucadır .

(c) کلمه راق به شکل سوند به کلمه صفتی پیوند می خورد و با سوند صرفی برای ضمائر شخصی صرف می شود : (این کوه از آن دی ری ها بلند تر است .)

بۇ داغ اۇبیری (سی) لردن اۇجارقدير . bu dağ o biri(si)lərdən ucaraqdır .

بۇ یمن، او یمندن ؤزل راقدير . bu çimən, o çiməndən(çəməndən) gözəraqdır .

بۇ ماشین اۇندان باهراقدير . بۇ اۇندان اۇجوزراقدير .

توجه : معمولاً در محاوره بویه در اذربایجان جنوبی و سایر مناطق ترك نشین ایران ، کلمه اضافی راق را صرف نمی کنند و بجای آن حروف اضافه لا را بکار می گیرند. مثال: او لا اۇجادير .

(d) لا ، دنبال اسم ، ولی جدا از آن نوشته شده و شت سر آن نیز کلمه صفتی به شکل زیر بکار رفته می شود. مثال :

بۇ آغا لا اۇجا دير . bu ağaç lap ucadır . (این درخت خیلی بلندتر است.)

سهند داغی لا ئوخ اوجا بیر داغ دیر. səhənd dağı lap çox uca bir dağdır.

کوه سهند ، کوه خیلی بلندتری (بلندی) است.

بۇ يۇل لا اوزوندور . او ائو لا يکيکدير . او اغاج لا اوجادير .

– توجه شود که در مواردی ، ند کلمه صفتی در کنار اسم بکار رفته می شود، که ان درجه بالاتر بودن و با تعصب بودن ان را نشان می دهد. مثال :

ئوم ئوخ ، لام لا ، اوم اوزون ، سوم سويوق ، لا اوم اوجا بیر داغ . وم وزل
بیر ولو یمن. (کلمه مخفف شده در جلو کلمه اصلی بکار رفته می شود.) ، و...

- صفت عالی بوسیله حروف آن ، an ساخته می شود :

حروف آن جدا از کلمه ما قبل خود نوشته شده و جلو کلمه صفتی بکار رفته می شود.
برای ساختن صفت عالی می توان از کلمه بیر و ئوخ نیز استفاده کرد. مثال:

سهند آذربایجانین آن بؤیوک بیرداغیدیر. səhənd azərbaycanın ən böyük birdağıdır.

بۇ ائو شهرین آن اوجا (بیر) ائویدیر . (این خانه بلند ترین خانه شهر است .)

bu ev şəhərin ən uca (bir) evidir.

علامت صفتی آن به شکل زیر در جلو اسم بکار رفته می شود. مثال:

آن یه یك اغاج ، آن یاشیل یمن ، آن باها ماشین ، و...

– توجه شود که کلمه آن استثنائی بودن و مفهوم کلمه استثناء را نیز می رساند. مثال :
آن باها بیر ائو. آن ئوزل بیر قیز. و...

- در رابطه با علامت آن به شعر زیر توجه کنید :

محمد راحم : تۆخونمایین سیز اونا تسلی لر حدردیر ، وطن دردی ، ائل غمی آن مقدس کدردیر!

توجه : صفت عالی را بوسیله کلمه عالی ، یوکسک ، دان نیز بیان می کنند. مثال:

بۇ ئوخ عالی دیر . بۇ بیر یوکسک مقامدیر . او هامیسیندان یاخشی دیر .

صفت به شکل فاعلی (فعل فاعلیت صفتی ، صفت مشتبه) ،

کلمه ای است که به شکل فعل همراه شوند آن ، ان بیان می شود و صفت و حالت فاعل را در خود انعکاس (فعل در فاعل و فاعل در فعل) می دهد. مثال :

لمن ادام ، ولن قیز ، دانیشان اؤغلان ...

وؤرولان قوش . یئیین لن ۆرك . ۆرولن ادام

صفت لیاقت ، کلمه ای است که با شوند ملی ، مالی ساخته می شود و ان لیاقت و کارائی اسم را می رساند. مثال: بۇ موزه ۆرملی دیر. اؤ المالار یئملی دیر(لر). ...
- علامت ملی و مالی در جمله بجای فعل التزامی نیز بکار رفته می شود. مثال:
من للملی یم (امدن من التزامی است. من باید بیایم)

صفت تعجبی ، کلمه ای است که تعجب را بیان می کند :

ی ، عجب ، نه جور ؟ ، نقدر ؟ بۇ عجب ادام دیر ! بۇ نه جور ادام دیر ؟

صفت تکراری ، کلمه مرکبی است که از ترکیب دو کلمه تشکیل می یابد ، که کلمه اولی ان مخفف شده و تکرار و یا کلمه دومی می باشد. مثال:

قاب قارا ، یام یاشیل ، ۆم ۆی و...

توجه شود که حرف صدادار کلمه اولی تکرار حرف صدادار کلمه دومی می باشد.

صفت تکراری ، به شکل زیر در جمله بکار رفته می شود. مثال :

| | |
|---|----------------------|
| لام لا اؤجا بیر داغ . lam - lap uca bir dağ . | کوه خیلی خیلی بلند. |
| آغ آغا قار کیمی(کیبی). ağ - apağ qar kimi. | سفید سفید مثل برف . |
| قا قارا سا کیمی(کیبی). qap - qara saç kimi. | هم ون موی سیاه سیاه. |

- اؤم اؤجا بیر اغاج. یام یاشیل بیر یمن . ۆم ۆزل سا

با وجودی که صفت تکراری قبل از کلمه صفتی بکار رفته می شود ، ولی حرف صدادار ان با حرف صدادار سیلاب اول کلمه صفتی هماهنگ می باشد. برای مثال کلمه یام

ياشیل yaşıl را در نظر بگیریم که حرف صدادار ان (yam) با اولین حرف صدادار
ياشیل yaşıl همشکل و هماهنگ می باشد. مثال:

يام ياşıl ، قارا qapqara ، قی قیرمیزی qıpqırmızı ،
غۇ gömgöy ، قۇرۇ qupquru ، ایم ایسی ...

- در مواردی ، صفت تکراری را بعد از کلمه اصلی بکار می برند ، که در ان کلمه
اولی به شکل اصلی خود و کلمه دومی به اشکال مختلف بیان می شود ، اما حرف
صدادار هر دو انها همشکل و با هماهنگی بکار رفته می شود. مثال:

اغ اماغ ، قورو مورو ، ایکی میکی ، بئش مئش ، دوز موز ، ول مول ، ...

- کلمه صفتی با کلمه نفی دئ یل به شکل زیر نفی می شود. مثال :

بۇ او غۇزل دئ یل (دیر). بۇ او بۇیوک دئ یل (دیر). او ائو یام یاخین دئ یل

(دیر). او اؤم اؤجوز دئ یل (دیر). او بام باها دئ یل. ...

- صفت را می توان به شکل کول کردن اسم و کلمه نیز بکار رفت. مثال :

یك ائو، جیقیلی ائو، الاق اغاج ، الاق ادام ، سئفح ادام ، سئر سئفح سوز، ...

صفت کثری : یوزده بیر ، او لده بیر ، دؤرتده بیر ، بئش ده بیر ، ...

صفت نسبی ، صفتی است که اهلیت و نسبیت کسی و یا شیئی را بیان می کند . این

صفت به دو شکل زیر صرف می شود :

(۱) شکلی که با سوند ملکی in صرف می شود :

ساوانین (ساوه نین) ناری شیرین اۇلار. savanın narı şirin olar (انار ساوه شیرین می شود).

بۇ آغاجین آلماسی شیریندیر.. bu ağacın alması şirindir (سیب این درخت شیرین است).

ستارخان بیزیم خالقیمیزین اؤغلودور. Səttarxan bizim xalqımızın oğludur .

او منیم کدم دیر. o mənim dədəmdir. او منیم بالامدیر. o mənim balamdır.

(۲) شکلی که با سوند ملکی i (با هماهنگی بزر به شکل i,ı,ü,u صرف می شود و) در فرم

سوم شخص مفرد بکار رفته می شود :

ساوا (ساوه) ناری شیرین اولار . sava narı şirin olar (انار ساوه شیرین می شود .)
 بۇ آغا ، آما آغاجی دیر . bu ağaç , alma ağacıdır (این درخت ، درخت سیب است)
 بۇ اغاج وللودور . بۇ ول یاراقلی دیر

کلمات مرکبی که به شکل صفت بکار رفته می شوند :

صفت مرکب : قارا غز قیز ، غی غز اوغلان ، شور غز ادم ، اغ ساقال کیشی ، و..
 - ترکیب عدد با اسم به شکل صفت : ایکی قایللی او . دؤرت طبقه او .
 - ترکیب یک اسم با فعل به شکل صفت : یئرینه سیه مییش اوشاق . بیغی بۇرما قارا بیر کیشی .

صفت به شکل حروف اضافی جه ، جا :

حروف اضافی جه ، جا باهماندی کوک (a ، ə) بکار رفته می شود و به کلمات سمت و سو می دهد . در مواردی نیز صفت را قوی تر می کند . مثال :

| | | | | | |
|--------|---------|--------|---------|--------|---------|
| اؤجا : | اؤجا جا | تک : | تک جه | قۇشا : | قۇشا جا |
| الاق : | الاق جا | بالا : | بالا جا | یس : | یس جا |

کلمات مذکور به شکل زیر در جمله بکار رفته می شوند . مثال :

من بۇرادا تکجه بیر ائو غرورم . من بۇرادا بالاجا بیر اوشاق غردوم

- توجه شود که آخرین حرف سوند جه ، جا صدادر است ، که به سان سوم شخص مفرد بایک س اضافه صرف می شود :

تکجه سی ، الاقجاسی ، اؤجاجاسی ، بالاجاسی ، و...

کلمات مذکور به شکل زیر در حالت های تصریفی صرف می شوند :

قۇشاجاسی نا ، بالاجاسی نا ، تکجه سینه ، الاقجاسی نا ، یسجه سینه ، و...

۲) قید و انواع مختلف آن :

قید، کلمه ای است که نون فعل و صفت را در جمله وصف و تعریف می کند. مثال:

وصف فعل : بۆیوک اقا یاخشی ایشله یَر. یاشار ییین ئدیر. من یاواش لیرم .

- جمله بۆیوک اقا یاخشی ایشله یَر. به شکل زیر تجزیه می شود :

(۱) بۆیوک اقا : اسمی است که از دو کلمه صفتی تشکیل می یابد (بۆیوک ، اقا) (۲) یاخشی : کلمه

صفتی است که به شکل قید ، نون ی کار بۆیوک اقا را شرح می دهد. (۳) ایشله یَر: صرف فعل

ترکیبی (با علامت له ، لا) که در زمان آینده نزدیک ، برای سوم شخص صرف می شود.

وصف صفت : قید علاوه بر تعریف فعل می تواند صفت اسم را نیز وصف کند. مثال :

حسن نۇخ یاخشی دیر . Həsən çox yaxşıdır.

- جمله حسن نۇخ یاخشی دیر به شکل زیر تجزیه می شود :

(۱) حسن : اسم ، (۲) نۇخ : قیدی است که صفت (یاخشی) را تعریف می کند.

(۳) یاخشی : صفتی است که نون ی اسم را بیان می کند. (دیر: صرف

فعل ایمک برای سوم شخص مفرد می باشد .

- کلمه قیدی ، همیشه در مقابل سوال نئجه ، نه جور، ناسیل ، بیان می شود. مثال:

سوال : بۆیوک اقا نه جور ایشله ییر ؟ اؤ نه جور لیر ؟ یاشار نه جور ئدیر ؟

جواب : بۆیوک اقا نۇخ یاخشی ایشله ییر. اؤ یاواش لیر. یاشار احساسایا احساسایا ئدیر .

- کلمات قید تکراری ، قیدی است که اسم و صفت را در جمله وصف می کند :

حسن یاواش یاواش لیر. Həsən yavaş yavaş gəlir .

نادر قا قا لیر. Nader (Nadır) qaça,qaça gəlir.

در جمله مذکور کلمه یاواش یاواش و قا قا نون ی و طریقه عملی

شدن فعل (لیر) را بیان می کند و بدین سان قید محسوب می شود.

- برای مثال دیر به جمله بندی زیر توجه کنید :

حسن هر ون سحر ساعات بشده زمه یه ئدر.

Həsən hər gün saat beşdə gəzməyə gedər.

با وجودی که در جمله فوق هر کدامی کلمات (هر ، ون ، ساعات ، بشده)

از لحاظ دستوری نام مشخصی دارند ، ولی همه آنها در رابطه با فعل مذکور قید

محسوب می شوند زیرا همه آنها نحوه و ون ی عمل فاعل را بیان می کند.

- عباس ؤخ هوشلو دور . (عباس خیلی باهوش است .)

در جمله مذکور کلمه عباس اسم ، ؤخ قید ، هوشلو صفت است و دیر

صرف فعل ایمك برای سوم شخص مفرد می باشد .

- ا ر کلمات قیدی را از جمله حذف کنیم مفهوم ان تغییر نکرده و به شکل کامل فهمیده

می شود. مثال: حسن دون ساعات سکیزده ملدی. (حسن دیروز ساعت ۸ آمد.)

- در جمله مذکور حسن ملدی جمله اصلی است و کلمات دون ، ساعات ، سکیزده

قید محسوب می شوند.

- کلمات قیدی همانند سایر کلمات از لحاظ ساختار و ترکیب به اشکال زیر به کلمه

ساده و مرکب تقسیم می شوند:

قید ساده ، کلمه ای است که تنها يك جزء دارد. مثال :

ایندی indi ، یاخشی yaxşı ، اؤجا uca ، صاباح ، سحر ، اخشام ...

قید مرکب ، کلمه ای است که از ترکیب ند کلمه بوجود می آید. مثال :

باش اؤجا başı,uca ، وخ یاخشی ، یم یس ، یاواش یاواش ، یام یاواش ، ...

- ا ر کلمات قیدی با علامت جمع (لَر ، لار) بکار رفته شد و یا در حالت های تصریفی صرف

شوند ، در جمله اسم محسوب می شوند. مثال :

بۇرادا اخشاملار هاوا سۇيوق اۇلار. کلمه اخشاملار axşamlar اسم محسوب می شود.

- کلمات قیدی از لحاظ دستور زبان با اسامی مختلف زیر بکار رفته می‌شوند :

قید زمانی zaman geydi ، کلمه ای که زمان معینی را بیان می‌کند. مثال :

| | | | |
|-------|---------------|--------|--|
| الغان | ایندی | indi | سن اۇرادا دۇر ، من ایندی لیرم . |
| بعداً | سونرا | sonra | سن ئت ، من سونرا لرم. (سونرا کله جیم.) |
| همیشه | همیشه | həmişə | من همیشه بۇرا دا ایشله یرم. |
| اکنون | ایندی (شیمدی) | şimdi | بۇ ایش شیمدی اولماز. بۇ ایش ایندی بیتمز. |
| زود | تتاز | tez | بۇ ون تتاز ل. تتاز ل بئواختا قالما. |
| دیر | ئج | gec | ئج قالما واختیندا ل. بئواخت اولدو. ئج اولدو. |

- کلمه ساده قید زمان : ایندی indi ، ها ان haçan ، بایاق bayaq ، و..

- کلمه مرکب قید زمان: سحر اخشام səhəraxşam ، اخشام اغی axşamçağı . و...

قید مکانی məkən qeydi : قید مکانی کلمه ای است ، که بر مکان معینی دلالت کند :

| | | | | | | |
|-------|-------|------------|-------|-------|-------|-----------|
| اینجا | بۇرا | bura | انجا | اۇرا | ora | شورا |
| بالا | اوست | üst | ئین | آلت | alt | |
| جلو | قاباق | qabaq ,ön | عقب | دالی | dalı | ارخا arxa |
| شت | آرخا | arxa ,dalı | یش | اؤن | ön | |
| عقب | دالی | dalı | جلو | قاباق | qabaq | |
| اغاز | باش | baş | انتها | دیب | dib | سون son |
| اخر | اخر | axer | کنار | کنار | kənar | یان yan |

- کلمه ساده قید مکانی: قاباق qabaq ، دالی dalı ، ای ری içəri ، یۇخاری yuxarı و..

- کلمات مرکب قید مکانی: هر یئر hər,yer ، هر یان hər,yan ، بۇطرف ، اویان ، و...

قید عددی ، به شکل قید و صفت بکار رفته می‌شود.

اعداد در ترکی کاملاً با قاعده است. اول اعداد بزرگ و بعد به ترتیب اعداد کوچکتر بیان و نوشته می‌شوند. در زبان ترکی برعکس زبان عربی یا فارسی، اعداد جا و شکل خود را (مثال: یازده که يك به شکل یاز در آمده و به جلو نیز کشیده شده است.) عوض نمی‌کنند. **اعداد ساده** : کلمه ای که ساده است ولی می‌تواند عدد واحد و یا مقدار زیادی را بیان کند :

| فارسی | ترکی |
|--------|--------|
| دو | iki |
| چهار | dört |
| شش | altı |
| هشت | səkkiz |
| ده | on |
| میلیون | milyon |

| فارسی | ترکی |
|-------|--------|
| يك | bir |
| سه | üç |
| نج | beş |
| هفت | yeddi |
| نوه | doqquz |
| صد | yuz |

کلمات عددی مرکب :

| | |
|-----------|------------|
| دوازده | on iki |
| چهارده | on dört |
| شانزده | on altı |
| هیجده | onsəkkiz |
| بیست | iyirmi |
| بیست و دو | iyirmi iki |

| | |
|-----------|-----------|
| یازده | onbir |
| سیزده | on üç |
| انزده | on beş |
| هیفده | onyeddi |
| نوزده | onddoquz |
| بیست و يك | igirmibir |

- اُون on ، ای یرمی iyirm ، اُتوز otuz ، قیرخ qırx ، اللی əlli ، التمیش altmış ، یتمیش yetmiş ، سکسان səksan ، دۇخسان doxsan ، یوز yüz و... .

- کلمات جدول زیر نیز از نند کلمه ترکیب می‌یابند :

| | | | | | |
|----------------|----------------|---------------|-----------|------------|-------------|
| ikiyüz | ایکی یوز | دویست | یک صد | bir yüz | (بیر) یوز |
| dört yüz | دؤرت یوز | پهار صد | سیصد | üç yüz | او یوز |
| altı yüz | آلتی یوز | شش صد | انصد | beş yüz | بئش یوز |
| səkkiz yüz | سککیز یوز | هشت صد | هفصد | yeddi yüz | یئددی یوز |
| min doqquz yüz | مین دؤققوز یوز | هزار و نوه صد | نوه صد | doqquz yüz | دؤققوز یوز |
| iki min | ایکی مین | دوهزار | هزار و یک | minbir | مین بیر |
| yüz min | یوز مین | صد هزار | ده هزار | onmin | اؤن مین |
| on milyon | اؤن میلیون | ده میلیون | یک میلیون | birmilyon | بیر میلیون |
| bir milyard | بیر میلیار | یک میلیار | صد میلیون | yüz milyon | یوز میلیون |

توجه :

۱) ر کلمه دؤرت به شکل دوت (و یا دود و کلمه یئددی به شکل یئدی ، کلمه سککیز به شکل سکیز و دؤققوز به شکل دؤققوز بیان شود ، اسانتر می‌شود ، را که در زبان ترکی دو حرف هم نوع در کنار هم خیلی کم بکار رفته می‌شود. به همین دلیل ، در ترکی استانبولی یکی از دو حرف هم نوع را حذف می‌کنند.

۲) در دهه های گذشته یر زنان و یر مردان کلمات ای یرمی ، المیش ، یئتمیش و... را نمی‌توانستند بدرسی تکلم کنند ، در نتیجه انها را به شکل ایکی اؤن ، التی اؤن ، یئددی اؤن و... بیان می‌کردند ، که خیلی بهتر و ساده و منطقی تر از اصل انها است.

- مفهوم اعداد در زبان ترکی سایبی sayı می‌باشد، که از مصدر سایماق saymaq مشتق شده و به شکل فعل صرف می‌شود. این فعل به شکل زیر در زمان حال برای ضمائر شخصی صرف می‌شود. مثال :

من ساییرام sayıram ، سن ساییرسان sayırsan ، او ساییر sayır ، و..

- اعداد همانند سایر کلمات بوسیله سوند لر ، لار به شکل زیر جمع بسته می شوند :
- بیرلر، اۇنلار، یوزلر، مینلر، اۇنمین لر، میلیونلار، میلیاردلار، و...
- جمع بستن اعداد : بیر ایله ایکی اۇلار (ائدر) او . اۇن ایله ای بیرمی اۇلار (ائدیر) اۇتوز.
- کسر کردن اعداد : ای بیرمی دن بئشین یخاندا (یخارسان) قالار اۇن بئشی (بئش).
- ظرب اعداد : بئش بئشه ظرب اۇلسا ، اۇلار اییرمی بئش . بئشی بئشه وۇر ، اۇلار اییرمی بئش . بئشی بئشه بیر ، اۇلار اییرمی بئش .
- اعدد نا مشخص : یوزلرجه . بۇرادا مۇخلارجا اغاج وار . بۇرادا نه قدر مال حیوان وار؟
- کلمات عددی در جمله به شکل صفت :**
- ۱ ر کلمات عددی در جلو اسم بکار رفته شود، صفت نیز محسوب می شود. مثال:
- ایکی ادام . اۇن دوه . بئش ادام . ایکی کیشی . او قادین . بئش قۇزو . و...
- ولی از اینکه نین کلماتی در کنار اسم علامتی بخود نمی یزند ، نتیجتاً به شکل اسم ترکیبی و یا جمله نا کامل نیز فهمیده می شوند. مثال :
- ایکی ائو . او ماشین . اۇنلارجا ادام . یوزلرجه اۇردک . مینلرجه ماشین . و...
- توجه شود که در جملات مذکور کلمه عددی بئش و ایکی اعداد مشخصی هستند، که به شکل صفت صرف می شوند ، ولی ۱ ر بجای کلمات عددی از کلمه هر و یا کلمه مۇخ استفاده کنیم ، ان کلمه به شکل اسم نا مشخص بکار رفته می شود :
- هر ادام بۇ ایشی وره بیلر . (کلمه هر اسم را نا مشخصی می کند.)
- بیر ادام بۇ ایشی وره بیلر . (بیر به شکل مشخص و نامشخص صرف شده است.)
- ۱ ر بیان شود بیرى بۇرایا مله جك ، کلمه بیرى به شکل اسم نا مشخص بیان می شود ، در صورتی که خود عدد بیر ، عدد مشخصی است.
- کلمه باش و کلمه بیر در زبان ترکی در شمردن ادم و در مواردی نیز در شمردن حیوانات بزر بکار رفته می شود. مثال: بیز ائوده ایکی باشیق . بیز اوده بئش باشیق.

منیم او باش اوکوزوم وار. منیم ایکی باش دؤم وار.

اعداد ترتیبی ، اعدادی هستند که به شکل نظم و ترتیب، شت سر هم بیان می‌شوند. علامت اعداد ترتیبی، حروف سوندی اینجی است که حروف صدا دار آن وابسته به آخرین حرف صدا دار کلمه ما قبل خود می‌باشد و در صرف با هماهنگی بزر به شکل inci , inci üncü , uncu بکار رفته می‌شود. مثال :

| شماره | اعداد ترتیبی ترکی | فارسی | شماره | اعداد ترتیبی ترکی | فارسی |
|--------|-------------------|---------|-------|-------------------|-------|
| ایر می | iyirminci | بیستم | بیر | birinci | یکم |
| اوتوز | otuzuncu | سی‌یم | ایکی | ikinci | دوم |
| قیرخ | qırxıncı | هلم | او | üçüncü | سوم |
| یئتمیش | yetmişinci | هفتادم | دؤرت | dördüncü | هارم |
| مین | mininci | هزارم | التی | altıncı | ششم |
| ایکی | iki mininci | دوهزارم | یئدی | yed(d)inci | هفتم |

- کلمه ایر می به شکل اییر می نیز نوشته می‌شود.

- عددی که آخرین حرف آن صدا دار باشد ، در صرف از آن يك حرف صدا دار همراه حرف تکمیلی حذف می‌شود :

| | |
|---------------------------------------|--|
| اعداد ترتیبی به شکل زیر مخفف می‌شوند. | اصل کلمات به شکل زیر می‌باشند ، ولی بکار رفته نمی‌شود. |
| ایکی | ایکی اینجی |
| ایکی | iki y inci |
| التی | التی اینجی |
| التی | altı y inci |
| یئددی | یئددی اینجی |
| یئددی | yeddi y inci |
| اعداد ساده | از اصل کلمات مذکور دو حرف iy یا iy حذف می‌شوند. |

قید تشبیه (bənzəriş ; oxşar) qeydi

قید تشبیهی کلمه ای است که شباهت دو جمله و یا دو کلمه را بیان می کند. مثال :

| | | |
|-------|--|---------------------------|
| بۇجور | بۇجور اۇلماز . bucur olmaz. | این شکلی نمی شود |
| اۇجور | اۇجور بیر شی اۇلماز . ocur bir şey olmaz . | یزی به آن شکلی نمی شود |
| بۇنجا | بۇنجا بیر یالان اۇلماز . bunca bir yalan olmaz. | دروغ به این بزر ی نمی شود |
| بئله | بئله بیر یالان اۇلماز . belə bir yalan olmaz . | به مثل این دروغ نمی شود |

- اۇنجا : منده اۇنجا باجارقاق (تجربه) اۇلماز .
məndə onca bacaraq olmaz .

- کییی (کیمی): من اۇنون کیمی باجارقاقلی دئ یلم .
mən onun kimi bacaraqqlı deyiləm .

مَنیم باشاریغیم سنینکی کیمی (کییی) اۇلماز .
mənim başarığım səninki kimi olmaz .

بنزر bənzər (بۇنا بنزر) ، ائله بیل eləbil (بۇ ائله بیل اۇدور) ، اۇ جور دور o,curdur

(بۇ اۇجور دور) . اۇنا تاییدیر taydır ، قالب qalıb (ایکسی سی بیر قالب [قالیبدان] دیر) .

بۇ اۇنجا دیر . بۇ اۇنا بنزر . بۇ ائله بیل اۇدور . ایکسی سی بیر قالب دیر

اعداد اعشاری به شکل صفت :

اۇندا بیر . یوزده بیر . بئش ده ایکی . مینده بیر .

بۇ ایل ایشجی لرین وئری لری (مالیاتلاری) یوزده بیر ارتا جاق دیر .

- توجه شود که کلمه یوزده بیر در جمله مذکور صفت محسوب می شود.

اعداد منعکسه ، اعداد شرحی (ترتیبی) ، اعداد شرحی نیز محسوب می شوند، اعدادی

که موقعیت خود را در جمله شرح می دهند. مثال :

| | | | |
|-----------|---------------------|---------|---------------------|
| ایکی ایکی | iki - iki (دو دو) | اۇن اۇن | on - on (ده ده) |
| او او | üç - üç (سه سه) | یوز یوز | yüz - yüz (صد صد) |

دؤرت دورت dört -dört (چهار چهار) ، بئش بئش beş beş (پنج پنج)

مين مين min- min (هزار هزار) ، اۇن مين اۇن مين (ده هزار ده هزار) ، يوز مين يوز مين yüz- min yüz - min (صد هزار صد هزار) ، ميليون ميليون ، اۇن ميليون اۇن ميليون ، ايكي ايكي ليرلر. بۇنلار بئش بئش ليرلر. اۇنلار قۇشا ليرلر. بۇنلار بيريرى ايله ليرلر. اۇنلار جوت جوت ليرلر.

كلمات كمى ،

كلمات هستند كه مفرد و جمع بودن و كميت اسم را بيان مى كنند. مثال :

a) كلماتى كه مفهوم تنها بودن را مى رسانند :

بيرباش، تك ، دنه ، يالقيز. بير باش ادم. بير تك اۇغلان. بير تك اۇشاق. بير دنه الما .
بۇ بۇيوكلوكده ؤلده بير تك اغاج يۇخدور. يالقيز بير كيشى. يالقيز بير قادين .

b) كلمات صفتى كه بخشى از جسم (اسم) را بيان مى كنند. مثال :

ار ۱ ، تيكه ، قطعه ، بۇلوم ، نوسخه ، جيلد (جلد) ، قطره ، دامجى ، ياريم ..
بير ار ۱ ؤرك. بير تيكه ؤرك. بير قطعه يئر. بير بۇلوم يئر. بير نوسخه كاغاز (كاغذ).
بير جيلد كيتاب. بير قطره داوا. بير دامجى سۇ

c) كلمات صفتى كه مفهوم تنها نبودن را مى رسانند. مثال :

جوت : بير جوت جوراب. ايكي جوت ؤور ين. بير جوت اؤكوز
دسته (دسده) : بير دسته ول. بير دسته ديش ؤو .

دست (دس) : بير دس كت شالوار. بير دس يۇرقان دۇشك .

قۇشا : بير قيز ايله بير اۇغلان قۇشا ليرلر. ايكي ؤور ين قۇشا اۇ ور(لار).

قاتار : بير قاتار دوه لير. بير قاتار (تيرئن) لير .

تۇ : بير تۇ ار ۱. بير تۇ برق سيمى

ناخير : بير ناخير دوه . بير ناخير اينك

اعداد کسری : (اعداد معین)

(a) اعداد کسری به اعدادی گفته می شود ، که کمتر از عدد یک باشد. مثال :

یاریم yarım (نصف) ، دؤرتده بیر dördə bir (یک چهارم)
او مد بیر üçdə bir (یک سوم) ، بئشده بیر beşdə bir (یک پنجم) و یا
اوندایر ، مینده بیر ، یوزده اؤن ، مینده یوزاؤن ، مینده دؤرت یوز اؤن و...
- اعداد کسری به شکل زیر در فرم اسم در حالت های تصریفی صرف می شوند :

ایکی ده بیر ، ایکی ده بیرینه ، ایکی ده بیرینده ، ایکی ده بیریندن و...

ایکی دن بیر ، ایکی دن بیرینه ، ایکی دن بیرینده ، ایکی دن بیریندن ، ایکی دن بیرینی ، ایکی دن بیرینین

کلمات سؤالی تعداد نامعین ، کلماتی هستند که مقدار نامعینی را بیان می کنند. مثال:

نە ه ؟ neçə? (ه قدر) ، نە ه دنه ؟ neçədənə? (نددانه) ،

نه قدر ؟ nəqədər? (ه قدر) ، بۇقدر bu qədər (این قدر) و...

از می ؟ مۇخ مو؟ اؤ دؤ یل می؟ اؤ از دؤ یل می ؟ و...

اعداد نامعین ،

کلماتی هستند که مقدار و کمی و کثرتی نامعین و نامشخصی را بیان می کنند. مثال :

مۇخ çox (زیاد) ، آز az (کم)

آرتیق artıq (زیادت) ، آسە یك əsgik (کمتر)

اؤزون ، قیسا ، یاسی ، آنی ، الاق ، اوجا ، و...

مقدار نامعین تشبیهی ،

کلمه ای است که مقداری را با مقدار دیگر در تشابه قرار می دهد. مثال:

بۇ اۇنجا دیر. bu oncadır. (این همان قدر است)

بۇ اۇنا تایدیر. bu ona taydır. (این هم مقدار و یا هم شکل آن است)

اؤ بۇندان مۇخدور. o bundan çoxdur. (آن از این زیادت است)

بۇ اۇنا بنزه ییر . bu ona bənzəyir. (این به آن شبیه است)

بۇ اوندان ازدیر . بۇ ایکسی بارا باردیر . (برابر دیر .) بۇ دا اۇ قدر دیر .

بۇ ایککی قیز ییری بیرینه بئزیر (لر) . bu iki qız biri birinə bənzəyir (lər) .

توجه : ا ر کلمه اعدادی و یا کلمه صفتی در جمله مستقل باشد و یا در حالت های تصریفی

صرف شود و یا جمع (علامت لر ، لار) بسته شود ، اسم محسوب می شود .

قید استثناء istisna qeydi ،

قید استثناء ، کلمه ای است که ویه ی اسم ، شیئی و فعل را بیان می کند . مثال :

اۇ بیرسی o birisi [o biri] (آن دیر) آیرسی ayrısı (آن یکی ، بغیر از این) م məyər (میه ر) ، باشقا başqa (یکی دیر ، بجز این) یوخسا yoxsa : (ورنه ، در غیر اینصورت) ، داهی یوخ dahıyox ، بۇ دفعه bu,dəfə ، بیر ره ، بیر دفعه ، ایری ، داهی ، باشقا ، ...

قید مجزا : اؤیری ، ایرسی ، بۇنا بنزه مز ، بۇنون کیمی د یل ، باشقا ، اوزه ،

ایری ayrı (ایری ایری) ، بؤلۆ bölü , bölüm ...

قید نفی : inkar qeydi ، کلمه ای است که اسم و یا فعل را نفی می کند . مثال :

مه mə ، ما ma ، مز məz ، ماز maz ، (مثال : لمه ، یازما ، لمز ، الماز) یوخ yox [yo] (منیم جیبیمده اۇل یوخدور) . دئ یل deyil (منیم ادیم کرم دئ یل) . سیز سیز siz (سؤسوز [تشنه] ، اۇلسوز [بی ول] ، ائوسیز ، بدون خانه) ، heç hiç ، هئ həvaxt (هئ وقت) ، هئ وقت heçvaxt ، هئ کیم ، هئ نه ، خئیر xeyir (خئیر حسن بۇرادا دئ یل) ، ...

قید آرزوئی : arzu qeydi ،

قید آرزوئی کلماتی و یا حروفی هستند که فعل و یا جمله را به شکل آرزوئی واقعی

و آرزوی غیر واقعی بیان می کنند . مثال :

– به شکل کلمه : کاشکه kəşkə (ای کاش) ، [kaş ki کاشکی] ، نه اولا nə ola

(ای کاش eykaş) ، بیر اولا bir ola (کاش) ، آل لاه ائله یه (ائده) ارزو وار ،

ای کاش کی اولایدی ، ارزو ائيله مك ، ارزولاماق ، ...

– دو حرف ا ، ə ، a علامتی هستند که فعل را به فعل ارزوئی تبدیل می کند. مثال :

| | | | |
|------------|---------------|------------|------------|
| ل : مله | ئد : ئده | ال : الا | قال : قالا |
| اؤ : اؤ ما | اؤخو : اؤخویا | اؤت : اؤتا | دؤن : دؤنا |

قید تکراری : təkrrar qeydi ،

به کلمه ای که در آن قید به نحوی تکرار شود. مثال :

– به شکل کلمه : یاواش یاواش yavaş-yavaş ، تئز تئز tez-tez ، یاشیل یاشیل

yaşıl - yaşıl ، قۇشا قۇشا قۇشلار. qoşa-qoşa quşlar ، ...

بالا بالا بالالار bala-bala balalar (به های ریز و ریز ، زیبا) ...

– حروفی که به شکل مخفف شده در کنار کلمه قیدی بکار رفته می شود :

یام یاواش yam-yavaş ، یام یاشیل yam-yaşıl ، جیم جیقیلی ،

قۇ قۇرو ، جیم جیقیلی ، ...

– کلمه با مفهوم تکراری : ینه ginə ، داهی dahı ، هم həmə ، ره gərə ، تیکرار ، بیر داه ،

بیر داه ، بیرده ، مجدداً ، هی هی ، همد ، بیر دفعه ده ، ...

قید حالت ، کلمه ای که حالت اسم و فعل را بیان می کند. مثال :

– کلمه ساده قید حالت : کدر gədar ، سئوینج sevic ، یزلی gizli ، علنی ələni ، یان

(طرف) yan ، یانار ، مست ، قۇلاق ، اخسار ، ...

– قید حالت به شکل کلمه ترکیبی و مرکب :

دیرلی gədarlı ، سس سیز səssiz ، یاخشیجا yaxşıca ، یامانجا yamanca

یزلی جه gizlicə ، وله وله güləgülə ، الت اوست alt üst ، باشباشا

baş başa ، دئیینه دئیینه deyinə deyinə ، و...

قید حرکت ، قیدی است که حرکت و تکامل شیئی را بیان می‌کند. مثال :

- کلمه ساده قید حرکت: یاواش yavaş ، مار çapar ، یئیین yeyin ، تئز tez و...
- کلمه ترکیبی قید حرکت: یاواشجا yavaşca ، سرلی kəsərli ، یئیینجه yeyincə و...
- کلمه مرکب قید حرکت: قا قا qaçaqaça ، تله سه تله سه tələsə,tələsə ، یاواش یاواش

قید کیفیت : کلمه ای که مفهوم کیفیت و تکامل شئی ای را بیان می‌کند. مثال :

- کلمه ساده : تکمیل təkmil ، بالغ balıq ، یاخش ی yaxşı ، کامیل ، پرووز prövüz ، و...
- کلمه ترکیبی: یاخش یجا yaxşıca ، بیلجی bilici ، دیرلی dəyəli ، دیرس یز ، یئترلی و...
- کلمه مرکب : یوخ یاخش ی çox,yaşı ، یوخ تکمیل ، تام تامام ، یوخ باها ، و...

قید تاکید ، تاییدی ، کلمه ای که برای رساندن مقصودی بر آن تکیه می‌شود. مثال:

- البته əbətə ، اوجوردور oçurdur ، بوجوردور buçurdur ، مسلم دیر müsəlləm,dir ،
- دوز düz ، دوغری ، دوغرو doğru (doğru) (صحیح) ، هن (hən) (حن) hən (بلی همان است که نفتی) hə (بلی این نین است) اؤ جوردور o çurdur (آنطوری است)
- بوجور دور bu çurdur (اینطوری است) وار var (هست). اؤد əvəd (بلی) و...

قید ایجاب ، کلمه ای است که با صرفه و بی صرفه بودن کاری را بیان می‌کند. مثال :

صرفه لی sərfəli ، ده یرلی dəyərlı (با ارزش) ، زحمتینه دیر ، و...

قید شک و تردید ، کلمه ای که یزی را با شک و تردید بیان می‌کند. مثال:

- به یه bəyə ، ار ağər ، شاید şaşəd ، حتماً ، یوخ ها ، اؤرا باخ ها ، یوخسا ،
- رک ، ائله ، ائله بیل ، و...

قید قسم ، کلمه ای که صحت یزی را تایید و یا به آن تاکید می‌کند. مثال:

- اندا ی مک andıçmək ، والاهی vallahı ، سن تاری (تانری) sən tanrı ،
- من اؤلوم ، سن اولاسان الله هین ، سن الاله ، و...

قید جانبی، کناری، کلمه ای است که دو شئی را در جانب هم دیدار بیان می کند:

یان yan، کنار کنار kanar، قاباق qabaq، دالی dali، اوز، اوست، و...

قید ناسزا و نفرین، کلمه ای که مخالفت و نفرت را در خود بیان می کند. مثال:

زهرمار، یاناسان، یفلی، اؤله سن اینشالله، فیلیخ یخاسان، عاغیلسیز ağılsız،

دلی dali، سئفئح sefeh، ئۇلك اوغلو، ادبسیز، حیوان، ایت اوغلو...

قید تنز: دئییه سن، نه ها، یوخسا، ائله بیل، ی، اوهو، وؤها، هاها، هی هی، اه اه

باخ ها، اؤرا باخ ها، باخ ده، وای وای، سن الله، و...

قید کمیت: ای ی سی، اؤن ده نه (دانا)، یوز ده نه، یاریم، از، ئوخ، و...

قید کیفیت سوالی: نه جور؟ نئجه؟ ناسیل؟ و...

قید تمنا: خواهش، تمنا، سن الله، یالوارماق، دیلنمک، و...

قید تعجب: اه، نه، یوخ ها، سن الله، ای، هی، اا، ها، اا،

بۇ ایش نه دیر؟ ها ایندی انلادیم. اا نه یامان دیر، ای وای.

قید تاسف، افسوس: حئیف، ای داد، ای داد بیداد، اهو، یاهو، افسوس، اه، اخ، و...

ائی قارداش بۇ دملی سؤزمو؟

هی هاد: هی هادکی اؤ اَلَدَن دی. هی هاد قارداش.

ای وای: ای وای بۇ اؤلوم منه یامان درد اولدو.

اؤح: اؤح اؤح، بۇ یاخشی بیر ایش دیل [وخ یسیدیر].

قید درد: اؤف، اخ، امان، هارای، اؤف، درد، اغری، اینجی،

ایمی یا ق کسدی ئوخ برك اغری بیر. ئوخ اینجی بیر. قارین سانجی سی،

اور یم سیخیلیر، اؤر یم اتالاییر، اور یم یاندی، اورک اغریسی، و...

قید نداء، کلمه ای است که نامه و یا فکر کسی را بطرفی جلب می کند. کلمه ندا می تواند

معنی دار و یا بدون معنی و یا ساده و مرکب باشد. مثال:

بدون معنی : ای ، اهای ، هاوار ، ای ، هاوارهای ، ی ، های های ،
ای ، هوئی ، یا الله ، هارای ، ...

با معنی با اسم : ای بابا ، ای الله [الله] ، ای جماعت ، به به ، ...
با معنی : اؤلان د یل ، خبردار ، هی تکرار اؤلور ، وای بؤ نه دیر ، ...
با فعل : ای ایشی اییغا قالخ ، ای قارداش دؤر حقین ال ، یاشا ، یاشاسین ، ...
قید دؤری جستن ، کلماتی هستند که دوری جستن را بیان می کند. مثال :

واز مک ، الحزر ، زینهارام ، ولله ، اؤتور ، ال مک ، هی
واخت ، نه ، یوخ ، انار ، حاشا ادمک ، دوغرو دؤ یل ، یالاندیر ، ...
قید تشویق : مرحبا ، ای جان ، اخ جان ، احسن ، بارک الله ، افرین اؤلسون ، ساغ اؤل ،
الکراین اغریماسین . الکراین وار اؤلسون

قید دعا : عمرون ئوخ . عمرون ئوخ اؤلسون . ساغ اؤلاسان . ئوخ ساغ اؤل ،
الله سنی ساخلاسن . الله سنی منه ئوخ ئورمه سین . اتان رحمتده
اؤلسون . رۇحون شاد اؤلسون . عمرون اوزون اؤلسون

قید کوک کردن : الاق ، سئفح ، اؤ الاق بیر ایشدیر . اؤ اوشاق کیمی دیر .
اؤ دوشونمز دیر . انناماز . عقیلسیز . جاهیل . و ...

قید همدردی و دل سوزی : بیاره ، بینوا ، یازیخ ، متاسفانه ، متاسف ، بیناوا ، یازیق ، ...
کلمات قیدی که به شکل قید و همانا به شکل فعل بکار رفته می شوند :

وم وورولدور . ماشالله سسی وم وورولدور . تاق تاق تاقیلدیر . شاق شاق
شاقیلدیر . قار قار قاریلدیر ، قیر قیر قیریلدیر . جیغ جیغ جیریلدیر . جیق جیق جیقیلدیر .
خیرخیر خیریلدیر ، خور خور خوروردولدور ، میر میر میریلدیر ، یس یس یسیلدیر ،
ویزیز ویزیلدیر ، قیرقیریلدیر ، فیس فیس فیسیلدیر ، بام بام بامبیلدیر ، زیق زیق زیقیلدیر ،

جوج جوج جوجلدور...

قید شادی : وای ، اا ، هۇھا ، هۇرا ، جان ، احسن و...

قید نامشخص : هاراجان ؟ نه بیلیم ؟ ه بابا ، یوخ دا ، و...

اعداد نامشخص : ئوخ ، از ، نه قدر ، بۇقدر ، فیلان قدر ، اۇنجا ، بۇنجا ، بهمان قدر ،

بۆیوک ساییدا ، از ساییدا ، لاوخ ، لا از ، ئوخ ، و...

قید موقعیة : دۇروم ، یس دۇروم ، نه جور ، دلی کیسی ، تنز ، کچ ، بله ، یعنی ،

یانی ، حال ، یانی الیمیزیزدن بیر ایش لیمز ، یانی ئولوموز یۇخدور.

ده مه کی : من اۇنو غییلی ادام بیلیردیم ، ده مه کی سفح دیر .

باری : او اۇلماسا بۇ اۇلسون باری [لاقل] ، اۇنو دمه سن ، باری بونو دئ.

ه اۇلماسا : ه اۇلماسا بۇ ایشی ورك. ه اۇلمازسا. ه اۇلماسا بۇ ایشی اۇلسون.

بله : بله بیر ایش اۇلماز . بئله ائيله مه ، سؤيله ...

نه : بعنوان کلمه نفی و کلمه سوالی : نه [یوخ] بۇ ایش اۇلماز.

اه : اه او ، اه بۇ ، اه اوجور ، اه بوجور ، و...

کلمه ربطی به شکل قید : هر ، هردن ، هردن اوجور ، هردن بوجور ،

یا اۇ دیین اۇلار . یادا من دیین اۇلار . بله نییه دانی شیرسان .

قید شمارش مشخص و غیر مشخص ، مفرد و جمع :

قید تک عددی : تک tak ، بیر ، کنه ، بیر دنه ، تک عدد ، تک سایى و..

قید بیشتر از يك : قۇشا ، جوت ، ایکی ، بیر تای ، و...

قید روهی : دست ، قاتار ، تو ، ناخیر ، خالوار ، سورو ، قۇشون ، و...

قید اندازه های مختلف وزن : میسقال ، یرم ، کیلو ، باتمان ، خالوار ، کیلومتر ، ارشین ،

بیر دامجی ، بیر قاشیق سو ، بیر عانبار سو ، و...

۳) حروف اضافی (قید و یا صفت اهلیت) ، لی (li) :

- حروف لی بر اسم ممالک میوند می خورد و انها را به اهلیت انها تبدیل می کند. مثال:

تبریز ، تبریزی . تهران ، تهرانلی . باکی ، باکیلی . زنجان ، زنجانلی .

- حروف اضافی لی به شکل سوند به کلمات سوالی کجا ، نه ره ، نه یئر هارا ؟

میوند می خورد و کلمات جدیدی به شکل نه ره لی ، نه یئرلی و هارالی ؟ بوجود می آید.

حرف صدادر قید اهلیت لی ، تابع آخرین حرف صدادر کلمه ماقبل خود می باشد که با

همانند ی بزر به شکل il , li , lu , lü صرف می شود. مثال:

سوال : تو اهل کجا هستی ؟ سن نه یئرلی سن ؟ sən nə yerlisən?

سن هارالی سان ؟ sən haralısan ، سن نه رلی سن ؟ sən nə rəlisən?

او هارالی دیر ؟ (او اهل کجا است .) او نه یئرلی دیر ؟ سیز نه ره لی سینیز ؟

حروف اضافی لی در جواب کلمات سؤالی نه ره لی ، نه یئرلی به شکل زیر

بکار رفته می شود. مثال : (من اهل تبریز هستم .)

| | |
|--|--|
| کلماتی که آخرین حرف صدادر این کلمات با اهنه بانی است : | کلماتی که آخرین حرف صدادر این کلمات با اهنه بانی است : |
| من تبریزی یم mən təbrizliyəm | من باکی لی یم mən bakılıyam |
| من اردبیل لی یم mən ərdəbilliyəm | من تهرانلی یم mən tehranlıyam |
| من مرندلی یم mən mərəndliyəm | من آذربایجانلی یم mən azərbaycanlıyam |
| من اورمییه لی یم mən ürmiyəliyəm | من زنجانلی یم mən zəncanlıyam |
| من اوسکولویم mən üskülüyəm | من خوی لویام mən xoyluyam |

- من مرندلی یم (مرد لی یم) ، من ایرانلی یم ، من یلانلی یم ، من آذربایجانلی یم و ...

- من خوی لویام (خوی لویوم) ، من ماکی لی یم (ماکولویوم) ، من ایستانبولی یم (ایستانبولویوم) و ...

- سوند لی به شکل زیر به اسامی مختلف می خورد و برای ضمائر شخصی صرف می شود :

| | | |
|------------------------|-------------------------|---|
| سن تبریزی سن | sən təbrizlisən | سن میانالی سان ، سن شیبسترلی سن |
| او تبریزی دیر | o təbrizlidir | او مراغالی دیر ، او ونغیلی دیر |
| بیز تبریزی ییک | biz təbrizliyik | بیز اورمییه لی ییک ، بیز مرندلی ییک |
| سیز تبریزی سینیز | siz təbrizlisiniz | سیز اردبیللی سینیز ، سیز انزلی لی سینیز |
| اونلار تبریزی دیر (لر) | onlar təbrizlidir (lər) | اونلار باکی لی دیرلار ، اونلار مرندلی دیرلر |

- بجای اسامی شهرها می توان اسامی کشورها را نیز بکار رفت. مثال :

در جواب سوال شما اهل کجا هستید فته می شود :

| | | | |
|---------------------|------------------------------|--------------------|---------------------------|
| من یونانی یام | mən yunanlıyam | سن افغانستانلی سان | sən əfğanıstanlısan |
| او آمریکالی دیر | (amırkalıdır) o amerikalıdır | بیز ایرانلی ییق | biz iranlıyıq |
| اونلار میصرلی دیرلر | onlar misirlidir (lər) | سن شیلی لی سن | sən çililisən (şililisən) |
| من از ملیسلی یم | mən ingilisliyəm | سن عربیستانلی سان | sən ərəbistanlısan |

من آرنتینالی یام (ارانتینالی یام) mən arjentalıya

- اسمی که آخرین حرف صدادر آن با یکی از حروف ü ، ö ، o و u باشد ، به شکل زیر می توان انها را به دو فرم صرف کرد. مثال :

| | | | |
|---------------------|---------------------|----------------------|----------------------|
| من اُن لویوم | mən japon,lu,y,um | من ان لی یام | mən japon,lı,y,am |
| سن ایستانبول لوسون | sən istanbul,lu,sun | سن ایسانبوللی سان | sən istanbul,lı,san |
| بیز آغ قویونلولار | biz aǧqoyun,lu,lar | بیز آغ قویونلی لار | biz aǧqoyun,lı,lar |
| سیز قارا قویونلولار | biz qaraqoyunlu,lar | سیز قارا قویونلی لار | biz qaraqoyun,lı,lar |

- در موارد کمی اسمی که از زبانهای دی ر رفته می شود ، به نادرست در محاوره به همان

شکل اصلی خود نیز صرف می‌شوند. مثال :

آمریکان american بجای amerikalı (آمریکانلی ، amerikanlı ، amirkanlı)

- بعضی از با سوادهايمان نیز اسم را همانند فارسی به شکل زیر بکار می‌برند :

| | | | | |
|-----------|-----------|------|--------------|------------|
| تهرانی | tehrani | بجای | تهرانلی | tehranlı |
| ایرانی | irani | بجای | ایرانلی | iranlı |
| استانبولی | istanbulı | بجای | ایستانبول لو | istanbullu |

- در ترکی استانبولی (ترکیه) یونانی را یُونان ، آلمانی را آلمان و ایتالیائی را ایتالیان می‌نامند. نین صرفی کاملاً نادرست است ، شکل صحیح

انها در زبان ترکی به شکل زیر هستند :

یونانلی ، آلمانلی ، ایتالیالی (ایتالیانلی) (کشور : یُونان ، آلمان ، ایتالیا [ایتالیان])

(قید علت و سوال و مسائل مختلف در رابطه با ان :

کلمه قید علت ، به کلمه ای فته می‌شود که علت را در جمله سوال و بیان می‌کند :

نیه (نه یه) ؟ nəyə :

| | |
|-----------------------------|-----------------------|
| او برای ۴ اینجا می‌آید ؟ | o buraya nəyə gəlir? |
| شما به ۴ ناه می‌کنید ؟ | siz nəyə baxırsınız ? |
| این برای ۴ لازم است ؟ | bu nəyə lazımdır ? |
| برای ۴ بیزی به اینجا آمدی ؟ | nəyə buraya gəldin ? |

- اُغروندا : آنا بالالاری اُغروندا اؤز جانیندان دا کئدی (مادر بخاطر فرزندان خود از

جان خود نیز دریغ نکرد.) . ana balaları uğrunda öz canından da geçdi

کیم ؟ kim : (۴ کسی) اؤ کیم دیر ؟ o kimdir (او کیست)

نئجه ؟ necə : (طور) اؤنون کیفی نئجه دیر ؟ onun keyfi necədir (حال او طور است)

(نند [نند تا]) اؤ نئ ۴ دیر ؟ o neçədir (آن نند است)

هانسی؟ hansı: (کدامی) سیز هانسی ماشینى آلدینیز؟ siz hansı maşını aldınız?

نه او ون؟ nə, üçün:

سیز نه او ون بۇرا یا لمدینیز؟ siz nə üçün (nəçün) buraya gəldiniz?

سیز نه او ون، بۇ ایشی ؤردونوز؟ siz nə üçün (nəçün), bu iş gördünüz?

نه او ون ولورسونوز. نه او ون لمه ییرسینیز. ...

سیز نه او ون بۇرا یا لمدینیز. siz nə üçün buraya gəldiniz.

نه او ون بۇرا یا لمدین؟ nə üçün buraya gəldin? (به به علتی به اینجا آمدی؟)

- اۆنون او ون: اۆنون او ون بۇرا یا لمدیم. onun üçün buraya gəldim.

- در رابطه با بکار بری کلمه سوالی نه او ون به شعر زیر توجه کنید:

تاثیر: رخسارین اۆلان یئرده داخی ول نه ای وندور (نه او وندور)

باش وۇردی خطون سبزه و سونبول نه ای وندور (نه او وندور)

نه جور؟ nəcür: سیز نه جور بۇ یتین ایشی باشا ماتیراجاقسینیز؟

(شما و نه این کار مشکل را به سرانجام می رسانید؟)

siz nəcür bu çətin işi başa. çatırcaqsınız?

نه جور بۇ مسئله حل اۆلمالیدیر؟ بۇ مسئله نه جور حل اؤلا بیلر؟

اۆنون کئیفی نه جور دور؟ onun keyfi nə cürdür?

وره: من، سنه ؤره بۇرا یا لمدیم.. mən sənə görə buraya gəldim.

(بخاطر تو به اینجا آمدم؟)

نیه ؤره nəyə görə: سیز نیه ؤره بۇرا یا لیرسینیز؟ siz nəyə görə buraya gəlirsiniz?

(شما بخاطر به دلیل به اینجا می آید؟)

نی یه؟ (نییه) niyə: (حالت تصریفی از کلمه نه + ه)

سیز نی یه بۇرا یا لمدینیز؟ siz niyə buraya gəldiniz? (شما به به علت به اینجا آمده اید؟)

- سین نی یه بۇ سۆزو واختیندا دئمه دینیز؟ siz niyə bu sözü vaxtında demədiniz?
- نی یه بیزیم اؤز انا دیلیمیزده درس اؤخوماغا ایمکانیمیز یؤخدور؟
- سین نه یی آلدینیز؟ siz nəyi aldınız? (شما ه یزی را خریدید)
- (ه را) سین نی یه لمه دینیز؟ siz niyə gəlmədiniz? (شما را نیامدید؟)
- سن نی یه لمیر سن؟ sən niyə gəlirsən? (تو برای ه می آیی؟)
- هانی؟ hanı? (کو ، کجاست .) هانی به؟ hanı bə? (ه شده ، کجا مانده؟)
- هارالی؟ haralı? [من هارالی یام : من از کجا هستم؟ من اهل کجا هستم . از کجا می آیم؟]
- هارالی؟ با مفهوم اهل کجا هستی؟ به شکل زیر برای ضمائر شخصی صرف می شود:

| | |
|-------------------------------|---|
| من هارالی یام؟ mən haralıyam? | بیز هارالی ییق؟ biz haralıyıq? |
| سن هارالی سان؟ sən haralısan? | سین هارالی سینیز؟ siz haralısınız? |
| اؤ هارالی دیر؟ o haralıdır? | اؤنلار هارالی دیرلار؟ onlar haralıdır(lar)? |

- از اینکه آخرین حرف کلمات مذکور صدادر است ، نتیجتاً در صرف برای اول شخص مفرد و جمع يك حرف y بخود می یرند.

- قید سوالی: می می ، مو mü ، مو mu ، مه mə
- کلمات سوالی قید زمان: نه زامان؟ (ه زمان) ها مان؟ نه وخت؟ نه وقت؟ نه زاماندان بری؟
- نه وختاجان؟ نه زامانا قدر؟ نه وختا قدر؟ ...
- ه وقت: ها مان؟ haçan? (ها مان لمیر سینیز؟ ها مان ئدیر سن؟)
- ه وقت: (نه وخت) nə vaxt? (نه وخت لمیر سن . نه وختا جان بؤراداسان .)
- کلمات سوالی قید مکان: نه ره؟ نه یره؟ نه یره جان؟ هارا؟ هارادان؟ ...
- قید سوالی حالت: نه ده دیر؟ مریض می؟ نه بی دیر؟ یورقون مو؟ ، نجه دیر؟ ...
- قید سوالی مقدار: نه قدر؟ نه ده نه؟ ...

اضافی ملکی و کلمه سوالی کیم ، نه و کلمه ربطی کی :

- کلمه سوالی کیم و نه (نه یزی) به شکل زیر برای ضمائر شخصی صرف می شود :

| | | | |
|-------------|------------|------------------|-----------------|
| من کیم؟ | mən kiməm | بیز کیمیک | biz kimik |
| سن کیم سن؟ | sən kimsəm | سیز کیم سینیز؟ | siz kimsiniz |
| اؤ کیم دیر؟ | o kimdir | اؤنلار کیمدیرلر؟ | onlar kimdirlər |

من نه یم؟ سن نه سن؟ اؤ نه دیر؟ بیز نه ییک؟ سیز نه سینیز؟ اؤنلار نه دیرلر؟

- کلمه کیم و نه به شکل زیر در حالت های تصریفی صرف می شود :

| | | | | | |
|------|---------------|--------|--------|--------|---------|
| کیم؟ | کیمه؟ | کیمده؟ | کیمدن؟ | کیمی؟ | کیمین؟ |
| نه؟ | نه یه (نه)؟ | نه ده؟ | نه دن؟ | نه بی؟ | نه یین؟ |

- ا ر کلمه سوالی کیم و نه را با اضافه ملکی in ترکیب دهیم کلمه ترکیبی کیمین و

نه یین بوجود می آید و با معنی مال که کسی و مال نه یزی در فرم سوم شخص مفرد به شکل زیر در جمله بکار رفته می شود. مثال :

| | | | |
|------|---------------------|----------------------|-----------------------|
| سؤال | بۇ ماشین کیمین دیر؟ | اؤ کیتاب کیمین دیر؟ | بۇ ا مار نه یین دیر؟ |
| | بۇ ائو کیمین دیر؟ | اؤ ماشینلار کیمیدیر؟ | بۇ باغ ا کیمیندیر؟ |
| | سن کیمین نه سی سن؟ | سن کیمین نه سی سن؟ | سن کیمین اؤغلوسان؟ |
| جواب | بۇ ماشین منیم دیر. | بۇ ماشین سنین دیر. | اؤ کیتاب منیم دیر. |
| | اؤ کیتاب سنین دیر. | بۇ ا مار قاینین دیر. | اؤ ا مار ماشینین دیر. |

کلمه سوالی کیمین به شکل زیر برای ضمائر شخصی صرف می شود :

(کیمین؟ به شکل سوم شخص مفرد بیان می شود.)

من سنین کیمینم (نه ینم)؟ بیز سیزین کیمینیزیک؟ (بیز سیزین نه بی نیزیك)

سن کیمین نه سی سن؟ سیز کیمین باجی سی سینیز؟ (سیز کیمین نه سی سینیز)

اؤ کیمین قارداشی دیر ؟ سن اؤنون نه یی سن ؟ (سن اؤنون کیمی سن؟)
 من نه یین صاحیبی یم ؟ سن منیم نه یم سن ؟ (سن منیم کیمین سن ؟)
 سن نه یین صاحیبی سن ؟ سیز نه یین صاحیبی سینیز ؟
 اؤ نه یین ا ماریدیر ؟ اؤ کیمین ا ماری دیر ؟ (او نه یین ا ماری دیر .)

کلمه سوالی کیمین در ترکیب با کلمه ربطی کی :

کلمه کیمین با کلمه ربطی کی ترکیب می یابد و به کلمه جدید (کیمینکی) مبدل شده و به شکل زیر بوسیله دیر برای اشیاء و حیوانات صرف می شود. مثال :

سوال: بۇ آ مار کیمینکی دیر? bu açar kiminkidir ، اؤ ا مار کیمینکی دیر? o açar nəyinki dir
 بۇ ول کیمینکی دیر؟ اؤ ی کلر کیمینکی دیر ؟ بۇ ائو کیمینکی دیر ؟
 اؤ تۇ کیمینکی دیر؟ بۇ ی لک کیمینکی دیر؟ ...و

جواب: بۇ ا مار منیمکیدیر. bu açar mənimkidir ، اؤ ا مار سنینکیدیر. o açar səninkidir
 بۇ اطاق بیزیمکی دیر. bu otaq bizimkidir ، بۇ ائو سنینکیدیر. bu ev səninkidir
 بۇ تۇ منیمکی دیر . اؤ تۇ دا اؤنونکو دور .

توجه: سوال و جوابهای مذکور بهتر است که با اسم و یا با ضمیر شخصی بکار رفته شوند. مثال:

بۇ کیتاب کیمینکی دیر ؟ بۇ قلم کیمینکی دیر؟ اؤ منیمکی دیر.
 در بیان اشخاص: بۇ اوشاق، کیمین اوشاغی دیر ؟ بۇ قیز ، کیمین قیزی دیر ؟
 بۇ اؤغلان ، کیمین اؤغلودور ؟ (بۇ اؤغلان کیمیندیر ؟)

- حرف صدادار سوند ملکی (این ، in) و همانا حرف صدادار کلمه ربطی کی و سوند صرفی با هماهنگی بزر بکار رفته می شود :

سوال: اؤ کیمینکی دیر ؟ اؤ نه یینکی دیر ؟
 جواب: بۇ ائو منیمکی دیر. بۇ قۇزو سنینکی دیر. بۇ ائو منیم ننه مینکی دیر.
 بۇ ائو سنینکی دیر. اؤ ائولرده اؤنلارینکی دیر(لار).

بۇ ئاتو رسۇلونكودور. bu ev Rəsulunkudur. (این خانه مال رسول است.)

بۇ ئاتو اۇنونكودور. bu ev onunkudur. (این خانه مال اوست.)

بۇ ایز دۇنقوزونكودور. (دۇموزونكودور.) بۇ ولونكودور. اۇقۇزونونكودور.

قۇیونونكودور. اۇكوزونكودور. تۇیوغونكودور. خۇسونسونكودور. ...

سوال : بۇ كیتاب كیمینکی دیر؟ (مال كه کسی) بۇ ا مار نه یینکی دیر؟

جواب : بۇ كیتاب منیمکی دیر. بۇ كیتاب اۇنونكو دۇر.

اۇ كیتاب حسن یینکی دیر (o kitab Həsənkidir)

(کتاب مال مادر است .) اۇ كیتاب اۇنونكو دۇر. (onunkudur)

اۇ كیتاب انانینکی. (Ananinkidir)

بۇ كیتاب منیمکی دیر. بۇ كیتاب اۇنونكودور.

اۇ ئاتو سنینکی دئیل و اۇنونكو دا دئیل (دیر).

اۇحسن یینکی دیر. (o Həsənkidir) ، بۇ اۇتلار اۇوزونكودور ، یاداکی

قۇیونونكودور. بۇ یك اۇ ولونكودور. بۇ یاراق اۇ ولونكودور.

- آخرین حرف کلمه سوالی کیمینکی و نه یینکی حرف صدادار ی می باشد ، كه در

حالت تصریفی یك ن اضافی بخود می یرد و به شکل زیر برای ضمائر شخصی (با هماهنگی

بزر) صرف می شود :

| سوال : | کیمینکی؟ | کیمینکی نه؟ | کیمینکی نده؟ | کیمینکی ندن؟ | کیمینکی نی؟ | کیمینکی نین؟ |
|--------|-----------|--------------|---------------|---------------|--------------|---------------|
| | نه یینکی؟ | نه یینکی نه؟ | نه یینکی نده؟ | نه یینکی ندن؟ | نه یینکی نی؟ | نه یینکی نین؟ |
| جواب: | منیمکی | منیمکی نه | منیمکی نده | منیمکی ندن | منیمکی نی | منیمکی نین |
| | کیمینکی | بۇنونکونا | بۇنونکوندا | بۇنونکوندان | بۇنونکونو | بۇنونکونون |

- کلمه کیمده با کلمه ربطی کی ترکیب می یابد و کلمه جدید به شکل کیمده کی تبدیل

می‌شود و با سوند صرفی دیر بکار رفته می‌شود. مثال :

سنین کیتایین کیمده کی دیر ؟ (کتابی که مال توست ، در یش به کسی است ؟)

اؤنون قلمی کیمده کی دیر ؟ (قلمی که مال اوست ، در یش به کسی است ؟)

کلمه سوالی کیمده کی در حالت‌های تصریفی و در ترکیبات مختلف ان :

از اینکه آخرین حرف کلمه سوالی کیمده کی حرف صدادار ی می‌باشد ، در نتیجه در

حالت‌های تصریفی یك ن اضافی بخود می‌یرد و به شکل زیر صرف می‌شود :

کیمده کی ؟ کیمده کینه ؟ کیمده کینده ؟ کیمده کیندن ؟ کیمده کینی ؟ کیمده کینین ؟

- کلمات مذکور به شکل زیر در جمله بکار رفته می‌شوند و با سوندهای دیر ترکیب

می‌یابند. مثال :

یؤخدور ؟ منده کی ماشینین بئزینی یؤخدور. کیمده کی نده بئزین یؤخدور ؟ منده کی نده

بئزین یؤخدور. کیمده کینده کینین بئزینی یؤخدور ؟ منده کینده کینین بئزینی یؤخدور.

کلمات مذکور به شکل زیر برای ضمائر شخصی صرف می‌شوند. مثال :

- کیمده کی نده ؟ منده کینده ، سنده کینده ، اؤندا کیندا ،

بیزده کینده ، سیزده کینده ، اؤنلاردا کیندا ،

- کلمات ترکیبی مذکور به شکل زیر در فرم سوم شخص مفرد با سوند دیر صرف می‌شوند:

کیمده کی نده دیر ؟ منده کینده دیر. سنده کی نده دیر. اؤندا کیندا دیر.

بیزده کینده دیر. سیزده کی نده دیر. اؤنلاردا کیندا دیر

- صرف کلمه کیم با حالت در و کلمه ربطی کی همراه فعل وار :

سوال : کیمده کینده رسیم وار ؟ منده کینده رسیم وار. سنده کینده رسیم وار.

اؤندا کیندا رسیم (عکس) وار. بیزده کینده رسیم وار. سیزده کینده رسیم وار.

- در مواردی ، کلمه کی ربطی به شکل زیر دو و یا سه بار تکرار می‌شود. مثال :

سزین کیتابلارینیزین ای ی یازلیبدیر (لار) !

سوال : کیمده کی نده کی کتاب یازلیب دیر؟ کیمده کی نده کی نین یازسی وار ؟ :

جواب : منده کینده کی یازلیب دیر. منده کینده کی نده کی نین یازسی وار.

سند کینده کی نده یازی وار. منده کینده کینیده ده یازی وار.

سوال : کیمده کینین ای ی یازلیبدیر ؟

جواب : منده کی نین ای ی یازلیبدیر. سند کینین. اوند کینین. بیز ده کینین. ...

منده ی نده ی نین ای ی یازلیبدیر.

- نفی با کلمه دئ یل (دئیل) : منده کینده دئ یل. سن ده کینده کینده دئ یل.

کلمه سوالی نه با اضافه ملکی (in) و کلمه ربطی کی ترکیب می یابد و به شکل زیر بکار رفته می شود :

a (کلمه سوالی نه بتنهایی به شکل زیر در حالت های تصریفی صرف می شود :

نه ؟ : نه یه (نه) ؟ nayə ، نه ده ؟ nədə ، نه دن ؟ nədən ، نه بی ؟ nəyi ، نه بین ؟ nəyin

- کلمات سوئی به شکل زیر در جمله بکار رفته می شوند :

سوال : سن نه ایسته بیرسن ؟ سن نه یه باخیرسان ؟ بۇ کیف نه دن دیر ؟ بۇ علامت نه ده دیر.

سن نه بی ورورسن ؟ سنین جیبینده نه بین وار ؟

b (کلمه سوالی نه همراه سوند ملکی :

از ترکیب کلمه نه و سوند ملکی ، کلمه مرکب نه بین بوجود می آید و با مفهوم

ه یز تو بکار رفته شده و برای ضمائر شخصی صرف می شود .

منیم نه یم ؟ سنین نه بین ؟ اونون نه بی ؟

بیزیم نه یمیز ؟ سزین نه بینیز ؟ اونلارین نه لری ؟

کلمه سوالی نه بین به شکل زیر در حالت های تصریفی صرف می شود :

نه یین ؟ : نه یینه (نیه) ؟ نه یینده ؟ نه ییندن ؟ نه یینی ؟ نه ییین ؟

- کلمات مذکور به شکل زیر در جمله بکار رفته می شوند :

بۇ ا مار نه یین دیر ؟ اۇ قیفیل نه یین دیر ؟ بۇنلار نه یین دیرلر ؟ اۇنلار نه یین دیرلر ؟

- کلمات سوالی نه ده ؟ و نه یین ؟ با کلمه ربطی کی ترکیب می یابند و به شکل

نه ده کی ؟ ، نه یینکی ؟ در می آیند و به شرح زیر بوسیله دیر در فرم سوم شخص مفرد

بکار رفته می شوند. مثال:

| | | |
|---|--|-------------|
| <p>این آ مار مال ه یزی است ؟ این جای ای ه یزی است ؟ این میخ مال ه یزی است ؟</p> | <p>بۇ آ مار نه یینکیدیر ؟ bu açar nəyinkidir ? بۇ ایز نه یینکی دیر ؟ bu iz nəyinkidir ? بۇ میخ نه یینکی دیر ؟ bu mix nəyinkidir ?</p> | <p>سول</p> |
| <p>آن آ مار مال ماشین است . این ا مار مال خانه است . این ا مار مال باغ است . این جای ا مار مال او است . این جای ا مار مال خوك است .</p> | <p>اۇ آ مار ماشینکی دیر . o açar maşınınıkıdır . بۇ ا مار ائوینکی دیر . bu açar evinkidir . بۇ کیلید باغینکی دیر . bu kilid bağınkıdır . بۇ ایز اؤکوزونکودور . bu iz öküzünküdür . بۇ ایز دۇنوزونکودور . (دۇنقوزونکودور)</p> | <p>جواب</p> |

c) از اینکه آخرین حرف کلمه (نه یین کی) صدادار است ، در نتیجه در حالت های تصریفی به

شکل زیر صرف می شود. مثال :

در حالت فاعلیت: نه ، نه یین ، نه یینکی ؟ nəyinki

در حالت های تصریفی: نه یینکی نه ؟ نه یینکی نده ؟ نه یینکی ندن ؟ نه یینکی نی ؟ نه یینکی نین ؟

۱- کلمه سوالی نه یین ؟ با فعل وار نیز بکار رفته می شود. مثال :

کلمه نیین وار در موارد زیادی برای بیان درد و رنج و امراض نیز بکار رفته می شود. مثال:

سؤال: سنین نه یین وار ؟ sənin nəyin var ? با سه مفهوم (تو ه یزی داری ؟ تو که کسی را داری ؟ تو ه مرضی داری ؟) بکار رفته می شود :

جواب: منیم سۇيوق ديمه ييم (ديمم) وار. mənim soyuq dəyməyim (dəyməm) var.
 منه سۇيوق ده ييب دير . mənə soyuq dəyibdir . (من سرما خورد ی دارم .)
 اۇنون باش آغرىسى وار. onun baş ağrısı var. (او سر درد دارد .)
 منیم سۇيوخ ديمه ييم وار. منیم باش آغرىم وار. منیم باجیم وار. منیم ائويم وار.

- کلمات سوالی نه یترین ؟ و هاران ؟ ، نه رن ؟ (با مفهوم کجای تو) در رابطه با بیان اعضای بدن نیز بکار رفته می شوند :

| | |
|---|-----------------------|
| سنین نه یترین آغری ییر ؟ sənin nə yerin ağrır ? | کجای تو درد می کند ؟ |
| منیم بۇرام آغرییر . mənim buram ağrır. | این جای من درمی کند. |
| اۇنون هاراسی آغرییر ؟ onun harası ağrır ? | کجای او درد می کند؟ |
| اۇنون قارنى آغرییر. onun qarnı ağrır. | او دل[شکم]دردی دارد. |
| سنین هاران آغرییر ؟ sənin haran ağrır ? | کجای تو درد می کند ؟ |
| منیم باشیم آغری ییر. mənim başım ağrır. | سر من درد میکند. |
| بیزیم باشیمیز آغرییر. bizim başımız ağrır. | ما سرمان درد می کند . |

- سیزین هارانیز آغرییر ؟ اۇنلارین هاراراری آغرییر؟ سنین نه رن آغرییر؟

منیم باشیم آغرییر. قارنیم آغرییر. قییم آغرییر .

- کلمات (مثال : سنینکی) به شکل زیر با سوند می مورد سوال قرار می گیرند :

منیمکی دیرمی ؟ بۇ ائو سنینکی دیرمی ؟ بۇ ماشین اۇنونکودور مو؟ بۇ امار ائوینکی دیرمی ؟
 بۇ کیتابلار سیزینکی دیر (لر) می ؟ بیزیمکی دئییلدیرمی ؟ بۇ سؤز اۇنلارینکی دئییلدیر (دئیل) می ؟

کلمه سوالی و قیدی نه :

نه کلمه سوالی است، که در کنار کلمات دی ر با مفهوم قیدی نیز بکار رفته می شود:

نه nə? : سیز نه واختان بری بۇراداسینیز ؟ سیز نه یئیرسینیز (yeyirəm)؟

سیز نه زامانداں بری بۇ شَهره داشانیبسینیز ؟

سیز نه زامانداں بری بۇرادا یاشایرسینیز ؟ سیز نه واختان بۇراداسینیز ؟

توجه : کلمات نه یه ، نه یی ، نه یین در صرف یک حرف تکمیلی (y) بخود می یرد ، ر اکه

آخرین حرف کلمه سوالی (nə نه) و اولین حرف صدا دار سوند حرف صدا دار است .

- کلمه سوالی نه با خط عربی در حالت های تصریفی به شکل زیر یوسته و در مواردی نیز جدا از هم نوشته می شود. مثال:

سن نه یه (نیه) باخیرسان؟ سن نه یه (نیه) غره ولورسن؟ سن نه یه (نیه) دیلله نیرسن؟

سن نه یی (نیی) غرورسن؟ سن نه یی الیرسان؟ بۇ عکس نه یین (کیمین) دیر؟

- کلمه سوالی نه با علامت لر به شکل نه لر با مفهوم نه یزهائی جمع بسته شده و به شرح زیر در حالت های تصریفی صرف می شود :

نه لر nələr? ، نه لره nələ? ، نه لرده nələrdə?

نه لردن nələrdən? ، نه لری nələri? ، نه لره نین nələrinin?

بۇیان buyan : من شهرین بۇیانیندا یاشایارام. (اۆتورورام)

mən şəhərin bu yanında yaşayaram. (otururam)

بیز ارازین بۇیانیندا و اۇنلار اۇ یانیندا یاشایاریق.

biz arazın bu yanında və onlar oyanında yaşayarıq .

حالت سوالی زبان نه ؟ (ه) و هانسی ؟ (کدامی) :

- در زبان ترکی علامت سؤالی برای زبان ، کلمه نه و هانسی می باشد ، که

همراه سوند ملکی بکار رفته می شود. مثال :

جمله خبری : من تورکجه دانیشارام. (من به زبان ترکی صحبت می کنم.)

سوال می شود : سیز نه دیلده دانیشیر سینیز؟ سیز هانسی دیلده دانیشیر سینیز؟

سینین آنا دیلین نه دیر؟ *sənin ana dilin nədir ?*

سوال : سن هانسی دیلده دانیشارسان؟ *sən hansı dildə danışarsan?*

سینین آنا دیلین نه دیر؟ سینین آنا دیلین هانسی دیل دیر؟

اؤ کیتاب نه دیلده دیر؟ اؤ کیتاب هانسی دیلده دیر؟

(نه دیلی ؟ هانسی دیلی ؟ هانسی دیلده ؟ نه دیلینده :)

سن هانسی دیلیری بیلرسن؟ سن هانسی دیلرده دانیشارسان؟

من تورکم و منیم آنا دیلیم تورکجه دیر. من تورک دئی یلم اما تورکجه دانیشیرام.

من تورک دیلینجه دانیشیرام. من تورک دیلینده ده دانیشیرام.

جواب : من تورک دیلینده دانیشیرام. *mən türk dilində danışıram.*

من تورکجه ، فارسجا و المانجا دانیشیرام. ...

- کلمه سوالی هانسی با فعل بیل ترکیب می یابد و به شکل زیر در سوال جوابهای مربوط به زبان بکار رفته می شود :

جواب : من تورک و فارس دیلرینی بیلرم (با مفهوم ملیت). من تورکجه و فارسجا بیلرم. (با مفهوم زبان)

سوال : سن هانسی دیلیری اؤرن دین ؟ من فارس و تورک دیلرینی اؤرن دیم.

من تبریزده تورک دیلینی و تهراندا دا فارس دیلینی اؤرن میشم (اؤره نییم).

من تهراندا فارسجا و تبریزده ده تورکجه اؤرن دیم .

- نفی سوالی نه دن؟ بوسیله دو کلمه *yox* و *deyil* انجام می یرد:

سوال : ندن (نه دن) ؟ اؤ نه دندیر ؟

جواب : اؤ امیققدان دیر. *o pambıqdandır.* (آن از نبه است)

یوخ ، اؤ لاستیک دن دیر. *yox o plastikdən dir.* (نه خیر آن از لاستیک است.)

اؤ پلاستیکدن دئییل. o plastikdən deyil (آن از پلاستیک نمی باشد] نیست.)

سوال : بس اؤ نه دن دیر؟ bəs o nədəndir اؤ دمیگردن دیر می؟

(کلمات ربطی :

کلمه ربطی و ، کلمه ای است که بتوسط آن دو کلمه و یا دو بخش مختلف جمله به هم ربط داده می شود.

- کلمه و ، کلمه ای است که برای خود معنی مشخصی دارد و از کلمات دیر مستقل بکار رفته می شود. مثال : حسن و یاشار لیر (لر). لاله و حسن ئدیر لر.

در دو جمله مذکور، حرف و ، کلمه ربطی است که با معنی ویه ای صرف می شد و بوسیله آن حسن و یاشار به همدیروهم نین فعل به هر دو آنها ربط داده می شود. مثال : - کلماتی که معنی مستقل دارند ، به اشکال زیر می باشند :

کلمات ساده ربطی : یا ، ون ، ولی ، بلکه ، ساکت ، م ر (مه یر) ، کی و...
کلمات ترکیبی : اؤنو ، بؤنو ، اؤندان ، سؤنرادان ، حله لیک ، پینه ده ، لاکین و...
کلمات مرکب ربطی : ویا ، م رکی ، حالبوکی ، مادامکی ، دمه کی ، بوندان بری ، او ون ، باهم ، یؤخسا ، بارابار (برابر) ، و...

کی ki : اؤ کی لیر ، یاخشی ادامدیر. (آن کسی که می اید ، ادم خوبی است.)

اؤ کی لیر ، منیم قارداشیم دیر. (آن [شخصی] که می اید ، برادر من است.)

من اور کدن ایسته بیرم کی سن بخته ور اؤ لاسان.

mən ürəkdən istəyirəm ki, sən bəxtəvər olasan .

سندھ کی کیتاب من ده کیندن یاخشیدیر. səndəki kitab məndəkindən yaxşıdır.

اؤنلارداکی ماشین بیزده کیندن باهالی دیر.. onlardakı maşın bizdəkindən bahalıdır.

(ماشیننی که آنها دارند از ماشین ما رانتر است.)

– در رابطه با بکاربری کلمه ربطی کی به شعر زیر توجه کنید:

صمد وورغون : من بیر اوشاق سن بیر انا اؤدورکی باغلییام سانا (سنه)
هانکی سمته ، هانکی یانا هئی اؤ سامدا یووام سن سن ..
ونکی ، çünki : من غذا یغمیرم ، ونکی یی میشم (یئیییم).

mən ǧəza yemirəm , çünki yemişəm (yeybəm).

اؤ یئمک ییمییر، ونکی یی ییبدیر. o yemək yemiyir, çünki yeyibdir.

یاداکي ya da ki : من ایسته بیرم آلمانجا یا داکي از لیسجه اؤره نم.

mən istəyirəm almanca yadaki , ingiliscə öyrənəm .

دمه کی : من اؤنو عاغیللی بیلیردیم ، دمه کی لا سفح میش. من اؤنو ؤللو

بیلیردیم ، دئمه کی لوتوموموش. اؤنون التاری یوخوموش ، او لوتودو.

سانکی sankı : علی منی ؤردو (ؤردی) سلام (سلام) وئرمه دی ، سانکی منی

تانیمیر. اؤ ؤخ یاخشی دانیشیر سانکی اؤستادیر(اوستادیر).

əli mənı gördü, salam (səlam) vermədi, sankı mənı tanımır .

کلمه کی در مواردی با سوند ملکی و ضمیر شخصی :

ا ر کلمه ربطی کی با کلمه دی ری یوسته نوشته شود ، حرف صدا دار ان وابسته به حرف

صدا دار کلمه ما قبل خود شده و با هماهنگی بزر با حروف a,i,ü,u بکار رفته می شود :

توجه شود که کلمه کی با ضمیر شخصی و علامت ملکی ترکیب می یابد و به شرح زیر برای

ضمایر شخصی صرف می شود : (منیمکی : انکه مال من است .)

| | | | |
|---------|---------|------------|-----------|
| منیمکی | mənimki | بیزیمکی | bizimki |
| سینکی | sənimki | سزینکی | sizinki |
| اؤنونکو | onunku | اؤنلارینکی | onlarınkı |

- کلمه منیمکی به شکل زیر تجزیه می شود :

(۱) mən : ضمیر منفصل شخصی. (۲) im : علامت ملکی برای اول شخص مفرد.

(۳) ki : علامت ربطی

- کلمه نفی یوخ و دئیل (دئییل) همراه ضمیر شخصی و سوند ملکی:

منیمکینده یوخ. سنینکینده یوخ (دور) .

سوالی : منیمکینده وار (دیر) می؟ سنینکینده یوخ (دور) مو؟ او کیمنکی دیر؟

جواب : او منیمکی نده دئییلدیر. بۇ سنینکی نده دئیلدیر (دئییلدیر). او اؤنونکوندا دئییل دیر.

بۇ بیزیمکی نده دئییل (دیر). او سیزینکی نده دئییلدیر. او اؤنلارینکیندا دئیل دیر.

بۇ اؤنونکوندا دئیل (دیر). او ماشینینکی ندا دیر. او منیمکی نده دئیل (دیر). ...

و , və : حسن و حسین مدرسه یه ئدیرلر . Həsən və Hüseyn mədrəsəyə gedirlər.

احمد و رسول بۇ ون بۇرایا مله جکلر. (احمد و حسن امروز به اینجا خواهند آمد.)

همده həmə də : حسن همده حسین بۇ قیزا وۇرولوبلار. (حسن و هم نین حسین عاشق این

دختر شده اند.) Həsən həmə də Hüseyn bu qıza vurulublar.

بارابار , barabar (برابر، مثل): حسین ایله حسن برابر (بارابار) کیتاب اؤخویورلار. (حسین و

(حسین با هم کتاب می خوانند.) Hüseyn ilə Həsən barabar kitab oxuyur (lar).

- ا ر فعل جمله ، با فعل اینده نزدیک صرف شود ، مفهوم تکرار عمل را بیان

می کند. مثال :

حسین ایله حسن برابر کیتاب اؤخویارلار. (حسین و حسین همیشه با هم کتاب می خوانند.)

آما amma :

من اؤنا دئدیم، آما او ائشیت مه دی. mən ona dedim, amma o eşitmədi.

من تورکجه یاخشی دانیشیرام ، آما (اما) فارسجا یاخشی دانیشا بیللمیرم.

mən türkcə yaxşı danışırım, amma farsca yaxşı danışa bilmirəm .

(من بزبان ترکی خوب حرف میزنم، اما بزبان فارسی نمی توانم خوب صحبت کنم.)

səndə yemək yoxdur, amma iştaha var. سن ده یئمک یۇخدور، آما ایشتاها وار.

اؤ سنه یسلیک ائيله دی، اما سن اؤنا یسلیک ائیلمه. [اما سن اؤنا یاخشیلیق ائيله.]

هابئله, habelə : من بیر دفعه دئمیشم (دئییم)، هابئله کینه دئییرم. من بیر ره دئمیشم، هابئله یئنه

dəyirəm . mən bir dəfə demişəm, habelə yenə (ginə) deyirəm . دئییرم.

هابئله سیزین قۇللوغونوزا [به حضورتان] عرض ائدیرم.

habelə sizin qulluğunuza ərz edirəm.

هم منین، həmçinin : هم منین سیزین قۇللوغونوزدایام (حاضیرام)

həmçinin sizin qulluğunuz da hazıram.

اؤنا وره ona görə : mən yorqunam , ona görə bir qəhvə içirəm.

من یۇرقونام، اؤنا ؤره (برای ان، بخاطر ان) بیر قهوه ای یرم .

منیم بۇرجوم وار، اؤنا ؤره من رك ؤخ ایشله یم .

mənim borcum var, ona görə mən gərək çox işləyəm .

من بۇسۆزو بیر ره (دفعه) دئدیم، اؤنا ؤره داھی (داها) دئمیرم.

mən bu sözü (sözi) bir dəfə (gərə) dedim, ona görə dahı (daha) emirəm.

بۇنا وره buna görə : من بۇنا ؤره ؤخ ایشله یرم کی، بۇرجوم وار.

mən buna görə çox işləyirəm ki, borcum var .

منیم بۇرجوم وار، بۇنا ؤره من ؤخ ایشله یم رك.

اؤترو ötrü : من بۇ ایشی سندن اؤترو ؤردوم . mən bu işi səndən ötrü gördüm .

منیم اوریم بالام دان اؤترو الیر. mənim ürəyim balamdan ötrü çalır.

اؤنون او ون ؟ : منیم بۇرجوم وار، اؤنون او ون رك ؤخ ایشله یم.

mənim borcum var , onun üçün gərək çox işləyəm .

(او ون ، اؤترو ، ژره ، در زبان فارسی معنی برای او [بخاطر او] را می دهد :
من بۇ ایشی سنه ژره ژردوم . من بۇرایا سنه ژره ملدیم .

من بۇ ایشی سندن اؤترو ژردوم . من بۇ سؤزو ، سنی باشا سالماق او ون دئدیم .

من بۇ ایشی سنین او ون ژردوم . (من این کار را برای تو [بخاطر تو] انجام دادم .)

کیمی kimi (یی gibi) :

کلمه ربطی و تشبیهی کیمی معنی مانند ، مثل ، هم ون و همانا را میدهد .

کیمی (کیمی) در اذربایجان به شکل کیمی بیان می شود . (کلمه کیمی به جای کیمی
نادرست می باشد ، زیرا کیمی معنی به کسی را نیز معنی میدهد .) کلمه کیمی ، کیمی در
جملات زیر را بط تشبیهی را بیان می کند . مثال :

علی تورکجه ، تورک کیمی (کیمی) دانی شیر . Əli türkcə , türk kimi danışır .

علی زبان ترکی را هم ون (مثل) یک ترک صحبت می کند .

احمد فارسجا ، فارس کیمی (کیمی) دانی شیر . Əhməd farsa , fars kibi (kimi) danışır .

لاله تورک کیمی (کیمی) تورکجه دانی شیر . Lalə türk kimi türkcə danışır .

(لاله هم ون یک ترک ، ترکی حرف می زند .)

حسین ایند ملیسلی کیمی (کیمی) ، ایند ملیسجه بیلیر . Hüsəyn inglisli kimi ingliscə bilir .

(حسین بقدر یک اند ملیسی زبان اند ملیسی می داند .)

علی ده سنین کیمی یاخشی آدم دیر . Əli də sənin kimi (gibi) yaxşı adamdır .

- در رابطه با بکار گیری کلمه کیمی و کیمی به اشعار زیر توجه کنید :

حقیقی : قدین کیمی ستوده صنوبر نه یئرده وار عنبرفشان سا بین کیمی عنبر نه یئرده وار
خلیلی : مرغ جانی هر سحر شوقیله نالان ائيله رم کؤنلومو زولفون کیمی عمدن ریشان ائيله رم
شهریار : مجد السادات ، ولردی باغلار کیمی ، ورولدردی ، بۇلوتلی (لو) داغلار کیمی ،
سؤز ، اغزیندا ، آریردی یاغلار کیمی ...

اٲله بیل elə bil : کلمه اٲله بیل معنی هم ون ، مثل ، نان (نان بدان) را میدهد. احمد از یلیسجه ؤخ وزل دانیشیر، اٲله بیل کی ایند یلیسلی دیر.

Əhməd ingiliscə çox gözəl danışır , elə bil ki ingilislidir .

(احمد از لیسی را خیلی خوب ، مثل یک از لیسی حرف میزند .)

اؤ آلمانجا اٲله ؤزل دانیشیرکی ، اٲله بیل آلمانلی دیر.

o almanca elə gözəl danışır,ki elə bil almanlıdır.

(او به زبان آلمانی طوری خوب حرف میزند ، و اینکه او آلمانی است.)

اؤرا باخ ، یٲریشی ده اٲله بیل کی دده سی دیر.

ora bax, yerışı də elə bil ki, dədəsidir .

– در رابطه با بکار یری کلمه اٲله بیل همراه کی به شعر زیر توجه کنید:

وهاب زاده : بۇرادا حیات اٲله بیل دوشونور درین - درین

... اؤزه دنیادان لیر اٲله بیل کی قاتارلار بیزه تانیش اؤلمایان سرنشین لر....

دٲیه سن (و اینکه) : دٲیه سن ، یاغیش (یاغمور) یاغاجاق . diyəsən, yağış yağacaq.

دٲیه سن ، اؤنون بۇ ایشی بۇیا باشا تاثیرماغا باشاریغی وار (دیر) .

(و اینکه در وی توانائی به سرانجام رساندن این کار هست.)

بۇ ایتیه باخ ، دٲیه سن فیل دیر. bu itə bax , deyəsən fildir.

هوا خراب اؤلور، دٲیه سن یاغاجاق. hava xarab olur, deyəsən yağacaq

- در رابطه با نحوه بکار یری کلمه دٲیه سن به اشعار زیر توجه کنید :

وجی : عجه که دی یاریدان ، لمه دی یاریم دٲیه سن

از قالیبدر قۇرتارا صبر و قراریم دٲیه سن

علی واحد : صفای مجلس جانانی ، کیم ؤروب - اؤ. دٲیه سن ؟

بلای محنت هجرانی، کیم ؤروب اؤ. دٲیه سن ؟

تشبیهه قیافه : بنزه بیر : (از مصدر بنزه مک) بۇ اۇغلان ددە سینە بنزه بیر .

bu oğlan dadasına bənzəyir.

تشبیهه صدا : اۇ قیز ننه سى كىمى دانیشیر، ائله بیل کی ، اۇ ، ننه سى دیر .

o qız nənəsi kimi danışır , elə bil ki, o , nənəsidir .

داهى و داهى : dahi , daha : من داهى بیر یلو میوه ایسته بیرم .

(من يك كيلوى دیر میوه میخوام .) mən dahi (daha) bir kilo meyvə istəyirəm .

من داهى بیرشبی ایسته بیرم . (من یز دیرى نمی خواهم .) mən dahi bir şey istəmirəm .

اۇ ، واختیندا بۇرجونو وئرمە دى ، ایندى یالوارسا دا ، اۇنا داهى ؤل ورمە رم ،
ونكى منیم اۇنا داهى اعتمادیم یۇخدور .

نه دئمک ؟ : nə demək ? bu sözə ingiliscə nə demək ?

بۇ سۆزه ایندلیسجه نه دئمک ؟ (این کلمه به اندلیسی ه معنی میدهد ؟)
سنین بۇ ایشین ؤخ یسیدیر ، من بیلیم بۇنا نه دئمک .

sənin bu işin çox pisdir , mən bilmirəm buna nə demək .

(این کار توخیلی بد است ، من نمی دانم اسم آن را ه بذارم . [ه ب ویم])

ینه ginə : یینه قار یاغیر . ginə qar yağır (باز برف می بارد .) یینه هاوا سۇيوق

اۆلدو . . ginə hava soyuq oldu (مجدداً هوا سرد شد .)

و یا və ya : mən istəyirəm bir kot (pəncək) və ya bir palto alam .

من ایسته بیرم بیرکُت و یا بیرالتو آلام . (من می خواهم یک کت و یا یکالتو بخرم .)

اۇ انلیسجه و یا فرانساجا اۆرنمک ایسته بیر . o ingiliscə və ya fransızca öyrənmək istəyir .

(او می خواهد زبان اندلیسی و یا زبان فرانسوی یاد ب یرد .)

یادا ya da : اۇ ایسته بیر ایندلیسجه یا دا فرانساجا (فرانسیزجا) اؤیر نه .

o istəyir ingiliscə ya da fransızca öyrənmə .

(او میخواهد زبان انگلیسی و یا اینکه زبان فرانسوی یاد بگیرد.)

حله hələ : او یاشلی دئییل، حله مدرسه یه ئدیر. o yaşlı deyil, hələ mədrəsəyə gedir.

(او سنی [مسن نیست] ندارد و هنوز به مدرسه میرود.)

او جوان دیر، حله ائولن مه ییب. o cəvandır hələ, evlənməyib.

ون باتدی، من حله بۇ ایشی قۇرتارمادیم. gün batdı, mə hələ bu işi qurtarmadım.

حله لیک hələlik : من بۇرادا ایشله ییرم، حله لیک ئتمه یه ایمکانیم یۇخدور.

mən burada işləyirəm, hələlik getməyə imkanım yoxdur.

(من در اینجا کار می‌کنم و هنوز امکان رفتن برایم نیست.)

سن ئت، من حله لیک بۇرادایام. sən get, mən hələlik buradayam.

سن ئت، من حله لیک بۇرادا قالیرام. sən get mən hələlik burada qalırım.

یئرین yerin : من سنین یئرین ده اولسایدیم، بۇرادا ایشله مزدیم. (ا ر من بجای تو بودم،

در اینجا کار نمی‌کردم.) mən sənin yerində olsaydım, burada işləməzdim.

سن بۇکیتابلارلا او مدانین یئرینی دئییش. sən bu kitablarla o çəmdənin yerini dəyiş.

(توجهی این کتابها را با آن مدان عوض کن.)

بری bəri : من بئش وئدن بری بۇرادایام. mən beş gündən bəri buradayam.

سن آیین دور توندن (دوردوندن) بری بۇراداسان. (تواز بهارم برج تا کنون

در اینجا هستی.) sən ayın dördündən (dördündən) bəri buradasan.

سن نه زماندان بری بۇرادا الیشیرسان؟

یان yan : من شهرین بۇیانیندا یاشایارام (اؤتورورام). (در این قسمت شهر

زند می‌کنم.) mən şəhərin bu yanında yaşayaram. (otururam)

بیز داغین بۇیانیندا و اۇنلار اۇیانیندا یاشایاریق. (ما در این طرف کوه زندگی می‌کنیم و

ایشان در آن طرف کوه.) biz dağın bu yanında və onlar oyanında yaşayırıq.

ایکن ikən : ایکن ، به تنهای معنای ندارد ، ولی هر وقت بعد از فعل و یا صفت بیان شود ،

معنی درعین حال را بخود می یزد. مثال: من یورقون ایکن قهوه ای رم.

(من هر وقت خسته می شوم قهوه می نوشم.) mən yorqun ikən qəhvə içəram.

من دونن یئمک یئیرکن تلویزیونا دا باخیردیم.

mən dünən yemək yeyir kən, televiz(ora)ionada baxırdım .

(من دیروز در عین حالی که غذا می خوردم به تلویزیون نیز نگاه می کردم .)

من سیزین ائوه (ائوینیزه) لمیرکن قار یاغیردی. (وقتی که من بخانه شمامی آمدم برف می بارید.)

mən sizin evə (evinize) gəlirkən qaryağırdı .

آنچاق ancaq : من بیلسیدیم کی ، او یالان ی دیر ، اونونلا آنچاق یولداش اولمازدیم.

mən bilsəydim ki o yalançıdır , onunla ancaq yoldaş olmazdım .

(من ارمی دانستم ، که او دروغ گوست ، با او دوست نمی شدم.)

آنچاق من لنده او یمددی. ancaq mən gələndə, o getdi.

من آنچاق بیلیدییمجه دئدیم. məz ancaq bildiyimcə dedim.

منیم آنچاق یمه یه واختیم یوخدور. mənım ancaq yeməyə vaxtim yoxdur.

بۇندان آرتیق ، آنچاق منیم آلمدن داهی بیر ایش لمیر.

bundan artıq , ancaq mənim əlimdən dəhı (daha) bir iş gəlmir .

ۋرن : ۋرن بۇ ایش اولار می ؟ ۋرن بۇ سۆز دۇغرومو ؟

ۋره : منه ۋره بۇ ایش ۇخ یاخشی دیر . [از دید من این کار خیلی خوب است.]

منه ۋره بۇ ایشی ائدمه . منه ۋره بۇ ایشی ۋرمه سن یاخشی دیر.

سن نه زماندان بری بۇرادا الیشیرسان ؟

قدر : تبریزدن تهرانا قدر ۱۰ کیلو متر دیر. من بۇ قدر دانیشا بیلرم. بۇ قدر ۇخ

دانیشما. بۇ قدر های کوی سالما .

لاکين : بۇ ايشى باشا اتديرماق مۇخ تين اولاجاق ، لاکين ايرى بير ايماكان يۇخدور .
دحه : من اۇنو عاغيللى بيليرديم ، دحه لا سفتح ميش .

يانى [يعنى] : يانى بۇ ايش اولوب يتن دئييل مى ؟ يانى من دئين سۇز دۇغرو دئييل مى ؟
بارى : او اولماسا دا ، بۇ اولسون بارى . او ايشى قۇرتارمادين ، بۇنو قۇرتار بارى .

- بار ، بارى حاصل و بارلى (با ميوه ، با برکت) نيز معنى مى دهد . مثال :

- بۇ اغاجين بارى مۇخدور ، اونا ها ما وۇر ، يۇخسا اۇنون بۇتاقلارى سيناجاقدير .

تاي : تاي با مفهومى هم ون شباہت داشتن ، ميشال ، ائله ييل ، نان بدان ،
واينكه بكار رفته مى شود : بۇنلارين ايكيسيده بير بيرينه تايدير .

بۇدا ، اونا تاي دير . سن ده من تاي سان . بۇدا بيزه تايدير . منده سنه تايام .

- كلمه تاي ، معنى مۇوال (جوال ، كيسه) را نيز مى دهد . مثال :

دوه يۇكونون بير تايى . ايكى مۇوال تايى . ايكى الجىن بير تايى .

- تاي مفهوم طرف را نيز مى دهد . مثال :

سن ماين بۇتاييندا دۇر ، من ده اۇتاييندا . ارازين اۇتايى و بۇتايى اذربايجاندير .

ه اولماسا : اونا كۆمك ائيليە بيلمە ديم ، ه اولماسا بير از تشويق ايله ييم .

هئى : ايدى وندن برى ؤلردە اج سۇسوز قالميشديق ، اوہ لىندن سۇنرا ، اۇتوروب
هئى يديك ، هئى ايتيك ؛ سيزين يئرئينز [يئريز] بۇش .

بله : مين تومن ده ورسن ، بله بير ايش ؤره بيلمە رم . بله بير ايش اولان دئيل .

بلکه : ياشار دئيميشدى بۇ ايىن باشيندا بۇرايا بله جك ، بلکه (امكانى وار ، شايد)

بۇون له . بۇون تئرن لميه جك (دير) ، اونا ؤره ياشار بۇون له

بيلمز ، بلکه اوصاباح له بيلر .

يۇخسا yoxsa : من سنه دئديم كى ، واختيم يۇخدور ، يۇخسا ائشيد مه دين مى ؟ (من به تو

فتم كه وقت ندارم ، م ر نشنيدى ؟)

mən sənə dedim ki vaxtım yoxdur, yoxsa eşitmədinmi ?

عينى **eyni** : سنین ماشینین عینی بۇ ماشین دیر .

sənin maşının eyni bu maşındır .

اؤنون ۋزلىرى عين بۇنون ۋزلىرى دیر .

اه : اه سیزده دیر ، اه بیزده دیر . اه بۇنو ایسته ییر ، اه دا اؤنو .

يادا : يا اؤ ديين اولار ، يادا من دئين .

هر : هر نه ، هر کيم ، هر شئى ، هر زاد ، هر ادام ، هر يئر ، هر نه ، هر نيه ،

هر نه يى، هر نده ، هر ندن ، هر نه يين .

| | | |
|------|---------------------------------------|---|
| ايله | : كتاب ايله قلم . . kitab ilə qələm . | ، حسن ايله آدى وزل . Həsən ilə Adıqözəl |
| | ياشار ايله احمد . Yaşar ilə hməd | ، احمد ايله رسول . Əhməd ilə Rəsul |

حسین ايله حسن کیتاب اؤخویورلار . . Hüseyin ilə Həsən kitab oxuyurlar .

حسین ايله حسن کیتاب اؤخویارلار . . Hüseyin ilə Həsən kitab oxuyarlar .

- کلمه ربطی ايله با مفاهیم زیر در جمله بکار رفته شده و جدا از کلمات ما قبل خود نوشته می شود :

(۱) با مفهوم برابر در کنار هم عمل واحدی انجام دادن : احمد ايله نادر تهرانا دیرلر .

(۲) با مفهوم به کمک کسی و یا بوسیله یزی : احمد و نادر، اتوبوس ايله تهرانا دیرلر

(۳) با مفهوم و ، برابر ، در کنار هم : بۇ ون احمد ايله ياشار بۇرايا لمجك لر .

(با مفهوم با هم (به هم دیر) : اؤ قیز ايله اؤ اؤغلان نشانلی دیرلار .

- در رابطه با بکار گیری کلمه ايله به اشعار زیر توجه کنید :

طاهرزاده : ائل کیر نامیمی مین لعنت ايله بۇ ائلی یاد ائدیرم رحمت ايله و....

علی اقا واحد : ۋسترای ول اؤزونو، بولبول شیدا ولسون

ۋزلىرىن شۇقى ايله ، نر ييز شهلا ولسون

(حروف و یا علائم ربطی :

سوند لا، له :

سوند ربطی له از کلمه ربطی ایله ilə مشتق شده است ؛ کلمه ایله مستقل از کلمات دیگر نوشته و بیان می شود ، ولی حروف صدادار سوند له وابسته به آخرین حرف صدادار کلمه ما قبل خود می باشد که با هماهنگی کوک به شکل له ، لا پیوسته به کلمه ما قبل خود نوشته می شود. مثال:

| | |
|---|--|
| کلماتی که آخرین حرف صدادار آنها با اهه مائینی است : | کلماتی که آخرین حرف صدادار آنها با اهنه مائینی است : |
| ↓ | ↓ |
| Yaşar,la Hüseyn یاشارلا حُسن | ələk,lə un اَلَكْ له اُون |
| yağış,la qar یاغیش لا قار | sel,lə yel سئل له یئل |
| duz,la şəkər دۇزلا شکر | il,lə pişik ایت له یشیک |
| od,la pambuq اؤد لا پامبوق | göz,lə burun غۆز له بۇرون |
| Turan,la Həsən تۇران لا حسن | gül,lə bülbül ول له بولبول |

- سوند له در جمله به شکل زیر بکار رفته می شود. مثال :

یاشارلا حسن لیر (لر). حسن له حسین لیر (لر).

عباس لا یاشار دانیشیر (لار). ری له صۇنا دانیشیر (لار). ننه یله دده غدیر (لر) .

mən tiren,lə (qatarla) gəlirəm . من تیرئنله (قطار لا) لیرم.

mən uçaq,la (təyarəyilə) gəlirəm. من اؤاقلای (طیاره ایله) لیرم.

- با وجودی که اولین حرف سوند ربطی له حرف بی صدا است ، ولی ا ران

با کلمه دیگر بکار رفته شود، که آخرین حرف آن صدادار باشد، بین آنها یک حرف

تکمیلی (y) افزوده می‌شود، را که سوند له از کلمه ilə مشتق شده است که اولین حرف ان صدادار (i) می‌باشد، به همین دلیل سوند له به همان شکلی صرف می‌شود که سوند ایله بکار رفته می‌شود. مثال:

| | |
|---|---|
| اخیرین حرف صدادار کلماتی که با اهن مائینی می‌باشد: | اخیرین حرف صدادار کلماتی که با اهن بالائی می‌باشد: |
| اتا یلا انا ata,yla ana | لاله یله احمد Laləy,lə Əhməd |
| باجی یلا قارداش bacı,y,la qardaş | میی یله علی gəmi,y,lə Əli |
| سۇ یلا اود su,yla od | تولکی یله داوشان tülküy,lə davşan |

– در رابطه با نحوه بکار گیری سوند له به اشعار زیر توجه کنید:

ابولقاسم ح. ز. انا سۆزو: بۆیوک حکمتلر قیسا سۆزله دئییلر. بۆش سۆزله قارین دؤیماز

حکیم هیدجی زنجانی: یالان دانیشما، دغل اؤلما، خلقله یؤل کئت

یئته ر مرادینا هرکس یؤلون ئده دوزونه

اظهر: اجیخلی باخما منه غزلرین قاداسین الیم، دانیش منله، سۆزوندن اورک غذاسین الیم

خاقانی: سۆزه بۇ ون ایله رۇنق وئردی کی (که) فتح ایتدی اۇنونلا بۇتون دنیانی...

۲) حروف سوندی و ربطی:

حروف ربطی، به حروفی گفته می‌شود که به تنهایی معنی ندارد، ولی اگر در کنار

کلمه دیگری قرار یابد و یا پیوسته به آن صرف شود با مفهوم ویژه‌ای بکار رفته

می‌شود و بدین سان بخشهای مختلف جمله را به هم دیگر ربط می‌دهد:

سوند ربطی اینن inən:

در بیشتر مناطق جنوب اذربایجان (و همانا در سایر مناطق ترک نشین ایران) بجای کلمه

ربطی ایله و یا له ، لا از حروف ربطی و سوندی اینن inən (اینن) نیز استفاده می کنند. مثال :

| | | |
|--------------------|---------------------|-----------------------------------|
| احمد ینن رسول. | əhməd,inən Rəsül. | علی ینن احمد . رسول اؤنان نادر. |
| ولزارینان کؤراؤغلو | Gülzar,inən Koroğlu | ماشین ینان لمیر. قاتارینان مدیر . |
| بهرام ینان نادر | Bəhram,inən Nadır | نادیرینان رسول. لاله ینن رسول . |
| بابک ینن کرم | Babək,inən Kəram | کرم ینن بابک . بابک ینن رسول . |
| سنینن من | səninən mən | منینن اؤ . اؤنونان سن. سنین اؤ. |

اولین حرف صدادار سوند مذکور با هماهنگی بزر و دومین حرف صدادار ان با هماهنگی کو ک به اشکال زیر بکار رفته می شود :

یک) کلمه ای که آخرین حرف صدادار ان با اهن بالائی (ə, e, i, ö, ü) باشد ، اولین حرف صدادار سوند inən اینن با هماهنگی بزر صرف می شود :

ا ر آخرین حرف صدادار کلمه ای به یکی از سه حرف ə, e, i ختم شود ، اولین حرف صدادار سوند ربطی با حرف i (به شکل: inən) بکار رفته می شود. مثال :

| اسم | سوند ربطی | اسم | کلمات با خط عربی |
|-----|-----------|-------|------------------|
| ət | in ə n | sümük | آتینن سوموک |
| el | in ə n | yurt | اٹلینن یورت |
| it | in ə n | pişik | ایتینن یشیک |

به مثالهای زیر نیز توجه کنید:

– آل ینن اغا . (əl inən ağaç) ، آت ینن ۆرک . آلك ینن الجک . سن ینن من . من ینن سن .
تک ینن جوت . سس ینن قۇلاخ (قولاق) . احمد ینن رسول . آل ینن ایاق

- یئرینن ڭی (yer,inən göy). ائلینن سئل. سئلینن سؤ. تئلینن یئل. یئلینن سئل.
 – کیشیینن قادین. ایکیینن او. علییینن ولی. بیریینن ایکی. دیلینن سؤز. دیلینن اغیز.
 سیزینن ییز. بیزینن سیز. دیشینن دۇداق. یسینن یاخشى. ...

(b) ر آخرین حرف صدادار کلمه ای به یکی از دو حرف ö, ü ختم شود، اولین حرف صدادار سوند (ünən) با همهنی بزر با حرف ü بکار رفته می شود. مثال:

| اسم | سوند ربطی | اسم | با خط عربی |
|-----|-----------|------|-------------|
| göz | ünən | qaş | ڭزون قاش |
| düz | ünen | əyri | دوزونن آیری |

به مثالهای زیر نیز توجه کنید:

- دوشونن ییین. سؤزونن اورک. ڭلونن قاییق. اؤنونن ارخا. ...
 – دویونن یاغ (düyüynən yağ). بولبولونن ول. سوتونن ڭرک. جوتونن شوخوم. ...
 (d) ر آخرین حرف صدادار کلمه ای به یکی از دو حرف a, ı ختم شود، اولین حرف صدادار سوند (inan) با همهنی بزر با حرف ı بکار رفته می شود:

| اسم | سوند ربطی | اسم | کلمه با خط عربی |
|------|-----------|----------|--------------------|
| ışığ | ınan | qaranlıq | ایشیغینان قارانلیق |
| ağac | ınan | yarpaq | اغاچینان یارماق |

– به مثالهای زیر نیز توجه کنید:

- یاشارینان حسن (yaşar,inan Həsən). اناینان انا. اتاینان انا. قارداش ینان باجی.
 – ایلدیرم ینان حمیده (İldırım,inan Həmidə). دایی ینان اؤغلو. باجی ینان آری. ایی ینان بالاسی.

(j) ر آخرین حرف صدادار کلمه ای به یکی از دو حرف o, u ختم شود، اولین حرف

صدا دار سوند ملکی با هماهنگی بزر و با حرف U به شکل unan بکار رفته می شود:

| اسم | سوند ربطی | اسم | کلمه با خط عربی |
|-----|-----------|-------|-----------------|
| od | unan | soyuq | اودونان سویوق |
| duz | unan | su | دوزونان سۇ |

به مثالهای زیر نیز توجه کنید :

– قۇلونان آل (qol,unan a). سۇلونان ساغ. اۇخونان کمند (oxunan kəmənd). اۇنونان بۇ...

دو) ر آخرین حرف صدا دار کلمه ای با اهنه بالائی a, i, o, u باشد، آخرین حرف صدا دار

سوند inan با هماهنگی کوک با حرف a بکار رفته می شود. مثال :

| اسم | سوند ربطی | اسم | کلمات با خط عربی |
|------|-----------|-----------|--------------------|
| ağac | inan | yarpaq | اغاچینان یاراق |
| ışığ | inan | qaranlıq | ایشیغینان قارانلیق |
| od | unan | pambı(u)q | اودونان پامبیق |
| qurd | unan | it | قوردونان ایت |

– اسمی که آخرین حرف صدا دار ان با اهنه بالائی ə, e, i, ö, ü می باشد :

| اسم | سوند ربطی | اسم | کلمات با خط عربی |
|-------|-----------|------|------------------|
| Həsən | inə n | əli | حسن ینن علی |
| Naser | inə n | Vəli | ناصر ینن ولی |
| pişiy | inə n | it | پیشیک ینن ایت |
| göz | ünə n | qaş | کوزونن قاش |
| yüz | ünə n | min | یوزونن مین |

– ر آخرین حرف کلمه ای به حرف صدا دار ختم شود، با اصول زبان ترکی بین کلمه و سوند یک

حرف تکمیلی افزوده می شود، اما در صرف از انها یک حرف صدا دار حذف شده و به شکل زیر

بکار رفته می شود. مثال :

- کلماتی که آخرین حرف صدا دار آنها با *ə* بالائی می باشد :

| اسم | حرف تکمیلی | این حرف حذف می شود | سوند ملکی | اسم | کلمات با خط عربی |
|------|------------|--------------------|-----------|------|------------------|
| dədə | y | (i) | nə n | nənə | دده ینن ننه |
| bibi | y | (i) | nə n | mən | بیبی ینن من |
| düyü | y | (ü) | nən | ət | دویوینن آت |

توجه : کلمه ای که به دو حرف غیر فعال *ə* ختم شود ، موجود نیست که صرف شود.

- کلماتی که آخرین حرف صدا دار آنها با *ə* بالائی می باشد :

| اسم | حرف تکمیلی | این حرف حذف می شود | سوند ملکی | اسم | کلمات با خط عربی |
|------|------------|--------------------|-----------|-------|------------------|
| qala | y | (i) | nan | daş | قالاینان داش |
| dayı | y | (i) | nan | xala | دایی ینان خالا |
| quzu | y | (u) | nan | quyun | قوزوینان قویون |

توجه : کلمه ای که به حرف غیر فعال *ə* ختم شود ، موجود نیست که صرف شود.

- به صرف کلمات زیر نیز توجه کنید :

ننه ینن دده (nənəynən dədə). دوه ینن ات (dəvəynənət). باجی ینان
قارداش (bacıynan qardaş). سۇيۇنان مال بیق (suyunan palçıq). و..

سوند ربطی ایب (ip ، ای) :

سوند ایب در محاوره به شکل ای نیز بیان می شود ، که حرف صدا دار آن با همافندی
بزر به شکل ip , ip , üp , up با مفاهیم مختلف صرف می شود.

(۱) سوند ایب با مفهوم ربطی. مثال :

حسن لیب ئتدی . او الیب ای دی. (alıb içdi.)

(۲) ایب در جمله ، فرم سوند فعل را که در آخر جمله بکار رفته می شود، در خود

انعکاس می‌دهد. مثال :

او اؤوب ولدو. (öpüb güldü) ، او دوروب اؤخودو. (durub oxudu) یشار

ساعات بئش ده لمیب ساعات التیدا یاتیپ و ساعات اؤندا دوردو.

یشار ساعات بئش ده لمیب ، ساعات التیدا ئتدی . (همراه ،)

- از اینکه آخرین فعل جمله با علامت گذشته صرف شده ، نتیجتاً تمام افعال جمله با

مفهوم گذشته بکار رفته شده است.

(۳) ۱ ر سوند ایب را در آخرین فعل جمله بکار بریم ، با مفهوم ماضی نقلی بکار رفته - می

شود، نتیجتاً افعال وسط جمله نیز بعنوان تکرار ان با مفهوم ماضی نقلی بکار رفته می‌شود. مثال :

حسن کلیب ائوده اؤتوروبدور. (ماضی نقلی: حسن آمده و نشسته است.)

(سوند ایب بعنوان علامت سوندی به شکل فعل ترکیبی و مصدری نیز بکار رفته می‌شود:

لیب ئتمک ، دئییب دانیشماق ، دانیشیب ولمک ، ...

به نکات زیر نیز توجه کنید:

- امروزه سوند ایب در جمهوری اذربایجان و ترکیه بعنوان کلمه ربطی و با مفهوم

و و هم نین به مقصود تکرار (ماضی) فعل آخری جمله بکار رفته می‌شود ، ولی در

بین ترک زبانهای اذربایجان جنوبی و سایر مناطق مرکزی و جنوبی ایران با مفهوم ماضی

نقلی بکار رفته شده و به شکل ایب ، ای : اوب ، او نیز صرف می‌شود.

- ۱ ر صرف سوند ای ، او (ip, ıp, üp, up) را بجای ای ربطی بکار بریم و

سوند ایب را بعنوان علامت ماضی نقلی صرف کنیم ، مفهوم انها از هم دی ر

جدا شده و بعنوان دو علامت مختلف و با مفهوم متفاوت بکار رفته می‌شود.

- در کتب قدیمی حروف ایب بعنوان علامت ماضی نقلی نیز صرف شده است. مثال:

فضولی: یار حال دلیمی زار بیلیدیر، بیلیم دل زاریمدا نه کیم وار بیلیدیر، بیلیم

علائم و یا حروف ربطی ده ، دا :

- حروف ده də و دا da شبیه حروفی هستند ، که بعنوان حروف اضافی در بخشهای قبلی همین کتاب ، در حالت مفعولی (در: ده ، دا) صرف کرده ایم. مثال :

کتاب حسن ده دیر. قلم اؤندا دیر. (کتاب در یش حسن است. قلم در یش او است.)

- اکنون حروف ده ، دا را با مفهوم ربطی بکار می ییریم. مثال:

سند ده بیر کیتاب وار ، من ده ده بیر کیتاب وار. اؤندا دا بیر کیتاب وار. بؤندا دا بیر کیتاب وار.

هر ند که هر دو سوند ده ، دا (در حالت تصریفی و همانا در شکل کلمه ربطی)، همشکل می باشد ، اما معنی انها متفاوت است. بعبارت دی ر سوند اولی معنی در (حالت مفعول با واسطه با حروف اضافه ده را می دهد) و سوند (ده) دومی معنی هم ، هم نین و همانا را می دهد.

سوند اولی (حالت مفعولی در) پیوسته به کلمه ما قبل خود بیان می شود، در صورتی که سوند دومی جدا از کلمه ما قبل خود بکار رفته می شود. مثال:

یک (به شکل مفعول تصریفی در : سند کیتاب وار می ؟) (ایا در یش تو کتابی هست ؟)

دو (به شکل مفعولی در و علامت ربطی: سند ده کیتاب وار می ؟) (ایا در یش تو هم کتابی هست ؟) منده ده کیتاب وار. mändə də kitab var (در یش من هم کتاب هست.)

سند ده قلم وار. səndə də qələm var. (در یش تو هم قلم هست.)

حرف صدادار سوند (ده) اولی وابسته به آخرین حرف صدادار کلمه ما قبل خود می باشد و حرف صدادار سوند (ده) دومی وابسته به حرف صدادار سوند (ده) می باشد، که حرف صدادار هر دو انها با هماهنگی کو ک (a , ə) بکار رفته می شود.

به طریقه بکار یری حالت در و حروف ربطی (də , da) توجه کنید :

- کلمه ای که آخرین حرف صدادار آن با آهه ئینی و بایکی از ا , i , o , u باشد ،

سوند به شکل زیر با حروف دا ، دا ، da da بکار رفته می شود :

| حالت دا و کلمه ربطی دا | ترکی با خط عربی و لاتین | فارسی |
|------------------------|--|----------------------|
| da da | حرکت آدامدا دا وار. hərəkət adam,da da var. | حرکت در آدم هم هست . |
| da da | حرکت ایشیقدا دا وار. hərəkət ışıq,da da var. | حرکت در نورهم هست . |
| da da | حرکت اؤد دا دا وار. hərəkət od,da da var. | حرکت در آتش هم هست . |
| da da | حرکت نۇردا دا وار. hərəkət nur,da da var. | حرکت در نور هم هست . |

- کلمه ای که آخرین حرف صدا دار آن با آهـ بالائی و با یکی از پنج حرف a,e,i,ö,ü باشد ، به شکل زیر با حروف ده ، ده بکار رفته می شود :

| حالت ده و کلمه ربطی ده | ترکی با خط عربی و لاتین | فارسی |
|------------------------|---|-----------------------|
| də də | حرکت اکبرده ده وار. hərəkət əkbər,də də var. | حرکت در اکبر هم هست . |
| də də | حرکت یئرده ده وار. hərəkət yer,də də var. | حرکت در زمین هم هست . |
| də də | حرکت علی ده ده وار. hərəkət əli,də də var. | حرکت در علی هم هست . |
| də də | حرکت گۆزده ده وار. hərəkət göz,də də var. | حرکت در شـم هم هست. |
| də də | حرکت اؤ ووزده ده وار. hərəkət öküz,də də var. | حرکت در او هم هست. |

- سوند ربطی ده ، دا در موارد زیادی همراه فعل وار به شکل زیر صرف می شود :

| | | |
|-----------------------------|--------------------------------|------------------------|
| کیتاب منده ده وار (دیر). | کیتاب بیزده ده وار (دیر). | حالت دا و کلمه ربطی دا |
| کیتاب سنده ده وار (دیر). | کیتاب سیزده ده وار (دیر). | حالت دا و کلمه ربطی دا |
| کیتاب اؤندا دا وار (دیر). | کیتاب اؤنلاردا دا وار (دیر). | حالت دا و کلمه ربطی دا |

- در رابطه با بکار پیری ده ، دا به شعر زیر توجه کنید:

علی توده: تکجه شعر یازماقددا مشهور دئ یلدير بالام

دؤزومده ده مشهور دور جفادا دا مشهوردؤر

ایلغاز دا دا مشهور دور وفا دا دا مشهوردؤر

– کلمه ربطی ده، دا همراه ضمیر ملکی و کی ربطی با فعل وار به شکل زیر ادغام شده و در فرمهای مختلف بکار رفته می شود. مثال:

منیم کیتایمدا بیر ؤزل رسیم (عکس) وار. حسن ین کیتاین دا دا رسیم وار.

حسن ین کیتاین دا دا رسیم وار می؟ اؤندا دا وار. بؤندا دا وار.

حسن ده کی نده ده وار. اؤندا کی ندا دا وار. حسنین کینده ده وار.

کلمات مذکور با کلمه وار ترکیب یافته و به شکل سوم شخص مفرد برای ضمائر شخصی صرف می شوند: (منیم کیتایمدا بیر عکس وار).

| | | |
|---------------------------------------|-------------------------|----------------------------|
| از اینکه ضمیر سوم شخص مفرد حرف صدادار | عکس منیم کینده ده وار. | عکس بیزیم کینده ده وار. |
| ه اهنه باینی است، نتیجتاً بسوندهای | عکس سنین کینده ده وار. | عکس سیزین کینده ده وار. |
| ان نیز با اهنه باینی ساخته می شود. | عکس اؤنو نکوندا دا وار. | عکس اؤنلارین کیندا دا وار. |

– در رابطه با بکار گیری کلمه ربطی ده و دا همراه فعل وار به اشعار زیر توجه کنید:

علی اکبر طاهرزاده: فقر ایله غنا اهلینه کیم وئردی مساوات

معناده ده (دا دا) صورته ده وار بؤندا منافات

علی اقا واحد: ناز ایله ول، بیزیم ائلرده ده وللر ولسون ...

وفالی سؤیله دی ین ییخدی بیوفا اخر،

سنین سؤزونده ده، واحد، بیر از یالان یئری وار ...

حروف و یا سوند ربطی جه cə (علامت مخصوص زبان) :

سوند جه ، علامتی است که به نام خلقها و کشورها و مناطق مختلف پیوند می خورد و آنها را به نام زبان آن مردم منطقه و کشور تبدیل می کند. حرف صدادار سوند جه cə وابسته به آخرین حرف صدادار کلمه ما قبل خود می باشد و با همایندی کو لک به شکل ca, cə صرف می شود :

(۱) اسم خلق و یا مملکتی که آخرین حرف صدادار آن با اهن بالائی می باشد :

| اسم خلقها و یا مردم ممالک | | | اسم خلقها و یا ممالک | |
|---------------------------|----|--------|----------------------|-------|
| حروف اضافی مخصوص زبان | | | ترکی | فارسی |
| ترکی با علامت زبان | | | عرب | عرب |
| عربجه | cə | arəbcə | عرب | arəb |
| هندجه | cə | hendcə | هند | hend |
| تاجیکجه | cə | acikcə | تاجیک | tacik |
| تورکجه | cə | türkcə | تورک | türk |
| کورده | cə | kürdcə | کورد | kürd |

(۲) اسم خلق و یا مملکتی که آخرین حرف صدادار آن با اهن بالینی می باشد :

| اسم زبان خلقها و یا زبان مردم ممالک | | | اسم خلقها و یا ممالک | |
|-------------------------------------|----|----------|----------------------|--------|
| حروف اضافه مخصوص زبان | | | ترکی | فارسی |
| ترکی با علامت زبان | | | یونان | یونان |
| یونانجا | ca | yunanca | یونان | yunan |
| قیرقیزجا | ca | qırqızca | قیرقیز | qırqız |
| انجا | ca | japonca | ان | japon |
| رؤسجا(اؤروسجا) | ca | rusca | رؤس، اؤروس | urus |

– بکار پیری اسامی زیر نیز توجه کنید :

| ترکی | فارسی | حروف اضافه مخصوص زبان | ترکی با علامت زبان | فارسی |
|--------|---------|-----------------------|--------------------|--------------|
| یل | gil | جه | gilce | زبان یلی |
| ین | çin | جه | çincə | زبان ینی |
| فارس | fars | جه | farsca | زبان فارسی |
| اثرمنی | erməni | جه | ermənicə | زبان ارمنی |
| اؤزبک | özbək | جه | özbəkce | زبان ازبکی |
| تورکمن | türkmən | جه | türkməncə | زبان ترکمنی |
| اویغور | uyğur | جه | uyğurca | زبان اویغوری |

– در مواردی ، ا ر اسم ملیت و مملکت با زبان همشکل باشد ، بجای سوند جه و جا می توان کلمه دیلی (زبان او) را نیز بکار رفت. مثال :

| فارسی | ترکی | ترکی همراه دیلی | ترکی با سوند جه ، جا و دیلی |
|-----------|-----------------|---------------------------|------------------------------|
| کره | کُره یا koreya | کره یا دیلی koreya dili | کُریا + کر یا دیلینجه |
| ان | ان japon | ان دیلی japon dili | ان جا + ان دیلینجه |
| ین | ین çin | ین دیلی çin dili | ین جه + ین دیلینجه |
| المان | المان alman | المان دیلی alman dili | المانجا + المان دیلینجه |
| از لمستان | از یلیس ingilis | این یلس دیلی ingilis dili | این یلیسجه + این یلس دیلینجه |

– در موارد کمی بنا درست نام زبانها به همان شکلی که از زبانهای دیگر گرفته شده است

بکار رفته می شوند. مثال : بجای از یلیسجه می ویند اینقیلتر .

– بعضی از با سوادهایمان اسامی ترکی را به شکل فارسی بکار می برند. مثال :

از یلیسی بجای از یلیسجه . یونانی بجای یُونانجا . ترکی بجای تورکجه .

فارسی بجای فارسجا. عربی بجای عربجه، کردی بجای کوردجه و...

- در رابطه با سوند جه، جا به شعر انتقادی زیر توجه کنید:

سء یم قولو: دیل کی واردیر، اؤنا لسان دئمه یین، دؤندریب فارسی جه [جا] زبان دئمه یین.

هر کسین وار سؤزو، دیلی، اغیزی، اغیزا اند ای یب دهان دئمه یین

- کلمه به شکل زیر با علامت جه، جا ترکیب یافته و در حالت های تصریفی صرف می شود:

| | |
|-------------------------------------|---|
| حالت فاعلیت | تورکجه تک دانشیق دیلی یوخ، بلکه او رسمی دیل اولمالیدیر. |
| حالت با واسطه به | بۇ کیتاب تورکجه ده یازیلماق (دیر)؟ |
| حالت مفعول با واسطه با حرف اضافی در | بۇ ون دانشیق لار فارسجا دا و صاباح تورکجه ده اولماقدیر |
| حالت مفعول با واسطه با حرف اضافی از | بۇ کیتاب تورکجه دن المانجا یا دا مؤریله جکدیر. |
| حالت بی واسطه را | سن، بۇ کیتابین تورکجه سینی ده اؤخویماق سان می؟ |
| اضافه ملکی in | اذربایجان تورکجه سینین فرقلی دانشیق لاری وار دیر. |

حرف ربطی جه، جا با مفاهیم مختلف:

در زبان ترکی حروف اضافی جه، جا با مفاهیم زیر نیز بکار رفته می شود. مثال:

(قدر [مقدار نامعین]، هم قد، تانجا)

من سنی اؤز قیزیمجا ایسته رم. (من تو را بقدر دختر خودم دوست دارم.) بۇ اؤنجا دیر.

منجه بۇ ایش یاخشی د یل. (از نظر من این کار خوب نیست.) او منجه دیر.

(او با من هم قد است.) او منجه بؤیویر. (او به قد من بزرگ می شود.) اؤنون یاخی منجه وار.

من بیلدیییمجه سنه دئدیم. من باشاریغیمجا (باشاردیغیمجا) سنه اؤرتدیم.

من ونلرجه (له) سنی غزله دیم. mən günlərcə səni gözlədim.

منیم غزوم ونلرجه یۆلدایدی. mənim gözüm günlər cə yoldaydı.

آنانین بالاسی او ون بیرجه عالم آرزوسو وار. ananın balası üçün bircə aləm arzusu var.

اؤندا میلیونلارجا تومن اول وار. onda milyonlarca tümən pul var.

۷) سوندها و اصول بکار پیری حروف صدادار در ترکیب آنها :

سوندها ، حروفی هستند ، که با اصول ویه ای ساخته می شوند و برای بیان مفهومی به اسم و یا به فعل یوند زده می شوند.

در یوند زدن سوند با کلمه ، حرف صدادار اولین سوند وابسته به آخرین حرف صدادار کلمه می باشد ؛ حرف صدادار سوندهای شت سری ان نیز به ترتیب وابسته به حرف صدادار سوند ما قبل خود می باشد، که با هماهنگی بزر و کو ک در کنار هم بکار رفته شده و به شکل زیر برای ضمائر شخص صرف می شوند :

| حسن | حسن حسن Həsən | اسم ساده در حالت فاعلیت |
|--------------------------|----------------------------|-----------------------------------|
| به حسن | حسنه Həsənə | سوند تک حرفی (در حالت به : ə) |
| در پیش حسن است. | حسن ده دیر . Həsəndədir. | یک سوند دو حرفی و یک سوند سه حرفی |
| از به که در پیش حسن است. | حسن ده کی دیر Həsəndəkidir | دو سوند دو حرفی و یک سوند سه حرفی |

- سوند در زبان ترکی ، حالت اسم ، نوع فعل ، زمان ، جمع و مفرد بودن کلمه را در جمله منعکس می کند:

سوند تصریفی ، سوندی است ، که به اسم می یوندد و حالت ان را بیان می کند. مثال:

| | | |
|-----------------|------------------|-------------------|
| ولی ده Vəli,də | حسن ده Həsən,də | نادر ده Nader,də |
| ولی دن Vəli,dən | حسن دن Həsən,dən | نادر دن Nader,dən |
| ولی نی Vəli,ni | حسن نی Həsən,i | نادر ی Nader,i |

سوند صرفی ، سوندی است ، که به شکل زیر به فعل می یوندد و ان را برای ضمائر شخصی صرف می کند. مثال :

لیرم gəlirəm ، ئدیرم gedirəm ، الیرام alıram ، الیجاغام alacağam ، و... .

- در ترکیب افعال مذکور سوند əm ، سوند صرفی است که با این سه نام و با این سه مفهوم بکار رفته می شود :

(۱) سوند əm ، ضمیر شخصی را در خود منعکس می کند ، نتیجتاً به آن ضمیر متصل شخصی می وئیم.

(۲) سوند əm ، اسم را معرفی و فعل کامل را صرف می کند ، نتیجتاً به آن سوند صرفی می وئیم.

(۳) سوند əm ، از مصدر ایمک مشتق می شود، در نتیجه به آن ریشه مصدر ایمک نیز می وئیم.

- سوند زمان ، سوندی است که در ترکیب فعل ، زمان مشخصی را بیان می کند.

علامت زمان حال ، دو حرف ir می باشد، که آن حرف صدادار با هماهنگی بزر صرف می شود. مثال:

لیرم gəlirəm ، ئدیرم gedirəm ، الیرام alıram ، و... .

- برای مثال دیدر ، به سوندهای کلمات جدول زیر توجه کنید ، که هر کدامی آنها زمان مشخصی را در ترکیب فعل بیان می کند.

| | | |
|------------------|-----------------------|---------------------|
| سوند زمان حال : | لیرم gəlirəm | الیرام alıram |
| سوند آینده نزدیک | لمرم gələrəm | ئده رم gedərəm |
| | الارام alaram | دۇرارام duraram |
| سوند آینده دور | له جیم gələcəyəm | ئده جیم gedəcəyəm |
| | الیجاغام alacağam | دۇراجاغام duracağam |
| سوند گذشته | (۱) لمدیم gəldim | ئتدیم getdim |
| | (۲) لمیشم gəlmişəm | ئتمیشم getmişəm |
| | (۳) لمیشدیم gəlmişdim | ئتمیشدیم getmişdim |

۸) سوندهای تک و ند سیلابی :

سوندها می‌توانند یک سیلابی و یا ند سیلابی باشند و در کنار هم با مفاهیم مختلف بکار رفته شوند. مثال :

- یک سوند با مفهوم گذشته در ترکیب فعل: *gəl di* ، اؤخودو *oxudu* ، و...

- دو سوند با دو مفهوم مختلف در ترکیب یک فعل :

لمیردی *gəl ir,di* ، قالیردی *qal ir,di* (سوند : زمان حال و زمان گذشته)

- سه سوند با سه مفهوم در یک کلمه :

لمیردی *gəl m,ir,di* ، قالمیردی *qal m,ir,di* (سوند: نفی، زمان ، سوند گذشته)

سوند اهلیت ، سوندی است ، که اهلیت را بوسیله حروف لی بیان می‌کند. حرف

صدا دار سوند اهلیت (لی) با هماهنگی بزر به شکل زیر صرف می‌شود. مثال:

تبریزی ، اهرلی ، زنجانی ، تهرانی ، ین لی ، یونان لی ، المان لی ،
ایران لی ، خویلو ، ماکولو (ماکیلی) ، و....

سوند لی به شکل خصوصیت و لیاقت:

- به شکل صفت : غیلی ادام ، صبرلی کیشی ، باشاریقلی قادین ، و...

- به شکل فعل : یه ملی ، یمه لی ، بی ملی ، قورخولو ، و ...

بۇ ادام غیلی دیر. بۇ الما ؤخ یئملی دیر. بۇ خارا با قورخولودور. و...

سوند نفی، سوندی است که به فعل پیوند زده می‌شود و ان را نفی می‌کند. مثال:

مه *mə* ، ما *ma* ، سیز *siz* ، مز *məz* ، ماز *maz*

مو *mü* ، سوز *suz* ، سوز *süz* ، سیز *siz* ، و...

سوند نفی به شکل زیر در جمله بکار رفته می‌شود :

من لمیرم . او لمز . بۇ ؤل اغاج سیز دیر . حسن درس اؤخومور . و...

سوند به شکل میانوند :

ا ر در یوند کلمه ای با کلمه دی ر و یا در یوند سوندی با سوند دی ر ، دو حرف صدادار در کنار هم قرار گیرند، به بین انها يك حرف تکمیلی (y) افزوده می شود. مثال:

اسم : علی یه *li yə* ، ولی یه *Vəli yə* ، نه نه یه *nənəyə* ، دده یه *dədəyə* ، ...

فعل : یی : *yeyirəm* ، دی : *yeyirəm* ، دئیرم *yeyirəm* ، اؤخو : اؤخوئیورام ، ...

- میانوندی که بوسیله ان دو کلمه به هم متصل می شود. مثال :

- (۱) با حرف *ə* : *gələbilmək* له بیلیمک ، *ə* وله بیلیمک ، *ə* و له بیلیمک ، ...
- (۲) با حرف *a* : *alabilmək* الایبیلیمک ، *a* دانیشابیلیمک ، *a* اؤخویا بیلیمک ، ...
- (۳) با حروف ایب : *danışığülmək* دانیشیب ولیمک ، *ə* دوشونوب دئیمک ، *ə* سئویب سئویلمک ، *ə* یازیب یوزماق ، ...

- سوندهای مختلف در ترکیب کلمات و افعال، در کنار هم در يك کلمه با هم اند ی
بزر و کولک صرف می شوند. مثال:

| | |
|---|---|
| فعلی که با حروف صدادار با اند بالائی است. | فعلی که با حروف صدادار با اند بالائی است. |
| ↓ | ↓ |
| <p>قالماز می یدی؟ <i>qal maz mı y di ?</i></p> <p>قالارام می؟ <i>qal ar am mı ?</i></p> <p>دؤنماز دی می؟ <i>don maz di mı ?</i></p> | <p>لمز می دی؟ <i>gəl məz mi di ?</i></p> <p>لرم می؟ <i>gəl ər əm mi?</i></p> <p>ولورم می؟ <i>göl ür əm mi ?</i></p> |

- نانکه ملاحظه می شود ، حرف صدادار اولین سوند وابسته به آخرین حرف صدادار کلمه ما قبل خود می باشد؛ حرف صدادار سوندهای بعدی نیز به ترتیب وابسته به حرف صدادار سوند ما قبل خود می باشد.

- اکنون برای مثال ، ند فعل دی ری در نظر رفته می شود، که هر یکی از انها با دو سوند بکار رفته می شود ، که حرف صدادار اولین سوند انها با هم اند ی کولک با

یکی از دو حرف a ، ə بکار رفته می‌شود و حرف صدادار دومین سوند آنها با هماهنگی بزر با یکی از دو حرف i ، ı صرف می‌شود. مثال :

| علامت سوالی | سوند آینده نزدیک | ریشه افعال | ضمیر شخصی |
|-------------|------------------|------------|-----------|
| mi ? | ər | düş | o |
| mi ? | ar | dur | o |
| | | döz | |
| | | ol | |
| | | don | |
| | | diğ | |
| | | qal | |
| | | ged | |
| | | gəl | |

حروف صدادار با اهن بالائی
حروف صدادار با اهن لائینی

سوند سوالی با هماهنگی بزر صرف می‌شود.
سوند آینده نزدیک با هماهنگی کوک صرف می‌شود.

بله رم ؟ دَررم می ؟ سالارام می ؟ دُورام می ؟

- اکنون برای مثال ، کلمات دیر را در نظر می‌گیریم ، که هر کدامی آنها سه سوند همراه دارند، که حرف صدادار اولین سوند آنها با هماهنگی کوک با حرف a و یا با حرف ə و حرف صدادار دومین و سومین سوند آنها با هماهنگی بزر با حرف i و یا ı بکار رفته می‌شود. مثال :

| سوند سوالی | سوند گذشته | سوند زمان آینده نزدیک | ریشه افعال | ضمیر شخصی |
|------------|------------|-----------------------|------------|-----------|
| mi? | di | ər | düş | o |
| mi? | dı | ar | dur | o |
| | | | ol | |
| | | | don | |
| | | | diğ | |
| | | | yal | |
| | | | get | |
| | | | gəl | |

حروف صدادار با اهن بالائی
حروف صدادار با اهن لائینی

سوند سوالی و گذشته با هماهنگی بزر صرف می‌شود.
سوند آینده نزدیک با هماهنگی کوک صرف می‌شود.

- آله رم می ؟ وله رم می ؟ یازارم می ؟ اؤخویارام می ؟

- اکنون به افعال زیر نظر بافکنیم ، که هر کدامی آنها سه سوند همراه دارند ؛ حرف صدادار سوند اولی و دومی آنها با هماهنگی کوک با حرف a ، ə و حرف صدادار

سوند سومی آنها با همایه ی بزر با حرف صدادار ا و یا i صرف می شود :

| علامت سوالی | ضمیر متصل شخصی | علامت زمان آینده نزدیک | ریشه افعـال | ضمیر شخصی |
|-------------|----------------|------------------------|-------------|-----------|
| mi? | əm | ər | düş | mən |
| mi? | am | ar | sal | mən |
| | | | ol | |
| | | | don | |
| | | | diğ | |
| | | | qal | |
| | | | get | |
| | | | gəl | |
| | | | bil | |
| | | | döz | |

سوند آینده نزدیک و سوند صرفی با همایه ی کو لك صرف می شود.

سوند سوالی با همایه ی بزر صرف می شود.

- دوزورم می؟ سوزورم می؟ اّزرم می؟ زه رم می؟ اوشویه رم می؟

دُونورام می؟ قُونورام می؟ سَلارام می؟ و..

- ا ر سوندی با همایه ی کو لك با یکی از دو حرف a, ə صرف شود، سوند

شت سری ان با همایه ی بزر با یکی از دو حرف i, ı ساخته می شود.

برای مثال کلمه قوْیون و ده وه را صرف می کنیم، که اولین و سومین سوند

انها با همایه ی کو لك و دومین سوند آنها با همایه ی بزر صرف می شود :

| | |
|--|---|
| ده وه لریندن (از شترهای آنان) | dəvə lər in dən |
| قوْیونلارینندان (ازوسفندان آنان) | qoyun lər in dan |
| ا ر آخرین سوند کلمه ای با همایه ی کو لك با حرف a صرف شود، سوند شت سری ان با همایه ی بزر با حرف ı ساخته می شود qoyun lər in <u>dan</u> <u>dir</u> | علامت جمع با همایه ی کو لك صرف می شود. |
| | علامت ملکی با همایه ی بزر صرف می شود. |
| | حالت تصریفی از با همایه ی کو لك صرف می شود. |

برای مثال دی ری به صرف دو کلمه saat و son توجه کنید، که حرف صدادار

سوند اولی آنها با همایه ی کو لك صرف می شود. ا ر سوندهای شت سری آنها با

همایه ی بزر صرف شوند؛ حرف صدادار سوندهای شت سری آنها، با یکی از

دو حرف صدادار *i* و *ı* ساخته می‌شود. مثال :

آخرین حرف صدادار کلمه با *ə* هاند بالائی است.

o od sön , mə , miş , dir , mi ?

آخرین حرف صدادار کلمه با *a* هاند بالینی است.

o saati qur, ma , miş , dır , mı ?

سوند نفی با هماند ی کو *k* با حرف *a* , *ə* صرف می‌شود.

حرف صدادار سوند گذشته با هماند ی بزر صرف می‌شود.

صرف فعل ایمک برای سوم شخص سوم با هماند ی بزر صرف می‌شود.

سوند سوالی با هماند ی بزر صرف می‌شود.

- به صرف دو کلمه قوهوم و *əlcək* توجه کنید ، که هر یکی انها با *ə* سوند بکار رفته می‌شوند، که حرف صدادار سوند اولی انها وابسته به آخرین حرف صدادار کلمه و حرف صدادار سوندهای بعدی نیز وابسته به سوند ما قبل خود می‌باشد ، که همه انها با هماند ی بزر صرف می‌شوند. مثال :

əlcək سیزین کی دیر می؟ ایا ان مال ان استکه دست کش ندارد؟

əlcək siz in ki dir mi?

قوهومسوز و نکودورمو؟ ایا ان مال ان است که اقوام ندارد؟

qohum suz un ku dur mu?

حرف صدادار این سوندها با هماند ی بزر صرف شده اند.

توجه : حرف صدادار اولین سوند وابسته به آخرین حرف صدادار کلمه ما قبل خود می‌باشد ، که حرف صدادار سوندهای بعدی نیز وابسته به حرف صدادار سوند ما قبل خود شده ، که هر کدامی انها با مفهوم متفاوت در کنار هم قرار رفته و صرف می‌شوند.

- ا ر اولین سوند کلمه با هماند ی بزر با یکی از چهار حرف *ü, u, i, ı* صرف

شود ، سوندهای شت سری ان با هماهنگی بزر صرف می‌شود و هم نین با یکی از همان حرف صدادار ما قبل خود ساخته می‌شود. مثال:

آخرین حرف صدادار این کلمه با اهنه آئینی و با حرف u صرف می‌شود.

آخرین حرف صدادار این کلمه با اهنه آئینی و با حرف i صرف می‌شود.

آخرین حرف صدادار این کلمه با اهنه بالائی و با حرف ö صرف می‌شود.

آخرین حرف صدادار این کلمه با اهنه بالائی و با حرف i صرف می‌شود.

| | | | | | |
|---|-------|--------|-----|-----|-------|
| o | saatı | qur | muş | dur | mu ? |
| o | səni | qandır | miş | dı | m i ? |
| o | od | sön | müş | dür | mü ? |
| o | səni | dindir | miş | di | m i ? |

همه این سوندها با هماهنگی بزر با یکی از چهار حرف ü، u، i، ö صرف شده‌اند.

به مثالهای دی‌ری در جدولهای زیر نیز توجه کنید ، که آخرین حرف صدادار هر کدامی آنها با یکی از ۹ حرف صدادار ساخته می‌شود ، که سوند هر کدامی آنها با یکی از حرف صدادار فعال در کنار هم با هماهنگی بزر و کوک صرف می‌شوند :

a) کلماتی که آخرین حرف صدادار آنها با اهنه بالائی باشد ، به شکل زیر سوند آنها در کنار هم با هماهنگی کوک و بزر بکار رفته می‌شوند :

| | کلمه با یک سوند | کلمه با دو سوند | کلمه با سه سوند | کلمه با چهار سوند |
|-----|-----------------|-----------------|-----------------|-------------------|
| اسم | əli | əli, də | əli, də dir | əli, də kin də |
| فعل | get | get, mək | get, mək də | get, mək də dir |
| فعل | iç | iç, di | iç, mək də | iç, mək də dir |
| اسم | göl | göl, dūr | göl, də dir | göl, də kin də |
| فعل | gül | gül, lük | gül, lük də | gül, lük dən dir |

کلمات مذکور یک حرف صدادار دارد، که ان آخرین حرف صدادار کلمه نیز محسوب می‌شود ، که سوندهای بعدی با هماهنگی ان صرف می‌شود.

۱- ر سوندی با هماهنگی کو ک با یکی از دو حرف a و یا ə صرف شود، سوندهای شت سری ان با هماهنگی بزر با یکی از دو حرف i, ı بکار رفته می شود؛ را که ا ر آخرین حرف کلمه ای به سه حرف e, i, ə ختم شود، سوندهای شت سری ان با حرف i صرف می شوند.

b) کلماتی که آخرین حرف صدادار آنها با اهند (a, ı, o, u) آئینی باشد، به شکل زیر سوند آنها با هماهنگی کو ک و بزر در کنار هم بکار رفته می شوند:

| | کلمه با یك سوند | کلمه با دو سوند | کلمه با سه سوند | کلمه با چهار سوند | |
|-----|-----------------|-----------------|-----------------|-------------------|-----------------------|
| اسم | alma | alma, ıq | alma, ıq da | alma, ıq lar da | alma, ıq lar da mı ? |
| اسم | ışiq | ışiq, ıq | ışiq, ıq dan | ışiq, ıq lar dan | ışiq, ıq lar dan mı ? |
| قید | yox | yox, suz | yox, suz dan | yox, suz dan dır | yox, suz dan dır mı? |
| فعل | uç | uç, maq | uç, maq da | uç, maq da dır | uç, maq da dır mı ? |

ا ر فعلی تنها یك حرف صدادار داشته باشد، ان آخرین حرف صدادار کلمه محسوب می شود و حرف صدادار سوندهای بعدی با هماهنگی ان صرف می شوند.

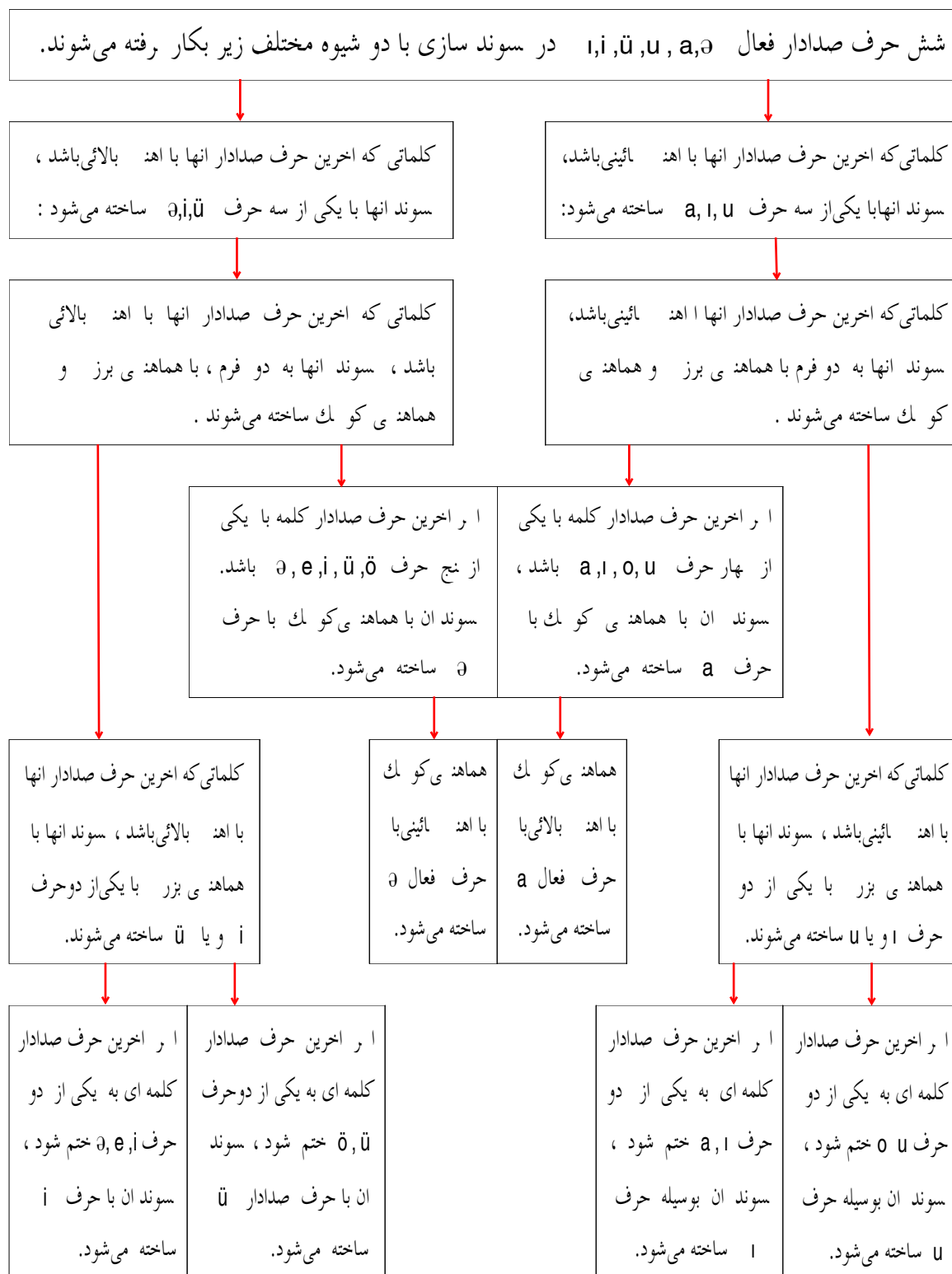
توجه: ۱- ر سوندی با یکی از دو حرف a, ə ساخته شود، به ان شیوه کار هماهنگی کو ک می وئیم.

۱- ر سوندی با یکی از چهار حرف i, ı, u, ü ساخته شود، ان شیوه کار را هماهنگی بزر می نامیم.

z) به فرمول بندی حروف صدادار با اهند بالائی و آئینی و به اصول بکار پیری آنها با هماهنگی بزر و کو ک در جدول زیر توجه کنید:

حروف صدادار سوندها با شش حرف صدادار (ə, a, ı, i, ü, u) فعال، با دو شیوه مختلف (با هماهنگی کو ک، با یکی از دو حرف ə, a و با هماهنگی بزر با یکی

از چهار حرف $i, \ddot{u}, u, \text{ا}$ (بکار رفته می‌شود. مثال :



۹) بخش هشتم :

۱) فعل و نحوه بکار گیری آن :

فعل به کلمه ای گفته می شود ، که در جمله عمل انجام شده را در خود انعکاس می دهد. فعل به شکل ساده و مرکب بکار رفته می شود.

فعل در شکل ساده از مصدر مشتق می شود ؛ با این وصف که مصدر کلمه ای است که از دو بخش ترکیب می یابد ؛ بخش اول آن فعل (ریشه مصدر) و بخش دوم آن سوند مصدری (علامت مصدری) نامیده می شود. برای مثال به مصدر لمک توجه کنیم ، که ریشه آن فعل ل و سوند مصدری آن مک می باشد.

ا ر ریشه مصدر با سوند زمان و یا با علائم دی ری ترکیب یابد ، به فعل کامل مبدل شده و با مفهوم کاملی بکار رفته می شود. بعبارت دی ر ، ا ر سوندهای فعل را حذف کنیم ، ریشه فعل و یا ریشه مصدر باقی می ماند ، که به آن فعل ساده نیز می گوئیم.

- در زبان ترکی فعل بر سه نوع است :

یک) فعل ناکامل :

ریشه مصدر ایمک imək ، حرف صدادار i می باشد، که به تنهایی معنی ندارد و فعل ناکامل نیز محسوب نمی شود ، ولی به کمک آن اسم معرفی و افعال مختلف برای ضمائر شخصی صرف می شوند. برای مثال به معرفی اسم و صرف آن توجه کنید :

(a) معرفی اسم : انا عزیز دیر. انا بؤیوک دور. من یاشارام. یه مک کؤزل دیر. و...

در جملات مذکور ، اسم انا ، انا ، یاشار و یه مک بکمک فعل ایمک معرفی و برای سوم شخص مفرد صرف می شوند ؛ با وجودی که اسامی مذکور فاعل جملات محسوب می شوند ، فاعلی که کاری انجام نداده است ؛ بدین سان مشاهده می شود ، که ریشه مصدر ایمک ، فعل ناکاملی است ، که بتنهائی و فعل دی ری نمی تواند

انجام کار فاعل را در جمله بیان کند.

(b) صرف فعل: ریشه مصدر ایمک، فعلی که است، بوسیله ان کلمات برای ضمایر شخصی صرف می شوند. مثال: من لیرم، او ئدیر، بیز ولوروک، و...

- ریشه مصدر ایمک، در معرفی اسم و در صرف فعل سوند و صرفی برای ضمایر شخصی به شکل بی قاعده بکار رفته می شود:

| | | | | | | |
|---------------------------|-------|-----------|---------------|--------|-------------|---------------|
| حروف صدادار با اهن بالائی | am ام | sən سن | دیر (dur) dir | ایک ik | سینیز siniz | دیرلر dirlər |
| حروف صدادار با اهن لائی | am ام | san (sən) | دیر (dır) dır | ایق iq | سینیز siniz | دیرلار dirlar |

- در معرفی اسم و در صرف فعل، سوندهای مذکور (بجز در فعل ارزوئی و امری) در همه جا مورد استفاده قرار می یزد. (به صرف فعل ایمک در صفحه ۱ صرف توجه شود).
- فعل ایمک، تنها فعل بی قاعده زبان ترکی است.

- فعل ایمک، در صرف فعل ارزوئی و امری علاوه بر بی قاعده ی با علائم ویه ای به شکل زیر بکار رفته می شود:

| | |
|---|---|
| سوندهائی که بوسیله ان فعل امری صرف می شود: | سوندهائی که بوسیله ان فعل ارزوئی صرف می شود: |
| <div>این سوندها با حروف صدادار با اهن بالائی ساخته شده اند.</div> <div>im ، ... ، sin</div> <div>ək ، in ، sinlər</div> | <div>این سوندها با حروف صدادار با اهن لائی ساخته شده اند.</div> <div>əyām ، sən ، ə</div> <div>ək ، əsiniz ، ələr</div> |
| <div>این سوندها با حروف صدادار با اهن لائی ساخته شده اند.</div> <div>im ، ... ، s</div> <div>aq ، in ، sinlər</div> | <div>این سوندها با حروف صدادار با اهن لائی ساخته شده اند.</div> <div>ayam ، an ، a</div> <div>aq ، siniz ، alar</div> |
| فعل امری به تنهایی در زمان گذشته قابل صرف نیست. | فعل در فرم ارزوئی در زمان گذشته قابل صرف است. |

- در رابطه با صرف فعل امری و ارزوئی، لطفاً به بخشهای مربوطه مراجعه کنید.

دو (فعل ساده (یا ریشه مصدر) :

نانکه در صفحات قبلی مطرح شد، فعل ساده به کلمه ای فته می شود ، که از مصدر ساده مشتق می شود. برای مثال به ریشه مصدر (ساده : يك سوند با يك فعل) لملك gəlmək توجه کنید که ریشه ان ل gəl می باشد ، که ان شکل امری فعل را برای دوم شخص مفرد در خود بیان می کند. مثال:

ل gəl ، ئت get ، سيل ، ئر ، ول ، ال ، ييغ ، سؤر ، قور ، و...

۱- ریشه مصدر با سوندهای مختلف ترکیب یابد ، به فعل کامل تبدیل می شود ؛ برای مثال کلمه لیرم gəlirəm را در نظر ؛ یریم و سوند ان را از ریشه جدا کنیم ، ریشه ان به شکل ل gəl باقی می ماند ، که ان را ریشه مصدر و یا فعل ساده می نامیم. ۱- ر فعل ساده را با علائم زمان و.. ترکیب دهیم به شکل زیر به فعل کامل تبدیل می شود و در جمله مفهوم فعل کامل را در خود بیان می کند :

سه) فعل کامل ، در زبان ترکی ، از ترکیب فعل با سوندهای مختلف بوجود می آید و همراه سوند زمان، بوسیله فعل ایملک برای ضمائر شخصی صرف می شود. برای مثال فعل لیرم gəlirəm (می ایم) را در نظر ؛ یریم که از سه بخش زیر تشکیل می یابد :

| | | |
|-----|--------|---|
| (۱) | ل gəl | ریشه فعل (ریشه مصدر، فعل ساده، فرم امری فعل برای دوم شخص مفرد) |
| (۲) | ایر ir | این علامت مخصوصی برای فعل در زمان حال (استمراری) است. |
| (۳) | ام əm | سوند صرفی (ضمیر متصل شخصی و یا ریشه مصدر ایملک) |

۲- فعل کامل مفاهیم زیر را در خود انعکاس می دهد :

a (فعل کامل ، فعلی است که کار عملی شده را در زمانهای مختلف (گذشته ، حال ،

آینده دور و نزدیک (بیان می کند. مثال : حسن لمیر (دیر). . gəl ir (dir)

(b) فعل کامل در جمله ، فاعل و مفرد و جمع بودن آن را در خود انعکاس می دهد. مثال:

حسن لمیر. Həsən gəl ir.

(c) فعل کامل ، کاری را که بوسیله کسی و یزی و یا شخصی عملی می شود ، در خود منعکس می کند. مثال : حسن لمیردی. gəl ir di.

(d) فعل کامل ، شکل مثبت و منفی بودن عمل انجام یافته را ذکر می کند. مثال:





او لمز. o gəl m əz.

(ğ) فعل کامل ، اکتیو ، اسیو و یا مجهول بودن فاعل را اشکار می سازد :

حسن ژرونور. Həsən gör ün ür.

(k) فعل کامل ، نحوه ربطی و شرطی بودن کار را نشان می دهد : او لمسه o gəl sə

- افعال ترکی تغییر شکل نمی دهند، یعنی آنها (در صرف) کاملاً با قاعده اند، یعنی ریشه آنها در صرف تغییر شکل نمی دهند. برای مثال ، فعل فارسی آمد را با فعل ترکی ل gəl در کنار هم قرار می دهیم و با هم دی ر مقایسه می کنیم ، تا بدین سان مفهوم با قاعده و بی قاعده بودن آنها هر ه بهتر روشن شود :

| | | | | | | | |
|---|---------|---|--|---|-----------|---|--|
| ریشه فعل ترکی | | ریشه فعل فارسی هم شکل نیست. | | ریشه فعل ترکی باقاعده است | | ریشه فعل فارسی همشکل نیست. | |
|  | |  | |  | |  | |
| ل | gəl | بیا | خیلی از افعال فارسی به شکل آمد بی قاعده اند. ولی ترکی تنها يك فعل بی قاعده دارد. | لمیرم | gəl ir əm | می ای | |
| لمسین | gəl sin | بیاید | | لممز | gəl m əz | نمی آید | |
| لمدی | gəl di | آمد | | لممه دی | gəl mədi | نیامد | |

- ا ر به فعل ل دقت کنیم ، ان در فرمهای مختلف ، به شکل اصلی خود

(gal) بکار رفته می‌شود، در صورتی که ریشه همان فعل در زبان فارسی به شکل امد ، بیا ، می‌ایم ، بیاید ، نمی‌اید و نیامد تغییر شکل می‌دهد و تشابه باقی‌مانده آنها حرف ا می‌باشد، که در ترکیب کلمه به س و یش نیز کشیده می‌شود. مثال :

حرف ا در کلمه امد در یش و در کلمه بیا در س قرار می‌یرد.

- زبان ترکی از لحاظ فعل ، یکی از غنیترین زبانها است ، که در آن علاوه بر هزاران فعل ساده ، با علائم له la و لا la می‌توان کلمات مختلف (اسم ، صفت ، قید و عدد) را به شکل فعل و یا به شکل مصدر در آورد و بکار رفت. مثال :

صفت : قارا qara : قارالاییرام qara la yir am . قارالاماق ، قارالماق ...

یاخشی: یاخشی لاماق ، یاخشی لاییرام. و...

قید : یس pis : یسله ییرم pis ləyir əm . زور : زورلاییرام . یئین : یئین له مک ، یئینله ییر . قاباق : قاباقلاماق ، قاباقلاییریق . و...

اسم : سۇ su : سۇلاییرام su la yir am ، سولاماق . تۇراق : تۇراقلاماق ، تۇراقلاییرام . سۇل : سۇلاییرام ، سۇللاماق . و..

عدد : بیر : بیرله ییرم ، بیرلشمک ، بیرلشدیرمک. و...

- علاوه بر افعال مذکور ، در این زبان می‌توان بوسیله میانوند نیز دو فعل را به هم دیار یوند داد و به شکل فعل مرکب بکار رفت:

له بیلیر g ə b i l i r ، وله بیلدی g ü l ə b i l d i ، ؤره بیلیردیم g ö r ə b i l i r d i m ، له بیلیمکده دیر . g ə l ə b i l m ə k d ə d i r ، وله بیلیمکده دیرلر ، دئییر ولور ، یازیب ؤزور ، قابیلله جک ، یازا بیلیمیه جکلر ، ؤره بیلیردیم ، و...

فعل فرمهای مختلفی دارد ، که در این کتاب به ۲۲ فرم زیر و همانا به

شکلهای و نا ون آنها صرف خواهد شد :

| اسامی افعال ترکی | اسامی افعال ترکی |
|--|---|
| <p>(۱) فعل التزامی در فرمهای ... ۰۲</p> <p>(۱) فرم ارزویی ۱۹</p> <p>(۱) فعل امری ارزویی ۲</p> <p>(۱۷) فعل امری ارزویی قدیمی ۳۲</p> <p>(۱۸) فعل شرطی غیر واقعی ۳</p> <p>(۱۹) فعل شرطی واقعی در سه فرم ۲</p> <p>- فعل مجهولی و فرمهای مختلف آن</p> <p>- نفی فعل و فرمهای مختلف آن</p> <p>- فعل در فرم سوالی و فرمهای مختلف آن</p> <p>- فعل شك و تردید در جمله</p> <p>- فعل ارزوی غیر واقعی و ...</p> <p>در بخشهای بعدی کتاب صرف خواهند شد.</p> | <p>(۱) فعل در زمان حال ۳۳۰</p> <p>(۲) فعل مصدری در زمان حال ۳۳۸</p> <p>(۳) فعل آینده نزدیک ۳</p> <p>(۴) فعل آینده نزدیک و مفاهیم .. ۳ ۱</p> <p>(۵) فعل امری ۳</p> <p>(۷) تغییر ریشه فعل ۳ ۱</p> <p>(۸) فعل در آینده دور ۳</p> <p>(۸) فعل فاعلیت صفتی ۳۷۱</p> <p>(۹) فعل در آغازین کار ۳۷</p> <p>(۱۰) فعل از آغازین کار ۳۸۱</p> <p>(۱۱) فعل تا انتهای کار ۳۸</p> <p>(۱۲) فعل فاعلیت صفتی و اسم ۳۸۸</p> <p>(۱۳) فعل کملی و فرمهای ... ۳۹۲</p> |

- در زبان ترکی افعال را می توان با سوندهای مختلف ترکیب داد و با مفهوم جمله بکار رفت. مثال :

- او اؤلدورولدو (با مفهوم : او به خواست [به فرمان] کسی کشته شد.)

او ولدورولدو (با مفهوم : او بوسیله کیی خندانده شد.)

دانشدیقجا ، اؤخویارق ، دانشیقدا ، اؤخویونجا ، اؤخویاندا ، و ...

- فعل گذشته در آینده : ئتمیش اؤلاجاق ، لمیش اؤلاجاق ، و ...

من تهرانا لینجه او اؤرادان ئتمیش اؤلاجاق . من صاباح لمنه جن ، او اؤرادان ئتمیش اؤلاجاق.

۲) فعل و نحوه صرف آن ، در زمان حال (استمراری) :

فعل در زمان حال (استمراری) ، فعلی است ، که کاری را در عین عملی شدن بیان می‌کند. فعل در زمان حال (استمراری) در زبان ترکی از ترکیب ریشه مصدر و سوند ایر ، *ir* بوجود می‌آید و بوسیله سوند صرفی برای ضمائر شخصی صرف می‌شود. علامت زمان حال (*ir*) يك حرف صدادار و يك حرف بی‌صدا دارد که حرف صدادار آن وابسته به آخرین حرف صدادار ریشه فعل می‌باشد ، که با هماهنگی بزر در چهار فرم زیر بکار رفته می‌شود :

يك فرم : (با سوند *ir*)

فعلی که آخرین حرف صدادار آن با *ah* ، *ay* ، *ı* ، *a* باشد ، به شکل زیر با سوند *ir* به فعل زمان حال تبدیل شده و با سوند صرفی (فعل ایمک) برای ضمائر شخصی صرف می‌شود. مثال :

– فعلی که آخرین حرف صدادار آن به حرف *a* ختم شود با سوند *ir* برای اول شخص مفرد صرف می‌شود :

من قالیرام *qal,ır am* ، دانیرام *dan,ır am* ، سالیرام *sal,ır am* ، قازیرام *qaz,ır am* ، ایریلیرام *ayrılır am* ، یالواریرام *yalvar,ır am* ، ساواشیرام *savaş,ır am* ، ...
– افعال مذکور به شکل زیر برای ضمائر شخصی صرف می‌شوند : (*al*)

| | | | | | |
|----|------------|---------------------|--------|---------------|----------------------|
| من | آلیرام | <i>mən alıram</i> | بیز | آلیریق | <i>biz alırıq</i> |
| سن | آلیرسان | <i>sən alırsan</i> | سیز | آلیرسینیز | <i>siz alırsınız</i> |
| او | آلیر (دیر) | <i>o alır (dır)</i> | اونلار | آلیرلار (لار) | <i>onlar alırlar</i> |

– فعلی که آخرین حرف صدادار آن به حرف *ı* ختم شود ، با سوند *ir* برای اول شخص مفرد صرف می‌شود :

من ییخیرام yix,ır am ، ییغیرام yığ,ır am ، داشینیرام daşın ır am ، قیرخیرام qırx,ır am ، ایشیلداییرام ışıld(ay)ır am ، دانیشیرام danış,ır am ، قیلیرام ، سینیرام ، ...

- افعال مذکور به شرح زیر برای ضمایر شخصی صرف می شوند : (yix)

| | | | | | | |
|-------|------------|-----------------|--------|-----|----------|-------------|
| biz | yıxırıq | بیخیریق | بیز | mən | yıxıram | من ییخیرام |
| siz | yıxırsınız | بیخیرسینیز | سیز | sən | yıxırsan | سن ییخیرسان |
| onlar | yıxırlar | اؤنلار بیخیرلار | اؤنلار | o | yıxır | اؤ یی خیر |

- فعل کاملی که آخرین حرف صدادار آن به یکی از دو حرف ا ، a ختم شود ، به شکل زیر در زمان حال برای ضمایر شخصی صرف می شود :

| ضمایر متصل شخصی | سوند زمان حال | ریشه افعال | ضمایر شخصی |
|-----------------|---------------|------------|--|
| mən | am | qaç | این دو سوند با همآهنگی کوک صرف می شود. |
| sən | san | say | |
| o | dır | yığ | |
| biz | ıq | dığ | این چهار سوند با همآهنگی بزر صرف می شود. |
| siz | sınız | | |
| onlar | dırlar | | |

- افعال مذکور ، افعال کاملی هستند که با مفهوم و معنی کاملی بکار رفته می شوند.

- در رابطه با بکار گیری افعال مذکور به شعر زیر توجه کنید:

ابراهیم رف رف : ائلین دیلینده فضولی سؤزون یازیر ایلراز

اؤدور کی شهرتی هر ون ائدیر دوام اؤجالیر

دو فرم : (با سوند ur)

فعلی که آخرین حرف صدادار آن با اهنگ ائینی باشد و به یکی از دو حرف u ,o

ختم شود ، سوند آن در زمان حال با سوند ur صرف می شود :

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن به حرف **o** ختم شود ، به شکل زیر با سوند **ur** برای اول شخص مفرد صرف می شود :

من قونورام **mən qon ur am** ، توخورام **toxu(yu)r am** ، سوروشورام **soruş ur am** ،
دونورام **don ur am** ، یوزورام **poz ur am** ، بوغورام **boğ ur am** ، ...و

- افعالی که آخرین حرف صدادار آن با **ə** یا **o** باشد ، به شکل زیر با سوند **ür** برای ضمائر شخصی صرف می شوند : (**ol**)

| | | | |
|-------------|--------------------|-----------------|----------------------|
| من اولورام | mən oluram | بیز اولوروق | biz oluruq |
| سن اولورسان | sən olursan | سیز اولورسونوز | siz olursunuz |
| اؤ اولور | o olur | اونلار اولورلار | onlar olurlar |

- در رابطه با بکار گیری فعل مذکور به شعر زیر توجه کنید :

عثمانلی نورس: باقسان مئیە ، ساغره ، صفا عارض اولور ائینیە نشئە یە ، ضیا عارض اولور
baqsan meyə, sağərə, səfa arez olur. ayniyə nəşeyə zəya arez olur.

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن به حرف **u** ختم شود ، به شکل زیر برای اول شخص مفرد صرف می شود :

اؤ ورام **uç ur am** ، توخویورام **tox(uy) ur am** ، توخونورام **toxun ur am** ،
جۇمورام **cum ur am** ، یۇمورام **yum ur am** ، اۇمورام **um ur am** ، ...و

- افعال مذکور به شکل زیر در زمان حال برای ضمائر شخصی صرف می شوند : (**uç**)

| | | | |
|--------------|--------------------|------------------|----------------------|
| من اؤ ورام | mən uçuram | بیز اؤ وروق | biz uçuruq |
| سن اؤ وورسان | sən uçursan | سیز اؤ وورسونوز | siz uçursunuz |
| اؤ اؤ وور | o uçur | اونلار اؤ وورلار | onlar uçurlar |

- فعل کاملی که آخرین حرف صدادار آن با **ə** یا **o** بالائی باشد و به یکی از دو حرف

o,u ختم شود ، به شرح زیر از بخشهای مختلف ترکیب می یابد و از هم تجزیه شده و یا برای ضمائر شخصی صرف می شود :

| ضمیر شخصی | | ریشه افعال | | | | سوند زمان حال | | ضمایر متصل شخصی و یا صرف فعل ایمک | |
|-----------|--|------------|-----|----|-----|---------------|--------|--|--|
| ↓ | | ↓ | ↓ | ↓ | ↓ | ↓ | | | |
| mən | | uç | dur | ol | don | ur | am | این دو سوند با هم اندکی کوک صرف می شود. | این چهار سوند با هم اندکی بزر صرف می شود. |
| sən | | uç | dur | ol | don | ur | san | | |
| o | | uç | dur | ol | don | ur | (dur) | | |
| biz | | uç | dur | ol | don | ur | uq | | |
| siz | | uç | dur | ol | don | ur | sunuz | | |
| onlar | | uç | dur | ol | don | ur | durlar | | |

سه فرم: (با سوند ir)

فعلی که آخرین حرف صدادار آن با اهتد بالائی و با یکی از سه حرف ə, e, i بکار رفته شود ، به شرح زیر با سوند ir در زمان حال صرف می شود. مثال :

(ə) فعلی که آخرین حرف صدادار آن به حرف ا ختم می شود :

من لیرم mən gəlirəm ، زیرم [یرم] gəz ir əm ، آیرم əy ir əm ، بزه نیرم bəzən ir əm ، دیرم dəy ir əm ، آله ییرم ələy ir əm ، آزیرم əz ir əm ، بله ییرم bələy,ir,ə m ، آمیرم əm,ir,ə m ، کیرم ، کلیرم ، ...

- افعال مذکور به شکل زیر با سوند صرفی برای ضمائر شخصی صرف می شوند : (gəl)

| | | | | | | | |
|-------|----------------|--------------|--------|-----|-------------|-----------|----|
| biz | gəlirik | لیریک | بیز | mən | gəlirəm | لیرم | من |
| siz | gəlirsiniz | لیر سینیز | سیز | sən | gəlirsən | لیر سن | سن |
| onlar | gəlir(dir) lər | لیر (دیر) لر | اونلار | o | gəlir (dir) | لیر (دیر) | او |

(e) فعلی که آخرین حرف صدادار آن به حرف e ختم شود ، به شرح زیر برای اول

شخص مفرد صرف می شود :

من مدیرم *mən gedirəm* ، ائدیلم *edirəm* ، دئیرم *deyirəm* ، سئیرم *seyirəm* ، من دئشیرم *deşirəm* ، سئویرم *sevirəm* ، ائشیرم *aşirəm* ، و... .

- افعال مذکور به شکل زیر برای ضمائر شخصی صرف می شوند : (*ged*)

| | | | | | |
|----|--------|---------------------|--------|-----------|-----------------------|
| من | مدیرم | <i>mən gedirəm</i> | بیز | ئدیрик | <i>biz gedirik</i> |
| سن | ئدیرسن | <i>sən gedirsən</i> | سیز | ئدیرسینیز | <i>siz gedirsiniz</i> |
| اؤ | ئدیر | <i>o gedir</i> | اونلار | ئدیرلر | <i>onlar gedirlər</i> |

- در رابطه با صرف افعال مذکور به اشعار زیر توجه کنید:

علیرضا ساحل : مقدس وطنی اتیب ئدیرسن ، دوستلاری ، یادلارا ساتیب ئدیرسن.
 نه دئیم بیزلره نه اولدو سنسیز ؟ غز یاشین غره به قاتیب ئدیرسن
 عزیز محسنی : ایندی من اؤزومه لمیرم یاواش بیلیرم بیر رؤیا وردی (وئردی) باش

(*i*) فعلی که آخرین حرف صدادار آن به حرف *i* ختم شود ، به شکل زیر برای اول شخص مفرد صرف می شود :

من ایچیرم *mən içirəm* ، ایستیرم *ist(əy)irəm* ، بیشیریرم *bişirirəm* ، سیلیرم *silirəm* ، دینیرم *dinirəm* ، ئییرم *geyirəm* ، و...

- افعال مذکور به شکل زیر برای ضمائر شخصی صرف می شوند : (*tik*)

| | | | | | |
|----|---------|---------------------|--------|------------|-----------------------|
| من | تیکیرم | <i>mən tikirəm</i> | بیز | تیکیریک | <i>biz tikirik</i> |
| سن | تیکیرسن | <i>sən tikirsən</i> | سیز | تیکیرسینیز | <i>siz tikirsiniz</i> |
| اؤ | تیکیر | <i>o tikir</i> | اونلار | تیکیرلر | <i>onlar tikirlər</i> |

- فعل کاملی که آخرین حرف صدادار آن با *ah* بالائی و با یکی از سه حرف صدادار

ür برای اول شخص مفرد صرف می شود :

من کوسورم küs ür əm ، دوشورم düş ür əm ، اوشیورم üşü(yü) r əm ،
 دؤووشورم dövüş ür əm ، غروشورم görüş ür əm ، بؤلوشورم bölüş ür əm ،
 اوزورم üz ür əm ، سوزورم süz ür əm ، ...

– افعال مذکور به شکل زیر برای ضمایر شخصی صرف می شوند : (gül)

| | | | |
|---------------|--------------|----------------|---------------|
| mən gülürəm | من ولورم | biz gülürük | بیز ولوروک |
| sən gülürsən | سن ولورسن | siz gülürsünüz | سیز ولورسونوز |
| o gülür (dür) | او ولور(دور) | onlar gülürlər | اونلار ولورلر |

– فعل کاملی که آخرین حرف صدادار آن با اِهَن بالائی و با یکی از دو حرف ö, ü باشد ، به شکل زیر به بخشهای مختلف تجزیه می شود و یا از قسمتهای و نا و ترکیب می یابد و به شکل زیر برای ضمایر شخصی صرف می شود. مثال :

| صرف فعل ایمک و یا ضمایر متصل شخصی | | علامت زمان حال | | ریشه افعال | | ضمایر شخصی | |
|---|---------|----------------|----|------------|-----|------------|-------|
| این دو سوند با همایه می کولک صرف می شود. | əm | ür | öp | düş | süz | böl | mən |
| | sən | ür | öp | düş | süz | böl | sən |
| | (dür) | ür | öp | düş | süz | böl | o |
| | ük | ür | öp | düş | süz | böl | biz |
| | sünüz | ür | öp | düş | süz | böl | siz |
| | dür,lər | ür | öp | düş | süz | böl | onlar |

در رابطه با افعال مذکور به اشعار زیر توجه کنید :

نباتی : شیدا بولبول. فغان اتمه ، غم یمه ، بۇ ون - صاباح ول ایلیر، یاز اولور
 ... ول ولشنده بیر ول حمرا غرونور(غرولور) طورفه خوش رن و ترو تازه و زیبا غرونور.

– فعلی که آخرین حرف آن صدادار (e , a , i , ı , ə , o , ö , u , ü) باشد ، در صرف برای

زمان حال ، يك ی تکمیلی بخود می یرد ، زیرا آخرین حرف کلمه هم ون
اولین حرف سوند حرف صدادار است :

برای مثال ، به صرف افعال زیر برای اول شخص مفرد توجه کنید :

من اؤخویورام mən oxu y ur am ، یئیرم ye y ir əm ، ایشله ییرم mən işlə y ir əm ،
اوشویورم mən üşü y ür əm ، اینجی ییرم inci y ir əm ، اؤیناییرام oyna y ır am ،
تؤخویورام ، بیزله ییرم ، سسله ییرم ، بسله ییرم ، ...

- فعلی که آخرین حرف ان صدادار و با اهنه بالائی باشد ، به شکل زیر با حرف

تکمیلی y برای ضمائر شخصی صرف می شود : (ələ)

| | | | | | |
|---------------|----|---------------|-----------------|--------|--------------|
| man ələyirəm | من | آله ییرم | biz ələyirik | بیز | آله ییریک |
| sən ələyirsən | سن | آله ییرسن | siz ələyirsiniz | سیز | آله ییرسینیز |
| o əlyir (dir) | او | آله ییر (دیر) | onlar ələyirler | اونلار | آله ییرلر |

- فعلی که آخرین حرف ان به حرف e ختم شود ، به شکل زیر برای ضمائر

شخصی صرف می شود : (de)

| | | | | | |
|--------------|----|---------|----------------|--------|------------|
| mən deyirəm | من | دئییرم | biz deyirik | بیز | دئییریک |
| sən deyirsən | سن | دئییرسن | siz deyirsiniz | سیز | دئییرسینیز |
| o deyir | او | دئییر | onlar deyirsən | اونلار | دئییرلر |

- فعلی که آخرین حرف ان با اهنه مائینی باشد و به حرف u ختم شود ، به شکل

زیر برای ضمائر شخصی صرف می شود : (quru)

| | | | | | |
|----------------|----|------------|------------------|--------|--------------|
| mən quruyuram | من | قۇرویورام | biz quruyuruq | بیز | قۇرویوروق |
| sən quruyursan | سن | قۇرویورسان | siz quruyursunuz | سیز | قۇرویورسونوز |
| o quruyur | او | قۇرویور | onlar quruyurlar | اونلار | قۇرویورلار |

- فعل کاملی که آخرین حرف آن صدادار و با اهنه آئینی باشد و به حرف a ، ə ختم شود ، به شکل زیر از بخشهای مختلف ترکیب می یابد و هم نین به قسمتهای ونا ون تجزیه شده و برای ضمائر شخصی صرف می شود :

| ضمیر متصل شخصی | | ریشه افعال و حرف تکمیلی و سوند صرفی | | | | ضمایر شخصی |
|---|---------|-------------------------------------|---------|---------|-------|--|
| این دو سوند با هم اهنه ی کو ڤ صرف می شود. | am | toxuyur | tanıyır | qalayır | mən | این چهار سوند با هم اهنه ی بزر صرف می شود. |
| | san | | | | sən | |
| | (dır) | | | | o | |
| | ıq | | | | biz | |
| | sınız | | | | siz | |
| | dır,lar | | | | onlar | |

- در موارد زیادی ، بویه در محاوره ، حرف تکمیلی را همراه يك حرف صدادار حذف می کنند و بدین سان به شکل مخفف شده زیر برای ضمائر شخصی صرف می شوند:

| ضمير متصل شخصى | ریشه کلمات | سوند صرفى | حرف تکمىلى | سوند زمان حال | ریشه کلمات | | | |
|---|---------------|-----------|------------|---------------|--|--|--|--|
| حروف صدادار این افعال با اهنه آئینى است. | qala r am | oxu r am | - - - | qala y ir am | اصل این کلمات با حرف تکمىلى و با سوند زمان حال و با سوند صرفى ساخته مى شود | | | |
| | oxu r am | | | | | | | |
| حروف صدادار این افعال با اهنه بالاى اسیت. | işlə r əm | sürü r əm | - - - | işlə y ir əm | | | | |
| | üşü r əm | | | | | | | |
| | sürü r əm | | | | | | | |
| از این کلمات يك حرف تکمىلى و يك حرف صدادار حذف شده است. | | | | | | | | |
| سوند تکمىلى | سوند زمان حال | | | | | | | |

- در رابطه با حرف تکمیلی y به شعر زیر توجه کنید :

از کتاب اصلی ایله کرم : دردلی کرم لمیر دئیرلر لمیر بۇردا قالیر دئیرلر

سؤیله مکدن ئولور (اؤلور) دئیرلر دیلی یاردان ایریلانین

۳) فعل مصدری در زمان حال (استمراری) و نحوه صرف آن :

فعل مصدری استمراری ، فعلی است که از ترکیب فعل ، سوند مصدری (ماق ، مک) و سوند زمان (ده ، دا) بوجود می آید ، که حرف صدادار سوند مصدری وابسته به آخرین حرف صدادار فعل و حرف صدادار سوند زمان (ده ، دا) نیز وابسته به حرف صدادار سوند مصدری است ، که هر دو آنها با هم می آید ی کو مک صرف می شود. برای مثال به مصدرهای زیر توجه کنید، که با اضافه شدن سوند ده ، دا به فعل تبدیل و با مفهوم انجام کاری در زمان حال (استمراری) بکار رفته می شوند :

– ا ر آخرین حرف صدادار فعل و سوند مصدری با هاند بالائی باشد ، سوند فعل مصدری آن با حروف ده صرف می شود ؛ ولی ا ر آخرین حرف صدادار فعل با هاند آئینی باشد ، سوند مصدری آن با حروف دا بکار رفته می شود. مثال :

| | | | | | |
|--------|-----------|-------|-----------|-------|-----------|
| مصدر | فعل مصدری | مصدر | فعل مصدری | مصدر | فعل مصدری |
| ولمک | gülməkdə | ئتمک | getməkdə | لمک | gəlməkdə |
| دورماق | durmaqda | یخماق | yıxmaqda | الماق | almaqda |

ائتمکده ، سیلمکده ، بیلیمکده ، اؤمکده ، سالماقدا ، قیرماقدا ، دۇنماقدا ، دۇرماقدا ، ..

يک فرم (با سوند ده) :

ریشه مصدری ، که آخرین حرف صدادار آن با هاند بالائی و با یکی از این پنج حرف ə, e, i, ö, ü باشد ، به شرح زیر بوسیله سوند (مک) به مصدر و با علاوه کردن سوند ده به فعل مصدری (استمراری) تبدیل می رود و بوسیله فعل ایمک برای ضمائر شخصی صرف می شود. مثال :

(ə) ریشه فعل مصدری که آخرین حرف صدادار آن به حرف ə ختم می‌شود: (gəl)

| | | | | | | | |
|-------|----------------|--------|-------------|-----|-------------|----|-----------|
| biz | gəlməkdəyik | بیز | لمکده ییک | men | gəlməkdəyəm | من | لمکده یم |
| siz | gəlməkdəsiniz | سیز | لمکده سینیز | sən | gəlməkdəsən | سن | لمکده سن |
| onlar | gəlməkdədirlər | اونلار | لمکده دیرلر | o | gəlməkdədir | او | لمکده دیر |

توجه: فعل ٔ get به شکل ged نیز بکار رفته می‌شود.

(e) ریشه فعل مصدری که آخرین حرف صدادار آن به حرف e ختم می‌شود: (get)

| | | | | | | | |
|-------|----------------|--------|--------------|-----|-------------|----|------------|
| biz | getməkdəyik | بیز | ٔتمکده ییک | men | getməkdəyəm | من | ٔتمکده یم |
| siz | getməkdəsiniz | سیز | ٔتمکده سینیز | sən | getməkdəsən | سن | ٔتمکده سن |
| onlar | getməkdədirlər | اونلار | ٔتمکده دیرلر | o | getməkdədir | او | ٔتمکده دیر |

(i) ریشه فعل مصدری که آخرین حرف صدادار آن به حرف i ختم می‌شود: (sil)

| | | | | | | | |
|-------|----------------|--------|---------------|-----|-------------|----|-------------|
| biz | silməkdəyik | بیز | سیلمکده ییک | mən | silməkdəyəm | من | سیلمکده یم |
| siz | silməkdəsiniz | سیز | سیلمکده سینیز | sən | silməkdəsən | سن | سیلمکده سن |
| onlar | silməkdədirlər | اونلار | سیلمکده دیرلر | o | silməkdədir | او | سیلمکده دیر |

(öt) ریشه فعل مصدری که آخرین حرف صدادار آن به حرف ö ختم می‌شود: (öt)

| | | | | | | | |
|-------|---------------|--------|---------------|-----|------------|----|-------------|
| biz | ötməkdəyik | بیز | اؤتمکده ییک | mən | ötməkdəyəm | من | اؤتمکده یم |
| siz | ötməkdəsiniz | سیز | اؤتمکده سینیز | sən | ötməkdəsən | سن | اؤتمکده سن |
| onlar | ötməkdədirlər | اونلار | اؤتمکده دیرلر | o | ötməkdədir | او | اؤتمکده دیر |

توجه: از اینکه آخرین حرف سوند də همانند اولین حرف سوند صرفی اول شخص مفرد و جمع

حرف صدادار است، نتیجتاً به بین آنها يك حرف y افزوده می‌شود.

(u) ریشه فعل مصدری که آخرین حرف صدادار آن به حرف ü ختم شود، به شکل

زیر برای ضمایر شخصی صرف می شود: (gül)

| | | | | | |
|-------|----------------|---------------------|-----|-------------|---------------|
| biz | gülməkdəyik | بیز ولمکده ییک | men | gülməkdəyəm | من ولمکده یم |
| siz | gülməkdəsiniz | سیز ولمکده سینیز | sən | gülməkdəsən | سن ولمکده سن |
| onlar | gülməkdədirlər | اونلار ولمکده دیرلر | o | gülməkdədir | او ولمکده دیر |

- فعل مصدری به شکل زیر صرف و به بخشهای مختلف تجزیه می شود:

| ریشه افعلال | | | | | | سوند مصدری | | سوند فعل مصدری | | صرف فعل ایمک | |
|-------------|--|-----|-----|----|-----|------------|--|----------------|----|--------------|--------|
| ضمایر شخصی | | | | | | | | | | | |
| mən | | gəl | ged | iç | döz | düş | | mək | də | | yəm |
| sən | | gəl | ged | iç | döz | düş | | mək | də | | sən |
| o | | gəl | ged | iç | döz | düş | | mək | də | | (dir) |
| biz | | gəl | ged | iç | döz | düş | | mək | də | | yik |
| siz | | gəl | ged | iç | döz | düş | | mək | də | | si,niz |
| on,lar | | gəl | ged | iç | döz | düş | | mək | də | | dirlər |

در صرف فعل ایمک برای اول شخص مفرد و جمع دو حرف صدادار در کنار هم قرار می برد. نتیجتاً به بین آنها یک y افزوده می شود.

فرم دوم (با سوند دا) :

ریشه مصدری که آخرین حرف صدادار آن با اهـه ـائینی و با یکی از چهار حرف a , ı , o , u باشد، به شکل زیر همراه سوند دا به فعل مصدری تبدیل و بوسیله فعل ایمک برای ضمایر شخصی صرف می شود. مثال:

(a) ریشه فعل مصدری که آخرین حرف صدادار آن به حرف a ختم می شود: (al)

| | | | | | |
|-------|---------------|----------------------|-----|------------|---------------|
| biz | almaqdayıq | بیز الماقداییق | men | almaqdayam | من الماقدایام |
| siz | almaqdasınız | سیز الماقداسینیز | sən | almaqdasan | سن الماقداسان |
| onlar | almaqdadırlar | اونلار الماقدادیرلار | o | almaqdadır | او الماقدادیر |

۱) ریشه فعل مصدری که آخرین حرف صدادار آن به حرف ı ختم می شود: (yığ)

| | | | | | |
|-------|----------------|-----------------------|-----|-------------|----------------|
| biz | yığmaqdayıq | بیز ییغماقداییق | men | yığmaqdayam | من ییغماقدایام |
| siz | yığmaqdasınız | سیز ییغماقداسینیز | sən | yığmaqdasan | سن ییغماقداسان |
| onlar | yığmaqdadırlar | اونلار ییغماقدادیرلار | o | yığmaqdadır | او ییغماقدادیر |

o) ریشه فعل مصدری که آخرین حرف صدادار آن به حرف o ختم می شود: (poz)

| | | | | | |
|-------|----------------|-----------------------|-----|-------------|----------------|
| biz | pozmaqdayıq | بیز پوزماقداییق | mən | pozmaqdayam | من پوزماقدایام |
| siz | pozmaqdasınız | سیز پوزماقداسینیز | sən | pozmaqdasan | سن پوزماقداسان |
| onlar | pozmaqdadırlar | اونلار پوزماقدادیرلار | o | pozmaqdadır | او پوزماقدادیر |

u) ریشه فعل مصدری که آخرین حرف صدادار آن به حرف ü ختم می شود: (oxu)

| | | | | | |
|-------|----------------|------------------------|-----|-------------|-----------------|
| biz | oxumaqdayıq | بیز اوخوماقداییق | mən | oxumaqdayam | من اوخوماقدایام |
| siz | oxumaqdasınız | سیز اوخوماقداسینیز | sən | oxumaqdasan | سن اوخوماقداسان |
| onlar | oxumaqdadırlar | اونلار اوخوماقدادیرلار | o | oxumaqdadır | او اوخوماقدادیر |

- فعل مصدری در زمان حال به شکل زیر صرف و به بخشهای مختلف تجزیه می شود :

| ضمایر شخصی | ریشه افعال | | | | سوند مصدری | سوند فعل مصدری | صرف فعل ایمک |
|------------|------------|-----|-----|----|------------|----------------|--------------|
| mə n | al | yıx | yol | uy | maq | da | y am |
| sə n | al | yıx | yol | uy | maq | da | san |
| o | al | yıx | yol | uy | maq | da | (dır) |
| biz | al | yıx | yol | uy | maq | da | yıq |
| siz | al | yıx | yol | uy | maq | da | sınız |
| onlar | al | yıx | yol | uy | maq | da | dırlar |

صرف فعل برای
اول شخص مفرد و
جمع يك y
بخود می یرد.

سوند مصدری ماق و هم نین سوند فعل مصدری دا با هماهنگی کو لك صرف می شوند.

فرم ملغا شده فعل مصدری در زمان حال (استمراری):

- در موارد کمی در کتب قدیمی بخاطر قرار رفتن حرف ك و ق (k, q) در جلو حرف d ، سوند فعل مصدری (da) به شکل ته و تا (ta, tə) نیز صرف شده است. نین صرفی در زبان ترکی اذربایجان ملغا شده ، در صورتی که ان در ترکی استانبول به شکل رسمی در آمده است. برای اشنائی با این شیوه عمل به صرف افعال در دو جدول زیر توجه کنید :
- فعل مصدری که آخرین حرف صدادار ان با اهنه بالائی بود و به شکل زیر صرف شده است :

| من | لمکته یم | ئتمکته یم | سیلمکته یم | ئرمکته یم | ولمکته یم |
|--------|-------------|--------------|---------------|--------------|--------------|
| سن | لمکته سن | ئتمکته سن | سیلمکته سن | ئرمکته سن | ولمکته سن |
| او | لمکته دیر | ئتمکته دیر | سیلمکته دیر | ئرمکته دیر | ولمکته دیر |
| بیز | لمکته ییک | ئتمکته ییک | سیلمکته ییک | ئرمکته ییک | ولمکته ییک |
| سینز | لمکته سینیز | ئتمکته سینیز | سیلمکته سینیز | ئرمکته سینیز | ولمکته سینیز |
| اونلار | لمکته دیرلر | ئتمکته دیرلر | سیلمکته دیرلر | ئرمکته دیرلر | ولمکته دیرلر |

- فعل مصدری که آخرین حرف صدادار ان با اهنه لائینی بود ، به شکل زیر همراه سوند ته ، تا برای ضمائر شخصی صرف شده است :

| من | قالماقتایام | ییمخماقتایام | اوخوماقتایام | سولماقتایام | دورماقتایام |
|----|-------------|--------------|--------------|-------------|-------------|
| سن | قالماقتاسان | ییمخماقتاسان | اوخوماقتاسان | سولماقتاسان | دورماقتاسان |
| او | قالماقتادیر | ییمخماقتادیر | اوخوماقتادیر | سولماقتادیر | دورماقتادیر |

توجه: - بکار یری سوند ته ، تا بجای ده ، دا در ترکی استانبولی معمول است ، با این تفاوت که در

ان ، بجای سوند صرفی am, əm از سوندی صرفی im, ım استفاده می شود.

- امروزه در ترکی اذربایجان بجز در نند مورد، سوند افعال مصدری به شکل ده، دا صرف می شود.

(صرف فعل در زمان آینده نزدیک :

فعل آینده نزدیک، فعلی است ، که انجام کاری را در آینده بیان می کند ؛ کاری که شروع نشده ، ولی هر آن ، آغاز آن ممکن است.

علامت آینده نزدیک از دو حرف تشکیل می یابد که حرف صددار آن وابسته به آخرین حرف صددار ریشه فعل است، که با هماءند ی کو لک در دو فرم زیر برای ضمائر شخصی صرف می شود :

یک فرم (با سوند ər):

ا ر آخرین حرف صددار فعلی با اهند بالائی و با یکی از پنج حرف ə, e, i, ö, ü باشد ، به شکل زیر با سوند ər بکار رفته می شود. مثال :

ə (فعلی که آخرین حرف صددار آن به حرف ə ختم شود ، به شکل زیر همراه سوند ər برای ضمائر شخصی صرف می شود : (gəl)

| | | | | | | | |
|-------|------------|----------|--------|-----|----------|------------|----|
| biz | gələrik | لَریک | بیز | mən | gələrəm | لَرم | من |
| siz | gələrsiniz | لَرسینیز | سیز | sən | gələrsən | لَرسن | سن |
| onlar | gələr lər | لَملر | اونلار | o | gələr | لَمر (دیر) | او |

- به افعال زیر که برای اول شخص مفرد صرف می شوند ، توجه کنید :

لَرم gəl ər əm ، دَرَزَم dər ər əm ، بَلَرَم ، زَرَم ، اَسَرَم ، سَرَرَم ، بَزَرَم ، بَلَه رَم ، و... .

- افعال آینده نزدیک با خط عربی به اشکال زیر نوشته می شوند :

لَرم (لَه رَم) ، لَرسن (لَه رسن) ، لَردیر (لَه ردیر) ، لَریک (لَه ریک) ، لَرسینیز (لَه رسینیز) ، لَردیر (لَه ردیر) ، اَنَرَم (اَنه رَم) ، اَزَرَم (ازه رَم) ، دَلَرَم (دله رَم) و... .

توجه : فعل آینده نزدیک در زبان فارسی و یا در ترکی استانبولی موجود نیست ، ولی آن را بوسیله فعل در زمان حال بیان می کند ، در صورتی منظور از این فعل ، این است که عمل بیان شده هنوز آغاز نشده است .

(e) فعلی که آخرین حرف صدا دار آن به حرف e ختم شود ، به شکل زیر همراه شوند ər برای ضمائر شخصی صرف می شود : (ged)

| | | | | | |
|----------------|--------|----------|--------------|----|-------|
| biz gedərik | بیز | ئدريک | mən gedərəm | من | ئدرم |
| siz gedərsiniz | سيز | ئدرسينيز | sən gedərsən | سن | ئدرسن |
| onlar gedərlər | اونلار | ئدرلر | o gedər | او | ئدر |

– افعال آینده نزدیک با خط عربی به اشکال زیر نوشته می شوند :

ئده رم gedərəm (ئدرم) ، ائدرم (ائده رم) ، دئیرم (دئیه رم) ، ائشرم (ائشه رم) ، سئورم (سئوه رم) ، ئیرم (ئیه رم) ، دئشرم (دئشه رم) ائترم (ائته رم) ، و...

– در رابطه با صرف فعل آینده نزدیک به شعر زیر توجه کنید:

خلیلی : نیتہ کیم عشقینده بن فریاد و افغان ائيله رم مرغ جانی هر سحر شوقيله نالان ائيله رم کونلومی (کونلومو) زولفین کیبی غمدن ریشان ائيله رم

(i) فعلی که آخرین حرف صدا دار آن به حرف i ختم شود، به شکل زیر همراه شوند ər برای ضمائر شخصی صرف می شود : (iç)

| | | | | | |
|---------------|--------|-----------|-------------|----|--------|
| biz içərik | بیز | ای ریک | mən içərəm | من | ای رم |
| siz içərsiniz | سيز | ای رسينيز | sən içərsən | سن | ای رسن |
| onlar içərlər | اونلار | ای رلر | o içər | او | ای ر |

– افعال آینده نزدیک با خط عربی به اشکال زیر نوشته می شود :

ای رم (ای ه رم) içər əm ، بی رم (بی ه رم) ، تیگرم (تیکه رم) ، بیلرم (بیله رم) ، یزرم (یزه رم) ، دینرم (دینه رم) ، سیلرم (سیله رم) ، و...

(ö) فعلی که آخرین حرف صدا دار آن به حرف ö ختم شود ، به شکل زیر همراه

سوند ər برای ضمائر شخصی صرف می شود: (gör)

| | | | | | | | |
|-------|------------|--------|-------------|-----|----------|----|-----------|
| biz | görərik | بیز | غَرَرِیک | mən | görəəm | من | غَرَرَم |
| siz | görərsiniz | سیز | غَرَرَسینیز | sən | görərsən | سن | غَرَرَسَن |
| onlar | görərlər | اونلار | غَرَرَلَر | o | görər | او | غَرَر |

- افعال اینده نزدیک با خط عربی به اشکال زیر نوشته می شوند. مثال:

من بۆلَرَم (بۆلَه رم) ، دۆزَرَم (دۆزَه رم) ، döz ər əm ، سۆنَرَم sönərəm ،
 غَرَرَم (غَرَه رم) ، görərəm ، تۆکَرَم tökərəm ، اۆرَم öp ər əm (اۆه رم) ، دۆزَرَم (دۆزَه رم) ،
 دۆنَرَم (دۆنَه رم) ، دۆشَرَم (دۆشَه رم) ، döşərəm ، اؤرتَرَم (اؤرتَه رم) ، اؤدَرَم (اؤدَه رم) ...

- در رابطه با صرف فعل اینده نزدیک به شعر زیر توجه کنید :

وجی : لبلریدن بیر اؤوش غُنه سی درسَم ، نه اؤلار؟

رده سیز، بیرنظر ای ول سنی غُرسَم ، نه اؤلار

ü) فعلی که آخرین حرف صدادار ان به حرف ü ختم شود ، به شکل زیر همراه

سوند ər برای ضمائر شخصی صرف می شود : (gü)

| | | | | | | | |
|-------|------------|--------|-------------|-----|----------|----|-----------|
| biz | gülərik | بیز | وَلَرِیک | mən | güləəm | من | وَلَرَم |
| siz | gülərsiniz | سیز | وَلَرَسینیز | sən | gülərsən | سن | وَلَرَسَن |
| onlar | gülərlər | اونلار | وَلَرَلَر | o | gülər | او | وَلَر |

- افعال اینده نزدیک با خط عربی به اشکال زیر نوشته می شوند. مثال :

من کوسَرَم (کوسَه رم) ، دوشَرَم (دوشَه رم) ، dövüşərəm ، دؤووشَرَم (دؤووشَه رم) ،
 (دؤووشَه رم) ، görüşərəm (غُرووشَه رم) ، بۆلُوشَرَم bölüşərəm (بۆلُوشَه رم) ، اوزَرَم (اوزَه رم)
 (اوزَه رم) üzərəm ، سوزَرَم (سوزَه رم) ، süpürərəm ، سووره رم ..

۱) فعلی که آخرین حرف صدادار آن با اهـ آئینی و به حرف ا ختم شود ، به شکل زیر همراه شوند ar برای ضمائر شخصی صرف می شود : (yığ)

| | | | |
|--------------|-------------|----------------|-----------------|
| men yığaram | من ییگارام | biz yığarım | بیز ییغاریق |
| sen yığarsan | سن ییگارسان | sen yığarsınız | سینز ییغارسینیز |
| o yığar | او ییغار | onlar yığarlar | اونلار ییغارلار |

– به صرف افعال زیر برای اول شخص مفرد نیز توجه کنید :

من ییگارام yığaram ، ییخارام ، سیرارام ، قیلارام ، قیرارام ، سیخارام ، قیزارام ، سینارام ، و...

o) فعلی که آخرین حرف صدادار آن به حرف o ختم می شود : (sor)

| | | | |
|--------------|-------------|----------------|-----------------|
| mən soraram | من سؤرارام | biz sorarım | بیز سؤراریق |
| sən sorarsan | سن سؤرارسان | siz sorarsınız | سینز سؤرارسینیز |
| o sorar | او سؤرار | onlar sorarlar | اونلار سؤرارلار |

– به صرف افعال زیر برای اول شخص مفرد نیز توجه کنید :

دؤنارام donaram ، سؤرارام soraram ، یؤلارام ، قؤلارام ، قؤزارام ، یؤنارام ، سؤیارام ، قؤیارام ، اولارام ، سؤروشارام ، و...

u) فعلی که آخرین حرف صدادار آن به حرف u ختم شود ، به شکل زیر همراه شوند ar برای ضمائر شخصی صرف می شود : (uç)

| | | | |
|-------------|--------------|---------------|------------------|
| mən uçaram | من او مارام | biz uçarım | بیز او ماریق |
| sən uçarsan | سن او مارسان | siz uçarsınız | سینز او مارسینیز |
| o uçar | او مار | onlar uçarlar | اونلار او مارلار |

– به صرف افعال زیر برای اول شخص مفرد نیز توجه کنید :

تؤخویارام toxuyaram ، جؤمارام cumaram ، سؤروشارام soruşaram ، اوخوشارام oxuşaram ،

یۇمارام yumaram ، اۇمارام umaram ، بۇرارام ، یۇیارام ، ...

– فعلی که آخرین حرف صدادار آن با اَند ائینی باشد ، به شکل زیر صرف و به بخشهای مختلف تجزیه می شود :

| ضمایر شخصی | | ریشه افعال | | | | | سوند فعل آینده نزدیک | | صرف فعل ایمک | |
|------------|--|------------|-----|-----|-----|-----|----------------------|----|--------------|---------|
| ↓ | | ↓ | ↓ | ↓ | ↓ | ↓ | ↓ | | ↓ | |
| mən | | qal | yığ | sor | dur | qur | | ar | | am |
| sən | | qal | yığ | sor | dur | qur | | ar | | san |
| o | | qal | yığ | sor | dur | qur | | ar | | (dır) |
| biz | | qal | yığ | sor | dur | qur | | ar | | ıq |
| siz | | qal | yığ | sor | dur | qur | | ar | | sınız |
| on,lar | | qal | yığ | sor | dur | qur | | ar | | dır,lar |

در رابطه با صرف فعل اینده نزدیک به مطالب زیر نیز توجه کنید :

– فعلی که آخرین حرف آن صدادار باشد و در زمان اینده نزدیک صرف شود، در ترکیب آن دو حرف صدادار در کنار هم قرار می یرد ، نتیجتاً بین آنها یک حرف تکمیلی y افزوده شده و برای ضمایر شخصی صرف می شود. مثال :

– فعلی که آخرین حرف آن صدادار و با آَند بالائی می باشد : (üşü)

| | | | | | | | |
|-------|-------------|--------|---------------|-----|-----------|----|------------|
| biz | üşüyərək | بیز | اوشویه ریک | mən | üşüyərəm | من | اوشویه رم |
| biz | üşüyərsiniz | سیز | اوشویه رسینیز | sən | üşüyərsən | سن | اوشویه رسن |
| onlar | üşüyərlər | اؤنلار | اوشویه رلر | o | üşüyər | اؤ | اوشویه ر |

– به صرف افعال زیر برای ضمیر اول شخص مفرد نیز توجه کنید :

من دئییه رَم ، یئییه رَم ، اوشویه رَم ، ائیله یه رَم ، بَله یه رَم ، سَه لَه یه رَم ، ...

– فعلی که آخرین حرف آن صدادار باشد ، به شکل زیر برای ضمایر شخصی صرف و

به بخشهای مختلف تجزیه می شود :

| ضمایر شخصی | | ریشه افعال | | | | حرف تکمیلی | سوند آینده نزدیک | | صرف فعل ایمک | |
|------------|--|------------|----|------|-----|------------|------------------|----|--|-------|
| ↓ | | ↓ | ↓ | ↓ | ↓ | ↓ | ↓ | ↓ | <div>سوند صرفی برای اول و دوشخص مفرد با همای ک و ک صرف می شود.</div> | |
| mən | | ələ | ye | səri | üşü | y | | ər | | əm |
| sən | | ələ | ye | səri | üşü | y | | ər | | sən |
| o | | ələ | ye | səri | üşü | y | | ər | | (dir) |
| biz | | ələ | ye | səri | üşü | y | | ər | | ik |
| siz | | ələ | ye | səri | üşü | y | | ər | | siniz |
| onlar | | ələ | ye | səri | üşü | y | | ər | ler | |

– فعلی که آخرین حرف ان صدا دار با اهنه ئینی و با حرف u می باشد : (oxu)

| | | | | |
|-----------------|-------------------|--------|---------------|---------------|
| biz oxuyarıq | اؤخویاریق | بیز | mən oxuyaram | من اؤخویارام |
| siz oxuyarsınız | اؤخویارسینیز | سیز | sən oxuyarsan | سن اؤخویارسان |
| onlar oxuyarlar | اؤنلار اؤخویارلار | اؤنلار | o oxuyar | اؤ اؤخویار |

قالایارام ، داغلایارام ، یاغلایارام ، یالایارام ، دانلایارام ، و...

– فعلی که آخرین حرف ان صدا دار و با اهنه ئینی باشد ، به ان یک حرف تکمیلی

افزوده شده و به شکل زیر صرف و به بخشهای مختلف تجزیه می شود :

| ضمایر شخصی | ریشه افعال | | حرف تکمیلی | علامت اینده نزدیک | صرف فعل ایمک و یا ضمیر متصل شخصی |
|------------|------------|------|------------|-------------------|----------------------------------|
| mən | qala | toxu | y | ar | am |
| sən | qala | toxu | y | ar | san |
| o | qala | toxu | y | ar | (dir) |
| biz | qala | toxu | y | ar | ıq |
| siz | qala | toxu | y | ar | sınız |
| onlar | qala | toxu | y | ar | dırlar |

این دو بسوند با همای ی
ک و ک صرف می شوند.

این بهار بسوند با
همای ی بزر
صرف می شوند.

– فعلی که آخرین حرف ان صدا دار باشد، به نادرست در محاوره از ان یک حرف صدا دار

را همراه حرف تکمیلی حذف و به شکل زیر برای ضمائر شخصی صرف می کنند. برای مثال به بخشهای مختلف افعال زیر توجه کنید :

| صرف فعل ایمک | علامت زمان آینده نزدیک | حرف تکمیلی | ریشه افعال | ضمائر شخصی |
|--------------|------------------------|------------|------------|------------|
| am | ar | y | qaş,(ı) | mən |
| san | ar | y | tox,(u) | sən |
| (dir) | ar | y | qal,(a) | o |
| ıq | ar | y | tox,(u) | biz |
| sınız | ar | y | qal,(a) | siz |
| dırlar | ar | y | qal,(a) | onlar |

در محاوره به نادرست از هر کدامی افعال مذکور، یک حرف صدادر همراه y حذف می شود.

۱- ر حرف صدادر و حرف تکمیلی را از افعال مذکور حذف کنیم ، فعل qalayaram به شکل qalaram در می آید و آن شبیه فعل می ماند (qalaram) مبدل می شود و مفهوم کلمه در ون می شود. بدین سان ملاحظه می شود که مخفف کردن نین افعالی نادرست است.

- فعل آینده نزدیک و مفاهیم مختلف آن در ترکی اذربایجان :

فعل آینده نزدیک ، علاوه بر بیان زمان آینده نزدیک ، به شکل زیر با مفاهیم ونا ون زیر نیز بکار رفته می شود :

(۱) فعل آینده نزدیک در جمله به شکل عادت و خاصیت فعلی در می آید :

من (همیشه) بخورم . mən (həmişə) çox yeyərəm. (من همیشه زیاد می خورم.)
 حسین سیارا کر. Hüseyin sıqara (sıqaret) çəkər. (حسین سیارا می کشد.)
 (به سیارا کشیدن توسوائدمت ، امیریز کمک ، نیز فته می شود.)

(۲) فعل آینده نزدیک در جمله به شکل بیان واقعیت در می آید :

اُواق هاوادا اُمار. uçaq (təyyarə) havada uçar. (هواپیما در هوا پرواز می کند.)

qışda qar yağar. باهارددا دا یاغیش یاغار. bahardada yağış yağar.

۳) فعلِ آینده نزدیک در جمله به شکلِ فعلِ خبری در می آید :

نادر بۇ ون لمر. Nader bu gün gələr. (نادر امروز می آید.)

من لمن ایل ائو آلام. mən gələn il ev alaram. (من سال دی رخانه می خرم.)

صباح قار یاغار. sabah qar yağar. (فردا برف می بارد.)

(فعلِ آینده نزدیک در جمله به شکلِ بیانِ توان و کارآی در می آید :

من بۇ ایشی بۇیا - باشا ااتارام. mən bu işi boya-baş çataram. (من این کار را به سرانجام میرسانم.)

من سنی ولدوررم (ولدوره رم).. mən səni güldürərəm. (من تو را می خندانم.)

(فعلِ آینده نزدیک در جمله به شکلِ صفتی نیز بیان می شود :

اۇ قیز ، ولر اوز دور. o qız, gülərüzdür. (آن دختر صورت خندانی دارد.)

آخار سۇ دۇنماز. axar su donmaz. (آب روان یخ نمی زند.)

(فعلِ آینده نزدیک در جمله به شکلِ بیانِ علمی بکار رفته می شود :

یئر ونده بیر دفعه (کره) اؤز دؤرسینه دۇلانا. yer gündə bir dəfə öz dövrəsinə dolanar.

نونون ایشیغی (نورو) ۸ دقیقه یه جان (جه ن ، قدر) یئر ااتار. (نورخورشید به مدت ۸ دقیقه به زمین

میرسد.) günün işığı 8 dəqiqəyə cən (qədər) yerə çatar.

۷) فعلِ آینده نزدیک به شکلِ امر و نهی نیز در می آید :

سن بۇ ایشی ؤرر سن. sən bu işi görərsən. (تو این کار را انجام می دهی (باید).)

سن ، اۇ کیتابین عوضینی منه الارسا. sən, o kitabın əvəzini mənə alarsan.

– باوجودی که دو جمله مذکور با فعل امری ، یا التزامی و آرزویی بکار رفته نشده است ،

ولی مضمون هر سه آنها را می تواند انعکاس دهد.

۸) فعلِ آینده نزدیک به شکلِ حدس زدن نیز در می آید :

من فکر ائدیرم بۇرادان اؤر ایاجان بیر کیلومتر اۇلار. (من فکر می کنم مسافت اینجا تا به آنجا یک

mən fikr edirəm , buradan orayacan bir kilometr olar. (کیلومتر باشد.)

منیم فیکریمجه بۇرادان اۇرایا قدر [اۇرایا جان] بیر کیلومتر اۇلار .

mənim fikrimcə buradan oraya qədər [can] bir kilometr olar.

۹) فعلِ آینده نزدیک به شکلِ موردِ سند قرار رفتن نیز در می آید :

من میوه سئورَم (سئوه رم) . (istəram.) mən meyvə sevəram (من میوه دوست دارم .)

– تکرارِ کار و تکرارِ زمان در فعلِ آینده نزدیک :

من (همیشه) شطرنج اؤینارام. mən (həmişə) şətrənc oynaram (من همیشه شطرنج بازی می کنم.)

منیم جانیم سیخیلاندا ، زمیه ئدرم. (وقتی که من حوصله ام سررود ، به ردش می روم.)

۱۰) فعلِ آینده نزدیک به شکلِ شک و تردید و تمنا نیز در می آید :

اینشالاہ بۇ ایش اۇلار . inşallah bu iş olar (انشالله این کار شدنی است [می شود]).

بۇایش اۇلار و بۇیا - باشا اتار . bu iş olar və boya - başa çatar .

(این کار [شدنی است] به سرانجام می رسد.)

– به اشعاری که در انها فعلِ آینده نزدیک بکار رفته شده است ، توجه کنید :

صمد وورغون: ییخیلیب یانینا اؤلْمک ایسته رم انالیق مهرینی ورمک ایسته رم

سنی ئۆرمک ای ون اؤلْمک ایسته رم

خلیلی : نیته کیم عشقینده بن فریاد و افغان ائيله رم

مرغ جانی هر سحر شوقيله نالان ائيله رم

کونلومی (کونلومو) زولفین کیبی غمدن ریشان ائيله رم

وجی : لبلریدن بیر اؤوش غنه سی درسَم ، نه اۇلار؟

رده سیز، بیر نظر ای ول سنی ئۆرسم ، نه اۇلار

سن کرامت شاهی سان من ئۆری بیردرویش

کورکومو بیر ئمجه در ماهینه سرسم ، نه اۇلار ؟

(صرف فعل به شکل امری :

فعل امری با ویه ی خاصی بکار رفته می شود ؛ با این مفهوم که سوند صرفی فعل امری ، علامت زمان بخود نمی یرد .

فعل امری برای دوم شخص مفرد بدون سوند بکار رفته می شود و حرف صدادار سوند امری برای دوم شخص جمع با هماهنگی کو لك و برای سایر ضمائر شخصی با هماهنگی بزر بکار رفته می شود . مثال :

فرمول یکم : (با سه حرف : ə, e, i)

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن به حرف e ختم شود ، به شکل زیر در فرم امری برای ضمائر شخصی صرف می شود :

| | | | | | | | | |
|--|-------|-----------|---------|--------|-----|--------|-------|----|
| فعل امری برای اول شخص جمع با هماهنگی کو لك صرف می شود. | biz | gələk | له ك | بیز | mən | gəlim | لیم | من |
| | siz | gəlin | لین | سیز | sən | gəl | ل | سن |
| | onlar | gəlsinlər | للسینلر | اونلار | o | gəlsin | للسین | او |

- به افعال زیر نیز توجه کنید که آنها برای اول شخص جمع با هماهنگی کو لك صرف می شوند : كَلك ، اَكَك ، سَرَك ، اَمَك ، دَرَك ، یِیَك ، اَیَك ، دَلَك ، و...
- در رابطه با بکار گیری فعل امری برای سوم شخص مفرد ، به شعر زیر توجه کنید :

شاه اسماعیل (تالیف : علی تبریزی) :

بیزیم بۇ مجلسه درد و غمه دۇلان لیسین بوتون غمین اۇنودوب ولمك اختاران لیسین

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن به حرف e ختم می شود :

| | | | | | | | | |
|-------|-----------|---------|--------|-----|--------|-------|----|--|
| biz | gedək | ئدك | بیز | mən | gedim | ئدیم | من | فعل امری برای دوم شخص مفرد بدون سوند صرف می شود. |
| siz | gedin | ئدین | سیز | sən | ged... | ئد... | سن | |
| onlar | gedsinlər | ئدسینلر | اونلار | o | gedsin | ئدسین | او | |

توجه: فعل ئد برای دوم شخص مفرد برای سوم شخص مفرد و جمع به شکل ئت نیز صرف

می‌شود. مثال: سن ئەت sən ged ، او ئەتسین o geds ، اۇنلار ئەتسینلر.

– به صرف افعال زیر برای اول شخص مفرد و جمع نیز توجه کنید:

من ئەدیم gedim ، دئیم deyim ، ائدیم edim ، وئرم verim ، یئیم ،...

بیز ئەدک gedək ، دئک deyək ، ائدک edək ، وئرک verək ، یئک ،...

– فعلی که آخرین حرف صدادار آن به حرف i ختم شود ، به شکل زیر برای ضمائر

شخصی صرف می‌شود :

| | | | | |
|---|------------------|-------------------|--------------|----------------|
| فعل امری برای اول شخص جمع با همایندی کوک (ək) صرف می‌شود. | biz eşidək | بیز ائشیدک | mən eşidim | من ائشیدیم |
| | siz eşidin | سیز ائشیدین | sən eşid ... | سن ائشید... .. |
| | onlar eşidsinlər | اۇنلار ائشیدسینلر | o eşitsin | او ائشیدسین |

توجه: فعل مذکور برای دوم شخص مفرد و سوم شخص مفرد و جمع به شکل ائشیت

نیز بکار رفته می‌شود: سن ائشیت ، اۇ ائشیتسین ، اۇنلار ائشیتسینلر ، ...

– ا ر آخرین حرف صدادار فعلی با اهن بالائی و با یکی از سه حرف ə , e , i

باشد ، به شکل زیر صرف و به بخشهای مختلف تجزیه می‌شود :

| سوند صرفی فعل امری و فرم همایندی آن | | علامت فعل امری | | ریشه افعال | | ضمایر شخصی | |
|-------------------------------------|--|----------------|--|------------|-----|------------|-------|
| با همایندی بزر صرف می‌شود | | im | | sil | ged | gəl | mən |
| این سوند صرفی بدون علامت | | | | sil | ged | gəl | sən |
| با همایندی بزر صرف می‌شود | | sin | | sil | ged | gəl | o |
| با همایندی کوک صرف می‌شود | | ək | | sil | ged | gəl | biz |
| با همایندی بزر صرف می‌شود | | in | | sil | ged | gəl | siz |
| با همایندی بزر صرف می‌شود | | sinlər | | sil | ged | gəl | onlar |

– در رابطه با صرف فعل امری برای اول شخص جمع به شعر زیر توجه کنید :

سلیمان رستم : ئەدەك دوستلار ، ئەدەك هئى اخين - اخين ، دشمنى تبریزه قۇيماياق ياخين.

فرمول دوم : (دو حرف ü , ö)

فعلی که آخرین حرف صدادار آن با یکی از دو حرف ü, ö باشد ، به شکل زیر در فرم امری بکار رفته می شود. مثال :

– فعلی که آخرین حرف صدادار آن با حرف ö می باشد :

| | | |
|--|--------------------------------|---------------------|
| فعل امری برای اول شخص جمع با هماهنگی کوک (ə) صرف می شود. | biz görək بیز ځړک | mən görüm من ځروم |
| | siz görün سیز ځرون | sən gör... سن ځر... |
| | onlar görsünlər اونلار ځرسونلر | o görsün او ځرسون |

– فعلی که آخرین حرف صدادار آن به حرف ü ختم می شود :

| | | |
|--|---------------------|--------------------------------|
| فعل امری برای دوم شخص مفرد بدون سوند صرف می شود. | mən gülüm من ولوم | biz gülək بیز ولک |
| | sən gül... سن ول... | siz gülün سیز ولون |
| | o gülsün او ولسون | onlar gülsünlər اونلار ولسونلر |

فعلی که آخرین حرف صدادار آن با اهنه بالائی باشد ، به شکل زیر برای ضمائر شخصی صرف و به بخشهای مختلف تجزیه می شود :

| ضمایر شخصی | | ریشه افعال | | علامت فعل امری | سوند صرفی فعل امری و فرم هماهنگی آن |
|------------|--|------------|-----|----------------|-------------------------------------|
| mən | | döz | düş | üm | باهماهنگی بزر صرف می شود |
| sən | | döz | düş | | سوند صرفی بدون علامت |
| o | | döz | düş | sün | باهماهنگی بزر صرف می شود |
| biz | | döz | düş | ək | باهماهنگی کوک صرف می شود |
| siz | | döz | düş | ün | باهماهنگی بزر صرف می شود |
| onlar | | döz | düş | sünlər | باهماهنگی بزر صرف می شود |

– در رابطه با بکار گیری فعل امری برای سوم شخص مفرد به شعر زیر توجه کنید :

جانا سانا (سنه) شکایت نه سؤیله ییم ون یؤخدور اول حکایتیه ایان نه سؤیله ییم

فرم سوم : (با دو حرف a, ı)

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن به حرف a ختم شود ، به شکل زیر برای ضمائر شخصی صرف می شود :

| | | | | |
|-----------|-----------|-----------------|----------------|-------------------|
| من آلیم | mən alım | بیز آلاق | biz alağ | فعل امری برای دوم |
| سن آل ... | sən al... | سیز آلین... | siz alin... | شخص مفرد بدون |
| او آلسین | o alsın | اونلار آلسینلار | onlar alsınlar | سونند صرف می شود. |

- در رابطه با بکار گیری فعل امری برای اول شخص مفرد به اشعار زیر توجه کنید :

اظهار: اخیلی باخما منه ؤزلرین قاداسین الیم دانیس منیله ، سؤزوندن اوره ك غذا سین الیم

خاقانی شیروانی :

شاعرم ونکی وظیفه م بؤدور اشعار یازیم ؤردو وم نیک و بدی ایلیوم اظهار یازیم

ونی اراق ، نوزی اغ ، ئجه نی تار یازیم یسی یس، ا رینی ی، دوزی هموار یازیم ...

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن به حرف ı ختم می شود :

| | | | | |
|------------|------------|------------------|-----------------|--------------------------|
| من سیخیم | mən sixım | بیز سیخاق | biz sixağ | فعل امری برای اول شخص |
| سن سیخ ... | sən six... | سیز سیخین | siz sixın | جمع با همایندی کو ك |
| او سیخسین | o sixsın | اونلار سیخسینلار | onlar sixsınlar | (aq) بکار رفته می شود. |

- به صرف افعال زیر نیز توجه کنید :

من قالیم mən qalım ، یاخیم ، باخیم ، ییغیم ، قیلیم . سن قال sən qal ، یاخ yax ، قیل qıl ، قال .

او قیل سین qıl sın ، دؤلسون dolsun ، یؤلسون yolsun . بیز قیلاق qılağ ، ییغاق ، ییخاق ، قیراق ،

دؤلاق dolağ ، سؤراق ، دؤناق . سیز اوتون siz utun ، دؤرون ، قیرین ، قالین ، ییغین .

اونلار قیل سینلار qıl sınlar ، دؤلسونلار dolsunlar ، یاز سینلار yazsınlar ، و ...

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با اهنه مائینی و با یکی از دو حرف a, ı باشد ،

به شکل زیر صرف و به بخشهای مختلف تجزیه می شود :

| ضمایر شخصی | | ریشه افعال | | | | علامت فعل امری | | سوند صرفی فعل امری و فرم هماهنگی آن | |
|------------|--|------------|-----|-----|-----|----------------|--------|-------------------------------------|-----------------|
| mən | | al | dan | qır | yıǵ | | ım | ← | با هماهنگی بزر |
| sən | | al | dan | qır | yıǵ | | | ← | بدون سوند صرفی |
| o | | al | dan | qır | yıǵ | | sın | ← | با هماهنگی بزر |
| biz | | al | dan | qır | yıǵ | | aq | ← | با هماهنگی كو ك |
| siz | | al | dan | qır | yıǵ | | ın | ← | با هماهنگی بزر |
| onlar | | al | dan | qır | yıǵ | | sınlar | ← | با هماهنگی بزر |

فرمول چهارم :

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن به حرف u ختم شود ، به شکل زیر برای ضمایر

شخصی صرف می شود :

| | | | | | | |
|-------|-----------|------------------|-----|--------|------------|--------------------|
| biz | bulaq | بیز بۇلاق | mən | bulum | من بۇلوم | فعل امری برای دوم |
| siz | bulun | سیز بۇلون | sən | bul... | سن بۇل ... | شخص مفرد بدون سوند |
| onlar | bulsunlar | اونلار بۇلسونلار | o | bulsun | او بۇلسون | بکار رفته می شود. |

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن به حرف o ختم می شود :

| | | | | | | |
|--|-------|----------|------------------|-----|-------|------------|
| فعل امری برای اول شخص جمع با هماهنگی کوچک (aq) صرف می شود. | biz | olaq | بیز اولاق | mən | olum | من اولوم |
| | siz | olun | سیز اولون | sən | ol... | سن اول ... |
| | onlar | olsunlar | اونلار اولسونلار | o | olsun | او اولسون |

- در رابطه با بکار گیری فعل امری برای سوم شخص مفرد ، به شعر زیر توجه کنید :

شعری از میرزا (از کتاب عشق حدیث):

داغین داشین شمه اولسون باغ اولسون
 اغاج اولسون بستان اولسون تاغ اولسون.

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با *ه*ند آئینی و با یکی از دو حرف *o, u* باشد ، به شکل زیر صرف و به بخشهای مختلف تجزیه می شود :

| ضمایر شخصی | | ریشه افعال | | سوند صرفی | فرم هماهنگی سوند فعل امری با اصول زیر است. |
|------------|--|------------|-----|-----------|--|
| mən | | sor | dur | um | سوند با هماهنگی بزر صرف می شود |
| sən | | sor | dur | , , , | بدون سوند صرف می شود |
| o | | sor | dur | sun | سوند با هماهنگی بزر صرف می شود |
| biz | | sor | dur | aq | با هماهنگی كو ك صرف می شود |
| siz | | sor | dur | un | سوند با هماهنگی بزر صرف می شود |
| onlar | | sor | dur | sunlar | سوند با هماهنگی بزر صرف می شود |

در رابطه با فعل امری به صرف افعال زیر نیز توجه کنید :

- فعلی که آخرین حرف آن صدادار باشد ، در صرف برای اول شخص مفرد و همانا برای اول و دوم شخص جمع با حرف تکمیلی *y* بکار رفته می شود. مثال :

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با *ه*ند بالائی می باشد :

| | | |
|--|--------------------------------|-----------------------------|
| فعل امری برای اول شخص مفرد و همانا برای اول و دوم شخص جمع با حرف تکمیلی <i>y</i> صرف می شود. | biz <u>yeyək</u> بیز یئی یك | mən <u>yeyim</u> من یئی ییم |
| | siz <u>yeyin</u> سیز یئی یین | sən ye سن یئی |
| | onlar yesinlər اونلار یئسین لر | o yesin او یئسین |

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با *ه*ند آئینی می باشد :

| | | |
|--------------------------------|---------------------------|--|
| biz <u>yuyaq</u> بیز یویاق | mən <u>yuyum</u> من یویوم | فعل امری برای دوم شخص مفرد بدون سوند صرف می شود. |
| siz <u>yuyun</u> سیز یویون | sən yu سن یو | |
| onlar yusunlar اونلار یوسونلار | o yusun او یوسون | |

- در رابطه با نحوه بکار گیری فعل امری و بکار گیری حرف اضافی *y* به شعر زیر توجه کنید :

جانا سانا (سنه) شکایت نه سؤیله ییم ون یۇخدور اول حکایتنه ایان نه سؤیله ییم

برای تشخیص دادن سوندهای فعل در زمان حال ، آینده نزدیک و امری ، به جدول

زیر توجه کنید، که گونه آنها در کنار هم بکار رفته شده اند :

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با *ə* بالائی باشد، به شکل زیر با سوندهای متفاوت

برای ضمائر شخصی صرف می شود :

| ضمایر شخصی | صرف فعل در آینده نزدیک | صرف فعل در زمان حال | فورمول فعل امری |
|------------|------------------------|----------------------|-----------------|
| mən | gəl <i>ər</i> əm | gəl <i>ir</i> əm | gəl im |
| sən | gəl <i>ər</i> sən | gəl <i>ir</i> sən | gəl ... |
| o | gəl <i>ər</i> (dir) | gəl <i>ir</i> (dir) | gəl sin |
| biz | gəl <i>ər</i> ik | gəl <i>ir</i> ik | gəl ək |
| siz | gəl <i>ər</i> siniz | gəl <i>ir</i> siriz | gəl in |
| onlar | gəl <i>ər</i> dirlər | gəl <i>ir</i> dirlər | gəl sinlər |

به سوندهای مختلف افعال مذکور توجه کرده و آنها را با هم در مقایسه کنید و به خاطر بسازید.

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با *ə* مائینی می باشد :

| ضمایر شخصی | صرف فعل در آینده نزدیک | صرف فعل در زمان حال | صرف فعل در فرم امری |
|------------|------------------------|----------------------|---------------------|
| mən | qoy <i>ar</i> am | soy <i>ur</i> am | doy um |
| sən | qoy <i>ar</i> san | soy <i>ur</i> san | doy ... |
| o | qoy <i>ar</i> (dir) | soy <i>ur</i> (dur) | doy sun |
| biz | qoy <i>ar</i> iq | soy <i>ur</i> uq | doy aq |
| siz | qoy <i>ar</i> siniz | soy <i>ur</i> suruz | doy un |
| onlar | qoy <i>ar</i> lar | soy <i>ur</i> dirler | doy sunlar |

به سوندهای مختلف افعال مذکور توجه کرده و آنها را با هم در مقایسه کنید و به خاطر بسازید.

توجه: فعل امری بر عکس سایر افعال بدون علامت زمان صرف می شود.

- تغییر حرف ریشه فعل

در زبان ترکی پنج فعل موجود است ، که آنها در موارد کمی به دو شکل مختلف صرف می شود ، که در یکی از این دو صرف ، یکی از حروف آنها به اشکال زیر تغییر داده می شود :

یک (یی ye) : (از مصدر یتمک)

فعل یی ye ، در مواردی به دو فرم بکار رفته می شود :

- فعل یی در آینده نزدیک در فرم اصلی خود برای ضمائر شخصی صرف می شود :

| | | | | | |
|-------|------------|---------------|-----|----------|-----------|
| biz | yeyərik | بیز یئیریک | mən | yeyəram | من یئیرم |
| siz | yeyərsiniz | سیز یئیرسینیز | sən | yeyərsən | سن یئیرسن |
| onlar | yeyərlər | اونلار یئیرلر | o | yeyər | او یئیر |

- فعل یی ye ، به شکل یی yi نیز برای ضمائر شخصی صرف می شود :

| | | | | | |
|-------|-------------|----------------|-----|-----------|------------|
| biz | yi yərik | بیز یی یریک | mən | yi yəram | من یی یرم |
| siz | yi yərsiniz | سیز یی یرسینیز | sən | yi yərsən | سن یی یرسن |
| onlar | yi yərlər | اونلار یی یرلر | o | yi yər | او یی یر |

فعل یی ye ، در زمان آینده دور به دو فرم زیر بکار رفته می شود :

- فعل یی ye ، در زمان آینده دور به شرح زیر برای ضمائر شخصی صرف می شود :

| | | | | | |
|-------|--------------|-------------------|-----|------------|----------------|
| biz | yeyəcəyik | بیز یئییه جیییک | mən | yeyəcəyəm | من یئییه جیییم |
| siz | yeyəcəksiniz | سیز یئییه جکسینیز | sən | yeyəcəksən | سن یئییه جکسن |
| onlar | yeyəcəklər | اونلار یئییه جکلر | o | yeyəcək | او یئییه جک |

- فعل یی ye در مواردی ، در صرف برای زمان آینده دور به شکل یی، yi نیز

برای ضمائر شخصی صرف می شود :

| | | | | | |
|-------|-------------|-------------------|--------|----------------|---------------|
| biz | yyyäcäyik | بی یه جییك | بیز | mən yiyäcäyäm | من بی یه جیم |
| siz | yyäcäksiniz | بی یه جکسینیز | سیز | sən yiyäcäksən | سن بی یه جکسن |
| onlar | yyäcäklər | اونلار بی یه جکلر | اونلار | o yiyäcäk | او بی یه جک |

دو (فعل دئ de) : (از مصدر دئمک)

فعل دی de ، در مواردی به دو شکل زیر بکار رفته می شود :

- فعل دی de ، در زمان آینده نزدیک به شکل زیر صرف می شود :

| | | | | | |
|-----|------------|---------------|--------|--------------|-----------|
| biz | deyäräk | دئیریک | بیز | mən deyäräm | من دئیرم |
| siz | deyärsiniz | دئیرسینیز | سیز | sən deyärsən | سن دئیرسن |
| o | deyärlər | اونلار دئیرلر | اونلار | o deyär | او دئیر |

- فعل دئ de ، در صرف برای آینده نزدیک به شکل دی di نیز برای ضمائر

شخصی صرف می شود :

| | | | | | |
|-------|------------|---------------|--------|--------------|-----------|
| biz | diyäräk | دییریک | بیز | mən diyäräm | من دییرم |
| siz | diyärsiniz | دییرسینیز | سیز | sən diyärsən | سن دییرسن |
| onlar | diyärlər | اونلار دییرلر | اونلار | o diyär | او دییر |

- فعل دئ de ، در زمان آینده دور به شکل زیر در فرم اصلی خود صرف می شود :

| | | | | | |
|-------|--------------|------------------|--------|----------------|--------------|
| biz | deyäcäyik | دئیه جییك | بیز | mən deyäcäyäm | من دئیه جیم |
| siz | deyäcäksiniz | دئیه جکسینیز | سیز | sən deyäcäksən | سن دئیه جکسن |
| onlar | deyäcäklər | اونلار دئیه جکلر | اونلار | o deyäcäk | او دئیه جک |

- فعل دئ de ، در زمان آینده دور به شکل دی di نیز بکار رفته شده و به شرح

زیر برای ضمایر شخصی صرف می شود :

| | | | | |
|-------|--------------|--------------------|----------------|---------------|
| biz | diyəcəyik | بیز دی یه جییک | mən diyəcəyəm | من دی یه جیم |
| siz | diyəcəksiniz | سیز دی یه جکسیینیز | sən diyəcəksən | سن دی یه جکسن |
| onlar | diyəcəklər | اونلار دی یه جکلر | o diyəcək | او دی یه جک |

سه (فعل ټد ged : (از مصدر ټدمک)

فعل ټد ، به شکل ټت نیز بکار رفته می شود :

- فعل ټد ، در فرم امری به شکل ټت نیز صرف می شود :

| | | | | |
|-------|------------------|----------------|-----------------|----------|
| biz | gedək | بیز ټدک | mən gedim | من ټدیم |
| siz | gedin | سیز ټدین | sən <u>get</u> | سن ټت |
| onlar | <u>getsinlər</u> | اونلار ټتسینلر | o <u>getsin</u> | او ټتسین |

- فعل ټد در نفی فرم امری به شکل ټت نیز صرف می شود :

| | | | | |
|-------|-------------|----------------|---------------|------------|
| biz | getmirik | بیز ټتمیریک | mən getmirəm | من ټتمیرم |
| siz | getmirsiniz | سیز ټتمیرسینیز | sən getmirsən | سن ټتمیرسن |
| onlar | getmirlər | اونلار ټتمیرلر | o getmir | او ټتمیر |

به شکل ټد : من ټدیرم ، سن ټدیرسن ، او ټدیر

به شکل ټت : من ټتدیم ، سن ټتدین ، او ټتدی

به شکل ټد : من ټده جیم ، سن ټده جکسن ، او ټده جک

به شکل ټت : من ټتمه یه جیم ، سن ټتمه یه جکسن ، او ټتمه یه جک

هار (فعل ائت : (از مصدر ائتمک)

فعل ائد ، در مواردی به شکل ائت نیز بکار رفته می شود. مثال :

- فعل در زمان حال به شکل ائد صرف می شود :

| | | | | | |
|-------------|----|---------|---------------|--------|------------|
| man edirəm | من | ائدیرم | biz edirik | بیز | ائدیریک |
| sən edirsən | سن | ائدیرسن | siz edirsiniz | سیز | ائدیرسینیز |
| o edir | او | ائدیر | onlar edirlər | اونلار | ائدیرلر |

- فعل در نفی زمان حال به شکل ائت نیز بکار رفته می شود :

| | | | | | |
|--------------|----|----------|----------------|--------|-------------|
| mən etmirəm | من | ائتمیرم | biz etmirik | بیز | ائتمیریک |
| sən etmirsən | سن | ائتمیرسن | siz etmirsiniz | سیز | ائتمیرسینیز |
| o etmir | او | ائتمیر | onlar etmirlər | اونلار | ائتمیرلر |

ن (فعل ائشید : (از مصدر ائشیدمک ، ائشیتمک)

فعل ائشید به شکل ائشیت نیز بکار رفته می شود :

- فعل ائشید در زمان حال به شکل زیر صرف می شود :

| | | | | | |
|---------------|----|-----------|-----------------|--------|--------------|
| mən eşidirəm | من | ائشیدیرم | biz eşidirik | بیز | ائشیدیریک |
| sən eşidirsən | سن | ائشیدیرسن | siz eşidirsiniz | سیز | ائشیدیرسینیز |
| o eşidir | او | ائشیدیر | onlar eşidirlər | اونلار | ائشیدیرلر |

- نفی فعل در زمان حال به شکل ائشیت eşit نیز صرف می شود :

| | | | | | |
|----------------|----|-------------|------------------|--------|----------------|
| mən eşitmirem | من | ائشیتیمیرم | biz eşitmirik | بیز | ائشیتیمیریک |
| sən eşitmirsən | سن | ائشیتیمیرسن | siz eşitmirsiniz | سیز | ائشیتیمیرسینیز |
| o eşitmir | او | ائشیتیمیر | onlar eşitmirlər | اونلار | ائشیتیمیرلر |

توجه: - در جدولهای مذکور نفی و یا فرم امری افعال نیز بکار رفته شده است ، منظور از آنها نشان دادن

صرف نفی فعل نبود بلکه نشان دادن رونی افعال بوده است. نفی و یا فرم امری فعل در بخشهای

زیر همین کتاب صرف می شوند.

(صرف فعل در آینده دور :

فعل آینده دور ، فعلی است ، که بوسیله ریشه فعل با علامت *acaq* ساخته می شود. حروف صدادار علامت آینده وابسته به آخرین حرف صدادار ریشه فعل است ، که با هماهنگی کو ک بکار رفته شده و بوسیله فعل *ایمک* برای ضمائر شخصی صرف می شود. بعبارت دیگر ، ا ر آخرین حرف صدادار ریشه فعل با آهنگ (a, ɪ, o, u) مائینی باشد، سوند ان تبدیل به *آجاق* *acaq* می ردد ؛ ولی ا ر آخرین حرف صدادار ریشه فعل با آهنگ بالائی (ə, i, e, ö, ü) باشد، سوند ان تبدیل به *آجک* *əcək* می ردد : *یک فرم* (با سوند *əcək*) :

فعلی که آخرین حرف صدادار ان با آهنگ بالائی و با یکی از این نج حرف *ə, i, e, ö, ü* باشد ، به شکل زیر برای ضمائر شخصی صرف می شود. مثال :
- فعلی که آخرین حرف صدادار آن به حرف *ə* ختم می شود :

| | | | | | | | |
|-------|--------------|--------|-------------|-----|------------|----|---------|
| biz | gələcəyik | بیز | له جه ییک | mən | gələcəyəm | من | له جیم |
| siz | gələcəksiniz | سیز | له جک سینیز | sən | gələcəksən | سن | له جکسن |
| onlar | gələcəklər | اونلار | له جکلر | o | gələcək | او | له جک |

توجه : حرف *ک* *k* در بین دو حرف صدادار به حرف *ی* *y* تبدیل می شود.

فعلی که آخرین حرف صدادار ان با آهنگ بالائی و با حرف *ə* باشد ، به شرح زیر برای ضمائر شخصی صرف می شود :

| | | | | | | | |
|-------|--------------|--------|--------------|-----|------------|----|----------|
| biz | gedəcəyik | بیز | ئده جه ییک | mən | gedəcəyəm | من | ئده جیم |
| siz | gedəcəksiniz | سیز | ئده جک سینیز | sən | gedəcəksən | سن | ئده جکسن |
| onlar | gedəcəklər | اونلار | ئده جکلر | o | gedəcəək | او | ئده جک |

- فعلی که آخرین حرف صدادار ان با آهنگ بالائی و با حرف *i* باشد ، به شکل زیر

برای ضمائر شخصی صرف می شود :

| | | | | | |
|-------|-------------|------------------|-----|-----------|--------------|
| biz | içacayik | بیز ای ه جه ییک | mən | içacayəm | من ای ه جیم |
| siz | içacəksiniz | سیز ای ه جکسینیز | sən | içacəksən | سن ای ه جکسن |
| onlar | içacəklər | اونلار ای ه جکلر | o | içacək | او ای ه جک |

- فعلی که آخرین حرف صدادران به حرف ö ختم می شود :

| | | | | | |
|-------|--------------|-----------------|-----|------------|-------------|
| biz | görəcayik | بیز غره جه ییک | mən | görəcayəm | من غره جیم |
| siz | görəcəksiniz | سیز غره جکسینیز | sən | görəcəksən | سن غره جکسن |
| onlar | görəcəklər | اونلار غره جکلر | o | görəcək | او غره جک |

- فعلی که آخرین حرف صدادران به حرف ü ختم می شود :

| | | | | | |
|-------|--------------|-----------------|-----|------------|-------------|
| biz | güləcayik | بیز وله جه ییک | mən | güləcayəm | من وله جیم |
| siz | güləcəksiniz | سیز وله جکسینیز | sən | güləcəksən | سن وله جکسن |
| onlar | güləcəklər | اونلار وله جکلر | o | güləcək | او وله جک |

- فعلی که آخرین حرف صدادران با اهن بالائی باشد ، به شکل زیر صرف و به

بخشهای مختلف تجزیه می شود :

| ضمایر شخصی | ریشه افعال | سوند فعل آینده | صرف فعل ایمک | |
|------------|--------------------|----------------|--------------|---|
| mən | gəl ged iç gül döz | əcay | əm | <p>سوند صرفی برای اول و دوم شخص مفرد با هماهنگی کوک صرف می شود.</p> |
| sən | gəl ged iç gül döz | əcək | sən | |
| o | gəl ged iç gül döz | əcək | (dir) | |
| biz | gəl ged iç gül döz | əcay | ik | |
| siz | gəl ged iç gül döz | əcək | siniz | |
| on,lar | gəl ged iç gül döz | əcək | dir,lər | |

توجه : ا ر در صرف حرف k در بین دو حرف صدادر قرار یزد ، به حرف y مبدل

می ردد. مثال: مله جک: مله جیم، مله جه ییک و...

- در رابطه با بکار بری سوند اجک به اشعار زیر توجه کنید:

علی واحد: اؤلکه مین سئو یلی، شفقلی، ؤزل بیر قیزی سان

لمجک نسلیمین. آن مارلایچی اؤلدوزوسان

یننه قلییمده خیالین مله کیم نور سا ماسان طالعیم یوکسلجک، ؤیلره ظلمت قا ماجاق

دو فرم (با سوند acaq):

فعلی که آخرین حرف صدادار آن با اهند ائینی و با یکی از چهار حرف a, i, o, u باشد، به شکل زیر بکار رفته می شود. مثال:

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن به حرف a ختم می شود: (al)

| | | | | | | | |
|----|-----------|-----|-------------|--------|-------------|-------|-------------|
| من | آلاجاغام | mən | alacağam | بیز | آلاجاغیق | biz | alacağiq |
| سن | آلاجاقسان | sən | alacaqsan | سیز | آلاجاقسینیز | siz | alacaqsınız |
| اؤ | آلاجاقدیر | o | alacaq(dır) | اونلار | آلاجاقلار | onlar | alacaqlar |

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن به حرف ا ختم می شود:

| | | | | | | | |
|----|------------|-----|--------------|--------|--------------|-------|--------------|
| من | ییغاچاغام | mən | yığacağam | بیز | ییغاچاغیق | biz | yığacağiq |
| سن | ییغاچاقسان | sən | yığacaqsan | سیز | ییغاچاقسینیز | siz | yığacaqsınız |
| اؤ | ییغاچاقدیر | o | yığacaq(dır) | اونلار | ییغاچاقلار | onlar | yığacaqlar |

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن به حرف o ختم می شود:

| | | | | | | | |
|----|------------|-----|--------------|--------|--------------|-------|--------------|
| من | سؤلاچاغام | mən | solacağam | بیز | سؤلاچاغیق | biz | solacağiq |
| سن | سؤلاچاقسان | sən | solacaqsan | سیز | سؤلاچاقسینیز | siz | solacaqsınız |
| اؤ | سؤلاچاقدیر | o | solacaq(dır) | اونلار | سؤلاچاقلار | onlar | solacaqlar |

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با *ahnd* آئینی و با حرف *u* باشد ، به شکل زیر برای ضمائر شخصی صرف می شود :

| | | | |
|---------------|-----------------|-----------------|------------------|
| mən utacağam | من اۇتاجاغام | biz utacağıq | بیز اوتاجاغیق |
| sən utacaqsan | سن اۇتاجاقسان | siz utacaqsınız | سیز اۇتاجاقسینیز |
| o utacaq(dır) | او اۇتاجاق(دیر) | onlar utacaqlar | اونلا اۇتاجاقلار |

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با *ahnd* آئینی و با یکی از *a,i,o,u* باشد ، به شرح زیر برای ضمائر شخصی صرف و به بخشهای مختلف تجزیه می شود :

| سوند صرفی | علامت فعل آینده دور | ریشه افعـال | ضمائر شخصی |
|-----------|---------------------|-------------|------------|
| am | acağ | qur | mən |
| san | acaq | qur | sən |
| (dır) | acaq | qur | o |
| ıq | acağ | qur | biz |
| sınız | acaq | qur | siz |
| dır,lar | acaq | qur | on,lar |
| | | dur | |
| | | sor | |
| | | yığ | |
| | | qal | |

توجه: آخرین حرف علامت آینده (*acaq*) حرف *q* است که در صرف بین دو حرف صدادار قرار گرفته و به حرف *ğ* تبدیل می گردد. مثال :

قالماق : من قالاجاغام ، بیز قالاجاغیق ، دۇراجاق : دۇراجاغیم ، ...

در رابطه با صرف فعل آینده دور به مطالب زیر نیز توجه کنید :

- فعلی که آخرین حرف آن صدادار باشد و در زمان آینده نزدیک صرف شود ، به بین سوند آینده نزدیک و سوند صرفی يك حرف تکمیلی *y* افزوده می شود.

- فعلی که آخرین حرف آن صدادار و با *ahnd* بالائی باشد ، به شکل زیر برای ضمائر

شخصی صرف می شود: (üşü)

| | | | |
|-------------------|---------------------|-----------------|----------------|
| biz üşüyəcəyik | بیز اوشویه جه ییک | mən üşüyəcəyəm | من اوشویه جیم |
| biz üşüyəcəksiniz | سیز اوشویه جک سینیز | sən üşüyəcəksən | سن اوشویه جکسن |
| onlar üşüyəcəklər | اونلار اوشویه جکرلر | o üşüyəcək | او اوشویه جک |

- آخرین حرف علامت آینده (əcək) در صرف ، بین دو حرف صدادار قرار گرفته و به حرف y

تبدل می شود. مثال :

من دئییه جیم ، یئییه جیم ، اوشویه جیم ، اله یه جیم ، بله یه جیم ، ...

- فعلی که آخرین حرف آن صدادار باشد ، به شکل زیر در زمان آینده دور برای ضمائر شخصی صرف و به بخشهای مختلف تجزیه می شود :

| ضمایر شخصی | | ریشه افعال | | | | حرف تکمیلی | | سوند آینده دور | | صرف فعل ایمک | |
|------------|--|------------|----|------|-----|------------|---|----------------|-------|--------------|-------|
| mən | | ələ | ye | səri | üşü | | y | | əcəy | | əm |
| sən | | ələ | ye | səri | üşü | | y | | əcək | | sən |
| o | | ələ | ye | səri | üşü | | y | | əcək | | (dir) |
| biz | | ələ | ye | səri | üşü | | y | | əcəy | | ik |
| siz | | ələ | ye | səri | üşü | | y | | əcək | | siniz |
| onlar | | ələ | ye | səri | üşü | | y | | əcəkr | | ler |

سوند صرفی برای
اول و دوم شخص
مفرد با همافزایی
کو ک صرف
می شود.

- فعلی که آخرین حرف آن صدادار و با اهنه مائینی و با حرف u باشد ، به شکل

زیر برای ضمائر شخصی صرف می شود :

| | | | |
|-------------------|---------------------|-----------------|-----------------|
| biz oxuyacağیق | بیز اؤخویاجاغیق | mən oxuyacağام | من اؤخویاجاغام |
| siz oxuyacaqsınız | سیز اؤخویاجاقسینیز | sən oxuyacaksan | سن اؤخویاجاقسان |
| onlar oxuyacaqlar | اونلار اؤخویاجاقلار | o oxuyacaq | او اؤخویاجاق |

- فعلی که آخرین حرف آن صدادار و با اهنه مائینی باشد ، به شکل زیر همراه حرف

تکمیلی (y) صرف و به بخشهای مختلف تجزیه می شود :

| ضمایر شخصی | ریشه افعال | حرف تکمیلی | علامت زمان آینده دور | صرف فعل ایملک | |
|------------|------------|------------|----------------------|---------------|--------|
| mən | qala | quru | y | acağ | am |
| sən | qala | quru | y | acaq | san |
| o | qala | quru | y | acaq | (dir) |
| biz | qala | quru | y | acağ | ıq |
| siz | qala | quru | y | acaq | sınız |
| onlar | qala | quru | y | acaq | dırlar |

حرف صدادار
ضمیر اول و دوم
شخص مفرد با
همان ی کو ک
صرف می شود.

- در مواردی در صرف بعضی از کلمات ، یکی از حروف صدادار آنها را تغییر می دهند.
یعنی بجای صرف حرف a ، ə از حرف ı ، i استفاده می کنند. برای مثال به
صرف حرف صدادار این کلمات de ، ələ ، ye ، qala در دو جدول زیر توجه
کنید که حرف ə ، e ، به حرف i و حرف a به حرف ı تغییر شکل داده
و برای ضمایر شخصی صرف می شوند :

| ضمایر شخصی | ریشه افعال | حرف تکمیلی | علامت زمان آینده دور | سوند صرفی | |
|------------|------------|------------|----------------------|-----------|---|
| mən | qal ı | y | acağ | am | <div style="border: 1px solid black; padding: 5px;"> <p>آخرین حرف صدادار این سه کلمه با اهنه باینی است</p> </div> |
| sən | qal ı | y | acuq | san | |
| o | qal ı | y | acuq | (dir) | |

| ضمایر شخصی | ریشه افعال | حرف تکمیلی | علامت زمان آینده دور | سوند صرفی | |
|------------|---------------|------------|----------------------|-----------|--|
| mən | y i d i ə l i | y | əcəy | əm | <div style="border: 1px solid black; padding: 5px;"> <p>آخرین حرف صدادار این سه کلمه با اهنه بالائی است</p> </div> |
| sən | y i d i ə l i | y | əcəy | sən | |
| o | y i d i ə l i | y | əcəy | dir | |

- با وجودی که حرف صدادار کلمات مذکور تغییر شکل می دهند ، ولی آنها بدرستی فهمیده می شوند.
اما بهتر است که آنها به شکل اصلی خود صرف شوند.

(۷) فعلِ فاعلیتِ صفتی :

- کلمه و یا فعل فاعلیت صفتی، کلمه ای است که در جمله مفهوم فعل، فاعل و صفت را در خود منعکس می کند. این کلمه از ترکیب ریشه فعل و علامت فاعلیت صفتی (an) بوجود می آید. حرف صدادار علامت و سوند ان وابسته به آخرین حرف صدادار ریشه فعل است، که با همایه ی کو لک (an, an) صرف می شود. مثال :

ملن gələn : (کسی که می تواند بیاید. کسی که قادر است بیاید. ان کسی که می آید.)

الان alan : (کسی که می تواند ببرد. کسی که قادر است ببرد. ان کسی که می برد.)

- فعلِ فاعلیتِ صفتی به اشکال زیر در جای اسم، فعل و صفت بکار رفته می شود. مثال:

به شکل اسم : بۇرایا ملن ، کیم دیر؟ o gələn , kimdir ? (آن کسی که به اینجا آمد ، کیست؟)

بۇرایا ملن ، هارالی دیر. ? buraya gələn,haralıdır

بۇ کیتابی ئۆرن ، اؤنو اؤخویار . bu kitabı görəm , onu oxuyar .

(فعل فاعلیت صفتی بعنوان اسم در صفحه ۳۹۰ در حالت های تصریفی صرف می شود.)

به شکل صفت : من وۇراغان قۇزونو ساتدیم . mən vurağan quzunu satdım .

من او قاماغان ایتی ازدیردیم . mən o qapağan iti azdırdım .

به شکل فعل : تبریزه ئمدن قیز ، ئمری دۇندو . (ان دختری که به تبریز رفته بود، بر شت.)

سن ملندن ، من بۇرادایام . (از وقتی که تو آمدی ، من در اینجا هستم.)

- فعل فاعلیت صفتی با خصوصیات مذکور، در چهار فرم مختلف صرف می شود :

یعنی يك بار بوسیله فعل ایملک برای ضمایر شخصی صرف شده و سه بار دی ر نیز با سوندهای

مختلف دی ر به افعال جدیدی تبدیل و به اشکال ونا ون زیر بکار رفته می شود :

نحوه صرف فعل فاعلیت صفتی بعنوان فعل ، اسم و صفت به شکل زیر به

کمک فعل ایملک برای ضمایر شخصی صرف می شود :

فعلی که آخرین حرف صدادار ان با اهنه ئائینی و با یکی از این چهار حرف a,i,o,u

باشد، به اشکال زیر برای ضمائر شخصی صرف می شود :

(a) فعلی که آخرین حرف صدادار آن به حرف a ختم می شود :

| | | | | |
|------------------|-------------------|-------------|------------|--|
| biz alanıq | بیز الانیق | mən alanam | من الانام | سوند صرفی برای اول و دوم شخص مفرد باهماهنگی کوک و برای سایر ضمائر شخصی با هماهنگی بزر صرف می شود. |
| siz alansınız | سیز الانسینیز | sən alansan | سن الانسان | |
| onlar alandirlar | اونلار الاندیرلار | o alandır | او الاندیر | |

(ı) فعلی که آخرین حرف صدادار آن به حرف ı ختم می شود :

| | | | |
|-------------------|--------------------|--------------|-------------|
| biz yıǵanıq | بیز ییغانیق | men yıǵanam | من ییغانام |
| siz yıǵansınız | سیز ییغانسینیز | sən yıǵansan | سن ییغانسان |
| onlar yıǵandirlar | اونلار ییغاندیرلار | o yıǵandır | او ییغاندیر |

- باوجودی که کلمات مذکور بعنوان فعل صرف می شوند ، ولی خصوصیات اسمی و وصفی خود نیز حفظ می کنند.

(o) فعلی که آخرین حرف صدادار آن به حرف o ختم می شود :

| | | | |
|-------------------|--------------------|--------------|-------------|
| biz pozanıq | بیز پوزانیق | mən pozanam | من پوزانام |
| siz pozansınız | سیز پوزانسینیز | sən pozansan | سن پوزانسان |
| onlar pozandirlar | اونلار پوزاندیرلار | o pozandır | او پوزاندیر |

- فعل فاعلیت صفتی بدون علامت زمان است ، ولی آن مفهوم آینده نامشخص را در خود بیان می کند.

(u) فعلی که آخرین حرف صدادار آن به حرف u ختم می شود :

| | | | |
|--------------------|----------------------|---------------|---------------|
| biz oxuyanıq | بیز اوخویانیق | mən oxuyanam | من اوخویانام |
| siz oxuyansınız | سیز اوخویانسینیز | sən oxuyansan | سن اوخویانسان |
| onlar oxuyandirlar | اونلار اوخویاندیرلار | o oxuyandır | او اوخویاندیر |

توجه : فعلی که آخرین حرف آن صدادار باشد (oxu) ، در صرف یک حرف تکمیلی y بخود می یرد.

افعالی که آخرین حرف صدادار آن با اِهَن مائینی باشد ، به شکل زیر برای ضمائر شخصی

صرف و به بخشهای مختلف تجزیه می شود :

| ضمایر شخصی | ریشه افعال | علامت فاعلیت صفتی | سوند صرفی |
|------------|---------------|-------------------|-----------|
| mə n | al yix yol uy | an | am |
| sə n | al yix yol uy | an | san |
| o | al yix yol uy | an | (dır) |
| biz | al yix yol uy | an | ıq |
| siz | al yix yol uy | an | sınız |
| onlar | al yix yol uy | an | dırlar |

صرف فعل برای اول و دوم شخص
مفرد با همافزایی کوک و برای
سایر ضمایر شخصی با همافزایی
بزر صرف می شود.

ب (فعلی که آخرین حرف صدادار آن با اهن بالائی و با یکی از این پنج حرف

(ə, e, i, ö, ü) باشد، به شکل زیر برای ضمایر شخصی صرف می شود :

ə (فعلی که آخرین حرف صدادار آن به حرف ə ختم می شود :

| | | | | | | | |
|-------|-------------|--------|------------|-----|----------|----|---------|
| biz | gələnik | بیز | ملنه نیک | mən | gələnam | من | ملنم |
| siz | gələnsiniz | سیز | ملن سنینیز | sən | gələnsən | سن | ملنسن |
| onlar | gələndirlər | اونلار | ملن دیرلر | o | gələndir | او | ملن دیر |

e (فعلی که آخرین حرف صدادار آن به حرف e ختم می شود :

| | | | | | | | |
|-------|-------------|--------|-----------|-----|----------|----|--------|
| biz | gedənik | بیز | عدنیک | mən | gedənam | من | عدنم |
| siz | gedənsiniz | سیز | عدنسنینیز | sən | gedənsən | سن | عدنسن |
| onlar | gedəndirlər | اونلار | عدندیرلر | o | gedəndir | او | عدندیر |

i (فعلی که آخرین حرف صدادار آن به حرف i ختم می شود :

| | | | | | | | |
|-------|------------|--------|------------|-----|---------|----|----------|
| biz | içənik | بیز | ایه نیک | mən | içənam | من | ایه نم |
| siz | içənsiniz | سیز | ایه سنینیز | sən | içənsən | سن | ایه سن |
| onlar | içəndirlər | اونلار | ایه ندیرلر | o | içəndir | او | ایه ندیر |

(۵) فعلی که آخرین حرف صدادار آن با هذ بالائی و با حرف ة می باشد :

| | | | | | | | |
|-------|-------------|--------|-------------|-----|----------|----|-----------|
| biz | görənik | بیز | غوره نیک | mən | görənəm | من | غوره نم |
| siz | görənsiniz | سیز | غوره نسینیز | sən | görənsən | سن | غوره نسن |
| onlar | görəndirlər | اونلار | غوره ندیرلر | o | görəndir | او | غوره ندیر |

- من ورنم : من کسی هستم که می توانم به بینم . (من می توانم به بینم .)

(ü) فعلی که آخرین حرف صدادار آن با اُند بالائی و با حرف ü می باشد :

| | | | | | | | |
|-------|-------------|-------------|--------|-----|----------|-----------|-----|
| biz | gülənik | ولە نىك | يىز | mən | gülənəm | ولە نَم | مەن |
| siz | gülənsiniz | ولە نىسىنىز | سىز | sən | gülənsən | ولە نَسَن | سەن |
| onlar | güləndirlər | ولە ندىرلر | اونلار | o | güləndir | ولە ندىر | اۇ |

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با اَند بالائی باشد، به شکل زیر برای ضمائر شخصی

صرف و به بخشهای مختلف تجزیه می شود :

| ضمایر شخصی | | ریشه افعلال | | | | | | علامت فاعلیت صفتی | | سوند صرفی | |
|------------|--|-------------|-----|----|-----|-----|--|-------------------|--|-----------|---|
| mən | | gəl | ged | iç | gül | döz | | ən | | əm | <p>سوند صرفی برای اول و دوم شخص مفرد با هماهنگی کوک و برای سایر ضمایر شخصی با هماهنگی بزر صرف می شود.</p> |
| sən | | gəl | ged | iç | gül | döz | | ən | | sən | |
| o | | gəl | ged | iç | gül | döz | | ən | | (dir) | |
| biz | | gəl | ged | iç | gül | döz | | ən | | ik | |
| siz | | gəl | ged | iç | gül | döz | | ən | | siniz | |
| on,lar | | gəl | ged | iç | gül | döz | | ən | | dir,lər | |

(ث) فعلی که آخرین حرف آن صدادار و با اهنه بالائی و با یکی از این چهار حرف

e, θ, i, \ddot{u} باشد، به ان يك حرف تکميلي y اضافه شده و به شکل زیر برای

ضمایر شخصی صرف و به بخشهای مختلف تجزیه می شود :

| ضمایر شخصی | | ریشه افعال | | | | حرف تکمیلی | | علامت فاعلیت صفتی | | سوند صرفی | |
|------------|--|------------|----|------|-----|------------|---|-------------------|----|-----------|--|
| mən | | ələ | ye | səri | üşü | | y | | ən | əm | <p>سوند صرفی برای اول دوم شخص مفرد با همانده یی کو ک صرف می شود.</p> |
| sən | | ələ | ye | səri | üşü | | y | | ən | sən | |
| o | | ələ | ye | səri | üşü | | y | | ən | (dir) | |
| biz | | ələ | ye | səri | üşü | | y | | ən | ik | |
| siz | | ələ | ye | səri | üşü | | y | | ən | siniz | |
| on,lar | | ələ | ye | səri | üşü | | y | | ən | dir,lər | |

علامت فعل فاعلیت صفتی با همانده یی کو ک صرف می شود.

قاضی ضریر: بۇدور اول عشقیله کۆنلوم امله یین جانوم ای ییندکی سلطانوم بنوم (سلطانیم منیم)

بۇدور اول (اؤ) ئۆنلومو یغما ائيله یین جانوم اؤلسون اؤنا قوربانوم بنوم (قوربانیم منیم)...

د (فعلی که آخرین حرف ان صدادار و با هندی مائینی باشد ، به شکل زیر برای ضمایر

شخصی صرف و به بخشهای مختلف تجزیه می شود :

| ضمایر شخصی | | ریشه افعال | | | حرف تکمیلی | علامت فعل فاعلیت صفتی | سوند صرفی |
|------------|--|------------|------|------|------------|-----------------------|-----------|
| mə n | | qala | sırı | toxu | y | an | am |
| sə n | | qala | sırı | toxu | y | an | san |
| o | | qala | sırı | toxu | y | an | (dır) |
| biz | | qala | sırı | toxu | y | an | ık |
| siz | | qala | sırı | toxu | y | an | sınız |
| onlar | | qala | sırı | toxu | y | an | dırlar |

سوند صرفی برای
این چهار سوند با
هماهنگی ی بزر
صرف می شود.

علامت فعل فاعلیت صفتی با هماهنگی ی کو ک صرف می شود.

توجه: دو حرف صدادار 0 ، ö ، حروف صدادار غیر فعالی هستند ، که در آخر کلمات ترکی بکار رفته

نمی شوند ، به همین دلیل در دو جدول مذکور بجای ۹ فعل تنها ۷ فعل صرف شده است.

- فعل فاعلیت صفتی، در ترکیب با این سه سوند (də, dan, acan) به سه فعل مختلف جدیدی تبدیل شده و در جملات دو و یا نند بیتی با ضمیر منفصل شخصی بکار رفته می شود :

۸) فعل در لحظه آغازین کار :

- فعل در لحظه آغازین کار ، فعلی است که با مفهوم در شروع کار و بعضاً نیز با مفهوم در عین انجام کار بکار رفته می شود. مثال:

در لحظه آغازین کار : او ، سنی ، ژورنده ، سلام وئردی. او اوغلان سئو یسین ژورنده ، سئویندی.

در عین انجام کار : بیز یولدا لمنده ، ایکی تصادف ژردوک. بیز یولدا لمنده ، دانی شیردیک.

فعل در لحظه آغازین کار از ترکیب ریشه فعل ، علامت فعل فاعلیت صفتی (an) و سوند اضافی دا بوجود می آید و به شکل زیر به بخشهای مختلف تجزیه می شود :

(۱) ل gəl : فعل از مصدر لمک (فرم امری : بیا)

(۲) آن an : علامت فعل فاعلیت صفتی (مثل : لمن ، ائدن ، ژورن ، ولن و...)

(۳) ده də : سوندی که در آغازین کار و یا در عین انجام کار را بیان می کند.

- فعل در لحظه آغازین کار تنها با ضمیر منفصل شخصی بکار رفته می شود. این فعل عمدتاً در جملات دو بیتی بکار رفته می شود ؛ از اینکه این فعل زمان دقیق کار (گذشته حال و آینده) را بیان نمی کند ؛ نتیجتاً با کلمه قید زمانی بیان می شود :

لحظه آغازین : سن لمنده ، ساعات التی یدی. یاشار لمنده ، سلام وئردی. حسن دانی شاندا ، اؤسکوردو.

قۇش او ماندا وۇرولدو. سن لمنده ، من بۇرادا دیدیم . سن لمنده ، من قایینی ا مارام.

در عین انجام کار: بیز دونن قطار لا لمنده ، قاریاغیردی. بیز یولدا لمنده ، نه تصادف کؤردوک.

توجه : ا ر فعل فاعلیت صفتی با سوند ده ترکیب یابد ، همشکل با حالت

تصریفی اسم در حالت در صرف می شود. مثال :

لمنده ، ولنده ، الاندا ، قۇراندا ، و...

الف) فعلی که آخرین حرف صدادار آن با *ə* ختم می‌شود، به شکل زیر بوسیله ضمیر منفصل شخصی (بدون سوند صرفی) بکار رفته می‌شود:

فعلی که آخرین حرف صدادار آن با *ə* ختم می‌شود: *ə* ختم می‌شود:

| | | | | | | | |
|----|------|---------|-------------|--------|-------|---------|-------|
| من | مَنْ | گەلەندە | mən gələndə | بیز | مەندە | gələndə | biz |
| سن | سەن | گەلەندە | sən gələndə | سیز | مەندە | gələndə | siz |
| او | و | گەلەندە | o gələndə | اونلار | مەندە | gələndə | onlar |

این افعال سوند صرفی ندارند و تنها با ضمیر منفصل شخصی بکار رفته می‌شوند.

- فعل با مفهوم لحظه آغازین کار: او *مەندە*، من *مەندە*، بیزه سلام وئردی.

ی) فعلی که آخرین حرف صدادار آن با *ə* ختم می‌شود، به شکل زیر برای ضمائر شخصی صرف می‌شود:

| | | | | | | | |
|----|------|----------|-------|--------|----------|--------|-------|
| من | مَنْ | ای مەندە | مەندە | بیز | ای مەندە | içəndə | biz |
| سن | سەن | ای مەندە | مەندە | سیز | ای مەندە | içəndə | siz |
| او | و | ای مەندە | مەندە | اونلار | ای مەندە | içəndə | onlar |

این افعال دو سوند همراه (ən,də) دارند، که هر دو آنها با همایه کوک صرف می‌شوند

او سۇ ای ندە اؤسکوردو. او دانیشاندا، ولدو.

و) فعلی که آخرین حرف صدادار آن با *ə* ختم می‌شود: *ə* ختم می‌شود:

| | | | | | | | |
|----|------|---------|-------------|--------|---------|---------|-------|
| من | مَنْ | گۆرەندە | mən görəndə | بیز | گۆرەندە | görəndə | biz |
| سن | سەن | گۆرەندە | sən görəndə | سیز | گۆرەندە | görəndə | siz |
| او | و | گۆرەندە | o görəndə | اونلار | گۆرەندە | görəndə | onlar |

او سەمانی گۆرندە، دیسە یئندی. سەن سۇو سەندە، قوشلار اؤلدو (لار).

من قاماندا، ییخیلیدی. اؤقیز سۇو یسین گۆرندە، سئویندی.

- افعالی که آخرین حرف صدادار آنها با *ə* ختم می‌شود، به شکل زیر با ضمائر منفصل

شخصی (بدون سوند صرفی) بکار رفته شده و به بخشهای مختلف تجزیه می شوند :

| علامت آغازین کار | | ریشه افعال | | | | | | ضمایر شخصی | |
|--|----|------------|-----|-----|----|-----|-----|------------|--|
| این افعال ضمیر متصل شخصی ندارند و تنها با ضمایر منفصل شخصی بکار رفته می شوند. | də | ən | döz | gül | iç | ged | gəl | mən | |
| | də | | döz | gül | iç | ged | gəl | sən | |
| | də | | döz | gül | iç | ged | gəl | o | |
| | də | | döz | gül | iç | ged | gəl | biz | |
| | də | | döz | gül | iç | ged | gəl | siz | |
| | də | | döz | gül | iç | ged | gəl | on,lar | |

حرف صدادر سوند آغازین کار و علامت فعل فاعلیت صفتی هر دو با همآهنگی کو مک صرف می شوند.

ب) فعلی که آخرین حرف صدادر آن با آهنگ آئینی و با یکی از ا،i، o،u حرف باشد، به شکل زیر با ضمیر منفصل شخصی بکار رفته می شود :

فعلی که آخرین حرف صدادر آن با آهنگ آئینی و به حرف a ختم می شود :

| | | | | |
|-----------|------------|---------------|--------------|------------------------------|
| من الاندا | men alanda | بیز الاندا | biz alanda | این افعال تنها با ضمیر منفصل |
| سن الاندا | sən alanda | سیز الاندا | siz alanda | شخصی صرف می شوند و |
| او الاندا | o alanda | اونلار الاندا | onlar alanda | سوند صرفی ندارند. |

- شعری از شهریار : سئلر سۇلار شاقیلدیپ اخاندا فیزلار اونا سف باغلاپ باخاندا

- فعلی که آخرین حرف صدادر آن با آهنگ آئینی و به حرف ا ختم می شود :

| | | | | |
|------------|-------------|----------------|---------------|--------------------------------|
| من ییغاندا | men yıǵanda | بیز ییغاندا | biz yıǵanda | این افعال دو سوند (an, da) |
| سن ییغاندا | sən yıǵanda | سیز ییغاندا | siz yıǵanda | دارند که هر دو آنها با همآهنگی |
| او ییغاندا | o yıǵanda | اونلار ییغاندا | onlar yıǵanda | کو مک صرف می شوند. |

- او ماشیننی الاندا ئولونو دا وئردی. او داش اتاندا ، ییخیلدی.

فعلی که آخرین حرف صدادار ان به حرف o ختم شود ، به شکل زیر با ضمیر منفصل شخصی (بدون سوند صرفی) بکار رفته می شود :

| | | |
|---|--|---|
| این افعال دو سوند an, da همراه دارند ، که هر دو آنها با هماءه ی کو لك صرف می شوند | biz pozanda بیز ؤزاندا siz pozanda سیز ؤزاندا onlar pozanda اونلار ؤزاندا | mən pozanda من ؤزاندا sən pozanda سن ؤزاندا o pozanda او ؤزاندا |
|---|--|---|

- فعلی که آخرین حرف صدادار ان با اهه ئائینی و با حرف u می باشد :

| | | |
|---|--|---|
| این افعال تنها با ضمیر منفصل شخصی صرف می شوند و سوند صرفی (دیر) ندارند. | biz oxuyanda بیز اؤخویاندا siz oxuyanda سیز اؤخویاندا onlar oxuyanda اونلار اؤخویاندا | mən oxuyanda من اؤخویاندا sən oxuyanda سن اؤخویاندا o oxuyanda او اؤخویاندا |
|---|--|---|

- فعلی که آخرین حرف صدادار ان با اهه ئائینی باشد، به شکل زیر در لحظه اغازین کار با ضمیر منفصل شخصی بکار رفته شده و به بخشهای مختلف تجزیه می شود :

| علامت اغازین کار | علامت فعل فاعلیت صفتی | ریشه افعال | ضمایر شخصی |
|------------------|-----------------------|------------------------|------------|
| ↓ | ↓ | ↓ ↓ ↓ ↓ ↓ | ↓ |
| mə n | an | al yix yol uy | |
| sə n | an | al yix yol uy | |
| o | an | al yix yol uy | |
| biz | an | al yix yol uy | |
| siz | an | al yix yol uy | |
| onlar | an | al yix yol uy | |
| ↓ | ↓ | | |

این افعال سوند صرفی ندارند و تنها با ضمایر منفصل شخصی بکار رفته می شوند.

حرف صدادار سوند اغازین کار و علامت فاعلیت صفتی هر دو با هماءه ی کو لك صرف می شوند.

با مفهوم لحظه اغازین کار: ایت هورنده ، اؤشاق اغلادی. اؤ قایدان ای ری بیرنده ، ولدو.

ث) فعلی که آخرین حرف ان صدادار و با اهه بالائی باشد و به یکی از این چهار حرف e ، ə ، i ، ü ختم شود ، به شکل زیر همراه یك حرف تکمیلی y با ضمیر

منفصل شخصی (بدون سوند صرفی) بکار رفته شده و به بخشهای مختلف تجزیه می شود :

| علامت در آغازین کار | علامت فاعلیت صفتی | حرف تکمیلی | ریشه افعال | ضمایر شخصی |
|---------------------|-------------------|------------|------------|------------|
| də | ən | y | üşü | mən |
| də | ən | y | üşü | sən |
| də | ən | y | üşü | o |
| də | ən | y | üşü | biz |
| də | ən | y | üşü | siz |
| də | ən | y | üşü | on,lar |

این افعال ضمیر متصل شخصی ندارند و تنها با ضمایر منفصل شخصی بکار رفته می شوند.

حرف صدادار سوند در آغازین کار و سوند فعل فاعلیت صفتی هر دو با همآهنگی کوک صرف می شوند.

از علی اقا واحد : ئره جگ سنی عالم سئوینیر، قاش ائللر- سئوینیرلر. مه تابانی ورنده ، ...

دل ناله ائدر، او ول خندانی ورنده، بولبول لمر افغانه - ولوستانی ورنده.

- فعلی که آخرین حرف آن صدادار و با آهنگ مائینی باشد ، به شکل زیر بوسیله ضمیر

منفصل شخصی بکار رفته شده و به بخشهای مختلف تجزیه می شود :

| علامت در لحظه آغازین کار | علامت فاعلیت صفتی | حرف تکمیلی | ریشه افعال | ضمایر شخصی |
|--------------------------|-------------------|------------|------------|------------|
| da | an | y | toxu | mən |
| da | an | y | toxu | sən |
| da | an | y | toxu | o |
| da | an | y | toxu | biz |
| da | an | y | toxu | siz |
| da | an | y | toxu | onlar |

این افعال سوند صرفی ندارند و تنها با ضمایر منفصل شخصی بکار رفته می شوند.

حرف صدادار سوند در آغازین کار و علامت فاعلیت صفتی هر دو با همآهنگی کوک صرف می شوند.

توجه : دو حرف صدادار ö ، o ، حرف غیر فعالی هستند ، که آنها در آخر کلمات ترکی بکار رفته

نمی شوند. به همین دلیل در دو جدول مذکور بجای ۹ فعل ، تنها ۷ فعل صرف شده است.

۹) فعل از لحظه آغازین کار :

فعل از لحظه آغازین کار فعلی است ، که عملی را از لحظه آغازین کار تا زمان مشخصی بیان می کند. ا ر بخواهیم ، زمان مشخص ایانی کار را دقیقتر (گذشته و آینده) بیان کنیم ، باید به ان علامت و یا کلمه قید زمانی اضافه کنیم. مثال :

حسن لندن ، من بۇرادایام. (از لحظه ای که حسن آمد ، من در اینجا هستم.

حسن لندن ، بیر ساعات اولدو. (از ان لحظه ای که حسن آمد ، یک ساعت شد.

حسن لندن ، بۇ و نه جان بیر هفته اولدو. (از ان موقعی که حسن آمد ، تا امروز یک هفته شد.

حسن لندن ، عئنه جان بیر هفته اولدو. یاشار لندن ، بۇ و ن بیر ای اولدو.

صباح حسن لندن، بیر ای اولاجاق. (از ان موقعی که حسن آمد، فردا یک ماه خواهد شد.)

- فعل از آغازین کار (لندن) به شکل زیر از سه بخش مختلف ترکیب می یابد :

ل : ریشه فعل از مصدر لملک (آمدن)

آن : علامت فعل فاعلیت صفتی

دن : علامتی ، که از لحظه آغازین کار تا زمان مشخصی بیان می کند ، ولی ا ر

بخواهیم زمان ان را دقیقتر کنیم ، باید به ان کلمه قید زمانی بیافزائیم.

الف) فعلی که آخرین حرف صدادار ان با اهنه بالائی و به حرف ا ختم شود ، به

شکل زیر با ضمیر منفصل شخصی بکار رفته می شود :

| | | |
|---|----------------------------|----------------------|
| این افعال سوند صرفی ندارند و تنها با ضمیر منفصل شخصی بکار رفته می شوند. | بیز لندن biz gələndən | من لندن mən gələndən |
| | سیز لندن siz gələndən | سن لندن sən gələndən |
| | اونلار لندن onlar gələndən | او لندن o gələndən |

- فعل مذکور ، در زبان فارسی بوسیله جملات زیر بیان می شود :

سن لندن : از همان موقعی که تو آمدی. از همان لحظه که تو آمدی. از ان وقتی که تو آمدی.

فعلی که آخرین حرف صدادار آن به حرف **o** ختم شود ، به شکل زیر با ضمائر منفصل شخصی (بدون ضمیر متصل) بکار رفته می شود :

| | | |
|--|---|---|
| این افعال دو سوند همراه دارند، که هر دو آنها با هم می شوند | biz pozandan بیز siz pozandan سیز onlar pozandan اونلار | mən pozandan من sən pozandan سن o pozandan او |
|--|---|---|

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با **ə** ختم می شود ، به شکل زیر با فعل از لحظه آغازین کار بکار رفته شده و به شکل زیر به بخشهای مختلف تجزیه می شود :

| علامت از لحظه آغازین کار | علامت فعل فاعلیت صفتی | ریشه افعال | ضمایر شخصی |
|--------------------------|-----------------------|---------------|------------|
| dan | an | al yix yol uy | mə n |
| dan | an | al yix yol uy | sə n |
| dan | an | al yix yol uy | o |
| dan | an | al yix yol uy | biz |
| dan | an | al yix yol uy | siz |
| dan | an | al yix yol uy | onlar |

این افعال سوند صرفی ندارند و تنها با ضمائر منفصل شخصی بکار رفته می شوند.

حرف صدادار علامت فعل فاعلیت صفتی و علامت از آغازین کار هر دو با هم می شوند.

- افعال مذکور به شکل زیر در جمله بکار رفته می شوند :

حسن **لندن** ، من **بُورادایم** . (از لحظه ای که حسن آمد ، من در اینجا هستم .)

حسن **لندن** ، **بیر ساعات دیر** . (از موقعی که حسن آمد ، یک ساعت است .)

حسن **لندن** ، **بیر ایل اۆلدو** . (از آن موقعی که حسن آمده ، یک سال شد .)

سن **بُورایا لندن** ، **بیر هفته دیر** . او **لندن** **بیر ای دیر** . حسن **داشیناندان** ، **بیر ایل اۆلدو** .

ث) فعلی که آخرین حرف آن صدادار و با **ə** ختم می شود ، بالائی و با یکی از این چهار حرف **ü** ،

e , ə , i باشد، به شکل زیر يك حرف تکمیلی y بخود می یرد و با ضمائر منفصل شخصی بکار رفته شده و به بخشهای مختلف تجزیه می شود :

| علامت از آغازین کار | علامت فاعلیت صفتی | حرف تکمیلی | ریشه افعال | ضمایر شخصی |
|---------------------|-------------------|------------|-----------------|------------|
| mən | ən | y | ələ ye səri üşü | |
| sən | ən | y | ələ ye səri üşü | |
| o | ən | y | ələ ye səri üşü | |
| biz | ən | y | ələ ye səri üşü | |
| siz | ən | y | ələ ye səri üşü | |
| on,lar | ən | y | ələ ye səri üşü | |

این افعال ضمیر متصل شخصی ندارند و تنها با ضمایر منفصل شخصی بکار رفته می شوند.

سوند فعل فاعلیت صفتی و سوند از لحظه آغازین کار هر دو با هم اند ی کو ك صرف می شوند.

د) فعلی که آخرین حرف ان صدادار و با اند ئائینی باشد، به شکل زیر بوسیله ضمیر منفصل شخصی بکار رفته شده و به بخشهای مختلف تجزیه می شود :

| علامت از آغازین کار | علامت فاعلیت صفتی | حرف تکمیلی | ریشه افعال | ضمایر شخصی |
|---------------------|-------------------|------------|----------------|------------|
| mə n | an | y | qala sıri toxu | |
| sə n | an | y | qala sıri toxu | |
| o | an | y | qala sıri toxu | |
| biz | an | y | qala sıri toxu | |
| siz | an | y | qala sıri toxu | |
| onlar | an | y | qala sıri toxu | |

این افعال سوند صرفی ندارند و تنها با ضمایر منفصل شخصی بکار رفته می شوند.

حرف صدادار علامت فعل فاعلیت صفتی و سوند از آغازین کار هر دو با هم اند ی کو ك صرف می شوند.

- سن بۇ فرشی الاندان ، بیر ایل اولدو . سن بۇ ائوه داشیناندان ، ایکی ایل دیر .

توجه: دو حرف صدادار 0 ، o ، حروف غیر فعالی هستند، که در اخر کلمات ترکی بکار رفته نمی شوند ؛ به همین دلیل در دو جدول مذکور بجای 9 فعل تنها 7 فعل صرف شده است.

۱. فعل تا انتهای کار (تا لحظه پایان کار) :

فعل تا انتهای کار فعلی است ، که پایان کار را بیان می کند. این فعل معمولاً در جملات دو بیتی بکار رفته می شود ، که در بیت اول آن انتهای کار و در بیت دوم آن وزن ی اتفاقاتِ بوقوع پیوسته تا انتهای کار بیان می شود.

فعل تا انتهای کار از ترکیب ریشه فعل ، سوند فعل فاعلیت صفتی (an) و سوند انتهای کار (acan) تشکیل می یابد ، که حروف صدادار هر دو سوند آن وابسته به آخرین حرف صدادار ریشه فعل است ، که هر دو آنها با هم اند ی کو لک صرف می شوند :

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با هذ مائینی و به حرف a ختم می شود :

| | | | |
|-------------|--------------|-----------------|----------------|
| من الاناجان | mən alanacan | بیز الاناجان | biz alanacan |
| سن الاناجان | sən alanacan | سیز الاناجان | siz alanacan |
| او الاناجان | o alanacan | اونلار الاناجان | onlar alanacan |

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با هذ مائینی و به حرف ا ختم می شود :

| | | | |
|--------------|---------------|------------------|-----------------|
| من ییغاناجان | mən yıǵanacan | بیز ییغاناجان | biz yıǵanacan |
| سن ییغاناجان | sən yıǵanacan | سیز ییغاناجان | siz yıǵanacan |
| او ییغاناجان | o yıǵanacan | اونلار ییغاناجان | onlar yıǵanacan |

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن به حرف o ختم می شود :

| | | | |
|-------------|---------------|-----------------|-----------------|
| من ۇزاناجان | mən pozanacan | بیز ۇزاناجان | biz pozanacan |
| سن ۇزاناجان | sən pozanacan | سیز ۇزاناجان | siz pozanacan |
| او ۇزاناجان | o pozanacan | اونلار ۇزاناجان | onlar pozanacan |

- توجه شود که افعال مذکور، نوعی از فعل مذشته (بدون علامت مذشته) در آینده بحساب می آید. مثال:

او لمنه جان، بیز بۇ ایشی قۇرتارایق . سن بۇرایا لمنه جان ، من ئلدرم.

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با اهذ ائینی باشد، به شکل زیر بوسیله ضمیر منفصل شخصی بکار رفته شده و به بخشهای مختلف تجزیه می شود :

| علامت فعل تا لحظه ایانی کار | علامت فاعلیت صفتی | ریشه افعال | ضمایر شخصی |
|-----------------------------|-------------------|------------|------------|
| ↓ | ↓ | ↓ | ↓ |
| acan | an | qur | mə n |
| acan | an | qur | sə n |
| acan | an | qur | o |
| acan | an | qur | biz |
| acan | an | qur | siz |
| acan | an | qur | onlar |

این افعال سوند صرفی ندارند و تنها با ضمایر منفصل شخصی بکار رفته می شوند.

حرف صدادار سوند فعل فاعلیت صفتی و علامت انتهای کار با هماهنگی کوک صرف می شوند.

- قالاناجان ، سایاناجان ، یاناناجان ، ئدنه جن ، لئنه جن ، وله نه جن ، ...

فعلی که آخرین حرف صدادار آن با اهذ بالائی باشد و به حرف ə ختم شود ، به شکل زیر با ضمیر منفصل شخصی بکار رفته می شود :

| | | | | | |
|----|---------|---------------|--------|---------|-----------------|
| من | لئنه جن | mən gəl əcən | بیز | لئنه جن | biz gələncən |
| سن | لئنه جن | sən gələnəcən | سیز | لئنه جن | siz gələnəcən |
| او | لئنه جن | o gələncən | اونلار | لئنه جن | onlar gələnəcən |

- در مواردی سوند اجن ، به نادرست به شکل سوند اجان نیز مورد استفاده قرار می یرد.

فعلی که آخرین حرف صدادار آن به حرف ö ختم می شود :

| | | | | | |
|----|-----------|---------------|--------|-----------|-----------------|
| من | ؤره نه جن | mən görənəcən | بیز | ؤره نه جن | biz görənəcən |
| سن | ؤره نه جن | sən görənəcən | سیز | ؤره نه جن | siz görənəcən |
| او | ؤره نه جن | o görənəcən | اونلار | ؤره نه جن | onlar görənəcən |

- او سنی ئرنجن ، کیتاب اوخووردو. او اؤشاقلار بیر بیرینی ئرنه جن راحت سیز ایدیلار.

- فعلی که آخرین حرف آن صدادار و با اِهَن بالائی و با یکی از این چهار حرف ü، i، e، ə باشد، به شکل زیر یک حرف تکمیلی y بخود می یزد و با ضمائر منفصل شخصی بکار رفته شده و به بخشهای مختلف تجزیه می شود:

| علامت انتهای کار | علامت فاعلیت صفتی | حرف تکمیلی | ریشه افعال | ضمایر شخصی |
|------------------|-------------------|------------|-----------------|------------|
| mən | ən | y | ələ ye səri üşü | |
| sən | ən | y | ələ ye səri üşü | |
| o | ən | y | ələ ye səri üşü | |
| biz | ən | y | ələ ye səri üşü | |
| siz | ən | y | ələ ye səri üşü | |
| on,lar | ən | y | ələ ye səri üşü | |
| əcən | ən | y | ələ ye səri üşü | |
| əcən | ən | y | ələ ye səri üşü | |
| əcən | ən | y | ələ ye səri üşü | |
| əcən | ən | y | ələ ye səri üşü | |
| əcən | ən | y | ələ ye səri üşü | |
| əcən | ən | y | ələ ye səri üşü | |

این افعال ضمیر متصل شخصی ندارند و تنها با ضمائر منفصل شخصی بکار رفته می شوند.

حرف صدادار سوند فعل فاعلیت صفتی و علامت انتهای کار با هماهنگی کوک صرف می شوند.

- فعلی که آخرین حرف آن صدادار با اِهَن مائینی باشد، به شکل زیر بوسیله ضمیر منفصل شخصی بکار رفته شده و به بخشهای مختلف تجزیه می شود:

| علامت انتهای کار | علامت فاعلیت صفتی | حرف تکمیلی | ریشه افعال | ضمایر شخصی |
|------------------|-------------------|------------|----------------|------------|
| mən | an | y | qala sıri toxu | |
| sən | an | y | qala sıri toxu | |
| o | an | y | qala sıri toxu | |
| biz | an | y | qala sıri toxu | |
| siz | an | y | qala sıri toxu | |
| onlar | an | y | qala sıri toxu | |
| acan | an | y | qala sıri toxu | |
| acan | an | y | qala sıri toxu | |
| acan | an | y | qala sıri toxu | |
| acan | an | y | qala sıri toxu | |
| acan | an | y | qala sıri toxu | |
| acan | an | y | qala sıri toxu | |

این افعال سوند صرفی ندارند و تنها با ضمائر منفصل شخصی بکار رفته می شوند.

حرف صدادار سوند فعل فاعلیت صفتی و علامت انتهای کار با هماهنگی کوک صرف می شوند.

- قالایاناجان، سیری یاناجان، توخویاناجان، و...

توجه: دو حرف صدادار ö، o، حروف غیر فعالی هستند، که در آخر کلمات ترکی بکار رفته نمی شوند.

- فعل فاعلیت صفتی در فرم صفت و در حالت تصریفی :

ا ر با فعل فاعلیت صفتی، اسم و ضمیر شخصی وصف شود ، جنبه وصفی ان بر جنبه اسمی و فعلی ان برحسته تر می شود. مثال :

ساتیلان ائو اوجوز دور. ساتیلمایان ماشین باهالیدیر. او اغلایان اوشاق ، منیم قیزیمدیر. او ، ائولنن اوغلان ، منیم قارداشیم دیر. تهرانا مدن خانیم ، منیم انام دیر. بۇرایا لمن خانیم ، منیم باجیم دیر. اورایا لمن اوغلان ، منیم قارداشیم دیر. اورادا قالان اوغلان ، منیم قارداشیم دیر. اؤنون قایسینی دؤیوب و ا مان یۇخدور. اؤنا ؤنول وئرن یۇخدور.

- در رابطه با فعل فاعلیت صفتی به اشعار زیر توجه کنید ، که انها با مفهوم اسم ، فعل و صفت بکار رفته شده اند :

علی اکبر طاهر زاده: ای تۆکن ملالارین کامنه شربت نؤروز اغنیالر له قۇران مجلس عشرت نؤروز
سندە هرکس سئوینیر، س نه یه انجاق فقرا کیر اولادینی وردو کجه خجالت نؤروز...
قاضی ضریر: بۇدور اول عشقیله کۆنلوم ا مله ین جانوم ای یندکی سلطانوم بنوم (سلطانیم منیم)
بۇدور اول (او) ؤنلومو یغما ائیله ین جانوم اؤلسون اؤنا قوربانوم بنوم (قوربانیم منیم)...
احمد جواد اخوند زاده: من هر لمن بیر مایس دا مک ؤخ امیدلر باغلارام...
اغلاتدیغیم تلده اینله نن اواز ائلین خاطرینده ؤخ قالاجاقدیر....
دۇمانلی داغلاردان لمن سؤالا بیر جواب المامیش ، سؤرالی ؤی ؤل
بختیار وهاب زاده: اه باشیما تۇمار کن ، اه ایلان تک الان دنیا.
اه سینه مه داغ کن اه کۆنلومو الان دنیا؟
اه داغیلان ، اه قۇرولان ، بعضاً ا مان ، بعضاً سۇلان ،
ملنلری یولا سالان ، اؤزو باقی قالان دنیا....

فعل فاعلیت صفتی به شکل اسم در حالت‌های تصریفی :

۱- ا ر فعل فاعلیت صفتی در جمله مستقل بکار رفته شود و یا در حالت تصریفی صرف شود ، اسم محسوب می‌شود. نین اسمی ، با حفظ خصلت فاعلی و وصفی خود ، به شکل زیر در فرم اسم (اسم بدلی) و یا ضمیر شخصی بکار رفته می‌شود :

حالت فاعلیت اسم (فعل فاعلیت صفتی در فرم اسم)

لمن ، ئدن ، یازان ، بیلن ، دئین ، قالان ، این ، ولن ، قان ، سوزن ، و...
کلمات مذکور به شکل زیر در جمله بجای اسم بکار رفته می‌شوند :

لمن : کسی که می‌اید. بُورایا لمن یم دیر؟ (ان شخصی که به اینجا امد ، که کسی است؟)
بُورایا لمن ، منیم قارداشیم دیر. (ان شخصی که به اینجا امد ، برادر من است.)

حالت مفعول با واسطه به : (ا ، ا حالی)

لمنه ، بیلنه ، ئرنه ، وله نه ، الانا ، قانا ، دُیانا ، دُزنه ، و...
کلمات مذکور به شکل زیر در جمله بجای اسم بکار رفته می‌شوند :

بُورایا لمنه دئ ، او منیم یانیمالسن. (ان کسی که به اینجا امد ، به او ب و ، به یش من بیاید.)
لمنه سؤز دئمک اؤلماز. من اؤنا دئدیم ، امما ، هر لمنه دئمه رم . هر لمنه و ئدنه سؤز وئرمک اؤلماز. یالان دئییه نه ، اینانماق اؤلماز.

فعل فاعلیت صفتی در حالت با واسطه به ، با کلمه قیدی قدر و یا قدار بکار رفته می‌شود ، که ان مفهوم انتهای قید زمانی و قید مکانی و یا قید اعدادی را در خود انعکاس می‌دهد. مثال :

من لمنه قدر ، سن اؤرادا قال. سن ایکی ساعتا قدر ، اؤرایا ئت. سن صاباحا قدر بُورادا قال.
بُ اغاج ای یرمی متره قدر بؤیویه بیلر. سن دئییه نه قدر ، من بُورادا قالارام. تبریز دن
تهرانا قدر تقریباً ۲۰ کیلومتر اؤلار.

- جملات مذکور با علامت انتهای کار (اجن و اجان) ، با مفهوم انتهای قید زمان و مکان نیز صرف می‌شوند. مثال :

تبریزدن تهرانجان. بۇ وندن صاباجان. سیزدن بیزه جان. بۇرادان اۇرایاجان. ...

حالت مفعول با واسطه با حرف اضافی در : (ده ، دا حالی)

لنده ، اکنده ، ؤرنده ، ولنده ، الاندا ، ییغاندا ، سۇلاندا ، دۇراندا ، ...

کلمات مذکور به شکل زیر در جمله در جای اسم بکار رفته می‌شوند :

بۇ اغاجلاری آنده ، ئوخ اینسالیق ایست ی وارییدی. بۇ سۆزون جوایین بۇرایا لملردن سۇر.

- با وجودی که کلمه لنده در حالت تصریفی صرف شده و اسم محسوب می‌شود ، ولی از

اینکه سوند ان همشکل با سوند فعل در لحظه اغازین کار است ، نتیجتاً ان عمده شده و با مفهوم فعل صرف می‌شود. مثال:

سن لنده ، من ئتدیم. (وقتی [لحظه ای] که تو امدی من رفتم.)

ئۇش اۇ ماندا وۇرۇلدو. (همان لحظه ای که رنده رواز کرد ، زده شد. [شکار شد.])

حالت مفعول با واسطه با حرف اضافی از : (دن ، دان حالی)

بیلندن ، ؤرندن ، ولندن ، الاندان ، ییغاندان ، دۇراندان ، سوزندن ،

ییغاندان ، ساتاندان ، ییغیندن ، وله شندن ، بیله نندن ، سوت امندن

کلمات مذکور به شکل زیر با مفهوم اسم و فعل در جمله بکار رفته می‌شوند :

- به شکل اسم :

من ، بۇ سۆزون معناسینی بیلیمیرم ، اۇنون معناسینی بیللردن سۇر. بۇ سؤالی، بۇرایا لملدن سۇر.

بۇ ماشینی الان ، کیم دیر؟ بۇ ماشینی ساتان ، کیم دیر؟

- به شکل فعل :

سن تبریزه لملدن ، دونن بیر هفته اۇلدو. اۇ مریض اۇلاندان بیر هفده اۇلوبدور.

سن لندن ، من بۇرادایم . سن بۇرایا لندن ، صاباح بیرای اۇلار .

حالت مفعول بی واسطه را : (ی حالی)

بیله نی ، ؤرنی ، وله نی ، الانی ، ییغانی ، سۇرانى ، دۇرانى ، ساواشانى ، اۇخویانى ، ..
کلمات مذکور به شکل زیر در جمله بکار رفته می شوند :

سن ، بۇ ماشینى الانى ؤردون مو؟ سن بۇ اغاجلارى كسه نى ، ؤردون مو؟
سن بۇرایا لنى تانى پیرسان مى ؟ سیز بۇرادا قالین و بۇرایا لملری سایین

اضافه (ضمیر) ملکی : (این حالی)

بیله نین ، یئیه نین ، ؤرنین ، وله نین ، الانین ، ییغانین ، سۇرانین . ..
کلمات مذکور به شکل زیر در جمله بکار رفته می شوند :
بۇ ایشى ؤره نین هء عاغلى وار مى ؟ بۇ سؤزو دئییه نین فکرى نه ایدی ؟
بۇرایا لنین اتى وار مى ؟ . بۇرایا لنین ، اتى یۇخدور . بۇرایا له نین ، هء زادى یۇخدور .

فعل فاعلیت صفتی در ترکیبات مختلف :

ئدن لن (سى كه مىرود و مى اید.) لن ئدن (التى در موتور ماشین) ، ..
ئدیب لن ، ائشیدن بیلن ، ائشیدیب ولن ، مالیب لمان ، دئییب ولن . ..
کلمات مذکور به شکل زیر در جمله بکار رفته می شوند :
بیر ای دیر کی بۇرایا ئدیب لن یۇخدور . بۇ سؤزو ائشیدیب بیلن یۇخدور .

ترکیب اسم با فعل فاعلیت صفتی :

- ائوالان ، دۇوار ییخان ، سۇ ساتان ، ائوالان ، قای امان ، دۇوار سالان ، ...

ترکیب فعل فاعلیت صفتی با اسم :

ساتیلان ماشین (ساتیلان - ماشین) ، سالینان دۇوار ، ییخلان ائو ، ...

(۱۱) فعل کمکی و فرمهای مختلف آن :

فعل کمکی فعلی است ، که بوسیله آن کلمات مختلف صرف شده و یا کلماتی که به تنهایی برای ضمائر شخصی قابل صرف نیستند ؛ بوسیله آن صرف شده و یا به کمک آن بطریق مختلف در جمله بکار رفته می شوند.

- در زبان ترکی ، ریشه مصدرهای ايمك ، بيلمك ، اولماق ، ائتمك و وارماق افعالی هستند ، که به کمک آنها کلمات مختلف ترکیب یافته و بکار رفته می شوند.

(۱) ریشه مصدر ايمك ،

فعلی است ، که به کمک آن کلمات مختلف در فرمهای ونا وون برای ضمائر شخصی صرف می شود. این فعل با نام ضمیر متصل شخصی و یا سوند صرفی در صفحه ۸ - ۱۷۲ بکار رفته شده است.

(۲) فعل کمکی بيل bil : (دانستن)

فعل کمکی بيل ، از ریشه مصدر بيلمك bilmək مشتق شده و به تنهایی و یا در ترکیب با کلمات دیگر برای ضمائر شخصی صرف می شود. مثال :

- فعل در زمان حال : بيليرم ، بيليرسن. - فعل در آینده نزدیک : بيلرم ، بيلرسن .

- فعل در آینده دور: بيله جه يم . - فعل مصدری : بيلمکده يم . و...

فعل ترکیبی در فرم امری : لمه بيل ، دئيه بيل ، دینه بيل ، ئره بيل ، و..

دو مانه مصدری: لمك بيلمك ، يازماق بيلمك ، قورماق بيلمك ، الماق بيلمك ، و ...

صرف دو مانه مصدری : يازماق بيليرم ، قورماق بيليرم ، و...

فعل کمکی بيل با خود نیز ترکیب یافته و صرف می شود : بيله بيليرسن ، بيله بيله جيم ، و...

(a) ا ر فعل کمکی بيل با کلمه دي ر ترکیب یابد ، ما بين انها يك حرف

میانوند (a و یا ə) اضافه شده و بعنوان فعل مرکب ، به شکل زیر در فرمهای

مختلف بکار رفته می شود. مثال :

فعلی که آخرین حرف صدادار آن با اهڭ بالائی باشد ، با میانوند ə به شکل زیر در زمان حال برای ضمائر شخصی صرف می شود :

| | | | | | | | |
|-------|-------------------|--------|---------------|-----|-----------------|----|------------|
| biz | gələ bil ir ik | بیز | له بیلیریک | mən | gələ bil ir əm | من | له بیلیرم |
| siz | gələ bil ir siniz | سیز | له بیلیرسینیز | sən | gələ bil ir sən | سن | له بیلیرسن |
| onlar | gələ bil ir lər | اونلار | له بیلیرلر | o | gələ bil ir | او | له بیلیر |

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن به حرف ö ختم می شود :

| | | | | | | | |
|-------|------------------|--------|----------------|-----|----------------|----|-------------|
| biz | görəbil ir ik | بیز | ؤره بیلیریک | mən | görəbil ir əm | من | ؤره بیلیرم |
| siz | görəbil ir siniz | سیز | ؤره بیلیرسینیز | sən | görəbil ir sən | سن | ؤره بیلیرسن |
| onlar | görəbil ir lər | اونلار | ؤره بیلیرلر | o | görəbil ir | او | ؤره بیلیر |

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با اهڭ بالائی باشد، به شکل زیر برای ضمائر شخصی صرف و به بخشهای مختلف تجزیه می شوند :

| ضمائر شخصی | ریشه افعال | | | | | | حرف میانوند | فعل کمکی | علامت زمان | سوند صرفی |
|------------|------------|-----|----|-----|-----|--|-------------|----------|------------|-----------|
| mən | gəl | ged | iç | gül | döz | | ə | bil | ir | əm |
| sən | gəl | ged | iç | gül | döz | | ə | bil | ir | sən |
| o | gəl | ged | iç | gül | döz | | ə | bil | ir | (dir) |
| biz | gəl | ged | iç | gül | döz | | ə | bil | ir | ik |
| siz | gəl | ged | iç | gül | döz | | ə | bil | ir | siniz |
| onlar | gəl | ged | iç | gül | döz | | ə | bil | ir | dir, lər |

فعل ئد به شکل ئت نیز بکار رفته می شود.

سوند صرفی دیر معمولاً برای سوم شخص مفرد بکار رفته نمی شود.

فعلی که آخرین حرف صدادار آن با اهڭ بالینی باشد با میانوند a به شکل زیر در

کمکی بیل در زمان اینده نزدیک برای ضمائر شخصی صرف می شود :

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن به حرف ə ختم می شود :

| | | | |
|-------|-------------------|--------|--------------|
| mən | gələ bil ərəm | من | له بیلرم |
| sən | gələ bil ər sən | سن | له بیلرسن |
| o | gələ bilər | اؤ | له بیلر |
| biz | gələ bil ər ik | بیز | له بیلریک |
| siz | gələ bil ər siniz | سیز | له بیلرسینیز |
| onlar | gələ bil ər lər | اونلار | له بیلرلر |

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن به حرف ö ختم می شود :

| | | | |
|-------|-------------------|--------|---------------|
| mən | görə bil ərəm | من | ؤره بیلرم |
| sən | görə bil ər sən | سن | ؤره بیلرسن |
| o | görə bilər | اؤ | ؤره بیلر |
| biz | görə bil ər ik | بیز | ؤره بیلریک |
| siz | görə bil ər siniz | سیز | ؤره بیلرسینیز |
| onlar | görə bil ər lər | اونلار | ؤره بیلرلر |

افعالی که آخرین حرف صدادار آن با اِهْ بالائی باشد ، به شکل زیر برای ضمائر شخصی

صرف و به بخشهای مختلف تجزیه می شوند :

| ضمائر شخصی | ریشه افعال | میانوندی | فعل کمکی | سوند اینده نزدیک | سوند صرفی |
|------------|--------------------|----------|----------|------------------|-----------|
| mən | gəl ged iç gül döz | ə | bil | ər | əm |
| sən | gəl ged iç gül döz | ə | bil | ər | sən |
| o | gəl ged iç gül döz | ə | bil | ər | (dir) |
| biz | gəl ged iç gül döz | ə | bil | ər | ik |
| siz | gəl ged iç gül döz | ə | bil | ər | siniz |
| onlar | gəl ged iç gül döz | ə | bil | ər | dir,lər |

این دو سوند با هماهنگی کوک صرف می شود.

این چهار ضمیر متصل شخصی با هماهنگی بزر صرف می شوند.

فعل نمد به شکل ئت نیز بکار رفته می شود.

فعلی که آخرین حرف صدادار آن با اِهْ ائینی باشد ، به شکل زیر همراه علامت

میانوند ، به کمک فعل بیل در زمان آینده نزدیک صرف می شود. مثال :

فعلی که آخرین حرف صدادار آن به حرف ا ختم می شود :

| | | | | | |
|-------|------------------|----------------|--------|--------------------|----------------|
| biz | yığabil ər ik | بیغابیلریک | بیز | mən yığabil ər əm | من بیغابیلرم |
| siz | yığabil ər siniz | بیغابیلر سینیز | سیز | sən yığabil ər sən | سن بیغابیلر سن |
| onlar | yığabil ər lər | بیغابیلرلر | اونلار | o yığabil ər | او بیغابیلر |

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن به حرف o ختم می شود :

| | | | | | |
|-------|------------------|----------------|--------|--------------------|----------------|
| biz | sorabil ər ik | سورابیلریک | بیز | mən sorabil ər əm | من سورابیلرم |
| siz | sorabil ər siniz | سورابیلر سینیز | سیز | səm sorabil ər sən | سن سورابیلر سن |
| onlar | sorabil ər lər | سورابیلرلر | اونلار | o sorabil ər | او سورابیلر |

- افعال مذکور به شکل زیر برای ضمائر شخصی صرف شده و به بخشهای مختلف

تجزیه می شوند. مثال

| ضمائر شخصی | ریشه افعال | | | | حرف میانوندی | فعلی کمکی | علامت آینده نزدیک | سوند صرفی |
|------------|------------|-----|-----|-----|--------------|-----------|-------------------|-----------|
| mən | qal | yığ | sor | dur | a | bil | ər | əm |
| sən | qal | yığ | sor | dur | a | bil | ər | sən |
| o | qal | yığ | sor | dur | a | bil | ər | (dir) |
| biz | qal | yığ | sor | dur | a | bil | ər | ik |
| siz | qal | yığ | sor | dur | a | bil | ər | siniz |
| on,lar | qal | yığ | sor | dur | a | bil | ər | dirlər |

سوند صرفی برای
اول و دوم شخص
مفرد با هماهنگی
و ك صرف
می شود.

سوند صرفی این چهار ضمیر متصل شخصی با هماهنگی بزر صرف می شود.

- افعال مذکور از ترکیب دو فعل ساخته می شوند ، که حرف میانوند آنها وابسته به آخرین حرف صدادار اولین فعل و حرف

صدادار علامت آینده نزدیک و سوند صرفی آنها وابسته به آخرین حرف صدادار دومین فعل (بیل) می باشد.

c (فعلی که آخرین حرف صدادار آن با اهـ آئینی باشد، به شکل زیر به کمک فعل

بیل در زمان آینده دور برای ضمائر شخصی صرف می شود :

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن به حرف ا ختم می شود :

| | | | | | |
|-------|------------------|----------------------|-----|----------------|-------------------|
| biz | yığabiləcəyik | بیز ییغاییله جییک | mən | yığabiləcəyəm | من ییغاییله جه یم |
| siz | yığabiləcəksiniz | سیز ییغاییله جکسینیز | sən | yığabiləcəksən | سن ییغاییله جکسن |
| onlar | yığabiləcəklər | اونلار ییغاییله جکلر | o | yığabiləcək | او ییغاییله جک |

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن به حرف o ختم می شود :

| | | | | | |
|-------|------------------|----------------------|-----|----------------|------------------|
| biz | sorabiləcəyik | بیز سوراییله جییک | mən | sorabiləcəyəm | من سوراییله جیم |
| siz | sorabiləcəksiniz | سیز سوراییله جکسینیز | sən | sorabiləcəksən | سن سوراییله جکسن |
| onlar | sorabiləcəklər | اونلار سوراییله جکلر | o | sorabiləcək | او سوراییله جک |

- افعال مذکور به شکل زیر صرف و به بخشهای مختلف تجزیه می شوند. مثال :

| سوند صرفی فعل ایمک | علامت آینده دور | فعلی کمکی بیل | حرف میانوندی | ریشه افعال | ضمایر شخصی |
|--------------------|-----------------|---------------|--------------|-----------------|------------|
| mən | ə c ə y | bil | a | qal yığ sor dur | |
| sən | ə c ə k | bil | a | qal yığ sor dur | |
| (dir) | ə c ə k | bil | a | qal yığ sor dur | o |
| ik | ə c ə y | bil | a | qal yığ sor dur | biz |
| siniz | ə c ə k | bil | a | qal yığ sor dur | siz |
| (dir) lər | ə c ə k | bil | a | qal yığ sor dur | on,lar |

در صرف فعل آینده دور برای اول شخص مفرد و جمع ، آخرین حرف صدادار علامت آینده (k) در بین دو حرف صدادار قرار گرفته و به حرف (y) تبدیل می شود.

- افعال مذکور از ترکیب دو فعل ساخته می شوند، که حرف میانوند آنها وابسته به آخرین حرف صدادار اولین

فعل و علامت آینده و سوند صرفی آنها وابسته به آخرین حرف صدادار دومین فعل (بیل) می باشد.

۱) فعل کمکی بیل با سوند مصدری :

ا ر به فعل ترکیبی کمکی ، سوند مصدری یوند دهیم ، به مصدر تبدیل می شود. مثال :

له بیلیمک ، ایله بیلیمک ، ژره بیلیمک ، دوزه بیلیمک ، سوزه بیلیمک و...
الایلیمک ، ییخاییلیمک ، سؤرا بیلیمک ، دؤرایلیمک ، او مایلیمک ، و..

مصدرهای مذکور به شکل زیر به بخشهای مختلف تجزیه می شوند :

| سوند مصدری | فعل کمکی | حرف میانوند برای فعل کمکی | ریشه افعال |
|------------|----------|---------------------------|------------|
| m ə k | bil | ə | ged |
| m ə k | bil | ə | düz |
| m ə k | bil | a | qal |
| m ə k | bil | a | sor |

حرف صدادار این افعال با اهنه بالائی است.

حرف صدادار این افعال با اهنه مائینی است.

حرف میانوند a وابسته به آخرین حرف صدادار فعل ماقبل خود است.

مصدرهای مذکور به شکل زیر بوسیله فعل ایمک برای ضمائر شخصی صرف می شوند :

| مصدر | صرف مصدر برای اول شخص مفرد | معنی فارسی مصدر صرف شده |
|------------|--|-------------------------|
| الایلیمک | mənim ala bilməyim منیم آلا بیلمه ییم | توان و نحوه رفتن من |
| له بیلیمک | mənim gələ bilməyim منیم له بیلمه ییم | توان و نحوه آمدن من |
| وله بیلیمک | mənim gülə bilməyim منیم وله بیلمه ییم | توان و نحوه خندیدن من |
| یازاییلیمک | mənim yaza bilməyim منیم یازاییلمه ییم | توان و نحوه نوشتن من |

- کلمات مذکور به شکل زیر در جمله بکار رفته می شوند :

منیم بۇ ائوی الایلمه ییم بانک ین بۇرج وئرمه ییندن [وئرمه سیندن] اسیلیدیر (باغلیدیر) .

(منیم بۇ ائوی الایلمه ییم بانک ین نه جور ؤل بۇرج وئرمه سیندن باغلیدیر[اسیلیدیر].)

سنین ماشین الایلمه یین ، سنین جیبی نین (جیبی یین : جیبیوین) ؤلونندان اسیلیدیر .

تعطیل ده ، بیزیم مسافرته ئتمه ییمیز ، اؤشاقلارین امتحانلاردان قبول اؤلماقلاریندان اسیلیدیر.

فعل کمکی بیل و سوند دو انه مصدری :

ا ر از مصدر مرکب ، میانوند a و یا ə (مثل: gal ə bilmək) را حذف کنیم و

بجای آن یک سوند مصدری به ان اضافه کنیم، به مصدر دو انه مصدری تبدیل شده و

با مفهوم جدیدی بکار رفته می شود. مثال :

اوزمک بیلیمک üzməkbilmək (شنا کردن (توانستن [بلد بودن)

یازماق بیلیمک yazmaqbilimək (نوشتن [دانستن [بلد بودن .)

دانیشماق بیلیمک danışmaq bilmək (صحبت کردن بلد بودن .)

سورمک بیلیمک (سوار شدن [راندن [بلد بودن) . اؤینماق بیلیمک (بازی کردن بلد بودن .)

کلمات مذکور ، با سوند دو انه مصدری به شکل زیر به بخشهای مختلف تجزیه

می شوند :

| ریشه افعال | | | | سوند مصدری | فعلی کمکی بیل | سوند مصدری |
|--|-----|-----|-----|---|---------------|------------|
| qal | yığ | sor | dur | maq | bil | m ə k |
| qal | yığ | sor | dur | maq | bil | m ə k |
| qal | yığ | sor | dur | maq | bil | m ə k |
| qal | yığ | sor | dur | maq | bil | m ə k |
| qal | yığ | sor | dur | maq | bil | m ə k |
| qal | yığ | sor | dur | maq | bil | m ə k |
| حرف صدادر سوند مصدری وابسته به فعل ماقبل خود می باشد | | | | حرف صدادر سوند مصدری وابسته به فعل ماقبل خود است. | | |

- مصدرهای دو انه مذکور به شکل زیر در جمله بکار رفته می شوند. مثال :

بۇ زماندا هر کیمه یازماق بیلیمک لازیم دیر. bu zamanda hər kimə yazmaq bilmək lazımdır.

ایندی هر کیم یازیب قۇزماق بیلر، امما قدیم زماندا، یازیب قۇزماق بیلیمک اؤزو بیر هنر ایدی.

(امروزه هرکس خواندن و نوشتن بلد است، اما در زمان قدیم، خواندن و نوشتن برای خود هنری بود.)

- کلمه دو انه مصدری، همانند سایر مصدرهای ساده می باشد، که ا ر آخرین

سوند مصدری ان را حذف کنیم، به ریشه فعل تبدیل شده و بعنوان فعل مرکب به

اشکال مختلف برای ضمایر شخصی صرف می شود. مثال:

مصدر مرکبی که آخرین حرف صدادار اولین فعل ان با اهنه مائینی باشد، با سوند maq، با فعل بیل به فعل ترکیبی مبدل شده و با سوند ir در زمان حال صرف می شود:

| | | | | |
|----|------------------|-----------------------|--------|---------------------|
| من | دانیشماق بیلیرم | mən danışmaq bilirəm | بیز | دانیشماق بیلیریک |
| سن | دانیشماق بیلیرسن | sən danışmaq bilirsən | سیز | دانیشماق بیلیرسینیز |
| او | دانیشماق بیلیر | o danışmaq bilir | اونلار | دانیشماق بیلیرلر |

مصدر مرکبی که آخرین حرف صدادار فعل اولی و فعل دومی ان با اهنه بالائی باشد،

به شکل زیر در زمان حال برای ضمایر شخصی صرف می شود:

| | | | | |
|----|---------------|--------------------|--------|------------------|
| من | اوزمک بیلیرم | mən üzmək bilirəm | بیز | اوزمک بیلیریک |
| سن | اوزمک بیلیرسن | sən üzmək bilirsən | سیز | اوزمک بیلیرسینیز |
| او | اوزمک بیلیر | o üzmək bilir | اونلار | اوزمک بیلیرلر |

من یازماق بیلیرم، من سؤز دانیشماق بیلیرم. من جوت سورمک و ماشین سورمک بیلیرم. و..

من ایشله مک بیلیرم، سن ایشله مک بیلیرسن، او ایشله مک بیلیر

بیز ایشله مک بیلیریک، سیز ایشله مک بیلیرسینیز، اونلار ایشله مک بیلیرلر

فعل دو انه مصدری به شکل زیر در زمان اینده نزدیک صرف می شود:

من الماق بیلرم (من خریداری [طرز خرید] بلد هستم.)

من دانیشماق بیلرم (من صحبت کردن بلدم .)
 من ایشله مک بیلرم (من کار کردن بلدم .)

فعل دو مانه مصدری ، به شکل زیر در فرم امری برای ضمائر شخصی صرف می شود :

| | | | |
|--------------------|------------------|--------------------------|------------------------|
| من اۇخوماق بیلیم | mən oxumaq bilim | بیز اۇخوماق بیلەك | biz oxumaq bilək |
| سن اۇخوماق بیل | sən oxumaq bil | سیز اۇخوماق بیلین | siz oxumaq bilin |
| اۇ اۇخوماق بیل سین | o oxumaq bilsin | اۇنلار اۇخوماق بیل سینلر | onlar oxumaq bilsinlər |

- مکت مدرسه یه یازیب اۇخوماق بیل. سن بیر ای داواملی کلاس ائدسن یاخشیی اۇخوماق بیلرسن.

- فعل دو مانه مصدری به شکل زیر برای آینده نزدیک صرف می شود :

| | | | |
|-------------------|---------------------|------------------------|--|
| من اۇخوماق بیلرم | mən oxumaq bilərəm | بیز اۇخوماق بیلریك | |
| سن اۇخوماق بیلرسن | sən oxumaq bilərsən | سیز اۇخوماق بیلر سینیز | |
| اۇ اۇخوماق بیلر | o oxumaq bilər | اۇنلار اۇخوماق بیلرلر | |

- من اۇخویوب یازماق بیلرم. سن بئله اؤرنسن ، مۇخ تئز زاماندا اۇخویوب یازماق بیلرسن.

- فعل دو مانه مصدری به شکل زیر با سوند آینده دور نیز صرف می شود :

| | | | |
|------------------------|-----------------------|----------------------------|--|
| من اۇخوماق بیلە جه یم | mən oxumaq biləcəyəm | بیز اۇخوماق بیلە جه بیک | |
| سن اۇخوماق بیلە جه کسن | sən oxumaq biləcəksən | سیز اۇخوماق بیلە جه کسینیز | |
| اۇ اۇخوماق بیلە جهك | o oxumaq biləcək | اۇنلار اۇخوماق بیلە جهكلر | |

- اوشاقلار مدرسیه ئدرسه لر ، یازیب اۇخوماق بیلە جهكلر.

بیز ده اۇشاقلاریمیزی مدرسه یه ئندرسك ، اۇنلار دا مله جهكده یازیب اۇخوماق بیلە جهكلر.

۲) فعل کمکی با علامت فعل فاعلیت صفتی :

۱ ر سوند فعل فاعلیت صفتی (an , ən) را به فعل کمکی یوند دهیم ، به فعل جدیدی

تبدیل می‌شود. مثال: (له بیلن : توانائی آمدن داشتن)

| | | | |
|------------------|------------|------------|-----------|
| له بیلن (ادام) | الا بیلن | alabilən | دۆزه بیلن |
| ئده بیلن | یئیه بیلن | yeyə bilən | سوزه بیلن |
| ایه بیلن | دئییه بیلن | deyə bilən | اؤه بیلن |
| اوزه بیلن | اؤما بیلن | uçabilən | دوزه بیلن |

- اؤ سۆزونو دئییه بیلن دیر. اؤ بۇ داغی اشیب بۇرایا له بیلندیر.

فعل کمکی فاعلیت صفتی به شکل زیر بکار رفته می‌شود :

فعلی که آخرین حرف صدادار اولین فعل ان با اهنه بالائی باشد ، همراه میانوند ə به شرح زیر در فرم فاعلیت صفتی برای ضمائر شخصی صرف می‌شود. مثال :

| | | | |
|--------------------|--------------------|----------------------|------------------------|
| من له بیلنم | mən gələ bilənəm | بیز له بیلنیک | biz gələ bilənək |
| سن له بیلن سن | sən gələ bilənsən | سیز له بیلن سینیز | siz gələ bilənsiniz |
| اؤ له بیلن (دیر) | o gələ bilən (dir) | اؤنلار له بیلن دیرلر | onlar gələ biləndirlər |

- افعالی که آخرین حرف صدادار اولین فعل ان با اهنه بالائی و با یکی از این چهار حرف e, i, ö, ü باشد ، به شکل زیر برای ضمائر شخصی صرف می‌شود :

| | | | | |
|--------|---------------|---------------|---------------|----------------|
| من | ئده بیلنم | ایه بیلنم | ؤره بیلنم | سوزه بیلنم |
| سن | ئده بیلنسن | ایه بیلنسن | ؤره بیلنسن | سوزه بیلنسن |
| اؤ | ئده بیلندیر | ایه بیلندیر | ؤره بیلندیر | سوزه بیلندیر |
| بیز | ئده بیلنیک | ایه بیلنیک | ؤره بیلنیک | سوزه بیلنیک |
| سیز | ئده بیلنسنیز | ایه بیلنسنیز | ؤره بیلنسنیز | سوزه بیلنسنیز |
| اؤنلار | ئده بیلندیرلر | ایه بیلندیرلر | ؤره بیلندیرلر | سوزه بیلندیرلر |

- سوند صرفی (فعل ایمک) برای اول و دوم شخص مفرد با هماهنگی ک (a. ə) و برای

سایر ضمائر شخصی با همافزایی بزرگ صرف می‌شود.

فعل ترکیبی کمکی که آخرین حرف صدادار اولین فعل آن با اهنگ آئینی باشد، به شکل زیر با میانوند a و با فعل بیل و علامت فاعلیت صفتی an ترکیب یافته و به کمک فعل ایمک برای ضمائر شخصی صرف می‌شود:

| | | | | | |
|-----------------|----|-------------|--------|---------------|----------------------|
| men alabilənəm | من | الابیلنم | بیز | الابیلنیک | biz alabilənik |
| sən alabilənsən | سن | الابیلن سن | سیز | الابیلن سینیز | siz alabilənsiniz |
| o alabiləndir | او | الابیلن دیر | اونلار | الابیلن دیرلر | onlar alabiləndirlər |

- فعل الابیلنم به شکل زیر تجزیه می‌شود: (من توان رفتن دارم. من می‌توانم؛ یریم.)
 (۱) al: ریشه فعل، (۲) ə: حرف میانوند مخصوص فعل کمکی، (۳) bil: فعل کمکی، (an): علامت فعل فاعلیت صفتی، (am): سوند صرفی.

- فعلی که آخرین حرف صدادار اولین فعل آن با اهنگ آئینی (a, i, o, u) باشد، به شکل زیر برای ضمائر شخصی صرف می‌شود:

| | | | | |
|--------|-------------------|----------------|----------------|----------------|
| من | قالابیلنم (بیلنم) | ییخابیلنم | سؤرابیلنم | دؤرابیلنم |
| سن | قالابیلن سن | ییخابیلن سن | سؤرابیلن سن | دؤرابیلن سن |
| او | قالابیلندیر | ییخابیلندیر | سؤرابیلندیر | دؤرابیلن دیر |
| بیز | قالابیلنیک | ییخابیلنیک | سؤرابیلنیک | دؤرابیلنیک |
| سیز | قالابیلن سینیز | ییخابیلن سینیز | سؤرابیلن سینیز | دؤرابیلن سینیز |
| اونلار | قالابیلندیرلر | ییخابیلندیرلر | سؤرابیلندیرلر | دؤرابیلندیرلر |

- ییخابیلنم: من آن کسی هستم که بر زمین می‌زنم. (من آن کسی هستم که می‌توانم بر زمین بزنم.)

- الابیلنم: من آن کسی هستم که می‌توانم؛ یریم (می‌توانم بخرم).

فعل مرکب کمکی که آخرین حرف صدادارِ اولین فعل آن با اِهَنْد (a, l, o, u) مائینی باشد، به شکل زیر با حرف میانوند a ، فعل کمکی بیل و سوند فاعلیت صفتی (ən) ترکیب می‌باید و به بخشهای مختلف تجزیه می‌شود :

| سوند صرفی | فعل فاعلیت صفتی | فعلی کمکی بیل | حرف میانوندی | ریشه افعال | ضمایر شخصی |
|-----------|-----------------|---------------|--------------|------------|------------|
| mən | ən | bil | a | qal | ↓ |
| sən | ən | bil | a | qal | ↓ |
| (dir) | ən | bil | a | qal | ↓ |
| ik | ən | bil | a | qal | ↓ |
| siniz | ən | bil | a | qal | ↓ |
| (dir) lər | ən | bil | a | qal | ↓ |

سوند صرفی سوم شخص مفرد و جمع بکار رفته نمی‌شود.

۳) فعل ترکیبی کمکی ارزوئی :

- فعل فرم کمکی ارزوئی ، ترکیبی از ریشه فعل ، میانوند ə ، فعل کمکی بیل و علامت ارزوئی است که به شکل زیر برای سوم شخص مفرد بکار رفته می‌شود :

اؤلمه بیله ، دئییه بیله ، ئۆره بیله ، یایا بیله ، قازا بیله ...

از اینکه آخرین حرف صدادار فعل بیل bil حرف i است ، نتیجتاً سوندهائی ، که به آن پیوند می‌خورند، باهماهه ی کو لک بوسیله حرف ə و باهماهه ی بزر بوسیله حرف i بکار رفته می‌شوند. مثال :

سیز لیه بیله سینیز gələbiləsiniz ، اؤخویا بیلیم oxuyabilim ،

من لیه بیلیم یم gərəbilm(əy)əm ، الا بیلیم یم ، یازا بیلیم یم ، و...

- فعل کمکی ارزوئی که آخرین حرف صدادار اولین و دومین فعل ان با اهن بالائی باشد، با میانوند ə و فعل کمکی بیل به شکل زیر برای ضمائر شخصی صرف می شود :

| | | | | | | | |
|-------|---------------|--------|---------------|-----|---------------|----|------------|
| biz | gələbilək | بیز | له بيله ك | mən | gələbilə(yə)m | من | له بيلم |
| siz | gələbiləsiniz | سيز | له بيله سينيز | sən | gələbiləsən | سن | له بيله سن |
| onlar | gələbilələr | اونلار | له بيله لر | o | gələbilə | او | له بيله |

- توجه شود که در ترکیب فعل مذکور حرف اَ يك بار به شکل میانوند و يك بار دي ر به شکل علامت ارزوئی بکار رفته می شود. (مثال : gəl ə bil ə)

- فعل کمکی ارزوئی که آخرین حرف صدادار اولین فعل ان با اهن بائینی باشد، به شکل زیر همراه حرف اضافی a و علامت فعل ارزوئی صرف می شود :

| | | | | | | | |
|-------|--------------|--------|----------------|-----|--------------|----|-------------|
| biz | alabilək | بیز | آلا بيله ك | mən | alabilə(yə)m | من | آلا بيله م |
| siz | alabiləsiniz | سيز | آلا بيله سينيز | sən | alabiləsən | سن | آلا بيله سن |
| onlar | alabilələr | اونلار | آلا بيله لر | o | alabilə | او | آلا بيله |

(فعل کمکی و کلمه سازی تشبیهی :

ا ر ریشه فعل بيلمك را با کلمه ائله elə ترکیب دهیم ، کلمه تشبیهی (ائله بیل elə bil) بوجود می آید.

این کلمه با مفهوم تشبیهی، زمانی بکار رفته می شود ، که دو شئی در مقابل هم در مقام مقایسه قرار می گیرند.

او اؤغلان ائله بیل دئودیر. o oğlan eləbil div(dev) dir. (آن سر مثل دیو است.)
 او قیز ائله بیل ي کدیر. o qiz eləbil çiçəkdir. (آن دختر مثل گل است.)
 او قۇزو ائله بیل جامیشدیر. o quzu eləbil camışdır. (آن بره مثل گاو میش است.)
 بۇ ائو ائله بیل داغدير. bu ev eləbil dağdır. (این خانه مثل يك کوه است.)

- در رابطه با کلمه تشبیهی (ائله بیل) به شعر زیر توجه کنید :

میر مهدی سیدزاده : میرمهدی : وُزومده ونشین نوری قارالدی

یار مئندی ، وزومدن ائله بیلدیم یله دوشدو...

ائله بیل یخیردی سحر ونشی قارشیماقویدوغوم بلور قدح دن ...

از اینکه آخرین کلمه تشبیهی - ترکیبی ائله بیل ، فعل بیل می باشد ، نتیجتاً کلمه

ائله بیل همانند فعل به شکل زیر در فرمهای مختلف برای ضمائر شخصی صرف

می شود. مثال :

صرف در زمان حال : من ائله بیلیرم . سن ائله بیلیرسن . او ائله بیلیر .

صرف در شکل امری : من ائله بیلیم . سن ائله بیل . او ائله بیل سین

صرف در فرم گذشته : من ائله بیلدیم . سن ائله بیلدین . او ائله بیلدی .

صرف گذشته ارزویی : من ائله بیله دیدیم . سن ائله بیله دیدین . او ائله بیله یدی . و...

- کلمه ائله را می توان با افعال دی ر نیز با مفاهیم مختلف زیر نیز بکار رفت :

او ائله دانیشر کی ائله بیل معلم دیر . او ائله باخیر کی ائله بیل منی تانییر .

او ائله دانیشر کی ائله بیل ننه سی دیر .

ائله دئمک : نان فتن . مثل او فتن . ان نانی فتن .

ائله انلاماق : نان درک کردن . مثل ان فهمیدن ، مانند او درک کردن .

ائله یانماق : نانک سوختن . مثال او سوختن . مانند او رنج بردن .

بو اغاج ائله یانیر کی ائله بیل بئنزیندیر . (این درخت از نان می سوزد ، و اینکه بنزین است .)

ائله ائيله مك : مثال ان انجام دادن . مانند او نمودن .

ائله ائيله مك ، ائيله دانیشماق و ..

ائله دانیشرسان کی او ائله بیله سن حسن سن .

3) فعل کمکی اؤل :

این فعل از ریشه مصدر اؤلماق مشتق شده و به کمک فعل ایمک برای ضمائر شخصی صرف می شود؛ هم نین بخشی از کلماتی که به تنهایی در فرمهای مختلف قابل صرف نیستند ، به کمک ان صرف می شوند :

فعل اؤل به تنهایی و یا در ترکیب با کلمات دیگر به شکل زیر صرف می شود :

- اینده نزدیک : من اولارام ، سن اولارسان ، او اولار ، ...
- اینده دور : من اولاجام ، سن اولاجاسان ، او اولاجاق ، ...
- فعل مصدری در زمان حال : من اولماقدايام ، سن اولماقداسان ، او اولماقداير ،
- ترکیب فعل کمکی اؤلماق با یيلمک : من اولاييلرم ، سن اولاييلرسن ، او اولاييلر ، ...
- ترکیب فعل کمکی اؤل با علامت ملی با فعل ییل : من لملي اولاييلرم ، او لملي اولاييلر ، ...
- ترکیب فعل اؤل با فعل مصدری و فعل ییل : من لمکده اولاييلرم ، او لمکده اولاييله جک، و... .
- کلمات مختلف بکمک فعل اؤل به شکل زیر در زمان حال صرف می شوند :

| | | |
|-------------------|------------------------|-----------------------|
| من مهندس اولورام | mən mohəndes ol ur am | بیز مهندس اولوروق |
| سن مهندس اولورسان | sən mohəndes ol ur san | سیز مهندس اولورسونوز |
| او مهندس اولور | o mohəndes ol ur | اونلار مهندس اولورلار |

- اونلار یاواش یاواش یولداش اولورلار. بیز یاواش یاواش یاشلی اولوروق.

- کلمات مختلف به شکل زیر با فعل اؤل در زمان اینده نزدیک صرف می شوند :

| | | |
|-----------------------|-----------------------|------------------------------|
| من دمیر ی اولارام | mən dəmirçi ol ar am | بیز دمیر ی اولاریق |
| سن دمیر ی اولارسان | sən dəmirçi ol ar san | سیز دمیر ی اولارسینیز |
| او دمیر ی اولار (دیر) | o dəmirçi ol ar (dır) | اونلار دمیر ی اولار (دیر)لار |

- من درس اوخویوب مهندس اولارام . بیز اؤره نیب اوستا اولاریق.

اینده دور: من اؤرتمن (معلم) اولاجام ، سن اؤرتمن اولاجاسان ، او اؤرتمن اولاجاق

بیز اؤرتمن اؤلاجاقیق ، سیز اؤرتمن اؤلاجاقسینیز ، اؤنلار اؤرتمن اؤلاجقلار ، و..

کلمه سازی با فعل اؤل :

بیر اؤلماق ، یاردیم اؤلماق ، صبیرلی اؤلماق ، یؤلداش اؤلماق ، ننه بالا اؤلماق ،
زیرنک اؤلماق ، تنبل اؤلماق ، عقیللی اؤلماق ، سئفح اؤلماق. قدرتلی اؤلماق ، برک
اؤلماق ، جمع اؤلماق ، اؤللو اؤلماق ، دانیشیق اؤلماق ، ساواش اؤلماق ، ال بیر اؤلماق ،
تصادم اؤلماق ، متحد اؤلماق ، لملی اؤلماق ، ولملی اؤلماق ، و...

(فعل کمکی وار ،

فعل وار ، از ریشه مصدر وارماق مشتق شده و به تنهایی و یا در ترکیب با افعال
و کلمات دیگر به شکل زیر بوسیله فعل ایملک (با مفهوم: من هستم ، من زنده ام ،
من موجود هستم) برای ضمائر شخصی صرف می شود :

a) فعل وار (موجود ، زنده است) به شکل زیر برای ضمائر شخصی صرف می شود :
من وaram mən varam ، سن وارسان sən varsan ، اؤ واریر o varır ، بیز
واریق ، سیز وارسینیز ، اؤنلار وار(دیر)لار ، و...

b) فعل وار در زمان حال با مفهوم رسیدن برای ضمائر شخصی صرف می شود :
من واریرام mən varıram ، سن واریرسان sən varırsan ، اؤ واریر(دیر) o varır (dیر) ،
بیز واریریق ، سیز واریرسینیز ، اؤنلار واریر(دیر)لار. (می رسند)

c) فعل وار به شکل زیر در زمان آینده نزدیک برای ضمائر شخصی صرف می شود :
من وارارام mən vararam ، سن وارارسان sən vararsan ، اؤ وارار(دیر) o varar ،
بیز واراریق ، سیز وارارسینیز ، اؤنلار وارار(دیر)لار ، و...

d) فعل وار به شکل زیر در زمان آینده دور برای ضمائر شخصی صرف می شود :
من واراچاغام mən varacağam ، سن واراچاقسان sən varacaqsan ، اؤ واراچاقدیر ،
بیز واراچاقیق ، سیز واراچاقسینیز ، اؤنلار واراچاقلار .

- فعل وار با فعل کمکی بیل ترکیب می‌یابد و در زمان حال صرف می‌شود :

من وارا بیلیرم ، سن وارا بیلیرسن ، او وارا بیلیر
بیز وارا بیلیریک ، سیز وارا بیلیرسینیز ، اونلار وارا بیلیرلر

- فعل وار به شکل زیر با فعل کمکی بیل و یا با علامت آینده دور صرف می‌شود :

من وارا بیله جه یم ، سن وارا بیله جک سن ، او وارا بیله جه ک
بیز وارا بیله جه ییک ، سیز وارا بیله جک سینیز ، اونلار وارا بیله جکلر، ...

- فعل وار با ضمیر ملکی بعنوان دارائی داشتن نیز صرف می‌شود :

منیم واریم وار ، سنین وارین وار ، اونون واری وار ، بیزیم واریمیز وار ، واری وار ،
واری یوخ ، واری واردیر ، واری یوخدور ، واری یوخ ، واری یوخو ، ...

- فعل وار در ترکیبات مختلف:

صبری وار ، زحمتی وار ، ایتقادی وار ، کمکی وار (یاردیمی وار) ، علاقه سی وار ،
قارداشی وار ، موشکولو وار ، دوامی وار ، سلامی وار ، یولداشی وار ، ...
وار اولوم ، وار اول ، وار اولسون ، وار اولاق ، وار اولسونلار ، اولو وار ، عقلی
(عغلی) وار ، ادبی وار . سوادی وار ، واری اولماق ، وارسیز اولماق ، وارلی
اولماق ، وار اولابیلیمک ، وارا بیلیم ، وارماقدا اولماق ، وارلیق ، وارلیغیم ، وار لیغیمیز ،
وارلیقلاری . وارا بیلیمکده یم ، وارا بیلیمکده سن ، وارا بیلیمکده دیر . اورایا وارماق ،
وارماق اولور ، اورایا وارماق رک . عجله سی وار ، اصولو وار ، نه کی وار ، نه کی
واری (هر یزی که هست) ، نه کی وارین ، ...

فعل وار در فرم التزامی :

وارمالی یم ، وارمالی اولماق ، وارمالی اولماقدا یم ، وارمالی اولابیلیم ، ..
وارمام رک ، رک وارام . وارا بیلیمه یم رک . الزامی واردیر . لزومو واردیر . التزامی وار .
(به صرف فعل وار در صفحات ۲-۲۲ نیز توجه کنید.)

(فعل کمکی ائدمک (ائتمک) :

فعل کمکی ائد از ریشه مصدر ائدمک (ائتمک) مشتق شده ، که به شکل زیر به تنهایی و یا در ترکیب با کلمات مختلف برای ضمائر شخصی صرف می شود :

فعل در زمان حال : من ائدیرم ، سن ائدیرسن ، او ائدیر
بیز ائدیریک ، سیز ائدیرسینیز ، اونلار ائدیرلر
فعل در زمان آینده نزدیک : من ائدرم ، سن ائدرسن ، او ائدر
بیز ائدریک ، سیز ائدرسینیز ، اونلار ائدرلر

فعل ائد از مصدر ائدمک در ترکیبات مختلف :

صبر ائدیرم ، صبر ائدیرسن ، صبر ائدیریک ، صبر ائدیرسینیز ، صبر ائدیرلر.
صبر ائدمک ، بؤیوک ائدمک ، دوام ائدمک ، قۇللوق ائدمک ، راحت ائتمک ، تضاهر
ائدمک ، رقابت ائدمک ، اعتصاب ائدمک ، اعتماد ائدمک ، ...
لمس ائدمک ، من لمس ائدیرم ، سن لمس ائدیرسن ، او لمس ائدیر ، بیز لمس ائدیریک ، ..
رنز ائدمک ، اۇجوز ائتمک ، باها ائدمک ، تقلب ائدمک ، قاق ائدمک ، قاقا یلیق
ائدمک ، شوکر ائدمک ، نصیحت ائدمک ، تجزیه ائدمک ، اینشاء ائدمک ، ...
استثمار ائدمک ، استعمار ائدمک ، اشغال ائدمک ، تجاوز ائدمک ، تحریک ائدمک ، ...
ترجمه ائدمک ، من ترجمه ائدیرم ، سن ترجمه ائدیرسن ، او ترجمه ائدیر ، ...
اتحاد ائدمک ، یۇلداش ائدمک ، ایسی ائدمک ، دوام ائدمک ، موشکول ائدمک ، ...
عاشیق ائدمک ، نشانلی ائدمک ، ظولوم ائدمک ، یسلیک ائدمک ، قۇرو ائدمک ،
لج ائدمک ، لجاجت ائدمک ، انتقاد ائدمک ، خدمت ائدمک ، جفا ائدمک ، ...
ایتحاد ائدمک ، بیرلیک ائدمک ، یۇلداشلیق ائدمک ، دۇسلوق ائدمک ، قارداشلیق ائدمک ،
محبت ائدمک ، یاخشیلیق ائدمک ، اۇستالیق ائتمک ، ...

۱۲) فعل التزامی و فرمهای مختلف آن :

- افعال و کلمات التزامی کلماتی هستند ، که الزامی بودن کار را در خود انعکاس می دهند.
- افعال و کلمات التزامی در زبان ترکی به اشکال مختلف زیر بیان می شوند :
- (a) سوند ملی ، علامتی است که به فعل پیوند می خورد و آن را به فعل التزامی تبدیل می کند و برای ضمائر شخصی صرف می شود.
- (b) فعل رک ، از مصدر رکمک مشتق می شود ، که همانند سایر افعال برای ضمائر شخصی صرف شده و یا با افعال دیگر بکار رفته می شود.
- (c) کلمه صفتی زور بوسیله افعال کمکی در جمله با مفهوم التزامی بکار رفته می شود.
- (d) کلمات الزامی ، التزامی ، لازم ، مجبور ، اجبار ، و... با سوندها و یا با افعال کمکی ترکیب یافته و به شکل کلمات التزامی در جمله بکار رفته می شوند :

- فعل التزامی با سوند ملی :

سوند ملی علامت التزامی است ، که به شکل سوند به فعل پیوند می خورد و بکمک فعل ایمک برای ضمائر شخصی صرف می شود.

حروف صدادار علامت التزامی (m ə l i) وابسته به آخرین حرف صدادار ریشه فعل هستند ، که اولین حرف صدادار آن با همایندی کو لک (a ، ə) و دومین حرف صدادار آن با همایندی بز (i ، ı) برای ضمائر شخصی صرف می شود. مثال :

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی و به حرف ə ختم می شود :

| | | | | | |
|----|----------|----------------|--------|------------|-------------------|
| من | لملی یم | mən gəlməliyəm | بیز | لملی ییک | biz gəlməliyik |
| سن | لملی سن | sən gəlməlisən | سیز | لملی سینیز | siz gəlməlisiniz |
| اؤ | لملی دیر | o gəlməlidir | اونلار | لملی دیرلر | onlar gəlmədirlər |

من بۇ ایل سرباز ئىملى یم . منیم يۇلداشیم ناخۇش دور ، من ئىدىب اونو ئۆرملی یم.

فعلی که آخرین حرف صدا دار آن با اَند بالائی و با یکی از این پنج حرف ə, e, i, ö, ü باشد، به شکل زیر با علامت ملی صرف می شود. مثال :

| من | سَرملی یم | ئدملی یم | ای حلی یم | ئورملی یم | سوزملی یم |
|--------|--------------|-------------|--------------|--------------|--------------|
| سن | سَرملی سن | ئدملی سن | ای حلی سن | ئورملی سن | سوزملی سن |
| اؤ | سَرملی دیر | ئدملی دیر | ای حلی دیر | ئورملی دیر | سوزملی دیر |
| بیز | سَرملی ییک | ئدملی ییک | ای حلی ییک | ئورملی ییک | سوزملی ییک |
| سینز | سَرملی سینیز | ئدملی سینیز | ای حلی سینیز | ئورملی سینیز | سوزملی سینیز |
| اونلار | سَرملی دیرلر | ئدملی دیرلر | ای حلی دیرلر | ئورملی دیرلر | سوزملی دیرلر |

- در رابطه با بکار گیری فعل التزامی به اشعار زیر نیز توجه کنید :

صابر طاهرزاده : بر بهانه الله عنوان ائتملی بۇندان سورا بوسبوتون مخلوقه اعلان ائتملی بۇندان سورا

فکر تدریس ائدن اشخاصی کنار ائتملی ییز هرناسیل اولسا بۇ بیدینلری زار ائتملی ییز

... ایسته رایسه ک صرف عوام اولمالی ییز ایتب اینسالیغی بالجمله عوام اولمالی ییز

- افعال مذکور به شکل زیر در فرم التزامی صرف و به بخشهای مختلف تجزیه می شوند:

| صرف فعل ایمک | علامت التزامی | ریشه افعال | ضمایر شخصی |
|--|---------------|--------------------|------------|
| ۱ ر در صرف افعال برای اول شخص مفرد و جمع دو حرف صدا دار در کنار هم قرار یزند، به بین آنها یک حرف تکمیلی y اضافه می شود | | gəl get iç gül dön | mən |
| | | gəl get iç gül dön | sən |
| | | gəl get iç gül dön | o |
| | | gəl get iç gül dön | biz |
| | | gəl get iç gül dön | siz |
| | | gəl get iç gül dön | on,lar |
| | | məli | yəm |
| | | məli | sən |
| | | məli | dir |
| | | məli | yik |
| | | məli | siniz |
| | | məli | dirər |

سوند صرفی برای اول و دوم شخص مفرد با هماهنگی کوک و برای سایر ضمایر شخصی با هماهنگی بزر صرف می شود.

- فعلی که آخرین حرف صدا دار آن با آند بالینی و به حرف a ختم شود، به شکل

زیر برای ضمایر شخصی صرف می شود :

| | | | | | |
|-------|--------------|----------------------|-----|-----------|---------------|
| biz | almalıyıq | بیز آلمالی یق | mən | almalıyam | من آلمالی یام |
| siz | almalısınız | سیز آلمالی سینیز | sən | almalısan | سن آلمالی سان |
| onlar | almalıdırlar | اونلار آلمالی دیرلار | o | almalıdır | او آلمالی دیر |

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با یکی از این چهار حرف a, u, o, i می باشد :

| | | | | |
|--------|----------------|----------------|----------------|----------------|
| من | قالمالی یام | ییخمالی یام | سؤرمالی یام | قؤرمالی یام |
| سن | قالمالی سان | ییخمالی سان | سؤرمالی سان | قؤرمالی سان |
| او | قالمالی دیر | ییخمالی دیر | سؤرمالی دیر | قؤرمالی دیر |
| بیز | قالمالی ییق | ییخمالی ییق | سؤرمالی ییق | قؤرمالی ییق |
| سیز | قالمالی سینیز | ییخمالی سینیز | سؤرمالی سینیز | قؤرمالی سینیز |
| اونلار | قالمالی دیرلار | ییخمالی دیرلار | سؤرمالی دیرلار | قؤرمالی دیرلار |

شیروانی خاقانی : عاشقین سیماسی سارالمالیدیر ، ارا بیر اوزونو تر المالیدیر .

قۇینونا ای اۇزلی ن اار الانین ، جیینده بیر قۇجاق زر اولمالیدیر

- افعال مذکور به شکل زیر در فرم التزامی صرف و به بخشهای مختلف تجزیه می شوند :

| ضمایر شخصی | | ریشه افعال | | | | سوند التزامی | سوند صرفی |
|------------|--|------------|-----|-----|-----|--------------|-----------|
| mən | | qal | yiğ | sor | qur | malı | yam |
| sən | | qal | yiğ | sor | qur | malı | san |
| o | | qal | yiğ | sor | qur | malı | (dır) |
| biz | | qal | yiğ | sor | qur | malı | yıq |
| siz | | qal | yiğ | sor | qur | malı | sınız |
| on,lar | | qal | yiğ | sor | qur | malı | dır,lar |

سوند صرفی اول
شخص مفرد و جمع
يك y تکمیلی
بخود می یرد.

(a) فعل التزامی با علامت ملی ، به تنهایی در فرمهای دیر (بجز گذشته) قابل صرف

نیست ، ولی ان را می‌توان در ترکیب با فعل کمکی اول و بیل به شکل زیر در فرمهای مختلف بکار رفت. مثال :

فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهـ بالائی باشد، به شکل زیر به کمک فعل اول در زمان حال برای ضمائر شخصی صرف می‌شود :

| | | | | | |
|-------|--------------------------|-----|----------------------|----|---------------|
| biz | gəl məli,ol ur uq | mən | gəl məli,ol ur am | من | لملی اولورام |
| siz | gəl məli,ol ur sunuz | sən | gəl məli,ol ur san | سن | لملی اولورسان |
| onlar | gəl məli,ol ur (dur) lar | o | gəl məli,ol ur (dur) | او | لملی اولور |

من بۇرادا اج و سوسوز قالمیشام ، یواش یواش ائوه ئدملی اولورام.

ساعت ۷ اولور ، منیم داهی بۇرا دا قالماغا واختیم یوخ ، من ایندی یواش یواش ئتملی اولورام .

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهـ بالائی باشد، به شکل زیر در زمان حال برای ضمائر شخصی صرف و به بخشهای مختلف تجزیه می‌شود :

| سوند صرفی | علامت زمان حال | فعل کمکی | علامت التزامی | ریشه افعال | ضمائر شخصی |
|-----------|----------------|----------|---------------|------------|------------|
| mən | am | ol | məli | gəl | ↓ |
| sən | san | ol | məli | get | ↓ |
| o | dur | ol | məli | iç | ↓ |
| biz | uq | ol | məli | göl | ↓ |
| siz | sunuz | ol | məli | dön | ↓ |
| onlar | durlar | ol | məli | | ↓ |

حرف صدادار سوند صرفی برای این چهار ضمیر شخصی با همافزینی بزر صرف می‌شود.

توجه: نانکه در جدول مذکور مشاهده می‌شود ، حرف صدادار علامت التزامی (ملی) وابسته به آخرین حرف صدادار فعل ما قبل خود و حرف صدادار علامت زمان حال و سوند صرفی وابسته به آخرین حرف صدادار فعل ما قبل خود می‌باشد.

(b) فعل التزامی همراه سوند ملی به شکل زیر به کمک فعل اول در زمان آینده

نزدیک بکار رفته می شود :

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهـ بالائی باشد ، به شکل زیر بکمک فعل اول برای ضمائر شخصی صرف می شود :

| | | | | | |
|-------|-----------------------|-----|---------------------|----|------------------|
| biz | gəlməli,ol ar ıq | mən | gəlməli,olar am | من | لملی اولارام |
| siz | gəlməli,ol ar siniz | sən | gəlməli,ol ar san | سن | لملی اولارسان |
| onlar | gəlməli,ol ar(dır)lar | o | gəlməli,ol ar (dır) | او | لملی اولار (دیر) |

من بؤایل سرباز ئدملی اولارام .

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهـ بالائی باشد ، به شکل زیر در زمان آینده نزدیک برای ضمائر شخصی صرف و به بخشهای مختلف تجزیه می شود :

| ضمائر شخصی | ریشه افعلال | | | | | علامت التزامی | فعل کمکی | علامت آینده نزدیک | سوند صرفی |
|------------|-------------|-----|----|-----|-----|---------------|----------|-------------------|-----------|
| mən | gəl | get | iç | gül | dön | məli | ol | ar | am |
| sən | gəl | get | iç | gül | dön | məli | ol | ar | san |
| o | gəl | get | iç | gül | dön | məli | ol | ar | dır |
| biz | gəl | get | iç | gül | dön | məli | ol | ar | ıq |
| siz | gəl | get | iç | gül | dön | məli | ol | ar | sınız |
| onlar | gəl | get | iç | gül | dön | məli | ol | ar | dırlar |

سوند صرفی برای اول و دوم شخص مفرد با هماهنگی ک و برای سایر ضمائر شخصی باهماهنگی بزر صرف می شود.

توجه : نانکه در جدول مذکور مشاهده می شود ، حرف صدادار علامت التزامی (məli) وابسته به آخرین حرف صدادار فعل ما قبل خود و حرف صدادار علامت آینده نزدیک و سوند صرفی وابسته به آخرین حرف صدادار فعل ما قبل خود (ol) می باشد.

c) فعل التزامی با علامت ملی به شکل زیر بکمک فعل اول در زمان آینده دور

بکار رفته می شود :

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهـ بالائی باشد ، به شکل زیر به کمک فعل

اول در زمان آینده دور برای ضمائر شخصی صرف می شود :

| | | | | | |
|-------|----------------------|-----|----------------------|----|-------------------|
| biz | gəlməli,ol acağıq | mən | gəlməli,ol acağ am | من | لملی اولاجاغام |
| siz | gəlməli,ol acaqsınız | sən | gəlməli,ol acaqsan | سن | لملی اولاجاقسان |
| onlar | gəlməli,ol acaqlar | o | gəlməli,ol acaq(dır) | او | لملی اولاجاق(دیر) |

من بـ ایل سرباز مـدملی اولاجاغام. منیم یـلداشیم ناخوش اولورسا، من مـدیـب اـونـو مـرملی اولاجاغام.

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهـ بالائی باشد، به شکل زیر صرف و به بخشهای

مختلف تجزیه می شود. مثال :

| ضمایر شخصی | ریشه افعال | | | | | علامت التزامی | فعل کمکی | علامت آینده دور | سوند صرفی |
|------------|------------|-----|----|-----|-----|---------------|----------|-----------------|-----------|
| mən | gəl | get | iç | gül | dön | məli | ol | acağ | am |
| sən | gəl | get | iç | gül | dön | məli | ol | acaq | san |
| o | gəl | get | iç | gül | dön | məli | ol | acaq | dır |
| biz | gəl | get | iç | gül | dön | məli | ol | acağ | ıq |
| siz | gəl | get | iç | gül | dön | məli | ol | acaq | sınız |
| on,lar | gəl | get | iç | gül | dön | məli | ol | acaq | rar |

- نانکه در جدول مذکور مشاهده می شود ، حرف صدادار علامت التزامی (ملی) وابسته به آخرین حرف صدادار

فعل ما قبل خود و حرف صدادار علامت آینده و سوند صرفی وابسته به آخرین حرف صدادار فعل ما قبل خود

(ol) می باشد.

توجه: علامت آینده دور اچاق acaq است، که در صرف برای اول شخص مفرد و جمع آخرین حرف آن

(q)، در بین دو حرف صدادار قرار رفته و به شکل ç (acağam ، acağıq) صرف می شود.

(d) فعل التزامی با سوند ملی به شکل زیر با فعل کمکی اول در فرم فعل

مصدری در زمان حال بکار رفته می شود. مثال :

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهـ بالائی باشد، به شکل زیر در زمان حال برای ضمائر شخصی صرف می شود :

| | | | |
|-------|------------------------|-------------------------|----------------------|
| biz | gəlməli,olmaqdayıq | mən gəlməli,olmaqday am | من لملی اؤلماقدايام |
| siz | gəlməli,olmaqda,sınız | sən gəlməli,olmaqdasan | سن لملی اؤلماقداسان |
| onlar | gəlməli,olmaqda,dırlar | o gəlməli,olmaqda dır | او لملی اؤلماقدا دیر |

- ایندی مۇخ قار یاغیر، بیز بۇ ون بۇرادا قالمالی اؤلماقداایق .

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با اهـ بالائی باشد، به شکل زیر برای ضمائر شخصی صرف و به بخشهای مختلف تجزیه می شود :

| ضمایر شخصی | | ریشه افعال | | | | علامت التزامی | | فعل کمکی | | علامت مصدری | | علامت فعل مصدری | | سوند صرفی | | |
|------------|--|------------|-----|----|-----|---------------|--|----------|--|-------------|--|-----------------|--|-----------|--|-------|
| mən | | gəl | get | iç | gül | dön | | məli | | ol | | maq | | da | | yam |
| sən | | gəl | get | iç | gül | dön | | məli | | ol | | maq | | da | | san |
| o | | gəl | get | iç | gül | dön | | məli | | ol | | maq | | da | | dır |
| biz | | gəl | get | iç | gül | dön | | məli | | ol | | maq | | da | | yıq |
| siz | | gəl | get | iç | gül | dön | | məli | | ol | | maq | | da | | sınız |
| on,lar | | gəl | get | iç | gül | dön | | məli | | ol | | maq | | da | | dırar |

حرف صدادار علامت التزامی وابسته به فعل ما قبل خود می باشد.

علامت زمان حال در فعل مصدری

- نانکه در جدول مذکور مشاهده می شود، حرف صدادار علامت التزامی (məli) وابسته به آخرین حرف صدادار فعل ما قبل خود می باشد ؛ در صورتی که حرف صدادار سوند مصدری (maq) ، علامت فعل مصدری (da) و سوند صرفی (am) وابسته به حرف صدادار فعل ما قبل خود (ol) می باشد.

e) فعل التزامی با سوند ملی ، با فعل کمکی اؤل و بیل ترکیب می یابد و به شکل زیر در زمان آینده دور بکار رفته می شود. مثال :

فعلی که آخرین حرف صدادار آن با *هـ* یا *ئ* باشد، به شکل زیر همراه با فعل *اؤل* و *بیل* در زمان آینده دور برای ضمایر شخصی صرف می شود :

| | |
|-----------------------------|---|
| biz qəlməli olabiləcəyik | mən qəlməli olabil,əcəyəm من لملی اؤلاییله جیم |
| siz qəlməli olabiləcəksiniz | sən qəlməli olabiləcəksən سن لملی اؤلاییله جکسن |
| onlar qəlməli olabiləcəklər | o qəlməli olabiləcəkdir او لملی اؤلاییله جکدیر |

لملی اؤلاییله جیم. (من به آمدن مجبور خواهم شد.)

فعلی که آخرین حرف صدادار آن با *هـ* یا *ئ* باشد، به شکل زیر صرف می شود :

| | |
|--|-----------------------------|
| mən almalı olabiləcəyəm من آلمالی اؤلاییله جیم | biz آلمالی اؤلاییله جه بیک |
| sən almalı olabiləcəksən سن آلمالی اؤلاییله جکسن | siz آلمالی اؤلاییله جکسینیز |
| o almalı olabiləcəkdir او آلمالی اؤلاییله جکدیر | onlar آلمالی اؤلاییله جکلر |

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با *هـ* یا *ئ* و با یکی از *a,ı,o,u* چهار حرف *ا،ی،و،هـ* باشد ، به شکل زیر صرف و به بخشهای مختلف تجزیه می شود :

| سوند صرفی | علامت آینده | فعل کمکی | میانوند | فعل کمکی | علامت التزامی | ریشه افعــــــــال | ضمایر شخصی |
|-----------|-------------|----------|---------|----------|---------------|--------------------|------------|
| mən | ə | bil | a | ol | malı | qal yıǵ sor dur | |
| sən | ə | bil | a | ol | malı | qal yıǵ sor dur | |
| o | ə | bil | a | ol | malı | qal yıǵ sor dur | |
| biz | ə | bil | a | ol | malı | qal yıǵ sor dur | |
| siz | ə | bil | a | ol | malı | qal yıǵ sor dur | |
| n,lar | ə | bil | a | ol | malı | qal yıǵ sor dur | |

این میانوند تنها با فعل کمکی *بیل* بکار رفته می شود.

(k) فعل التزامی (با سوند ملی) را می توان با فعل کمکی *اؤل* و *بیل* ترکیب داد و به شکل زیر در آینده نزدیک بکار رفت :

فعلی که آخرین حرف صدادار آن با *ə* بالائی و به حرف *a* ختم شود ، به شکل زیر با علامت التزامی و فعل کمکی *ol* و *bil* ، ترکیب یافته و صرف می شود :

| | | | |
|--------------------------|--------------------------|---------------------------|--------------------------|
| mən qəlməli olabilərəm | من لململی اولاییلرم | biz qəlməli olabilərik | بیز لململی اولاییلریک |
| sən qəlməli olabilərsən | سن لململی اولاییلرسن | siz qəlməli olabilərsiniz | سیز لململی اولاییلرسینیز |
| o qəlməli olabilər (dir) | او لململی اولاییلر (دیر) | onlar qəlməli olabilərlər | اونلار لململی اولاییلرلر |

- ایندی *ol* قار یاغیر، بوجور یاغارسا بیز بۇرادا قالمالی اولاییلریک.

فعلی که آخرین حرف صدادار آن با *ə* مائینی و به حرف *a* ختم شود ، به شکل زیر برای ضمائر شخصی صرف می شود :

| | | | |
|------------------------|------------------------|--------------------------|--------------------------|
| mən almalı olabilərəm | من آلمالی اولاییلرم | biz almalı olabilərik | بیز آلمالی اولاییلریک |
| sən almalı olabilərsən | سن آلمالی اولاییلرسن | siz almalı olabilərsiniz | سیز آلمالی اولاییلرسینیز |
| o almalı olabilərdir | او آلمالی اولاییلر دیر | onlar almalı olabilərlər | اونلار آلمالی اولاییلرلر |

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با *ə* مائینی و با یکی از این *a, i, o, u* هار حرف *a, i, o, u* باشد، به شکل زیر برای ضمائر شخصی صرف و به بخشهای مختلف تجزیه می شود :

| سوند صرفی | علامت اینده | فعل کمکی | میانوند | فعل کمکی | علامت التزامی | ریشه افعال | ضمائر شخصی |
|-----------|-------------|----------|---------|----------|---------------|------------|------------|
| mən | ər | a | bil | ol | malı | qal | ↓ |
| sən | ər | a | bil | ol | malı | yığ | ↓ |
| o | ər | a | bil | ol | malı | sor | ↓ |
| biz | ər | a | bil | ol | malı | dur | ↓ |
| siz | ər | a | bil | ol | malı | qal | ↓ |
| on,lar | ər | a | bil | ol | malı | yığ | ↓ |

سوند صرفی این چهار ضمیر شخصی با هم *ə* ی بزر صرف می شود.

- فعل التزامی رك :

فعل رك ، از مصدر ركمك مشتق شده و به شکل فعل التزامی در فرمهای مختلف با مفهومی هم وزن بایستن ، لایق ، حلال ، واجب ، اجبار بودن بکار رفته می شود. فعل رك به شکل زیر به تنهایی و یا در کنار افعال دیگر به طرق مختلف برای ضمائر شخصی صرف می شود :

صرف کلمه التزامی رك در زمان حال با حالت به ، با مفهوم بایستن، لایق بود ، لازم بودن بکار رفته شده و به شکل زیر برای ضمائر شخصی صرف می شود :

| | | |
|-----------------|--------------------|--------------------|
| من سنه ركيرم | سن منه ركيرسن | اؤ منه ركير |
| بیز سیزه ركيريك | سيز بيزه ركيرسينيز | اؤنلار بيزه ركيرلر |

فعل رك با حالت به ، به شکل زیر در زمان آینده نزدیک صرف می شود :

من سنه ركرم ، سن منه ركرسن ، اؤ منه ركركر
بیز سیزه ركريك ، سيز بيزه ركرسينيز ، اؤنلار بيزه ركركرلر

- کلمه التزامی رك به شکل زیر در کنار افعال ارزویی صرف می شود :

| | | |
|--------------|------------------|------------------|
| من عدم رك | سن عدم سن رك | اؤ عدم رك |
| بیز عدم ك رك | سيز عدم سينيز رك | اؤنلار عدم لر رك |

جای فعل رك را با فعل صرف شده می توان در جمله س و یش کرد :

| | | |
|-------------|-----------------|-----------------|
| من رك لم | سن رك لم سن | اؤ رك لم |
| بیز رك لم ك | سيز رك لم سينيز | اؤنلار رك لم لر |

اؤ رك لم : او باید بیاید. او باید آمدنی باشد. (او برای آمدن باید مجبور باشد).

واحد : بیر ان فقرا صئفی رك یاتمایا راحت عبرت له فقط باخمالی احرار زمانی

کلمه التزامی رك را می توان با سایر افعال به شکل زیر در فرم امری نیز برای

ضمایر شخصی صرف کرد :

| | | | | | |
|-----|----------|-----|-----------------------|--------|---------------|
| من | رك اۆلوم | سن | رك اۆل : صرف نمی شود. | اؤ | رك اۆلسون |
| بیز | رك اۇلاق | سیز | رك اۇلا سینیز | اۇنلار | رك اۇلالار لر |

- در جمله می توان جای فعل صرف شده را با کلمه **رك** عوض کرد. مثال :

من اۆلوم **رك** ، اؤ اۇلا **رك** ، بیز اۇلاق **رك** ، ...

مهدی اعتماد : بولبول **رك** اؤز عشقینی دائم وله سالسین

ولده **رك** اؤز کؤله سینی بولبوله سالسین

واحد : یارین سرکویینده ، **رك** مسکنیم اۆلسون جنت ادی کسم ، منه تاری غیمیم اۆلسون

کلمه التزامی **رك** همراه حالت با واسطه به (با مفهوم لایق بودن) به شکل زیر

به کمک فعل ایملک برای ضمایر شخصی صرف می شود :

| | | | | | |
|--------|----------|-------------------|-------------|---------|------------------------|
| من سنه | ركم | mən sənə gərəkəm | بیز سیزه | ركيك | biz sizə gərəkik |
| سن منه | ركسن | sən mənə gərəksən | سیز بیزه | ركسينيز | siz bizə gərəksiniz |
| اؤ منه | رك (دير) | o mənə gərək | اۇنلار سیزه | ركديرلر | onlar sizə gərəkdirler |

.. فعل مصدر بیلیمک با ضمیر ملکی همراه کلمه التزامی **رك** به شکل زیر در کنار هم

قرار رفته و با مفهوم اینده نا مشخص صرف می شود :

| | | | | | | | | |
|-------|-----------------|----|-------|------------------|----|----------|-------------------|----|
| منیم | له بیلیمه ییم | رك | سنین | له بیلیمه یین | رك | اۇنون | له بیلیمه یی (سی) | رك |
| بیزیم | له بیلیمه ییمیز | رك | سیزین | له بیلیمه یی نیز | رك | اۇنلارین | له بیلیمه کلری | رك |

کلمه مصدری همراه ضمیر ملکی با کلمه التزامی **رك** به شکل زیر در زمان حال

صرف می شود :

(a) منیم تورکجه اؤره نمه ییم **ركیر** . بیزیم ایشله مه ییمیز **ركیر** .

(b) بۇ ایشی سۇنا اتتیرماق **ركیر** . بۇ ایشی باشا اتتیرماق بیزه **ركمیر** می؟

- مصدری که آخرین حرف صدادار آن با *هـ* بالائی باشد، همراه ضمیر ملکی به شکل زیر با فعل التزامی *رک* در زمان حال برای ضمائر شخصی صرف می شود :

| | | | | | | |
|-------|---------|-------|-------------------------|----------|-----------|------|
| منیم | لمه ییم | رکیر. | mənim gəlməyim gərəkir. | بیزیم | لمه ییمیز | رکیر |
| سنین | لمه یین | رکیر. | sənin gəlməyin gərəkir. | سیزین | لمه یینیز | رکیر |
| اؤنون | لمه یی | رکیر. | onun gəlməyi gərəkir. | اؤنلارین | لمکلری | رکیر |

- من خارجه یه *ئده جیم* ؛ منیم *ماسورت* الماغیم *رکیر*.

- مصدری که آخرین حرف صدادار آن با *هـ* آئینی باشد، به شکل زیر با ضمیر ملکی و فعل التزامی *رک* برای ضمائر شخصی صرف می شود :

| | | | | | | |
|-------|----------|-------|-------------------------|----------|------------|------|
| منیم | قالماغیم | رکیر. | mənim qalmağım gərəkir. | بیزیم | قالماغیمیز | رکیر |
| سنین | قالماغین | رکیر. | sənin qalmağın gərəkir. | سیزین | قالماغینیز | رکیر |
| اؤنون | قالماغی | رکیر. | onun qalmağı gərəkir. | اؤنلارین | قالماقلاری | رکیر |

صرف مصدر با ضمائر ملکی همراه کلمه التزامی *رک* به شکل زیر صرف می شود :

| | | | | | | | | |
|-------|------------|----|-------|------------|----|----------|--------------|----|
| منیم | ئتمه ییم | رک | سنین | ئتمه یین | رک | اؤنون | ئتمه یی (سی) | رک |
| بیزیم | ئتمه ییمیز | رک | سیزین | ئتمه یینیز | رک | اؤنلارین | ئتمه کلری | رک |

کلمه مصدری را می توان با کلمه التزامی *رک* ترکیب داد و با حالت *به* در کنار هم برای ضمائر شخصی صرف کرد. مثال :

بۇ سوزو منه دئمک رک ، سنه دئمک رک ، اؤنا دیمک رک ، و...

به شعری از *خطائی* (شاه اسماعیل) توجه کنید:

یازمیشام بۇ رقعہ نی ، اول (اؤ) یاره *ؤندرملک رک* .

زار احوالوم (احوالیم) منوم (منیم) دلداره *ؤندرملک رک*

هرکیمین کیم ، دردی وار، درمانه *ؤندرملک رک*.

هر کیمین کیم ، دردی یوخ ، ویرانه ٚندرملک رک.

کلمه مصدری همراه ضمیر ملکی و فعل التزامی رک با علامت اینده نزدیک به شکل زیر در فرم سوم شخص مفرد با سوند دیر صرف می شود :

| | | |
|----------------------|---------------------------|----------------------------|
| منیم قالماغیم رکردیر | mənim qalmağım gərəkərdir | بیزیم قالماغیمیز رکردیر |
| سنین قالماغین رکردیر | sənin qalmağın gərəkərdir | سیزین قالماغینیز رکردیر |
| اونون قالماغی رکردیر | onun qalmağı gərəkərdir | اونلارین قالماقلاری رکردیر |

مصدر مذکور با ضمیر ملکی و فعل رک در اینده نزدیک به شکل زیر در فرم سوم شخص مفرد (بدون سوند صرفی دیر) صرف می شوند :

| | | |
|--------------------|--------------------|--------------------|
| منیم لمه ییم رک | سنین لمه یین رک | اونون لمه یی رک |
| بیزیم لمه ییمیز رک | سیزین لمه یینیز رک | اونلارین لمکلری رک |

- کلمه التزامی زور :

کلمه زور کلمه وصفی است که در ترکیبات مختلف زیر بکار رفته می شود :

- کلمه زور با سوند لا ترکیب می یابد و به شکل فعل صرف می شود :

زورلاماق : زورلارام ، زورلارسان ، زورلار ، زورلاریق ، زورلارسینیز ، زورلارلار

- کلمه زور در ترکیبات مختلف به شکل زیر بکار رفته می شود :

زور ائدمک ، زور وئرمک ، زور ائله مک ، زورا باسماق ، زورا قالماق ، زور ونه قالماق ، ...

زور دئمک : زور دئییرم ، زور دئییرسن ، زور دئییر ، زور دئییریک ، زور دئییرسینیز ، ...

زوردا قالماق : زوردا قالیرام ، زوردا قالیرسان ، زوردا قالیر ، زوردا قالیریق ، زوردا قالیرسینیز ، ...

زوردا قویماق : زوردا قویورام ، زوردا قویورسان ، زوردا قویور ، زوردا قویوروق ، ...

زورا باسماق : زورا باسیرام ، زورا باسیرسان ، زورا باسیر ، زورا باسیریق ، زورا باسیرسینیز ، ...

زور ایسته مک، زورلا انلاماق، زورلا انلاتماق، زورلا بیلدیرمک، زورلا ائشیدمک، و...

او اوزونو زورا باسیرکی بیر ائوالا. o özünü zora basır ki bir ev ala.

سن اوزونو بیر از زورا باس، بیر از اُل قازان. اوزونو اُلدان اوترو زورا باسما.

او زورا قالیدیر. اُونو زورا باسیلار. اونا زور دئییرلر. زور قبول ائتمک، و...

توجه: فعل التزامی رک در رابطه با فعل ارزوی غیر واقعی و.. نیز بکار رفته می شود.

- صرف کلمات مختلف دی ر التزامی :

وجه التزامی با کلمه لازیم :

کلمه لازم در زبان ترکی به دو شکل لازم و لازم بیان می شود و به شرح زیر به تنهایی و یا با کلمات دی ر بوسیله فعل ایملک صرف می شود :

| | | | | | |
|-------|--------------|---------------------|-----|-----------|--------------|
| biz | lazım ıq | بیز لازیمیق | mən | lazım am | من لازیمام |
| siz | lazım sınız | سیز لازیم سینیز | sən | lazım san | سن لازیمسان |
| onlar | lazım dırlar | اونلار لازیم دیرلار | o | lazım dır | او لازیم دیر |

- بۇ ماشین بیزه لازیم دیر. سیز ئتمه یین، بۇ ون بۇرادا لازیم سینیز. اودا بۇ ون بۇرادا لازیم دیر.

کلمه لازیم با حالت با واسطه به :

- کلمه لازیم همراه حالت به و سوند صرفی در شکل سوم شخص (دیر) برای ضمائر شخصی صرف می شود. مثال: (به من لازم می شود).

منه لازیم دیر، سنه لازیم دیر، اونا لازیم دیر، بیزه لازیم دیر، سیزه لازیم دیر، اونلارا لازیم دیر.

| | | | | | |
|--------|-----------------|--------------------------|------|-----------------|-----------------------|
| bizə | kitab lazımdır. | بیزه کیتاب لازیم دیر. | mənə | kitab lazımdır. | منه کیتاب لازیم دیر. |
| sizə | kitab lazımdır. | سیزه کیتاب لازیم دیر. | sənə | kitab lazımdır. | سنه کیتاب لازیم دیر. |
| onlara | kitab lazıdır. | اونلارا کیتاب لازیم دیر. | ona | kitab lazımdır. | اونا کیتاب لازیم دیر. |

- صرف کلمه لازم در فرمهای مختلف :

بیزه بۆرک لازیمدیر . بیزه سؤ لازیمدیر . سیزه ول لازیم دیر .
 بیزه ایش لازیم دیر . بیزه قانون لازیم دیر . بیزه ازادلیق لازیم دیر .
 بیزه اینسانلیق لازیم دیر . بیزه محبت لازیم دیر ، بیزه باشاریق لازیم دیر .
 منیم ائوه ئئدمه ییم لازیم دیر . (اضافه ملکی و مصدر) . mənīm evə getməyim lazımdır .
 بیزه یئمک لازیم دیر (با واسطه به و مصدر) . bizə yemək lazımdır .
 اۇشاقلارا یئمک لازیم دیر . uşaqlara yemək lazımdır .
 منیم اۇرایا ئئتمه ییم لازیم دیر ، سنن بۇرادا قالماغین بیزه لازیم دیر ، اۇنون اۇرایا ئئتمه یی لازیمدیر ،
 بیزیم اۇرایا ئئتمه ییمیز لازیم دیر . سیزین اۇرایا ئئتمه یینیز لازیم دیر . اۇنلارین اۇرایا ئئتمه کلری لازیمدیر .
 اۇ منه لازیم اۇلار . اۇ سنه لازیم اۇلور . اۇ سنه لازیم اۇلاجاق . اۇ سنه لازیم اۇلایلر ، ...

- وجهه التزامی با کلمه مجبور :

کلمه مجبور ، کلمه التزامی است که بوسیله سوند و یا افعال کمکی صرف می شود .
 از اینکه آخرین حرف صدادار کلمه مجبور məcbur ، حرف U با اهنه ئائینی
 است ، نتیجتاً سوندهای ان با حروف صدادار با اهنه ئائینی صرف می شوند :
 من مجبورام ، سن مجبورسان ، اۇ مجبوردور
 بیز مجبوروق ، سیز مجبورسونوز ، اۇنلار مجبوردۇرلار
 مجبور با فعل اؤل در زمان حال : من مجبور اؤلورام ، سن مجبور اؤلورسان ، اۇ مجبور اؤلور
 مجبور با فعل اؤلماق در زمان آینده نزدیک : من مجبور اۇلارام ، سن مجبور اۇلارسان ، اۇ مجبور اۇلار
 مجبور با فعل اؤلماق در زمان آینده دور : من مجبور اۇلاجام ، سن مجبور اۇلاجاقسان ، اۇ مجبور اۇلاجاق ..
 مجبور با فعل مصدری در زمان حال : من مجبور اؤلماقدايام ، سن مجبور اؤلماقداسان ، ...
 مجبور با ترکیبات مختلف : مجبور ولوق ، مجبور ولوقدان ، مجبور اؤلمالی ، مجبور قالمالی ،
 مجبور قالماقدا ، مجبور اۇلایلمک ، مجبور اؤلمالی ، ...

- کلمه مجبور همراه مصدر ترکی که با مفعول با واسطه به همراه شود، به شکل زیر با کمک فعل ایمک برای ضمائر شخصی صرف می شود.
- کلمه مجبور همراه مصدر و حالت به ، به شکل زیر بکار رفته می شود .

| | | | | |
|----|-----------------|-----------------------|--------|--------------------|
| من | لمه یه مجبورام | mən gəlməyə məbur am | بیز | لمه یه مجبوروق |
| سن | لمه یه مجبورسان | sən gəlməyə məbur san | سیز | لمه یه مجبورسونوم |
| او | لمه یه مجبوردور | o gəlməyə məbur dur | اونلار | لمه یه مجبوردورلار |

با کلمه قالماق : من بۇرادا قالماغا مجبورام . بیز غتممه یه مجبوروق.

ایسته مه دی ییمیز زامان (زمان) قوربت ده (غوربت) قالماغا مجبوروق.

istəmədiyimiz zaman qürbətdə (ğürbətdə) qalmağa məburuq.

ایستمه دی ییمیز زامان بۇرادا قالماغا مجبور اۇلدوق.

- وجهه التزامی با کلمه لوزوم :

کلمه لوزوم همراه ضمیر ملکی و حالت با واسطه به ، با فعل وار بکار رفته شده و به کمک فعل ایمک در فرم سوم شخص به شکل زیر صرف می شود :

منیم لمه ییمه لوزوم وار ، سنین لمه یینه لوزوم وار ، اونون لمه یینه لوزوم وار ، ..

سنین لمه یی نه نه لۇزوم (لوزوم) وار (دیر) . sənin gəlməyinə nə luzum var(dir) .

اونون غلمه یی نه نه لۇزوم وار (دیر) ؟ onun getməyinə nə luzum va(dir) ?

اۇشاغین آغلاماغینا لۇزوم وار (دیر) می ؟ uşağın ağlamağına luzum var(dir) mı?

سیزین اینجیمه یی نیزه (اینجی مه یی زه) نه لوزوم وار .

- وجهه التزامی با کلمه احتیاج (احتیاج) :

- کلمه احتیاج با حالت به با کلمه وار در فرم سوم شخص مفرد صرف می شود:

منه احتیاج وار ، سنه احتیاج وار ، اۇنا احتیاج وار ، ...

- کلمه احتیاج با ضمیر ملکی و فعل وار در فرم سوم شخص صرف می شود :

منیم احتیاجیم وار ، سنین احتیاجین وار ، اؤنون احتیاجی وار ،
 بیزیم احتیاجیمیز وار ، سیزین احتیاجینیز وار ، اؤنلارین احتیاجلاری وار
 - کلمه احتیاج همراه ضمیر ملکی و فعل اول به شکل زیر صرف می شود:
 منیم احتیاجیم اؤلار ، سنین احتیاجین اؤلار ، اؤنون احتیاجی اؤلار .
 منیم احتیاجیم اؤلاجاق ، سنین احتیاجین اؤلاجاق ، اؤنون احتیاجی اؤلاجاق .
 اؤنون اؤلا احتیاجی اؤلار ، سنین احتیاجین اؤلار

منیم بیر آز اؤلا احتیاجیم وار .
 mənim bir az pula ehtiyacım var .

سیزین بیر بۆیوک ائوه احتیاجینیز وار .
 سیزین (بۇ ئوی الماق او ون) اؤلا احتیاجینیز وار .

اؤشاغین انا محبتی نه احتیاجی وار .
 یۇرقون ادامین دینجلمه یه احتیاجی وار .

منیم سنین یاردیمینا (کمکی نه) احتیاجیم وار .
 سنین بۇردا اؤلماغینا ، بیزیم احتیاجیمیز وار .

- جملات مختلف زیر نیز مفهوم التزامی دارند :

اؤ بۇ ایل ایش سیز قالیبدیر .
 o bu il işsiz qalıbdır .

اؤ اؤلسوز قالیبدیر . اؤ اتاسیز قالیبدیر . اؤ یتیم قالیبدیر . اؤ خرج سیز قالیبدیر .

اؤ اؤلدە سۇسوز قالیبدیر .
 o çöldə susuz qalıbdır .

بیز اؤلدە یئمک سیز و سۇسوز قالمیشیق . ماشین سیز قالدیق . ات سیز قالدیق . اؤلسوز قالدیق .

- در رابطه با صرف فعل التزامی ر به اشعار زیر توجه کنید :

علی واحد: رکدیر بولبولون وله جفاسین کسین عشق ای ره

نه اؤغلان قیزدان ارتیقدير، نه قیز اسکیکدير اؤغلانندان

بختیار وهابزاده : سن رکسن منه - سؤیلرکن اؤتانديم دؤزؤ من،

سن رکسن منه، واللّه، بۇ رکدن اویانا .

علی واحد : اینانمایايدیم ، آزه لدن اؤ جان الانا رك

اؤنو سئوينجه ، بۇ اؤنلوم دؤنيدي قانه رك

۱۳) فعل آرزوئی (ارزوی واقعی) arzu feli

فعل آرزوئی کلمه است ، که ارزو را بیان می کند. این فعل از ترکیب فعل و سوند a ،

ə بوجود می آید و با ویه ی خواص زیر صرف می شود :

سوند صرفی فعل آرزوئی برای اول شخص مفرد و جمع با هماهنگی کو ک با يك حرف اضافی y صرف می شود ؛ از اینکه این فعل به کلمه دراز و طولی مبدل می شود ، نتیجتاً از آن دو حرف ay مخفف می شود. فعل آرزوئی برای دوم شخص مفرد با هماهنگی کو ک و برای دوم شخص جمع با هماهنگی بزr صرف می شود. سوند صرفی این فعل در رابطه با سوم شخص مفرد و جمع حذف می شود.

- فعل آرزوئی در فرم ساده مفهوم زمان آینده را در خود انعکاس می دهد ؛ اما به کمک قید زمانی می توان زمان آن را دقیقتر بیان کرد.

a) فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهnd بالائی و با یکی از این پنج حرف ə, e, i, ö, ü باشد ، به شکل زیر برای ضمائر شخصی صرف می شود. مثال :

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن به حرف ə ختم می شود :

| | | | | | | |
|--------------------|----------------|--------|----------|-----------------|----|-------|
| سوند صرفی برای دوم | biz gəl (əy)ək | بیز | له ک | mən gələ(əy)m | من | له م |
| شخص جمع با هماهنگی | siz gələsiniz | سیز | له سینیز | sən gələsən | سن | له سن |
| بزر صرف می شود. | onlar gələlər | اونلار | له لر | o gələ | او | له |

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن به حرف ü ختم می شود :

| | | | | | | |
|----------------------|----------------|--------|-----------|---------------|----|--------|
| سوند صرفی (دیر) برای | biz gülə (yə)k | بیز | وله ک | mən gülə(yə)m | من | وله م |
| سوم شخص مفرد و جمع | siz güləsiniz | سیز | وله سینیز | sən güləsən | سن | وله سن |
| بکار رفته نمی شود. | onlar gülələr | اونلار | وله لر | o gülə | او | وله |

توجه :- اصل فعل آرزوئی برای اول شخص مفرد به شکل mən gələyəm و برای اول شخص جمع

به شکل biz gələyək هستند، که در صرف از آنها دو حرف ə و y حذف شده و به شکل لم و لمه ک بکار رفته می‌شوند.

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی و با یکی از این سه حرف e, i, ö باشد، به شکل زیر برای ضمائر شخصی صرف می‌شود:

| | | | | | | | |
|--------|----------|-----------|-----------|----------|--------|--------|-----------|
| من | مدم | gedə(yə)m | ای م | içə(yə)m | م | م | görə(yə)m |
| سن | ئده سن | gedəsən | ای ه سن | içəsən | ه سن | سن | görəsən |
| او | ئده | gedə | ای ه | içə | ه | ه | görə |
| بیز | ئده ک | gedə(yə)k | ای ه ک | içə(yə)k | ه ک | ه ک | görə(yə)k |
| سینز | ئده سینز | gedəsiniz | ای ه سینز | içəsiniz | ه سینز | ه سینز | görəsiniz |
| اونلار | ئده لر | gedələr | ای ه لر | içələr | ه لر | ه لر | görələr |

فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهنگ بالائی باشد، به شکل زیر برای ضمائر شخصی صرف و به بخشهای مختلف تجزیه می‌شود:

| سوند صرفی | علامت ارزویی | ریشه افعـال | ضمائر شخصی |
|-----------|--------------|-------------|------------|
| (yə)m | ə | düş | mən |
| sən | ə | düş | sən |
| | ə | düş | o |
| (yə)k | ə | düş | biz |
| siniz | ə | düş | siz |
| lər | ə | düş | on,lar |

از سوند صرفی اول شخص مفرد و جمع دو حرف y ə حذف می‌شود.

فعل ارزویی به شکل زیر در جمله بکار رفته می‌شود:

او لمه بیر، نه یاخشی اولار. الله ائله یه منیم ده بیر قیزیم اولار.

- به شعری از ارسباران توجه کنید: وصل لمه، محنت هجران ئده ائوبزه نه، و ه راغان اولار

(b) فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهـنـد (a,i,o,u) آئینی باشد، به شکل زیر در فرم ارزوئی بکار رفته می شود :

ا ر آخرین حرف صدادار فعلی با آهـنـد آئینی باشد، با علامت a به فعل ارزوئی تبدیل شده و به شرح زیر برای ضمائر شخصی صرف می شود :

| | | | |
|--|---|---|--|
| در صرف فعل ارزوئی برای اول شخص مفرد و جمع از سوند صرفی دو حرف ya حذف می شود. | → | biz ala(ya)q بیز آلاق siz alasiniz سیز آلا سینیز onlar alalar اونلار آلالار | mən ala(ya)m مـن آلام sən alasan سـن آلاسان o ala او آلا |
|--|---|---|--|

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهـنـد آئینی و با یکی از چهار حرف a, i, o, u باشد ، به شکل زیر به فعل ارزوئی تبدیل و برای ضمائر شخصی صرف می شود :

| | | | | |
|---------------------|----------------------|---------------------|---------------------|--------|
| qura(ya)m قۇرام | sola(ya)m سۇلام | yığa(ya)m ییغام | qala(ya)m قالام | من |
| qurasan قۇراسان | solasan سۇلاسان | yığasan ییغاسان | qalasan قالاسان | سن |
| qura قۇرا | sola سۇلا | yığa ییغا | qala قالا | او |
| qura(ya)q قۇراق | sola(ya)q سۇلاق | yığa(ya)q ییغاق | qala(ya)q قالاق | بیز |
| qurasınız قۇراسینیز | solasınız سۇلا سینیز | yığasınız ییغاسینیز | qalasınız قالاسینیز | سیز |
| quralar قۇرالار | solalar سۇلالار | yıǵalar ییغالار | qalalar قالالار | اونلار |

صرف فعل ایمك برای دوم شخصی جمع با هماهنگی بزر (sınız) صرف می شود.

توجه : در صرف فعل ارزوئی برای سوم شخص مفرد و جمع ، سوند صرفی (دیر) بکار رفته نمی شود. مثال:

- سوم شخص مفرد: او آلا ala ، یانا ، سایا ، قالا ، اتا ، قیرا ، یاغا ، سالا ،
او یی خا yixax ، قیرا ، سینا ، دیغا ، ییغا ، قیزا ، جیرا ، سیرایا :

- سوم شخص جمع: اۇنلار قۇنلار، سۇللار، اۇلار، دۇنلار، سۇرالار، و..
- اۇنلار دۇرالار duralar، قۇرالار، اۇيالار، اۇتوزلار، سۇسویالار، و...
- در رابطه با بکار گیری افعال مذکور به اشعار زیر توجه کنید:
- مظفر سعید: اۇجاغی یاخشی قالا، اۇدون قوی، یاخشی قالا نه اۇلا بۇ دنیادا، یس اۇله یاخشی قالا ...
- وجهی: ایله شیب، باده ای مک، صلح و شرف ساغلیغینا
- ول دئییب، ول ائشیدک، ملک وطن ولشن اۇلا

سیندیراق جهل و تعصب وزه سین غیرت ایله، تا حقیقت ا یلا، فلسفه لر روشن اۇلا

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با اهنه آئینی باشد، به شکل زیر برای ضمائر شخصی صرف و به بخشهای مختلف تجزیه می شود:

| ضمایر شخصی | | ریشه افعال | | | | علامت ارزویی | | سوند صرفی | |
|------------|--|------------|-----|-----|-----|--------------|---|-----------|--------|
| mən | | qal | yığ | sor | dur | | a | | (ya) m |
| sən | | qal | yığ | sor | dur | | a | | san |
| o | | qal | yığ | sor | dur | | a | | |
| biz | | qal | yığ | sor | dur | | a | | (ya) q |
| siz | | qal | yığ | sor | dur | | a | | sınız |
| onlar | | qal | yığ | sor | dur | | a | | lar |

در صرف فعل برای سوم

شخص مفرد و جمع ←

سوند صرفی (دیر)

بکار رفته نمی شود. ←

در صرف فعل برای سوم شخص مفرد و جمع سوند صرفی (دیر) بکار رفته نمی شود.

- اصل فعل ارزویی برای اول شخص مفرد به شکل qalayam و برای اول شخص جمع به شکل qalayaq هستند، که از هر یکی آنها دو حرف (a، y) حذف می شود.

- در رابطه با بکار گیری افعال ارزویی به اشعار زیر توجه کنید:

خلیل رضا: لای لای دئدیم یاتاسان قیزیل وله باتاسان

قیزیل ولون ای ینده شیرین یۇخو تاتاسان

ارسلاران بارز: ارزولارام: حق اۇلا، دیوان اۇلا حقه کؤمک ائتمه امکان اۇلا

حق دئییه نین اغیزی قیفیللامایا هریانا حق کلمه سی اعلان اۇلا ...

علی واحد . شراب اولا ، من اولام ، بیرده نازلی دیلیر اولا

بیر اؤزه عالمی واردیر ، ارمؤیسر اولا

(c) فعلی که آخرین حرف آن صدا دار باشد، در صرف يك حرف تکمیلی y بخود

می یزد و به شکل زیر در فرم ارزوئی بکار رفته می شود. مثال :

- فعلی که آخرین حرف آن صدا دار و با اهنه آئینی باشد، به شکل زیر در فرم ارزوئی

برای ضمائر شخصی صرف می شود :

| | | | | |
|-----------------|------------------|-----------------|--------------|------------------|
| biz qalaya(ya)k | بیز قالایاق | mən qalaya(ya)m | من قالایام | از سوند صرفی اول |
| siz qalayasınız | سیز قالایاسینیز | sən qalayasan | سن قالایاسان | شخص مفرد و جمع |
| onlar qalayalar | اونلار قالایالار | o qalaya | او قالایا | دو حرف |
| | | | | حذف می شود. |

- سوند صرفی ضمیر دوم شخص جمع با هماهنگی بزر (sınız) صرف می شود.

- فعلی که آخرین حرف صدا دار آن با اهنه آئینی باشد، به شکل زیر برای ضمائر شخصی

صرف می شود :

| | | | | |
|----------------|----------------|---------------|------------|---------------------|
| biz deyə (yə)k | بیز دئیە يك | mən deyə(yə)m | من دئیە م | برای سوم شخص مفرد و |
| siz deyəsiniz | سیز دئیە سینیز | sən deyəsən | سن دئیە سن | جمع سوند صرفی |
| onlar deyələr | اونلار دئیە لر | o deyə | او دئیە | بکار رفته نمی شود |

- فعل دئیە deyə به شکل دئیە diyə نیز صرف می شود. مثال:

من دئیە یم ، سن دئیە سن ، او دئیە ، بیز دئیە يك ، سیز دئیە سینیز ، اونلار دئیە لر

- فعلی که آخرین حرف آن صدا دار باشد، در صرف ارزوئی به ان يك حرف تکمیلی y

افزوده می شود. مثال :

یغیه yeyə ، دئیە deyə ، اوشویه üşüyə ، آلیه ələyə ، و...

قالایا qalaya ، اؤخویا oxuya ، سؤلویا suluya ، و..

d) کلماتی که در جمله با فعل ارزوئی بکار رفته می‌شوند :

نه اؤلا nə ola ، بیر bir ، بیر اؤلا bir ola ، نؤلا nola ، آلاّه ائیلّه یه allah eləyə ،
نه nə ، نه یاخشی اؤلار ، ...

آلاّه ائیلّه یه منیم ده بیر اؤغلوم اؤلا. allah eləyə mənimdə bir oğlum ola.

الله ائله یه اؤنلار ایندی له لر. allah əyləyə onlar indi gələlər.

نه اؤلا ، اؤ ایندی له بیر. nə ola o indi gələ bir .

منیم آرزوم بۇدورکی سن بۇیا - باشا اتاسان.

mənim arzum budur ki, sən boya--başə çatasan.

اؤ ایسته بیرکی بۇشهرده یاشایا. o istəyir ki , bu şəhərdə yaşaya .

اؤ اؤغلان همیشه ایسته یرکی، اؤخویا. o oğlan həmişə istəyər ki, oxuya .

اؤنلار ایندی له لر بیر. onlar indi gələlər bir.

منیم بیر جوت اؤغلوم اؤلا ، نه یاخشی اؤلار.

mənim bir cüt oğlum ola , nə yaxşı olar.

- در مواردی ، ند کلمه و یا ند علامت ارزوئی در یک جمله بکار می‌شود. مثال :

نه اؤلا اؤ له بیر. nə ola o gələ bir .

نه اؤلا ، اؤ ایندی اؤرایا ئده بیر. nə ola o indi oraya gedə bir .

نؤلا ، اؤ ئده بیلّه بیر. nola , o gedə bilə bir .

نه اؤلا بیر، من بیر میلیون ئل تامم. nə ola bir, mən bir milyon pul tapam .

نه اؤلا منیم ده بیر قیزیم اؤلا. nə ola mənim də bir qızım ola .

اؤ ایندی له بیر، نه یاخشی اؤلار. o indi gələ bir , nə yaxşı olar.

اؤ له بیلّه بیر نه یاخشی اؤلار. o gələbilə bir nə yaxşı olar .

نه اؤلا ، اؤ آلا بیر. nə ola , o ala bir .

شعر از علی واحد: ایسترم من، او وولو. او ز وولو خندانیم او لا
او دا او ز، کۆنلانو وئرسن منه، جانانیم او لا!

(k) فعل ارزویی در ترکیبات زیر نیز بکار رفته می شود:

با فعل کمکی بیل: او لمه بیله بیر. او الاییله بیر. او دانیشاییله بیر. یازاییله بیر.

او وروشه بیله بیر. او قاریشاییله بیر.

نفی فعل فاعلیت صفتی: او لمنمه یه بیر. او دئییه نمه یه بیر. او بۇرادا قالانمایا بیر.

دانیشاییلنمه یه بیر. وُلن مه یه بیر. ..

او الانمایا بیر. او سۇرانمایا بیر. سالانمایا بیر. ..

با علامت التزامی و فعل کمکی اوّل و بیل:

او لملی او لاییله بیر. او دانیشمالی او لاییله بیر.

او ولملی او لاییله بیر. او قالمالی او لاییله بیر. ...

با کلمه مصدری و فعل اوّلماق:

او لمکده او لا بیر. او اؤرادا قالماقدا او لا بیر.

او دانیشماقدا او لا بیر. او یاتماقدا او لا بیر. ...

با فعل وارماق: او اؤرایا وارماقدا او لا بیر. او وارانمایا بیر. ..

با نفی فعل ائتمک: او صبر ائدمنه یه بیر. او عجله ائدمنه یه بیر.

- جملات زیر نیز ارزویی بحساب می آیند:

علی اقا واحد: یار، ائشیتدیم ائده جکدیر سفر، انشاء الله، وروم اؤلسون سفری بی خطر، انشاء الله

سن سیز یئریم بهشت او لا، غم خانه دیر منه کیم اشنا دؤ یل سنه، بی نه دیر منه.

نئیله ییم کۆنلومه بیر، قۇیمادی اسوده، او لام؟

وُروم ای کاش که، ویران - دل سوزانیم او لا! (فعل غیر واقعی)

۱) فعل امری آرزوئی (محاوره ای) در فرمهای مختلف:

- فعل امری آرزوئی ، فعلی است ، که امر و آرزو را در يك كلمه بیان می کند.
فعل امری آرزوئی، تنها در بین اهل فامیل، دوستان و آشنایان نزدیک (بدون در نظر رفتن بزر و كو لك شخص) بکار رفته می شود. ولی این فعل هر ز در رابطه با اشخاص نا آشنا و بی مانه مورد استفاده قرار نمی یرد.

این فعل در زبان ترکی اذربایجان به دو شکل زیر بکار رفته شده است :

الف) فعلی که امروزه مورد استفاده قرار می یرد.

ب) فعلی که در اشعار و کتب قدیمی صرف شده است.

- فعل امری آرزوئی (فرم امروزی):

فعل امری آرزوئی از ترکیب ریشه فعل با علامت امری و سوند اضافی da و یا

ha تشکیل می یابد ؛ حرف صدادار این سوند با هماهنگی كو لك صرف می شود :

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با اهنه مائینی باشد، اول در فرم امری صرف شده و

سس با یکی از این دو سوند (ها ha ، دا da) بکار رفته می شود. مثال :

الین ها ، قالین ها ، اؤخویون ها ، ییخین دا ، اؤخویون دا ، تۆخویون دا ، ...

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با اهنه بالائی باشد ، اول در فرم امری صرف شده و

سس با یکی از این دو سوند هه da ، هه ha بکار رفته می شود. مثال:

ئدین ده ، یئیین هه ، ولون هه ، ای ین ده ، ژرون هه ، دؤزون هه ، ...

توجه : علامت فعل امری آرزوئی ، معمولاً به فعل نمی یوندد ، بلکه شت سر آن بکار رفته

می شود.مثال : اؤ لمسین ده . اؤ اؤخوسون دا . سن اؤخوها . سن تۆخوها . ..

فعلی که آخرین حرف صدادار آن با اهنه مائینی باشد، به اشکال زیر در فرم امری صرف

شده و سس با علامت ده و دا شت سر آن بکار رفته می شود. مثال :

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن به حرف a ختم شود ، به شکل زیر صرف و با یکی از این دو سوند دا ، ها بکار رفته می شود. مثال :

| | | | |
|---------------------|-------------|---------------------------|-------------------|
| mən alım,ha (دا دا) | من الیم ها | biz alaq,ha (دا دا) | بیز الاق ها |
| sən al,ha (دا دا) | سن ال ها | siz alin,ha (دا دا) | سیز الین ها |
| o alsın,ha (دا دا) | او السین ها | onlar alsınlar,ha (دا دا) | اونلار السینلارها |

- بۇ دو کاز یدان بیر شئی الماین ها، اونون صاحیبی یس ادام دیر.

- من سیزه بیر کره (دفعه) دئدیم ها ، او دو کاز ی دان داهی بیر شئی الماین دا.

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن به حرف ا ختم شود ، به شکل زیر با یکی از این دو علامت دا و یا ها بکار رفته می شود :

| | | | |
|----------------------|--------------|----------------------------|--------------------|
| mən sıxım,ha (دا دا) | من سیخیم ها | biz sıxaq,ha (دا دا) | بیز سیخاق ها |
| sən sıx,ha (دا دا) | سن سیخ ها | sən sıx,ın ha (دا دا) | سیز سیخین ها |
| o sıxsın,ha (دا دا) | او سیخسین ها | onlar sıxsınlar,ha (دا دا) | اونلار سیخسینلارها |

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با اهذ ائینی باشد ، به شکل زیر بکار رفته شده و به بخشهای مختلف تجزیه می شود :

| این دو سوند علامت فعل امری ارزشی هستند. | | سوند امری | | ریشه افعال | | | | ضمایر شخصی | |
|---|----|-----------|--------|------------|-----|-----|----|--|-------|
| <div> فعل امری ارزشی بوسیله یکی از این دو سوند بکار رفته (ده ، هه) می شود </div> | da | ha | im | cız | qır | yaz | al | <div> سوند بر امر و ارزشو جنبه انتقادی نیز دارد. </div> | mən |
| | da | ha | ... | cız | qır | yaz | al | | sən |
| | da | ha | sın | cız | qır | yaz | al | | o |
| | da | ha | aq | cız | qır | yaz | al | | biz |
| | da | ha | ın | cız | qır | yaz | al | | siz |
| | da | ha | sınlar | cız | qır | yaz | al | | onlar |

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با *ه* ائینی و به حرف *و* ختم شود، به شکل زیر برای ضمائر شخصی صرف می شود:

| | | | |
|-------------------|--------------------|-------------------------|---------------------------|
| mən soyum,ha (da) | من سوْیوم ها (دا) | biz soyaq,ha (da) | بیز سوْیاق ها (دا) |
| sən soy,ha (da) | سن سوْی ها (دا) | siz soyun,ha (da) | سیز سوْیون ها (دا) |
| o soysun,ha (da) | او سوْیسون ها (دا) | onlar soysunlar,ha (da) | اونلار سوْیسونلار ها (دا) |

- افعال مذکور به شکل زیر صرف و به بخشهای مختلف تجزیه می شود:

| این دو سوند، مخصوص فعل امری ارزوئی هستند | سوند امری | ریشه افعال | ضمایر شخصی |
|--|-----------|------------|------------|
| ↓ | ↓ | ↓ ↓ ↓ ↓ | ↓ |
| da | ha | um | mən |
| da | ha | ... | sən |
| da | ha | sun | o |
| da | ha | aq | biz |
| da | ha | un | siz |
| da | ha | sunlar | onlar |

ا ر فعل امری با یکی از این دو سوند بکار رفته شود به فعل امری ارزوئی تبدیل می شود.

سوند *ه* علاوه بر بیان امری ارزوئی جنبه تذکر و سوند *دا* جنبه انتقاد نیز دارد.

(b) فعلی که آخرین حرف صدادار آن با *ه* بالائی باشد، به اشکال زیر بکار رفته می شود:

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن به حرف *ه* ختم می شود. مثال:

| | | | |
|-------------------|------------------|-------------------------|------------------------|
| mən gəlim,ha (də) | من لیم هه (ده) | biz gələk,ha (də) | بیز له ک هه (ده) |
| sən gəl,ha (də) | سن ل هه (ده) | sin gəlin,ha (də) | سین لین هه (ده) |
| o gəlsin,ha (də) | او لمسین هه (ده) | onlar gəlsinlər,ha (də) | اونلار لمسین لرهه (ده) |

- توجه شود که فعل امری ارزوئی با یکی از این دو سوند (*ها* ، *دا*) بکار رفته می شود.

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن به حرف **e** ختم شود ، به شکل زیر برای ضمایر شخصی صرف می شود. مثال :

| | | | | | |
|-------------------|----|----------|------------------------|--------|------------|
| mən gedim də (hə) | من | ئمدم ده | biz gedək də (hə) | بیز | ئدک ده |
| sən ged də (hə) | سن | ئد ده | sin gedin də (hə) | سیز | ئدین ده |
| o gedsin də(hə) | او | ئدسین ده | onlar gedsinlər də(hə) | اونلار | ئدسینلر ده |

- من سته بیر دفعه دئدیم ، بۇرایا ل دا. اونون اولون وئرده. بۇ المارلار خاراب اولورلار ، اونلاری درین هه.

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن به حرف **i** ختم می شود :

| | | | | | |
|-------------------|----|-----------|-------------------------|--------|-------------|
| mən silim,də (hə) | من | سیلیم ده | biz silək,də (hə) | بیز | سیله ک ده |
| sən sil,də (hə) | سن | سیل ده | siz silin,də (hə) | سیز | سیلین ده |
| o silsin,də (hə) | او | سیلسین ده | onlar silsinlər,də (hə) | اونلار | سیلسینلر ده |

- بۇ ون درسه باخ ها ، صاباح مدرسه ده ایمتاحتانیمیز وار. درسینه باخ ها ، صاباح ایمتحان وار!

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با **ə** ختم می شود ، به شکل زیر برای ضمایر شخصی صرف شده و به بخشهای مختلف تجزیه می شود :

| این دو سوند علامت فعل امری ارزویی هستند. | | سوند امری | | ریشه افعال | | ضمایر شخصی |
|---|----|------------------------------|--------|------------|-----|------------|
| <div> <p>برای بوجود آوردن فعل امری ارزویی، یکی از این دو سوند را باید با فعل امری بکار رفت.</p> <p>علامت ده بیان انتقادی نیز دارد.</p> </div> | də | hə | im | bil | get | mən |
| | də | hə | ... | bil | get | sən |
| | də | hə | sin | bil | get | o |
| | də | hə | əq | bil | get | biz |
| | də | hə | in | bil | get | siz |
| | də | hə | sinlər | bil | get | onlar |
| علامت ده بیان تذکر نیز دارد. | | علامت هه بیان تذکر نیز دارد. | | | | |

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با **ə** ختم شود ، به شکل

زیر برای ضمایر شخصی صرف می‌شود. مثال :

| | | | | | | | |
|-------|--------------|------|--------------------|-----|-----------|------|--------------|
| biz | bölək,də | (hə) | بیز بۆلک ده | mən | bölüm,də | (hə) | من بۆلوم ده |
| siz | bölün,də | (hə) | سیز بۆلون ده | sən | böl,də | (hə) | سن بۆل ده |
| onlar | bölsünlər də | (hə) | اونلار بۆلسونلر ده | o | bölsün,də | (hə) | او بۆلسون ده |

- من سنه کی دئدیم ، بۇ ون ائوده قال ها.

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن به حرف ü ختم می‌شود :

| | | | | | | | |
|-------|--------------|------|-------------------|-----|-----------|------|-------------|
| biz | gülək,də | (hə) | بیز وله ک ده | mən | gülüm,də | (hə) | من ولوم ده |
| siz | gölün,də | (hə) | سیز ولون ده | sən | göl,də | (hə) | سن ول ده |
| onlar | gülsünlər,də | (hə) | اونلار ولسونلر ده | o | gülsün,də | (hə) | او ولسون ده |

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با اِهَن ائینی باشد، به شکل زیر برای ضمایر شخصی

صرف شده و به بخشهای مختلف تجزیه می‌شود :

| این دو سوند، علامت مخصوص فعل امری ارزوئی هستند | | سوند امری | | ریشه افعال | | ضمایر شخصی | |
|--|-----|-----------|-----|------------|--------|------------|----|
| mən | gül | düz | döz | öp | üm | hə | də |
| | | | | | | | |
| | | | | | | | |
| | | | | | | | |
| | | | | | | | |
| | | | | | | | |
| sən | gül | düz | döz | öp | ... | hə | də |
| o | gül | düz | döz | öp | sün | hə | də |
| biz | gül | düz | döz | öp | əq | hə | də |
| siz | gül | düz | döz | öp | ün | hə | də |
| onlar | gül | düz | döz | öp | sünlər | hə | də |

برای بیان فعل امری
ارزوئی باید یکی از این
دو سوند را با فعل امری
بکار رفت.

علامت ده علاوه بر امری ارزوئی، جنبه انتقادی و علامت هه جنبه تذکر نیز دارد.

توجه: در مواردی زیادی فعل امری ارزوئی را مردم در نیایش با خدای خود نیز بکار می‌برند. مثال:

الله هیم اونلارا کمک ائد ها. الله اونلاری بۇ مصیبت دن قورتار دا. الله منی بۇ مسیبتدن قورتار دا.

الله منیم بالاما کمک ائیله ها. الله بۇ ادامی قضا و قدر لردن حفظ ائله ها !

(d) علامت فعل امری ارزوئی و تغییر سوند صرفی ان :

فعلی که آخرین حرف صدادار ان با اهن بالائی باشد ، در مواردی سوند امری و ارزوئی ان را به نادرست تغییر می دهند؛ یعنی سوند هه را به شکل ها و سوند ده را به شکل دا صرف می کنند ، که البته ان مغایر با قانون هماهنگی حروف صدادار است. بنابر این بهتر است ، این افعال نیز با قانون هماهنگی صرف شوند :

عمی جان آخشام شاما بیزه ل هه ها . *əmi-can, axşam şama bizə gəl,hə*.

عمی، عمی قیزی یا بیر آز ؤل وئره ها . *əmi, əmiqızıya bir az pul "ver,hə"*.

عمی، عمی قیزی یا بیر آز ؤل وئرده ها . *əmi, əmiqızıya bir az pul ver, də*.

سن بۇ کیتابی اوخوها . *sən bu kitabı oxu,ha*.

سن بۇ کیتابی یازها . *sən bu kitabı " yaz ,ha "*.

سن اونون ؤللارینی خرج ائمه ده ، دا . *sən onun pullarını xərc "ədmə , da "(hə)*.

ون ی بکار یری تذکر و انتقاد با علائم فعل امری ارزوئی :

یک (نحوه تذکر دادن با علامت هه و ها :

سوند هه *hə* ، ها *ha* ، زمانی بکار رفته می شود ، که همراه امر و آرزو تذکر نیز داده می شود. مثال :

یالان دئمه هه ! ؤزلرین اؤشاقلارین اوستونده اؤلسون ها ! بۇنو المادین ، اؤنوال ها !

بۇ ایشدن آلك ، اؤز یاخاننی (یاخاوی) اؤنون خیر و شریندن قۇرتار ها !

عمی جان ، عمی اؤغلونون ؤلا برك احتیاجی وار ، اؤنا بیر آز ؤل وئره !

əmi-can , əmi-oğlunun pula bərk ehtiyacı var , ona bir az pul "ver hə".

سن مئ ، اؤدونن ؤردویوموز ماشیننیال ها ! بۇون شاما بیزه ییک ، یادیندان یخماسین ها .

بیراز ، از دانیش هه ! واختین اؤلسا بیزه ل هه ! بۇ اغاجلار سوسویوبلار ، اؤنلاری سؤوارها.

- نحوه انتقاد کردن با علامت ده و دا :

سوند دا زمانی بکار رفته می‌شود، که کسی قبلاً در رابطه با کاری به شخصی تذکره داده است، که اکنون نه تنها گفته خود را تکرار می‌کند، بلکه غیرمستقیم به انتقاد دوستانه ای نیز که منظور از آن اصلاح اشتباه طرف مقابل است، دست می‌زند. مثال:

عمی‌جان، سنه بیر دفعه دئدیم‌هه، عمی‌اوغلونون وُلا برك احتیاجی وار، اونا بیرآز وُل وئرده
 əmi can, sənə bir dəfə dedim ha ,əmi oğlunun pula bərk ehtiyacı var, ona bir az pul" vər də."

دده، من سنه دئدیم کی، داداشا بیر تذکره وئرده! او وئل خرجلیک ائدیر، اونا داهی وُل
 وئرمه ده! من سنه نه دفعه دئدیم، منیم یاخامدان ال ک ده! من بونو سنه بر دفعه دئدیم ده،
 داهی دئمه‌ها. (بعضاً می‌ویند: دئدیم دا، یئممه‌ها)

- فعل امری آرزوئی قدیمی (کهنه شده) :

فعل امری آرزوئی، در اشعار قدیمی بکار رفته شده است، با وجودی که این فعل امروزه بکار رفته نمی‌شود، ولی اشنائی با آن لازم به نظر می‌رسد.

a) سوند آ، عمدتاً در حالت مفعول با واسطه به، به ضمیر اول و دوم شخص مفرد می‌پیوندد و علاوه بر بیان حالت ضمیر، در مواردی نیز مفهوم و معنی فعل امری را به فعل امری آرزوئی تبدیل می‌کند. مثال:

وئر منا ver mən a (بده به من) امروزه گفته می‌شود: منه وئر هه (ده) (mə nə ver hə (də)

آل سنا alsən a (خودت به من) امروزه گفته می‌شود: سنه ال‌ها (دا) (sənə al ha (da)

در رابطه با سوند مذکور به شعر زیر توجه کنید:

فضولی: .. منع ایله، وئرمه هر نه رکمز سنا منا یارب، هدایت ائيله طریق فنا منا

- در شعر مذکور، فعل ائيله فعل امری، وئرمه نفی فعل امری، رکمز نفی کلمه التزامی که در جمله آرزوئی با شک و تردید نیز بکار رفته می‌شود. کلمه سنا منا (به تو و به من) حالت باواسطه به نیز محسوب می‌شود، که بجای فعل به ضمیر شخصی

میوند زده می‌شود، که ان امروزه به شکل منع ائيله هه وئرمه هه، ر کمز هه بیان می‌شود.
- توجه شود که در مواردی، در کتب قدیمی، حرف a بجای سنه به شکل سنا و منه به شکل منا صرف شده است، که ان حالت با واسطه به و در مواردی نیز فرم امری فعل را بیان می‌کند، که شاعر با محارت، يك حرف را با دو مفهوم بکار می‌برد. نین فعلی را می‌توان به شکل تنز امیز و یا غیر واقعی نیز به حساب آورد. مثال:
صابر طاهرزاده: دوغرو داند ا ممدلی غیرت حلال اولسون سنا باغ شه ده ائند یین عشرت حلال اولسون سنا
(شعر مذکور با فعل امری [اولسون سنا] بکار رفته شده است.)

علی واحد: سن سیز یئریم بهشت اولا، غم خانه دیر منه کیم اشنا دؤ ییل سنه، بیر مانه دیر منه
(شعر مذکور با فعل آرزویی با مفهوم فعل امری آرزویی و آرزوی غیر واقعی بکار رفته شده است.)
(b) در کتب قدیمی، فعل امری آرزویی دیر ری، در رابطه با اول شخص جمع با سوند لیم مشاهده می‌شود، که ان نیز امروزه در ترکی اذربایجان ملغا شده است.

در رابطه با فعل امری آرزویی همراه سوند لیم به اشعار زیر توجه کنید:
فضولی: مل ای اهل حقیقت یخالیم دنیادن غیر یئرلر زلیم، اوز به سفالر وره لیم
gəl ey əhlə həqiqət çıxalım dünyadən geyr yerlər gəzəlim, özgə səfərlər görəlim

... نتیجه بیر وسوسه عقل ایله غمناک اولالیم لیلین الیش غمدن یخالیم، اک اولالیم
نشئه می بؤلالیم، قابل ادراک اولالیم مست و مدهوش، خراباتی و بی باک اولالیم
صابر طاهرزاده: بیزه لازیمه حقه قول اولالیم والدینه مطیع اوغول اولالیم

bizə lazımə həqqə qul olalım valideynə möti oğul olalım

علی معجز شبستری: وئرلیم ال - اله، تحصیل کمال ائیلیم لیم خواب غفلتدن ایلسین رک اخوان وطن
- در اشعار مذکور افعال یخالیم çıxalım، زلیم gəzəlim، وره لیم görəlim، اولالیم، وئرلیم، ائيله یه لیم، فعل امری آرزویی هستند، که ان فقط در میان

دوستان و اشنایان، در رابطه با اول شخص جمع بکار رفته می‌شوند.

امروزه در ترکی استانبولی، فعلی در شکل امری ارزویی بکار رفته می‌شود، که ان برای اول شخص مفرد صرف نمی‌شود. در صورتی که برای اول شخص جمع با علامت لیم بکار رفته می‌شود، که ان بر عکس اصول و با قاعدی افعال زبان ترکی است، را که سوند لیم فقط در رابطه با اول شخص جمع صرف می‌شود و در رابطه با سایر ضمائر شخصی به شکل دی ری بکار رفته می‌شود.

فعل امری ارزویی در ترکی استانبولی به شکل زیر صرف می‌شود:

sen gelsin , o gelsin , siz gelesiniz , biz gelelim , onlar gelsinler

c (امروزه در محاوره ، افعالی که آخرین حرف انها به حرف ل ختم می‌شود ، در رابطه با اول شخص مفرد، به شکل ل لم (gal-ləm) و یا به شکل آلام (al - lam) و در رابطه با سوم شخص جمع به شکل اؤنلار له للر (olar gal - əl - lər) و یا به شکل آلا - للار (alal - lar) صرف می‌شود ، که شاید در ون شده همان فعلی باشد ، که در اشعار قدیمی بعنوان فعل امری ارزویی برای اول شخص جمع (به شکل له لیم) صرف شده است.

در رابطه با فعل مذکور به شعری از علی اقا واحد توجه کنید:

واحد : طالع منه یار اؤلسا من نئیلیه ییله م ، ذوقوم جان اار اؤلماسا من نئیلیه ییله م

- نانکه ملاحظه می‌شود ، فعل نئیلیه یه بیللم با فعل کمکی ییل و همراه ل اضافی (به شکل : ل ، ل) بکار رفته شده است.

توجه شود، که صرف نین فعلی در محاوره تنها در رابطه با اول شخص مفرد معمولی کشته است. مثال : من للم ، من وللم ، من بیللم ، من اللام ، من قاللام ، ...

۱) فعل شرطی و فرمهای مختلف آن:

فعل شرطی ، به فعلی گفته می‌شود ، که بوقوع پیوستن عملی را به شرط به انجام رساندن کار دیر ربط می‌دهد.

در زبان ترکی ، فعل شرطی از ترکیب ریشه فعل با علامت شرطی ایسه isə و ایسا isa ساخته شده و در صرف به شکل سه sə و سا sa مخفف می‌شود. حرف صدادار سوند شرطی وابسته به آخرین حرف صدادار ریشه فعل است ، که با هماهنگی کوک صرف می‌شود. یعنی اگر آخرین حرف صدادار فعلی با آهه ئیئی و با یکی از این چهار حرف a, ı, o, u باشد ، با سوند sa و اگر آخرین حرف صدادار آن با آهه ئیئی و با یکی از این پنج حرف ü, ö, e, i, ə باشد ، با سوند sə صرف می‌شود. مثال :

السا alsa ، ییخسا yixsa ، قونسا qonsa ، بولسا bulsa
لسه gəlsə ، غدسه gedse ، ایسه içse ، غورسه görsə
الیرسا al ır salırsa ، ییخیرسا yixırsa ، قونورسا qonursa ، بولورسا bulursa

- فعل شرطی در زبان ترکی به دو شکل و با دو مفهوم متفاوت صرف می‌شود که آنها را فعل شرطی واقعی و فعل شرطی غیر واقعی می‌نامیم :

a) فعل شرطی غیر واقعی: فرم اول: با علامت شرطی

فرم دوم: با علامت شرطی همراه سوند گذشته

b) فعل شرطی واقعی: فرم اول: در سه فرم: در زمان حال و آینده نزدیک ،

در آینده دور و هم‌بین در زمان گذشته

فرم دوم: فعل شرطی واقعی با علامت مخصوص

شرطی (disə)

- فعل شرطی غیر واقعی و نحوه صرف ان :

فعل شرطی غیر واقعی زمانی بکار رفته می شود ، که امکان عملی شدن کار مورد نظر موجود نباشد. مثال : منیم ^۱ولوم اولسا ، من ده تهراندا بیر ائو آلام . یعنی ا ر من ول داشتم ، من هم در تهران یک خانه می خریدم (می خرم).

در دو جمله مذکور دو موضوع زیر مطرح شده است :

یک (ا ر ول داشتم. دو) خانه می خریدم.

ا ر رسیده شود ، ایا ول دارید ؟ ایا خانه می خرید؟

جواب داده می شود : من ول ندارم ، که خانه بخرم.

نانکه ملاحظه می شود ، عملی شدن کار مذکور امکان پذیر نیست. یعنی خانه خریدن

شرطی دارد که ان عملی شدنی بنظر می رسد.

فعلی که آخرین حرف صدادار آن با آهذ ^۱ائینی (a , i , o , u) باشد ، به شکل زیر با

سوند sa و به کمک فعل ایملک در فرم شرطی غیر واقعی بکار رفته می شود :

- فعلی که آخرین حرف صدادار ان به حرف a ختم شود ، به شکل زیر برای ضمائر شخصی صرف می شود :

| | | |
|--|------------------------------|--------------------|
| توجه شود که اصل فعل می بایستی به شکل ال ایسایام می شده ، که به شکل السام مخفف شده است. | بیز آلساق biz alsaq | من آلسام mən alsam |
| | سیز آلسانیز siz alsanız | سن آلسان sən alsan |
| | اونلار آلسالار onlar alsalar | او آلسا o alsa |

توجه :- در صرف فعل شرطی سوند صرفی ضمائر شخصی، به شکل əm , sən , dur , ik , siniz , dirlər هستند ،

که انها به شکل m , n , .. , k , niz , .. مخفف شده و در کنار علامت شرطی بکار رفته می شوند.

- فعل شرطی غیر واقعی، علامت زمان ندارد، ولی ان با مفهوم آینده نا مشخص صرف می شود ، که

می توان زمان ان را با کلمه قید زمانی مشخص و دقیقتر کرد.

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با **ه**د **ئ**ینی و به حرف **ی** ختم شود ، به شکل زیر برای ضمائر شخصی صرف می شود :

| | | | | |
|-----------|------------|-----------------|----------------|---|
| من ییغسام | mən yıǵsam | بیز ییغساق | biz yıǵsaq | اصل فعل می بایستی به شکل ییغایسام می شده ، که به شکل ییغسام مخفف شده است. |
| سن ییغسان | sən yıǵsan | سیز ییغسانیز | siz yıǵsanız | |
| او ییغسا | o yıǵsa | اونلار ییغسالار | onlar yıǵsalar | |

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن به حرف **و** ختم می شود :

| | | | | |
|-----------|------------|-----------------|----------------|--|
| من سولسام | mən solsam | بیز سولساق | biz solsaq | سوند صرفی (دیر) برای سوم شخص مفرد و جمع بکار رفته نمی شود. |
| سن سولسان | sən solsan | سیز سولسانیز | siz solsanız | |
| او سولسا | o solsa | اونلار سولسالار | onlar solsalar | |

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن به حرف **و** ختم می شود :

| | | | | |
|-----------|------------|-----------------|----------------|--|
| من قورسام | mən qursam | بیز قورساق | biz qursaq | اصل فعل می بایستی به شکل قورایسام می شده ، که آن به شکل قورسام مخفف شده است. |
| سن قورسان | sən qursan | سیز قورسانیز | siz qursanız | |
| او قورسا | o qursa | اونلار قورسالار | onlar qursalar | |

- در رابطه با بکار گیری افعال شرطی به اشعار زیر توجه کنید :

- ابولقاسم حسین زاده :

بیر عیام وار اتارام ، هاردا اولسا یاتارام یولدشین یاخشی اولسا، اوزون یولون یاخین اولار

- علی اقا واحد : عشق ائيله سه، عالمی قان، بیلمه یه جکسن یوز دفعه دئسم مطلبی قان، بیلمه جکسن

دل کشامه اره لر. زولفوندن السام ؤنلومو

وئرمه ره م واحد او ؤنلودن ، باشقا بیر جاننه نه من

شهریار : ... ؤز یاشینا باخان اولسا ، قان اخماز ! انسان اولان خنجر بئلینه تاحماز !

اما حیف ، کور توتدوغون بۇراخماز !

- فعلی که آخرین حرف صدا دار آن با ا هـ بالائی و با یکی از این چهار حرف *o, u, a, i* باشد، علامت شرطی و سوند صرفی آن مخفف شده و به شکل زیر برای ضمائر شخصی صرف و به بخشهای مختلف تجزیه می شود :

| ضمایر شخصی | ریشه افعال | علامت شرطی | سوند صرفی مخفف شده | اصل سوند صرفی |
|------------|----------------|------------|--------------------|---------------|
| mən | al yix sol qur | s a | m | am |
| sən | al yix sol qur | s a | n | san |
| o | al yix sol qur | s a | | dir |
| biz | al yix sol qur | s a | q | iq |
| siz | al yix sol qur | s a | nız | sınız |
| onlar | al yix sol qur | s a | lar | dirlar |

اصل سوند صرفی بدین شکل است ، که آن مخفف شده صرف می شود.

سوند صرفی فعل شرطی بدین سان مخفف می شود. علامت شرطی (*isə*) به شکل (*sə*) مخفف شده و صرف می شود.

- در رابطه با صرف فعل شرطی غیر واقعی به شعری از علی اقا واحد توجه کنید:
- توتسام ؤزلیم دامنینی، اینجیمه ، مندن نئیلیم کی دئسم دایان ، ییلمه یه جکسن...
- ... ائتمم ؤزلیم کیمسه یه بیر شکوه غمیندن یانسامدا یاخیلسامدا توکنمه ز سئتمیندن
- فعلی که آخرین حرف صدا دار آن با ا هـ بالائی و با یکی از این پنج حرف *e, i, ö, ü, ə* باشد ، به شکل زیر با سوند شرطی غیر واقعی بکار رفته می شود :
- فعلی که آخرین حرف صدا دار آن به حرف *ə* ختم شود ، به شکل زیر با سوند شرطی ، و سوند صرفی مخفف شده و برای ضمائر شخصی صرف می شود :

| | | |
|---|-----------------------------------|---------------------------|
| توجه شود که اصل فعل می بایستی به شکل <i>əl əysə ym</i> می شده ، که آن به شکل <i>əlsəm</i> مخفف شده است. | biz gəlsək لمسک بیز | mən gəlsəm لمسمن من |
| | siz gəlsəniz لمسه نیز سیز | sən gəlsən لمسن سن |
| | onlar gəlsələr اونلار لمسه لر | o gəlsə لمسه او |

توجه : فعل شرطی برای سوم شخص مفرد با علامت *sə* و برای سوم شخص جمع به شکل *sə lər* صرف می شود ؛ بدین سان هر دو آنها بدون سوند صرفی (*dir*) بکار رفته می شوند.

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن به حرف **e** ختم شود، به شکل زیر با سوند شرطی و سوند صرفی مخفف شده ، برای ضمائر شخصی صرف می شود :

| | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | |
|--|---|------------|-----|-------|--------------|-----|-----------|----------------|---------|----------|---|------------|----|-------|------------|----|-------|---------|-----|-------|
| توجه شود که اصل فعل می بایستی به شکل مُدایسه یم می شده ، که آن به شکل مُدسم مخفف شده است | <table> <tr> <td>biz gedsək</td><td>بیز</td><td>مُدسک</td></tr> <tr> <td>siz gedsəniz</td><td>سیز</td><td>مُدسه نیز</td></tr> <tr> <td>onlar gedsələr</td><td>اُونلار</td><td>مُدسه لر</td></tr> </table> | biz gedsək | بیز | مُدسک | siz gedsəniz | سیز | مُدسه نیز | onlar gedsələr | اُونلار | مُدسه لر | <table> <tr> <td>mən gedsəm</td><td>من</td><td>مُدسم</td></tr> <tr> <td>sən gedsən</td><td>سن</td><td>مُدسن</td></tr> <tr> <td>o gedsə</td><td>اُو</td><td>مُدسه</td></tr> </table> | mən gedsəm | من | مُدسم | sən gedsən | سن | مُدسن | o gedsə | اُو | مُدسه |
| biz gedsək | بیز | مُدسک | | | | | | | | | | | | | | | | | | |
| siz gedsəniz | سیز | مُدسه نیز | | | | | | | | | | | | | | | | | | |
| onlar gedsələr | اُونلار | مُدسه لر | | | | | | | | | | | | | | | | | | |
| mən gedsəm | من | مُدسم | | | | | | | | | | | | | | | | | | |
| sən gedsən | سن | مُدسن | | | | | | | | | | | | | | | | | | |
| o gedsə | اُو | مُدسه | | | | | | | | | | | | | | | | | | |

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن به حرف **i** ختم شود ، به شکل زیر برای ضمائر شخصی صرف می شود :

| | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | |
|--|--|-----------|-----|-------|-------------|-----|-----------|---------------|---------|----------|--|-----------|----|-------|-----------|----|-------|--------|-----|-------|
| سوند صرفی برای دو شخص جمع با هماهنگی بزر صرف می شود. | <table> <tr> <td>biz içsək</td><td>بیز</td><td>ای سک</td></tr> <tr> <td>siz içsəniz</td><td>سیز</td><td>ای سه نیز</td></tr> <tr> <td>onlar içsələr</td><td>اُونلار</td><td>ای سه لر</td></tr> </table> | biz içsək | بیز | ای سک | siz içsəniz | سیز | ای سه نیز | onlar içsələr | اُونلار | ای سه لر | <table> <tr> <td>mən içsəm</td><td>من</td><td>ای سم</td></tr> <tr> <td>sən içsən</td><td>سن</td><td>ای سن</td></tr> <tr> <td>o içsə</td><td>اُو</td><td>ای سه</td></tr> </table> | mən içsəm | من | ای سم | sən içsən | سن | ای سن | o içsə | اُو | ای سه |
| biz içsək | بیز | ای سک | | | | | | | | | | | | | | | | | | |
| siz içsəniz | سیز | ای سه نیز | | | | | | | | | | | | | | | | | | |
| onlar içsələr | اُونلار | ای سه لر | | | | | | | | | | | | | | | | | | |
| mən içsəm | من | ای سم | | | | | | | | | | | | | | | | | | |
| sən içsən | سن | ای سن | | | | | | | | | | | | | | | | | | |
| o içsə | اُو | ای سه | | | | | | | | | | | | | | | | | | |

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن به حرف **ö** ختم شود ، به شکل زیر برای ضمائر شخصی صرف می شود :

| | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | |
|---|--|------------|-----|------|--------------|-----|----------|----------------|---------|---------|--|------------|----|------|------------|----|------|---------|-----|------|
| سوند صرفی (dir) برای سوم شخص مفرد و جمع بکار رفته نمی شود | <table> <tr> <td>biz görsək</td><td>بیز</td><td>ؤرسک</td></tr> <tr> <td>siz görsəniz</td><td>سیز</td><td>ؤرسه نیز</td></tr> <tr> <td>onlar görsələr</td><td>اُونلار</td><td>ؤرسه لر</td></tr> </table> | biz görsək | بیز | ؤرسک | siz görsəniz | سیز | ؤرسه نیز | onlar görsələr | اُونلار | ؤرسه لر | <table> <tr> <td>mən görsəm</td><td>من</td><td>ؤرسم</td></tr> <tr> <td>sən görsən</td><td>سن</td><td>ؤرسن</td></tr> <tr> <td>o görsə</td><td>اُو</td><td>ؤرسه</td></tr> </table> | mən görsəm | من | ؤرسم | sən görsən | سن | ؤرسن | o görsə | اُو | ؤرسه |
| biz görsək | بیز | ؤرسک | | | | | | | | | | | | | | | | | | |
| siz görsəniz | سیز | ؤرسه نیز | | | | | | | | | | | | | | | | | | |
| onlar görsələr | اُونلار | ؤرسه لر | | | | | | | | | | | | | | | | | | |
| mən görsəm | من | ؤرسم | | | | | | | | | | | | | | | | | | |
| sən görsən | سن | ؤرسن | | | | | | | | | | | | | | | | | | |
| o görsə | اُو | ؤرسه | | | | | | | | | | | | | | | | | | |

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن به حرف **ü** ختم می شود :

| | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | |
|--|--|------------|-----|------|--------------|-----|----------|----------------|---------|---------|--|------------|----|------|------------|----|------|---------|-----|------|
| توجه شود که اصل فعل می بایستی به شکل ول ایسه یم می شده ، که آن به شکل ولسم مخفف شده است. | <table> <tr> <td>biz gülsək</td><td>بیز</td><td>ولسک</td></tr> <tr> <td>siz gülsəniz</td><td>سیز</td><td>ولسه نیز</td></tr> <tr> <td>onlar gülsələr</td><td>اُونلار</td><td>ولسه لر</td></tr> </table> | biz gülsək | بیز | ولسک | siz gülsəniz | سیز | ولسه نیز | onlar gülsələr | اُونلار | ولسه لر | <table> <tr> <td>mən gülsəm</td><td>من</td><td>ولسم</td></tr> <tr> <td>sən gülsən</td><td>سن</td><td>ولسن</td></tr> <tr> <td>o gülsə</td><td>اُو</td><td>ولسه</td></tr> </table> | mən gülsəm | من | ولسم | sən gülsən | سن | ولسن | o gülsə | اُو | ولسه |
| biz gülsək | بیز | ولسک | | | | | | | | | | | | | | | | | | |
| siz gülsəniz | سیز | ولسه نیز | | | | | | | | | | | | | | | | | | |
| onlar gülsələr | اُونلار | ولسه لر | | | | | | | | | | | | | | | | | | |
| mən gülsəm | من | ولسم | | | | | | | | | | | | | | | | | | |
| sən gülsən | سن | ولسن | | | | | | | | | | | | | | | | | | |
| o gülsə | اُو | ولسه | | | | | | | | | | | | | | | | | | |

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با **هـ** بالائی و با یکی از این نج حرف **ü ، ö ، i** ،

ə, e باشد، علامت شرطی و سوند صرفی مخفف شده و به شکل زیر برای ضمائر

شخصی صرف و به بخشهای مختلف تجزیه می شود: (۱ : به اورقی توجه شود.)

| اصل سوند صرفی | سوند صرفی مخفف شده | علامت شرطی | ریشه افعال | ضمایر شخصی |
|---------------|--|------------|------------|------------|
| اصل سوند صرفی | بدین شکل است که مخفف شده و برای ضمائر شخصی صرف می شود. | | | |
| mən | ə m | sə | gəl | mən |
| sən | sə n | sə | ged | sən |
| o | dir | sə | iç | o |
| biz | i k | sə | gör | biz |
| siz | si niz | sə | göl | siz |
| onlar | dir lar | sə | | onlar |

علامت شرطی isə به شکل sə مخفف شده و صرف می شود.

سوند صرفی بدین شکل مخفف و صرف می شود.

- در رابطه با فعل شرطی به شعری از علی اقا واحد توجه کنید:

ملک جهاندا ایسترایسک عمر ائدک مدام مظلوم عصری قورتار ایسم ظلمتدن تمام ...

(۱) در رابطه با فعل شرطی و .. به مطالب زیر نیز توجه کنید:

- امروزه فعل شرطی غیر واقعی در محاوره به نادرست بجای فعل شرطی واقعی نیز بکار رفته می شود، را که مردم از زبان فارسی که زبان رسمی و آموزشی شور است، تقلید می کنند.

در زبان فارسی افعال شرطی و آرزویی و.. در شکل واقعی خود موجود نیست، ا ر هم که به شکل جمله ساخته شده اند، ولی آنها در بین مردم بکار رفته نمی شوند. نتیجتاً به علت عدم آموزش زبان ترکی و تاثیرات نواقص (فعل شرطی و آرزویی و...) موجوده در زبان فارسی بعنوان زبان آموزشی کشور، باعث شده که مردم در محاوره افعال شرطی و.. را به شکل صحیح خود بکار نبرند.

واضح است، هر فعلی که در زبان رسمی شده کشور موجود نباشد، در زبان محلی و غیر رسمی اضافی تلقی شده و بجای آموختن از آن، کلمات و افعالی که در زبان رسمی شده موجود نباشد در زبانهای

غیر رسمی ، ابتدائی و مبتدل خوانده شده و اجباراً به مرور زمان کنار گذاشته می‌شوند ، را که این افعال با زبان رسمی کشور قابل توضیح و هضم نیستند.

زبان شناسان زبان فارسی در ده های قبلی کوشیده اند که نواقص آن را بر طرف کنند. البته نه بر مایه آموزش از زبانهای محلی، بلکه به تغلیط به شکل اُل و برداری از زبانهای غربی که به برتر جلوه دادن این زبانها انجامیده است. (برای مثال تکامل فارسی بدین شکل است :

شاید فردا برف خواهد بارید [ببارد]. البته فردا برف خواهد بارید [ببارد] .

در صورتی که زبانهای محلی منجمله زبان اذربایجان که تحت لوای محلی و... تهدید به نابودی می‌شود ، در بعضی از مسائل دستوری ، خیلی غنی تر از زبانهای غربی می‌باشد. برای نمونه به تعداد افعال صرف شده در همین کتاب توجه کنید.

البته بعضی اصلاح ران زبان فارسی در مواردی از آن نیز ا ماهی داشتند ، اما از اینکه زبانهای محلی مورد نفرت حکام بوده اند ، نتیجتاً به نفع و به افتخار زبان شناسان نبود که از آن اُل و برداری کنند. برای نمونه به پنج مقاله آقای سروی توجه کنید ، که تئوریهایی بی‌مایه و ساختاری وی زبان زد و افتخار ناسیونال شئونیستهای ماری اریائی (؟!) ما شده است.

- نا فته نماند که زبان اذربایجان تنها زبان زنده جامعه بشری است که در آن تنها يك فعل بی‌قاعده موجود است. (فعلی که آن در تمام زبانها بی‌قاعده است)

افعال ساده این زبان ده ها برابر زبان فارسی است که از هر کدامی آنها نیز می‌توان با سوندهای مختلف افعال جدیدی بوجود آورد. به علاوه اینکه در این زبان با علامت لا ، له می‌توان اسم ، صفت و قید را نیز به فعل تبدل کرد.

- این نین است که می‌توان به عضویت فاجعه ای ی برد ، که فاشیسم و ناسیونال شئونیستی فارسی از دوران حاکمیت رضا شاه و سروی و اسلافشان به دست یاری غربی ها، با ممنوع کردن تدریس زبانهای مادری اکثریت مردم ایران، بر علیه مردم و بر علیه بشریت تحمیل کرده اند.

۱) فعل شرطی واقعی:

فعل شرطی واقعی، فعلی است که بیان کننده آن عملی شدن فعل را در زمان حال و در زمان آینده نزدیک و آینده دور امکان پذیر می ندارد.

فعل شرطی واقعی از ترکیب ریشه فعل، علامت زمان حال (یا علامت آینده نزدیک و آینده دور) و سوند شرطی بوجود می آید و مخفف شده و صرف می شود.

– فعل شرطی واقعی در زبان ترکی در فرمهای مختلف زیر ساخته و بکار رفته می شود:

| انواع فعل شرطی واقعی | | | |
|--|--------------------------------------|--|--|
| فعل شرطی واقعی با علامت با علامت زمان حال | فعل شرطی واقعی با علامت آینده دور | فعل شرطی واقعی با علامت آینده نزدیک | فعل شرطی واقعی با علامت واقعی با علامت و به ترکیبی di sa |

– توجه شود که در این بخش کتاب، فعل شرطی تنها در زمان حال، آینده نزدیک و آینده دور صرف می شود و فرمهای گذشته آن در بخشهای بعدی کتاب بکار رفته می شود.

۱) صرف فعل شرطی واقعی در زمان حال:

فعل شرطی واقعی در زمان حال از ترکیب ریشه فعل، سوند زمان حال (ir) و علامت شرطی تشکیل می یابد و بکمک مخفف شده فعل ایمک برای ضمائر شخصی صرف می شود.

فعل شرطی واقعی با سوند زمان حال، موقعی بکار رفته می شود که بیان کننده مطلب امکان عملی شدن کار را در زمان حال امکان پذیر می ندارد. مثال:

مُولوم کافی اُولور سا تهراندا بیر ائو آلا رارم. با این مفهوم که اگر من کافی باشد، در تهران یک خانه می خرم. یعنی این کار در حال عملی شدن است. یعنی در فکر این کار هستم.

- در جمله مذکور ، دو موضوع زیر مطرح می شود :
- یک) ا ر ول کافی داشتم . دو) خانه می خرم .
- یعنی خانه خریدن شرطی دارد که ان ول داشتن است .
- ا ر رسیده شود : ایا ول دارید ؟ ایا خانه می خرید ؟
- جواب داده می شود ، بلی ، در حال خریدن هستم ، من می خواهم خانه بخرم .
- در نین جمله ای ول داشتن و خانه خریدن در دستور کار و در حال عملی شدن است . مثال :
- من ایندی یمک بیشیریم . یمه بی بیشیرسم ، اوتوراق برابر بی یمک .
- (من غذا می زم ، ا ر غذا را ختم [غذا خته شود] به نشینیم و برابر بخوریم [می خوریم] .)
- اؤ ایندی یمک یئیر ، اؤ دؤیورسا ، بارابار قابالاری یؤیاریق .
- (او اکنون غذا می خورد ، هذامی که سیر شود ، ما با هم ظرفها را می شویم .)
- حسن تلفن ائیله دی ، او منه دئدی ، بؤرایا لیر . اؤنا تلفون ائت ، اؤ لیرسه (یؤلدا اؤرورسا) ، اؤنا دئ ،
- بیرئ لاواش السین و بؤرایا تیرسین . ا ر اؤ در حال آمدن است ، ب و نندلاواش بخرد و با خود بیاورد .
- a) فعلی که آخرین حرف صدادار ان با اهنه بالائی باشد، به شکل زیر صرف می شود :
- فعلی که آخرین حرف صدادار ان با اهنه بالائی و به حرف ə ختم شود ، به شکل زیر برای ضمائر شخصی صرف می شود :

| | | | | |
|-------------------------|------------|---------------|-----------------|------------------|
| سوند صرفی دیر در | من لیرسم | mən gəlirsəm | بیز لیرسک | biz gəlirsək |
| رابطه با سوم شخص مفرد | سن لیرایسن | sən gəlirisən | سیز لیرسه نیز | siz gəlirsəniz |
| و جمع بکار رفته نمی شود | اؤ لیرسه | o gəlirsə | اؤنلار لیرسه لر | onlar gəlirsələr |

- بهتر است که علامت شرطی دوم شخص مفرد به شکل اصلی خود (isə) بکار رفته شود، در غیراینصورت با سوند دوم شخص مفرد در زمان حال همشکل می شود . مثال :
- لیرسن ، لیرایسن
- فعلی که آخرین حرف صدادار ان با اهنه بالائی و به حرف e ختم شود ، به شکل

زیر در زمان حال و در فرم شرطی واقعی برای ضمائر شخصی صرف می‌شود:

| | | | | | |
|--------------|----|-----------|--------|-------------|------------------|
| men gedirsəm | من | مُدیرسم | بیز | مُدیرسه ک | biz gedirsək |
| sen gedirsən | سن | مُدیرایسن | سیز | مُدیرسه نیز | siz gedirsəniz |
| o gedirsə | سن | مُدیرسه | اونلار | مُدیرسه لر | onlar gedirsələr |

در صرف فعل شرطی برای سوم شخص مفرد و جمع سوند صرفی (دیر) بکار رفته نمی‌شود.

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با اِهَن بالائی باشد و به حرف i ختم شود، به شکل زیر برای ضمائر شخصی صرف می‌شود:

| | | | | | | | |
|-------------|----|----|--------|--------|----|----------|-----------------|
| mən içirsəm | من | ای | یرسم | بیز | ای | یرسه ک | biz içirsək |
| sən içirsən | سن | ای | یرایسن | سیز | ای | یرسه نیز | siz içirsəniz |
| o içirsə | اؤ | ای | یرسه | اونلار | ای | یرسه لر | onlar içirsələr |

سوند صرفی برای دوم شخص جمع با هماهنگی بزر صرف می‌شود

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با اِهَن بالائی باشد، به شکل زیر در فرم شرطی واقعی برای ضمائر شخصی صرف و به بخشهای مختلف تجزیه می‌شود:

| اصل سوند | سوند صرفی مخفف شده | علامت شرطی | سوند زمان | ریشه افعال | ضمائر شخصی |
|-------------|--------------------|------------|-----------|------------|------------|
| ə m | m | s ə | ir | g ə l | m ə n |
| s ə n | n | i s ə | ir | g ə l | s ə n |
| d i r | | s ə | ir | g ə l | o |
| i k | k | s ə | ir | g ə l | b i z |
| s i n i z | n i z | s ə | ir | g ə l | s i z |
| d i r l ə r | l ə r | s ə | ir | g ə l | o n l a r |

سوند صرفی فعل شرطی، مخفف شده بکار رفته می‌شود. از علامت شرطی isə يك حرف i حذف می‌شود.

- افعال مذکور با خط عربی در کتب قدیمی به شکل لیرسک، لیرسه ک، لیرسک، لیرسک نوشته شده اند.

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با اِهَن بالائی و به حرف ۆ ختم شود، به شکل

زیر در فرم شرطی واقعی در زمان حال برای ضمائر شخصی صرف می شود :

| | | | | | |
|------------------|--------|------------|--------------|----|----------|
| biz görürsək | بیز | ۋرورسه ک | mən görürsəm | من | ۋرورسم |
| biz görürsəniz | سیز | ۋرورسه نیز | sən görürsən | سن | ۋرورایسن |
| onlar görürsələr | اونلار | ۋرورسه لر | o görürsə | او | ۋرورسه |

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن به حرف ü ختم می شود :

| | | | | | | |
|------------------|--------|------------|--------------|----|----------|---|
| biz gülürsək | بیز | ولورسک | mən gülürsəm | من | ولورسم | سوند شرطی را در صرف برای دوم شخص مفرد نباید مخفف کرد. |
| siz gülürsəniz | سیز | ولورسه نیز | sən gülürsən | سن | ولورایسن | |
| onlar gülürsələr | اونلار | ولورسه لر | o gülürsə | او | ولورسه | |

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با اِهَن بالائی باشد، به شکل زیر برای ضمائر

شخصی صرف و به بخشهای مختلف تجزیه می شود :

| اصل سوند صرفی | مخفف شده سوند صرفی | علامت شرطی | سوند زمان حال | ریشه افعال | ضمائر شخصی |
|---------------|--------------------|------------|---------------|------------|------------|
| ə m | سوند صرفی | m | ür | göl | mən |
| sən | فعل شرطی | n | ür | göl | sən |
| dir | بدین شکل | ... | ür | göl | o |
| ik | مخفف شده و | k | ür | göl | biz |
| sınız | صرف می شود. | niz | ür | göl | siz |
| dirlər | | lər | ür | göl | onlar |

| | |
|--|---|
| سوند صرفی فعل شرطی، مخفف شده صرف می شود. | علامت شرطی (isə) مخفف شده و به شکل sə صرف می شود. |
|--|---|

به شعری از کتاب شاه اسماعیل:

ایریلیرام سندن اور یم دونمه ز اور یم دؤنورسه وزلریم سؤنمه ز ..

(b) فعلی که آخرین حرف صدادار آن با اِهَن آئینی باشد ، به شکل زیر در فرم

شرطی واقعی در زمان حال برای ضمایر شخصی صرف می‌شود :

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با اهـن ائینی باشد و به حرف a ختم شود ، به

شکل زیر برای ضمایر شخصی صرف می‌شود :

| | | | | |
|-----------------|------------------|-------------|--------------|--|
| biz alırsaq | بیز آلیرساق | mən alırsam | من آلیرسام | بہتر است در صرف فعل شرطی برای دوم شخص مفرد علامت شرطی (isa) مخفف نشود. |
| biz alırsanız | سیز آلیرسانیز | sən alırsan | سن آلیرایسان | |
| onlar alırsalar | اونلار آلیرسالار | o alırsa | او آلیرسا | |

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن به حرف ا ختم می‌شود :

| | | | | |
|---|-------------------|------------------|---------------|---------------|
| سوند صرفی (دیر) برای سوم شخص مفرد و جمع بکار رفته نمی‌شود | biz yığırısq | بیز ییغیرساق | mən yığırısam | من ییغیرسام |
| | siz yığırısanız | سیز ییغیرسانیز | sən yığırısan | سن ییغیرایسان |
| | onlar yığırısalار | اونلا ییغیرسالار | o yığırسا | او ییغیرسا |

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با اهـن بالائی باشد ، به شکل زیر با سوند شرطی و

سوند صرفی مخفف شده ، صرف و به بخشهای مختلف تجزیه می‌شود :

| سوند صرفی | سوند صرفی مخفف شده | علامت شرطی | سوند زمان حال | ریشه افعال | ضمایر شخصی |
|------------------------------------|---|------------|---|------------|------------|
| am | <div>سوند صرفی</div> <div>فعل شرطی</div> <div>بدین شکل</div> <div>مخفف شده و</div> <div>صرف می‌شود.</div> | s a | ır | al | mən |
| san | | ı s a | ır | al | sən |
| dır | | s a | ır | al | o |
| ıq | | s a | ır | al | biz |
| sınız | | s a | ır | al | siz |
| dırlar | | s a | ır | al | onlar |
| | | | | | |
| سوند صرفی به شکل مذکور مخفف می‌شود | | | علامت شرطی (isa) مخفف شده و به شکل sa صرف می‌شود. | | |

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن به حرف o ختم شود ، به شکل زیر در فرم شرطی

واقعی در زمان حال برای ضمایر شخصی صرف می شود :

| | | | | |
|------------------|------------------|-----------------------|---------------|--|
| biz solursaq | بیز سؤلورساق | mən solursam | من سؤلورسام | بہتر است علامت شرطی برای دوم شخص مفرد بہ شکل اصلی صرف شود. |
| siz solursanız | سیز سؤلورسانیز | sən solur <u>isan</u> | سن سؤلورایسان | |
| onlar solursalar | اونلا سؤلورسالار | o solursa | او سؤلورسا | |

- فعلی کہ آخرین حرف صدادار ان بہ حرف u ختم می شود :

| | | | |
|------------------|-------------------|---------------|---------------|
| biz qurursaq | بیز قۇرورساق | mən qurursam | من قۇرورسام |
| siz qurarsanız | سیز قۇرورسانیز | sən qururisan | سن قۇرورایسان |
| onlar qurarsalar | اونلار قۇرورسالار | o qurursa | او قۇرورسا |

- افعال مذکور بہ شکل زیر صرف و بہ بخشهای مختلف تجزیہ می شوند :

| اصل سوند صرفی | سوند صرفی مخفف شدہ | علامت شرطی | سوند زمان حال | ریشه افعال | ضمایر شخصی |
|---|---|---------------------------|-----------------------------------|----------------------------------|--|
| am san dir uq niz dunlar | در صرف فعل شرطی برای سوم شخص مفرد و جمع سوند صرفی (دیر) بکار رفته نمی شود. | m n q niz lar | sa isa sa sa sa sa | ur ur ur ur ur ur | sol sol sol sol sol sol |
| | | | | | qur qur qur qur qur qur |
| | | | | | |
| | | | | | |
| | | | | | |
| | | | | | |
| | سوند صرفی فعل شرطی مخفف شدہ صرف می شود. علامت شرطی (isa) بہ شکل مخفف شدہ (sa) صرف می شود. | | | | |

- در رابطہ با بکار گیری فعل شرطی واقعی در زمان حال بہ اشعار زیر توجہ کنید:

اصلی ایله کرم : دۇرنا . ئىدرايسن ييزيم ائللره بیرجاندا بیر خسته ؤردوم دیرسن

ا ر بیزدن سئوال ائدن اولورسا بیرجاندا بیر خسته ؤردوم دیرسن

علی تبریزی: منیمده قهر ایله یولوندا انا اولورسا دشمن نه قدر شاه بابا

احمد جواد: یاییلمیش شهرتین بوتون دیللره اولورسا اولسون رهارالی ؤی ول

۲) فعل شرطی واقعی در زمان آینده نزدیک :

فعل شرطی واقعی در زمان آینده نزدیک ، ترکیبی از ریشه فعل ، علامت آینده نزدیک و سوند شرطی ([isə , isa] se , sa) است ، که بکمک مخفف شده فعل ایمک برای ضمائر شخصی صرف می شود.

- فعل شرطی واقعی با سوند آینده نزدیک زمانی بکار رفته می شود ، که کسی بخواهد کاری را که امکان عملی شدن آن در آینده نزدیک ممکن است ، بیان کند. مثال :

احمد دئدی لیر ، او ائوه لمرسه یئمک یئییه ریک.. Əhməd dedi gəlir, o evə gəlsə, yemək yeyərək .

احمد رفت می آید ، او را به خانه بیاورد (برسد) غذا می خوریم. بعبارت دیگر احمد بزودی می آید ؛ وقتی که وی به خانه آمد [رسید] غذا می خوریم .

بهتر است که صرف فعل شرطی واقعی در رابطه با دوم شخص مفرد ، مخفف نشود و به شکل ایسه ، isə بکار رفته شود ، زیرا اگر به شکل مخفف شده (سە، سا، sə,sa) صرف شود ، همشکل با فعل آینده نزدیک در می آیند. یعنی بجای لمرسن فته می شود لمرایسن و بجای الارسان فته می شود ، الارایسان

توجه: در مواردی برای درست شدن قافیه شعر، فعل شرطی را به شکل اصلی خود اصلی خود نیز بکار می گیرند. مثال:

علی اکبر تاتر زاده : یاشاما ق ایسته رایسه ک صرف عوام اۆلمالی ییز

اتیب انسالیقی بالجمله عوام اۆلمالی ییز ...

صرف فعل شرطی واقعی در آینده نزدیک :

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با اهنه بالائی و با یکی از این هار حرف u ، o ، a ، باشد ، به شکل زیر بکار رفته می شود :

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با اهنه بالائی و به حرف ə ختم شود ، به شکل

زیر برای ضمایر شخصی صرف می شود :

| | | | | | | | |
|-------|------------|--------|-----------|-----|-----------|----|---------------|
| biz | gələrsək | بیز | لر سئ | mən | gələrsəm | من | لر سئم |
| siz | gələrsəniz | سیز | لر سه نیز | sən | gələrisən | سن | <u>لرایسن</u> |
| onlar | gələrsələr | اونلار | لر سه لر | o | gələrsə | او | لر سه |

علامت شرطی (سه)

برای دوم شخص مفرد

نباید مخفف شود.

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن به حرف ü ختم می شود :

| | | | | | | | |
|-------|------------|--------|----------|-----|-----------|----|----------------|
| biz | gülərsək | بیز | ولر سئ | mən | gülərsəm | من | ولر سئم |
| siz | gülərsəniz | سیز | ولر سنیز | sən | gülərisən | سن | <u>ولرایسن</u> |
| onlar | gülərsələr | اونلار | ولر سلر | o | gülərsə | او | ولر سه |

حسین جاوید: قادین وله سه شرطسیز محیطی میز وله جک

سورولکه نن بشریت قادینلا یوکسله جک

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با اِهَن بالائی و با یکی از این سه حرف e, i, ö

باشد ، به شکل زیر برای ضمایر شخصی صرف می شود :

| | | | | | | |
|------------|------------|-----------|------------|------------|------------|--------|
| görərsəm | ؤرر سئم | içərsəm | ایر سئم | gedərsəm | ئدر سئم | من |
| görarisən | ؤررایسن | içərisən | ایرایسن | gedərisən | ئدرایسن | سن |
| görərsə | ؤرر سه | içərsə | ایر سه | gedərsə | ئدر سه | او |
| görərsək | ؤرر سئ | içərsək | ایر سئ | gedərsək | ئدر سئ | بیز |
| görərsəniz | ؤرر سه نیز | içərsəniz | ایر سه نیز | gedərsəniz | ئدر سه نیز | سیز |
| görərsələr | ؤرر سه لر | içərsələr | ایر سه لر | gedərsələr | ئدر سه لر | اونلار |

- افعال مذکور در کتب قدیمی با خط عربی به اشکال زیر نوشته شده اند :

ایر سئ ، ایر سه ک ، ایر سه ک ...

توجه : بهتر است ، سوند صرفی فعل شرطی واقعی برای دوم شخص مفرد به شکل اصلی (ایسه) خود صرف شود.

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با *ə* باشد، به شکل زیر در فرم شرطی واقعی در زمان آینده نزدیک صرف و به بخشهای مختلف تجزیه می شود :

| ضمایر شخصی | | ریشه افعال | | | سوند زمان | | علامت شرطی | | سوند صرفی مخفف شده | | سوند صرفی | |
|---|--|------------|-----|----|-----------|----|------------|------|--------------------|-----|---|--------|
| mən | | gəl | ged | iç | | ər | | sə | | m | <div>سوند صرفی، در صرف فعل شرطی مخفف می شود و بدین شکل بکار رفته نمی شود.</div> | əm |
| sən | | gəl | ged | iç | | ər | | i sə | | n | | sən |
| o | | gəl | ged | iç | | ər | | sə | | | | dir |
| biz | | gəl | ged | iç | | ər | | sə | | k | | ik |
| siz | | gəl | ged | iç | | ər | | sə | | niz | | niz |
| onlar | | gəl | ged | iç | | ər | | sə | | lär | | dirlär |
| <div>سوند صرفی بدین شکل مخفف شده و صرف می شود.</div> | | | | | | | | | | | | |
| <div>حرف ı فقط از علامت شرطی دوم شخص مفرد مخفف نمی شود.</div> | | | | | | | | | | | | |

فعلی که آخرین حرف صدادار آن با *ə* ائینی می باشد :

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن به حرف *a* ختم شود ، به شکل زیر در فرم شرطی واقعی در زمان آینده نزدیک برای ضمایر شخصی صرف می شود :

| | | | | | |
|-------|-----------|-----------|--------|--------------|--------------|
| biz | alarsaq | آلارساق | بیز | mən alarsam | من آلارسام |
| siz | alarsanız | آلارسانیز | سیز | sən alarısan | سن آلارایسان |
| onlar | alarsalar | آلارسالار | اونلار | o alarsa | او آلارسا |

علامت شرطی برای دوم شخص مفرد مخفف نشده و به شکل اصلی خود *ısa* صرف می شود

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن به حرف *ı* ختم می شود :

| | | | | | |
|-------|------------|------------|--------|---------------|---------------|
| biz | yığarsaq | ییغارساق | بیز | mən yığarsam | من ییغارسام |
| siz | yığarsanız | ییغارسانیز | سیز | sən yığarısan | سن ییغارایسان |
| onlar | yığarsalar | ییغارسالار | اونلار | o yığarsa | او ییغارسا |

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با *ə* ائینی و با یکی از دو حرف *a* ، *ı* باشد ،

به شکل زیر برای ضمایر شخصی صرف و به بخشهای مختلف تجزیه می شود :

| اصل سوند صرفی | سوند صرفی مخفف شده | علامت شرطی | سوند زمان حال | ریشه افعال | ضمایر شخصی |
|---------------|---|------------|---------------|------------|------------|
| am | سوند صرفی (دیر) برای سوم شخص مفرد و جمع بکار- رفته نمی شود | m | sa | al | mən |
| san | | n | ı sa | yıx | sən |
| dır | | | sa | yıx | o |
| ıq | | q | sa | yıx | biz |
| nız | | nız | sa | yıx | siz |
| dırlır | | lar | sa | yıx | onlar |

سوند صرفی ، مخفف شده بکار رفته می شود.

از علامت شرطی دوم شخص مفرد حر | مخفف نمی شود.

- فعلی که آخرین حرف صدا دار آن به حرف o ختم شود ، به شکل زیر در فرم شرطی واقعی در زمان آینده نزدیک برای ضمایر شخصی صرف می شود :

| | | | | | |
|----|------------|---------------|--------|------------|------------------|
| من | سؤلارسام | mən solarsam | بیز | سؤلارساق | biz solarsaq |
| سن | سؤلارایسان | sən solarısan | سیز | سؤلارسانیز | siz solarsanız |
| او | سؤلارسا | o solarsa | اونلار | سؤلارسالار | onlar solarsalar |

- فعلی که آخرین حرف صدا دار آن به حرف u ختم شود ، به شکل زیر در فرم شرطی واقعی در زمان آینده نزدیک برای ضمایر شخصی صرف می شود :

| | | | | | |
|----|------------|---------------|--------|------------|------------------|
| من | قۇرارسام | mən qurarsam | بیز | قۇرارساق | biz qurarsaq |
| سن | قۇرارایسان | sən qurarısan | سیز | قۇرارسانیز | siz qurarsanız |
| او | قۇرارسا | o qurarsa | اونلار | قۇرارسالار | onlar qurarsalar |

- علامت شرطی برای دوم شخص مفرد به شکل اصلی خود (ایسا) بکار رفته می شود.

- فعلی که آخرین حرف صدا دار آن با اهدن بالائی باشد و به یکی از این دو حرف o,u

ختم شود، به شکل زیر در زمان آینده نزدیک در فرم شرطی برای ضمائر شخصی صرف و به بخشهای مختلف تجزیه می شود :

| اصل سوند صرفی | مخفف شده سوند صرفی | | علامت شرطی | سوند زمان حال | ریشه افعال | ضمایر شخصی |
|--|---|--|--|---------------|------------|------------|
| am | <div>در فعل شرطی سوند صرفی (دیر) برای سوم شخصی مفرد و جمع بکار رفته نمی شود</div> | | m | sa | ar | mən |
| san | | | n | sa | ar | sən |
| dır | | | | sa | ar | o |
| ıq | | | q | sa | ar | biz |
| nız | | | nız | sa | ar | siz |
| dınlar | | | lar | sa | ar | onlar |
| سوند صرفی فعل شرطی ، بدین شکل مخفف می شود. | | | حرف ا از علامت شرطی دوم شخص مفرد مخفف نمی شود. | | | |

- در رابطه با بکار گیری افعال شرطی واقعی در زمان آینده نزدیک به اشعار زیر توجه کنید:

صمد وورغون : منلر ، یاسمنلر ووروب بیر جلوه ؤرسنرسه

دورار ؤنلوم ، یبخار سئیره حیاتین غم اوتاغیندا

خاقانی شروانی : نه قدر من ساغام اتمارام سنی ، اؤله رسم سن ئوزون ییلرسن ای یار !

از کتاب یعقوب قدسی اتالار سوزو : حق یاردیم ائدرسه ، قورد قۇبان اۇلار.

- در رابطه با بکار گیری افعال شرطی واقعی مخفف نشده به اشعار زیر توجه کنید :

ه ه نامه : یاشاماق ایسته رایسه ك صرف عوام اۆلمالی ییز

اتیب انسالیغی بالجمله عوام اۆلمالی ییز ..

صبر ایله هله یاغلی قارینلار دۇلارایسه دؤریده لمو قالماغا امکان اۇلارایسه

از کتاب اصلی ایله کرم : دۇرنا عۇدرایسن بیزیم ائللره برجاندا بیر خسته وردوم دییرسن

۳) فعلی که آخرین حرف صدادار آن با اهنه بالائی باشد ، به شکل زیر با علامت

شرطی و یا سوندِ صرفی مخفف شده و در آینده دور بکار رفته می‌شود :

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با اهـ بالائی و به حرف ە ختم شود ، به شکل

زیر در زمان آینده دور، در فرم شرطی واقعی برای ضمایر شخصی صرف می‌شود :

| | | | | | |
|----|---------------|-----------------|--------|----------------|--------------------|
| من | من له جکسم | mən gələcəksəm | بیز | من له جکسک | biz gələcəksək |
| سن | من له جک ایسن | sən gələcəkisən | سیز | من له جکسه نیز | siz gələcəksəniz |
| او | من له جکسه | o gələcəksə | اونلار | من له جکسه لر | onlar gələcəksələr |

- در صرف ، علامت شرطی (isə) در رابطه با دوم شخص مفرد مخفف نمی‌شود.

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با اهـ بالائی و با حرف e باشد ، به شکل زیر

در زمان آینده دور ، در فرم شرطی واقعی برای ضمایر شخصی صرف می‌شود :

| | | | | | |
|----|-------------|-----------------|--------|--------------|--------------------|
| من | منه جکسم | men gedəcəksəm | بیز | منه جکسه ک | biz gedəcəksək |
| سن | منه جک ایسن | sen gedəcəkisən | سیز | منه جکسه نیز | siz gedəcəksəniz |
| سن | منه جکسه | o gedəcəksə | اونلار | منه جکسه لر | onlar gedəcəksələr |

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با اهـ بالائی و به حرف i ختم شود ، به شکل

زیر در زمان آینده دور ، در فرم شرطی واقعی برای ضمایر شخصی صرف می‌شود :

| | | | | | |
|----|-------------|----------------|--------|--------------|-------------------|
| من | ایه جکسم | mən içəcəksəm | بیز | ایه جکسه ک | biz içəcəksək |
| سن | ایه جک ایسن | sən içəcəkisən | سیز | ایه جکسه نیز | siz içəcəksəniz |
| او | ایه جکسه | o içəcəksə | اونلار | ایه جکسه لر | onlar içəcəksələr |

- در مواردی ، فعل شرطی را در زمان آینده دور، به جای فعل ارزویی نیز بکار می‌برند ؛ ولی آن تنها

مفهوم شرطی دارد.

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با اِهَن اِئینی و به حرف a ختم شود، به شکل زیر در زمان آینده دور ، در فرم شرطی واقعی برای ضمائر شخصی صرف می شود :

| | | | |
|----------------|------------------|-------------------|---------------------|
| mən alacaqsam | من آلاچاقسام | biz alacaqsaq | بیز آلاچاقساق |
| sən alacaqısan | سَن آلاچاق ایسان | siz alacaqsınız | سِیز آلاچاقسانیز |
| o alacaqsa | اُو آلاچاقسا | onlar alacaqsalar | اُونلار آلاچاقسالار |

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن به حرف اِ ختم می شود :

| | | | |
|-----------------|-------------------|--------------------|----------------------|
| mən yıǵacaqsam | من ییغاجاقسام | biz yıǵacaqsaq | بیز ییغاجاقساق |
| sən yıǵacaqısan | سَن ییغاجاق ایسان | siz yıǵacaqsanız | سِیز ییغاجاقسانیز |
| o yıǵacaqsa | اُو ییغاجاقسا | onlar yıǵacaqsalar | اُونلار ییغاجاقسالار |

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با اِهَن بالائی باشد و به یکی از این چهار حرف a, ı, o, u ختم شود ، به شکل زیر در زمان آینده دور ، در فرم شرطی واقعی برای ضمائر شخصی صرف و به بخشهای مختلف تجزیه می شود :

| سوند صرفی | مخفف شده سوند صرفی | علامت شرطی | سوند آینده | ریشه افعال | ضمایر شخصی |
|-----------|--------------------|------------|------------|------------|------------|
| am | m | sa | acaq | diğ | mən |
| san | n | ı sa | acaq | diğ | sən |
| dır | | sa | acaq | diğ | o |
| ıq | q | sa | acaq | diğ | biz |
| nız | nız | sa | acaq | diğ | siz |
| dınlar | lar | sa | acaq | diğ | onlar |

| | |
|-------------------------------------|---|
| اصل سوند صرفی فعل شرطی مخفف می شود. | حرف اِ فقط از علامت شرطی دوم شخص مفرد مخفف نمی شود. |
|-------------------------------------|---|

- علامت شرطی برای دوم شخص مفرد به شکل اصلی خود (ı sa ایسا) بکار رفته می شود.

فعل مجهولی و فرمهای مختلف آن :

(۱) فعل مجهولی، به فعلی فته می‌شود ، که فاعل آن مشخص نباشد ؛ عبارت دی ر فعل مجهولی کاری را بیان می‌کند ، که فاعل آن ناشناخته است. این فعل همانند سایر افعال با علائم و نا ون در فرمها و زمانهای مختلف صرف می‌شود.

فعل مجهولی از ترکیب ریشه فعل با علامت مجهولی بوجود می‌آید و به اشکال زیر بعنوان فعل و یا مصدر مجهولی بکار رفته می‌شود. مثال:

یاز yaz (بنویس) ، قاز qaz (بکن) ، قالا qala (روی هم ؛ ین)

یازیل yazılır ، یازیلیر yazılır

قازیلیر qazılır ، قازیلماق yazılmaq

قالانیر qalanır ، قالانماقدادیر qalanmaqdadır ، ... و

فعل مجهولی به شکل زیر در فرمهای مختلف بکار رفته می‌شود. مثال :

کیتاب آلینماقدادیر . kitab alınmaqdadır . (کتاب در حال خریدن شدن است.)

کیتاب اوخونور . kitab oxunur . (کتاب خوانده می‌شود.)

کیتاب اوخونار . kitab oxunar . (کتاب بزودی خوانده می‌شود.)

کیتاب یازیلماق . kitab yazılacaq . (کتاب نوشته خواهد شد .)

- افعال ترکی با سه شیوه مختلف زیر به فرم مجهولی تبدیل شده و بکار رفته می‌شوند :

(۱) ر آخرین حرف ریشه فعل ، حرف بی‌صدا باشد ، با حروف il به فعل مجهولی تبدیل می‌شود.

(۲) ر آخرین حرف ریشه فعل ، حرف صدا دار باشد ، با حرف n به فعل مجهولی تبدیل می‌شود.

(۳) ر آخرین حرف فعلی به حرف L ختم شود ، با حروف in به فعل مجهولی تبدیل می‌شود.

توجه : دو فعل de و ye در صرف مجهولی يك حرف اضافی y بخود می‌یرند ، نتیجتاً آخرین

حرف انها به حرف بی‌صدای y تبدیل می‌شود . (این دو فعل در ۷ صفحه بعدی صرف می‌شود.)

فرم اول) طریقه ساختن و صرف فعل و مصدر مجهولی با حروف il :

فعلی که ریشه آن به حرف بی صدا (مثل m,n,t,ğ,ş و ... [بجز L]) ختم شود ، با علامت il به فعل مجهولی تبدیل می شود.

حرف صدادار علامت مجهولی (il) وابسته به آخرین حرف صدادار ریشه فعل است ، که با هماهنگی بزر به شکل il , ul , ü , il , ul , ü : بکار رفته می شود. مثال :

| | | | | |
|--------|--------|--------|--------|-----|
| qax il | yix il | sor ul | qur ul | |
| ax il | sev il | tik il | gxr ü | üzü |

افعال مجهولی بوسیله سوند maq , mäk به شکل زیر به مصدر مجهولی تبدیل شده و بکار رفته می شوند. مثال :

| | |
|---|--|
| فعلی که آخرین حرف صدادار آن با اهند بالاتی (ə,e,i,ö,ü) می باشد : | فعلی که آخرین حرف صدادار آن با اهند ائینی (a,i,o,u) می باشد : |
| ازیلماق az ilmək (له شدن) | قایلماق qax ilmaq (فراری داده شدن) |
| سئویلماق sev ilmək (دوست داشته شدن) | یخیلماق yix ilmaq (افتاده شدن) |
| تیکیلماق tik ilmək (دوخته شدن) | سورولماق sor ulmaq (سوال شدن) |
| ئورولماق gxr ülmäk (دیده شدن) | وورولماق vur ulmaq (زده شدن) |
| اوزولماق üz ülmäk (قطع شدن) | قورولماق qur ulmaq (کوك شدن) |

مصدری که آخرین حرف ریشه فعل آن با اهند بالاتی باشد ، به اشکال زیر بکار رفته می شود :

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با اهند بالاتی باشد و به یکی از این سه حرف ə,e,i ختم شود، به شکل زیر با علامت il به فعل مجهولی و با سوند mäk به مصدر

مجهولی تبدل و به بخشهای مختلف تجزیه می شود :

| ریشه افعال | | | علامت مجهولی | سوند مصدری |
|------------|-----|-----|--------------|------------|
| sər | əz | dər | il | m ə k |
| sev | eş | geç | il | m ə k |
| it | bit | tik | il | m ə k |

سريلمك ، آزيلمك ، دريلمك ، سئويلمك ، ايشيلمك ، ءيلمك ، ايتيلمك ، ييتيلمك ، تيكيلمك .

– فعلی که آخرین حرف صدادار آن به یکی از این دو حرف ö,ü ختم می شود :

| ریشه افعال | | | علامت مجهولی | سوند مصدری |
|------------|-----|-----|--------------|------------|
| öt | sök | dön | ül | m ə k |
| üz | süz | düz | ül | m ə k |

اؤتولمك ، سؤكولمك ، دؤنولمك ، اؤزولمك ، سوزولمك ، دوزولمك ، ...

فعلی که آخرین حرف صدادار آن با اهذ ائینی باشد ، به شکل زیر به مصدر مجهولی تبدل می شود :

– فعلی که آخرین حرف صدادار آن به یکی از دو حرف a,ı ختم شود ، به شرح زیر با علامت ıl به فعل مجهولی تبدیل شده و سس با سوند ma q به مصدر مجهولی تبدل و به بخشهای مختلف تجزیه می شود :

| ریشه افعال | | | علامت مجهولی | سوند مصدری |
|------------|-----|-----|--------------|------------|
| qaz | sat | tax | ıl | ma q |
| qır | yığ | dığ | ıl | ma q |

قازيلماق ، ساتيلماق ، تاخيلماق ، قيريلماق ، ييغيلماق ، ديغيلماق ، ..

– فعلی که آخرین حرف صدادار آن به یکی از دو حرف o,u ختم شود ، به شکل زیر

با علامت *ul* به فعل مجهولی تبدیل شده و سپس بوسیله *maq* به مصدر مجهولی تبدیل شده و به بخشهای مختلف تجزیه می شود :

| ریشه افعال | | | علامت مجهولی | سوند مصدری |
|------------|------|-----|--------------|------------|
| sor | don | yon | ul | ma q |
| otur | utuz | qur | ul | ma q |

سؤرولماق ، دؤنولماق ، یؤنولماق ، اؤتورولماق ، اؤتوزولماق ، قۇرولماق ، و...

صرف فعل مجهولی در زمان حال :

- فعلی که آخرین حرف *an* بی صدا و آخرین حرف صدادار *an* با *ahnd* مائینی باشد و به یکی از دو حرف *a, ı* ختم شود ، با علامت *ı* به فعل مجهولی تبدیل و با سوند *ır* به شکل زیر در زمان حال بکار رفته می شود. مثال :

- فعلی که آخرین حرف صدادار *an* با *ahnd* مائینی و با حرف *a* باشد ، به شکل زیر بعنوان فعل مجهولی در زمان حال برای ضمائر شخصی صرف می شود :

| | | | | |
|-------|--------------|-------------------|----------------|---------------|
| biz | satılırıq | بیز ساتیلیریق | mən satılıram | من ساتیلیرام |
| siz | satılırsınız | سیز ساتیلیرسینیز | sən satılırsan | سن ساتیلیرسان |
| onlar | satılırlar | اونلار ساتیلیرلار | o satılır | او ساتیلیر |

- فعلی که آخرین حرف صدادار *an* با *ahnd* مائینی و با حرف *ı* باشد ، به شکل زیر برای ضمائر شخصی صرف می شود :

| | | | | |
|-------|--------------|-------------------|----------------|---------------|
| biz | yıxılırıq | بیز ییخیلیریق | mən yıxılıram | من ییخیلیرام |
| siz | yıxılırsınız | سیز ییخیلیرسینیز | sən yıxılırsan | سن ییخیلیرسان |
| onlar | yıxılırlar | اونلار ییخیلیرلار | o yıxılır | او ییخیلیر |

- فعلی که آخرین حرف صدادار *an* به یکی از دو حرف *a, ı* ختم شود ، به شکل زیر

در زمان حال در فرم مجهولی صرف و به بخشهای مختلف تجزیه می شود :

| ضمایر شخصی | ریشه افعال | علامت مجهولی | سوند زمان حال | سوند صرفی |
|------------|------------|--------------|---------------|-----------|
| mən | sat | yix | ıl | am |
| sən | sat | yix | ıl | san |
| o | sat | yix | ıl | (dır) |
| biz | sat | yix | ıl | ıq |
| siz | sat | yix | ıl | sınız |
| onlar | sat | yix | ıl | (dır) lar |

سوند صرفی برای اول و دوم شخص مفرد با همافزایی کوک صرف می شود

- فعلی که آخرین حرف آن بی صدا (بخز L) باشد و آخرین حرف صدادار آن به حرف 0 ختم شود، به شکل زیر به فعل مجهولی تبدیل شده و در زمان حال صرف می شود :

| | | | | | |
|-------|--------------|-------------------|-----|------------|---------------|
| biz | yonuluruq | بیز یونولوروق | mən | yonuluram | من یونولورام |
| siz | yonulursunuz | سیز یونولورسونوز | sən | yonulursan | سن یونولورسان |
| onlar | yonulurlar | اونلار یونولورلار | o | yonulur | او یونولور |

- بۇ تخته لر (تاختلار) یونولورلار.

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با حرف u باشد ، به شکل زیر به فعل مجهولی تبدیل شده و با سوند ur در زمان حال برای ضمایر شخصی صرف می شود :

| | | | | | |
|-------|--------------|-------------------|-----|------------|---------------|
| biz | vuruluruq | بیز وۇرولوروق | mən | vuruluram | من وۇرولورام |
| siz | vurulursunuz | سیز وۇرولورسونوز | sən | vurulursan | سن وۇرولورسان |
| onlar | vurulurlar | اونلار وۇرولورلار | o | vurulur | او وۇرولور |

بۇ داغ دا ماراللار وۇرولورلار ، اونا ؤره اۇنلار وۇنن و نه ازالیرلار.

بۇ وۇنلر دا ماراللاری وۇرانلار تۇتولورلار (لیس طرفیندن).

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با اءن و با یکی از دو حرف o, u باشد ،

به شکل زیر در زمان حال صرف و به بخشهای مختلف تجزیه می شود :

| ضمایر شخصی | ریشه افعال | | علامت مجهولی | سوند زمان حال | سوند صرفی |
|------------|------------|-----|--------------|---------------|-----------|
| mən | yon | vur | ul | ur | am |
| sən | yon | vur | ul | ur | san |
| o | yon | vur | ul | ur | (dur) |
| biz | yon | vur | ul | ur | uq |
| siz | yon | vur | ul | ur | sunuz |
| onlar | yon | vur | ul | ur | (dur) lar |

این چهار سوند
 باهمانه ی بزر
 صرف می شوند.

فرم دوم (طریقه ساختن و صرف فعل و مصدر مجهولی با حرف n :

فعلی که آخرین حرف صدادار ریشه آن به حرف صدادار (a, ə, i, l, ü, u) ختم شود ، با

اضافه کردن حرف n به فعل مجهولی تبدیل می شود. مثال :

bəzən , ərin , sürün , qalan , daşın , boyan

افعال مذکور به شکل زیر به مصدر مجهولی تبدیل می شوند :

فعلی که آخرین حرف ان صدادار باشد (به استثنای دو فعل : یئ ، دئی) ، به شکل زیر با حرف

اضافی n به فعل و با سوند mək,maq به مصدر مجهولی تبدیل می شود :

| فعلی که آخرین حرف صدادار ان با اهند بالائی می باشد : | فعلی که آخرین حرف صدادار ان با اهند بائینی می باشد : |
|--|---|
| <p>qalanmaq (روی هم یده شدن) bəzən mək (آرایش شدن)</p> <p>daşınmaq (اسباب کشی کردن) ərin mək (حل شدن ، کو لک شدن)</p> <p>boyanmaq (رن زده شدن) sürünmək (زمین کشانده شدن)</p> | <p>قالنماق بَرَنِمَك</p> <p>داشینماق ارینِمَك</p> <p>بُویانماق سورونِمَك</p> |

توجه: حروف صدادار غیر فعال (e, ö, o) ، در اخر کلمات ترکی خیلی کم بکار رفته می شوند. ولی اخر دو

فعل دئی و یئی به حرف صدادار غیر فعال e ختم می شود، که انها با يك y اضافی همانند

افعالی که آخرین حرف آنها بی صدا است بوسیله سوند il بکار رفته می شوند.

فعلی که آخرین حرف آن صدا دار و با اهند باینی باشد، با حرف اضافه n به فعل و با سوند ماق به مصدر مجهولی تبدیل شده و به بخشهای مختلف تجزیه می شود:

| سوند مصدری | علامت مجهولی | ریشه افعال | مصدرهای مجهولی |
|------------|--------------|------------|----------------------------------|
| ma q | n | yala | یا لانماق ، قالا نماق ، سیرینماق |
| ma q | n | qala | داشینماق ، اؤخونماق ، توخونماق |
| ma q | n | sırı | |
| ma q | n | daşı | |
| ma q | n | oxu | |
| ma q | n | toxu | |

مصدری که آخرین حرف آن صدا دار و با اهند بالائی (بجز دو فعل یئ، دئی) باشد، با حرف اضافی n به فعل و مصدر مجهولی تبدیل و به بخشهای مختلف تجزیه می شود:

| سوند مصدری | علامت مجهولی | ریشه افعال | مصدرهای مجهولی |
|------------|--------------|------------|--|
| m ə k | n | ələ | آله نمك ، بله نمك ، بزه نمك ، آرینمك ، |
| m ə k | n | bələ | یئرینمك ، سرنیمك ، سورونمك ، اوشونمك |
| m ə k | n | bəzə | |
| m ə k | n | əri | |
| m ə k | n | yeri | |
| m ə k | n | səri | |
| m ə k | n | sürü | |
| m ə k | n | üşü | |

ریشه مصدرهای مذکور به شکل زیر در زمان حال در فرم مجهولی صرف می شوند:

فعلی که آخرین حرف آن صدا دار و با اهند بالائی و با حرف ə باشد، به شکل زیر با سوند ir در زمان حال برای ضمائر شخصی صرف می شود:

| | | | | | |
|------------------|--------|---------------|----------------|----|------------|
| biz bələnirik | بیز | بله نیریک | mən bələnirəm | من | بله نیرم |
| biz bələnirsiniz | سیز | بله نیر سینیز | sən bələnirsən | سن | بله نیر سن |
| onlar bələnirlər | اونلار | بله نیرلر | biz bələnir | اؤ | بله نیر |

- بۇرادا وله شنلر تۇزتۇرماغا بله نیرلر. بیز بۇرادا فوتبال اۇیناییریق، امما یئر تمیز دئیل و سارسامانا بله نیریک.

فعلی که آخرین حرف آن صدا دار و با اهند بالائی باشد، به شکل زیر در فرم مجهولی در

زمان حال برای ضمایر شخصی صرف می شود :

| | | | | |
|-------|--------------|----------------|----------------|------------|
| biz | kəsilirik | بیز کسلیریک | məm kəsilirəm | من کسلیرم |
| siz | kəsilirsiniz | سیز کسلیرسینیز | sən kəsilersən | سن کسلیرسن |
| onlar | kəsirlər | اونلار کسلیرلر | o kəsilir | او کسلیر |

– بۇ وۇندۇن بۇ خیاواندا اۇلان اغاجلارین هامیسی کسلیرلر.

(کسیلمک : بریده شدن درخت . خطنه شدن به ه . قطع کردن در آمد. بریدن راه [حرامی])

فعلی که آخرین حرف ان صدادار و با یکی از دو حرف ə,i باشد ، به شکل زیر در

زمان حال صرف و به بخشهای مختلف تجزیه می شود :

| ضمایر شخصی | | ریشه افعال | | علامت مجهولی | | سوند زمان حال | | سوند صرفی | |
|------------|--|------------|-----|--------------|--|---------------|--|-----------|---|
| mən | | bələ | əri | n | | ir | | əm | <div>سوند صرفی برای سوم شخص مفرد و جمع بکار - رفته نمی شود.</div> |
| sən | | bələ | əri | n | | ir | | sən | |
| o | | bələ | əri | n | | ir | | (dir) | |
| biz | | bələ | əri | n | | ir | | ik | |
| siz | | bələ | əri | n | | ir | | siniz | |
| onlar | | bələ | əri | n | | ir | | (dir) lər | |

فعلی که آخرین حرف ان صدادار و با حرف ü باشد، به شکل زیر با حرف اضافی n

به فعل مجهولی و با علامت ir به فعل در زمان حال تبدیل شده و صرف می شود :

| | | | | |
|-------|--------------|------------------|----------------|--------------|
| biz | sürünürük | بیز سورونوروک | mən sürünürəm | من سورونورم |
| siz | sürünürsünüz | سیز سورونورسونوز | sən sürünürsən | سن سورونورسن |
| onlar | sürünürlər | اونلار سورونورلر | o sürünür | او سورونور |

توجه : – سوند زمان حال با هماهنگی بزر (ır, ir, ür, ur) بکار رفته می شود.

– سوند صرفی برای اول و دوم شخص مفرد با هماهنگی كو ك (əm ,am) صرف می شود.

فعلی که آخرین حرف آن به حرف ü ختم شود، به شکل زیر در زمان حال برای ضمائر شخصی صرف و به بخشهای مختلف تجزیه می شود:

| ضمایر شخصی | ریشه افعال | | علامت مجهولی | سوند زمان حال | سوند صرفی |
|------------|------------|------|--------------|---------------|-------------|
| mən | yürü | sürü | n | ür | əm |
| sən | yürü | sürü | n | ür | sən |
| o | yürü | sürü | n | ür | (dür) |
| biz | yürü | sürü | n | ür | ik |
| siz | yürü | sürü | n | ür | sünüz |
| onlar | yürü | sürü | n | ür | ürlər (lər) |

سوند صرفی برای
اول و دوم شخص
مفرد با همافزایی
کو ک صرف شود.

- اوشاقلار اغاجلاری سورویورلر. ایلان یئرده سورونور. یارالی سرباز سورونه سورونه لیر.

- حرف صدادار و غیر فعال ö، در آخر کلمه خیلی کم بکار رفته می شود.

استثناء در فرم مجهولی دو فعل یی و دی :

فعل یی از مصدر یئمک و دی از مصدر دئمک مشتق می شود، که آخرین حرف هر دو آنها به حرف صدادار غیر فعال (e) ختم می شود. این دو فعل در صرف یک حرف اضافی y بخود می یزند.

نآنکه در صفحات قبلی بیان شد، اگر آخرین حرف فعلی به حرف صدادار ختم شود، با حرف n به فرم مجهولی تبدیل می شود؛ در صورتی که دو فعل یی و دی یک حرف تکمیلی y بخود می یزند و با علامت il همانند افعالی که آخرین حرف

انها بی صدا است به شکل زیر در فرم مجهولی بکار رفته می شوند:

فعل: یی ییل ye,y,il ، دی ییل de,y,il

مصدر: یی ییلمک ye,y,il mək ، دی ییلمک de,y,il mək

دئملی سؤزلر دئییلیرلر. یئملی یئمکلر یییلیرلر.

- فعل یی ، به شکل زیر با علامت il همراه حرف تکمیلی y به فرم مجهولی تبدیل شده و همراه علامت زمان حال برای ضمائر شخصی صرف می شود. مثال :

| | | | |
|----------------|-------------|------------------|-----------------|
| mən yeyilirəm | من یییلیرم | biz yeyilirik | بیز یییلیریک |
| sən yeyilirsən | سن یییلیرسن | siz yeyilirsiniz | سیز یییلیرسینیز |
| o yeyilir | اؤ یییلیر | onlar yeyirlər | اونلار یییلیرلر |

- سن بۇ سۇيوقدا بۇ مئشە دە قالسان ، وحشی حیواناتلار طرفیندن یی ییلرسن.

- فعل دی de به شکل زیر در زمان حال برای ضمائر شخصی صرف می شود :

| | | | |
|----------------|-------------|------------------|-----------------|
| mən deyilirəm | من دییلیرم | biz deyilirik | بیز دییلیریک |
| sən deyilirsən | سن دییلیرسن | siz deyilirsiniz | سیز دییلیرسینیز |
| o deyilir | اؤ دییلیر | onlar deyirlər | اونلار دییلیرلر |

- سن بۇ بۆيۆك ایشی باشا ماتدیردین ، اؤنا ؤره سنین ادین دیلرده دی ییلیر.

دو فعل یییل yeyil و دییل deyil ، ترکیبی از ریشه فعل و حرف تکمیلی y و سوند مجهولی il به فعل مجهولی تبدیل شده و با سوند ir در زمان حال صرف و به بخشهای مختلف تجزیه می شوند :

| سوند صرفی | سوند زمان حال | علامت مجهولی | حرف تکمیلی | ریشه افعال | ضمائر شخصی |
|-----------|---------------|--------------|------------|------------|------------|
| mən | ir | il | y | ye | mən |
| sən | ir | il | y | de | sən |
| (dir) | ir | il | y | ye | o |
| iq | ir | il | y | de | biz |
| siniz | ir | il | y | de | siz |
| (dir)lər | ir | il | y | de | onlar |

سوند صرفی برای
سوم شخص مفرد
و جمع بکار -
رفته نمی شود.

ایندی بۇ ؤرکلرین هامی سی بۇرادا یییلیرلر. بۇ مچە ساعات ایکی یه جان ئوخ ناغیل دییلیر.

بۇرادا ئىجه لر ئۇخ قۇناقلىق اولار و ئۇخ شمشون يى ييله ر .
 دئىلملى سۆز ، رك دئيله . يىلملى يىلمك ، رك يىيله . يى يىلملى يىلمكلى يى ييله لر رك .
 بۇ ون ئراؤغلونون ناغىلى دئىلير و اونون قالانيدا ، صاباح و يا يىرى (بىرىسى) ون دئيله جك.
 ايندى ناغىلار دئىلمكده ديرلر .

- دو فعل ye و de به شكل زیر با سوند مك به مصدر مجهولى تبديل شده و بكار رفته مى شوند :

| | |
|--------------------------------------|------------------------------------|
| خورده شدن: يى يىلمك ye y il mək | فته شدن : دئ يىلمك de y il mək |
| خورده نشدن: يى يىلمه مك yeyil mək | فته نشدن: دئ يىلمه مك deyil mək |

ء ن ايل باهارد االىب بۇرايا تيريلن دويولرين يىيلمكلى يىراى كدى .
 بۇ يىمكلىن هاميسى يىر ساعاتاجان يىيليرلر . بۇ ون بۇرادا ئۇخ سۆزلر دئيلر .

توجه: - حرف صدادار سوند مجهولى وابسته به اخيرين حرف صدادار ريشه فعل مى باشد ، كه با هماهنگى بزر (il, ul, ä, al, il) بكار رفته مى شود.

- در زبان ترکی اذربایجان اين سه حرف غير فعال (e ، ö ، o) در اخر كلمه خيلى كم بكار رفته مى شود. دو فعل يى و دئ ، افعالى هستند كه اخيرين حرف انها به حرف صدادار غير فعال ختم مى شود ، نتيجتاً انها همراه حرف تكمىلى y در فرم مجهولى صرف مى شوند.

سه فرم) طريقه ساختن و صرف فعل و مصدر مجهولى با حروف in :
 فعلى كه اخيرين حرف آن به حرف L ختم شود، با حروق و يا سوند in به فعل مجهولى و با سوند مك به مصدر مجهولى تبديل مى شود.
 حرف صدادار سوند مجهولى in تابع اخيرين حرف صدادار ريشه فعل است ، كه با هماهنگى بزر (in, in ,un, ün) بكار رفته شده و به شكل زیر با سوند مك، ماق

به مصدر مجهولی تبدیل می‌شود. مثال :

| | |
|---|--|
| فعلی که آخرین حرف صدادار آن با اهـنـه آئینی باشد ، به شکل زیر به مصدر مجهولی تبدیل می‌شود : | فعلی که آخرین حرف صدادار آن با اهـنـه بالائی باشد ، به شکل زیر به مصدر مجهولی تبدیل می‌شود : |
| <p>الینماق al in maq (رفته شدن)</p> <p>مالینماق çal in maq (نواخته شدن)</p> <p>قیلینماق qıl in maq (جا نهاده شدن)</p> <p>یولونماق yol un maq (کنده شدن)</p> <p>بۇلونماق bul un maq (پیدا شدن)</p> | <p>دلینمک dəl in mək (سوراخ شدن)</p> <p>بیلینمک bil in mək (دانسته شدن)</p> <p>سیلینمک sil in mək (تمیز شدن)</p> <p>بۆلۈنمک böl ün mək (تقسیم شدن)</p> <p>ولۈنمک gül ün mək (خندیده شدن)</p> |

فعلی که آخرین حرف صدادار آن با اهـنـه آئینی و با یکی از دو حرف a, i باشد ،
به شرح زیر به مصدر تبدیل شده و به بخشهای مختلف تجزیه می‌شود :

| | | | | | | | | |
|-----------------------------|------------|-----|--|----|--|--|--------------|------------|
| مصدرهای مجهولی | ریشه افعال | | | | | | علامت مجهولی | سوند مصدری |
| سالینماق، الینماق، قیلینماق | sal | çal | | in | | | ma q | |
| | qıl | ? | | in | | | ma q | |

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با اهـنـه بالائی و با یکی از این دو حرف o, u باشد ،
به شکل زیر به مصدر مجهولی تبدیل شده و به بخشهای مختلف تجزیه می‌شود :

| | | | | | | | | |
|--------------------------------|------------|-----|--|----|--|--|--------------|------------|
| مصدرهای مجهولی | ریشه افعال | | | | | | علامت مجهولی | سوند مصدری |
| دولونماق ، سۇلونماق ، بۇلونماق | dol | sol | | un | | | ma q | |
| | bul | yol | | un | | | ma q | |

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با اهـنـه بالائی و با یکی از سه حرف a, e, i باشد ،
به شرح زیر با علامت این به فعل مجهولی و با سوند مك به مصدر مجهولی تبدیل

شده و به بخشهای مختلف تجزیه می شود :

| مصدرهای مجهولی | ریشه افعال | علامت مجهولی | سوند مصدری |
|---|-------------------------|----------------|-------------------------|
| ↓ | ↓ ↓ | ↓ | ↓ |
| دَلینمک ، سَرینمک ، سیلینمک ، بیلیمک | dəl ? ? ? sil bil | in in in | m ə k m ə k m ə k |

حرف صدادار غیرفعال در ترکیب فعل خیلی کم بکار رفته می شود.

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با اِهَن بالائی و با یکی از دو حرف ö, ü باشد، به شکل زیر با سوند ün به فعل و با سوند مک به مصدر مجهولی تبدیل شده و به شکل زیر به بخشهای مختلف تجزیه می شود :

| مصدرهای مجهولی | ریشه افعال | علامت مجهولی | سوند مصدری |
|-------------------|------------|--------------|----------------|
| ↓ | ↓ | ↓ | ↓ |
| بُولونمک ، ولونمک | böl göl | ün ün | m ə k m ə k |

- ا ر از مصدرهای مجهولی سوند مک را حذف کنیم ، به ریشه فعل مجهولی تبدیل و همانند

سایر افعال در فرمهای مختلف صرف می شود :

فعلی که آخرین حرف آن به حرف L ختم شود ، به شکل زیر با علامت in,ün به کار رفته می شود.

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با اِهَن بالائی و با یکی از سه حرف ə, e, i باشد، به شکل زیر در زمان حال در فرم مجهولی برای ضمائر شخصی صرف می شود :

| | | | |
|------------------|------------------|----------------|--------------|
| biz silinirik | بیز سیلینیریک | mən silinirəm | من سیلینیرم |
| siz silinirsiniz | سیز سیلینیرسینیز | sən silinirsən | سن سیلینیرسن |
| onlar silinirlər | اونلار سیلینیرلر | o silinir | او سیلینیر |

نجره نین نجره نین شیشه لری ، کثیف دیرلر ، ایندی اونلار سیلینیرلر.

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با اِهَنَ بالائی و با یکی از دو حرف *a, i* باشد، به شکل زیر در زمان حال صرف و به بخشهای مختلف تجزیه می شود:

| ضمایر شخصی | | ریشه افعال | | علامت مجهولی | | سوند زمان حال | | سوند صرفی | |
|------------|--|------------|-----|--------------|----|---------------|----|-----------|-----------|
| mən | | dəl | bil | | in | | ir | | əm |
| sən | | dəl | bil | | in | | ir | | sən |
| o | | dəl | bil | | in | | ir | | (dɪr) |
| biz | | dəl | bil | | in | | ir | | iq |
| siz | | dəl | bil | | in | | ir | | siniz |
| onlar | | dəl | bil | | in | | ir | | (dir) lər |

سوند صرفی برای
سوم شخص مفرد
و جمع بکار -
رفته نمی شود.

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با اِهَنَ آئینی و آخرین حرف آن نیز *L* می باشد:

| | | | | | |
|-------------------|------------------|--------|----------------|--------------|----|
| biz alınırıq | آلینیریق | بیز | mən alınıram | آلینیرام | من |
| siz alınırırsınız | آلینیرسینیز | سیز | sən alınırısan | آلینیرسان | سن |
| onlar alınirlar | آلینیر (دیر) لار | اونلار | o alınır | آلینیر (دیر) | او |

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با یکی از دو حرف *a, i* باشد، به شکل زیر در زمان حال در فرم مجهولی صرف و به بخشهای مختلف تجزیه می شود:

| ضمایر شخصی | | ریشه افعال | | علامت مجهولی | | سوند زمان حال | | سوند صرفی | |
|------------|--|------------|-----|--------------|--|---------------|--|-----------|---|
| mən | | al | qıl | ın | | ır | | am | <div>این چهار سوند صرفی با همآهنگی بزر صرف می شوند.</div> |
| sən | | al | qıl | ın | | ır | | san | |
| o | | al | qıl | ın | | ır | | (dır) | |
| biz | | al | qıl | ın | | ır | | ıq | |
| siz | | al | qıl | ın | | ır | | sınız | |
| onlar | | al | qıl | ın | | ır | | (dır) lar | |

توجه: در مواردی در کتب و بویه در محاوره به اصول فعل مجهولی توجهی نکرده و سوند *il* را به شکل

in نیز صرف می کنند. مثال: بجای *ؤرولور می ویند* *ؤرونور* ... و ...

فعل مجهولی و صرف ان در آینده نزدیک :

فعل مجهولی با علامت ar, ar با هماهنگی کوک بکار رفته می شود :

- فعلی که آخرین حرف صدادار ان با اهنه آئینی و با حرف u باشد ، به شکل زیر با سوند مجهول ul برای ضمائر شخصی صرف می شود .

| | | | |
|----------------|---------------|--------------------|---------------------|
| mən vurularam | من وۇرولارام | biz vurularıq | بیز وۇرولاریق |
| biz vurularsan | سن وۇرولارسان | siz vurularsınız | سیز وۇرولارسینیز |
| o vurular | اۇ وۇرولار | onlar vurular(lar) | اونلار وۇرولار(لار) |

- فعلی که آخرین حرف صدادار ان با اهنه آئینی و با حرف a می باشد :

| | | | |
|--------------|---------------|------------------|-------------------|
| mən qatılam | من قاتیلام | biz qatılarıq | بیز قاتیلاریق |
| sən qatılsan | سن قاتیلارسان | siz qatılırsınız | سیز قاتیلارسینیز |
| o qatılar | اۇ قاتیلار | onlar qatılarlar | اونلار قاتیلارلار |

- افعال مجهولی که آخرین حرف صدادار ان با اهنه آئینی و با یکی از حرف a ، i

باشد، به شکل زیر در زمان آینده نزدیک صرف و به بخشهای مختلف تجزیه می شوند :

| سوند صرفی | سوند زمان آینده | علامت مجهولی | ریشه افعال | ضمایر شخصی |
|-----------|-----------------|--------------|------------|------------|
| am | ar | ıl | sat | mən |
| san | ar | ıl | yığ | sən |
| (dır) | ar | ıl | sat | o |
| ıq | ar | ıl | yığ | biz |
| sınız | ar | ıl | sat | siz |
| (dır) lar | ar | ıl | yığ | onlar |

سوند صرفی برای
سوم شخص
مفرد و جمع بکار
رفته نمی شود

بۇ کیتابلارین هامیسی بیر هفته یه جان ساتیلارلار.

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با *ə* آئینی و با حرف *o* باشد، به شکل زیر با *sondu* مجهولی و با علامت اینده نزدیک برای ضمائر شخصی صرف می شود:

| | | | | | | | |
|----------------|----|------------|----|------------------|--------|--------------|--------------|
| men donularam | من | dunularam | من | biz donulariq | بیز | dunulariq | دۇنولاریق |
| sən donularsan | سن | donularsan | سن | siz donularsınız | سیز | donularsınız | دۇنولارسینیز |
| o donular | او | donular | او | onlar donularlar | اونلار | donularlar | دۇنولارلار |

فعلی که آخرین حرف صدادار آن با حرف *u* باشد، به شکل زیر برای ضمائر شخصی صرف می شود. مثال: قورولورام، دۇرولورام، اؤخونورام، ...

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با *ə* آئینی و آخرین حرف فعل آن نیز *l* باشد، به شکل زیر با *sondu* این و علامت اینده نزدیک صرف می شود:

| | | | | | | | |
|----------------|----|------------|----|------------------|--------|--------------|-------------|
| men silinərəm | من | silinərəm | من | biz silinərik | بیز | silinərik | سیلینریک |
| sən silinərsən | سن | silinərsən | سن | siz silinərsiniz | سیز | silinərsiniz | سیلینرسینیز |
| o silinər | او | silinər | او | onlar silinərlər | اونلار | silinərlər | سیلینرلر |

- بۇ نچره نین شیشه سی ئوخ کثیف دیر، اونلار رک سیلینه لر. بۇ میزلر رک سیلینلر.

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با *ə* آئینی باشد و به حرف *i* ختم شود، به شکل زیر با *sondu* مجهولی *in* و علامت اینده نزدیک صرف می شود:

| | | | | | | | |
|----------------|----|------------|----|------------------|--------|--------------|-------------|
| men bilinərəm | من | bilinərəm | من | biz bilinərik | بیز | bilinərik | بیلینریک |
| sən bilinərsən | سن | bilinərsən | سن | siz bilinərsiniz | سیز | bilinərsiniz | بیلینرسینیز |
| o bilinər | او | bilinər | او | onlar bilinərlər | اونلار | bilinərlər | بیلینرلر |

- تئزلیک له بۇ ایشین یاخشى یس اولماسی بیلینر. بۇ تیجارتین قازانجلی اولماسی بۇ تئزلیکده بیلینر.

فعلی که آخرین حرف صدادار آن با *ə* آئینی و با یکی از دو حرف *ö, ü*

باشد ، به شکل زیر با سوند مجهولی üü و علامت اینده نزدیک صرف می شود .

| | | | | | |
|------------------|--------|------------|-----------------|----|---------|
| biz görülarik | بیز | ؤرولریک | mäm görülaräm | من | ؤرولرم |
| siz görülarınız | سیز | ؤرولرسینیز | sän görülaräsän | سن | ؤرولرسن |
| onlar görülarlar | اونلار | ؤرولرلر | o görülar | او | ؤرولر |

- به تجزیه فعل ؤروله رم توجه کنید :

(۱) gör : ریشه فعل . (۲) üü : سوند مجهولی . (۳) ar : علامت زمان اینده نزدیک .

(am : سوند صرفی .

فعل دئی و یی با حرف اضافی y به شکل زیر در فرم مجهولی صرف می شوند :

- فعل یی ye ، فعلی است که آخرین حرف صدادار ان به حرف صدادار غیر فعال e شود و به شکل زیر با یک حرف y و علامت اینده نزدیک صرف می شود :

| | | | | | |
|------------------|--------|------------|-----------------|----|---------|
| biz yeyilarik | بیز | یئیلریک | män yeyilaräm | من | یئیلرم |
| siz yeyilarınız | سیز | یئیلرسینیز | sän yeyilaräsän | سن | یئیلرسن |
| onlar yeyilarlar | اونلار | یئیلرلر | o yeyilar | او | یئیلر |

بۇ نیر ؤرکلرین هامیسی ناھاردا یئیلرلر . بیز بۇ مئشه لردہ قالساق ، ایت - قوت طرفیندن یی ییلہ ریک .

- فعل دئی de نیز فعلی است که آخرین حرف ان به حرف e ختم می شود و به شکل زیر در فرم مجهولی در اینده نزدیک برای ضمائر شخصی صرف می شود :

| | | | | | |
|------------------|--------|-------------|-----------------|----|----------|
| biz deyilarik | بیز | دئییلریک | män deyilaräm | من | دئییلرم |
| siz deyilarınız | سیز | دئییلرسینیز | sän deyilaräsän | سن | دئییلرسن |
| onlar deyilarlar | اونلار | دئییلرلر | o deyilar | او | دئییلر |

سن بۇ اینسان سئون ایشلرینه داوام وئرسن ، سنین ادین دیلردہ دئییلر . (دئییلہ جک)

فعل مجهولی ، به شکل زیر در آینده دور برای ضمایر شخصی نیز صرف می شود :

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با اهـ بالائی و به حرف e ختم می شود :

| | | |
|----------------|----------------------|----------------------------|
| من دئیيله جم | بیز دئیيله جه ييك | بۇ ادم ؤخ ياخشى ايشلر |
| سن دئیيله جكسن | سيز دئیيله جه كسينيز | ؤروبذور، اؤنا ؤره ده اؤنون |
| اؤ دئیيله جك | اؤنلار دئیيله جكلر | ادى ديللرده دئیيله جك . |

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با اهـ بالائی و به حرف u ختم می شود :

| | | | |
|-----------------|------------------|---------------------|--------------------|
| من وۇرولاجاغام | mən vurulacağam | بیز وۇرولاجاغیق | mən vurulacağıq |
| سن وۇرولاجاقسان | sən vurulacaqsan | سيز وۇرولاجاقسينيز | siz vurulacaqsınız |
| اؤ وۇرولاجاق | o vurulacaq | اؤنلار وۇرولاجاقلار | onlar vurulacaqlar |

فعل مجهول مصدری در زمان حال :

فعل مجهول مصدری ، فعلی است که به شکل مصدر ظاهر شده و با سوند ده و دا

صرف و عملی شدن کار را بدون فاعل در زمان حال بیان می کند. مثال :

کتاب اؤخونماقدادیر kitab oxunmaqdadır (کتاب در حال خوانده شدن است.)

بۇ ايشين نتيجه سى بۇ ونلرده ييلينمکده دير. ايندى ميزلرين اوستو سيلينمکده دير ، ...

- مصدرهای مذکور با سوند ده ، دا ترکیب می یابند و به کمک فعل ایملک

به شکل زیر بکار رفته می شوند. مثال:

قا ييلماقدادير ، اي ييلمکده دير ، آتيلماقدادير ، ؤرولمکده دير ، ...

مصدری که ریشه فعل آن به حرف بی صدا (مثل : m, n, t, ğ, ş) (بجز L) ختم شود ،

با سوند il, il, ü, ul (با هماهنگی بزر) در فرم مجهولی بکار رفته می شود.

قا ييلماق (فرار داده شدن) ، اي ييلمک (نوشیده شدن) ، آتيلماق (انداخته شدن) ...

- افعال مصدر مجهولی به شکل زیر با سوند ir در زمان حال و با سوند دير در

فرم سوم شخص مفرد برای ضمائر شخصی صرف می‌شوند. مثال :

| | |
|-------------------------------|-------------------|
| o qaçılmaqdadır | او قا یلماقدادیر |
| o içilməkdədir | او ای یلمکده دیر |
| o tikilməkdədir | او تیکیلیمکده دیر |
| o atılmaqdadır | او آتیلماقدادیر |
| o görülməkdədir | او غورولمکده دیر |
| ان در حال فراری داده شدن است. | |
| ان در حال نوشیده شدن است . | |
| ان در حال دوخته شدن است. | |
| ان در حال انداخته شدن است . | |
| ان در حال دیده شدن است . | |

- فعلی که آخرین حرف صدادار آن با یکی از دو حرف ا و a باشد ، به شکل زیر

در فرم مصدر مجهولی صرف و به بخشهای مختلف تجزیه می‌شود :

| ضمایر شخصی | | ریشه افعال | | علامت مجهولی | | سوند مصدری | | علامت فعل مصدری | | سوند صرفی | |
|------------|--|------------|-----|--------------|----|------------|-----|-----------------|----|-----------|----------|
| mən | | sat | six | | il | | maq | | da | | yam |
| sən | | sat | six | | il | | maq | | da | | san |
| o | | sat | six | | il | | maq | | da | | (dır) |
| biz | | sat | six | | il | | maq | | da | | yıq |
| siz | | sat | six | | il | | maq | | da | | sınız |
| onlar | | sat | six | | il | | maq | | da | | (dır)lar |

سوند صرفی

دیر برای سوم

شخص مفرد و

جمع بکار رفته

نمی‌شود.

- فعل مجهولی که آخرین حرف صدادار آن با یکی از دو حرف u ، o می‌باشد :

| ضمایر شخصی | | ریشه افعال | | علامت مجهولی | | سوند مصدری | | علامت فعل مصدری | | سوند صرفی | |
|------------|--|------------|------|--------------|-----|------------|-----------|--|--|-----------|--|
| mən | | sor | otur | ul | maq | da | yam | <div>این چهار سوند با همانندی بزر صرف می‌شوند.</div> | | | |
| sən | | sor | otur | ul | maq | da | san | | | | |
| o | | sor | otur | ul | maq | da | (dır) | | | | |
| biz | | sor | otur | ul | maq | da | yıq | | | | |
| siz | | sor | otur | ul | maq | da | sınız | | | | |
| onlar | | sor | otur | ul | maq | da | (dır) lar | | | | |

- سؤرولماقدادیر ، اؤتورلماقدادیر ، قورولماقدادیر ، یونولماقدادیر ، ...

مصدری که ریشه فعل آن به حرف صدادار ختم شود، با اضافه کردن حرف ن n به مصدر مجهولی تبدیل می شود :

- فعلی که آخرین حرف آن صدادار باشد ، به شکل زیر با حرف n به فعل و با سوند ماق به مصدر تبدیل شده و همراه حروف ده صرف می شود. مثال :

| | | |
|------------------|-----------------|----------------------------|
| اؤ اؤخونماقدادیر | o oxunmaqdadır | ان در حال خوانده شدن است . |
| اؤ بویانماقدادیر | o boyanmaqdadır | ان در حال رن زده شدن است. |
| اؤ بزئمکده دیر | o bəzənməkdədir | ان در حال آرایش شدن است . |
| اؤ دؤلانماقدادیر | o dolanmaqdadır | ان در حال ردانده شدن است. |

مصدری که آخرین حرف ریشه فعل آن به حرف a و ا ختم شود ، بدین شکل به مصدر مجهولی تبدیل می شود. مثال :

حرف صدادار علامت مجهولی تابع آخرین حرف صدادار فعل می باشد ، که به شکل زیر صرف می شود :

| | | |
|------------------|-----------------|---------------------------|
| اؤ آلینماقدادیر | o alınmaqdadır | او در حال رفته شدن است. |
| اؤ سیلینمکده دیر | o silinməkdədir | او در حال تمیز شدن است . |
| اؤ بیلینمکده دیر | o bilinməkdədir | او در حال دانسته شدن است. |

- در ترکیب با فعل بیل : من دؤرایلمکده یم ، سن دؤرایلمکده سن ، اؤ دؤرایلمکده دیر ، ...

فعل مجهول مصدری که آخرین حرف آن صدادار می باشد :

| | | | |
|----------------|-------------------|----------------------|------------------------|
| من بزئمکده یم | mən bəzənməkdəyəm | بیز بزئمکده ییک | biz bəzənməkdəyik |
| سن بزئمکده سن | sən bəzənməkdəsən | سیز بزئمکده سینیز | siz bəzənməkdəsiniz |
| اؤ بزئمکده دیر | o bəzənməkdədir | اؤنلار بزئمکده دیرلر | onlar bəzənməkdədirlər |

آله نمکده یم ، آله نمکده سن ، آله نمکده دیر ، ...

فعل مجهول کمکی (با فعل بیل) :

فعل مجهول کمکی همانند سایر افعال در تمام فرمها و زمانهای مختلف قابل صرف می باشد و به شکل زیر در زمان حال برای ضمایر شخصی صرف می شود. مثال :

| | | | | | |
|-----------------|-----------------|-----------------|-----------------|-----------------|-----------------|
| من | من | من | من | من | من |
| مَن | مَن | مَن | مَن | مَن | مَن |
| gölülə bilirəm | gölülə bilirəm | gölülə bilirəm | gölülə bilirəm | gölülə bilirəm | gölülə bilirəm |
| بیلیرم | بیلیرم | بیلیرم | بیلیرم | بیلیرم | بیلیرم |
| بیز | بیز | بیز | بیز | بیز | بیز |
| مَن | مَن | مَن | مَن | مَن | مَن |
| gölülə bilirsən | gölülə bilirsən | gölülə bilirsən | gölülə bilirsən | gölülə bilirsən | gölülə bilirsən |
| بیلیرسن | بیلیرسن | بیلیرسن | بیلیرسن | بیلیرسن | بیلیرسن |
| اؤنلار | اؤنلار | اؤنلار | اؤنلار | اؤنلار | اؤنلار |
| مَن | مَن | مَن | مَن | مَن | مَن |
| gölülə bilir | gölülə bilir | gölülə bilir | gölülə bilir | gölülə bilir | gölülə bilir |
| بیلیر (لر) | بیلیر (لر) | بیلیر (لر) | بیلیر (لر) | بیلیر (لر) | بیلیر (لر) |

بۇ ائوین اوستوندن شهرین هر طرفی ؤروله بیلیر. بۇ داغین باشی شهرین هر یانیندان ؤروله بیلیر.

فعل مجهول کمکی به شکل زیر در زمان آینده نزدیک صرف می شود :

| | | | | | |
|-------------------|-------------------|-------------------|-------------------|-------------------|-------------------|
| من | من | من | من | من | من |
| مَن | مَن | مَن | مَن | مَن | مَن |
| görülə bilərəm | görülə bilərəm | görülə bilərəm | görülə bilərəm | görülə bilərəm | görülə bilərəm |
| بیلرَم | بیلرَم | بیلرَم | بیلرَم | بیلرَم | بیلرَم |
| بیز | بیز | بیز | بیز | بیز | بیز |
| مَن | مَن | مَن | مَن | مَن | مَن |
| görülə bilərsiniz | görülə bilərsiniz | görülə bilərsiniz | görülə bilərsiniz | görülə bilərsiniz | görülə bilərsiniz |
| بیلرسینیز | بیلرسینیز | بیلرسینیز | بیلرسینیز | بیلرسینیز | بیلرسینیز |
| اؤنلار | اؤنلار | اؤنلار | اؤنلار | اؤنلار | اؤنلار |
| مَن | مَن | مَن | مَن | مَن | مَن |
| görülə bilər | görülə bilər | görülə bilər | görülə bilər | görülə bilər | görülə bilər |
| بیلر | بیلر | بیلر | بیلر | بیلر | بیلر |

- اؤ منیم کییی دئ یل (دئیل)، اؤنون باشی ئوخ قاریشیق دیر، اؤنا وره ده اؤ بۇرادا از ؤروله بیلر.

فعل مجهول کمکی التزامی بوسیله اولماق به شکل زیر در زمان حال بکار رفته می شود :

زمان حال : من ؤروله بیل ملی اولورام. mən görülə bilməli oluram.
اؤنلار ؤروله بیل ملی اولورلار.

گذشته استمراری : من ؤروله بیل ملی اولوردوم. mən görülə bilməli olurdum.
اؤنلار ؤروله بیل ملی اولوردورلار.

فعل مجهول کمکی التزامی به شکل زیر بوسیله اولماق در آینده نزدیک برای ضمایر شخصی صرف می شود : (من می توانم به دیده شدن مجبور شوم .)

آینده نزدیک : من ؤروله بیل ملی اولارام. mən görülə bilməli olaram.

سن ۋروله بیل ملی اۇلارسان ، اۇ ۋروله بیل ملی اۇلار.

فعل مجهولِ کمکی همراه علامت التزامی بکیمک فعل اولماق به شکل زیر

بکار رفته شده و در فرم امری برای ضمائر شخصی صرف می شود :

من ۋروله بیل ملی اۇلوم mən görölə bilməliolum ، بیز ۋروله بیل ملی اۇلاق

سن ۋروله بیل ملی اۇل sən görölə bilməli ol ، سیز ۋروله بیل ملی اۇلون

اۇ ۋروله بیل ملی اۇلسون o görölə bilməli olsun ، اۇنلار ۋروله بیل ملی اۇلسونلار

فعلِ مجهولِ ارزویی :

فعل مجهولِ ارزویی ، ترکیبی از ریشه فعل ، علامت مجهولی و حرف اضافه ارزویی

ə است که به شکل زیر بکار رفته می شود :

اۇ الینا alına ، ساتیلا satıla ، یۇنولا yoluna ، کسیله kəsilə ، تیکیلە ، ...

- افعال مذکور به شکل زیر در جمله بکار رفته می شوند. مثال :

اۇ قۇزو ساتیلا بیر ، نه یاخشی اۇلار. ...

فعلی که آخرین حرف صدادران با اهنه آئینی باشد و به حرف a ختم شود ، به

شکل زیر در فرم مجهولِ ارزویی برای ضمائر شخصی صرف می شود :

| | | | | | |
|-------|------------|------------------|-----|------------|----------------|
| biz | atıla(ya)q | بیز اتیلاق | mən | atıla(ya)m | من اتیلا(یا) م |
| siz | atılasınız | سیز اتیلا سینیز | sən | atılasan | سن اتیلا سان |
| onlar | atılalar | اۇنلار اتیلا لار | o | atıla | اۇ اتیلا |

بۇ میوه لر ساتیلا لار بیر نه یاخشی اۇلار. بۇ اغاچلار کسیله لر بیر نه یاخشی اۇلار.

فعلی که آخرین حرف صدادران به حرف a ختم شود، به شکل زیر در فرم مجهولِ

ارزوئی برای ضمائر شخصی صرف می شود :

| | | |
|----------------|--------|-------------|
| mən oğula(ya)m | من | اوغولا(یا)م |
| sən oğulasan | سن | اوغولاسان |
| o oğula | او | اوغولا |
| biz oğula(ya)q | بیز | اوغولاق |
| siz oğulasınız | سیز | اوغولاسینیز |
| onlar oğulalar | اونلار | اوغولالار |

- بۇ کسکلر اوغولسالار بیر نه یاخشی اولار. بۇ تاختالار یونولالار بیر ، نه ؤزل اولارلار.

فعلی که آخرین حرف صدادار ان به حرف u ختم شود ، به شکل زیر در فرم مجهولی همراه علامت ارزوئی برای ضمائر شخصی صرف می شود :

| | | |
|-----------------|--------|-------------|
| mən vurula(ya)m | من | وورولام |
| sən vurulasan | سن | وورولاسان |
| o vurula | او | وورولا |
| biz vurula(ya)q | بیز | وورولاق |
| siz vurulasınız | سیز | وورولاسینیز |
| onlar vurulalar | اونلار | وورولالار |

- بۇ اغاجلار وورولسالار ، بۇرایا ون دوشر. قۇی بۇ اغاجلار وورولالار ، بلکه بۇرادا بیر ون دوشه.

- فعلی که آخرین حرف صدادار ان با اهن بالائی و با حرف i باشد ، به شکل زیر در فرم مجهول ارزوئی برای ضمائر شخصی صرف می شود :

| | | |
|-----------------|--------|--------------|
| mən bilinə(yə)m | من | بیلینه م |
| sən bilinəsən | سن | بیلینه سن |
| o bilinə | او | بیلینه |
| biz bilinə(yə)k | بیز | بیلینه ک |
| siz bilinəsiniz | سیز | بیلینه سینیز |
| onlar bilinələr | اونلار | بیلینه لر |

- اونون ، بۇ یس ایشلری بیلینه بیر. بۇ اورادا ؤرونه بیر. دۇغشان کبشسه بیر، بلکه یئری بیلینر.

بیلینمک: (علنی شدن ، دانسته شدن.) او کبشسه ، یئری بیلینر. او دانیشسا ، مقصدی بیلینر.

فعلی که آخرین حرف صدادار ان با اهن بالائی و با حرف صدادار غیر فعال (e) باشد ، به شکل زیر با حروف il به فرم مجهولی تبدیل شده و همراه علامت ارزوئی (ə)

برای ضمائر شخصی صرف می شود :

| | | | | |
|-------|-------------|-----------------|-----------------|-------------|
| biz | yeyilə(yə)k | بیز یعیله ک | mən yeyilə(yə)m | من یعیله م |
| siz | yeyiləsiniz | سیز یعیله سینیز | sen yeyiləsən | سن یعیله سن |
| onlar | yeyilələr | اونلار یعیله لر | o yeyilə | او یعیله |

من ایسته میرم محه لر بۇ مئشه ده قالام و ایت قۇرتدان (طرفیندن) یئ یله م .

یئ ، یئمک ، یئیلیمک ، یئیلر ، یئیلیمکده دیر .

بۇ اۇتلار قۇرو دۇرلار ، اۇنلارین استونه سۇ سین ، بلکه (ماللار طرفیندن) یئیلله لر .

الله ائیلله یه ، بیز له نه جان ، بیزیم ا یئلریمیز (وحشی حیوانلار طرفیندن) یئیلله یه لر .

- دئ در فرمهای مختلف : دئمک ، دئیلیمک ، دئیلر ، دئیلیر ، دئیلیمک ده دیر . دئیلیملی دیر .

فعل مجهول التزامی به کمک اؤلماق به شرح زیر در زمان حال برای ضمائر

شخصی صرف می شود :

| | | |
|-----------------------|--------|--------------------|
| mən görülməli oluram | بیز | ؤرولملی اؤلوروق |
| sən görülməli olursan | سیز | ؤرولملی اؤلورسونوز |
| o görülməli olur(dur) | اونلار | ؤرولملی اؤلورلار |

- او اؤلورولملی اؤلور . (او مجبور می شود که خود را نشان دهد . مجبوره دیده شدن می شود .)

- فعل مجهولی التزامی بکمک اؤلماق به شکل زیر در اینده نزدیک برای ضمائر

شخصی صرف می شود . مثال :

| | | |
|-----------------------|--------|--------------------|
| məm kəsilməli olaram | بیز | کسیلملی اۇلاریق |
| sən kəsilməli olarsan | سیز | کسیلملی اۇلارسینیز |
| o kəsilməli olar | اونلار | کسیلملی اۇلارلار |

- بۇرادان اۇتوبان سالینسا بۇ اغاجلار کسیلملی اۇلارلار .

فعل مجهول التزامی (با سوند ملی) ، که آخرین حرف صدادار ریشه ان با
اهن بالائی باشد ، به شکل زیر به کمک اولماق با علامت اجاق در زمان
اینده دور برای ضمائر شخصی صرف می شود :

| | | | |
|-------|-----------------------|--------|----------------------|
| mən | görülməli olacağam | من | ۋرولملی اولاجاغام |
| sən | görülməli olacaqsan | سن | ۋرولملی اولاجاق سان |
| o | görülməli olacaq | او | ۋرولملی اولاجاق |
| biz | görülməli olacağıq | بیز | ۋرولملی اولاجاغیق |
| siz | görülməli olacaqsınız | سیز | ۋرولملی اولاجاقسینیز |
| onlar | görülməli olacaqlar | اونلار | ۋرولملی اولاجاقلار |

- من اۇرادا قالسام ۋرولملی اولاجاغام . (من اۇرادا ۋرولمک زۇرۇندا قالاجاغام)

فعل مجهول کمکی التزامی با سوند ملی ، که آخرین حرف صدادار ریشه ان با
اهن بالائی باشد ، به شکل زیر برای ضمائر شخصی صرف می شود :

| | | | |
|-------|----------------------|--------|-------------------------|
| mən | görülə bilməliyəm | من | ۋرولە بیل ملی یم ، |
| sən | görülə bilməlisən | سن | ۋرولە بیل ملی سن ، |
| o | görülə bilməli (dir) | او | ۋرولە بیل ملی (دیر) ، |
| biz | görülə bilməliyik | بیز | ۋرولە بیل ملی ییک ، |
| siz | görülə bilməlisiniz | سیز | ۋرولە بیل ملی سینیز ، |
| onlar | görülə bilməlidirlər | اونلار | ۋرولە بیل ملی دیرلر ، |

اۇ ھرای دا بیر دفعە لیسە ئیدی و اۇرادا ۋرولە بیلملی دیر.

من رولە بیلملی یم . من مجبور ھستم که دیده شوم (خودم را نشان دهم.)

فعل مجهول کمکی همراه علامت التزامی (ملی) بکمک فعل اولماق به شکل زیر
بکار برفته می شود :

- حالت امری فعل مجهول کمکی التزامی بوسیله اُولماق به شکل زیر در جمله برای ضمایر شخصی صرف می شود :

من ۋەرولە بېل مىلى اۆلوم mən görüla bilməli olum ، بېز ۋەرولە بېل مىلى اۆلاق
سن ۋەرولە بېل مىلى اۆل sən görüla bilməli ol ، سېز ۋەرولە بېل مىلى اۆلون
اۆ ۋەرولە بېل مىلى اۆلسون o görüla bilməli olsun ، اۆنلار ۋەرولە بېل مىلى اۆلسونلار

- سىنا بۇ ارتجايى سياستمدارلار ايله دۇيلىسن ، اۋزونو اۋنلاردان كىنارا ك و
سىن اۋنلارىن بۇ يىس ايشلىرىنى و ايكى اوزلوكلرىنى يىزلىمە و قۇى اۋنلار
اينسانلارا اىخلاسىن و ئۇرولە يىلملى اۋلسون.

فعل مجهول کمکی التزامی بوسیله اولماق به شکل زیر با سوند ir, ur در زمان حال بکار رفته می شود. مثال :

مەن گۈرۈلە بىلمەي ئولۇرام. مەن غۇرۇلە يىل مىلى ئۇلۇرام. زىمان ھال :

سەن غۇرە يىلمىلى ئۇلۇرسەن . ئۇ غۇرۇلە يىلمىلى ئۇلۇر .

- فعل مجهول کمکی التزامی بکمک اولماق به شکل زیر در جمله در زمان آینده دور صرف می شود :

| | | | |
|-----|----------------------------|-----|-------------------------------|
| mən | görül bilməli olacağam | من | ئەرولە بیل ملی اۇلا جاعام |
| sən | görülə bilməli olacaqsan | سن | ئەرولە بیل ملی اۇلا جاق سان |
| o | görülə bilməli olacaq | اۇ | ئەرولە بیل ملی اۇلا جاق |
| biz | görülə bilməli olacağımız | بیز | ئەرولە بیل ملی اۇلا جاعیق |
| siz | görülə bilməli olacaqsınız | سیز | ئەرولە بیل ملی اۇلا جاق سینیز |

onlar görülmə bilməli olacaqlar اونلار غرولە بیل ملی اولاجاقلار

- فعل مجهول و مفهوم دیگر آن :

یش وئی : صاباحا هاوا یاخشی وورولور. sabaha hava yaxşı görülür.

[برای] فردا هوا خوب دیده می شود.

sənin gələcəyin aydın görülür . سنین لمه جه یین آیدین غرولور .

رسیده شدن ، تکامل یافتن :

bu meyvələr yeyilməlidir(lər). (این میوه خوردنی است). بۇ میوه لر یئی لملی دیر [لر].

bu ağacın meyvələri dərilməlidir(lər). بۇ آغاجین میوه لر ی دریل ملی دیر (لر).

bu otlar biçilməlidir(lər). (این علفها درو شدند). بۇ اوتلار بی یلم ملی دیر (لر).

bu qız ilə o oğlan evlənməlidirlər . بۇ قیز ایله او اۇغلان، ائولنیلم ملی دیرلر.

خواننده رامي و عزيز ، اين كتاب را مي توانيد از ادرس الكترونيك زير
مجاناً دونلود كنيد :

www.az-dili.com

لطفاً نظرات انتقادي و تكميلي خود را به ادرس زير ارسال كنيد :
Ali.Mohammadi@az-dili.com

لطفاً - ي اين كتاب را به دوستان خود بدهيد و يا اين كتاب را
به آنان معرفي كنيد !

نويسنده علي محمدي و نثيلي